



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# منطق ترجمه قرآن

دکتر محمد تقی رحمانی اصلپادانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# منطق ترجمه قرآن

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی ( صلی الله علیه وآله ) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۲۳	منطق ترجمه قرآن
۲۳	مشخصات کتاب
۲۳	اشاره
۲۷	سخن مرکز
۲۷	اشاره
۳۹	درآمد
۳۹	اهداف
۴۰	ویژگی ها
۴۱	توصیه ها
۴۲	سپاسگزاری
۴۵	۱- کلیات
۴۵	اشاره
۴۵	درآمد
۴۶	مفهوم شناسی ترجمه
۴۶	ریشه یابی واژه ترجمه
۴۷	کاربردهای واژه ترجمه
۴۹	معنای اصطلاحی ترجمه
۵۱	بررسی
۵۳	ارکان ترجمه
۵۳	ابعاد ترجمه
۵۴	نظریه ترجمه
۵۵	کتابشناسی ترجمه
۵۶	معرفی یک ارزشمند

۵۷	۲- پیشینه ترجمه های قرآن
۵۷	درآمد
۵۸	یکم: سیر تاریخی ترجمه های قرآن به زبان فارسی
۵۸	قرن نخست هجری
۶۰	قرن دوم هجری
۶۱	قرن سوم هجری
۶۲	قرن چهارم هجری
۶۲	اشاره
۶۲	۱. ترجمه تفسیر طبری (ترجمه رسمی)
۶۲	اشاره
۶۳	آیا ترجمه تفسیر طبری، نخستین ترجمه قرآن به فارسی بوده است؟
۶۵	بررسی
۶۵	۲. ترجمه آهنگین (بلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی)
۶۶	۳. بخشی از تفسیری کهن
۶۶	قرن پنجم هجری
۶۶	اشاره
۶۶	۱. ترجمه و تفسیر قرآن پاک
۶۷	۲. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم
۶۸	۳. ترجمه کمبریج (تفسیر قرآن مجید)
۷۰	۴. کوفی (سوره مائده از قرآن کوفی، با ترجمه استوار فارسی)
۷۰	۵. ترجمه ای قدیم از قرآن کریم
۷۰	۶. تفسیری بر عشری از قرآن مجید
۷۱	۷. ترجمه قرآن موزه پارس
۷۱	۸. تفسیر و ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری (ترجمه قصه های قرآن تربت جام)
۷۲	۹. تفسیر شنقشی (گزاره بخشی از قرآن کریم)
۷۲	قرن ششم هجری

۷۲	..... اشاره
۷۲	..... ۱. ترجمه و تفسیر کشف الاسرار میبدی
۷۳	..... ۲. تفسیر ابوالفتوح رازی
۷۵	..... ۳. قرآن شماره ۴
۷۵	..... ۴. تفسیر بصائر یمینی
۷۶	..... ۵. ترجمه قرآن، نسخه مورخ ۵۵۶ هجری (ترجمه قرآن ری)
۷۶	..... ۶. قرآن مترجم شماره ۷۷
۷۷	..... ۷. قرآن مترجم شماره ۳۷
۷۷	..... ۸. قرآن مترجم شماره ۱۴۶۸
۷۷	..... قرن هفتم هجری
۷۷	..... قرن هشتم هجری
۷۸	..... قرن نهم هجری
۷۸	..... اشاره
۷۸	..... ۱. «مواهب علیه» یا تفسیر حسینی
۷۹	..... ۲. قرآن مترجم شماره ۱۳۷
۷۹	..... ۳. قرآن مترجم شماره ۱۴۶
۷۹	..... ۴. قرآن مترجم شماره ۲۵۵
۷۹	..... قرن دهم هجری
۷۹	..... اشاره
۸۰	..... ۱. تفسیر ترجمه الخواص
۸۰	..... ۲. ترجمه مخدوم نوح
۸۰	..... ۳. تفسیر منهج الصادقین
۸۱	..... ۴. قرآن مترجم شماره ۱۵۰۲
۸۱	..... قرن یازدهم هجری
۸۱	..... اشاره
۸۱	..... ۱. قرآن مترجم شماره ۵۸۵

۸۱	۲. قرآن مترجم شماره ۱۷۰
۸۱	۳. قرآن مترجم شماره ۱۱۰
۸۲	۴. قرآن مترجم شماره ۱۳۴
۸۲	۵. قرآن مترجم شماره ۱۲۷
۸۲	۶. قرآن مترجم شماره ۱۵۱۷
۸۲	۷. قرآن مترجم شماره ۱۱۱
۸۲	۸. قرآن مترجم شماره ۱۰۴
۸۲	۹. قرآن مترجم شماره ۱۷۵
۸۳	۱۰. قرآن مترجم شماره ۱۵۰۵
۸۳	قرن دوازدهم هجری
۸۳	اشاره
۸۳	۱. فتح الرحمن، بترجمان القرآن (فتح الرحمن فی ترجمه القرآن)
۸۴	۲. قرآن مترجم شماره ۳۲۳
۸۴	۳. قرآن مترجم شماره ۱۱۶
۸۴	قرن سیزدهم هجری
۸۴	اشاره
۸۴	۱. تراجم استرآبادی
۸۴	۲. موعود الرحمن فی ترجمان القرآن
۸۵	۳. قرآن مترجم شماره ۲۱۷
۸۵	۴. قرآن مترجم شماره ۲۰۸
۸۵	۵. قرآن مترجم شماره ۱۰۱
۸۵	۶. قرآن مترجم شماره ۱۵۷۸
۸۶	قرن چهاردهم هجری
۸۶	اشاره
۸۶	جدول ترجمه های قدیم فارسی
۸۸	جدول ترجمه های معاصر فارسی



۹۰	دوم: ترجمه های قرآن به زبان های غیرفارسی
۹۰	اشاره
۹۱	فهرست نخستین ترجمه های کامل چاپ شده در زبان های مختلف
۹۳	فهرست نخستین ترجمه پاره ها و گزینش ها در زبان های مختلف
۹۵	جدول آماری شمارگان چاپ ترجمه های کامل، پاره ها و گزینشها
۹۸	۱. ترجمه قرآن به زبان ترکی
۹۸	اشاره
۱۰۰	ترجمه آذری قرآن در آسیای میانه
۱۰۱	جدول ترجمه یا «معالی» قرآن به ترکی
۱۰۱	جدول ترجمه قرآن به ترکی استانبولی
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	۱. ترجمه ها و تفاسیر کامل دوره عثمانی
۱۰۲	۲. ترجمه ها و تفاسیر دوره اعلان نظام جمهوری در سال ۱۹۲۳ تا اقتدار نظام لائیک
۱۰۳	۳. دوره اقتدار نظام لائیک و اعمال سیاست های ضد دینی از ۱۹۲۸ م تا ۱۹۴۷ م
۱۰۳	۴. دوره آغاز تغییرات در سیاست نظام لائیک در سال ۱۹۴۷
۱۰۵	۵. دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۹۷۹
۱۰۷	۶. ترجمه ها و تفاسیر کامل دهه ۹۰ تا سال ۱۹۹۸ م
۱۱۱	۲. ترجمه قرآن به زبان روسی
۱۱۱	اشاره
۱۱۲	جدول ترجمه های روسی
۱۱۳	۳. ترجمه قرآن به زبان های هندی
۱۱۳	اشاره
۱۱۳	۱. کهن ترین ترجمه به زبان هندی
۱۱۳	۲. کهن ترین ترجمه به زبان سنندی
۱۱۵	۳. کهن ترین ترجمه به زبان تامیلی
۱۱۵	۴. کهن ترین ترجمه به زبان پشتو

- ۱۱۵ ..... ۵. کهن ترین ترجمه به زبان پنجابی
- ۱۱۵ ..... ۶. کهن ترین ترجمه به زبان بنگالی
- ۱۱۶ ..... ۷. کهن ترین ترجمه به زبان گجراتی
- ۱۱۶ ..... ۸. کهن ترین ترجمه به زبان اردو
- ۱۱۶ ..... اشاره
- ۱۱۶ ..... جدول ترجمه های قرآن به زبان اردو
- ۱۱۷ ..... ۴. ترجمه قرآن به زبان های جنوب شرق آسیا
- ۱۱۷ ..... الف) ترجمه قرآن به زبان مالی و اندونزیایی
- ۱۱۸ ..... ب) ترجمه قرآن به زبان چینی
- ۱۱۹ ..... ج) ترجمه قرآن به زبان ژاپنی
- ۱۲۰ ..... د) ترجمه قرآن به زبان کره ای
- ۱۲۰ ..... ۵. ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی
- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... الف) ترجمه سواحلی
- ۱۲۲ ..... ب) ترجمه یوربا
- ۱۲۲ ..... ج) زبان الهوسا
- ۱۲۳ ..... ۶. ترجمه قرآن به زبان های اروپایی
- ۱۲۳ ..... اشاره
- ۱۲۳ ..... ترجمه اولیه قرآن در اروپا
- ۱۲۳ ..... اشاره
- ۱۲۴ ..... الف) ترجمه های لاتینی قرآن
- ۱۲۵ ..... ب) ترجمه های اسپانیایی قرآن
- ۱۲۵ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... جدول ترجمه های اسپانیایی قرآن
- ۱۲۷ ..... ج) ترجمه های ایتالیایی قرآن
- ۱۲۷ ..... اشاره

- ۱۲۹ ..... جدول ترجمه های ایتالیایی قرآن
- ۱۲۹ ..... (د) ترجمه های آلمانی قرآن
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... جدول ترجمه های آلمانی قرآن
- ۱۳۱ ..... (ه) ترجمه های فرانسوی قرآن
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۳ ..... جدول ترجمه های فرانسوی قرآن
- ۱۳۳ ..... (و) ترجمه های انگلیسی قرآن
- ۱۳۹ ..... (ز) ترجمه های انگلیسی آمریکایی قرآن
- ۱۴۰ ..... (ح) ترجمه های انگلیسی - اسرائیلی قرآن
- ۱۴۰ ..... اشاره
- ۱۴۲ ..... جدول ترجمه های معروف انگلیسی قرآن
- ۱۴۴ ..... پژوهش های جدید
- ۱۴۴ ..... منابع، جهت مطالعه بیشتر
- ۱۴۶ ..... ۳- مبانی و اصول ترجمه قرآن
- ۱۴۶ ..... اشاره
- ۱۴۶ ..... درآمد
- ۱۴۷ ..... مفهوم شناسی مبانی ترجمه
- ۱۴۷ ..... تاریخچه و کتابشناسی
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۵۰ ..... اول: مبانی وجودی ترجمه قرآن (امکان ترجمه)
- ۱۵۰ ..... اشاره
- ۱۵۰ ..... الف) دیدگاه عدم امکان ترجمه قرآن و دلایل آن
- ۱۵۴ ..... ب) دیدگاه امکان ترجمه قرآن و دلایل آن
- ۱۵۴ ..... اشاره
- ۱۵۴ ..... ۱. ترجمه مطلق و جایگزین:

۱۵۵	۲. ترجمه نسبی: .....
۱۵۵	نقد و بررسی دلایل عدم امکان ترجمه قرآن .....
۱۵۷	جمع بندی .....
۱۵۸	دوم: مبانی فقهی ترجمه قرآن .....
۱۵۸	اشاره .....
۱۵۸	۱. جواز شرعی ترجمه قرآن: .....
۱۵۸	اشاره .....
۱۶۰	الف) دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه .....
۱۶۰	۱. جهان شمولی پیام قرآن .....
۱۶۲	۲. سیره مسلمانان بر ترجمه قرآن .....
۱۶۳	۳. ترجمه قرآن، نوعی از تفسیر است .....
۱۶۴	شواهد و موبدات جواز شرعی ترجمه قرآن .....
۱۶۷	ب) دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه قرآن .....
۱۶۷	اشاره .....
۱۷۱	نقد و بررسی .....
۱۷۴	جمع بندی و نتیجه گیری .....
۱۷۵	۲. مبانی فقهی مذاهب اسلامی و تأثیر آن ها در ترجمه آیات الاحکام .....
۱۷۵	اشاره .....
۱۷۸	احکام فقهی ترجمه قرآن .....
۱۸۰	سوم: مبانی قرائی ترجمه قرآن .....
۱۸۰	اشاره .....
۱۸۱	پاسخ پرسش دوم .....
۱۸۲	پاسخ پرسش سوم .....
۱۸۳	چهارم: مبانی ادبی ترجمه قرآن .....
۱۸۳	اشاره .....
۱۸۳	الف) مبانی ادبی در زبان مبدأ (ادبیات عرب) .....

- ۱۸۳ ..... اشاره
- ۱۸۳ ..... ۱. قرآن، اصل است و ادبیات تابع آن
- ۱۸۳ ..... ۲. انتخاب دیدگاه مشهور ادیبان در ادبیات
- ۱۸۴ ..... ۳. استفاده از کتب قدیمی و اصیل لغت
- ۱۸۵ ..... ۴. استفاده از وجوه و نظائر در معانی واژه ها
- ۱۸۹ ..... ۵. انتخاب مبنا در الفاظ مترادف قرآن
- ۱۹۱ ..... ۶. توجه به فصاحت و بلاغت قرآن و تلاش برای انتقال آن به زبان مقصد
- ۱۹۲ ..... ۷. توجه به نقش تضمین در ترجمه قرآن
- ۱۹۳ ..... ۸. استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا
- ۱۹۴ ..... (ب) مبانی ادبی ترجمه قرآن در زبان مقصد (مثل فارسی، انگلیسی و...)
- ۱۹۴ ..... اشاره
- ۱۹۴ ..... ۱. انتخاب موضع در تعارض سلاست با دقت
- ۱۹۴ ..... ۲. حذف و اضافه موارد جزئی در ترجمه
- ۱۹۴ ..... اشاره
- ۱۹۷ ..... فهرست واژه های ترجمه نشده
- ۱۹۹ ..... ۳. لزوم تفاوت گذاری اصطلاحات و الفاظ مشابه زبان مبدأ و مقصد (جلوگیری از اختلاط اصطلاحات):
- ۲۰۰ ..... ۴. توجه به ساختار زبان مقصد (دستور زبان فارسی):
- ۲۰۱ ..... پنجم: مبانی تفسیری ترجمه قرآن
- ۲۰۱ ..... اشاره
- ۲۰۴ ..... ۱. ترجمه، همچون تفسیر با کمک منابع معتبر انجام شود
- ۲۰۵ ..... ۲. ممنوعیت تفسیر و ترجمه به رأی
- ۲۰۶ ..... ۳. توجه به پیش فرض های تفسیر قرآن
- ۲۰۷ ..... ۴. توجه به اهداف قرآن و سوره ها در ترجمه (همبستگی آیات)
- ۲۰۹ ..... ۵. توجه به بطون قرآن
- ۲۰۹ ..... ۶. توجه به مبانی جواز یا عدم جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا و تأثیر آن
- ۲۰۹ ..... ششم: مبانی کلامی ترجمه قرآن

۲۰۹	.....	اشاره
۲۱۱	.....	الف) صفات خبری و تجسیم و تشبیه
۲۱۱	.....	اشاره
۲۱۲	.....	بررسی
۲۱۴	.....	ب) جبر و اختیار
۲۱۴	.....	اشاره
۲۱۵	.....	آیات جبر
۲۱۶	.....	ج) عصمت پیامبران الهی
۲۱۶	.....	د) امامت و عدل
۲۱۶	.....	اشاره
۲۱۸	.....	تذکر مهم
۲۱۹	.....	هفتم: مبانی زبانشناختی ترجمه قرآن
۲۱۹	.....	اشاره
۲۲۰	.....	۱. واقع‌نمایی زبان قرآن
۲۲۰	.....	۲. عناصر فنی زبان قرآن
۲۲۲	.....	۳. اصطلاحات خاص در زبان قرآن
۲۲۲	.....	۴. توجه به کلمات کلیدی، کانونی و محوری
۲۲۲	.....	اشاره
۲۲۴	.....	کلمات کانونی
۲۲۵	.....	کلمات محوری
۲۲۶	.....	بررسی
۲۲۷	.....	۵. عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن
۲۲۸	.....	۶. تطور زبان مبدأ (و مقصد)
۲۲۹	.....	۷. انتخاب زبان مقصد
۲۳۰	.....	۸. چند ساحتی بودن زبان قرآن
۲۳۰	.....	هشتم: مبانی روش‌شناختی ترجمه قرآن

۲۳۰	..... اشاره
۲۳۲	..... پژوهش های جدید
۲۳۳	..... منابع جهت مطالعه بیشتر
۲۳۴	..... ۴- ضوابط و قواعد ترجمه قرآن
۲۳۴	..... اشاره
۲۳۴	..... مفهوم شناسی ضوابط و قواعد ترجمه قرآن
۲۳۴	..... اشاره
۲۳۴	..... اول: ضوابط موثر در اصل اعتبار ترجمه
۲۳۵	..... دوم: ضوابط و قواعد موثر در استواری و کمال ترجمه
۲۳۵	..... اشاره
۲۳۵	..... ۱. سلاست ترجمه (سادگی و روانی)
۲۳۷	..... ۲. امانت در ترجمه
۲۳۸	..... ۳. جداسازی متن ترجمه از توضیحات اضافی
۲۳۸	..... ۴. رعایت علایم نگارشی و سجاوندی (ویرایش)
۲۴۰	..... ۵. اختصار در ترجمه
۲۴۰	..... ۶. نظم و همگونی در ترجمه
۲۴۲	..... ۷. ترجمه، براساس نثر معیار و ادبیات پیشرفته
۲۴۴	..... ۸. توجه دقیق به دلالت های آیه
۲۴۵	..... ۹. انتخاب نزدیکترین معادل در زبان مقصد
۲۴۶	..... ۱۰. انتقال بار عاطفی جملات و سبک بیان برای تأثیرگذاری
۲۴۸	..... ۱۱. توجه به پیوستگی و ارتباط بخش های مختلف متن
۲۴۸	..... اشاره
۲۵۰	..... بررسی
۲۵۰	..... ۱۲. ترجمه نکردن آیات متشابه و حروف مقطعه
۲۵۱	..... ۱۳. چاپ متن عربی قرآن، در کنار متن ترجمه
۲۵۱	..... اشاره

- ۲۵۲ ..... بررسی
- ۲۵۲ ..... ۱۴. توضیحات لازم در پاورقی ترجمه
- ۲۵۲ ..... اشاره
- ۲۵۳ ..... بررسی
- ۲۵۵ ..... پژوهش های جدید
- ۲۵۵ ..... منابع جهت مطالعه بیشتر
- ۲۵۶ ..... ۵- شرایط مترجم و تأثیر آن ها در ترجمه قرآن
- ۲۵۶ ..... اشاره
- ۲۵۶ ..... پیشینه
- ۲۵۷ ..... نخست: شرایط عام مترجم
- ۲۵۷ ..... اشاره
- ۲۵۷ ..... الف) شرایط لازم برای هر مترجم:
- ۲۵۷ ..... اشاره
- ۲۵۷ ..... ۱. آگاهی از زبان مبدأ و مقصد
- ۲۵۸ ..... ۲. آگاهی از موضوع ترجمه
- ۲۵۸ ..... ۳. نداشتن پیش داوری در ترجمه
- ۲۵۹ ..... ب) شرایط کمال مترجم
- ۲۵۹ ..... اشاره
- ۲۵۹ ..... ۱. روشمندی در ترجمه
- ۲۶۰ ..... ۲. توانایی نویسندگی
- ۲۶۰ ..... ۳. تمرین و ممارست
- ۲۶۱ ..... ۴. اعمال ذوق و سلیقه (هنرمندی در ترجمه)
- ۲۶۱ ..... ۵. آگاهی از بار عاطفی واژه ها و جمله ها
- ۲۶۲ ..... ۶. مراجعه پیوسته به منابع
- ۲۶۴ ..... دوم: شرایط خاص مترجم قرآن
- ۲۶۴ ..... اشاره



۱. دارا بودن شرایط مفسر قرآن ..... ۲۶۴
۲. پرهیز از ترجمه به رأی ..... ۲۶۹
۳. طهارت روحی و رعایت آداب و اخلاق و احکام ..... ۲۷۰
۴. کار گروهی در ترجمه قرآن ..... ۲۷۱
۵. ارائه ترجمه همراه با تفسیر و متن قرآن ..... ۲۷۳
- تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن ..... ۲۷۳
- درآمد ..... ۲۷۳
۱. تأثیر دانش فقه در ترجمه قرآن ..... ۲۷۴
۲. تأثیر علوم تجربی در ترجمه قرآن ..... ۲۷۸
- اشاره ..... ۲۷۸
- «منی» از نظر علم پزشکی ..... ۲۷۹
- اشاره ..... ۲۷۹
- بررسی ..... ۲۸۲
۱. ماء دافق ..... ۲۸۴
- اشاره ..... ۲۸۴
- بررسی ..... ۲۸۴
۲. صلب ..... ۲۸۵
- اشاره ..... ۲۸۵
- بررسی ..... ۲۸۶
۳. ترائب ..... ۲۸۷
- اشاره ..... ۲۸۷
- بررسی ..... ۲۹۰
- نتیجه گیری ..... ۲۹۳
۳. تأثیر دانش ادبیات عرب در ترجمه قرآن ..... ۲۹۳
- درآمد ..... ۲۹۳
- بررسی ..... ۲۹۴

۲۹۶	بررسی
۲۹۹	۴. تأثیر دانش تفسیر در ترجمه قرآن
۳۰۲	۵. تأثیر واژه شناسی در ترجمه قرآن
۳۰۲	اشاره
۳۰۶	پژوهش های جدید
۳۰۷	منابع، جهت مطالعه بیشتر
۳۰۹	۶- روش ها و سبک های ترجمه قرآن
۳۰۹	اشاره
۳۰۹	درآمد
۳۰۹	مفهوم شناسی
۳۱۰	پیشینه و کتابشناسی
۳۱۳	بررسی
۳۱۶	تقسیمات روش ها و سبک های ترجمه
۳۱۶	اشاره
۳۱۶	نخست: روش های ترجمه قرآن
۳۱۶	دوم: سبک های ترجمه قرآن
۳۱۶	اشاره
۳۱۶	الف) تقسیم ترجمه ها بر اساس «هدف مترجم»
۳۱۷	ب) تقسیم ترجمه ها بر اساس «مخاطبین»
۳۱۷	ج) تقسیم ترجمه ها بر اساس «زبان ترجمه»
۳۱۷	د) تقسیم ترجمه ها بر اساس «وجود اضافات و عدم آن ها»
۳۱۷	ه) تقسیم ترجمه ها بر اساس «گرایشات و عدم آن ها»
۳۱۷	و) تقسیم ترجمه ها بر اساس «اعتبار ترجمه و مترجم»
۳۱۷	ز) ترجمه های هنری
۳۱۸	یک: روش های ترجمه
۳۱۸	اشاره

- ۳۱۸ ..... الف) کلمه به کلمه: (ترجمه تحت اللفظی، حرفی، همگون)
- ۳۱۹ ..... دوم: ترجمه تحت اللفظی
- ۳۱۹ ..... اشاره
- ۳۲۰ ..... بررسی
- ۳۲۳ ..... ب) ترجمه آزاد (تفسیری، خلاصه التفسیر)
- ۳۲۴ ..... بررسی
- ۳۲۵ ..... ج) ترجمه جمله به جمله (هسته به هسته، معنوی، امین، پایبند، محتوا به محتوا)
- ۳۲۵ ..... اشاره
- ۳۲۷ ..... بررسی
- ۳۲۷ ..... سبک های ترجمه
- ۳۲۸ ..... نخست: تقسیم ترجمه ها بر اساس هدف مترجم
- ۳۲۸ ..... اشاره
- ۳۲۸ ..... بررسی
- ۳۲۹ ..... دوم: تقسیم ترجمه ها بر اساس مخاطبین
- ۳۲۹ ..... الف) ترجمه برای عموم مردم
- ۳۲۹ ..... ب) ترجمه تخصصی
- ۳۳۰ ..... بررسی
- ۳۳۱ ..... سوم: تقسیم ترجمه ها بر اساس زبان ترجمه
- ۳۳۱ ..... اشاره
- ۳۳۱ ..... الف) ترجمه به زبان عرف (زبان معیار)
- ۳۳۲ ..... ب) ترجمه به زبان فنی
- ۳۳۲ ..... بررسی
- ۳۳۳ ..... چهارم: تقسیم ترجمه ها، بر اساس وجود اضافات در ترجمه و عدم آن
- ۳۳۳ ..... اشاره
- ۳۳۴ ..... بررسی
- ۳۳۵ ..... پنجم: تقسیم ترجمه ها، بر اساس گرایش ها و عدم آن ها

- ۳۳۵ ..... الف) ترجمه بی طرف (بدون لحاظ گرایش‌های کلامی و فلسفی خاص):
- ۳۳۵ ..... ب) ترجمه براساس گرایش خاص فلسفی، کلامی و مذهبی:
- ۳۳۶ ..... بررسی
- ۳۳۷ ..... ششم: تقسیم ترجمه‌ها، براساس اعتبار مترجم و ترجمه
- ۳۳۷ ..... الف) ترجمه غیر معتبر
- ۳۳۸ ..... ب) ترجمه معتبر
- ۳۳۸ ..... بررسی
- ۳۳۹ ..... هفتم: تقسیم ترجمه، براساس عناصر هنری
- ۳۳۹ ..... الف) ترجمه نثر و بدون آهنگ
- ۳۳۹ ..... ب) ترجمه‌های هنری
- ۳۳۹ ..... اشاره
- ۳۳۹ ..... ۱. ترجمه منظوم
- ۳۴۰ ..... ۲. ترجمه آوایی
- ۳۴۱ ..... بررسی
- ۳۴۱ ..... یادآوری
- ۳۴۳ ..... پژوهش‌های جدید
- ۳۴۳ ..... منابع جهت مطالعه بیشتر
- ۳۴۵ ..... ۷- آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن
- ۳۴۵ ..... اشاره
- ۳۴۵ ..... درآمد
- ۳۴۵ ..... روش‌شناسی نقد ترجمه‌های قرآن
- ۳۴۵ ..... اشاره
- ۳۴۶ ..... الف) نقد و بررسی خاص
- ۳۴۶ ..... اشاره
- ۳۴۶ ..... ۱. نقد و بررسی ترتیبی یک ترجمه
- ۳۴۶ ..... ۲. نقد و بررسی موضوعی یک ترجمه

- ۳۴۶ ..... (ب) نقد و بررسی عام
- ۳۴۷ ..... تاریخچه نقد ترجمه های قرآن
- ۳۴۷ ..... کتابشناسی نقد ترجمه های قرآن
- ۳۴۸ ..... مقاله شناسی نقد ترجمه های قرآن
- ۳۵۹ ..... تقسیم بندی آسیب های ترجمه های قرآن
- ۳۵۹ ..... اشاره
- ۳۵۹ ..... نخست: آسیب های علمی ترجمه
- ۳۵۹ ..... اشاره
- ۳۶۰ ..... یادآوری
- ۳۶۰ ..... دوم: آسیب های فنی ترجمه
- ۳۶۶ ..... سوم: آسیب های روش شناختی و سبک شناختی ترجمه
- ۳۶۶ ..... چهارم: آسیب های مبنایی ترجمه
- ۳۶۷ ..... پنجم: آسیب های اخلاقی در ترجمه
- ۳۶۷ ..... اشاره
- ۳۶۷ ..... ۱. تعصب های قومی و مذهبی و کلامی
- ۳۶۷ ..... ۲. تقلید
- ۳۶۸ ..... ششم: آسیب های ترجمه های مستشرقان
- ۳۶۸ ..... اشاره
- ۳۷۱ ..... بررسی
- ۳۷۵ ..... ۸- پژوهش های کارگاهی
- ۳۷۵ ..... اشاره
- ۳۹۰ ..... پژوهش های جدید
- ۳۹۰ ..... منابع، جهت مطالعه بیشتر
- ۳۹۱ ..... ۹- «ضمایم»، «شیوه نامه ترجمه کتاب مقدس و نیایشها»
- ۳۹۱ ..... اشاره
- ۳۹۱ ..... اشاره

در باب ترجمه متون نیایشی به زبان های بومی ----- ۳۹۲

۱. اصول کلی کاربردی در همه ترجمه ها ----- ۳۹۲

۲. دیگر هنجارهای مربوط به ترجمه کتاب مقدس و آماده سازی بخش هایی از ..... ۴۰۰

۳. هنجارهای مربوط به ترجمه دیگر متون نیایشی ..... ۴۰۵

اشاره ..... ۴۰۵

الف) واژگان ..... ۴۰۶

ب) نحو، سبک و گونه ادبی ..... ۴۰۹

کتابنامه ..... ۴۱۳

درباره مرکز ..... ۴۴۰

سرشناسه: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: منطق ترجمه قرآن [کتاب] / محمدعلی رضایی اصفهانی.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۴۳۳ق. = ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۴۷ص.

فروست: پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله؛ ۸۳.

شابک: ۹۱۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۶۱۹-۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان "منطق ترجمه قرآن: مبانی قواعد روش ها سبکها آسیب شناسی ... " در سال ۱۳۸۶ توسط نشر مرکز جهانی علوم اسلامی منتشر شده است.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۳۷]-۴۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: منطق ترجمه قرآن: مبانی قواعد روش ها سبکها آسیب شناسی ...

موضوع: قرآن -- ترجمه ها

رده بندی کنگره: ۶/۶BP۶۰/۸م۶ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۱۷۸۶

ص: ۱









برنامه ریزی آموزشی، باید امری پویا و متناسب با دگرگونی‌هایی باشد که در ساختار دانش و رشته‌های علمی پدید می‌آیند.

تحوّلات اجتماعی، نیازهای نوظهور فراگیران و مقتضیات جدید دانش، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های نوینی را فرا می‌خواند که پاسخگویی به آن‌ها، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصص را ضروری می‌نماید.

گسترش فرهنگ‌های سلطه‌گر جهانی و جهانی شدن فرهنگ در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، مشکلات و نیازهای نوظهوری را پیش رو گذارده است که رویارویی منطقی با آن‌ها، تنها در پرتو آراستن افراد به اندیشه‌های بارور، ارزش‌های متعالی و رفتارهای منطقی که در قالب موقعیت‌های رسمی آموزشگاهی با ایجاد رشته‌های جدید و گسترش دامنه آموزش‌ها، مهارت‌ها و تربیت سازمان یافته صورت گیرد، امکان پذیر است.

بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی استوار، قاعده مند و تجربه پذیر است که در آن برنامه‌های آموزشی، متن‌های درسی و استادان، ارکان اصلی به شمار می‌آیند؛ پویایی برنامه آموزشی نیز، به هماهنگی آن با نیاز زمان، استعداد دانش‌پژوهان و امکانات موجود، وابسته است؛ چنانکه استواری متن‌های درسی به ارائه تازه‌ترین دستاوردهای علم در قالب نوترین شیوه‌ها و فناوری‌های آموزشی بستگی دارد.

بازنگری متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و روزآمد کردن آن‌ها، به حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی کمک می‌رساند.

حوزه‌های علوم دینی به برکت «انقلاب شکوهمند اسلامی»، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند؛ در همین راستا مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت تعلیم و تربیت طلاب غیرایرانی را بر عهده دارد، به پی‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی اقدام نمود.

این دفتر با ارج نهادن به تلاش‌های صورت‌گرفته و خوشه‌چینی از خرمن دانش عالمان گرانقدر بر آن شد تا با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید آموزشی و تازه‌ترین دستاوردهای علمی، به تهیه متن‌های آموزشی بپردازد. تدوین و نشر بیش از هشتاد متن درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

نوشتار حاضر که با عنوان منطق ترجمه قرآن به بررسی و تبیین مبانی، قواعد، روش‌ها، سبک‌ها، آسیب‌شناسی ترجمه و شرایط مترجم می‌پردازد، حاصل تلاش علمی و درخور تقدیر جناب آقای حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضائی اصفهانی - دام توفیقه - است که از ایشان و دیگر فرزانه‌گانی که در به‌ثمر رسیدن این اثر بذل عنایت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

در پایان، ارباب فضل و معرفت را به یاری خواننده، چشم‌امید به نقد و نظر آنان دوخته‌ایم.

مرکز جهانی علوم اسلامی

دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی

پاییز ۱۳۸۶

ص: ۶























سپاس فراوان به درگاه خدای عزیز و علیم که به ما توفیق تدبیر، تفکر، ترجمه و تفسیر کتاب خویش را عنایت فرمود و ما را خدمتگزار آستان قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرارداد.

قرآن کریم، کتابی ژرف و پر محتواست که هر کس به فراخور دانش و توان خویش از این سفره الاهی خوشه چینی می کند؛ در این میان برخی افراد، همچون:

مترجمان و مفسران، در تلاشند که یافته های ارزشمند خود را به دیگران منتقل سازند تا تشنه کامان معارف اسلامی از چشمه زلال قرآن سیراب شوند.

در طول هزار و چهار صد ساله گذشته، ترجمه های متنوعی از قرآن به زبان های مختلف انجام گرفته که هر یک، بر اساس روش و سبک و با مبانی خاص تفسیری، کلامی و... ارائه شده اند؛ شناخت این مترجمان و ترجمه های آن ها و ارائه ترجمه های جدید از قرآن، در گرو آشنایی با روش ها و سبک ها و مبانی آن هاست.

## اهداف

کتاب حاضر، اهداف کلی زیر را دنبال می کند:

الف) تبیین منطق ترجمه قرآن از طریق تحلیل روش ها، سبک ها و مبناهایی که تاکنون در حوزه ترجمه قرآن به کار رفته اند؛ تذکر: «منطق ترجمه قرآن» عبارت است از روش ها، سبک ها، مبانی، اصول، ضوابط و قواعد ترجمه که شناخت و مراعات آن ها، از خطاهای مترجم جلوگیری نموده و یا آن ها را کاهش می دهد.

ب) آسیب شناسی روش ها و سبک ها و مبانی و قواعد ترجمه قرآن؛

ج) بررسی سیر تاریخی ترجمه های قرآن و تحلیل روش شناختی و آسیب شناختی آن ها؛

د) سامان دهی روش ها، سبک ها و مبانی و قواعد ترجمه قرآن.

## ویژگی ها

۱. تبیین جداگانه تاریخچه ترجمه، روش ها، سبک ها، مبانی، اصول، قواعد، ضوابط و شرایط مترجم؛ به گونه ای که هر یک، مبحث مستقلی را تشکیل داده و از خلط آن ها جلوگیری می شود؛

۲. ارائه مطالب به صورت فصل بندی و درسی، که می توان هر فصل را به عنوان یک یا دو درس مستقل مورد توجه قرار داد؛

۳. تبیین اهداف آموزشی هر فصل، که خط کلی آن مبحث را برای استاد و دانش پژوه روشن می سازد؛

۴. موضوعاتی برای پژوهش و منابعی جهت تحقیق در زمینه های مربوط در پایان هر فصل ارائه شده که فضاهای جدید پژوهشی را به روی خواننده می گشاید؛

۵. مثال ها و نقدهای زیادی از ترجمه های قرآن به مناسبت هر مبحث بیان شده است؛

۶. کتابشناسی هر مبحث در ابتدای فصل آمده است، علاوه بر آنکه فهرست منابع کتاب، خود، کتابشناسی مفصل و کاملی را ارائه می کند؛

۷. در بخش پایانی کتاب، ملحقاتی آمده است که مطالعه آن ها بسیار سودمند خواهد بود؛ از جمله: شیوه نامه ترجمه کتاب مقدس؛

۸. آزمایش مکرر این کتاب و مطالب آن در فرایند آموزشی رشته های تخصصی «تفسیر» و «علوم قرآن» حوزه علمیه قم، مرکز جهانی علوم اسلامی و مراکز علمی دیگر و بازخوردگیری و اعمال اصلاحات.



توجه به نکات زیر می تواند برای اساتید و دانش پژوهان محترم سودمند باشد:

۱. اهداف آموزشی که در اول هر فصل آمده، خطوط اصلی مبحث را روشن می سازد که استاد محترم آن ها را بیان نموده و مطالعه جزئیات را به عهده دانش پژوهان واگذار می کند؛

۲. انجام پژوهش های جدید مربوط به هر فصل به عهده برخی از دانش پژوهان واگذار می شود که گزارش آن و در کلاس به صورت کنفرانس و در پایان ترم به صورت تحقیق قابل ارائه خواهد بود.

۳. پیشنهاد می شود که هر جلسه درس ترجمه به سه بخش تقسیم شود:

بخش نخست: بیان مطالب نظری ترجمه، توسط استاد؛

بخش دوم: کنفرانس دانش پژوهان در پژوهش های جدید یا گزارشی از یک ترجمه و نقد آن؛

بخش سوم: بررسی ترجمه های یک آیه در کلاس؛

تذکر: در فصل پایانی کتاب، ده ترجمه مشهور از سوره حمد و هشت آیه از سوره بقره ذکر شده است تا استادان و دانش پژوهان بتوانند در هر جلسه به نقد یک آیه به صورت کارگاه آموزشی اقدام کنند؛

۴. بهتر است نمره پایان ترم کلاس ترجمه به چهار بخش تقسیم شود: بخشی برای کنفرانس و بخشی برای نگارش تحقیق بخشی برای تمرین های عملی در کلاس و بخشی نیز برای امتحان؛

۵. در ضمن تدریس هر فصل، ارائه مثال های موجود در آن فصل، می تواند به روشتر شدن مطالب کمک نماید؛

۶. در هر جلسه درس، یک ترجمه یا کتاب منبع، جهت ترجمه شناسی (که در

ابتدای هر فصل معرفی شده) در کلاس درس قابل ارائه است؛ بدین گونه دانش پژوهان با منابع مزبور بیشتر آشنا می شوند؛

۷. می توان یک جلسه درس را به بازدید از مرکز ترجمه قرآن و کتابخانه غنی آن اختصاص داد؛

۸. چنانچه زمان و ظرفیت اجازه دهد، بخش ملحقات (به ویژه شیوه نامه ترجمه کتاب مقدس) نیز در کلاس قابل طرح می باشد؛

۹. الزام دانش پژوهان به مطالعه یکی از ترجمه های قرآن و نقدهای مربوط (حدود ۵۰۰ مقاله در مورد نقدهای ترجمه در متن معرفی شده است) و سپس ارائه آن در کلاس، به صورت کنفرانس؛

۱۰. تمام دانش پژوهان ملزم شوند که یک سوره کوچک را در ده ترجمه صورت گرفته از قرآن بررسی و نقد نموده و سپس ترجمه ای از خویش ارائه دهند؛

۱۱. دانش پژوهانی که از ملیت های غیرایرانی هستند، ضمن ارائه کنفرانسی درباره ترجمه های موجود قرآن در کشور خود به نقد و بررسی برخی از آن ها بپردازند؛

۱۲. کلاس ترجمه قرآن با رویکرد کارگاه آموزشی برگزار شده، و دانش پژوهان با هدایت و جمع بندی استاد به تفکر و نقد ترجمه ها، روش ها و مبانی آن ها سوق داده شوند؛ به عبارت دیگر: کلاس ترجمه قرآن، تن ها بر محفوظات دانش پژوهان نیفزاید، بلکه منطبق ترجمه قرآن را به آن ها بیاموزد، تا در پایان دوره تحصیلی توان تشخیص ترجمه صحیح، نقد ترجمه های دیگران و ارائه ترجمه جدید را داشته باشند.

## سپاسگزارى

در اینجا از همه همکاران ترجمه جمعی قرآن، اساتید محترم حجج اسلام: شهید غلامعلی همائی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و اساتیدی که ما را با پیشن هادها و انتقادات سازنده خود یاری می کنند،

همچنین مسئول دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی، حجهالاسلام والمسلمین عزالدین رضانژاد و همکارانشان که با پی گیری ها و حمایت های خود در به ثمر رسیدن این اثر تلاش و مساعدت نموده اند تشکر می کنم؛ امید است خدای متعال، پاداش کاملی به عزیزان عنایت فرماید.

والحمد لله رب العالمین

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۱۳۸۵/۴/۱۱

ص: ۲۱

صفحه سفید، ۲۲

ص: ۲۲

اهداف آموزشی: ۱) شناخت معنای «ترجمه» در لغت و اصطلاح و کاربردهای آن؛ ۲) آشنایی با تاریخچه ترجمه قرآن به زبان فارسی؛ ۳) آشنایی با تاریخچه ترجمه قرآن به زبان های دیگر.

قرآن کریم، کتاب با عظمتی است که در طول اعصار، بشریت را همواره از زلال معارف خود سیراب و تشنگان حقیقت را مجذوب خود ساخته است.

برای روشن ساختن حقایق قرآن، تاکنون صدها تفسیر نگاشته شده است؛ ولی همه افراد و شیفتگان با زبان عربی آشنا نیستند تا به طور مستقیم از قرآن و تفسیر عربی آن استفاده کنند؛ از این رو، همچنین، صدها ترجمه از قرآن در سراسر جهان صورت گرفته تا همه ملت ها بتوانند از معانی این نور الاهی بهره مند شوند.

نگارش ترجمه های قرآن، در طول تاریخ اسلام، سیر تکاملی داشته و با روش ها، سبک ها و مبانی گوناگون، گاه مطلوب، گاه غیر مطلوب و گاه با لغزش هایی صورت گرفته که لازم است این موارد بازشناسی شوند تا چراغ راه مترجمان آینده باشد؛ کتاب حاضر در پی روشن سازی این موارد است که خود، موضوعی بس بزرگ و با اهمیت تلقی می شود و بدیهی است این کتاب گامی آغازین در این مسیر بوده و تلاش اصلی به عهده پژوهشگران قرآنی است که در مورد آن تعمق و تحقیق بیشتری مبذول دارند تا بتوانند علم ترجمه را با فن ترجمه و هنر ترجمه درآمیزند.

در مورد ریشه واژه «ترجمه» دیدگاه های متفاوتی وجود دارد:

الف) برخی واژه ترجمه را کلمه ای عربی دانسته و درباره ریشه آن ها، نظرات زیر را ارائه داده اند:

۱. ترجمه از ریشه «رجم» است که در اصل به معنای «سنگ پرنی» است و «ترجمان» نیز از همین ماده است؛ (۱)۲. از ریشه «تَرْجَمَ» چهار حرفی است. (۲) لسان العرب «ترجمان» را هم در ماده «رجم» و هم ماده «ترجم» آورده است؛ اما در ماده «تَرْجَمَ» می نویسد: معنای آن مفسر زبان است و جمع آن «ترجم» است و تا و نون (در ترجمان) زایده است. (۳)ب) برخی واژه «ترجمه» را کلمه ای غیر عربی دانسته اند که وارد عربی شده است؛ این افراد ریشه آن را چند گونه بیان کرده اند:

۱. «ترجمه» را از کلمه سریانی «ترگمانا» (۴) یا کلمه آرامی «ترگوم» (۵) یا «ترگومین» (۶) انگاشته اند که «ترگوم» به ترجمه آرامی کتاب «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) گفته شده است؛ (۷)۲. «ترجمان» از ریشه «ترزبان» فارسی بوده است (۸) که آن را معرب کردند و ترزقان گفته اند؛ (۹)

ص: ۲۴

- 
- ۱- (۱). المفردات، الراغب الاصفهانی، ماده رجم.
  - ۲- (۲). المصباح المنیر، الفیومی، ج ۱، ص ۹۲ و الذریعه، آغا بزرگ الطهرانی، ج ۴، ص ۷۲ - ۷۳.
  - ۳- (۳). لسان العرب، ج ۲، ص ۲۶ و ج ۵، ص ۱۶۲.
  - ۴- (۴) ۱. Targmana.
  - ۵- (۵) ۲. Targom.
  - ۶- (۶) ۳. Targumin.
  - ۷- (۷). نک: دائره المعارف فارسی، مصاحب، ص ۶۳۳ و غرائب اللغه العربیه، الاب رفائیل نخله الیسوعی، ص ۱۷۵.
  - ۸- (۸). غرائب اللغه العربیه، الاب رفائیل نخله الیسوعی، ص ۱۷۵.
  - ۹- (۹). لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۵۵۸.

۳. «ترجمه»، از ریشه «رجم» کلدانی به معنای افکندن است. (۱) در فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی آمده است:

«تَرْجَمَ (به زبان دیگری در آوردن): در زبان آرامی و عبری تَرْجَمَ (۲) و در زبان سریانی، برابر تَرْجَمَ (۳) است». (۴)

## کاربردهای واژه ترجمه

واژه «ترجمه»، در طول تاریخ در معانی مختلفی استعمال شده است از جمله:

۱. بیان سیره و اخلاق و نسبت اشخاص؛ از این رو، به شرح حال بزرگان «ترجمه احوال یا ترجمه مولف» گفته می شد؛ بنابراین «کتاب تراجم» به کتابی گفته می شود که به سرگذشت و احوال اشخاص و یا شخص معینی می پردازد؛ (۵) به مقدمه کتاب که دیباچه یا گزارشی از کتاب است «ترجمه الكتاب» گفته می شود؛ (۶) تبلیغ و رساندن کلام به کسی که آن را نشنیده است؛ (۷) از این رو، به واسطه های سیاسی و تجاری میان دولت ها و ملت های غیر اسلامی، ترجمان اطلاق می شده است و این یکی از منصب های حکومت عثمانی به شمار می آمد؛ (۸) رمز و معما؛ (۹) تفسیر و شرح کلام به زبان اصلی؛ از این رو طبری و زمخشری «ترجمه» را به

ص: ۲۵

---

۱- (۱) . محیط المحيط، پطرس البستانی، به نقل از تاریخ قرآن، محمود رامیار، ص ۶۴۶.

۲- (۲) . ۱. Tergem.

۳- (۳) . ۲. Targem.

۴- (۴) . فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی، دکتر محمد جواد مشکور، ج ۱، ص ۹۸.

۵- (۵) . الذریعه، آغا بزرگ الطهرانی، ج ۴، ص ۹۵ و ۹۸.

۶- (۶) . المنجد فی اللغه، ص ۶۰ و نیز نک: اقرب الموارد، کلمه ترجمه.

۷- (۷) . تاریخ قرآن، دکتر رامیار، ص ۶۴۶.

۸- (۸) . دائرهالمعارف الاسلامیه، ج ۵، ص ۲۲ - ۲۳.

۹- (۹) . لغت نامه دهخدا، ماده ترجمه.

معنای «بیان و تفسیر» به کار برده اند و به ابن عباس «ترجمان القرآن» گفته شده، همچنین به مفسران قرآن، به طور عموم «ترجمه القرآن» اطلاق شده است؛ (۱) ۶. برگردان کلامی از لغتی به لغت دیگر، (۲) گفتاری یا نوشته ای را، از زبانی به زبانی دیگر برگرداندن و بیان کردن کلامی یا عبارتی را از زبانی به زبان دیگر: (۳) در حدیث «هرقل» آمده است که برای فهم معنای نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «دعا بترجمانه... ثم قال لترجمانه، قل لهم...». (۴) و نیز حکایت شده که: «چون رسولان خسرو پرویز با نامه به اذن به خدمت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند، آن حضرت، سلمان فارسی را بخواند تا ترجمان کند.» و یا در این جمله: «عبدالطلب به کمک «ترجمان» از مقصود ابرهه آگاه می شود، سپس سخنان او را نیز یک «ترجمان» برای ابرهه بازگو می کند». (۵) واژه «ترجمه» در اعصار گذشته زبان فارسی به معنای امروزی آن نبوده است، بلکه در قرن چهارم هجری به معنای «شرح و تفسیر و بیان» و شاید «تلخیص» به کار رفته است.

برای مثال در «ترجمه تفسیر طبری» (ترجمه رسمی) مواردی یافت می شود که واژه «ترجمه» به معنای «تفسیر» به کار رفته است و در هیچ جای کتاب ندیده ایم که براستی در معنای «ترجمه» (به مفهوم امروزی آن) به کار رفته باشد؛ در ذیل سوره نحل (۱۲۱۲/۷) این عبارت آمده است: «لکن به ترجمه این سوره، این قصه های ایشان، بتمامی گفته آید».

ص: ۲۶

---

۱- (۱). نک: تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۶، ۲۴، ۳۲، ۵۷، ۶۷ و ۷۵.

۲- (۲). لسان العرب، ج ۲، ص ۲۶

۳- (۳). لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۵۶۰

۴- (۴). صحیح البخاری، ج ۱، کتاب اول، باب ۶، ص ۵

۵- (۵). ترجمه تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۵ و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۶ (با تلخیص).



پیدااست که مراد از «ترجمه» در عبارت مزبور، نه ترجمه، که همان داستان هاست، پس به عبارتی می توان گفت که «ترجمه» به معنای «تفسیر» بوده است نه چیز دیگر.

همچنین، در آغاز قرن پنجم قمری، در «تفسیر کمبریج»، (۱) لفظ «تفسیر» به جای «ترجمه» سخت رواج داشت. (۲) و در زمان بیهقی (م ۴۷۰ ق.). لفظ «ترجمه»، گویی میان دو معنای ترجمه از یک سو، و «شرح» و «تفسیر» و یا «گزارش»، از سوی دیگر، در تردد بوده است.

و در نیمه دوم قرن پنجم قمری، کلمه «ترجمه» به سوی معنای امروزی میل پیدا کرد؛ مثلاً: در «قابوس نامه»ی عنصر المعالی (م ۴۶۲ ق.). کلمه «ترجمه» به این معنای اخیر استعمال شده است.

از قرن ششم قمری در کتاب هایی چون داستان های بید پای «کلیله»ی نصرالله منشی، «تاریخ طبرستان» ابن اسفندیار و...، معنای اصلی کلمه، همانا «ترجمه از یک زبان به زبان» دیگر است. (۳)

### معنای اصطلاحی ترجمه

«ترجمه» در عصر ما، معنایی نزدیک به معنای ششم (از کاربردهای ترجمه) پیدا کرده است، اما در مورد همین معنای ششم نیز، تلقی ها متفاوت است و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده و عناصری را در آن دخالت داده اند از جمله:

۱. آیه الله معرفت «ترجمه» را این گونه تعریف می کند:

ترجمه، کلمه ای رباعی است که به معنای «تبيين و واضح کردن» است، و از قاموس ظاهر می شود که باید «اختلاف در لغت» وجود داشته باشد، چون که گفت: «الترجمان: المفسر للسان» پس ترجمه: نقل کلام از لغتی به لغت دیگر است.

ص: ۲۷

---

۱- (۱). برای اطلاع از نسخه کمبریج، به مبحث تاریخچه ترجمه مراجعه کنید.

۲- (۲). آذرتاش آذرنوش، همان، ص ۵۷

۳- (۳). همان، ص ۶۱ - ۶۰

اما بیان معنا با یک لفظ، بعد از اینکه با لفظی دیگر از آن تعبیر شده بود، «تبیین» محض است و ترجمه اصطلاحی نیست. (۱)۲. برخی از نویسندگان، «ترجمه» را این گونه تعریف کرده اند:

ترجمه در اصطلاح و عرف انتقال معنای کلام از زبانی به زبان دیگر است، با توجه به اینکه جمیع معانی و مقاصد منظور در متن اصلی را متضمن باشد، به حدی که گویی عین کلام را از لغتی به لغت دیگر منتقل کرده اند با علم به اینکه نقل عین کلام از زبانی به زبان دیگر میسر نیست. (۲)۳. یوجین نایدا سرپرست ترجمه کتاب مقدس به زبان های دنیا، «ترجمه» را این گونه تعریف کرده است:

ترجمه عبارت است از نزدیک ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک. (۳)۴. برخی از متخصصان علم ترجمه، همچون C. nibar، «ترجمه» را اینگونه تعریف می کنند:

ترجمه را می توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست.

بر اساس این تعریف، باید در ترجمه دو عامل از یکدیگر متمایز شوند:

نخست: معنا یا آنچه در جهان خارج بدان به عنوان نوعی واقعیت اشاره می شود؛

دوم: گوناگونی زبان ها در بیان آن واقعیت. (۴)

ص: ۲۸

---

۱- (۱). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۱۱۶

۲- (۲). تاریخ ترجمه قرآن در جهان، جواد سلماس زاده، ص ۱۱ و اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۱۹.

۳- (۳). اصول و مبانی ترجمه، طاهره صفارزاده، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۰ (از ایشان نقل می کند).

۴- (۴). فصلنامه ترجمه، ش ۲، زمستان ۱۳۶۵، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۵۲.

۵. برخی دیگر از متخصصان علم ترجمه، مثل آمپاروهورتا دوآلبیر، «ترجمه» را اینگونه تعریف کرده اند:

ترجمه عبارت است از کارهایی که انتقال پیامی را از زبانی به زبان دیگر امکان پذیر می سازد. (۱)۶. نیومارک «ترجمه» را فن و حرفه ای می داند که طی آن سعی می شود تا یک پیام نوشتاری را در زبانی، با همان پیام در زبان دیگر جایگزین بکنند. (۲)۷. برخی از صاحب نظران، ترجمه را این گونه تعریف کرده اند:

«ترجمه، عبارت است از برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن متن؛ ترجمه باید منعکس کننده مفهوم و محتوای زبان مبدأ با رعایت آرایش های لفظی و خالی از هر گونه حشو و زوائد، در زبان مقصد باشد؛ بنابراین برای برگرداندن متنی به زبان دیگر، دو عنصر، لازم و ضروری می نماید: نخست:

عنصر ادب و دوم: مایه هنر. (۳)

### بررسی

چنانچه به هر یک از تعاریف فوق نظر افکنیم می بینیم که هر کدام بر یک یا چند جنبه ترجمه تاکید ورزیده اند و از یک یا چند جنبه ترجمه نیز غفلت نموده اند: یکی «ترجمه» را فن می داند و از علم بودن و هنر بودن آن غافل شده است.

دیگری بر ترجمه متون نوشتاری تاکید می ورزد در حالی که «ترجمه»، شامل نوشتار و ترجمه گفتار و حتی اشارات و علائم است.

یکی دیگر، بر پیام رسانی ترجمه تاکید کرده و از انتقال سبک و آهنگ متن اصلی

ص: ۲۹

---

۱- (۱). همان، ش ۳ و ۴، همان، ص ۷۷ مقاله یوجین نایدا

۲- (۲). اصول ترجمه، لطفی پور ساعدی، ص ۶۶

۳- (۳). ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمد علی کوشا، ص ۷

غفلت کرده است. اما در مجموع می توان «ترجمه» را این گونه تعریف نمود:

ترجمه عبارت است از فرآیند انتقال پیام، از زبان مبدأ به زبان مقصد و به عبارت دیگر: برگردان الفاظ متن از زبانی به زبان دیگر، برای رساندن معانی

اما باید توجه داشته باشیم که ترجمه قرآن و متون مقدس به لحاظ دشواری ها و ویژگی های خاصی که دارد، نیازمند قیود دیگری در تعریف ترجمه است؛ به عبارت دیگر: در ترجمه قرآن، مترجم دارای شرایط و رعایت مبانی و پیش فرض های ترجمه و نیز استفاده از روش و سبک خاصی لازم است؛ از این رو می توان ترجمه قرآن را اینگونه تعریف کرد:

فرآیند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد که توسط مترجم دارای شرایط و بر اساس روش های صحیح ترجمه و با توجه به مبانی استنباط از قرآن صورت می گیرد و می کوشد که تا حد امکان، سبک کلام را به زبان مقصد منتقل سازد.

تذکر: در عصر ما ترجمه قرآن به زبان عربی نیز انجام شده است (۱) و گاهی «تفسیر شبر» و «تفسیر مبین» اثر محمد جواد مغنیه و «تفسیر معین» و «تفسیر جلالین» از مصادیق ترجمه تفسیری شمرده می شود.

اما با توجه به نکته ای که آیه الله معرفت در تعریف ترجمه ارائه کردند و در آغاز گفتار گذشت، که تعدد و اختلاف لغت در ترجمه لازم است؛ بنابراین، اگر معنایی به یک لفظ در زبان خاص تعبیر شد سپس همان معنا با لفظ دیگری تعبیر شد، این «تیین»

ص: ۳۰

---

۱- (۱). (در کشور مصر) در الانزهر و مجلس الشوون الاسلامیه، ترجمه ای عربی از قرآن عرضه شد که در آن، واژه های قرآن معادل سازی شده بود و با عنوان المنتخب ارائه گردید؛ این ترجمه برای انتقال معانی به پر کردن فاصله زبانی قرآن با زبان عربی معاصر اهتمام ورزید و مورد استقبال بسیاری قرار گرفت و در کشورهای عربی و غیر عربی، طالبان فراوانی پیدا کرد؛ یادگار نامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس، مقاله دیدگاه های فقهی درباره ترجمه قرآن کریم، سید محمد علی ایازی، ص ۱۵۳.

محض» است و ترجمه اصطلاحی نیست؛ بنابراین اینگونه برگردان قرآن به الفاظ عربی نو، نوعی تبیین است، نه ترجمه.

## ارکان ترجمه

از معانی و تعاریف ترجمه استفاده می شود که «ترجمه» دارای ارکان زیر است:

۱. زبان مبدأ (کلمات، نشانه ها و علائم)؛

۲. زبان مقصد (کلمات، نشانه ها و علائم)؛

۳. پیام کلام یا معنایی که می خواهیم از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل سازیم؛

۴. سبک کلام (که برای انتقال آن نیازمند هنر هستیم)؛

۵. مبانی و شرایط ویژه ترجمه متون مقدس.

لازم به یادآوری است که رکن پنجم، مخصوص ترجمه قرآن و کتب مقدس است و رکن چهارم برای کمال ترجمه لازم است و اگر انجام نگیرد به اصل ترجمه ضربه وارد نمی شود؛ چون مترجم می تواند با توضیحات داخل پرانتز این نقص را جبران کرده و حال و هوای سبک و آهنگ متن اصلی را به نوعی به مخاطب گوشزد کند.

## ابعاد ترجمه

برخی دانشمندان، همچون: یوجین نایدا، «ترجمه» را یک علم می دانند؛ [\(۱\)](#) ولی برخی دیگر آن را هنر و فن می انگارند؛ [\(۲\)](#) و دکتر بهرام طوسی بر آن است که ترجمه، هر سه است او در این زمینه می نویسد:

«ترجمه» تن ها «علم» نیست تا مانند حدیث و تاریخ و جغرافیا فقط با خواندن و یادگیری حقایق و واقعیت ها و منقولات آن را فراگیریم، به تن هایی «فن» هم

ص: ۳۱

---

۱- (۱) E. Nida: The Theory and practice of Translation. ۱۹۶۹, Chapters ۳, ۶, ۷.

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۲

نیست که مانند کشتی و نجاری با تمرین و شاگردی و مهارت به مرحله پهلوانی و استادکاری برسیم، و از طرف دیگر فقط «هنر» تن‌ها هم نیست که مانند نقاشی بنشینیم و آرزوها و تخیلات خود را بر بوم و صفحه نقاشی ترسیم کنیم، و مورد ستایش و تمجید قرار گیریم؛ ترجمه مجموعه‌ای از هر سه این‌هاست؛ هم علم است که به آموزش نیاز دارد، و هم فن است که لازمه اش تمرین و مهارت دائم می‌باشد، و هم هنر است که بی‌مایه فطیر خواهد بود. (۱) پس به نظر می‌رسد که «ترجمه» دارای سه بُعد است:

۱. ترجمه علم و دانش است؛ چرا که همچون علوم دیگر، فرزند عقل و پژوهش است و تمام ارکان علم، مثل موضوع، مسائل، مبانی، قواعد و معیارهای دیگر را دارد؛

۲. ترجمه، فن است؛ چرا که همچون فنون دیگر، نیازمند تمرین و مهارت است؛

۳. ترجمه، هنر است؛ چون نیازمند ذوق، سلیقه و عاطفه است تا مترجم بتواند ظرایف هنری و سبک و آهنگ کلام را بشناسد و به زبان مقصد انتقال دهد، البته تا حد امکان.

### نظریه ترجمه

هر مترجم دارای نظریه محوری در ترجمه است که حداقل از عناصر زیر تشکیل می‌شود، که تغییر هر کدام از این عناصر موجب تغییر در نظریه ترجمه می‌شود و در نتیجه ترجمه‌ای متفاوت با ترجمه قبلی بوجود می‌آید.

۱. روش خاص ترجمه؛

۲. سبک خاص ترجمه؛

۳. مبانی تفسیری ترجمه؛

۴. مبانی کلامی ترجمه؛

۵. مبانی واژگانی ترجمه؛

ص: ۳۲

---

۱- (۱). مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ ش، مقاله «آیا می‌توان فن ترجمه را آموزش داد؟» ص ۱۶۹.

۶. مبانی ادبی ترجمه؛

۷. مبانی زبانشناختی ترجمه؛

۸. انتخاب نظر در مورد قواعد ترجمه؛

۹. رویکردهای خاص در ترجمه (مثل: لزوم ترجمه همه واژگان متن و عدم لزوم آن و ...).

هر مترجم لازم است که قبل از شروع ترجمه دیدگاه خود را در موارد فوق انتخاب و به صورت واضح اعلام کند، تا اولاً مترجم بتواند ترجمه ای قانونمند، روشمند، سامانمند و ارزشمند ارائه کند و ثانیاً مخاطبان ترجمه آگاه شوند و ترجمه مورد نظر خود را انتخاب کنند و مغبون نشوند؛ و ثالثاً در هنگام نقد و ارزیابی ترجمه، ناقدان ارزیابی صحیحی از ترجمه داشته باشند و نقدهای بی مورد به ترجمه زده نشود.

یادآوری: ما در این نوشتار برآنیم که عناصر فوق را روشن سازیم تا هر مترجم بتواند با انتخاب رویکرد خاص خویش ترجمه ای مناسب ارائه کند.

### کتابشناسی ترجمه

از هنگامی که بشر به جوامع مختلف تقسیم شد و زبان های مختلف بوجود آمدند، ترجمه نیز پا به عرصه وجود گذاشت، همانطور که از هنگام نزول قرآن کریم، یعنی:

در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ترجمه قرآن متولد شد و دانشمندان و صاحب نظران در کتاب های زیادی به مبانی، شرایط، روش ها، سبک ها و آسیب شناسی ترجمه ها پرداخته اند؛ هر چند که ما می توانیم همه این منابع را یکجا معرفی کنیم؛ اما ترجیح دادیم که منابع مهم هر بخش را در جایگاه خاص خود معرفی کنیم؛ البته از آنجا که موضوع کتاب حاضر «ترجمه قرآن» است تن ها در آن به مباحث تاریخی و کتابشناسی ترجمه قرآن توجه می شود.

بنابراین، سه نوع کتابشناسی در این کتاب خواهد آمد:

الف) کتابنامه مهمترین ترجمه های قرآن به زبان های مختلف (در ضمن مبحث تاریخچه ترجمه)؛

ب) کتابشناسی مبانی ترجمه، روش ها و سبک های ترجمه و... که در آغاز مبحث مربوط به آن خواهد آمد؛

ج) کتابشناسی ترجمه قرآن و مقالات منتشر شده در مورد آنکه در پایان کتاب خواهد آمد.

### معرفی یک اثر ارزشمند

در اینجا فقط یک اثر ارزشمند را در مورد ترجمه های قرآن معرفی می کنیم و معرفی منابع دیگر را به مناسبت هر موضوع خواهیم آورد:

کتاب «فرهنگنامه قرآنی»، تهیه و تنظیم «گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش های اسلامی» آستان قدس رضوی، با نظارت دکتر محمدجعفر یاحقی، ۱۳۷۲؛ در این اثر گرانسنگ با استفاده از کتابخانه غنی آستان قدس، ۱۴۲ نسخه خطی کهن فارسی، مورد بهره برداری قرار گرفته و معادل های فارسی هر واژه از آن ها آورده شده و در مجلدات متعدد منتشر شده است.

ص: ۳۴



ترجمه قرآن، تاریخچه ای به درازای اسلام دارد و از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تاکنون ادامه داشته و آثاری متعدد و به زبان های مختلف نگاشته شده است.

دانشمندان زبان شناس، تعداد زبان های زنده جهان را بین ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ زبان تخمین زده اند؛ البته این تفاوت به خاطر اختلاف در تعریف زبان است که برخی آن را شامل لهجه ها و گویش ها نیز می دانند؛ تعداد و محدوده جغرافیایی زبان ها در جدول زیر ارائه می شود:

مکان تعداد زبان آسیا حدود ۱۵۶۲ زبان آفریقا ۱۶۰۰ زبان جزایر اقیانوس آرام حدود ۱۰۳۴ زبان آمریکای شمالی و جنوبی حدود ۸۱۲ زبان اروپای شرقی و غربی حدود ۵۵ زبان خاورمیانه ۴۰ زبان مجموع ۵۱۰۳ زبان

البته، براساس برآوردها، حدود دو سوم ساکنان کره زمین با ۲۷ زبان رایج سخن

می گویند و یک سوم با زبان های دیگر تکلم می کنند؛ (۱) اما بر اساس جدیدترین تحقیقات زبان شناسان، هم اکنون حدود ۶۵۲۸ زبان در بین ملت های جهان رایج است.

بر اساس آمارهای موجود تا سال ۱۴۱۵ ق . / ۱۹۹۵ م . قرآن کریم به هفتاد زبان، به صورت کامل ترجمه شده است؛ ولی کتاب مقدس (تورات و انجیل) تا سال ۱۹۸۹ م .

به ۱۹۲۸ زبان ترجمه گردیده و هر سال نیز، بیست تا سی زبان به ترجمه های موجود اضافه می شود؛ یعنی: به طور متوسط در طول دو هزار سال تاریخ مسیحیت، هر سال یک ترجمه از انجیل صورت گرفته است؛ ولی در طول هزار و چهارصد سال تاریخ اسلام، هر بیست سال یک ترجمه کامل از قرآن پدید آمده است! (۲) بررسی تک تک این ترجمه ها از حوصله نوشتار حاضر خارج است؛ در این فراز به بررسی دو موضوع می پردازیم:

الف) سیر ترجمه های فارسی قرآن (به ترتیب هر قرن)؛

ب) ترجمه های قرآن به زبان های غیر فارسی.

## یکم: سیر تاریخی ترجمه های قرآن به زبان فارسی

### قرن نخست هجری

نخستین گزارش از ترجمه قرآن، مربوط به ایرانیان است که از سلمان فارسی خواستند که ترجمه سوره «فاتحه» را برای آنان بنویسد؛ در گزارش سرخسی آمده است:

روی: انّ اهل فارس، کتبوا الی سلمان الفارسی ان یکتب لهم الفاتحه بالفارسیّه، فکتب لهم: بسم الله الرحمن الرحیم: به نام یزدان بخشاونده.

فکانوا یقرأون ذلک فی الصلاه حتی لانت السنتم، و بعد ما کتب، عرضه

ص: ۳۶

---

۱- (۱). ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی و منابع فهم قرآن برای آفریقاییان، حسن معایرجی، ترجمه یعقوب جعفری، ترجمان وحی، سال ۶، ش ۱۱، ص ۱۰۶.

۲- (۲). ترجمان وحی، سال ۲، شماره ۴، ص ۷-۸، سخن سردبیر.

علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم . (۱) و براساس گزارش عمادالدین اسفراینی:

سلمان فارسی از مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد، وی دستوری داد؛ چنین گفتند که وی قرآن بنبشت و پارسی آن اندر زیر آن بنبشت، آنگه به آخر آن بنبشت: «هذا القرآن الذی انزل علی محمد:

این است قرآن که فرو فرستیده آمده است بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم . (۲) البته زرقانی در «مناهل العرفان» این خبر را فاقد سند معتبر دانسته و چند اشکال به آن نموده است (۳) که براساس مبنای محال بودن و حرمت ترجمه قرآن استوار است؛ ما مبانی ایشان را در مبحث مبانی وجودی و مبانی فقهی ترجمه قرآن مورد بررسی قرار می دهیم؛ به هر حال این خبر در حد یک گزارش تاریخی از ترجمه قرآن، با توجه به ورود تازه مسلمانان غیر عرب به اسلام و لزوم ترجمه قرآن برای فهم آنان به یک روند طبیعی اشاره می کند که بعید به نظر نمی رسد؛ ولی دلالت بر ترجمه کل قرآن نمی کند، بلکه به سوره حمد یا بخشی از قرآن اشاره دارد که امروزه جز ترجمه [ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ] چیزی از آن در دست نیست.

برخی از محققان با استناد به این امر که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هنوز ایرانیان اسلام نیاورده بودند، تا مسئله نیاز فرهنگی و دینی شان برای ترجمه قرآن کریم و مخصوصاً سوره فاتحه پیش آید، در صحت و اصالت این واقعه تشکیک کرده اند؛ اما استاد محمد حمیدالله با این استدلال، شبهه ها را دفع کرده است:

در روایت، «بلاد فارس» نیامده است، بلکه قوم من الفرس (۴) (گروهی یا طایفه ای

ص: ۳۷

- 
- ۱- (۱) . المبسوط، شرح کافی، سرخسی، ج ۱، ص ۱۳۷؛ تاج الشریعه حاشیه الهدایه، ج ۱، ص ۸۶، معجم مصنفات القرآن، دکتر علی شواخ، جزء دوم، ص ۱۳.
  - ۲- (۲) . تاج التراجم، ج ۱، ص ۸
  - ۳- (۳) . مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۵ - ۵۶
  - ۴- (۴) . همانطور که گذشت در خبرها «اهل فارس» و «قوم خویش» آمده بود.

از ایرانیان [شاید از ایرانیان مقیم یمن] آمده است (۱).

برخی مستشرقان، ترجمه سلمان را مربوط به زمان خلفا می دانند و می نویسند:

طبق نظر مذهب صحیح راجع به ترجمه قرآن، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طور یقین، هیچ کس درباره امکان ترجمه قرآن طرحی نیندیشیده است، نه ترجمه کل قرآن و نه ترجمه پاره ای از آن، زیرا قرآن به عنوان قرآنی عربی با زبان عربی مبین و روشن نازل شده است. (۲) البته نزول قرآن به زبان عربی و روشن، دلیل آن نمی شود که برای تازه مسلمانان غیرعرب قابل فهم باشد، به هر حال این مطلب طبیعی است که مسلمانان غیرعرب و حتی غیر مسلمانی که می خواستند حقایق اسلام را درک کنند، تقاضای ترجمه و تفسیر آیات قرآن را داشته باشند، این افراد در «مدینه»، «یمن»، «حبشه» و کشورهای همجوار، همچون: روم و ایران و نیز در میان بازرگانان و مسافران وجود داشتند، و طبیعی بود که حداقل ترجمه بخشی از قرآن انجام پذیرد و گزارشات تاریخی در مورد ترجمه سلمان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و ادعای مستشرقان در مورد عصر خلفا، بدون دلیل است.

### قرن دوم هجری

در قرن دوم، گزارش شده که موسی بن سيار اسواری (م ۱۵۵ ق.) قرآن را به فارسی تفسیر می کرد (۳) (که البته لازمه تفسیر به فارسی، ترجمه قرآن نیز می باشد)؛ البته اصل

ص: ۳۸

---

۱- (۱). قرآن کریم، با ترجمه و توضیحات بهاءالدین خرمشاهی، قطع رحلی، گفتار مترجم، ص ۶۱۹.

۲- (۲). دائره المعارف نوین اسلام، دکتر ج. د. پیرسن، مقاله ترجمه، ص ۴۲۶: The Eyclopedia of Islam, New Edition. Vol, V, P, ۴۲۶

۳- (۳). البیان و التبيين، جاحظ، ج ۹، ص ۱۳۹ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۱.

این ترجمه به دست ما نرسیده است.

## قرن سوم هجری

قرآن مترجم آستان قدس رضوی

در این قرن از ترجمه فارسی «قرآن مترجم آستان قدس رضوی» مشهور به «قرآن قدس» نام برده شده که اثر مترجمی ناشناس است و نسخه موجود آن، مشتمل بر ترجمه آیه ۲۱۴ سوره «بقره» تا آیه ۱۹ سوره «لیل» می باشد که از سوره «نوح» به بعد نیز دچار فرسودگی و آسیب شده است.

برخی از محققان، این ترجمه را احتمالاً کهن ترین ترجمه فارسی کشف شده از قرآن دانسته اند که بر اساس قراین زبانشناسی، سبکشناسی و گونه شناسی مورد قبول اهل فن، زمان کتابت آن در فاصله بین سال های ۲۵۰ - ۳۵۰ ه. ق. است؛ این ترجمه را دکتر علی رواقی در دو مجلد در سال ۱۳۶۴ ش. در تهران منتشر ساخت و در آن چنان نگاهشده شده: «برگردانی است کهن از قرآن به فارسی یا بهتر است بگوییم به گونه سیستانی (بلوچی)»: (۱) برخی از محققان دیگر بر آنند که این ترجمه قبل از ترجمه فارسی «تفسیر طبری» (ترجمه و تفسیر رسمی، مربوط به نیمه دوم قرن چهارم) نگاهشده نشده است، بلکه همچنان ترجمه «تفسیر طبری»، قدیمی ترین نسخه موجود در زبان فارسی است. (۲) و نیز ژیلبر لازار بر آن است که کاربرد صورت ادات فعلی «می» و حرف اضافه «در» به جای «همی» و «اندر» در این متن به رغم دیگر نشانه های کهنگی، دلالت بر این دارد که این متن از قرن پنجم قدیمی تر نیست و ترجیحاً به نیمه دوم این قرن تعلق دارد. (۳)

ص: ۳۹

- ۱- (۱). نک: قرآن قدس، رواقی، ج ۱، مقدمه، ص ۳۷ و ۵۴، و مجله بینات، ش ۴، زمستان ۱۳۷۳ ش، مقاله: «نوترین گنج در کهن ترین گنجینه»، دکتر محمد حسین روحانی، و نیز: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۵۵۷ - ۵۵۸ و ج ۲، ص ۱۷۰۲.
- ۲- (۲). دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۹، مقاله ترجمه قرآن به زبان فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش.
- ۳- (۳). مجله زبان شناسی، سال ۴، شماره ۱ و ۲ (۱۳۶۶ ش) پرتوی نو بر چگونگی شکل گیری زبان فارسی: ترجمه ای از قرآن به پارسی گویشی، ژیلبر لازار، ترجمه احمد سمیعی.

اشاره

از این قرن، چند ترجمه گزارش داده شده، یا احتمال داده شده که منسوب به این قرن باشند از جمله:

۱. ترجمه تفسیر طبری (ترجمه رسمی)

اشاره

این ترجمه از قدیمی ترین ترجمه های موجود است که ترجمه قرآن به همراه خلاصه «تفسیر طبری» و یا برگرفته از تفسیر طبری است که در زمان نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۶۵ ق.) به وسیله علمای ماوراء النهر به فارسی ترجمه شده است و تاکنون سیزده نسخه از آن شناسایی گردیده است.

این کتاب، در سال ۱۳۲۹ ش / ۱۲۷۹ ق.، به اهتمام آقای حبیب یغمایی با سایر نسخه ها مقابله و تصحیح و در چهار جلد چاپ شده است. (۱) در مقدمه کتاب آمده است:

این کتاب، تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری قدس سره ترجمه کرده به زبان پارسی، این کتاب چهل مصحف بود به تازی، بیاوردند سوی امیر منصور بن نوح، پس دشوار آمد بر وی خواندن آن.... علمای ماوراء النهر را گرد کرد، از ایشان فتوا کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نیشن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن کس را که او تازی نداند.... (۲) البته برخی تاریخ پژوهان حدود ترجمه طبری را سال ۳۵۲ ق. دانسته اند، (۳) و برخی از صاحب نظران برآنند که ترجمه تفسیر طبری، به غلط به این نام مشهور شده است، بلکه بهتر است آن را «ترجمه و تفسیر رسمی» یا «تفسیرنامه فارسی» دستگاه سامانیان بنامیم.

دکتر آذرتاش آذرنوش در مورد ترجمه فوق می نویسد:

ص: ۴۰

۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۱

۲- (۲). ترجمه تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۵ - ۶

۳- (۳). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۵۳۸ - ۵۳۹ مقاله، ترجمه تفسیر الطبری، جویا جهان بخش.

قرنهاست که این کتاب، ترجمه تفسیر طبری پنداشته شده؛ اما در واقع این ترجمه فارسی، هیچ شباهتی به تفسیر بزرگ طبری ندارد و می توان آن را «تفسیر نامه فارسی» دستگاه سامانیان نامید که با عنایت به «تفسیر نامه طبری» و البته نه به متابعت از آن، پدید آمده است؛ ولی خود، نگارشی مستقل است که به صورت تحت اللفظی انجام یافته و حدود دوازده قرن، الگوی همه مترجمان پس از خود شده. (۱) ایشان همچنین با بیان شواهد تاریخی و مواردی از اختلاف متن ترجمه تفسیر طبری با اصل تفسیر طبری می نویسند: «در مجموع می توان گفت: این اثر نه ترجمه تفسیر طبری و نه کتاب معین دیگری است؛ بلکه دو اثر طبری، تاریخ و تفسیر، از منابع اصلی مؤلفان بوده و در عین حال ایشان از کتاب های متعدد دیگری نیز بهره گرفته اند.

نکته مهم دیگر آنکه مؤلفان کتاب، ظاهراً هیچگاه منابع خود را دقیقاً ترجمه نمی کرده اند، بلکه مفهوم روایت یا داستان را گرفته به میل خود بازنویسی می کرده اند. (۲) مثال: در داستان «اصحاب کهف» در ترجمه تفسیر طبری داستان «شبان و سگ» آمده است که در اصل تفسیر طبری نیست (۳) و نیز در ترجمه تفسیر طبری سوره «نصر» را «مکی» می شمارد در حالی که در اصل، تفسیر طبری، «مدنی» شمرده است. (۴) مثال: [ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدٌكَ إِلَى مَعَادٍ... ]؛ (۵) «حقاً که آنکس بفرستاد بر تو قرآن، باز برد ترا سوی وعده گاه». (۶)

### آیا ترجمه تفسیر طبری، نخستین ترجمه قرآن به فارسی بوده است؟

دکتر آذرتاش آذرنوش، معتقد است که نخستین ترجمه فارسی قرآن را باید ترجمه

ص: ۴۱

۱- (۱). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۷.

۲- (۲). دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۲، مقاله ترجمه تفسیر الطبری، آذرتاش آذرنوش.

۳- (۳). تفسیر الطبری، ۱۳۵/۱۵ و ترجمه رسمی ۹۳۹/۴

۴- (۴). تفسیر الطبری، ۲۱۴/۳۰ - ۲۱۷ و ترجمه رسمی ۲۰۷۰/۷ - ۲۰۷۱.

۵- (۵). قصص، ۸۵

۶- (۶). ترجمه رسمی ۱۲۷۵/۵

موجود «تفسیر طبری» (که بهتر است آن را ترجمه و تفسیر رسمی بنامیم) دانست. (۱) و نیز دکتر بی آزار شیرازی می نویسد: «به احتمال قوی، ترجمه طبری، قدیمی ترین ترجمه موجود است»؛ (۲) اما برخی محققان و صاحب نظران ترجمه های دیگری را به عنوان نخستین ترجمه فارسی قرآن معرفی کرده اند.

همانطور که در گزارش ترجمه های قرن سوم گذشت، برخی محققان، «قرآن مترجم آستان قدس رضوی» را کهن ترین ترجمه فارسی می دانستند و نیز برخی ترجمه سورآبادی و «تاج التراجم» اسفراینی را همزمان یا قدیمی تر از ترجمه «تفسیر طبری» دانسته اند. (۳) و دکتر پیرسن، احتمال می دهد که ترجمه معروف به «نسخه کمبریج» بعد از ترجمه تفسیر طبری نباشد، و نیز گفته می شود که در واتیکان، ترجمه ای فارسی از قرآن موجود است که به خط لاتین نوشته شده و احتمالاً قدیمی تر از ترجمه طبری است. (۴) و نیز استوری مدعی است که نسخه های خطی قدیمی تری از ترجمه طبری وجود دارد، (۵) و بر اساس تحقیقات آقای دکتر رجایی بر روی «ترجمه موزون قرآن» کشف شده نزدیک گنبد آرامگاه امام رضا علیه السلام، تاریخ تحریر آن، اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم است؛ بنابراین، ترجمه موزون قبل از ترجمه تفسیر طبری خواهد بود. (۶)

ص: ۴۲

- 
- ۱- (۱). همان، ص ۷۹
  - ۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۲
  - ۳- (۳). دائرهالمعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۳۲
  - ۴- (۴). ترجمه های موجود قرآن کریم، دکتر ج.د. پیرسن، مجله تحقیقات اسلامی، سال ۱، ش ۱، ص ۲.
  - ۵- (۵). ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۹۷، تهران ۱۳۶۲ ش.
  - ۶- (۶). پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری، ترجمه ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید، به اهتمام و تصحیح دکتر احمد علی رجایی، و نیز، قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۵.



با توجه به مطالب و ادعاهای فوق، قضاوت قطعی در مورد نخستین ترجمه فارسی قرآن دشوار است، و فقط تاریخ تقریبی ترجمه «تفسیر طبری» (حدود ۳۵۰ - ۳۶۵ ق.) مشخص است و البته اثبات مقدم بودن ترجمه های دیگر بر ترجمه تفسیر طبری، براساس حدس و گمانه زنی است و اثبات قطعی آن ها مشکل است.

## ۲. ترجمه آهنگین (پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی)

این ترجمه که مترجم آن مشخص نیست، نسخه خطی آن در کنار گنبد مرقد امام رضا علیه السلام کشف شد، و حدود دو جزء قرآن را شامل می شود که همراه متن قرآن بوده و دارای ۲۳۰ صفحه خطی است؛ این اثر این اثر به کوشش دکتر احمدعلی رجایی تصحیح و تحت عنوان «پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری، ترجمه ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید» در سال ۱۳۵۳ ش منتشر شد. این ترجمه شامل سوره «یونس» تا «ابراهیم» است.

از نظر مصحح، این نسخه مربوط به اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری است و در این روزگاران، راه شعر عروضی فارسی هنوز هموار نشده بود.

در مبحث پیشین گفته شد که برخی این ترجمه را قبل از ترجمه «تفسیر طبری» می دانند؛ (۱) ترجمه مزبور، نه ترجمه لفظی است و نه ترجمه تفسیری، بلکه کوششی است برای موزون ساختن عبارات و ترجمه ها به طوری که خواننده، نوعی هماهنگی و نظم شعری احساس می کند؛ مترجم تا حد زیادی تحت تأثیر اصول موسیقی روحانی آیات قرآن قرار داشته و هر آیه ای را با سجع خاص ترجمه کرده است. (۲) دکتر آذرتاش آذرنوش با تقسیم روش های ترجمه به «تحت اللفظی»، «جمله به

ص: ۴۳

۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۱۴۹

جمله» و «آزاد»، ترجمه آهنگین فوق را سرآغاز، بلکه عالی ترین نوع روش سوم در زبان فارسی می داند. (۱) مثال: [ أَلَّا إِنَّ  
أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَهُمْ يَخْزَنُونَ ]؛ (۲)

قومی کز اولیای او باشند ز اندوه و ز بیم، امن باشند

### ۳. بخشی از تفسیری کهن

این کتاب ارجمند با مقدمه و تصحیح محمد روشن و با یادداشتی از استاد مجتبی مینوی در سال ۱۳۵۱ ش. چاپ شده است.

مینوی این کتاب را متعلق به قبل از سال ۴۰۰ ق. می داند؛ ولی آذرنوش آن را ۵۰ یا ۱۰۰ سال متأخرتر می داند؛ چون کلمات  
عربی در آن زیاد است؛ این کتاب از خراسان برخاسته و به «تفسیر پاک» نزدیک تر است.

از این کتاب، تفسیر آیات ۷۸ تا ۲۴۷ سوره «بقره» باقی مانده است و در این میان نیز، چند آیه افتاده است؛ در این کتاب، آیات  
قرآن برای پارسی زبانان، شرح داده شده است. (۳) مثال: [ ...وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ... ]؛ (۴) «و ما حقوق مندتریم به پادشاهی  
از او».

### قرن پنجم هجری

#### اشاره

در این قرن، چند ترجمه گزارش شده است از جمله:

#### ۱. ترجمه و تفسیر قرآن پاک

نویسنده این ترجمه، مشخص نیست؛ تنها نسخه ناقصی از این ترجمه در دانشگاه لاهور پاکستان موجود است که توسط بنیاد  
فرهنگ ایران از آن عکس برداری و در

ص: ۴۴

۱- (۱). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ۱- ترجمه های قرآنی، ص ۸۳ - ۸۴

۲- (۲). یونس، ۶۲

۳- (۳). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۹۷ - ۹۸.

۴- (۴). بقره، ۲۴۷

سال ۱۳۴۸ ش. متن آن توسط آقای علی رواقی به خط فارسی کنونی برگردان و تحت عنوان «تفسیر قرآن پاک» منتشر شده است.

از نظر استاد مینوی این ترجمه، متعلق به اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم و از منطقه «خراسان» تا «غزنین» ایران است. (۱) ولی دکتر آذرنوش بر این عقیده است که خصوصیات خط و سبک تحریر و املائی کلمات، نشان می دهد که پس از سال ۴۵۰ هجری نوشته شده است. (۲) این ترجمه، دارای ۵۴ صفحه از نیمه آیه پنجم تا آخر سوره «شعرا» و از سوره «نمل» تا دوازده آیه و چند کلمه است.

این ترجمه، توسط آقای مایل هروی عکس برداری شده و با مقدمه ای در سال ۱۳۵۱ ش. در کابل به چاپ رسیده است. (۳) مثال: [ ...وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَى تَقْدُوهُمْ... ]؛ (۴) «چون از شما کسی گرفتار آید به دست دشمنان، مال خویش بدهید و او را بازخرید».

## ۲. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم

این ترجمه، توسط عمادالدین ابوالمظفر اسفراینی شافعی (م ۴۷۱ ق.) صورت گرفته است و نسخه خطی از آن در کتابخانه «مدرسه عالی شهید مطهری» تهران، متعلق به قرن نهم هجری وجود دارد که ناقص است و سیزده میکرو فیلم از نسخه های آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و آستان قدس رضوی، اخیراً نسخه بادلیان این ترجمه را تصحیح و منتشر کرده، این نسخه در سال ۹۴۷ ق. نوشته شده است. (۵) اسفراینی در مقدمه ترجمه خود می نویسد:

ص: ۴۵

- 
- ۱- (۱). تفسیر قرآن پاک، مقدمه، ص ۳ - ۴
  - ۲- (۲). تاریخ ترجمه عربی از فارسی به عربی، ج ۱، ص ۸۹
  - ۳- (۳). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۷
  - ۴- (۴). بقره، ۸۵
  - ۵- (۵). ر.ک: نخستین مفسران پارسی نویس، موسی درودی، ص ۱۸۲ - ۲۱۰ (که نسخه های این ترجمه را معرفی کرده است) و نیز قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۵۲.

چون در کار ترجمه قرآن به پارسی، تا روزگار مترجم، خلل بسیار وجود داشت، مبادرت به ترجمه ای از قرآن شریف کردم تا از نقص ها و عیوب ترجمه های پیشین مبرا باشد؛ ترجمه ای که در آن الفاظ پارسی، معنای کامل و دقیق الفاظ تازی را برساند و موافق نظریات مفسران بر طبق اصول دیانت باشد و از هر گونه تأویلی که موجب تقلیل و تشبیه شود و یا چیزی از مذاهب الحاد را سفیرت دهد، بدور باشد... و به سبب همین ویژگی ها بود که آن را تاج التراجم نامیدم.

از مقدمه فوق استفاده می شود که مترجم به مبانی و اصول ترجمه واقف بوده و مبانی کلامی، ادبی و... خود را قبل از شروع ترجمه، مشخص ساخته است، و این نقطه قوت، بلکه نقطه عطفی در ترجمه های قرآن به شمار می آید؛ و نیز این کتاب را نخستین تفسیر مستقل فارسی به شمار آورده اند. (۱)

در این ترجمه، مترجم بعد از ذکر مشخصات هر سوره، با نثری ساده و روان و جملاتی کوتاه به ترجمه لغت آیات پرداخته و آنگاه آیاتی را که نیاز به توضیح داشته، به طور گسسته تفسیر کرده است؛ همچنین واژه های عربی در آن زیاد به کار رفته، اما این واژه ها، لغاتی هستند که در فارسی جای گرفته اند. و دارای نثری مسجع همراه با تلمیح به آیات، احادیث و دعاهاست.

مثال: [بسم الله الرحمن الرحيم]؛ «ابتدا کردم به نام خدای قادر بر آفرینش خلقان، خواهان روزی دادن خلقان، خواهان آمرزش ایشان». (۲)

### ۳. ترجمه کمبریج (تفسیر قرآن مجید)

مترجم این ترجمه قرآن که تنها جلدهای سوم و چهارم آن در دانشگاه کمبریج موجود است، مشخص نیست و تاریخ تحریر آن ۶۲۸ ق. توسط «محمد بن ابی الفتح الغریب» می باشد.

ص: ۴۶

---

۱- (۱). یادگار نامه فیض الاسلام، مقاله تاریخ ترجمه در آسیا، علی رفیعی علامرودشتی، ص ۳۱۸ و ادبیات فارسی بر مبنای استوری، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- (۲). تاج التراجم، نسخه با دلیان

این ترجمه، تحت عنوان «تفسیر قرآن مجید» (نسخه مخطوط در کتابخانه دانشگاه کمبریج) در سال ۱۳۴۹ ش. با تصحیح دکتر جلال متینی، چاپ شده است؛ متینی معتقد است که تاریخ تالیف آن از نیمه اول قرن پنجم قمری تجاوز نمی کند؛ (۱) ولی برخی نویسندگان معتقدند که:

سبک نگارش و سایر مشخصات این ترجمه و تفسیر نشان می دهد که در زمانی نزدیک به زمان ترجمه تفسیر طبری نوشته شده است و «ادوارد براون» نیز آن را تأیید و توصیف کرده است. (۲) همانطور که در ذیل مبحث قرن چهارم گذشت: برخی محققان همچون دکتر ج.د. پیرسن، احتمال داده اند که ترجمه کمبریج بعد از ترجمه تفسیر طبری نگاشته نشده باشد و اگر این مطلب را بپذیریم اصل این ترجمه، متعلق به قرن چهارم است.

از این رو، برخی نویسندگان تصریح کرده اند که «تفسیر قرآن مجید» نسخه کمبریج، بین سده های چهارم و پنجم قمری تدوین شده است؛ (۳) و دکتر آذرنوش نیز همین عقیده را تأیید نموده و آن را یکی از دل انگیزترین آثار نثر فارسی می داند. (۴) فضای عمومی نثر کتاب، مشابه نثر کهن خراسانی است و شیوه کار مولف در ترجمه آیات به صورت مزجی است؛ یعنی: ترجمه آیات با تفسیر در آمیخته است به نمونه ای از این ترجمه توجه کنید:

امام جعفر صادق علیه السلام گوید:

ص: ۴۷

- 
- ۱- (۱). تفسیر قرآن مجید (نسخه ی مخطوط در کتابخانه دانشگاه کمبریج)، مقدمه، ص ۲۵.
  - ۲- (۲). روزنامه انجمن همایونی آسیایی، ۱۸۹۴ م، ص ۵۱۷ - ۵۲۴، مقاله ادوارد براون، به نقل از مقاله ج.د. پیرسن، ترجمه های موجود قرآن کریم، ص ۲ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۴۵
  - ۳- (۳). یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس، مقاله تاریخ ترجمه قرآن در آسیا، علی رفیعی علامرودشتی، ص ۳۱۷
  - ۴- (۴). دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۸۰

«والتین»، یعنی: الحسن بن علی، «والزیتون»، یعنی: الحسین بن علی و «طور سنین»، یعنی: علی بن ابی طالب، و «هذا البلد الامین»، یعنی: فاطمه الزهرا، خدای عز و جلّ حسن را به انجیر مانند کرد، زیرا که انجیر شیرین باشد از اندرون و بیرون و باز حسین را به زیتون مانند کرد، زیرا که زیتون خود با منفعت باشد... (۱)

#### ۴. کوفی (سوره مائده از قرآن کوفی، با ترجمه استوار فارسی)

این ترجمه، نوعی تقلید یا رونویسی از ترجمه رسمی (ترجمه تفسیر طبری) است که با مقدمه دکتر رجایی، توسط آستان قدس، در سال ۱۳۵۰ ش. منتشر شده است.

اصل کتاب، دویست و هشتاد و شش صفحه است؛ ولی هفده صفحه آن (سوره مائده) منتشر شده است، دکتر رجایی تاریخ نوشتن آن را قرن پنجم یا پیش از آن حدس زده است. (۲)

#### ۵. ترجمه ای قدیم از قرآن کریم

این ترجمه که بیش از چند صفحه از آن به جای نمانده، توسط «راهنمای کتاب» (۱۳۴۸ ش.) سپس در «یغما» (۱۳۴۸ ش.) و نیز در مجموعه «کمنیه» (۱۳۵۴ ش.) و سرانجام در «هزار سال تفسیر» (ص ۱۲۸ به بعد) منتشر شده است.

این ترجمه نیز، نسخه دیگری از «ترجمه رسمی» (ترجمه تفسیر طبری) است که استاد ایرج افشار، نسخه موجود آن را به قبل از ۵۰۰ ق متعلق می داند. (۳)

#### ۶. تفسیری بر عشری از قرآن مجید

این کتاب که یک جلد از ده جلد آن باقی مانده است از آیه ۷۶ سوره «کهف» تا آیه ۲۳ «فرقان» را دربر دارد و به کوشش دکتر جلال متینی در سال ۱۳۵۲ ش. در دو جلد

ص: ۴۸

---

۱- (۱). تفسیر قرآن مجید، به کوشش جلال متینی، ج ۲، ص ۵-۶۰۳

۲- (۲). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ص ۶۳

۳- (۳). همان، ص ۶۹-۷۱

منتشر شده است مصحح با احتیاط آن را به پایان نیمه اول قرن پنجم نسبت می دهد.

این ترجمه با نسخه کمبریج و قرآن پاک، دارای مشترکاتی است و ترجمه روانی دارد. (۱) مثال: [ ...إِمَّا أَنْ تُعِذِبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ]؛ (۲) «خواهی مرایشان را بکش، خواهی برایشان نیکو رو».

## ۷. ترجمه قرآن موزه پارس

این ترجمه که از «سوره مریم» (من های چند آیه از آن) تا پایان قرآن را در بردارد، به کوشش دکتر علی رواقی در سال ۱۳۵۰ ش. منتشر شده است؛ محقق کتاب را مربوط به اوایل قرن پنجم قمری می داند.

این ترجمه که از هر گونه تفسیری خالی است، از خراسان برخاسته ولی آثار گویش محلی در ترجمه پارس آشکارتر از ترجمه رسمی است. (۳) مثال: [ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ]؛ (۴) «اشارت کرد مریم به سوی عیسی؛ گفتند: چگونه سخون گویم تا کسی که هست در گاهواره کودکی خورد».

## ۸. تفسیر و ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری (ترجمه قصه های قرآن تربت جام)

قصه های قرآن مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (م ۴۹۴ ق.) که از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام، به کوشش مهدی بیانی و یحیی مهدوی در سال ۱۳۳۸ ش. .

در تهران منتشر شد و نیز تحت عنوان «قصص» (قصص قرآن مجید) برگرفته از «تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری»، مشهور به سور آبادی، به کوشش یحیی مهدوی، در سال ۱۳۶۵ ش. به چاپ دوم رسید.

ص: ۴۹

---

۱- (۱). همان، ص ۱۲۱ - ۱۲۲

۲- (۲). کهف، ۸۶

۳- (۳). تاریخ ترجمه عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۱۳۱ - ۱۳۲

۴- (۴). مریم، ۲۹

در این نسخه، ترجمه آیات، زیر آن ها نوشته شده است. (۱) مثال: [ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ]؛ (۲) «بدرستی که ما بیاراستیم آسمان نزدیکترین را با آرایش ستارگان».

## ۹. تفسیر شنقی (گزاره بخشی از قرآن کریم)

این کتاب که به کوشش محمد جعفر یاحقی، در سال ۱۳۵۵ ش. در تهران منتشر شد، بخشی از کتاب ارجمندی است که یک سوم آن به جا مانده است؛ این کتاب سوره های «آل عمران»، «نساء»، «اعراف» و «انفال» را بطور کامل و بخش هایی از سوره های «فاتحه»، «بقره»، «مائده»، «انعام»، «توبه» و «یونس» را در بردارد.

نویسنده آن مشخص نیست و محققان نظر قاطعی در مورد زمان این ترجمه ابراز نمی کنند؛ (۳) ولی برخی صاحب نظران این ترجمه را به قرن پنجم نسبت داده اند. (۴) مثال: [ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ... ]؛ (۵) «او یاری خواهید [از خدای] بصبر کردن [برگزاردن طاعتها...] او صبر بر نماز کردن».

## قرن ششم هجری

### اشاره

در این عصر نیز، چند ترجمه گزارش شده است.

## ۱. ترجمه و تفسیر کشف الاسرار میبدی

«تفسیر و ترجمه کشف الاسرار و عده الابرار» معروف به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» در اوایل قرن ششم هجری (۶) توسط ابوالفضل رشیدالدین میبدی (م ۵۲۰ ق.) تألیف شده است که بارها به صورت های متنوع چاپ و تحقیق شده است

ص: ۵۰

۱- (۱). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، همو، ص ۱۳۹

۲- (۲). صفات، ۶

۳- (۳). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرنوش، ص ۱۵۵

۴- (۴). قرآن ناطق، ج ۱، دکتر بی آزار شیرازی، ص ۱۵۴

۵- (۵). بقره، ۴۵

۶- (۶). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ص ۱۹۶



از جمله در سال ۱۳۳۱ ش. به کوشش علی اصغر حکمت در ده جلد چاپ شده و نیز قرآن کریم با ترجمه نوبت اول از «کشف الاسرار» به کوشش سید حسن سادات ناصری در سال ۱۳۵۱ ش. و...

در این کتاب، هر آیه، سه نوبت تفسیر شده است که نوبت اول آن، ترجمه قرآن کریم است. و نوبت دوم، تفسیر عادی است و نوبت سوم، مباحث عرفانی آیه است و در نوبت دوم و سوم مطالب گاه به فارسی و گاه به عربی نگاشته شده است.

نثر فارسی ترجمه و تفسیر «کشف الاسرار» شکوهمند، شاعرانه و حکمت آمیز است و تأثیرات واژگان فخیم و شکوهمند آن در ادبیات فارسی و آثار نثر و شعر آن تا عصر حاضر مشهود است، از این رو از گنجینه های سخن فارسی به شمار می آید.

مثال: [فَمَا غَوَيْنَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَوِينَ]؛ (۱) «ما شما را کز راه کردیم که خود کز راه بودیم»؛ (۲) [إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَمَا تَبَعَهُ وَ شَهَابٌ ثاقِبٌ]؛ (۳) «مگر که دیوی سخن دزد، سخنی رباید از زبان فریشته، در پی او نشیند شاخی آتشین، درفشان، سوزان».

(۴)

## ۲. تفسیر ابوالفتوح رازی

تفسیر و ترجمه «رُوح الجنان و رُوح الجنان»؛ معروف به «تفسیر ابوالفتوح رازی»، تالیف حسین بن علی بن محمد بن احمد بن بن حسین بن احمد نیشابوری الاصل رازی المسکن معروف به ابوالفتوح رازی (متوفی نیمه اول سده ششم هجری) که بارها و به شکل های گوناگون تحقیق و چاپ شده است که از آن جمله است: با تحقیق علامه ابوالحسن شعرانی و به تصحیح مرحوم علی اکبر غفاری در سال ۱۳۵۶ ش. در

ص: ۵۱

---

۱- (۱). صافات، ۳۲

۲- (۲). قرآن کریم با ترجمه نوبت اول کشف الاسرار، سید حسن سادات ناصری، ص ۳۱۰

۳- (۳). صافات، ۱۰

۴- (۴). قرآن کریم با ترجمه نوبت اول کشف الاسرار، سید حسین سادات ناصری، ص ۳۰۹

تهران، در دوازده جلد و نیز به کوشش دکتر یاحقی و دکتر ناصح در سال ۱۳۷۱ ش. در شهر مشهد.

این تفسیر نیز از گنجینه های گرانقدر فارسی بشمار می آید و در دهه های دوم و سوم قرن ششم هجری (پیش از سال ۵۳۳ ق .) تالیف شده است (۱) و حدود ده سال بعد از تفسیر کشف الاسرار، به عنوان دومین تفسیر فارسی نگاشته شد. (۲) نثر فارسی ترجمه و تفسیر ابوالفتوح، روان و ساده است؛ اما کلمات عربی در آن بسیار به کار رفته است؛ البته بعضی احتمال داده اند که برخی فقرات ترجمه تحت اللفظی که در کتاب آمده است از مولف نیست؛ (۳) بلکه تحت تأثیر ترجمه رسمی نوشته شده است؛ (۴) چرا که گاهی تفاوت هایی بین ترجمه های آیات در دوران تفسیر ابوالفتوح با ترجمه آیات در ابتدای آن وجود دارد.

مثال: [ وَكَيْبُلُونَكُمْ بَشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ ... ]؛ (۵)

ترجمه مستقل ابوالفتوح: «و بیازماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستنی از مال ها و جانها»

ترجمه درون تفسیر ابوالفتوح: «و ما امتحان کنیم و بیازماییم شما را به چیزی... از ترس و گرسنگی و نقصان مال و تنها».

مثال: [ لَلَّيْنِ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ ... ]؛ (۶)

ترجمه مستقل ابوالفتوح: «اگر نه باز ایستند منافقان و آنان که در دلهاشان بیماری است و ارجاف کنندگان در مدینه».

ص: ۵۲

---

۱- (۱). تفسیر ابوالفتوح، یاحقی، صفحه ۶۰

۲- (۲). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، ص ۱۹۶.

۳- (۳). تفسیر ابوالفتوح، شعرانی، ج ۱۲، ص ۲۷۴ و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، همو، ص ۲۱۱.

۴- (۴). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، همو، ص ۲۰۹.

۵- (۵). بقره، ۱۵۵

۶- (۶). احزاب، ۶۰

ترجمه رسمی طبری: «اگر باز نه ایستند منافقان و کس ها که اندر دلهاشان بیماری است و ارجاف کنندگان اند اندر مدینه».

### ۳. قرآن شماره ۴

این قرآن و ترجمه که به «قرآن شماره ۴» معروف شده، نوعی رونویسی از ترجمه رسمی (ترجمه تفسیر طبری) است که مترجم هر کجا ترجمه رسمی را نپسندیده واژه ها را تغییر داده است.

این نسخه، توسط احمد علی رجائی، تحت عنوان «متنی پارسی از قرن چهارم هجری، معرفی قرآن خطی مترجم شماره ۴» در مشهد منتشر شده، و نیز عزیز الله جوینی در «فرهنگ لغات خطی آستان قدس رضوی، شماره ۴» در سال ۱۳۶۳ ش. آن را منتشر کرده است.

نام کامل کتاب و تاریخ نگارش از آن افتاده است و آنچه بر جای مانده این است:

«... سعد بن عبدالجبار بن احمد المکنی بابی الحارث فی رمضان سنه...».

دکتر رجایی این نسخه را متعلق به قرن ششم هجری یا اندکی بعد از آن می داند و آن را ترجمه مستقل می انگارد؛ اما برخی از صاحب نظران بر آنند که این ترجمه، رونویسی ترجمه رسمی است که در آن برخی تغییرات داده شده است. (۱)

### ۴. تفسیر بصائر یمینی

این ترجمه و تفسیر از معین الدین محمد بن محمود نیشابوری است که از قرن ششم بازمانده و به کوشش علی رواقی در ۱۳۵۹ ش. در تهران، جلد اول آن منتشر شده است.

این کتاب، چند سال بعد از مرگ «بهرام شاه غزنوی» (حدود ۵۵۲ ق.) تألیف شده است، کتاب مزبور از نثر فارسی قرن ششم تبعیت کرده که نثری روان و تحت تأثیر

ص: ۵۳

عبارات و نحو عربی می باشد. (۱) مثال: [ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ]؛ (۲) «ترا پیرستیم و از تو یاری خواهیم، به ما نمای راه راست».

## ۵. ترجمه قرآن، نسخه مورخ ۵۵۶ هجری (ترجمه قرآن ری)

این ترجمه به کوشش «محمد جعفر یاحقی» در سال ۱۳۶۳ ش. در تهران منتشر شده است؛ این نسخه، کهن و دارای اعتبار است، نثری زیبا و استوار و تحت تأثیر لهجه رازی در قرن ششم است؛ این کتاب، ترجمه خالص قرآن و کاملاً تحت اللفظی است.

نویسنده کتاب مشخص نیست؛ اما شخصی به نام «ابوعلی خطیب» در روستای کهکابر از ناحیه مرجبی از حوالی شهر ری آن را نوشته یا احتمالاً استنساخ کرده است. (۳) مثال: [ ...يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَيَّا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَرُوتَ وَ مَرُوتَ ... ]؛ (۴) «در آموختند مردمان را جادوی و آنچه فرستاد جادو و فریشتگان... به بابل هاروت و ماروت».

## ۶. قرآن مترجم شماره ۷۷

این قرآن که در «آستان قدس رضوی» موجود است، شامل آیه ۲۱ سوره «سبا» تا آیه ۴۰ سوره «محمد صلی الله علیه و آله و سلم» می باشد که متن به خط کوفی و ترجمه فارسی آن به خط نسخ است و تاریخ کتابت (۵) آن حدود اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم قمری حدس زده شده است. (۶)

ص: ۵۴

۱- (۱). همان، ص ۲۱۵ - ۲۱۴

۲- (۲). فاتحه، ۵

۳- (۳). مقدمه ترجمه قرآن، نسخه مورخ ۵۵۶ هجری، ص ۷

۴- (۴). بقره، ۱۰۲

۵- (۵). البته، تاریخ کتابت می تواند با تاریخ ترجمه شدن یکسان نباشد؛ ولی در اینگونه موارد که تاریخ دقیق ترجمه شدن متن در دست نیست به تاریخ کتابت اکتفا شد.

۶- (۶). گنجینه قرآن، ص ۵۵، ۶۸، ۷۲ و تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۰۳

این کتاب نیز، در آستان قدس رضوی نگهداری می شود و به خط کوفی با ترجمه تحت اللفظی فارسی سره است، نوشته های آغاز این قرآن، افتاده و تحریر آن مربوط به حدود قرن ششم قمری است. (۱)

## ۸. قرآن مترجم شماره ۱۴۶۸

قرآن مزبور که در آستان قدس رضوی موجود می باشد، با ترجمه کهن فارسی در اواخر سده ششم قمری به تحریر درآمده و از جهت عبارت، لغت، سیاق نثر و رسم الخط قابل توجه است. (۲)

### قرن هفتم هجری

در این قرن، ترجمه ای فارسی از قرآن نیافتیم؛ شاید یکی از عوامل موثر در رکود علمی این دوره، حمله مغول به شهرهای اسلامی است که موجب رکود کلی رشد علم در بین مسلمانان شد؛ البته، ممکن است عوامل دیگری همچون: رشد تصوف و لوازم آن، مثل انزواطلبی و نیز رشد سلفی گری و اخباری گری در بین مسلمانان از عوامل رکود ترجمه در این قرن و قرون بعد باشد؛ چرا که اخباری ها و سلفی ها بیش از آنکه به قرآن اهمیت دهند به حدیث اهمیت می دادند و حتی در حجیت ظواهر قرآن تشکیک می کردند.

### قرن هشتم هجری

جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)

این تفسیر و ترجمه، توسط ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی در حدود نیمه

ص: ۵۵

---

۱- (۱). همان

۲- (۲). همان

قرن هشتم نگاشته شده است که احتمالاً همین تاریخ، زمان حیات مولف و تدوین کهن ترین نسخه موجود آن است.

این تفسیر به کوشش میرجلال الدین حسینی ارموی (محدث) در سال ۱۳۳۷ ش .

در تهران منتشر شده است.

تفسیر گازر را خلاصه «تفسیر ابوالفتوح رازی» دانسته اند. (۱) مثال: [ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ]؛ (۲) «قومی را خفض کند (و به دوزخ فرو برد) و قومی را رفع کند (و به درجات بهشتی رساند).

## قرن نهم هجری

### اشاره

در این عصر نیز، چند ترجمه گزارش شده است:

#### ۱. «مواهب علیه» یا تفسیر حسینی

این تفسیر و ترجمه، تالیف کمال الدین حسین کاشفی (م ۹۱۰ ق .) است که در سال ۸۸۹ ق . به نگارش درآمده و با تصحیح و تحقیق سید محمد رضا جلالی نائینی در سال ۱۳۱۷ ش . در تهران منتشر شده است.

کاشفی، بزرگترین نویسنده و محقق زمان خود بود و واعظ مشهور هرات (شهر اهل سنت آن روزگار) و سبزوار (شهر شیعه نشین) بود و چنان مردم را وعظ می کرد که کسی نمی دانست او شیعه است یا سنی؛ کتاب «روضه الشهداء» او، چندان در مجالس سیدالشهدا علیه السلام خوانده شد که مجالس آن حضرت به نام روضه خوانی شهرت یافت.

او در تفسیر خود از استقلال نسبی برخوردار بوده و از شعر شاعران بزرگ فارسی شاهد آورده است و در ترجمه خود از کسی تقلید کامل نکرده است و ترجمه ها در درون تفسیر قرار دارند. (۳)

ص: ۵۶

---

۱- (۱) . مقدمه تفسیر گازر، ج ۱، صفحات ۱-۵، و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۲۲۸.

۲- (۲) . واقعه، ۳

۳- (۳) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۲۳۳ - ۲۳۵

مثال: [ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّالِّينَ وَفِي الرِّقَابِ ... ]؛ [\(۱\)](#) «وبدهند مال خود را بر دوستی حق تعالی... خویشان درویش را و بی پدران را... و محتاجان را... و راه گذریان را... و درویشان خواهنده را... و در بهای بندگان را (کذا)».

## ۲. قرآن مترجم شماره ۱۳۷

این قرآن نیز در آستان قدس رضوی نگهداری می شود؛ متن آن با خط ثلث و با قلم زر و ترجمه فارسی آن به خط نسخ است؛ کاتب آن زین العابدین بن محمد کاتب شیرازی است و کتاب را در جمادی الاول ۸۷۶ ق. برای ابوالفتح مظفر الدین حسن بهادرخان، نوشته است. [\(۲\)](#)

## ۳. قرآن مترجم شماره ۱۴۶

قرآن مزبور نیز در «آستان قدس رضوی» موجود است؛ متن آن با خط ثلث ترکستانی، با قلم زر و ترجمه فارسی به خط نسخ، با لاجورد تحریر یافته و در اواخر سده نهم قمری نوشته شده است. [\(۳\)](#)

## ۴. قرآن مترجم شماره ۲۵۵

این قرآن نیز در «آستان قدس رضوی» موجود است؛ متن آن به خط ثلث و ترجمه به خط نسخ تحریر یافته است؛ تحریر نیمه دوم سده نهم قمری به نام عبدالله مروارید است. [\(۴\)](#)

## قرن دهم هجری

### اشاره

ص: ۵۷

---

۱- (۱). بقره، ۱۷۷

۲- (۲). گنجینه قرآن، ص ۱۴۷، ۱۶۹، ۱۷۰ و تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر جواد سلماسی زاده، ص ۱۰۳.

۳- (۳). همان

۴- (۴). همان

در این عصر نیز، چند ترجمه گزارش شده است:

### ۱. تفسیر ترجمه الخواص

این کتاب خطی، نوشته ابوالحسن علی بن حسن زواره ای است که در نیمه دوم قرن دهم وفات یافته است و تاریخ تفسیر او ۹۴۶ ق. است؛ این نویسنده در ترجمه قرآن، تقریباً عین عبارات «مواهب علیه» را آورده است. (۱) مثال: [ ... كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ... ] (۲)؛ «ای آن گروه که گرویده اید فرض کرده شد بر شما روزه داشتن، همچنانکه فرض کرده شده بود بر آنان که پیش از شما بودند». (۳)

### ۲. ترجمه مخدوم نوح

این اثر، نخستین ترجمه فارسی قرآن کریم در هند است که به قلم مخدوم لطف الله بن مخدوم، مشهور به مخدوم نوح (۹۱۱ - ۹۹۸ ق.) انجام گرفته است. (۴)

### ۳. تفسیر منهج الصادقین

این کتاب، تالیف مولی فتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ق.) است که در ترجمه آیات قرآن، تقریباً عبارات کتاب «مواهب علیه» را تکرار کرده است.

ایشان بخشی از تفسیر مواهب علیه را نیز آورده، اما روایات شیعی را بر آن افزوده است. (۵) مثال: [ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ... ]؛ (۶)

«ای گروه آدمیان! بندگی کنید و پرستش نمایید پروردگار خود را».

ص: ۵۸

۱- (۱). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ص ۲۳۹.

۲- (۲). بقره، ۱۸۳.

۳- (۳). به نقل از رساله دکتری علی زواره ای و تفسیر ترجمه الخواص» رساله دکتری، دانشگاه تهران، ص ۳۸۸.

۴- (۴). مجله بینات، شماره ۳، مقاله مولانا امیرالدین مهر، ترجمه دکتر سید حسن عباس.

۵- (۵). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، همو، ص ۳۳۹.

۶- (۶). بقره، ۲۱.



## ۴. قرآن مترجم شماره ۱۵۰۲

این قرآن در آستان قدس رضوی موجود است و ترجمه آن از شیخ نظام الدین نیشابوری و متن و حواشی آن به خط نسخ و ترجمه آن به خط نستعلیق است؛ نویسنده این اثر، محمد بن احمد نیریزی از سده دهم قمری است و تاریخ تحریر آن ۲۵ جمادی الاول سال ۹۸۷ هجری است. (۱)

### قرن یازدهم هجری

#### اشاره

در این قرن نیز چند ترجمه از قرآن کریم گزارش شده است:

## ۱. قرآن مترجم شماره ۵۸۵

قرآن مزبور در آستان قدس رضوی نگهداری می شود و با خط نسخ جلی و خفی، همراه با ترجمه و تفسیر در هامش، نگاشته شده است؛ تاریخ اتمام نگارش آن سال ۱۰۵۹ قمری است. (۲)

## ۲. قرآن مترجم شماره ۱۷۰

این قرآن با ترجمه تحت اللفظی فارسی در متن و چند عنوان تفسیر (حسینی، بیضاوی، جلالین و کشاف) در حواشی آن است، تاریخ تحریر آن، شنبه ۲۴، ذی القعدة، سال ۱۰۸۲ قمری است. (۳)

## ۳. قرآن مترجم شماره ۱۱۰

ترجمه فارسی قرآن مزبور به خط نستعلیق و تاریخ نگارش آن سال ۱۰۸۷ ق. است. (۴)

ص: ۵۹

---

۱- (۱). گنجینه قرآن، ص ۲۱۰؛ تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۰۴

۲- (۲). گنجینه قرآن، ص ۲۱۶؛ تاریخ ترجمه قرآن، ص ۱۰۴

۳- (۳). گنجینه قرآن، ص ۲۳۸

۴- (۴). همان، ص ۲۳۹

#### ۴. قرآن مترجم شماره ۱۳۴

در سال ۱۱۰۸ قمری به دستور شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده است و ترجمه آن به خط نستعلیق است. (۱)

#### ۵. قرآن مترجم شماره ۱۲۷

متن این قرآن به خط نسخ از میرزا احمد نیریزی به تاریخ ۱۱۰۸ قمری است و ترجمه فارسی آن به خط نستعلیق باشنگرف از محمد علی، بدون ذکر تاریخ است. (۲)

#### ۶. قرآن مترجم شماره ۱۵۱۷

ترجمه فارسی این کتاب به خط نستعلیق از ملا عبدالله معلم اصفهانی می باشد و در تاریخ ۱۱۱۳ قمری نگاشته شده است. (۳)

#### ۷. قرآن مترجم شماره ۱۱۱

این قرآن با تفسیر و ترجمه فارسی به خط نستعلیق است و تاریخ تحریر آن رمضان سال ۱۱۱۶ قمری می باشد. (۴)

#### ۸. قرآن مترجم شماره ۱۰۴

این اثر به خط نسخ و ثلث خوش، مربوط به حدود قرن دهم و ترجمه فارسی آن از سده دوازدهم قمری به خط نستعلیق است. (۵)

#### ۹. قرآن مترجم شماره ۱۷۵

قرآن مزبور به خط نسخ ابوالقاسم طباطبایی و ترجمه فارسی و حواشی آن به خط نستعلیق از کاتبی دیگر است و تاریخ تحریر آن شوال ۱۱۳۷ قمری می باشد. (۶)

ص: ۶۰

۱- (۱). همان، ص ۲۵۹

۲- (۲). همان، ص ۲۶۲

۳- (۳). همان، ص ۲۶۳

۴- (۴). همان، ص ۲۷۳

۵- (۵). گنجینه قرآن، ص ۲۷۸

۶- (۶). همان، ص ۲۸۶ و تاریخ ترجمه قرآن، ص ۱۰۵

این قرآن به خط نسخ و ترجمه آن به خط نستعلیق از محمد هاشم لولویی اصفهانی است و تاریخ تحریر آن ربیع الاول سال ۱۱۸۵ قمری می باشد. (۱)

## قرن دوازدهم هجری

### اشاره

در این عصر نیز، چندین ترجمه گزارش شده است:

### ۱. فتح الرحمن، بترجمان القرآن (فتح الرحمن فی ترجمه القرآن)

این ترجمه که توسط ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم، (م ۱۱۷۶ ق.) مشهور به شاه ولی الله محدث دهلوی صورت گرفت و در عصر ما به «ترجمه محدث دهلوی» مشهور است، در دهلی چاپ شده است؛ هر چند که این ترجمه در قرن دوازده هجری نوشته شده، ولی هنوز جای خود را باز کرده و توسط برخی مراکز، از جمله در عربستان چاپ و ترویج می شود (۲) و بارها در پاکستان و هند چاپ شده است. (۳) البته این توجه شاید به خاطر آن باشد که این ترجمه بر مبانی اهل سنت به فارسی به نگارش درآمده است.

در این ترجمه به شأن نزول آیات نیز به اختصار پرداخته شده است، و شیوه ترجمه او جمله به جمله و ترجمه ای متمایل به تحت اللفظی است. (۴)

ص: ۶۱

---

۱- (۱). همان، ص ۲۸۶

۲- (۲). نک: یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس، مقاله دیدگاه های فقهی درباره ترجمه قرآن کریم، سید محمد علی ایازی، ص ۱۵۳.

۳- (۳). کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، ص ۶۰، ترجمه محدث دهلوی را با ۳۴ بار تجدید چاپ، کثیرالانتشارترین ترجمه فارسی می شمارد.

۴- (۴). نک: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ترجمه شاه ولی الله دهلوی، بهاءالدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۵۵۵ و مجله ترجمان وحی، سال ۵، ش ۹، ص ۶۲ - ۶۸

مثال: [ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَمْ اذْ لٰتِكِ الْكِتٰبَ لَمَّارِیْبٍ فِیْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ اَلَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیْمُوْنَ الصَّلٰوَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ یُنْفِقُوْنَ ]؛ (۱) «به نام خدای بخشاینده مهربان، این کتاب هیچ شبهه نیست در این، رهنماست پرهیزکاران را، آنانکه ایمان می آرند به نادیده و بر پا می دارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند».

## ۲. قرآن مترجم شماره ۳۲۳

متن این قرآن به خط نسخ و ترجمه به خط نستعلیق با شنگرف بوده و تحریر آن حدود اوایل سده دوازدهم قمری حدس زده شده است. (۲)

## ۳. قرآن مترجم شماره ۱۱۶

متن قرآن مزبور با خط نسخ خوش و جلی با ترجمه فارسی به خط نستعلیق خفی است و تحریر آن حدود اواخر سده دوازدهم قمری می باشد. (۳)

## قرن سیزدهم هجری

### اشاره

در این عصر نیز، چندین ترجمه از قرآن مجید گزارش شده است:

## ۱. تراجم استرآبادی

این ترجمه قرآن، توسط حسینی کردمحلی، در قرن سیزدهم نگارش یافته و در سال ۱۲۸۳ در تهران منتشر شده است. (۴)

## ۲. موعود الرحمن فی ترجمان القرآن

این ترجمه، توسط حسین خوانساری انجام یافته و در سال ۱۸۹۳م. در بمبئی منتشر شده است. (۵)

ص: ۶۲

---

۱- (۱). بقره، ۱ - ۳

۲- (۲). گنجینه قرآن، ص ۲۸۶

۳- (۳). همان، ص ۲۹۶ و تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۰۵

۴- (۴). قرآن ناطق، دکتر بی آزار شیرازی، ج ۱، ص ۱۵۴

۵- (۵). همان

### ۳. قرآن مترجم شماره ۲۱۷

متن این اثر به خط نسخ و ترجمه به خط نستعلیق، کاتب احمد بن محمد هاشم خوشنویس اصفهانی و تاریخ تحریر آن سال ۱۲۰۳ قمری است. (۱)

### ۴. قرآن مترجم شماره ۲۰۸

این کتاب با ترجمه تحت اللفظی فارسی، نگارش یافته و کاتب آن عبدالله بن عبدالرحیم شیرازی در سال ۱۲۳۰ قمری است. (۲)

### ۵. قرآن مترجم شماره ۱۰۱

این قرآن با ترجمه فارسی و دو تفسیر به خط نسخ و نستعلیق بوده و تاریخ تحریر آن سال ۱۲۴۰ قمری است. (۳)

### ۶. قرآن مترجم شماره ۱۵۷۸

نگارش این اثر توسط عبدالوهاب شیرازی و تاریخ تحریر آن ۱۵ ربیع الاول سال ۱۲۶۱ قمری است و به دستور امیرکبیر نگاشته شده است. (۴) تذکر: ترجمه های مترجم در آستان قدس رضوی، بسیار است که فهرست ۳۲۶ نسخه آن ها توسط آقای محمد آصف فکرت نوشته و در مشهد منتشر شده است و پیش بینی می شود به سه یا چهار جلد بالغ شود. (۵)

ص: ۶۳

---

۱- (۱). گنجینه قرآن، ص ۲۹۹ و تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۰۵

۲- (۲). همان ص ۳۰۳ و همان ص ۱۰۶

۳- (۳). همان ص ۳۰۷ و همان ص ۱۰۶

۴- (۴). همان، ص ۳۲۰ و همان ص ۱۰۶

۵- (۵). یادگارنامه فیض الاسلام، مقاله تاریخ ترجمه قرآن در آسیا، علی رفیعی علامرودشتی، ص ۳۲۶. ما در تکمیل اطلاعات قرون اول تا سیزدهم از مقاله ایشان و کتاب های تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذر نوش و قرآن ناطق دکتر بی آزار شیرازی و کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، ترجمه فکرت، بسیار بهره بردیم؛ همواره خامه شان خادم قرآن باد. (البته ادعا نمی کنیم که تمام ترجمه های این سیزده قرن را شماره کرده ایم، بلکه در برخی موارد به مهمترین آن ها اشاره کرده ایم).

اشاره

قرن چهاردهم هجری شمسی (قرن چهاردهم و ربع اول قرن پانزدهم هجری قمری) یکی از درخشان ترین دوران ظهور آثار قرآنی است، ترجمه قرآن نیز در این عصر، شکوفا شد و ده ها ترجمه با سبک ها و روش های مختلف پا به عرصه نهاد، و هر سال به تعداد آن ها افزوده می شود:

(الف) ترجمه های تفسیری، مثل ترجمه مرحوم فیض الاسلام و مرحوم الاهی قمشه ای؛

(ب) ترجمه های جمله به جمله (هسته به هسته) مثل ترجمه استاد مجتبی و آیهاالله العظمی مکارم شیرازی؛

(ج) ترجمه های تقریباً تحت اللفظی (کلمه به کلمه) مثل ترجمه معزی.

البته تحوّل مهمی که در این قرن اتفاق افتاد، شروع تفسیرهای جمعی قرآن، همچون: «تفسیر نمونه» و ترجمه های جمعی قرآن، همچون: ترجمه قرآن کریم، اثر نگارنده و گروهی از قرآن پژوهان است که ادامه این روند می تواند نتایجی عالی در فرایند تفسیر و ترجمه به بار آورد.

در ادامه این گفتار جدولی از مشهورترین و مهمترین ترجمه های یاد شده را ارائه می کنیم:

جدول ترجمه های قدیم فارسی

(۱)

مشمول بر ترجمه فارسی افغانی، جمشیدی، خراسانی، تیموری، فارسی تهرانی،

ص: ۶۴

---

۱- (۱). با استفاده از قرآن ناطق، ج ۱، ص ۵- ۱۵۴ و تکمیل آن با منابع و آثار جدید.

ردیف نام ترجمه فارسی قرآن نام مترجم محل چاپ تاریخ ترجمه ۱ ترجمه تفسیری طبری علمای ماوراء النهر تهران، انتشارات توس قرن ۴ هجری ۲ ترجمه تفسیری پاک ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۴ هجری ۳ تفسیر قرآن مجید، کمبریج ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۴ هجری ۴ ترجمه ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۴ هجری ۵ ترجمه آستان قدس رضوی ناشناس قرن ۴ هجری ۶ ترجمه تفسیری سور آبادی ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۵ هجری ۷ ترجمه تفسیری تاج التراجم اسفراینی مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی قرن ۵ هجری ۸ ترجمه تفسیری نسفی ابو حفص نجم الدین تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۵ هجری ۹ ترجمه تفسیری ناشناخته ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۵ هجری ۱۰ ترجمه تفسیری شنقشی ناشناس تهران، بنیاد فرهنگ ایران قرن ۵ هجری ۱۱ تفسیر ابو الفتوح رازی ابو الفتوح رازی تهران، سازمان جاویدان قرن ۶ هجری ۱۲ کشف الاسرار و عده الابرار میبدی تهران، دانشگاه تهران قرن ۶ هجری ۱۳ ترجمه و تفسیر مواهب علیه یا حسینی ملاحسین کاشفی لاهور، مکتبه صبا قرن ۹ هجری ۱۴ ترجمه مخدوم نوح مخدوم لطف الله هند قرن ۱۰ هجری ۱۵ ترجمه الخواص زواره ای خطی قرن ۱۰ هجری ۱۶ منهج الصادقین ملافتح الله کاشانی تهران، ۱۲۸۱ قرن ۱۰ هجری ۱۷ فتح الرحمن بترجمان القرآن شاه ولی الله محدث دهلی قرن ۱۲ هجری ۱۸ ترجمه استرآبادی حسینی کرد محلی تهران، ۱۲۸۳ قرن ۱۳ هجری ۱۹ موعود الرحمن فی ترجمان القرآن حسین خوانساری بمبئی ۱۸۹۳ م قرن ۱۳ هجری ۲۰ ترجمه فارسی افغانی محمود الحسن دیوبندی لاهور، دارالعروبہ للدعوه ۱۹۸۲ م

ردیف نام ترجمه نام مترجم ناشر و محل انتشار تاریخ چاپ تاریخ ترجمه ۱ ترجمه بصیر الملک بصیر الملک تهران ۱۳۱۶ ه .  
ق. قرن ۱۴ هجری ۲ ترجمه آقا میرزا موسی آقا میرزا موسی تهران، احمد بن محمد ۱۳۲۹ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۳ القرآن المجید  
مهدی الاهی قمشه ای تهران، محمد حسن علمی ۱۳۴۲ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۴ قرآن کریم با خلاصه التفاسیر شیخ محمود  
تهرانی تهران، اسلامیه ۱۳۵۲ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۵ ترجمه قرآن کریم محمد کاظم معزی انجمن اسلامی دانشجویان ۱۳۷۵ ه .  
ق. قرن ۱۴ هجری ۶ ترجمه و تفسیر قرآن حسین اصفهانی تهران، سعدی مخبرالدوله ۱۳۸۶ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۷ قرآن عظیم با  
ترجمه علینقی فیض الاسلام تهران، بی نام ناشر ۱۳۸۸ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۸ قرآن کریم با ترجمه فارسی رضا سراج تهران،  
محمد خالقی ۱۳۹۲ ه . ق. قرن ۱۴ هجری ۹ در سایه قرآن احمد آرام تهران، علی اکبر علمی ۱۳۳۴ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۰  
قرآن مجید ابوالقاسم پاینده تهران، جاویدان ۱۳۳۶ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۱ کشف الحقایق عبدالحمید نوبری تهران، چاپخانه  
موسوی ۱۳۳۹ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۲ قرآن مجید با ترجمه فارسی عباس مصباح زاده تهران، اقبال ۱۳۴۵ ه . ش. قرن ۱۴  
هجری ۱۳ ترجمه قرآن حکمت آل آقا تهران، اقبال و شرکا ۱۳۵۳ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۴ قرآن مجید با ترجمه و تفسیر زین  
العابدین رهنما تهران، چاپ کیهان ۱۳۵۴ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۵ ترجمه داریوش شاهین داریوش شاهین کانون انتشارات  
جاویدان - تهران ۱۳۵۹ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۶ قرآن مجید عبدالمحمد آیتی تهران، سروش ۱۳۶۷ ه . ش. قرن ۱۴  
هجری ۱۷ قرآن حکیم محمد خواجهی تهران، انتشارات مولی ۱۳۶۹ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۸ معانی القرآن محمدباقر بهبودی  
تهران، خانه آفتاب ۱۳۶۹ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۱۹ قرآن کریم جلال الدین فارسی تهران، انجام کتاب ۱۳۶۹ ه . ش. قرن ۱۴  
هجری ۲۰ قرآن حکیم جلال الدین مجتبیوی تهران، حکمت ۱۳۷۲ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۲۱ قرآن مجید مهدی فولادوند تهران،  
قم ۱۳۷۳ ه . ش. قرن ۱۴ هجری ۲۲ قرآن کریم بهاء الدین خرمشاهی تهران انتشارات نیلوفر و انتشارات جامع ۱۳۷۴ قرن ۱۴  
هجری ۲۳ قرآن کریم موسوی گرمارودی تهران، انتشارات قدیانی ۱۳۸۳ قرن ۱۴ هجری ۲۴ القرآن الکریم ابوالفضل بهرام پور  
تهران، عصمت ۱۳۸۳ قرن ۱۴ هجری ۲۵ القرآن الکریم ناصر مکارم شیرازی قم، دارالقرآن الکریم ۱۳۷۶ قرن ۱۴ هجری ۲۶ قرآن  
کریم محمدعلی رضائی اصفهانی و جمعی از قرآن پژوهان قم، دارالذکر ۱۳۸۴ قرن ۱۴ هجری ۲۷ انوار درخشان در تفسیر قرآن  
سید محمد حسین همدانی تهران، لطفی ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۲۸ اطیب البیان فی تفسیر القرآن سید عبدالحسین طیب  
تهران ۱۳۴۱ ش. قرن ۱۴ هجری



ردیف نام ترجمه نام مترجم ناشر و محل انتشار تاریخ چاپ تاریخ ترجمه ۲۹ ترجمه و تفسیر عاملی ابراهیم عاملی مشهدی مشهد، باستان ۱۳۴۵ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۰ ترجمه و تفسیر جامع سید ابراهیم بروجردی تهران ۱۳۴۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۱ ترجمه و تفسیر احسن الحدیث سید علی اکبر قرشی تهران، بنیاد بعثت ۱۳۷۱ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۲ القرآن الکریم حاج محمود یاسری تهران، اسلامیه ۱۳۷۲ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۳ قرآن مجید کاظم پور جوادی تهران، بنیاد دانشنامه اسلام ۱۳۷۲ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۴ قرآن مجید ابوالقاسم امامی قم، اسوه ۱۳۷۷ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۵ ترجمه قرآن - تفسیر کلامی قرآن محمد حسین روحانی تهران، انتشارات توس ۱۳۷۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۶ قرآن مجید علی اصغر حلبی تهران، انتشارات اساطیر ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۷ القرآن الکریم ترجمه مهدی الاهی قمشه ای، ویرایش حسین استاد ولی تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۷ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۸ قرآن کریم مسعود انصاری خوشابر تهران، انتشارات فرزانه روز ۱۳۷۷ ش. قرن ۱۴ هجری ۳۹ ترجمه قرآن عبدالحسین معادیخواه ذره ۱۳۷۹ ش. ۴۰ ترجمه قرآن حسن نفیسی ۴۱ قرآن مبین علی اکبر طاهری قزوینی تهران، انتشارات قلم ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۲ قرآن مجید حسین انصاریان قم، چاپخانه بزرگ قرآن ۱۳۸۳ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۳ کلمه الله العلیا محمد رضا قبادی آدینه و ندقم، انتشارات اسوه ۱۳۷۷ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۴ قرآن الکریم علی اکبر سروری تهران، انتشارات جمهوری (اسدی) ۱۳۷۷ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۵ القرآن الکریم سید کاظم ارفع تهران، انتشارات فیض کاشانی ۱۳۸۱ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۶ القرآن الکریم علی مشکینی قم، الهادی ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۷ قرآن حکیم (ترجمه فارسی و انگلیسی) طاهره صفارزاده تهران، فرهنگ ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۸ قرآن حکیم سید جلال الدین مجتبوی، ویرایش حسین استاد ولی تهران، انتشارات حکمت ۱۳۷۱ ش. قرن ۱۴ هجری ۴۹ ترجمه قرآن و نکات نحوی قرآن حکیم اصغر برزی تهران، بنیاد قرآن ۱۳۸۲ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۰ قرآن حکیم سید مهدی دادور (آیت الهی) تهران، انتشارات جهان آرا ۱۳۸۱ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۱ ترجمه قرآن احمد کاویان پور اقبال ۱۳۷۲ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۲ ترجمه منظوم امید مجد کتیبه ۱۳۷۶ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۳ ترجمه قرآن سید محمد باقر موسوی همدانی دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۶۳ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۴ ترجمه قرآن محمود اشرفی جاویدان ۱۳۷۳ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۵ ترجمه قرآن مصطفی خرم دل احسان ۱۳۷۱ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۶ ترجمه قرآن طاهره صفارزاده هنر بیداری ۱۳۷۳ ش. قرن ۱۴ هجری ۵۷ ترجمه قرآن شهرام هدایت صالحی ۱۳۶۱ ش. قرن ۱۴ هجری

ردیف نام ترجمه نام مترجم ناشر و محل انتشار تاریخ چاپ تاریخ ترجمه ۵۸ ترجمه قرآن اکبر ایران پناه سازمان پژوهش ۱۳۶۳  
ش. قرن ۱۴ هجری ۵۹ ترجمه قرآن محمد کاظم صفری یاسین ۱۳۷۸ ش. قرن ۱۴ هجری ۶۰ ترجمه قرآن اصغر برزی بنیاد  
قرآن ۱۳۸۲ ش. قرن ۱۴ هجری ۶۱ ترجمه قرآن محمد شائق فؤاد ۱۳۸۰ ش. قرن ۱۴ هجری

## دوم: ترجمه های قرآن به زبان های غیر فارسی

### اشاره

قرآن کریم در طی چهارده قرن گذشته به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است و همانطور که در مقدمه بحث گذشت: تا سال ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م. قرآن کریم تنها به هفتاد زبان دنیا به صورت کامل ترجمه شده است در حالی که کتاب مقدس (یهود و مسیحیت) تا سال ۱۹۹۸ م. به ۱۹۲۸ زبان ترجمه شده است؛ و این موضوع مسئولیت ما مسلمانان را بیشتر می کند تا قرآن را با روش ها و سبک های مختلف و نوین به زبان های زنده دنیا ترجمه کنیم.

البته جمع آوری و نقد همه ترجمه های قرآن به زبان های دیگر از حوصله این نوشتار خارج است؛ چرا که تنها فهرست ترجمه های کامل و ناقص قرآن به زبان های غیرفارسی، یک جلد کتاب خواهد شد؛ همانطور که عصمت بینارق و خالدان ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن را در طی سال های ۱۵۱۵ - ۱۹۸۰ م. از شصت و پنج زبان در «کتابشناسی جهانی» در ۳۵۹ صفحه جمع آوری و ارائه کرده اند و آقای محمد آصف فکرت آن را به فارسی ترجمه و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی آن را در سال ۱۳۷۳ ش چاپ کرده است؛ و نیز دکتر بی آزار شیرازی در جلد اول «قرآن ناطق» به معرفی ترجمه های غیرفارسی پرداخته و لیست های آن ها را برشمرده است.

بنابراین در این نوشتار با توضیح کوتاهی در مورد هر زبان به ذکر اولین و مهمترین ترجمه های هر زبان اکتفا می کنیم و لیستی از ترجمه های موجود به آن زبان را در پی می آوریم تا سیمای ترجمه قرآن در سطح جهانی تا حدودی روشن شود.

البته قبل از آن، فهرست نخستین ترجمه های کامل و ناقص قرآن و جدول آماری

## فهرست نخستین ترجمه های کامل چاپ شده در زبان های مختلف

(۲)

شماره سال و محل چاپ زبان مترجم ۱۵۴۳۱ م. بازل لاتین روبرتوس کتنسیس (رابرت کتونی) ۱۵۴۷۲ م. ونیس ایتالیایی  
آندره اریوانه ۱۵۴۷۳ م. نورنبرگ آلمانی سلومون شوایگر ۱۶۴۱۴ م. هامبورگ هلندی سلومون شوایگر ۱۶۴۷۵ م. پاریس  
فرانسوی آندره دوریه ۱۶۴۸۶ م. لندن انگلیسی الکساندر راس ۱۷۱۶۷ م. سن پترزبورگ روسی پیوتر و اسیلیوچ پوستنیکوف  
۱۷۳۴۸ م. هلمستات یونانی-۱۸۲۸۹ م. ۱۲۴۴ ق /، لکهنوارد و عبدالسلام، محمد عباسی بدایونی ۱۸۳۱۱۰ م. مجاری ایمر  
(اموری) بوزیدی زدمایر - گئورگ گدن ۱۸۳۷۱۱ م. کلکته فارسی کمال الدین، حسین بن علی واعظ کاشفی ۱۸۴۲۱۲ م.  
قاهره ترکی محمد تفسیری عینتابی دباغ زاده ۱۸۴۳۱۳ م. استکهلم سوئدی فردریک کروسنستولپه ۱۸۴۴۱۴ م. مادرید اسپانیایی  
خوزه گربو دو روبلس ۱۸۵۷۱۵ م. لایپزیک عبری هرمان رکنند و رف ۱۸۵۸۱۶ م. ورشو لهستانی بوتساکی ۱۸۶۱۱۷ م. بهوپال  
پشتو-۱۸۶۷۱۸ م. لاهور سندی محمد صدیق ۱۸۷۰۱۹ م. - پنجابی حافظ محمد مبارک الله

ص: ۶۹

---

۱- (۱). در این بخش از دو کتاب فوق الذکر استفاده زیادی شد و با کمک مجله تخصصی ترجمان وحی و منابع دیگر و نیز  
اطلاعات به دست آمده از طلاب خارجی مرکز جهانی تا حدودی بحث تکمیل شد؛ ولی اطلاعات کامل در این زمینه به یک  
تحقیق میدانی در سطح جهان نیاز دارد که از عهده سازمان هایی همچون سازمان کنفرانس اسلامی و یونسکو برمی آید.  
۲- (۲). این فهرست ها از کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، عصمت بینارق - خالدان، ترجمه  
محمد آصف فکرت، ص ۵۳ - ۶۱ آورده شد.

شماره سال و محل چاپ زبان مترجم ۱۸۷۹۲۰ م. بمبئی گجراتی عبدالقادر بن لقمان ۱۸۸۲۲۱ م. پاریس پرتغالی-۱۸۸۴۲۲ م. بمبئی تامیل حبیب محمد القاهری ۱۸۸۶۲۳ م. چارویا نترابنگالی گیریش چاندرا سن ۱۸۹۵۲۴ م. بلگراد صرب و کروات لیو بیراتیچ ۱۸۹۷۲۵ م. کانپور سانسکریت-۱۹۰۶۲۶ م. لا-گوس یوروبام. س. کول ۱۹۱۰۲۷ م. ورنارمنا ابراهام امیر چانجانز ۱۹۱۱۲۸ م. لاهور بلوچی حضور بخش مولانا ۱۹۱۲۲۹ م. سرنوتی بوکا ویارو مانیایی سیلوسترو اوکتاویان ایزوپسکول ۱۹۱۵۳۰ م. راجپور ہندی احمد شاه مسیحی ۱۹۱۶۳۱ م. لاهور براہوی محمد عمر دینپوری ۱۹۱۹۳۲ م. کپنہاک، دانمارکی پدرسن ۱۹۲۰۳۳ م. ژاپنی کن ایچی ساکاموتو ۱۹۲۳۳۴ م. لندن سواحلی گادفری دیل ۱۹۲۳۳۵ م. قاہرہ مالی عبدالرؤوف بن شیخ علی فنسوری جاوی ۱۹۲۵۳۶ م. پراگ چک ایگناک وزلی ۱۹۲۷۳۷ م. پکن چینی تی ژنگ لی ۱۹۲۸۳۸ م. باندونک اندونزیایی احمد حسن ۱۹۳۰۳۹ م. روستچوک بلغاری استفان، استفان یاسکولف توموف ۱۹۳۸۴۰ م. مدراس تلوگو چیلکوری نارایانا رائو ۱۹۴۲۴۱ م. تامپر فلانندی آہسن بورہ ۱۹۶۰۴۲ م. -آفریکانس اسماعیل عبدالرزاق شیخ صالح دین ۱۹۶۷۴۳ م. جوگ جاکارتا جاوہ ای کیایی بیشری ۱۹۶۹۴۴ م. کپنہاک اسپرانتو ایتالو (احمد عبدالہادی) چیوسی ۱۹۶۹۴۵ م. بانکوک تایلندی اسماعیل بن یحیی ۱۹۷۰۴۶ م. گوہاتی آسامی محمد صابر علی (یا صادر علی؟) ۱۹۷۰۴۷ م. کیام کولام- کولام مالایالام موتانیسریل م کایاکوتی ۱۹۷۱۴۸ م. بغداد کردی محمدی کویی گالی زادہ ۱۹۷۱۴۹ م. سئول کرہ ای یونگ، سون

کیم

ص: ۷۰

۱۹۷۱۵۰ م. باندونگ سوندانی قمرالدین، صالح دهلان، یوس روسامسی ۱۹۷۲۵۱ م. آدیس آبابا امهری-۱۹۷۳۵۲ م. بمبئی  
مراتی محمد یعقوب خان ۱۹۷۸۵۳ م. بنگلور کنادا-۱۹۷۹۵۴ م. بیروت هوسا ابوبکر محمد گمی ۱۹۸۰۵۵ م. اسلونروژی  
آینبرگ ۱۹۸۰۵۶ م. برمه برمه ای-

### فهرست نخستین ترجمه پاره ها و گزینش ها در زبان های مختلف

#### (۱)

شماره سال و محل چاپ زبان مترجم ۱۵۱۵۱ م. لندن انگلیسی-۱۵۴۳۲ م. -لاتین هرمانو نلینگونبس ۱۷۱۴۳ م. هلمستات  
یونانی-۱۷۳۱۴ م. بمبئی اردو نکهت شاهجهان پوری ۱۷۴۹۵ م. حیدر آباد سندی محمد هاشم مخدوم ۱۷۷۶۶ م. لایزیگ  
آلمانی هایریش ولفگانگ بریش ۱۷۸۴۷ م. استانبول فرانسه کلود اتین ساواری ۱۸۱۶۸ م. آلبوئه سوئدی والنیوس ۱۸۲۶۹ م.  
استانبول ترکی جودت افندی ۱۸۲۸۱۰ م. پوزنان لهستانی سربولوسکی ۱۸۳۲۱۱ م. کلکته فارسی عبدالعزیز دهلوی ۱۸۴۴۱۲ م.  
-اسپانیایی آندره بورگو ۱۸۵۶۱۳ م. امستردام هلندی ماتس ۱۸۵۶۱۴ م. امستردام ماکا سارماتس ۱۸۶۵۱۵ م. پیشاور پشتو مراد  
علی، مولانا ۱۸۶۸۱۶ م. -بنگالی اکبر علی غلام ۱۸۷۳۱۷ م. -بمبئی تامیل مصطفی عالم حاجی یار نوح عالم صاحب ۱۸۸۵۱۸  
م. لاهور پنجابی نووان کوتی شاه ۱۸۸۷۱۹ م. -کشمیری محمد یحیی شاه

ص: ۷۱

---

۱- (۱). این فهرست نیز از کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، ص ۵۵ - ۵۷ اخذ شد.

شماره سال و محل چاپ زبان مترجم ۱۸۸۹۲۰ م. کونمینگ چینی مالیان یوان ۱۹۰۲۲۱ م. مسکوروسی آگافنگل یقیموویچ کریمسکی ۱۹۰۲۲۲ م. فیلیویولیس بلغاری نیکولا- لیتر ۱۹۰۶۲۳ م. برلن امهری الکتاجه ۱۹۱۲۲۴ م. ورنارمنی اگوپ کوربتیان ۱۹۱۳۲۵ م. میلان ایتالیایی- ۱۹۱۵۲۶ م. بوداپست مجاری اندره گرسون ۱۹۲۱۲۷ م. کپنهاگ دانمارکی فرانتس پتر ویلیام بوهل ۱۹۲۱۲۸ م. پلوئشت آلبانیایی قفزی ایلومیتکو ۱۹۲۵۲۹ م. منچستر سریانی ا. مینگانا ۱۹۲۶۳۰ م. فورت دی کاک اندونزیایی جماین عبدالمراد ۱۹۲۷۳۱ م. سارایو و صرب و کروات شکریه الاگیچ ۱۹۴۴۳۲ م. حیدرآباد تلوگو محمد قاسم خان ۱۹۴۶۳۳ م. لندن اسپرانتو کولین (قاسم اسماعیل) اوانس ۱۹۴۸۳۴ م. تل او یو عبری جوئل ریولین ۱۹۴۹۳۵ م. باندونگ سوندانی- ۱۹۵۰۳۶ م. زنگبار سواحلی عبدالله صالح الفارسی ۱۹۵۲۳۷ م. اسلونروژی ویلهلم شنک ۱۹۵۵۳۸ م. راسپور هندی ابومحمد، امام الدین رامنگری، افضل حسین، پندت کیلاشنات برهاپاست ۱۹۵۸۳۹ م. سولو جاوه ای منور جلیل ۱۹۱۶۴۰ م. کولمبو سینھالی ویکر ماسینگ، لافیر، عبدالحمید عالم نوری ۱۹۶۴۴۱ م. سنگاپور مالی عبدالله محمد با سمیه ۱۹۶۶۴۲ م. پرتوریا آفریکانس- ۱۹۷۰۴۳ م. ماکاسار بوگینی عبدالرحمن دائنگ... ۱۹۷۲۴۴ م. کوژیکود مالایالام عبدالله اسحاق علی ۱۹۷۳۴۵ م. - گجراتی دیک بار دولیکار ۱۹۷۷۴۶ م. بمبئی مراتی محمد یوسف عطار ۱۹۷۷۴۷ م. لیسبون پرتغالی سلیمان ولی محمد ۱۹۷۸۴۸ م. هولی کردی حسین شیخ سعدی اریلی ۱۹۷۹۴۹ م. مراوی مرانائو احمد د. الونتو ۱۹۷۹۵۰ م. بیروت هوسا ابوبکر محمود گمی

## جدول آماری شمارگان چاپ ترجمه های کامل، پاره ها و گزینشها

با تعیین کثیرالانتشارترین چاپ ها در هر زبان (۱) ردیف زبان ترجمه های کامل پاره ها و گزینش ها کثیرالانتشار ۱ آسامی ۲۰۰۱ آفریکانس ۳۰۱۲ آلبانی ۴۳۰ آلمانی ۲۴۶۵ ماکس هنینگ: ۱۲، لودویگ اولمان: ۱۶ رودی پارت: ۱۱ شوایگر: ۵۴ اردو ۴۷۰۳۰۰ رفیع الدین دهلوی: ۳۰ عبدالقادر دهلوی: ۶۲۲ ارمنی ۱۳ آبراهام امیر چانجانز: ۷۲ اسپانیایی ۴۳۱ ناشناخته: ۷خوان ورت: ۴هرناندز کاتا: ۸۳ اسپرانتو ۹۰۲۲ مهري ۱۰۰۱۲ اندونزیایی ۲۳۳۹ احمد حسن: ۹ محمود یونس: ۹ محمد حسبی الشدیقی: ۱۱۶ انگلیسی ۱۳۱۲۹۵ جورج سیل: ۱۰۵ رادول: ۳۲ پیکتال: ۲۴ پالمر: ۱۲۱۵ ایتالیایی ۴۲۰ لویگی بونلی: ۱۳۶ براهویی ۱۴۰۴۱ برمه ای ۱۵۰۰۱ بلغاری ۱۶۱۱ بلوچی ۰۱

ص: ۷۳

---

۱- (۱). کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، ص ۵۸ - ۶۱.

ردیف زبان ترجمه های کامل پاره ها و گزینش ها کثیر الانتشار ۱۷ بنگالی ۹۵۳۹ [گیریش چاندراسن]: ۱۸۷ بوگینی ۱۹۰۱  
پرتغالی ۳۸ بنتودو کاسترو: ۲۰۲ پشتو ۲۳۱۴ مراد علی: ۲۱۴ پنجابی ۴۵۱۵ محمد حبیب الله: ۲۲۶ تامیل ۳۱۲ علامه، عبدالحمید  
بقوی: ۲۳۵ تازی ۲۴۲ ترکی ۱۹۷۱۰۷ محمد تفسیری عینتابی دباغ زاده: ۱۱ احسن بصری چانتای: ۱۰ اسماعیل فرح: ۸ فکری  
یاووز: ۲۵۷ تلوگو ۷۴ کائو چیلکوری نارایانا: ۲۶۲ جاوه ای ۲۷۰۴۱ چک ۰۴ الوین ریچارد نیکل: ۲۸۲ چینی ۶۱۴ تزو، چوشیه:  
۲۹۵ دانمارکی ۲۵ عبدالسلام صادق مادسن: ۳۰۳ روسی ۳۱۶ نیکولایف: ۵ سیمو نویچ سابلوکف: ۳۱۴ رومانیایی ۳۲۰۰۱  
ژاپنی ۰۹ یاسوناری - اوساموایکدا: ۲ توشیهیکو ایزوتسو: ۲ کن، ایچی ساکاموتو: ۳۳۲ سانسکریت ۳۴۰۰۲ سریانی ۳۵۰۱۰  
سندی ۲۵۲۴ تاج محمود امروتی: ۳۶۶ سواحلی ۱۰۵ عبدالله صالح الفارسی: ۳۷۱۲ سوئدی ۴۴ کارل ویلهلم زترستن: ۳۸۲  
سوندانی ۳۹۰۵۱ سینهایلی ۴۰۰۲۰ صرب و کروآتی ۶۱۱ محمد پانجا، جمال الدین چائو شویچ: ۴۱۶ عبری ۲۴ جوزف جوئل

ریولین: ۳

ص: ۷۴



ردیف زبان ترجمه های کامل پاره ها و گزینش ها کثیرالانتشار ۴۲ فارسی ۶۵۱۰۷ شاه ولی الله دهلوی: ۳۴ کمال الدین، حسین بن علی واعظ کاشفی: ۴۳۱۹ فرانسه ۲۱۱۱۶ کازیمیرسکی: ۲۹ آندره دوریه: ۲۲ ماواری: ۴۴۲۱ فنلاندی ۰۳ جوسی آرو، ارماس سالونن، کنوت، تالکوئیست: ۴۵۲ کرئول ۴۶۰۱۰ کردی ۴۷۰۲۲ کره ای ۴۸۰۰۱ کشمیری ۴۹۰۰۲ کنادا ۵۰۰۱ گجراتی ۲۱۱ احمد بهایی سلیمان جمعانی: ۵۱۲ لاتین ۲۸۵ رابرتوس کتنسیس، هرمانوس دالماتا: ۵۲۳ لوگاندا ۵۳۰۰۱ لهستانی ۵۴۰۵۱ ماکاساری ۵۵۰۲۰ مالایالام ۵۶۰۳۱ مالی ۳۷۱۴ احمد حسن: ۵۷۶ مجاری ۵۸۰۲۲ مراتی ۵۹۰۱۲ مرانائو ۶۰۰۱۰ نروژی ۶۱۰۱۱ هلندی ۱۲۶ گلازه ماکر: ۸ کاتیسر: ۶۲۶ هندی ۶۳۰۳۶ هوسا ۶۴۰۱۱ یوروبا ۰۴ م. س. کول: ۶۵۲ یونانی ۱۸ پنتاکی: ۶ تذکر: در سال ۲۰۰۵ م. قرآن به زبان بوسنیایی نیز ترجمه شده است، این ترجمه توسط دکتر انس کاریچ رئیس دانشکده اسلامی ساریوو انجام شده و با تهذیب

جالبی منتشر شده است. نگارنده؛ این ترجمه را از نزدیک در بوسنی مشاهده نمودم.

فهرست ترجمه های قرآن به زبان های مختلف که در ایران (کتابخانه مرکز ترجمه قرآن قم) موجود است، در بخش ضمیمه خواهد آمد.

## ۱. ترجمه قرآن به زبان ترکی

### اشاره

در مورد نخستین ترجمه ترکی قرآن، دو نظر وجود دارد؛ نخست: نظر پروفیسور زکی ولیدی طوغان که آن را همزمان با خود متن فارسی می داند و می گوید: همان لجنه ای که دسته ای را به ترجمه فارسی «تفسیر طبری» گماشت، عده ای از علمای ترک را مأمور ترجمه آن به ترکی کرد و دوم: نظر پروفیسور محمد فؤاد کوبرلی و استاد عبدالقادر اینان است که این ترجمه ترکی را مربوط به قرن پنجم هجری می دانند؛ (۱) در هر حال، تاکنون، این ترجمه به دست نیامده و نخستین ترجمه ترکی شرقی موجود، مربوط به سال ۷۳۴ ه. است که در موزه هنرهای ترکی - اسلامی شهر استانبول به شماره هفتاد و سه نگاهداری می شود؛ این ترجمه، به سبک ترجمه فارسی است. (۲) گفته می شود: بیش از هفتاد ترجمه ترکی وجود دارد که مربوط به قرن پنجم به بعد است و صدها نسخه خطی از آن ها در مجموعه ها و کتابخانه های خصوصی یافت می شود که غالباً به چاپ رسیده است؛ این ترجمه ها به زبان های گوناگون ترکی شرقی و غربی و به خطهای اویغوری و عربی و یا به خط لاتینی است. (۳) تعداد ترجمه های ترکی قرآن با خط لاتین بیست و سه بار و با خط ترکی اویغوری سه بار و با خط عربی ۶۰ بار ضبط شده است. (۴) دانشمندان، اطلاعات وسیعی درباره شش ترجمه ترکی، جمع آوری کرده اند که

ص: ۷۶

۱- (۱). نک: کتابشناسی جهانی، عصمت بینارق و خالدان، ص ۳۴ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۵۷ به بعد.

۲- (۲). البلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۱۹

۳- (۳). ۱. The Encyclopaedia of Islam, New edition, vol. v, p. ۴۳۰.

۴- (۴). محمدیوسف اریکسون، دکتر محمدعلی نجفی: «قرآن و ترجمه های قرآن» در دائرهالمعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۸.

در قرن های پنجم تا نهم هجری نگارش یافته اند؛ (۱) این ترجمه ها بر دو گونه اند:

۱. ترجمه های حرفی و تحت اللفظی، بدون تفسیر و توضیح؛

۲. ترجمه های تفسیری، اعم از مختصر و طولانی.

نکته قابل توجه در ترجمه های اولیه ترکی این است که به نسبت زیادی عاری از اصطلاحات عربی است و مترجمان، معانی و مفاهیم اصطلاحات را با جمله ها و ترکیب کلمات بیان کرده اند؛ زیرا نمی توانستند معادل آن ها چیزی بگذارند و شاید هم به این نکته توجه داشتند که کلمات محدود بشری نمی تواند جایگزین کلمات و اصطلاحات نامحدود قرآن گردد؛ اما در ترجمه های متأخر می بینیم که بسیاری از اصطلاحات قرآنی، وارد زبان ترکی شده که قبلاً ترک ها با آن ها آشنایی نداشتند؛ از نظر اسلوب، ترجمه های حرفی و تحت اللفظی، ترتیب جمله بندی ترکی را ندارد؛ بلکه مانند ترجمه های قدیم فارسی، به ترتیب جمله بندی قرآن است.

حرکت ترجمه قرآن، همچنان به کندی ادامه می یابد و در نیمه قرن بیستم میلادی به طور چشمگیری فزونی می گیرد. (۲)

ص: ۷۷

---

۱- (۱). راجع به تحقیقاتی که در مورد ترجمه های اولیه قرآن به زبان ترکی به عمل آمده است، به منابع زیر مراجعه شود: \_ Mingana, A.: An Old Turkish Manuscript of the Koran, The Moslem World, V. ۵ (۱۹۱۵), pp. ۳۹۱ - ۳۹۸. \_ Inan, A.: Kuran'in Eski Türkçe ve Oğuz Osmanlıca Çevirileri zerine notlar, Türk Arastırmaları Yilligi, Belleten (Ankara), ۱۹۶۰, PP. ۷۹ - ۹۴. Dili \_ Hamidullah, M.: Kur'an-ı Kerimin Türkçe Yazma Tercmeleri, Türkiyat Mecmuası XIV (۱۹۶۴), PP. ۶۵ - ۸۰. ( Istanbul ) \_ Eckmann, J.: Eastern Turkic translation of the Koran, Studia Turcica ( Budapest ), ۱۹۷۱, PP. ۱۴۹ - ۱۵۹. \_ Eckmann J.: Kur'anin Dogu Türkçesine Tercmeleri, I.. Edebiyat Fakltesi Türk Dili Edebiyatı Dergisi ( Istanbul ), XXII ( ۱۹۷۳ ), PP. ۱۶-۲۴.ve

۲- (۲). البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۱۹ - ۲۰

ترجمه قرآن کریم به زبان آذربایجانی در آسیای میانه از قرون وسطی آغاز شده، اما متأسفانه این ترجمه ها به چاپ نرسیده اند؛ نخستین ترجمه و تفسیر به زبان آذری، «کشف الحقائق عن النکات الآیات و الدقائق» به قلم قاضی باکو میرمحمد کریم آقا می باشد؛ این ترجمه، اثری پر ارزش و کاری تحقیقاتی و وزین است.

ترجمه دیگر، ترجمه و تفسیر شیخ الاسلام ماورای قفقاز، محمدحسن مولازاده شکوی است که در سال ۱۹۰۸ م. در چاپخانه «غیرت» تفلیس، تحت عنوان «کتاب البیان فی تفسیر القرآن» چاپ شده است، این ترجمه نیز، دقیق و وزین است.

ترجمه سوم نیز، ترجمه محمدحسن مولازاده است که با روش ویژه ای، ترجمه آیات را بین گیومه، و تفسیر را خارج از گیومه آورده است؛ این ترجمه، مورد پسند و علاقه و مطالعه مردم ماورای قفقاز و آذربایجان بوده و در سال ۱۳۹۹ ه. در ایران افست و در ۱۹۹۰ م. در باکو تجدید چاپ شده است.

زبان ترجمه نخست و سوم، پیچیده و فهم آن برای خواننده آذری دشوار است.

اخیراً ترجمه های دیگری به زبان آذری در دست است که تازه ترین آن ها «ترجمه» ادبی قرآن کریم» به زبان آذربایجانی معاصر است که در سال ۱۹۹۲ م. توسط پروفیسور واسم محمدعلی زاده انجام گرفته است.

در این ترجمه، از اصل قرآن و تفاسیر «طبری»، «ابوحیان»، «فخرالدین رازی»، «بیضاوی»، «کشاف»، «جلالین»، «مجمع البیان» و «المیزان» استفاده شده است. (۱) تذکر ۱: مترجمان قرآن به زبان ترکی اسلامبولی، بیشتر از واژه «ترجمه»، اصطلاح «معالی» را به کار گرفته اند؛ معالی یعنی: «فهمیدن»، به طوری که مضمون عمومی آیه،

ص: ۷۸

همان گونه که از طرف مترجم درک می گردد آورده شود، سپس در داخل پرانتز و یا در شرح ویژه ای معنای آن تفسیر گردد.

تذکر ۲: در سال های اخیر ترجمه ترکی «المیزان» و ترجمه آذری «تفسیر نمونه» انجام گرفته است و مترجمان «مرکز ترجمه قرآن به زبان های غیرفارسی» در قم، مشغول ترجمه قرآن به زبان ترکی هستند.

### جدول ترجمه یا «معالی» قرآن به ترکی

ردیف نام ترجمه یا معالی نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ چاپ قرآن کریم و معالی عبدالباقی گل بی نارلی iuebatikizmeR استانبول ۱۴۰۲ م. ۲. ترجمه آغری محمد بن یوسف آغری ۱۵۴۹ م. ۳. ترجمه تیبیان محمد دباغ زاده مطبعه بولاق قاهره ۱۸۴۳ م. ۴. ترجمه خیرالدین محمد خیرالدین خان حیدرآباد هند ۱۸۷۱ م. ۵. ترجمه افندی محمد نجیم افندی مطبعه بولاق قاهره ۱۸۷۷ م. ۶. ترجمه البیان محمدحسن مولازاده مطبعه غیرت تفلیس ۱۹۰۸ م. ۷. معالی قرآن کریم فاتح واعظ عثمان راشد ۱۹۲۷ م. ۸. ترجمه و تفسیر قرآن کریم عمررضا طغرل مطبعه اقسام استانبول ۱۹۳۴ م. ۹. قرآن کریم و ترکی معالی حسین یاسر مطبعه dm, ng آنکارا ۱۹۶۱ م. ۱۰. ترجمه مولازاده محمد حسن مولازاده باکو ۱۹۹۰ م. ۱۱. معالی ادبی قرآن پروفیسور واسم محمدعلی زاده باکو ۱۹۹۲ م.

### جدول ترجمه قرآن به ترکی استانبولی

#### اشاره

جداول ذیل، سیر صعودی ترجمه ها و تفاسیر چاپی قرآن مجید را بر حسب ادوار مختلف از صد و پنجاه سال پیش که نخستین نسخه چاپی قرآن در آن زمان انجام گرفته تا به امروز را بر اساس نسخه های موجود «مرکز ترجمه قرآن مجید» و برخی از منابع دیگر تنظیم شده است، (۱) این سیر را نشان می دهد:

ص: ۷۹

---

۱- (۱). در این بخش، از مقاله «جایگاه قرآن و عترت در ترجمه ها و تفاسیر قرآنی ترکی استانبولی» آقای سیدحسین رضوی، استفاده شد.

## ۱. ترجمه ها و تفاسیر کامل دوره عثمانی

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱ آیین تابی محمد افندی ۱۸۴۲-۱۸۴۱م. قاهر بولاق ۹ بار تا در دوره جمهوری نیز سه بار با حروف لاتین تجدید سال ۱۹۰۵ چاپ شده است که آخرین آن نسخه ۱۹۹۳م. می باشد توسط «دارسعادت» به صورت یک جلد، بدون متن تفسیری است.

۲ اسماعیل فرخ ۱۸۶۵م. استانبول عامره تا سال ۱۹۲۰ این اثر تفسیری یک جلدی در سال ۱۹۵۹م. با ویراستاری هشت بار سلیمان فخری به حروف برگرداند و با حروف لاتین در دوره جمهوری توسط انتشارات بُتن چاپ شده است.

۳ احمد بن عبدالله ۱۸۷۵-۱۸۷۷ استانبول رضا افندی؟ دو جلد می باشد و در سال ۱۰۹۴ ق. ترجمه شده است.

۴ نورالبیان ۱۹۲۱م. استانبول عامره ۴ بار اثر مذکور، تفسیر دو جلدی می باشد که مترجم و مفسر آن شناخته شده نیست و در سال ۱۳۳۹ ق. ترجمه شده است

همه این ها تفسیر می باشند که از بند سوم، نسخه ای در «مرکز ترجمه قرآن مجید» موجود نیست.

## ۲. ترجمه ها و تفاسیر دوره اعلان نظام جمهوری در سال ۱۹۲۳ تا اقتدار نظام لائیک

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ تعداد چاپ توضیحات

۱ جمیل سعید ۱۹۲۴م. استانبول ۹ بار ظاهراً این ترجمه از متن فرانسوی برگردانده شده است، با خط عربی نگاشته شده و «جهان کتابخانه سی» ناشر آن می باشد.

۲ محمد وهبی ۱۹۲۶-۱۹۲۴م. استانبول ۴ بار تفسیر کامل از قرآن در شانزده و پانزده جلد، بعد از تغییر الفبا، سه بار تجدید چاپ شده و نسخه «مرکز» چاپ چهارم سال ۱۹۶۶-۱۹۷۱م. می باشد؛ ناشر: اوج دال.

۳ احمد جودت پاشا ۱۹۲۷م. استانبول یک بار ناشر آن «معارف» است.

۴ اسماعیل حقی از میری ۱۹۲۷م. استانبول ۴ بار در سال های ۱۹۳۲ و ۱۹۷۷م. با خط لاتین توسط ناشران ابراهیم حلمی، آرن و روزنامه بلوار تجدید چاپ شده است؛ اصل ترجمه در دو جلد و با خط عربی است.

### ۳. دوره اقتدار نظام لائیک و اعمال سیاست های ضد دینی از ۱۹۲۸ م تا ۱۹۴۷ م

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱ عمر رضا دوغرو ۱۹۳۴ م. استانبول احمد خالد ۴ بار چاپ چهارم آن در ۱۹۸۰ بدون متن قرآن در یک جلد با اصلاحاتی تجدید چاپ شده است، برخی از بیانات لائیک ها و مادیگری در این اثر دیده می شود.

۲ المالیلی حمدی یازر (۱) ۱۹۳۸-۱۹۳۵ م. دیانت ۴ بار در سال های ۶۲-۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۹ م تجدید چاپ شده است.

### ۴. دوره آغاز تغییرات در سیاست نظام لائیک در سال ۱۹۴۷

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱ حسن بصری جانثاری ۱۹۵۲-۱۹۵۳ م استانبول اسماعیل گون ۱۲ بار این تفسیر تا ۱۹۸۰ م؛ یازده بار چاپ شده که در ۱۹۹۳ م. با ویراستاری جدید تجدید چاپ شده است که متن ترجمه آیات نیز در یک جلد مجزا منتشر گردیده است.

۲ عبدالباقی گلبنارلی ۱۹۵۵ م. استانبول رمزی؟ این ترجمه تا کنون بارها تجدید چاپ شده و تنها ترجمه ای است که توسط یک دانشمند شیعی نگارش یافته است.

۳ حاجی مراد ۱۹۵۵ م. استانبول حرکت؟ نسخه ای از این اثر در «گنجینه مرکز ترجمه» موجود نیست.

۴ اسماعیل حقی ۱۹۵۷ م. استانبول یلدیز؟ نسخه ای از این اثر در «گنجینه مرکز ترجمه» موجود نیست.

۵ عثمان نبی اوغلو ۱۹۵۷ م. استانبول نبی اوغلو ۲ بار این ترجمه بدون متن قرآن، در سال ۱۹۸۸ م توسط «سرمر کتاب اوی» تجدید چاپ شده است.

۶ شمس الدین یشیل ۱۹۵۹-۱۹۵۷ م استانبول یابلاجبک ۲ بار از این اثر تفسیر هفت جلدی، نسخه های در ۶۴، ۸۱، ۹۴، ۹۵ و ۱۹۹۷ م. تجدید چاپ شده است.

۷ قرآن ۱۹۵۹ م. استانبول آکرین ۹ بار این ترجمه، بدون متن قرآنی، توسط یک گروه منتخب با مراجعه به چندین ترجمه از زبان های مختلف فراهم آمده است، چاپ نهم آن متعلق به سال ۱۹۷۰ است. (۲)

۸ حسین آتای و یاشار ۱۹۶۱ م. آنکارا دیانت ۸ بار این اثر، ترجمه ای در سال های ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۵، کوتلو آی ۱۹۸۸ م. تجدید چاپ شده است.

۹ سعدي ارمالك ۱۹۶۲ م. استانبول روزنامه آكشام ۱ بار اين ترجمه بدون متن قرآن با استفاده از ترجمه هاي شرقي و غربي تهيه شده است.

۱۰ سهم آقلاي ۱۹۶۲ م. آنكارا دوغان كاردني ۳ بار ترجمه اي است بدون متن قرآن در چاپ هاي دوم و سوم اصلاحي روز آن انجام گرفته است.

ص: ۸۱

- 
- ۱- (۱). اين اثر تفسيري با ويرايش مجدد و تحقيق، توسط عده اي به زبان جديد بردگرانده و در سال ۱۹۹۳ م. در ده جلد، توسط شركت زهراوين چاپ شده است و در سال هاي ۱۹۹۳ م و ۱۹۹۴ م. متن ترجمه اي اين اثر، با ويراستاري افراد مختلف به صورت هاي گوناگون چاپ شده است؛ اين اثر براي اكثر مترجمين قرآن كريم، حالت يك منبع را پيدا نموده است.
- ۲- (۲). كتابشناسي جهاني، ترجمه ها و تفسيرهاي چاپي قرآن مجيد، ص ۲۰۰



ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱۱ قرآن کریمن ترکیه آنلائی ۶۳-۱۹۶۲م. استانبول روزنامه ملیت ۲ بار ترجمه ای بدون متن قرآنی است مقتبس از ترجمه های عمر رضا دوغروغول، حسن بصری و دیگران که در سال ۱۹۸۰م. تجدید چاپ شده است.

۱۲ عمر خسوحی بیلمن ۶۶-۱۹۶۲م. استانبول بیلمن؟ این اثر تفسیری، در هشت جلد وزیری، از سوی انتشارات حضور در استانبول نیز چاپ شده است.

۱۳ قرآن کریمن ترکیه آنلائی ۱۹۶۹م. استانبول روزنامه ۲ بار این ترجمه، بدون متن قرآنی بوده و روزنامه ینی استانبول ینی استانبول آن را بمناسبت ماه مبارک رمضان، جهت هدیه به خوانندگان خود چاپ نموده است و در سال ۱۹۷۲ تجدید چاپ شده.

۱۴ آ. فکری یاوز ۷۰-۱۹۶۹م. استانبول سونمز ۶ بار این ترجمه در سال های ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶ و ۱۹۸۱م. تجدید چاپ شده است.

۱۵ عبدالله عاطف توزونر ۱۹۷۰م. استانبول چلتوت ۳ بار ترجمه مذکور در سال های ۷۳ و ۱۹۸۲م. تجدید شده است.

۱۶ سلیمان آتش ۱۹۷۵م. استانبول یوکسل؟ این ترجمه بدون متن قرآنی بوده بعد با متن آن در دهه ۸۰ و ۹۰ به طور مکرر چاپ شده است.

۱۷ عبدالله آیدین ۱۹۷۵م. استانبول آیدین؟ این ترجمه، در دهه ۸۰ و یا ۹۰ تجدید چاپ شده است.

۱۸ محمد بن حمزه ۱۹۷۶م. استانبول وزارت فرهنگ؟ این ترجمه، در ۸۲۷ق. باحروف عربی نگارش شده است این اثر را وزارتخانه فرهنگ، ظاهراً برای گسترش زبان ترکی در دو جلد منتشر کرده است.

۱۹ ضیاء کازجی و نجیب ۱۹۷۷م. استانبول چاغر ۳ بار این ترجمه، بدون متن قرآنی در سال ۷۹ و ۱۹۹۳م. تجدید تایلان چاپ شده است.

۲۰ امین ساراچ و... ۷۹-۱۹۷۰م. استانبول حکمت؟ برگردان تفسیر «فی ضلال القرآن» سید قطب، در شانزده جلد می باشد که مکرر تجدید چاپ شده است.

۲۱ کاظم اوزترک ۸۰-۱۹۷۴م. آنکارا آی یلدیز؟ در سه جلد رقیعی با متن قرآنی که نسخه ای از این تفسیر در «مرکز» موجود نیست.

ترجمه ها و تفاسیر کامل دهه ۱۹۸۰ م.

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱علیرضا ساغمان ۱۹۸۰ م. استانبول اوج دال؟ این ترجمه، بدون متن مصحف شریف است.

۲حسن کاراکارایا و... ۱۹۸۱ م. استانبول حکمت ۲ بار این ترجمه، در سال ۱۹۹۳ م تجدید شده است.

۳جلال یلدرم ۱۹۸۲ م. استانبول روزنامه ترجمان؟ این ترجمه، همراه با توضیحات مختصر تفسیری در یک جلد می باشد و در ۴۵۰ هزار نسخه منتشر شده است.

۴قرآن کریم ۱۹۸۲ م. استانبول روزنامه گونش ۴ بار برعکس ترجمه دیگر متن قرآنی، این ترجمه از سمت چپ به راست شروع می شود و متن ترجمه ای این اثر دو جلدی بصورت دستنویس می باشد و در سال ۸۵ و ۸۴ تجدید چاپ شده و این ترجمه در «مرکز ترجمه» موجود است، بدون تاریخ و سال نشر.

ص: ۸۲

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۵ علی یولاچ ۱۹۸۳ م. استانبول بریم ۲ بار این ترجمه، بر اساس آرای تفسیری حمدی یازر و حسن بصری تهیه و در سال های ۸۵ و ۱۹۹۳ م. با متن قرآن و بدون آن نیز چاپ شده است.

۶ انور باینان ۱۹۸۴ م. استانبول باینان؟ این ترجمه، با توضیحاتی در یک جلد رحلی محدب با متن قرآن چاپ شده است.

۷ علی ارسلان ۱۹۸۷ م. استانبول ارسلان؟ اثر تفسیری است با متن قرآن در شانزده جلد وزیری

۸ بدرالدین سامینی اونال ۱۹۸۷ م. استانبول شن یلدیز؟ بخش عمده این ترجمه، اقتباس از ترجمه آیین نامی اسعدی می باشد که از روی نسخه ویرایش ۱۹۵۷ م اخذ شده است.

۹ علی اوزک و... ۱۹۸۷ م. حجاز وزارت ۳ بار این ترجمه، با تصحیح جدید در سال ۱۹۹۳ م توسط سازمان اموردینی دیانت چاپ شد که در ۹۴ نیز، توسط روزنامه صالح در استانبول در تیراژ هفتصد هزار نسخه منتشر شده است.

۱۰ شهر آریار سوی و... ۱۹۸۷ م. استانبول شفق ۲ بار این ترجمه در ۱۹۹۵ م. تجدید چاپ شده است.

۱۱ سلیمان آتش ۱۹۸۸ م استانبول نبی افق؟ تفسیر دوازده جلدی با متن قرآن کریم می باشد.

۱۲ عثمان کسکی اوغلو ۱۹۸۸ م. استانبول ارن؟ این ترجمه بدون متن قرآن می باشد.

۱۳ احسان آتاسوی ۱۹۸۹ م. استانبول بنی آسبا ۳ بار این ترجمه، بر اساس آرای تفسیری سعید نورسی «نورحبان» نگارش یافته و در سال های ۹۴ و ۹۷ بدون تغییری در متن ترجمه با عنوان اسماعیل موتو منتشر شده است.

۱۴ حسن تحسین فیضلی ۱۹۸۹ م. آنکارا الف؟ این ترجمه با متن قرآن می باشد.

۱۵ بکیر صداق ۱۹۸۹ م. استانبول اتوگن؟ برعکس ترجمه های دیگر، متن قرآنی این ترجمه از سمت چپ به راست قرار گرفته است.

## ۶. ترجمه ها و تفاسیر کامل دهه ۹۰ تا سال ۱۹۹۸ م

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۱ علی ارسلان ۱۹۹۰ م. استانبول مرد ۲ بار این ترجمه با متن قرآن در سال ۹۷ تجدید چاپ شده است.

۲ عارف باموک و... ۱۹۹۰ م. استانبول باموک؟ در این ترجمه، متن آیات قرآنی با حروف لاتین چاپ شده است که متن قرآنی به صورت عربی را نیز دارد.

- ۳ صدرالدین کموش و... ۱۹۹۰ م. استانبول شافاک؟ این اثر هفت جلدی، ترجمه تفسیر صفوه محمد علی صابونی می باشد.
- ۴ احمد داوود اوغلی ۱۹۹۱ م. استانبول جلد ۲ بار ترجمه، همراه متن قرآنی، در سال ۱۹۹۳ م. تجدید چاپ شده است.
- ۵ خانم مدینه بانجی ۱۹۹۲ م. استانبول ابرار؟ این ترجمه در دو جلد وزیری با متن قرآنی به صورت تحت الفظی می باشد.
- ۶ بهاءالدین ساغلام ۱۹۹۳ م. استانبول تبلیغ؟ این اثر در یک جلد رحلی با کیفیتی عالی با متن قرآن چاپ شده است.
- ۷ یاشار نوری اوزترک ۱۹۹۳ م. استانبول روزنامه حریت ۲ بار در این ترجمه، برخی از مفاهیم قرآنی نادرست ترجمه شده است. و در سال ۱۹۹۳ م. توسط بنی بویوت نیز چاپ شده است.

ردیف نام مترجم تاریخ چاپ محل چاپ ناشر تعداد چاپ توضیحات

۸ طلعت کوچ یغبت ۱۹۹۳ م. آنکارا قلیچ؟

۹ محمود جانتاش ۱۹۹۳ م. استانبول جانتاش؟ تفسیر هفت جلدی از قرآن با متن آن.

۱۰ مصطفی وارلی ۹۴-۱۹۹۲ م. استانبول اسماء؟ ترجمه این اثر در ۱۹۹۲ م. به اتمام رسیده است.

۱۱ عبدالوهاب اوزترک ۱۹۹۴ م. آنکارا أمک؟

۱۲ حسین آتای ۱۹۹۴ م. آنکارا K.E.S؟ این ترجمه، غیر از ترجمه ای است که با همکاری «یاشار کوتلو آی» انجام داده است.

۱۳ مصطفی حزمتملی ۱۹۹۵ م. آنکارا بیرلشیک ۳ بار این ترجمه بدون متن قرآنی است و در سال های ۹۶ و ۱۹۹۷ تجدید چاپ شده است و در لغتنامه آن برخی از مفاهیم قرآنی درست ترجمه نشده است.

۱۴ نظمی نظامی سکالی ۱۹۹۵ م. آنکارا آی یلدیز؟ در این ترجمه برخی از مفاهیم قرآنی وارونه نشان داده اوغلو شده است.

۱۵ جاهد کویتاک ۱۹۹۶ م. استانبول اشارت؟ این اثر تفسیری سه جلدی، برگردان «پیام قرآن» محمد و احمد آرترک است.

۱۶ آی کوت دوغان و... ۱۹۹۶ م. استانبول بیرلشیک؟ معانی القرآن سید ابوالاعلی مودودی است که همراه بامتن انگلیسی در سه جلد وزیری منتشر شده است.

۱۷ کریم آی تکین و... ۱۹۹۶ م. استانبول حصار؟ ترجمه نه جلدی تفسیر طبری می باشد.

۱۸ بکیر کارنگا و... ۱۹۹۶ م. استانبول داراند عوه؟ ترجمه شانزده جلدی که تفسیر ابن کثیر می باشد که همراه با متن است.

۱۹ ضیاء یلماز و...؟ استانبول مکتوب؟ همراه با متن قرآن، ترجمه ده جلدی «ابن التفاسیر» می باشد.

۲۰ جلال یلدرم؟ از میر آنادولو؟ اثر تفسیری در چهارده جلد می باشد.

۲۱ جمعی از مترجمین؟ استانبول دام لا ۳ بار همراه با متن قرآنی ترجمه مختصر «تفسیر روح البیان» بروسوی است که محمد علی صابونی آن را اختصار کرده در سال ۱۹۹۷ م. چاپ سوم آن در ده جلد منتشر شده است.

۲۲ علیرضا کانتای؟ استانبول آنس فاتح؟ ترجمه سه جلدی تفسیر حلابین است.

و محمد تاتو

۱۲۳ احمد اسرار ۱۹۹۷ م. استانبول بنگیسو ۱ بار ترجمه هفت جلدی «تفسیر القرآن» سید ابوالاعلی مودودی است که از زبان اردو

برگردانده شده است.

۲۴ ندیم یلماز ۱۹۹۷ م. استانبول حصار؟

۲۵ محمد بایداش ۱۹۹۷ م. استانبول اکین؟ ترجمه هفت جلدی «تفسیر الحدیث» می باشد.

۲۶ یعقوب ججک ۱۹۹۷ م. استانبول ایک ۱ بار این ترجمه اثر علی اوزک و همکاران اوست و با انجام اصطلاحاتی چاپ شده است.

۲۷ احمد وارول ۱۹۹۷ م. استانبول مازو؟ این ترجمه، بدون متن قرآنی می باشد.

۲۸ شعیان پریش ۱۹۹۸ م. استانبول اتک بهار ۱ بار این ترجمه، بدون متن قرآنی می باشد.

ص: ۸۴

بنابر نوشته پروفیسور حمید الله در حدود یازده ترجمه روسی از قرآن به عمل آمده است. (۱) از نظر پیرسن: اولین ترجمه به زبان روسی، ترجمه پوستنیکوف است که در سال ۱۷۱۶ میلادی چاپ شده است (۲) و از نظر پتروشفسکی: نخستین ترجمه کامل قرآن که منتشر شده و مستقیماً از زبان عربی به عمل آمده، ترجمه ای است که توسط گ. س. سابلوکوف (۱۸۰۴ - ۱۸۸۰م.) استاد فرهنگستان روحانی قازان صورت گرفته است؛ چاپ اول این ترجمه در سال ۱۸۷۹ در شهر قازان، چاپ دوم در ۱۸۹۶م. و چاپ سوم در ۱۹۰۷م. با متن قرآن و ترجمه روسی انجام گرفته است.

سابلوکوف ضمائیم ترجمه قرآن را که گونه ای از فهرست موضوعات مشروح است با ترجمه روسی منتشر کرده است؛ این کتاب را ای. یو. کراچکوسکی در کتاب «عرب شناسی روسی» (ص ۱۸۳) بسیار ارج نهاده است.

تازه ترین و کامل ترین ترجمه روسی قرآن به وسیله آکادمیسین ای. یو.

کراچکوسکی بزرگترین عرب شناس معاصر و دانشمند روسی (۱۸۸۳ - ۱۹۵۱م.) صورت گرفته که پس از مرگ وی چاپ و منتشر شده است؛ (۳) این دانشمند در حدود ده سال با دقت و جدیت تمام، مشغول ترجمه قرآن گردیده و حواشی علمی مفصلی به ترجمه خود افزوده است، به طوری که انتشار این ترجمه پایه محکمی برای مطالعات عمیق تر دیگران روی این اثر خواهد بود؛ از نظر خاورشناسان: این ترجمه بهترین ترجمه ای است از قرآن که تاکنون به زبان روسی منتشر شده است. (۴)

ص: ۸۵

---

۱- (۱). پروفیسور حمید الله: سیر ترجمه قرآن در آلمان، جایگاه دانش، ص ۶۳

۲- (۲). ج. د. پیرسن: همان مأخذ

۳- (۳). پتروشفسکی: اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۴ ش، ص ۱۲۹

۴- (۴). به نقل از فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ص ۲۴۹

ترجمه ای دیگر که اخیراً نویسنده به آن دست یافته، ترجمه ای است تحت عنوان HАPOK که مترجم آن U. uupathemmok، آن را در «اتحاد دارالفنون» و «انستیتو علمی شوروی سابق» ترجمه نموده و در سال ۱۹۶۳ م. در مسکو چاپ و منتشر شده است.

### جدول ترجمه های روسی

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ چاپ ۱ atemogaM narok IA یوستنیکوف (vokintsoP) چاپخانه پترزبورگ پترزبورگ ۱۷۱۶ م. ۲. narok IA aginK وریووکین (nikvoyreV) (nikvoyreV) سیزبورگ ۱۷۹۰ م. ۳. narok IA کلماکف (vokamloK) آکادمی فرهنگی سلطنتی پترزبورگ ۱۷۹۲ م. ۴. atemogaM narok نیکلایف (veyalokiN) تا ۱۹۰۱ پنج چاپ مسکو ۱۸۶۴ م. ۵. narok بوگوسلاوسکی (yksvalsugob) (مخطوط ۱۸۷۱ م. ۶. narok سابلوکوف (vokulbaS) چاپ دانشگاه pmI قازان ۱۸۷۷ م. ۷. narok کرانچکوفسکی (yksvokhctaK) ۱۸۸۳ م. ۸. narok کریمسکی (yksmirK) مسکو ۱۹۰۲ م. ۹. narok dortnI کرانچکوسکی (yksvokhcarK) چاپ انستیتو فرهنگ نوک ۱۹۰۳ م.



### ۳. ترجمه قرآن به زبان های هندی

#### اشاره

قرآن کریم به اغلب زبان های موجود در شبه قاره هند و پاکستان، نظیر زبان های اردو، آسامی، بنگالی، گجراتی، هندی، کشمیری، مراتی، اوریه ای، پنجابی، پشتو، سنسکریت، و به زبان های دراویدی (سینهالی، تامیلی، تلوگو، و مالایالام) ترجمه و تفسیر شده است.

#### ۱. کهن ترین ترجمه به زبان هندی

بزرگ بن شهریار دریانورد فارسی که در نیمه اول قرن دهم می زیسته در کتاب خود به نام عجائب الهند که آن را در حدود سال ۹۵۳ م. نگاشته است. (صفحات ۲ و ۳) می نویسد:

دانشمندان هند، قرآن را برای تبلیغ دین، کمی پیش از ۲۷۰ ه. / ۸۸۳ م ترجمه کردند و شاید به زبان های سندی یا ملتایی بود.

این ترجمه، بنا به درخواست راجا محروق، راجای پنجاب و کشمیر از حاکم مسلمان سند عبدالله بن عمر بوده و او یک دانشمند عراقی را مأمور این ترجمه کرد و تا «سوره یس» می باشد. اولین ترجمه کامل به زبان هندی توسط دکتر احمد شاه مسیحی انجام گرفته که در سال ۱۹۱۵ م. چاپ و منتشر شده است؛ مترجم این اثر، یک کشیش مسیحی است و اصطلاحات هندی را با شرح ها و حاشیه های بسیار به کار برده است. (۱) در فهرست کتاب های هندوستانی موزه بریتانیا، نمونه های بی شماری از ترجمه های قرآن به زبان های هندوستانی یافت می شود که از آن جمله، ترجمه هایی است که به دست مسیحیان انجام شده و با حروف لاتینی به چاپ رسیده است.

#### ۲. کهن ترین ترجمه به زبان سندی

زبان «سندی» یکی از لغات مهم در شبه قاره هندوستان و امروزه یکی از زبان های توسعه یافته محلی پاکستان است و در سال ۲۷۰ ه. یکی از علمای عرب، برای اولین بار قرآن را به این زبان ترجمه کرد، ولی نسخه ای از آن باقی نمانده است؛ اولین ترجمه موجود به زبان «سندی» توسط آخوند عزیزالله متعلوی (۱۱۶۰ - ۱۲۴۰ ه. / ۱۷۴۷ - ۱۸۲۴ م.) انجام گرفته و در چاپخانه محمّدیّه «حیدرآباد» به چاپ رسیده است. (۲) و برخی از نویسندگان، نخستین ترجمه چاپی به زبان «سندی» را اثر محمدصادق می دانند که در سال ۱۸۶۷ م. در «لاهور» چاپ شد. (۳)

ص: ۸۷

۶۴۰ به نقل از البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۱؛ نیز رجوع کنید به دکتر محمد حمیدالله: سیر ترجمه قرآن در آلمان، مجله فکر و فن، ش ۲، هامبورگ، ۱۹۶۳ و الدكتور علی شواخ اسحاق: معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۲.

۲- (۲). رجوع شود به کتابشناسی انجمن شرقی اردو، پاکستان، کراچی، ۱۹۶۱ م، ج ۱.

۳- (۳). کتابشناسی جهانی، همان ها، ص ۳۷

### ۳. کهن ترین ترجمه به زبان تامیلی

نخستین ترجمه به زبان «تامیلی» از مصطفی عالم حاجی بارنوح است که در سال ۱۸۷۳ در «بمبئی» به چاپ رسیده است و اولین ترجمه کامل به این زبان، توسط حبیب محمد قاهری انجام یافته و در سال ۱۸۸۴ در «بمبئی» منتشر شده است.

### ۴. کهن ترین ترجمه به زبان پشتو

در سال ۱۸۶۸م. مرادعلی صوفی اولین ترجمه تفسیری را انجام داده که در سال ۱۹۰۶م. در «لاهور» به چاپ رسیده است و در سال ۱۸۶۱م. ترجمه دیگری در بهویان (بهوپال) منتشر شده که مترجم آن ناشناس است.

### ۵. کهن ترین ترجمه به زبان پنجابی

قدیمی ترین ترجمه به زبان «پنجابی» از نوان کوتی شاه است که در سال ۱۸۸۵م. در لاهور به چاپ رسیده است و اولین ترجمه کامل را حافظ مبارک الله کرده که در سال ۱۸۷۰م. منتشر شده است.

### ۶. کهن ترین ترجمه به زبان بنگالی

بعضی، نخستین ترجمه ناتمام قرآن را به زبان «بنگالی» از غلام اکبر علی از مرزابور می دانند که در سال ۱۸۶۸م. صورت گرفته است و بعضی معتقدند که ترجمه مولوی امیرالدین بشنوی از قریه سک بور قدیمی ترین ترجمه ناتمام است.

اما ترجمه کامل را برای نخستین بار چاریش ساندراس (۱) که دارای دین «برهونی» بود در سال ۱۸۸۱ - ۱۸۸۶م. انجام داده است.

ص: ۸۸

---

۱- (۱). نام او را «گاریش چاندراسن» نیز نوشته اند؛ (کتابشناسی جهانی، ص ۳۵).

از نظر استاد سید علی احسن، مدیر کل سابق «آکادمی بنگلادش»، علت تأخیر در ترجمه قرآن این بوده که زبان عربی و فارسی و زبان اردو زبان رسمی و فرهنگی قبل از انقلاب ملی بنگلادش بوده و با افزایش حرکات ملی‌گرایی، ترجمه قرآن به زبان‌های ملی شروع شده است. (۱)

## ۷. کهن‌ترین ترجمه به زبان گجراتی

اولین ترجمه کامل به زبان «گجراتی» توسط عبدالقادر بن عثمان انجام گرفته و در سال ۱۷۸۹ در «بمبئی» چاپ شده است.

## ۸. کهن‌ترین ترجمه به زبان اردو

### اشاره

ترجمه شاه رفیع‌الدین دهلوی در سال ۱۱۹۰ هـ / ۱۷۷۶ م: نخستین ترجمه معانی قرآنی به زبان «اردو» محسوب می‌شود که برای اولین بار در سال ۱۸۴۰ م. در «کلکته» چاپ شده است.

به دنبال آن ترجمه دیگری از برادرش شاه عبدالقادر (متوفای ۱۲۰۵ هـ / ۱۷۹۰ م.) صورت گرفته که برای اولین بار در سال ۱۸۲۹ م. در دهلی چاپ شده است؛ این دو برادر، فرزند علامه مشهور در شبه قاره هند و محدث شاه ولی‌الله دهلوی است که در سال ۱۱۵۰ هـ / ۱۷۳۷ م. قرآن را به فارسی ترجمه کرده است. (۲)

## جدول ترجمه‌های قرآن به زبان اردو

ردیف نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ چاپ توضیح القرآن شاه عبدالقادر دهلوی تاریخ ترجمه ۱۲۰۵ هـ کلکته ۱۸۲۹ م. ۲. فتح‌العزیز شاه رفیع‌الدین دهلوی تاریخ ترجمه ۱۱۹۰ هـ. کلکته ۱۸۴۰ م. ۳. حمایل شریف مترجم اردو یعقوب حسن چاپ حسینی آگر ۱۸۶۶ م. ۴. زاد الآخره عبدالسلام محمد چاپ لکهنو شوارلکهنو ۱۸۶۸ م.

ص: ۸۹

---

۱- (۱). البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۲۰ و ۲۱ به نقل از: Khan Mofakhkhar Hussain: "A History of Bengali Translations of the Holy Qur'an", The Muslim World, LXXLL, ۲ (۱۹۸۲), PP. ۱۲۳ - ۱۳۶.

۲- (۲). همان مأخذ، ص ۲۰

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ چاپ ۵. التحریر فی اصول التفسیر سید احمد خان علیگر ۱۸۸۰ م. ۶. ترجمه قرآن شریف محمد حسین قلی خان چاپ حسینی لکهنو ۱۸۸۵ م. ۷. ترجمه خلاصه المنهج به امر مولانا محمد حسین لکهنو ۱۸۸۵ م. ۸. تفسیر اکسیر اعظم محمد احتشام الدین چاپ فولکیشوار لکهنو ۱۸۹۵ م. ۹. اردو القرآن بآیات الفرقان عبداللہ چاکر علوی چاپ هندوستان استیم لاهور ۱۹۰۸ م. ۱۰. کنزالایمان فی ترجمان القرآن احمد رضا خان برلوی چاپ نعیمی مردآباد ۱۹۱۲ م. ۱۱. تفسیر واضح البیان عبدالمجید علامہ چاپ رسالہ پیشوا دہلی ۱۹۳۰ م. ۱۲. ترجمہ القرآن یاسین حکیم شاہ چاپ دین محمدی لاهور ۱۹۳۵ م. ۱۳. تفہیم القرآن ابوالاعلیٰ مودودی چاپ تعمیر انسانیت لاهور ۱۹۵۱ م. ۱۴. مفہوم القرآن غلام احمد پرویز چاپ میزان لاهور ۱۹۶۱ م. ۱۵. ترجمہ مجمع البیان دکتر سید محمد حبیب - کراچی - تذکر: اخیراً تعداد زیادی (حدود ۲۰۰) ترجمہ کامل و ناقص قرآن بہ زبان اردو در کتابخانہ «مرکز ترجمہ قرآن بہ زبان های غیر فارسی» در «قم» جمع آوری شدہ است.

#### ۴. ترجمہ قرآن بہ زبان های جنوب شرق آسیا

#### الف) ترجمہ قرآن بہ زبان مالی و اندونزیایی

در نیمہ قرن ہفدہم میلادی عالم معروف عبدالرؤف فانسوری نخستین ترجمہ قرآن را بہ زبان «مالایایی» نگاشته کہ در سال ۱۹۲۲ م. در «قاہرہ» بہ چاپ رسیدہ است (۱) و اولین ترجمہ بہ زبان «اندونزیایی» را جماین عبدالمراد انجام دادہ کہ منتخباتی از آن در «فورت دو کوک» (۲) در سال ۱۹۲۶ م. چاپ شدہ است؛ لغت «مالایایی» منشأ لغت اندونزیایی جدید است. (۳) ترجمہ های قرآن بہ زبان های «مالایایی» و «اندونزیایی» در فرهنگ ها و کتاب نگاری ها فراوان آمدہ و نیز ترجمہ بہ سایر زبان های اندونزی؛ ترجمہ ای

ص: ۹۰

---

۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۷۵، ولی در کتابشناسی جهانی، ص ۳۸، سال چاپ آن را ۱۹۲۳ م می نویسد.

۲- (۲). Fort de Kock.

۳- (۳). البلیو جغرافیا العالمیہ لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۲

برمه ای همراه با متن قرآن از حاجی نورالدین معروف به حاجی لو در سال ۱۹۳۸م.

منتشر شده که اکنون نسخه ای از آن در کتابخانه بریتانیا موجود است. (۱) بوتو نخست وزیر اندونزی در سال ۱۹۵۵م. اجرای طرحی را برای ترجمه قرآن به زبان اندونزیایی آغاز کرد.

دو ترجمه به زبان «تایلندی» یکی همراه با متن قرآن در سال های ۱۹۶۸ - ۱۹۷۱م.

انجام گرفته است که هم اکنون در کتابخانه «دیسن» دانشگاه «کرنل» نگاهداری می شود. (۲)

### **(ب) ترجمه قرآن به زبان چینی**

ترجمه پاره هایی از قرآن مجید به زبان «چینی» متعلق به قرن هیجدهم در «مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن» موجود است و چند ترجمه منتخبی از قرآن به زبان چینی مربوط به قرن نوزدهم و بیستم وجود دارد و شاید نخستین ترجمه کامل چینی ترجمه ای است که به توصیه «ساکوما»، (۳) بازرگان مسلمان شده ژاپنی و مؤسس روزنامه شرقی «موکیانگ»، (۴) در سال ۱۹۲۵م. انجام گرفته است.

ترجمه دیگری در موزه بریتانیا موجود است که «شیه تزو - چو» (۵) و چند تن دیگر در سال ۱۹۵۸ از روی ترجمه انگلیسی به عمل آورده اند. (۶) اکمل الدین احسان اوغلی در مقدمه خود بر «کتابشناسی جهانی ترجمه های معانی قرآن کریم» معتقد است: قبل از قرن ۲۰ میلادی قسمت هایی از قرآن توسط «شیخ

ص: ۹۱

۱- (۱). رجوع شود به فهرست عربی موزه بریتانیا، ضمیمه دوم

۲- (۲). دائرهالمعارف اسلام، چاپ جدید، ۱۹۸۰، ج ۵، ص ۴۳۱ به نقل از: Catalogus van de Bibl. v. het Kon. Inst. v. Taal - Land - en Volkenk and suppis; Ockeloen, Catalogus van boeken en tijdschriften uitgegeven in Ned, OostIndie, ۱۸۷۰ (- ۱۹۵۳); H. Tinker, art. BURMA

۳- (۳). ۱. Sakuma

۴- (۴). ۲. Mukiang

۵- (۵). ۳. Shih Tzu - Chou

۶- (۶). ج. د. پیرسن: «ترجمه های موجود قرآن کریم»، همان مأخذ، ص ۵.

لیوچی» (۱) ترجمه شد و به دنبال وی «شیخ مافوشو» (۲) ترجمه بیست جزء را تکمیل کرد. و اولین ترجمه ای که به طبع رسید در سال ۱۸۸۹م. توسط «مالیان یوان» (۳) در کونمینگ (۴) بود؛ در سال ۱۹۲۷ لی تی ژنگ (۵) به ترجمه کامل چینی قرآن پرداخت و این ترجمه از روی ترجمه ژاپنی «کاموتوکی نی چی» (۶) و آن نیز از روی ترجمه انگلیسی «رود ول» (۷) انجام گرفته بود. (۸)

### ج) ترجمه قرآن به زبان ژاپنی

اولین ترجمه معانی قرآن کریم در «ژاپن»، مربوط به سال ۱۹۲۰م. است که مترجم آن «ک. ا. ساکاموتو» ی بودایی است و در سال ۱۹۲۳ کتابی به نام «النبی محمد» انتشار داده است؛ ترجمه ژاپنی وی از ترجمه انگلیسی صورت گرفته و در سال ۱۹۲۹م. چاپخانه «کایزو» این ترجمه را تحت عنوان «قرآن کیو» تجدید چاپ کرده است؛ مترجم با اینکه مسلمان نیست، اما نسبت به اسلام علاقه مند به نظر می رسد.

با ازدیاد جمعیت مسلمانان در ژاپن، ترجمه های دیگری نیز، از قرآن ظهور یافته است. (۹) در دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. ترجمه های ژاپنی توشیهیکو ایزوتسو استاد دانشگاه مک گیل کانادا و تاناکا شیرو، بارها چاپ و انتشار یافته است.

این ترجمه، در سه جلد جیبی، توسط انتشارات «ارنام بوک» توسط «مِندُروک ریو» در سال های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۴ و ۱۹۸۷ م. چاپ و منتشر شده است.

مترجم آن پروفیسور ایزوتسو استاد برجسته دانشگاه «مک گیل» کانادا و دانشگاه

ص: ۹۲

۱- (۱) Liuche .۱

۲- (۲) Mafushu .۲

۳- (۳) Malian Yuan .۳

۴- (۴) Kunming .۴

۵- (۵) Tietcheng Lee .۵

۶- (۶) SakamotoKeniche .۶

۷- (۷) Rod Well .۷

۸- (۸) Yijin, Jin: The Qur'an in China, Contribution to Asian Studies, Pub. E. j. Brill, .۸

۹- (۹) Leiden, XVII (۱۹۸۲), PP. ۹۵ - ۱۰۱. به نقل از البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۳ و در ترجمه

فارسی کتابشناسی جهانی، ص ۳۸.

۹- (۹) . همان مأخذ

«کیو»ی ژاپن است؛ وی با تخصص در مطالعات اسلامی، علم زبانشناسی و معناشناسی و ادبیات عرب و فارسی دو جلد کتاب در زمینه معنی‌شناسی و کلمات کلیدی و کانونی قرآن نگاشته که تحت عنوان «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن» به فارسی ترجمه شده است.

## د) ترجمه قرآن به زبان کره ای

در خاور دور، ترجمه‌هایی از قرآن به زبان‌های دیگر صورت گرفته که بر اثر فزونی تعداد مسلمانان است؛ از جمله آن‌ها ترجمه قرآن به زبان کره ای است؛ نخستین ترجمه کره ای را یونگ سن کیم، (۱) استاد دانشگاه «هانکوک»، به رشته تحریر در آورده که در سال ۱۹۷۱ در سئول چاپ و منتشر شده است. (۲) در سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳ اسلام توسط سربازان ترک در زمان جنگ کره در این سرزمین معرفی شده و اکنون دارای بیش از چهار هزار نفر پیرو می باشد. (۳)

## ۵. ترجمه قرآن به زبان‌های آفریقایی

### اشاره

قرآن برای اولین بار در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط «جعفر بن ابی طالب» و مسلمانان مهاجر وارد این قاره شد و «سوره مریم» آن برای پادشاه حبشه قرائت گردید که گفته می شود به زبان مردم آن سرزمین ترجمه شد.

اما قرآن در هر یک از مناطق قاره آفریقا که راه یافته، با نفوذ عمیق خود زبان آن سرزمین را به عربی قرآنی تغییر داده است و کشورهای چون مصر، لیبی، الجزایر، مراکش، منطقه صحرای بزرگ، سودان، چاد، موریتانی، صحرا، نیجریه، سومالی، جیبوتی و کومور اغلب به زبان عربی تکلم می کنند و نیازی به ترجمه قرآن ندارند و

ص: ۹۳

---

۱- (۱) Young Sun Kim.

۲- (۲) . البلیو جرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۳.

۳- (۳) . به نقل از کتاب کره، چاپ شده توسط سرویس تبلیغات خارجی وزارت اطلاعات و فرهنگ کره، سئول، ص ۹۱.



همانطور که اکمل الدین احسان اوغلی می نویسد: «ترجمه های معانی قرآن کریم به بعضی از زبان های مسلمانان در افریقا و آسیا به منظور کمک به مبشران مسیحی و فعالیت های تبلیغی شان بوده است».

در قاره آفریقا به جز زبان عربی، پنج زبان محلی آفریقایی وجود دارند که عبارتند از: زبان های «سواحلی»، «یوربا»، «گاندا»، «امهری» و «الهوسا».

اولین ترجمه ای که برای قرآن در این قاره صورت گرفت، توسط یک مبشر مسیحی به نام گادفری دیل (۱) به زبان «سواحلی» بود که در سال ۱۹۲۳م. توسط «جمعیت پیشرو معارف مسیحیت» در «لندن» چاپ شد؛ این ترجمه، پایه ای برای کمک به معلمان و مبلغان مسیحی در جهت شناخت نقاط قوت در اسلام بود تا آفریقایی مسیحی با استفاده از آن به تقویت خود در برابر مسلمانان بپردازد. (۲)

### الف) ترجمه سواحلی

همانطور که اشاره شد، ترجمه «سواحلی» اولین ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی است؛ این زبان، زبان وسیع و گسترده ای در شرق آفریقا، یعنی: در «تانزانیا»، «اوگاندا» و «کنیا» و همچنین در «اوروندی» و شرق «کنگو» است.

بر حسب منابع موجود، اولین ترجمه معانی قرآن به زبان «سواحلی» در سال ۱۹۰۶م. توسط کشیش گادفری دیل در «زنگبار» صورت گرفته است و در سال ۱۹۲۳م. در «لندن» چاپ شد. (۳)

Dale, Godfery: Tafsiri y Kurani Ya Kiarabu Kwa Lugha Ya Kisawahili, pub.Society for  
..Promoting Christian Knowledge, London, ۱۹۲۳, XXII + ۶۸۶P. ۸

ص: ۹۴

۱- (۱) .۱ Godfrey Dale

۲- (۲) .۲ The Muslim World. XIV, ۴ (Oct, ۱۹۲۴), PP. ۴۰۹ - ۴۱۰; LXI, ۲ (April ۱۹۷۱), PP. ۱۰۲ - ۱۱۰

۳- (۳) . جوهدری، غلام محمد، «قرآن کریم که به زبان سواحلی ترجمه شده است»، سیاره دیجست (لاهور)، ج ۲، ش ۵ (۱۹۷۳)، صص ۶۴۱ و ۶۴۲ به نقل از البلیو جرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۴.

## ب) ترجمه یوربا

اولین ترجمه کامل به زبان «یوربا» توسط م. س. کول انجام گرفته که در سال ۱۹۰۶م.

در لاگوس چاپ شده است..

..Cole, M.S.: Al – Kurani Tia Yipadasi ede Yourba, Lagos, ۱۹۰۶, ۴۲۵ p.۸۰

## ج) زبان الهوسا

زبان محلی مردم غرب آفریقا، «الهوسا» است؛ در سال ۱۹۷۱م. توسط «رابطه العالم الاسلامی» ترجمه ای به زبان «الهوسا» برای قرآن انجام گرفته که در آن از کتب تفاسیر استفاده شده و دارای راهنمای وقف، فهرست لغات و اماکن و فهارس به ترتیب ابجدی است؛ همانطور که در مقدمه این ترجمه آمده است: این کار، طی هفت سال با همکاری ابوبکر عثمان الثالث مکتو و استاد احمد بلواین والی ولایت «کامنا» و استاد محمد انور ویکو فرزند حاج آدم باکودیکو از شهر «زاریا» و ابوبکر محمود جومی انجام یافته است؛ این ترجمه در سال ۱۴۰۹ ه. در مدینه توسط «مجمع مصحف المدینه النبویه» ملک فهد چاپ شده است..

..AL KUR'AN MALGIRMA Dakuma Tarjaman Ma'anonin Sa Zuwa GaHarshen HAUSA

در سال ۱۹۸۲م. ترجمه دیگری در نیجریه به زبان «الهوسا» توسط شیخ ابوبکر محمود قمی قاضی القضاة شمال نیجریه به نام «ترجمان معانی القرآن» انجام یافته که مکرراً چاپ و منتشر شده است. (۱).

Tarjaman Ma'anonin, Alkur'ani Mai Crima, Abubakar Mahmud GumiDara Arabic Beirut  
..Lebnan, ۱۹۸۲

ص: ۹۵

---

۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۹۲

### اشاره

قرآن کریم از راه افریقا به اسپانیا رفت و از اسپانیا وارد غرب اروپا شد و به زبان های مختلف اروپایی ترجمه گردید، همچنانکه از طریق ترکیه نیز، وارد کشورهای اروپای شرقی شده است.

### ترجمه اولیه قرآن در اروپا

### اشاره

در مرحله نخست، اهتمام اروپای غیرمسلمان به نشر ترجمه های قرآن به انگیزه استعمار و جدال با مسلمانان بود، و در مرحله بعد برای مشاجره فکری و عقلی با آن ها. (۱) علمای مسیحی با کینه ای که از اسلام و مسلمانان به دل داشتند، کوشیدند تا با ترجمه مغرضانه و توهین آمیز همراه با ردّیه، عظمت قرآن را درهم بشکنند و از تأثیر آن بکاهند.

بعضی از ترجمه های اولیه به عنوان «قرآن محمد» و بسیاری به عنوان «قرآن ترک» یا «کتاب پیامبر ترکها» انتشار یافت.

بعلاوه، همانطور که گذشت: استعمارگران و مبلغان مسیحی نه تنها اهتمام به ترجمه قرآن به زبان های اروپایی داشتند، بلکه برخی ترجمه قرآن به زبان های کشورهای اسلامی تلاش فراوان کرده و می کنند.

قدیمی ترین ترجمه قرآن به زبان های اروپایی، ابتدا لاتینی و بعد اسپانیایی و سپس ایتالیایی و آنگاه آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و امریکایی بود. (۲) نخستین گزیده های قرآن به زبان انگلیسی در سال ۱۵۱۵م. و نخستین ترجمه کامل لاتین در سال ۱۵۴۳م. انتشار یافت. (۳)

ص: ۹۶

---

۱- (۱). رژی بلاشر، مترجم قرآن به فرانسه می نویسد: «تذکارات خشنی که همراه ترجمه لاتینی است نشان می دهد که هدف کشیشان تهیه وسیله ای است که به دست هیأت های مذهبی بدهند تا در مشاجراتشان با مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد» (در آستانه قرآن، ترجمه دکتر محمود رامیار، چاپ تهران، دفتر نشر، ۱۳۵۹ ش، ص ۲۹۴).

۲- (۲). البلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۳۴

۳- (۳). کتابشناسی جهانی، ص ۴۱

کهن ترین ترجمه قرآن در اروپا، ترجمه ای است به زبان لاتینی که با تشویق پی یر لو ونه رابل. (۱) اسقف شهر کلونی (۲) در شمال فرانسه صورت پذیرفت؛ (۳) این کشیش، طی مسافرتی میان سال های ۱۱۴۱ و ۱۱۴۳ م. به اسپانیا، پیر تولدویی (۴) را که احتمالاً اسلام آورده بود، به عنوان مترجم اصلی برگزید و چون به زبان لاتینی، کمتر از عربی آشنایی داشت، دستکاری که اتفاقاً نام او هم «پی یر» بود در اختیار «پی یر تولدویی» گذاشت تا از نظر اسلوب، ترجمه او را یاری دهد.

همانطور که «پی یر لو ونه رابل» اعلام کرد: هدف از این ترجمه، تبلیغ علیه اسلام بود و از این رو چهار سال پیش از دومین «جنگ صلیبی» تقدیم قدیس برنار کلردویی (۱۰۹۰ - ۱۱۵۳ م.) شد. (۵) ترجمه «پی یر»، مدت پنج قرن در جهان مسیحیت مستقیم و غیرمستقیم وسیله تبلیغ مسیحیان بر ضد دین اسلام بود؛ این ترجمه، در سال ۱۵۴۳ م. بنابر توصیه «مارتین لوتر» (۶) به وسیله تئودور بیلیاندر (۷) یا بوخمان (۸) در شهر بال (۹) انتشار یافت و پس از آن به زبان های ایتالیایی، آلمانی و هلندی ترجمه گردید؛ (۱۰) ترجمه لاتینی «پی یر» شباهتی با متن عربی ندارد و اغلب خلاصه ای از آن است. (۱۱) نسخه ای از این ترجمه به قلم خود مترجم، در کتابخانه قورخانه در پاریس وجود دارد. (۱۲)

ص: ۹۷

۱- (۱) Pierre le Vnoble م ۶۵۱۱ - ۲۹۰۱.

۲- (۲) Cluny.

۳- (۳) Encyclopedia Britanica, V. ۲۲, P. ۱۰.

۴- (۴) Pierre de Toledo.

۵- (۵) بلاشر، در آستانه قرآن، صص ۲۹۱ - ۲۹۳.

۶- (۶) R. Blacher: Introduction au البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، ص ۲۵ به نقل از:

۲۶۵ - ۲۶۴. Coran, Paris, ۱۹۵۹, PP.

۷- (۷) Theodor Bibliander.

۸- (۸) Buchmann.

۹- (۹) Basle.

۱۰- (۱۰) Encyclopedia Britanica, V. ۲۲, PP ۱۰.

۱۱- (۱۱) دائرهالمعارف فارسی، مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۳۲.

۱۲- (۱۲) ج. د. پیرسن، همان مأخذ، ص ۶.

در سال ۱۵۹۴م. ترجمه هنکلمان (۱) و در سال ۱۵۹۸م. ترجمه ماراتچی (۲) با ردیه هایی که داشت انتشار یافت. (۳) مشهورترین ترجمه لاتینی قرآن، ترجمه لودویکو ماراتچی و پاپ اینوکتیوس یازدهم است که با متن عربی و توضیحات فراوان و رساله ای که در ۱۶۹۱ م. در ردّ دین اسلام چاپ شده بود، در سال ۱۶۹۸ م. (۱۱۱۰ ه. ق) در اروپا به چاپ رسید. (۴) سرانجام، همانطور که پروفیسور حمیدالله می نویسد: ترجمه لاتینی رابرت کتونی (۵) آغازگر ترجمه قرآن در اروپا گشت و به دنبال آن مسلمانان و غیرمسلمانان، قرآن را به دیگر زبان های اروپایی ترجمه کردند. (۶)

## ب) ترجمه های اسپانیایی قرآن

### اشاره

با طلوع خورشید قرآن و اسلام در «اسپانیا»، این کشور آنچنان کانون فرهنگ و تمدن گردید که بسان الماس در میان کشورهای اروپایی می درخشید؛ قرآن از طریق اسپانیا، نه تنها به بسیاری از کشورهای اروپایی راه یافت؛ بلکه پس از کشف امریکا نیز، همراه با فرهنگ و زبان اسپانیایی در مناطق بسیار وسیعی که مستعمرات اسپانیا بودند انتشار یافت، به طوری که تاکنون، ترجمه های فراوانی از قرآن به زبان اسپانیایی در شهرهای «مادرید»، «مالاگا»، «بارسلون»، «کپنهاگ»، «گینه اسپانیا»، «مکزیکوسیتی»، «گرانادا» و «بوئنوس آیرس» چاپ و منتشر شده است که در جدول از نظر می گذرانید.

قابل ذکر است که زبان اسپانیایی، یکی از مهمترین زبان های بین المللی است که در بسیاری از مناطق اروپا و امریکا رواج دارد.

ص: ۹۸

---

۱- (۱) Hankelmann.

۲- (۲) Marracci.

۳- (۳) ابو عبدالله مجتهد زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه ابوالقاسم سبحان، بی تا، صص ۱۱۳ - ۱۱۴.

۴- (۴) دائرهالمعارف فارسی، مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۳۲

۵- (۵) Robert of Ketton.

۶- (۶) «سیر ترجمه قرآن»، مجله فکر و فن، س ۱، ش ۴، هامبورگ، ۱۹۶۳ در کتاب جایگاه دانش در جهان اسلام، ص ۶۲.

در خلال سال های ۱۲۵۲ - ۱۲۸۴ میلادی ابراهام طلیطلی به دستور آلفونس دهم به ترجمه هفتاد سوره قرآن به زبان «اسپانیایی» پرداخت که این ترجمه زمینه ساز ترجمه قرآن به زبان «فرانسه» توسط بونا ونتورا (۱) گردید.

اولین ترجمه کامل قرآن به زبان «اسپانیایی»، توسط جوزه گاربر دو روبلس (۲) بود که در سال ۱۸۴۴ م. در مادرید پایتخت اسپانیا به طبع رسید (۳). (۴)

### جدول ترجمه های اسپانیایی قرآن

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تعداد تاریخ نشر ۱ naroC IA خوزه گاربر دو روبلس atseuC ed .biL مادرید ۱۸۴۱ م. ۲. naroC IE کتاب مقدس محمدی هااورتیز پوئبلائی veIA nuJ بارسلون ۱۸۷۲۱ م. ۳. naroC IE مجهول مادرید ۱۸۷۵۱ م. ۴. H. A ataC . naroK IE مجهول مجهول ۱۹۱۳۳ م. ۵. naroK IE مجهول O.B.B.J. مالاگا ۱۹۳۱۴ م. ۶. naroK IE .ateirraValO agreB augeB airebiL amohaM ed naroC IE B.J. مادرید ۱۹۳۱۱ م. ۷. naroK IE سیف الدین مجهول بئونوس آیرس ۱۹۴۵ م. ۸. naroK IE leafaR snessA raliugA مادرید ۱۹۵۱۴ م. ۹. naroC odaruqaS IE demhA leafaR sonalletsaC -arA- ogibarA oliN IE anitne بئونوس آیرس ۱۹۵۳۲ م. ۱۰. naroC IE ovorB aicraG مجهول بارسلون ۱۹۰۷ م.

ص: ۹۹

۱- (۱) ۱. Bonna Ventura

۲- (۲) ۲. Jose Garber de Robles

۳- (۳) ۳. Muhammed Hamidullah: Le Saint Coran, PP. LII - LIV

۴- (۴) . در این بخش از کتاب قرآن ناطق، ج ۱، دکتر بی آزار شیرازی و کتابشناسی جهانی قرآن، عصمت بینارق، خالدان با ترجمه محمد آصف فکرت، بسیار بهره بردیم.

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تعداد تاریخ نشر ۱۱ naroc IE ovarB aicraG lanoicaN مکزیکو  
سیتی ۱۹۷۲۲ م. ۱۲. naroc IE oiluJ setroC مجهول کپنهاگ ۱۹۷۰۲ م. ۱۳. naroc IE narok alboN aL olatI, issuhC  
lanoicaN مادرید ۱۶۷۹۲ م. ۱۴. naroc IE .v nauJ .rD anapsE ne oserpmI بارسلون ۱۹۸۰۲ م.

## ج) ترجمه های ایتالیایی قرآن

### اشاره

اولین ترجمه قرآن به یک زبان جدید اروپایی، ترجمه «ایتالیایی» به قلم آندریئا آریوآبنه (۱) بود که در سال ۱۵۴۷ م. انتشار یافت؛ وی مدعی بود که آن را از اصل عربی ترجمه کرده، اما از نظر محققان: کارش ترجمه یا تحریری از متن ترجمه رابرت کتونی است و ظاهراً ناقص تر از ترجمه پی یر تولدویی می باشد. (۲) این ترجمه در ۱۶۱۶ م. به وسیله شوایگر، (۳) واعظ کلیسای «فردائن کبرسه» شهر نورنبرگ، تحت عنوان «قرآن ترکان» به آلمانی ترجمه شد و در ۱۶۴۱ م. از ترجمه آلمانی به زبان هلندی انتقال یافت.

از دیگر ترجمه های ایتالیایی قرآن، یکی ترجمه آ. فراکاسی (۴) و دیگری ترجمه «بونلی» (۵) است که به ترتیب در ۱۹۱۴ و ۱۹۲۹ م. در میلان به چاپ رسیده است.

بهترین ترجمه ایتالیایی قرآن ترجمه بوزانی (۶) است که در سال ۱۹۵۵ م. (۱۳۷۵ ه. ش) در «فلورانس» چاپ شده است. (۷) این ترجمه که با استفاده از ترجمه های فرانسوی و انگلیسی قرآن نگاشته شده،

ص: ۱۰۰

۱- (۱) Andrea Arrivabene.

۲- (۲) .ج. د. پیرسن: همان مأخذ، ص ۷

۳- (۳) .Schwigger.

۴- (۴) .Fracassi.

۵- (۵) .Bonelli.

۶- (۶) .Bousani.

۷- (۷) . دائرهالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۰۳۲

دارای هشتاد صفحه مقدمه و ۴۹۶ صفحه متن و ۲۴۰ صفحه یادداشت و چهل صفحه فهرست می باشد و آخرین چاپ آن در سال ۱۹۹۰ م. صورت گرفته است.

براساس گزارش «صبری انوشه»، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی در رم: از کتابخانه های ایتالیا، تاکنون قرآن، بیست بار به زبان ایتالیایی ترجمه شده است؛ هیچ یک از این ترجمه ها زیر نظر محققان مسلمان صورت نگرفته است و هر کدام اشکالاتی دارد که علت آن، علاوه بر برداشت های شخصی، عدم تسلط و آگاهی مترجمان ایتالیایی از علوم و معارف اسلامی و زبان عربی است.

گرچه از روی بعضی اسناد موجود در کتابخانه های ایتالیا می توان گفت:

قدیمی ترین ترجمه قرآن در ایتالیا ترجمه دانشمند ونیزی آندرتا آریوانه با نام مستعار «موچینیکو» است که ابتدا در سال ۱۵۴۳ م. در شهر بال سوئیس و بعد در ۱۵۴۷ م. در شهر ونیز چاپ شد؛ اما پدر ریکولدو دامونته کروچه (۱) اولین ایتالیایی بود که در وادی ترجمه قرآن گام برداشت و آن را به زبان لا-تینی ترجمه کرد؛ وی راهبی از فرقه دومینیکن بود که در اواخر قرن سیزدهم میلادی به تبریز و بغداد سفر کرد؛ او دین اسلام را بهتر از «مارکوپولو» می شناخت و زبان عربی و علوم اسلامی را در مدارس بغداد فرا گرفت.

در سال ۱۸۴۷ م. وینچنترو کالترا (۲) ترجمه ای از قرآن را در شهر «تورینو» به چاپ رساند و در سال ۱۸۸۲ م. قرآنی که جوانی پانتزری (۳) آن را ترجمه کرده بود در شهر «میلان» چاپ شد. (۴)

ص: ۱۰۱

---

۱- (۱) Ricoldo Domonte Croe.

۲- (۲) V. Calza.

۳- (۳) G. Panzeri.

۴- (۴). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۹۹



## جدول ترجمه های ایتالیایی قرآن

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ نشر ۱. L'ottemocaM id narocIA آندرتا آریو ابنه بی نام و نیز ۱۵۴۷ م. ۲. L'narocIA لودویکو ماراتچی بی نام پادوا ۱۶۹۸ م. ۳. L'narocIA وینچنتزو کالترا odalbaS تورینو ۱۸۴۷ م. ۴. onaroC II جووانی پانتزری نا معلوم میلان ۱۸۸۲ م. ۵. قرآن محمد ویو لانتیه رم ۱۹۱۱ م. ۶. onaroC II جی ویولانتی ( itnaloiV ) رم ۱۹۱۱ م. ۷. onaroC II برانکی ( M. arraC ) ihcnarB رم ۱۹۱۳ م. ۸. onaroC II آ. فراکاسی ( ilpeoH ocirlU ) میلان ۱۹۱۴ م. ۹. onaroC II ویرجینیا واکا ( V. acaV ) فلورانس ۱۹۱۴ م. ۱۰. onaroC II فروویوچی ( azretal ) ihcoivorF باری ۱۹۲۸ م. ۱۱. onaroC II لوئیجی بونلی ecirlU میلان ونابل ۱۹۴۷ م. ۱۲. onaroC II آ. بثوزانی ( inosnaS ) inasuaB فلورانس ۱۹۵۵ م. ۱۳. onaroC II م. مورنو ( ۱۴ ) oneroM onaroC II ]eonoin[ U میلان ۱۹۶۷ م. ۱۵. onaroC II مگیوریتا ( ۱۹۷۵ ) aciteviE ossaihC attiroilgaM onaroC ledaiG ۱۶. م. ۱۹۸۴ م. ۱۷. onaroC II پنتازونی ( ۱۸ ) iozzatteP آ. ترزونو ( tseakIA ) inoznereT جنوا ۱۹۸۹ م.

## د) ترجمه های آلمانی قرآن

### اشاره

سالومون شوایگر (۱) کشیش کلیسای شهر «فراونن کیرشه» در نورنبرگ آلمان، برای اولین بار قرآن را از متن ایتالیایی به آلمانی ترجمه کرد و آن را «قرآن محمد» (۲) نامید و این ترجمه، در سال ۱۶۱۶م. در همان شهر به چاپ رسید.

گفته می شود که کشیشان مسیحی، در آلمان شایع کردند که هر کس به چاپ قرآن مبادرت ورزد یا حتی نیت چاپ قرآن را بکند، پیش از اینکه مرگ طبیعی اش فرا رسد،

ص: ۱۰۲

۱- (۱) .۱ Salomon Schwegger.

۲- (۲) .۲ Al Coranus Mohometricus.

با مرگ سختی از دنیا خواهد رفت، (۱) اما علی رغم این شایعه در سال های ۱۶۲۳، ۱۶۵۹ و ۱۶۶۴ م. ترجمه فوق تجدید چاپ یافت. (۲) در سال ۱۸۰۷ م. «ژوزف فن هامر» (۳) ترجمه جدید و منظوم قرآن را به آلمانی در وین منتشر ساخت (۴) و تاکنون ۴۳ نوع ترجمه قرآن به زبان آلمانی کشف شده که پروفیسور حمیدالله (۵)، عصمت بینارق و خالدان (۶) آن ها را جمع آوری و فهرستشان را منتشر کرده اند.

از ترجمه های دیگر، ترجمه لودویگ اولمان با تصحیح و حواشی ل.و. وینتر است. redanrok گفته شده که ویراستار این اثر صهیونیست بوده و در ترجمه تحریفاتی انجام داده است.

از دیگر ترجمه های معروف، ترجمه رودی پارت است؛ (۷) «رودی پارت» دانشمند آلمانی که زندگی علمی خود را وقف قرآن کرد به ترجمه قرآن مبادرت ورزید و ترجمه وی از معتبرترین ترجمه های آلمانی به شمار می رود. وی با تسلط به زبان عربی، ظرافت های زبان عربی را در ترجمه حفظ کرده و از تفاسیر «طبری»، «زمخشری» و «بیضاوی» بهره جسته است.

ص: ۱۰۳

---

۱- (۱) . دائرهالمعارف قرآن کریم، ج ۱، چاپ تهران، ۱۴۰۶ ه. ص ۲۳؛ قرآن و ترجمه های آن، محمدیوسف اریکسون.

۲- (۲) . البلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۲۲۲ - ۲۲۳

۳- (۳) . ۱. Joeseeph von Hammer

۴- (۴) . محمد حمیدالله، همان مأخذ، ص ۶۴

۵- (۵) . همان مأخذ

۶- (۶) . البلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۲۶۷ - ۲۷۳

۷- (۷) . ۲. Der Koran, Rudi Paret, Ansariyan Publication, Qum, Iran, ۱۹۸۱

## جدول ترجمه های آلمانی قرآن

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ نشر ۱ IA sunaroC sucitemohoM سالومون شوايگرنورنبرگ (۱) ۱۶۱۶ م. ۲. narokIA sucitemohoM جان لانگه ( suruasehT ) egnaL .J هامبورگ ۱۶۸۸ م. ۳. narokIA egilloV reD نرتز ( ztiroM ) reterreN نورنبرگ ۱۷۰۳ م. ۴. narok reD آرنولد ( dlonrA ) لمگو ۱۷۴۶ م. ۵. کتاب مقدس ترکان مگرلین ( nilregeM ) فرانکفورت ۱۷۷۲ م. ۶. قرآن یا قانون مسلمانان بویزن ( nesyoB ) هاله ۱۷۷۳ م. ۷. narok reD لودیگ اولمان ( nnamddoG ) ( naamlU .L ) لایپزیگ (۲) ۱۷۴۶ م. ۸. narok reD گریگول ( ledneH otto ) llugirG هاله ۱۹۰۱ م. ۹. narok reD هنینگ ( gninneH ) لایپزیگ (۳) ۱۹۰۱ م. ۱۰. narok reD گلداشمیت ( tdimhcsdloG ) لایپزیگ و برلین ۱۹۱۶ م. ۱۱. narok reD صدرالدین برلین (۴) ۱۹۳۹ م. ۱۲. narok reD ایبر ( reibuA ) تانگر ۱۹۵۷ م. ۱۳. na'ruQ egilieH reD بشیرالدین محمد احمد مبلغان فرقه احمدیه (قادیانیها) زوریخ (۵) ۱۹۵۴ م. ۱۴. narok reD رودی پارت انتشارات انصاریان قم (۶) ۱۹۶۶ م. (۱)(۲)(۳)(۴)(۵)(۶)

## ه ( ترجمه های فرانسوی قرآن

### اشاره

قدیمی ترین ترجمه قرآن به زبان فرانسوی، ترجمه آندره دوریه است که مدتی در استانبول و مصر به سر برد و قرآن را از عربی ترجمه کرد؛ این ترجمه به نام «قرآن محمد» در سال ۱۶۴۷ م. در پاریس به چاپ رسید و تا سال ۱۷۷۵ م. بیش از بیست بار تجدید چاپ شد و دارای مقدمه ای است تحت عنوان «خلاصه ای از مذهب ترکها» (۷) این ترجمه به نوبه خود مبنای نخستین ترجمه انگلیسی قرآن به قلم الکساندر

ص: ۱۰۴

۱- (۱) ۱. سه بار چاپ، تا سال ۱۶۵۹

۲- (۲) ۲. نه بار چاپ، تا سال ۱۸۹۷

۳- (۳) ۳. دوازده بار چاپ، تا سال ۱۹۷۹

۴- (۴) ۴. هفت بار چاپ، تا سال ۱۹۶۴

۵- (۵) ۵. نه بار چاپ، تا سال ۱۹۸۰

۶- (۶) ۶. چاپ های بسیار، تا ۱۹۸۱

۷- (۷) ۱. ۴۳۱. ۵. P. The Encyclopedia of Islam, New Edition, V.

راس (۱) در سال ۱۶۶۸م. و ترجمه های هلندی به قلم گلازه ماکر، در سال ۱۶۸۹ م. و ترجمه آلمانی به قلم لانگه در سال ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳ م. و ترجمه روسی به قلم پوستنیکوف و وریووکین گردید. (۲) ترجمه فرانسوی دیگر از کلود ساواری (۳) در سال ۱۷۵۰ - ۱۷۸۸ م. در پاریس انتشار یافت؛ این ترجمه مبتنی بر ترجمه های ماراتچی و سیل بود و چندان مزیتی بر ترجمه دوریه نداشت.

از پرتیاز ترین ترجمه های مشهور فرانسوی ترجمه کازیمیرسکی است که از سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۷۴ م. بیش از بیست و هشت بار تجدید چاپ شده است؛ (۴) سایر ترجمه ها را در جدول صفحه بعد از نظر می گذرانید.

جدیدترین ترجمه قرآن به زبان فرانسه توسط ژاک برک عضو فرهنگستان زبان عربی مصر و استاد برجسته کالج فرانسه و نویسنده و جامعه شناس صورت گرفته که سال ها عهده دار مشاغل سیاسی و فرهنگی کشورهای عربی، مخصوصاً مصر بوده و به ادبیات عرب کاملاً آشناست؛ این ترجمه، از عربی، با حواشی و مقدمه تحلیلی در سال ۱۹۹۰ م. در ۸۴۰ صفحه توسط انتشارات «سندباد پاریس» چاپ شده است: (۵) - (۶)

ص: ۱۰۵

---

۱- (۱) Alexander Ross.

۲- (۲) . دائرهالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۰۳۲، ج. د. پیرسن: همان مأخذ، ص ۷.

۳- (۳) C. Savary.

۴- (۴) . مشخصات این ۲۸ چاپ در البلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم (صص ۱۸۲ - ۱۹۴) به تفصیل آمده است.

۵- (۵) . به نقل از مجله نشر دانش، س ۱۱، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰ ش، ص ۷.

۶- (۶) Le Coran, Essai de traduction de l'arabe, annote et suivi d'une . ۳ ( ۶) .  
etudeexegetique par Jacques Berque, Paris, Sindbad, ۱۹۹۰, ۸۴۰ p

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تاریخ نشر ۱ etemahom ed narocIA'L آندره دوریه A. ellivomoS  
پاریس (۳) ۱۶۴۷ م. ۲. naroc eL کلود ساواری پاریس ۱۷۸۳ م. ۳. naroc eL کازیمیرسکی لهستانی reitneprahC  
پاریس (۴) ۱۸۳۲ م. ۴. etemahom narocIA'L فاطمه زیده پاریس ۱۸۶۱ م. ۵. H. S. naroc eL ymlehtraB  
پاریس ۱۸۶۷ م. ۶. naroc eL مونته (P. B. etiteP ) tetnoM پاریس ۱۹۲۹ م. ۷. naroc eL لائیمش ( ehcemiaL )  
پاریس ۱۹۳۱ م. ۸. naroc eL پسل و تیجانی ( inajdiT elseP ) لاروس پاریس ۱۹۳۶ م. ۹. naroc eL پروفیسور بلاشر  
( erehcalB ) لاروس پاریس (۵) ۱۹۴۷ م. ۱۰. narocLU risfaT رجبعلی جزیره موریس ۱۹۴۹ م. ۱۱. naroc tniaS eL  
پروفیسور محمد حمیدالله کلوب فرانسه پاریس (۶) ۱۹۵۹ م. ۱۲. naroc eL ماسن ( dramillaG ) nossam بلژیک ۱۹۶۷  
م. ۱۳. narocQ eL سی بوبکر حمزه رباط ۱۹۷۲ م. ۱۴. narocQ eL نورالدین محمد دار الفکر بیروت ۱۹۷۶ م. ۱۵. naroc  
eL پروفیسور ژاک برک dabdniS پاریس ۱۹۹۰ م. (۱)(۲)(۳)(۴)

### (و) ترجمه های انگلیسی قرآن

نخست: ترجمه الکساندر راس؛ از سال ۱۶۴۹ تا ۱۹۸۰ میلادی بیش از ۲۹۵ ترجمه کامل و ۱۳۱ ترجمه ناقص یا منتخب از قرآن به زبان انگلیسی به عمل آمده (۵) که نخستین آن ها توسط الکساندر راس از روی ترجمه فرانسوی آندره دوریه انجام گرفته و در سال ۱۶۴۹ م در لندن به نام «قرآن محمد» به طبع رسیده است.

ص: ۱۰۶

- 
- ۱- (۱) ۳. بیست و دو بار چاپ تا سال ۱۷۷۵
  - ۲- (۲) ۳. بیست و هشت بار چاپ تا سال ۱۹۷۴
  - ۳- (۳) ۴. پنج بار چاپ تا سال ۱۹۷۲
  - ۴- (۴) ۵. یازده بار چاپ تا سال ۱۹۸۰
  - ۵- (۵) . مرتضی اسعدی؛ کتابشناسی جهانی ترجمه های قرآن مجید، نشر دانش، س ۶، ش مهر و آبان، ۱۳۶۵، ص ۴۹.

مترجم که از مبلغان مسیحی است، در مقدمه اش خطاب به خوانندگان مسیحی غرض خود را از ترجمه، چنین بیان می کند: «برای برخورد و مقابله با دشمنان، بایستی آن ها را شخصاً شناسایی کرد.» و در پایان، با خصومت و دشمنی ضد اسلامی می افزاید: «اخطار و اعلام خطر به کسانی که می خواهند قرآن را بخوانند و یا بدانند که چه خطراتی متوجه آنان خواهد بود»:

زویمر (۱) که این ترجمه را نقد و بررسی کرده تأکید می کند که «راس» به طور کلی با زبان عربی آشنایی کامل نداشته و زبان فرانسه اش نیز از کیفیت خوبی برخوردار نبوده است و در نتیجه ترجمه «راس» ترجمه ای است ناقص و نارسا. (۲) دوم: ترجمه جورج سیل؛ بعد از ترجمه الکساندر راس از سوی مسیحیان و چاپ های مکرر آن تا سال ۱۸۰۶م، در سال ۱۷۳۴م. / ۱۱۴۷ ه. ش. در لندن ترجمه تازه ای از قرآن به زبان انگلیسی به قلم جورج سیل (۳) انتشار یافت که مدت ها در اروپا به عنوان ترجمه خوبی از قرآن رواج داشت و تاکنون بارها تجدید چاپ شده (۴) و به زبان های آلمانی و فرانسوی نیز ترجمه گردیده است. (۵) این ترجمه که از اصل عربی صورت گرفته و با پانویس هایی از تفسیر «جلالین» و «انوارالتنزیل» بیضاوی همراه بود، دو قرن در کشورهای انگلیسی زبان رونق و رواج داشت. مقدمه معروف او که به عقیده نالینو (۶) مبتنی بر نوشته های ماراتچی و ادوارد

ص: ۱۰۷

---

۱- (۱) Zwemer.

۲- (۲). زویمر، جهان اسلام، چاپ ۱۹۱۵، ج ۵، ص ۲۵ به نقل از دائرهالمعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۷، مقاله «گزارشی درباره ترجمه قرآن کریم».

۳- (۳) George Sale.

۴- (۴) World Bibliography of Translations of the Meanings of the Quran, PP. ۱۱۳ - ۱۳۷.

۵- (۵). دائرهالمعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۱۰۳۲

۶- (۶) Nallino.

پوکاک اکبر (۱) بود، به چندین زبان اروپایی ترجمه شد و حتی مبلغان «پروتستان» در مصر آن را به عربی ترجمه کردند. (۲) دکتر رامیار می نویسد: ترجمه «سیل» تاکنون بیش از سی و پنج بار چاپ شده است؛ (۳) ولی نویسندگان «البلیوغرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم»، تعداد چاپ های این ترجمه را صد و پنج بار ذکر کرده اند. (۴) انتشار ترجمه سیل و مقدمه معروفش در اروپا و امریکا، تبلیغات ضد اسلامی را کنار زد و مردم را بر آن داشت که به درک صحیح اسلام و قرآن بپردازند، چنانکه در فرانسه تحصیلکردگان و به خصوص ولتر آشنایی خود را با قرآن و اسلام مرهون ترجمه و بحث مقدماتی سیل می دانند. (۵) جورج سیل در مقدمه خود چهره مغرضانه مترجمان پیشین را آشکار ساخت و اعلام داشت:

در قرون متمادی اطلاعاتی که اروپاییان از اسلام و قرآن گرفته بودند، از مجرای متعصبان مسیحی بود که با کینه تیزی و افترا، محسنات مسلمانان را در بوتۀ فراموشی گذاشته بودند و در ذکر معایب، گاهی را کوهی جلوه می دادند؛ آن ها اوضاع جهان در عصر بعثت را فراموش کرده بودند که پر از شرک و بت پرستی بود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم دینی معنوی در آسیا ایجاد کرد که مسیحیت را تحت تأثیر قرار داد؛ علت اصلی پیشرفت اسلام، سادگی و بی پیرایگی عقاید اسلامی است و این عامل بیشتر از شمشیر و جنگ موثر بود، به دلیل اینکه ترک ها و مغول ها وقتی همه جا را فتح کردند، در مقابل عقیده اسلامی مغلوب شدند و خود اسلام را

ص: ۱۰۸

---

۱- (۱) Edward Pococke Senior.

۲- (۲) . ج. د. پیرسن، همان مأخذ، ص ۸

۳- (۳) . تاریخ قرآن، ص ۶۵۶

۴- (۴) . دائرهالمعارف قرآن، گزارشی درباره ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، ج ۸، ص ۷۳.

۵- (۵) . بلاشر، در آستانه قرآن، ص ۲۹۶

پذیرفتند و مروج احکام اسلام گشتند و قرن های متمادی، «قرآن» کتاب مقدس ایرانیان، ترکان و قسمت اعظم هندیان و حتی مردم چین و افریقا گردید؛ بنابراین شایسته است که این کتاب در اروپا به دقت خوانده و نکات باریک آن فهمیده شود؛ زیرا منافع اجتماعی آن شامل یک دسته معین نیست؛ بلکه از آن تمام دنیا است. (۱) وی در قسمت دیگر مقدمه اش می افزاید:

اعتقاد من بر این است که هیچ کس نمی تواند منکر عادلانه بودن قوانین اسلام شود، بلکه قوانین و شریعت محمدی، آنقدر منطقی است که من به خود اجازه نداده ام در هیچ موردی، از الفاظ و عبارات نامناسب که بسیاری در نوشته های خود علیه مسلمانان به کار برده اند، استفاده کنم، بلکه خود را ملزم کرده ام که خردمندانه، نکات شایسته را مورد تحسین قرار دهم.

سوم: ترجمه رادول؛ در سال ۱۸۶۱م. ترجمه قرآن توسط رادول (۲) انجام گرفت؛ این ترجمه از سال ۱۸۶۱ تا سال ۱۹۷۸ میلادی بیش از سی و دو بار در «لندن»، «نیویورک» و «تورنتو» تجدید چاپ شده است. (۳) رادول در مقدمه خود «حضرت محمد» صلی الله علیه و آله و سلم را تهیه کننده قرآن دانسته که از کتاب های «موسی»، «عیسی» و «زرتشت» استفاده نموده است؛ او به سایر مبلغان مسیحی نصیحت می کند که چگونه برای پیشرفت خود عمل کنند؛ (۴) این ترجمه، علی رغم چاپ های متعدد، دارای اشتباهات فراوان است؛ به عنوان نمونه، آیه [ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ] را در سوره «کوثر» چنین ترجمه کرده است: «پس دعا

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) The Koran: Commonly Called the Alkoran of Mohammed by George Sale, New York: American book Exchange, Tribune Building, ۱۸۸۰, PP.VII – XII.  
۲- (۲) Rodwell.

۳- (۳) . الببلیوگرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۱۰۳ - ۱۱۰

۴- (۴) . رجوع شود به مقدمه ترجمه قرآن رادول، ص ۱۴



کنید خداوند را و بکشید قربانیان را (۱)». (۲) چهارم: ترجمه محمد مارمادوک پیکتال؛ یکی از بهترین ترجمه های قرآن به انگلیسی، ترجمه «محمد مارمادوک پیکتال» است، به دلیل اینکه زبان اصلی و مادریش انگلیسی بوده و از نظر روانی و تطبیق الفاظ با معانی از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است و از آنجا که مسلمانی معتقد بود و در خلال ترجمه با علما و دانشمندان «الازهر» مصر به بحث و گفتگو و تبادل نظر می پرداخت، اعتماد مسلمانان و غیرمسلمانان را نسبت به ترجمه خود جلب کرده است.

وی در سال ۱۹۱۷م. مسلمان شد و نام «محمد» را برای خود برگزید و بزودی به عنوان رهبر مسلمانان انگلیس انتخاب شد و در یکی از مساجد لندن به امامت جماعت منصوب گردید.

او که اعتقاد داشت قرآن نمی تواند به زبان دیگری ترجمه شود، ترجمه خود را «معنی و مفهوم قرآن مجید» نامید (۳) و نخستین بار آن را در سال ۱۹۳۰م. در لندن به چاپ رساند؛ این ترجمه تا سال ۱۹۷۷م. بیش از بیست و دو بار تجدید چاپ شده است. (۴) پنجم: ترجمه و تفسیر یوسفعلی طبق روایات اهل سنت؛ موفق ترین ترجمه انگلیسی، ترجمه و تفسیر علی عبدالله یوسف است که نخستین بار در سال ۱۹۴۳م.

ص: ۱۱۰

- 
- ۱- (۱). دائرهالمعارف قرآن، گزارشی درباره ترجمه قرآن کریم، ج ۸، ص ۷۲
  - ۲- (۲). مشخصات آخرین چاپ این ترجمه از این قرار است: Rodwell, John Meadows: The Koran, reper, ed, introd: G. Margoliouth, Pub: Every man's Library, London, ۱۹۷۸, ۵۰۶ p
  - ۳- (۳). رجوع شود به مقدمه این ترجمه و مقدمه ترجمه آربری و مقاله پیتر کلارک تحت عنوان: «مارمادوک پیکتال، اسلام شناس و مترجم آن» در مجله کیهان فرهنگی، س ۴، ش ۹، ۱۳۶۶، صص ۴۲ و ۴۳.
  - ۴- (۴). البلیو جغرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۹۷ - ۱۰۲

در «لاهور» چاپ گردید و تاکنون بیش از سی و پنج بار تجدید چاپ شده است.

در این ترجمه، از زبان انگلیسی با برجستگی و شیوایی خاصی استفاده شده و در مقایسه با دیگر ترجمه ها یکی از درخشان ترین آثار به شمار می رود.

یادداشت ها و پانویس های فراوان ضمیمه، بیانگر مراتب علمی وسیع مترجم به زبان روز است. (۱) وی راجع به ترجمه اش می نویسد:

در ترجمه، من خود دیدگاه خاصی ندارم؛ بلکه آنچه را از مفسران دریافت داشته ام، دنبال کرده ام و در هر کجا که با نظریات گوناگون مفسران روبرو شده ام، آنچه را به نظر معقول تر رسیده است، برگزیده ام و در هر قسمت که سوال برانگیز بوده یا ترجمه تحت اللفظی وافی به مقصود و بیانگر روح قرآن نبوده است، کوشیده ام تا در پانویس آن ها را توضیح دهم. (۲) موفقیت این ترجمه تفسیری، نشان دهنده آن است که ترجمه های تحت اللفظی هرگز وافی و قانع کننده برای خوانندگان نبوده اند.

ششم: ترجمه و تفسیر میر احمدعلی، طبق روایات اهل بیت علیهم السلام؛ مترجم که خود را از فرزندان امام «زین العابدین» علیه السلام امام چهارم شیعیان معرفی می کند، انگیزه اش را در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، همراه با یادداشت های کوتاه، استفاده از تفسیر ائمه معصومین علیه السلام از قرآن می داند؛ وی گذشته از تحصیلات دانشگاهی، از حوزه های علمیه استفاده کرده و در قم با «آیه الله العظمی بروجردی» و در لبنان با «آیه الله سید عبدالحسین شرف الدین» و در نجف با آیات عظام «حکیم»، «خوئی»، «شاهرودی» و

ص: ۱۱۱

---

۱- (۱). دائرالمعارف قرآن کریم، گزارشی درباره ترجمه قرآن کریم، ج ۸، ص ۶۴ به نقل از روزنامه جهان اسلام، ۱۲، مورخ ۵ فوریه ۱۹۸۵ م. تحت عنوان « cinaruQ eht no sweiV s'ilA ygolotahcS ».

۲- (۲). ۱. The Holy Quran by Yusuf Ali, U.S.A. ۱۹۴۷. P. V.

«میلانی» دیدار کرده و از آنان اجازه روایت حدیث گرفته و در مقدمه خود، فتاوی مراجع بزرگ شیعه را مبنی بر صیانت قرآن از تحریف عیناً نقل کرده است.

هفتم: ترجمه عده ای از علما و دانشمندان شیعه و سنی به انگلیسی غیر کلاسیک، زیر نظر «محمودی. زاید» به چاپ رسیده است.

هشتم: ترجمه انگلیسی قرآن، توسط طاهره صفارزاده که در ایران چاپ شده است. ترجمه دیگری به انگلیسی توسط «قرائی» در مرکز ترجمه قرآن به زبان های غیرفارسی، انجام شده و منتشر شده است که به عنوان کتاب برتر سال حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۳ ش. شناخته شد.

### **ز) ترجمه های انگلیسی آمریکایی قرآن**

نخستین ترجمه آمریکایی قرآن یا به عبارت دقیق تر: نخستین ترجمه انگلیسی آمریکایی (۱) قرآن که به نثر انگلیسی جدید است، نه انگلیسی ادبی قدیم، یا به اصطلاح «انگلیسی سبک کتاب مقدس» (۲)، حاصل کوشش بیست و چند ساله دکتر تامس بالتین ایروینگ (۳) می باشد که از مسیحیت به اسلام گرویده و نام مسلمانی او «حاج تعلیم علی» است.

او که رئیس بخش علوم و فنون کالج آمریکایی اسلامی در «شیکاگو» و استاد برجسته دانشگاه «تنسی» است، در مقدمه خود ترجمه های گذشته را مورد نقد قرار می دهد و تحقیقات جهت دار و غرض آلود نولدکه و بل را بی اهمیت می خواند. (۴) «تعلیم علی»، کوشیده است بخشی از قصور اروپاییان را درباره اسلام جبران کند، و جبرانش در این است که اسلام را از درون و در پرتو قرآن و سایر امتهات آن دیده است.

ص: ۱۱۲

۱- (۱) American - English .۱

۲- (۲) Bibilcal Style .۲

۳- (۳) T. B. Irving .۳

۴- (۴) . نشر دانش، س ۷، ش ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۵، صص ۳۴ - ۳۵

وی مدت بیست و سه سال مدام به هنگام فجر، قرآن را می خوانده و در معانی آن تدبیر می کرده است؛ در بخش دیگر مقدمه، بحث زبانشناختی دقیقی درباره ساختار زبان عربی در مقایسه با زبان انگلیسی مطرح می کند و درباره رعایت سبک در نثر ترجمه می نویسد:

این ترجمه بر حسب اقتضای متن اصلی عربی یا به نثرهای عادی و یا به شعر آزاد و موزون انجام گرفته است... اگر ترجمه من حسنی داشته باشد، صرفاً در این است که برای مردم مسلمان جوان امریکا و کانادا در عهد نوجوانیشان می تواند نثری بی تصنع و بی تکلف باشد. (۱) «حاج تعلیم علی» دو کتاب دیگر نیز دارد که ترجمه منتخباتی از قرآن برای مردم آمریکا و کاناداست: یکی را خود به تنهایی (۲) ترجمه کرده است و دیگری را به اتفاق شخصی به نام «محمد خورشید احمد». (۳)

### ج) ترجمه های انگلیسی – اسرائیلی قرآن

#### اشاره

۱. ترجمه ن. ج. داود؛ نه تنها مسیحیان، بلکه یهودیان نیز، برای مقابله با اسلام و قرآن از راه ترجمه، تلاش فراوان کرده اند؛ از جمله ترجمه های انگلیسی – اسرائیلی، ترجمه ن. ج. داود (۴) است که برای نخستین بار در سال ۱۹۳۶م. به چاپ رسید و تا سال ۱۹۷۴م. بیش از یازده بار تجدید چاپ شده است. (۵)

ص: ۱۱۳

- 
- ۱- (۱). مرتضی اسعدی، کتابشناسی جهانی ترجمه های قرآن مجید، نشر دانش، س ۶، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۶۵، ص ۴۵.
- ۲- (۲). Thomas Ballantine Irving: Selections from the noble reading: an anthology of passages from the Qur'an, Pub. Unity Publishing Co. Cedar Rapids, Iowa (USA), ۱۹۶۸, ۱۷۱ p.
- ۳- (۳). Thomas Ballantine Irving, Muhammad Khurshid Ahmad: The Qur'an, Basic teachings, Pub. Islamic Foundation, Leicester ۱۹۷۹, Derbyshire Printstation, ۲۷۸ p.
- ۴- (۴). N. J. Dawood: The Koran, (Great Britain), ۱۹۳۶ Whitefriars Press, ۴۲۸ P.
- ۵- (۵). البلیو غرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم، صص ۸۱ - ۸۳

مترجم، یک یهودی عراقی است و هدفش نشان دادن تأثیر نفوذ مذاهب کلیمی و مسیحی در حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ وی ترتیب سوره ها را مورد انتقاد قرار داده و اشتباهات فاحشی در ترجمه مرتکب شده است؛ به عنوان نمونه: در سوره اعراف (آیه ۳۱) «یا بنی آدم» را به «ای فرزندان خدا» ترجمه کرده است. (۱)۲. ترجمه هارون بن شمس؛ این ترجمه توسط هارون بن شمس به انگلیسی انجام گرفته و در سال ۱۹۷۹م. توسط «مسادا» در اسرائیل (فلسطین اشغالی) چاپ شده است؛ براساس مقدمه این کتاب، مترجم یک یهودی است که از روسیه به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده و دارای دکترا در ادبیات است او چندین کتاب درباره احکام اسلام نوشته و ابتدا قرآن را به زبان عبری و بعد به انگلیسی ترجمه کرده است.

روش وی فراهم کردن یادداشت های تطبیقی بین قرآن و تورات است؛ به استناد آیه ۹۴ سوره «یونس» که می فرماید: [فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسَلِّ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ...].

وی به جای [ ...الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ... ] در ترجمه، «بنی اسرائیل» را می گذارد و نتیجه می گیرد که من به عنوان یکی از فرزندان اسرائیل این توصیه قرآن را بکرات به کار بسته ام و قانون تلمود را در این ترجمه اجرا کرده ام که می گوید: تورات به زبان انسان سخن می گوید و هر کس آیه ای را تحت اللفظی ترجمه کند گمراه کننده است؛ به عنوان نمونه، او مدعی کشف معنای جدیدی برای «فرعون ذوالاوتاد» می شود؛ به نظر وی «ذوالاوتاد» باید به مفهوم «ذوالاهرام» گرفته شود نه چهار میخ، یا برای «رحیم» معنای عشق و محبت را پیشنهاد می کند و به جای «شجر» در آیه پنجم سوره «الرحمن» [والنجم والشجر] ، «السحر» را به معنای «ستاره صبح» مناسب می انگارد. (۲)

ص: ۱۱۴

- 
- ۱- (۱). دایره المعارف قرآن، گزارشی درباره ترجمه قرآن کریم، ج ۸، ص ۷۳
  - ۲- (۲). دایره المعارف قرآن کریم، ج ۱۰، صص ۶۸ - ۷۰، «نگاهی به برداشت و روش کار سه مترجم انگلیسی قرآن» از دکتر احمد کاظمی.

۳. ترجمه محمد اسد؛ سرانجام، در ترجمه های اسرائیلی، مانند ترجمه های مسیحی به دنبال ترجمه تهاجمی توسط ن. ج. داود در سال ۱۹۳۶م. و ترجمه معتدل و به جویی، توسط هارون بن شمس در ۱۹۷۹م. قرآن کریم، غالب و پیروز می شود و نویسنده و مترجم دانشمند کلیمی را مسلمان می کند و او نام «محمد اسد» را برای خود بر می گزیند و ترجمه تفسیری قرآن را در ۱۰۰۵ صفحه ارائه می دهد و به جای «قرآن محمد» یا «ترجمه قرآن» نام آن را «پیام قرآن» می گذارد.

این کتاب در سال ۱۹۸۰م. توسط «دارالاندلس» در «جبل الطارق» به چاپ می رسید؛ کسانی که این ترجمه را نقد و بررسی کرده اند، اظهار می دارند که وی نظریات غیرمعمولی درباره بعضی مسائل مانند «نسخ» و «تاریخ پیامبران» ارائه کرده و از پذیرفتن برخی از معانی تحت اللفظی سر باز زده است. (۱)

### جدول ترجمه های معروف انگلیسی قرآن

(۲)

ردیف نام ترجمه نام مترجم نام ناشر محل نشر تعداد تاریخ نشر ۱. *temohaM fo narocIA ehT* الکساندر راس ۱۶۴۹ م. ۲. *narok ehT* جورج سیل لندن، نیویورک ۱۷۳۴۱۰۵ م. ۳. *narok ehT* رادول *yrarbiL s'naM yrevE* لندن؛ نیویورک؛ تورنتو ۱۸۶۱۳۲ م. ۴. *narok ehT* پالم ( *remlaP* ) اکسفورد ۱۸۸۰۱۵ م. ۵. *ehT fo gninaeM ehT* *narok suoiroIG* محمد مارمادوک پیکتال *niwnU nella* لندن ۱۹۳۰۲۳ م. ۶. *naruQ yloH ehT* عبدالله یوسفعلی شیخ محمد یوسفعلی لاهور ۱۹۳۴۳۰ م. ۷. *naruk ehT* ن. ج. داود *srairfetihW* بریتانیا ۱۹۳۶۱۱ م. ۸. *naruQ ehT* ریچارد بل ( *T. T. kraIC* ) *lleB drahciR* ادینبورگ (اسکاتلند) ۱۹۳۷۳۳ م. ۹. *naruQ la mihfaT* ابوالاعلی مودودی مکتبه تعمیر انسانیت لاهور ۱۹۵۱ م. ۱۰. *deterpretni narok ehT* آرتور جان آربری *niwnU nella* لندن ۱۹۹۵۱۲ م.

ص: ۱۱۵

- ۱- (۱). رجوع شود به نظریه ارفق مالک در: *weiveR dlroW milsuM*، ج ۱، ش ۱، ۱۹۸۰، صص ۵ - ۷.
- ۲- (۲). در تکمیل این بخش از جداول قرآن ناطق دکتر بی آزار شیرازی و کتابشناسی و حیانی ترجمه ها، اثر فکرت بسیار بهره برده ایم.

۱۱ naruQ yloH ehT شیرعلی ehT suigileR latneirO ربو پاکستان ۱۹۵۵۶ م. ۱۲. naruQ yloH ehT میر  
احمدعلی محمد خلیل شیرازی کراچی ۱۹۶۴۳ م. ۱۳. naruQ eht fo egasseM ehT ہاشم امیرعلی توکیو ۱۹۷۴ م. ۱۴.  
naruQ ehT rikahS .H .M knaB bibaH کراچی ۱۹۶۸۳ م. ۱۵. naruQ ehT diyaZ .Y .M aruohC laaD  
بیروت ۱۹۸۵ م.

ص: ۱۱۶

۱. تعریف های دیگری برای «ترجمه» یافته و نقد و بررسی کنید.
۲. از زبانی که با آن آشنا هستید یک ترجمه انتخاب نموده و آن را روش شناسی، سبک شناسی و آسیب شناسی کنید.
۳. چنانچه در سال جاری، ترجمه جدیدی از قرآن منتشر شده است، آن را معرفی و بررسی نمایید.
۴. با پژوهش میدانی، فهرست ترجمه ها را به زبان های مختلف تکمیل کنید.
۵. چند آیه را انتخاب کرده، ترجمه های فارسی آن ها را در قرن های مختلف با یکدیگر مقایسه نموده و وجوه اشتراک و افتراق آن ها را بررسی کنید.

**منابع، جهت مطالعه بیشتر**

۱. اصول و مبانی ترجمه، طاهره صفارزاده؛
۲. ترجمان وحی، فصلنامه تخصصی مرکز ترجمه قرآن؛
۳. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش؛
۴. تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر جواد سلماسی؛
۵. کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، عصمت بینارق، خالداران، ترجمه محمد آصف فکرت؛
۶. قرآن ناطق، جلد اول، دکتر بی آزار شیرازی؛
۷. گنجینه قرآن.



صفحه سفید، ۱۱۸

ص: ۱۱۸

#### اشاره

اهداف آموزشی: ۱) شناخت مبانی وجودی ترجمه قرآن؛ ۲) شناخت مبانی فقهی ترجمه قرآن؛ ۳) شناخت مبانی قرائی ترجمه قرآن؛ ۴) شناخت مبانی ادبی ترجمه قرآن؛ ۵) شناخت مبانی تفسیری ترجمه قرآن؛ ۶) شناخت مبانی کلامی ترجمه قرآن؛ ۷) شناخت مبانی زبانشناختی ترجمه قرآن؛ ۸) شناخت مبانی روش شناختی ترجمه قرآن.

#### درآمد

ترجمه قرآن کریم، همچون هر دانش دیگر، نیازمند هندسه ای سامان مند است آن سان که عناصر زیر در آن به گونه ای روشن و مستدل بیان شوند:

الف) مبانی و اصول ترجمه قرآن؛

ب) قواعد ترجمه قرآن؛

ج) شرایط مترجم قرآن؛

د) روش های ترجمه قرآن؛

ه) سبک های ترجمه قرآن.

مجموعه دیدگاه های ترجمه در موارد فوق که در یک ترجمه سامان می یابد به عنوان «نظریه ترجمه» شناخته می شود. که در ترجمه تبلور می یابد؛ یعنی: موضع و دیدگاه مترجم در هر یک از موارد فوق، همچون: مبانی تفسیری، کلامی، واژگانی، زبان شناسی، لزوم یا عدم لزوم ترجمه همه واژه ها و نیز سبک و روش خاص او و

قواعد و شرایطی که معتبر می‌داند یا نمی‌داند، همگی به ترجمه یک اثر شکل و جهت می‌دهند؛ از این رو لازم است تا مترجم، مواضع خود را در «نظریه ترجمه» روشن سازد؛ لیکن در این میان، «اصول و مبانی ترجمه قرآن» از اهمیت و اولویت برخوردار است؛ چرا که: از نظر منطقی و طبیعی، مبانی ترجمه، بر مباحث دیگر مقدم است و ثانیاً: مبانی ترجمه، جهت کلی ترجمه و مترجم را روشن می‌سازد و می‌تواند در روش‌ها و سبک‌های ترجمه و نیز تعیین شرایط مترجم تأثیر گذار باشد؛ از این رو، این مبحث را مقدم داشتیم؛ البته «مبانی ترجمه قرآن» به اقسام متعددی تقسیم می‌شود که در ادامه ذکر می‌شوند.

## مفهوم شناسی مبانی ترجمه

مبانی ترجمه، عبارت است از: زیر ساخت‌های فقهی، کلامی، ادبی، قرائی، تفسیری، زبانشناختی، روش‌شناختی و واژه‌گزینی که به ترجمه جهت می‌دهد، و به عبارت دیگر: پیش‌فرض‌هایی است که لازم است مترجم قرآن، قبل از ترجمه، انتخاب کرده باشد.

و مقصود از اصول، خطوط اصلی و جهت‌گیری‌هایی است که به ترجمه جهت می‌دهد. «اصول» را مترجم انتخاب می‌کند و با «مبانی ترجمه»، پیوندی نزدیک دارد و گاهی تفکیک‌ناپذیر است؛ از این رو، هر دو را با هم ذکر می‌کنیم؛ البته، بسیاری از اصول، مبانی و پیش‌فرض‌ها در علوم دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و مترجم از آن‌ها اخذ می‌کند؛ ولی اطلاع از آن‌ها و بررسی اجمالی دلایل آن‌ها و نیز انتخاب مبنا در موارد اختلافی، برای مترجم ضروری است.

## تاریخچه و کتابشناسی

### اشاره

برخی مباحث مبانی ترجمه قرآن، سابقه‌ای طولانی در بین مسلمانان دارد، از جمله بحث «جواز ترجمه قرآن» که از زمان ترجمه «تفسیر طبری» توسط علمای ماوراء

النهر مطرح بوده است؛ (۱) ولی عنوان خاص «مبانی ترجمه قرآن» عنوانی نوین در بین مسلمانان است؛ البته، قبلاً کتاب هایی با عنوان «مبانی ترجمه» به بررسی ترجمه به معنای عام پرداخته اند؛ همچون: «اصول و مبانی ترجمه» اثر طاهره صفار زاده.

در خصوص «مبانی ترجمه قرآن» می توان از کتاب ها و مقالات زیر یاد کرد:

۱. «قرآن ناطق»، جلد اول، اثر دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، ۱۳۷۶ ش؛ ایشان در مقدمه طولانی این کتاب (حدود ۴۰۰ صفحه) مبانی علمی ترجمه و تفسیر قرآن را مورد بررسی قرار داده است؛ البته در این میان، مباحث متعدد دیگری نیز مطرح شده است؛

۲. «تاریخ و مبانی ترجمه قرآن»، پایان نامه دکتر، عبدالکریم بی آزار شیرازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، مطالب این کتاب به صورت کامل در جلد اول «قرآن ناطق» ایشان آمده است؛

۳. «یادگار نامه فیض الاسلام» (جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس)، به اهتمام دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۳ ش؛ این کتاب نفیس، مجموعه مقالات همایش مرحوم فیض الاسلام است که با عنوان «ترجمان متون مقدس» انجام شد، که برخی از مقالات، روش ها و مبانی ترجمه قرآن را مورد بررسی قرار داده اند؛

۴. «اصول و مبانی ترجمه قرآن»، علی نجار، ۱۳۸۱ ش؛ در این کتاب، دلایل موافقان ترجمه قرآن و شرایط مترجم و ترجمه و علوم پیش نیاز آن ها به صورت مختصر بیان شده و به برخی از اصول و مبانی ترجمه، مثل مبحث ترادف، تطور لغت، مبانی کلامی، مبانی فقهی اشاره شده است؛

۵. «آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم در واژه و ساختار»، اثر امیر مسعود

ص: ۱۲۱

---

۱- (۱). نک: ترجمه تفسیری طبری، به اهتمام حبیب الله نعمائی، ج ۱، ص ۵ و نیز مبحث مبانی فقهی ترجمه، از همین نوشتار.

صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۰ ش؛ در این پایان نامه، برخی از مبانی ترجمه قرآن به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است؛

۶. «بررسی ترجمه قرآن کریم»، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش؛ در این پایان نامه، نیز برخی مبانی ترجمه قرآن به صورت پراکنده آمده است؛

۷. «مجله ترجمان وحی»، ش ۱، مقاله: «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، نوشته یعقوب جعفری؛

۸. «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، جلد دوم، زرقانی؛

۹. «التفسیر و المفسرون»، جلد اول، دکتر ذهبی؛

۱۰. «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب»، جلد اول، آیه الله محمد هادی معرفت؛

۱۱. «البيان فی تفسیر القرآن»، آیه الله خویی رحمه الله؛

۱۲. «قرآن کریم با ترجمه و توضیحات، قطع رحلی»، بهاء الدین خرمشاهی (پی نوشتها)؛

۱۳. «حدث الاحداث، فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن»، شیخ محمد سلیمان؛

۱۴. «مجله الازهر»، ش ۷، «ترجمه القرآن و نصوص العلماء»، شیخ محمد شلتوت؛

۱۵. «رساله القرآن و الترجمة»، استاد عبدالرحیم؛

۱۶. «الادله العلمیه، فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنبیه»، محمد فرید وجدی؛

۱۷. «تفسیر المنار»، ج ۹ (ص ۳۲۰ به بعد) محمد رشید رضا.

پیرامون ترجمه قرآن برخی نویسندگان، دلایلی برای عدم جواز ترجمه قرآن آورده اند و مسئله «امکان ترجمه» (۱) را با «جواز شرعی» با هم بحث کرده اند؛ (۲) ولی به

ص: ۱۲۲

---

۱- (۱). مقصود از امکان ترجمه، امکان عادی است، نه امکان عقلی و نه امکان شرعی آن.

۲- (۲). نک: قرآن ناطق، ج ۱، ص ۶۷ به بعد

نظر می‌رسد که این دو مطلب از هم جدا است؛ یعنی: «اثبات امکان ترجمه قرآن»، مقدم بر «جواز شرعی آن» است؛ از این رو، ما مبحث امکان ترجمه را مقدم می‌داریم و تحت عنوان مبنای وجودی ترجمه قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم و بعد از اثبات امکان ترجمه، مسئله جواز شرعی ترجمه قرآن را با مبنای فقهی ترجمه مورد بررسی قرار خواهیم داد:

## اول: مبنای وجودی ترجمه قرآن (امکان ترجمه)

### اشاره

در رابطه با مبنای وجودی ترجمه یا امکان ترجمه قرآن کریم دو دیدگاه ابراز شده است که هر کدام دلایلی را عنوان کرده اند:

### الف) دیدگاه عدم امکان ترجمه قرآن و دلایل آن

برخی دانشمندان در گذشته و حال، به ویژه در مصر، (همچون رشید رضا) <sup>(۱)</sup> با ترجمه قرآن مخالفت کرده و آن را غیر ممکن دانسته اند؛ این افراد، مهمترین دلایلی را که برای «عدم امکان ترجمه» اقامه کرده اند عبارتند از:

۱. اعجاز قرآن مانع ترجمه آن؛ از سخنان برخی از دانشمندان استفاده می‌شود که آنان ترجمه را قرآن جدید به زبان دیگر می‌دانند که جایگزین اصل قرآن می‌شود و این مطلب را با «تحدی» قرآن ناسازگار یافته اند.

دکتر بی‌آزار شیرازی در این مورد می‌نویسند:

علمای علوم قرآن و مفسران، برای عدم امکان جایگزینی ترجمه به جای قرآن به آیاتی استدلال کرده اند از جمله:

[قُلْ لَّيْسَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَآيَأْتُونَ بِمِثْلِهِ يَ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا] . (۲)

ص: ۱۲۳

---

۱- (۱). نک: المنار، ج ۹، ص ۴ - ۳۳۱

۲- (۲). اسراء، ۸۸

...ترجمه، برگردان و جایگزین ساختن کلام بشری به جای کلام الاهی همان اندازه غیر ممکن است که جایگزین کردن بشر به جای خدا و دست و پای مصنوعی بجای دست و پای طبیعی. (۱) فخر رازی به آیه مزبور برای عدم جواز قرائت ترجمه قرآن در نماز استدلال می کند که: اگر کلام منظوم به فارسی، مثل قرآن بود، کلام خدا تکذیب می شد. (۲) سیوطی (م ۹۱۱ ق.) نیز قرائت قرآن به زبان عجمی را مطلقاً جایز نمی داند؛ خواه عربی را خوب بدانند یا نه، چه در نماز و چه در غیر نماز... و دلیل منع، آن است که اعجاز قرآن از بین می رود. (۳) فَعَّال که یکی از علمای شافعی است نیز گفته است: «قرائت به فارسی تصور نمی شود»؛ به او گفته شد: بنابراین کسی نمی تواند قرآن را تفسیر کند، وی پاسخ داد:

«چنین نیست؛ چون در تفسیر جایز است قسمتی از منظور خداوند را آورد و از قسمت دیگر عاجز باشد؛ ولی اگر بخواهد آن را به فارسی بخواند، ممکن نیست تمام مقصود را ادا کند؛ زیرا ترجمه بدل کردن لفظی به لفظ دیگر است که به جای آن بنشیند و این کار امکان ندارد، برخلاف تفسیر». (۴) همچنین در این رابطه کلام مشابهی را از زرکشی (م ۷۴۵ ق.) و سکاکی نقل کرده و بدان ها استدلال کرده اند؛ (۵) ۲. قرآن کریم، اسمی است شامل نظم و معنا و اگر ترجمه شود، نظم آن از بین می رود و این تعریف بر آن صادق نباشد؛ (۶)

ص: ۱۲۴

- 
- ۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۷۰ - ۶۹
  - ۲- (۲). تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۰۹
  - ۳- (۳). الاتقان، فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، نوع ۳۵، ج ۱، ص ۴ - ۱۴۳.
  - ۴- (۴). نک: الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۱، ص ۱۴۳ - ۱۴۴
  - ۵- (۵). تفسیر نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، ج ۱، ص ۷ - ۹
  - ۶- (۶). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۲ از المنار نسفی با شرح ابن مالک ص ۹ و فلسفه قانونگذاری در اسلام، صبحی محمصانی، ص ۳۰ نقل می کند.

۳. ترجمه حرفی قرآن که مطابق اصل باشد، امکان پذیر نیست و حتی ترجمه معنوی که عبارت است از فهم مترجم از قرآن یا تفاسیر، قرآن نیست؛ (۱)۴. ترجمه ناپذیری قرآن از جهت محتوا؛ به اعتراف دانشمندان اهل ادب و مترجمان زبردست، زبان عربی فصیح قرآنی، بهترین قالب موجود در دنیا است که می تواند واجد همه شرایط باشد و هیچ زبان دیگری نمی تواند چنین محتوایی عظیم را در قالب خود جای دهد؛ (۲)۵. ترجمه قرآن ممکن نیست؛ چرا که قرآن معجزه صدق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و برای هدایت مردم آمده است و ترجمه نمی تواند این اهداف را به انجام برساند؛ (۳)۶. ترجمه قرآن، نمی تواند آیت و نشانه خدا و مصدق کتاب های پیشین و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طور کامل باشد؛ در حالی که از آیه ۱۶ سوره «احقاف» چنین مطلبی استفاده می شود؛ (۴)۷. ترجمه قرآن، نمی تواند جامع و حاوی فشرده مطالب کتاب های پیشین باشد؛ در حالی که از آیه ۷۶ سوره «نمل» چنین مطلبی استفاده می شود؛ (۵)۸. ترجمه قرآن از جهت نفوذ و جاذبه به پای قرآن نمی رسد؛ (۶)۹. قرآن، منبع استنباط احکام است و برخی احکام از معانی صریح و اولیه و برخی از محتوا و معانی ثانوی آیات استنباط می شود؛ ولی در ترجمه، بسیاری از این ریزه کاری های آیات از بین می رود؛ از این رو، ترجمه نمی تواند منبع استنباط احکام باشد؛ (۷)

ص: ۱۲۵

۱- (۱). تفسیر المنار، محمد رشید رضا، ج ۹، ص ۴ - ۳۳۱

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۷۲

۳- (۳). التفسیر و المفسرون، الدكتور الذهبی، ج ۱، ص ۲۴ - ۲۵ (با تلخیص).

۴- (۴). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۷۳

۵- (۵). همان، ص ۷۴

۶- (۶). همان، ص ۷۶

۷- (۷). الموافقات فی اصول الاحکام، ابواسحاق شاطبی، تحقیق: محی الدین عبدالحمید، ج ۱، ص ۱۸ - ۱۷ و قرآن ناطق،

ج ۱، ص ۲ - ۸۱.



۱۰. قرآن، کتاب روح و نور است (نساء/ ۱۷۴) و این دو ترجمه پذیر نیستند، بلکه ترجمه آن را تباه می سازد؛ (۱) ۱۱. ترجمه ناپذیری قرآن، به خاطر وجود متشابهات و باطن؛ قرآن دارای آیات متشابه (۲) و ظاهر و باطن است که جز خدا و کسی که به او علم الکتب داده شده، آن ها را نمی دانند، از این رو، قرآن قابل ترجمه نیست؛ (۳) ۱۲. عربی بودن قرآن، مانع ترجمه آن است؛ شاطبی (م ۷۹۰ ق.). مفسّر و فقیه مالکی معتقد است که زبان عربی از نظر الفاظ دلالت کننده بر معانی، دارای دو جهت است: نخست: الفاظ و عبارات مطلق است که بر معانی مطلق دلالت می کنند، که این «دلالت اصلی» است و دوم، از جهت الفاظ و عبارات مفیدی است که دلالت بر معانی استخدام شده دارد که این «دلالت تبعی» است.

ترجمه دلالت های تابعی در هیچ کلام عربی به کلام غیر عربی امکان پذیر نیست؛ چه رسد به ترجمه قرآن و نقل آن به غیر عربی، مگر اینکه فرض شود هر دو زبان در استعمال الفاظ برای معانی اصلی و تبعی یکسان باشند و بدیهی است که اثبات چنین امری دشوار است.

البته دلایل دیگری نیز بر ترجمه ناپذیری قرآن آورده شده است، همچون: اشتغال قرآن بر ضرب المثلها، جهت زمینه سازی برای خردورزی، و نیز اعتراف بسیاری از دانشمندان و مترجمان قرآن، مانند پیکتال، پروفیسور آربری، ایزیتو، دکتر حاج تعلیم علی، دکتر پاینده و احمد آرام. (۴)

ص: ۱۲۶

---

۱- (۱). حدث الاحداث فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن، الشیخ محمد السلیمان، ص ۶۲.

۲- (۲). آل عمران، ۷

۳- (۳). نک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، ج ۴، ص ۱۲۴.

۴- (۴). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۷۷ - ۹۱ و در سایه قرآن، سید قطب، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۱۰ و ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، ص کط.

اشاره

مهمترین دلیل برای امکان چیزی، وقوع آن است؛ هنگامی که به تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام می‌نگریم، متوجه می‌شویم که ترجمه قرآن در طول قرون و اعصار متمادی با فراز و نشیب‌های متعدد، انجام گرفته است و صدها ترجمه کامل و ناقص از قرآن بر جای مانده است.

اگر حکایات تاریخی را بپذیریم، ترجمه قرآن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط سلمان فارسی انجام شده است. (۱) و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها ترجمه قرآن به فارسی را غیر ممکن ندانست، بلکه اجازه داده یا تقریر کرده است.

این پدیده ضروری در طول اعصار، به ویژه از قرن سوم به بعد، ادامه یافت و هم اکنون نیز ادامه دارد.

البته کسانی که برای جواز ترجمه قرآن دلیل آورده‌اند، معمولاً به سراغ دلایل ضرورت ترجمه و جواز شرعی آن رفته‌اند، (۲) که پاسخگوی دلایل امکان نخواهد بود؛ هر چند که با ضمیمه وقوع ترجمه، دلایل ضرورت و جواز شرعی می‌تواند موید و شاهدهی بر امکان ترجمه باشد؛ البته در اینجا لازم است که بین دو نوع ترجمه تفاوت بگذاریم:

۱. ترجمه مطلق و جایگزین:

یعنی: ترجمه‌ای که تمام کمالات قرآن را بنمایاند و اعجاز و محتوای آن را به صورت کامل در زبان مقصد منعکس سازد؛ اینچنین ترجمه‌ای، قرآن جدیدی است که جایگزین قرآن اصلی در زبان مقصد می‌شود و البته این ترجمه، با تحدی قرآن منافات دارد و امکان پذیر نیست.

ص: ۱۲۷

۱- (۱). المبسوط، السرخسی، ج ۱، ص ۱۳۷

۲- (۲). نک: اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۲۴ - ۲۱ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۶۹ به بعد.

یعنی: ترجمه ای که محتوا و دلالت اصلی و تبعی کلام و آهنگ و کمالات قرآن را به طور نسبی در زبان مقصد منعکس سازد و ادعای اعجاز و تمام نمایی نداشته باشد؛ البته روشن است که اینگونه ترجمه قرآن، هم ممکن است و هم بارها انجام شده است و همه مترجمان قرآن، در طول تاریخ اسلام، به دنبال همین نوع ترجمه بوده اند و مقصود کسانی که ترجمه را جایز و ممکن می دانند نیز، همین نوع از ترجمه قرآن است.

### نقد و بررسی دلایل عدم امکان ترجمه قرآن

اکنون مناسب است که مروری نقدآمیز بر دلایل عدم امکان ترجمه قرآن، داشته باشیم تا مطلب روشن تر شود:

۱. مهمترین مشکل در دلایلی که برای «عدم امکان ترجمه قرآن» ذکر شد، تفکیک نکردن دو قسم ترجمه (جایگزین - نسبی) است و دلایل عدم امکان ترجمه، فقط عدم امکان جایگزین را اثبات می کند نه ترجمه نسبی را؛

۲. اعجاز قرآن مانع «ترجمه جایگزین» قرآن است، نه «ترجمه نسبی» آن؛ چرا که ترجمه های نسبی، ادعای جایگزینی و تمام نمایی ندارند؛ از این رو، مخالف آیات تحدی (مثل اسراء / ۸۸) نمی شوند، و تحدی قرآن را تکذیب نمی کنند؛

۳. ترجمه، خلاصه تفسیر است (۱) و همانطور که فرمودند: تفسیر، بخشی از منظور خدا را نشان می دهد و از بخش دیگر عاجز است، ترجمه نیز همینگونه است؛ بنابراین، حداقل ترجمه تفسیری قرآن، مشمول دلایل عدم امکان ترجمه نسبی نمی شود؛ هرچند که بقیه روش های ترجمه نیز، خلاصه تفسیر است؛ ولی در هر صورت، هیچ ترجمه ای مدعی نیست که قرآن است؛

۴. «ترجمه نسبی» قرآن ادعا ندارد که تمام هدایت و دلالت اصلی و تبعی و

ص: ۱۲۸

---

۱- (۱). در این مورد، ذیل مبحث مبانی فقهی و نیز ذیل مبحث مبانی تفسیری ترجمه، مطالبی خواهد آمد.

محتوای قرآن را به زبان دیگر منتقل می کند و یا نظم قرآن را حفظ می کند، همانطور که تفسیر نیز این ادعا را ندارد؛ پس این مطلب مانع ترجمه نسبی نمی شود؛

۵. ترجمه قرآن، مدعی نیست که آیت و نشانه خداست و یا مصدق کامل کتاب های پیشین و جامع و حاوی فشرده مطالب کتاب های پیشین است؛ بلکه ترجمه، پیام قرآن را به صورتی ناقص و نسبی به زبان دوم منتقل می کند و اگر کسی بخواهد به آیات و محتوای کامل قرآن دست یابد، لازم است به اصل قرآن یا تفاسیر مراجعه کند؛

۶. مسلم است که ترجمه از لحاظ نفوذ و جاذبه به پای قرآن نمی رسد و نمی تواند منبع استنباط احکام به صورت کامل بوده و نور و روح بودن قرآن را به صورت کامل نمایش دهد؛ اما این مطالب مانع «ترجمه نسبی» قرآن نمی شود، که اگر نمی توانیم همه دریا را درک کنیم اما می توان آب دریا را چشید (۱) و شعاعی از نور قرآن را به مردم دنیا از طریق زبان های دیگر رساند؛

۷. قرآن، دارای آیات متشابه و باطن است و ممکن است در ترجمه، تمام آیات متشابه روشن نشود و باطن ها بیان نگردند که به طور طبیعی همین گونه است و حتی تفاسیر قرآن نیز، ادعا نمی کنند که تمام تشابه ها را رفع کرده و باطن ها را بیان کرده اند؛ ولی این مطلب، مانع تفسیر و «ترجمه نسبی» قرآن نمی شود؛ چرا که اساساً ترجمه برای برگردان الفاظ از یک زبان به زبان دیگر است و مترجم تلاش می کند با رعایت مبانی کلامی، تفسیری و... که در ادامه بحث می آید، مقداری از متشابهات را برای مخاطب واضح کند، اگر چه برخی متشابهات باقی بماند؛ و اصولاً در متن فعلی قرآن نیز، متشابهات برطرف نشده و بطون آن روشن نشده اند، بلکه رفع تشابه و فهم بطون

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱). آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید (مولوی)

نیز به تلاش فکری و استفاده از آیات دیگر قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام بستگی دارد و در ترجمه نیز همینگونه است؛ بنابراین وجود متشابهات و بطون قرآن، مانع «ترجمه نسبی» آن نیست؛

۸. اینکه کلام عرب دارای دلالت اصلی و تبعی است، مطلب حقیقی است و در تمام زبان‌ها معمولاً همینگونه است؛ اما اینکه زبان عربی به خاطر این ویژگی، قابل ترجمه نیست، ادعای بدون دلیل است؛ چرا که اولاً: هر روز می‌بینیم که سخنان و کتاب‌های عربی از جمله قرآن، ترجمه می‌شوند؛ البته «ترجمه نسبی» و ثانیاً: «این مطلب اگر صحیح باشد، در مورد همه زبان‌ها صادق است و هیچ زبانی قابل ترجمه نخواهد بود، چون در آن‌ها معانی تبعی وجود دارد؛

۹. بسیاری از مترجمان قرآن، اعتراف کرده‌اند که قرآن، ترجمه ناپذیر است؛ اما با این حال اقدام به ترجمه قرآن کرده‌اند، این مطلب نشان می‌دهد که مقصود آنان این است که ترجمه کامل و مطلق که جایگزین قرآن باشد ممکن نیست؛ اما ترجمه نسبی ممکن است؛ همانطور که خودشان توانسته‌اند این مهم را به انجام برسانند برای مثال، آقای دکتر پاینده، مترجم محترم قرآن نوشته‌اند:

ترجمانی قرآن چنان که باید، محال است و گفتار ربّ جلیل را در عبارت بنده ذلیل ریختن، دریا به کوزه پیمودن است؛ مترجم دقیق و نکته‌سنج اگرش توفیق الاهی رهنمون شود، بیشتر از این نتواند که مشتی از خرمن، هدیه دوستان کند. (۱)

### جمع بندی

با توجه به دلایل موافقان و مخالفان امکان ترجمه، به این نتیجه می‌رسیم که «ترجمه نسبی» قرآن ممکن است و در طول تاریخ واقع شده است؛ هر چند که «ترجمه مطلق» و «جایگزین» قرآن مخالف تحدی قرآن و غیرممکن می‌باشد.

ص: ۱۳۰

اشاره

فقه و ترجمه قرآن رابطه ای مستقیم با هم دارند، چرا که بسیاری از آیات قرآن، بیان کننده احکام فقهی است (۱) و ترجمه آن آیات، بدون توجه به مبانی و دیدگاه ها و دلایل فقهی آن ها بعید است.

البته بررسی ضرورت دانش فقه در ترجمه و نقش فقهات مترجم در ترجمه قرآن، نیاز به بحث جداگانه ای دارد، (۲) ما در اینجا به بررسی اصل «جواز شرعی ترجمه، از منظر فقه» و نیز «تأثیر مبانی فقهی مختلف در ترجمه قرآن» می پردازیم.

۱. جواز شرعی ترجمه قرآن:

اشاره

«جواز» ترجمه، می تواند به دو معنا باشد:

معنای نخست: جواز به معنای «امکان ترجمه قرآن» (این مطلب در مبانی وجودی ترجمه قرآن مورد بررسی قرار گرفت).

معنای دوم: جواز به معنای «جواز شرعی»، یعنی: حرام نبودن ترجمه قرآن که اعم از وجوب، استحباب و مباح است؛ این مطلب در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد.

مسئله جواز شرعی ترجمه قرآن از دیرباز مورد بحث علما و فق های اسلام بوده است و دلایلی برای اثبات یا رد آن آورده اند، قدیمی ترین گزارش فقهی در مورد ترجمه قرآن، دیدگاه ابوحنیفه (۸۰ - ۱۵۰ ق.)، رئیس «مذهب حنفی» است که فتوا داد:

«هر کسی در نماز قرآن را به فارسی قرائت کند، جایز است، اما مکروه است». (۳) البته

ص: ۱۳۱

۱- (۱). تعداد آیات الاحکام از ۵۰۰ آیه تا ۲۰۰۰ آیه برآورد شده است، (فقه القرآن، محمد فاکر میبیدی، ص ۳۷).

۲- (۲). این مطلب در نوشتار «تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن» مورد بررسی قرار می گیرد و نمونه ها و مثال های متعدد بیان می شود.

۳- (۳). المبسوط، شمس الدین السرخسی، ج ۱، ص ۳۷

برخی حکایت کرده اند که ابوحنیفه بعداً از این فتوای خود برگشت. (۱) گزارش بعدی از علمای ماوراء النهر است که در مقدمه ترجمه «تفسیر طبری»، که بین سال های ۳۵۰ - ۳۶۵ ق. نوشته شده است، آمده است:

و این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری رحمه الله، ترجمه کرده به زبان پارسی و دری است و این کتاب را بیاوردند از بغداد، چهل مصحف بود به زبان تازی و به اسنادهای دراز... بیاوردند سوی منصور بن نوح... پس دشوار آمد بر او خواندن این کتاب... و چنان خواست که آن را ترجمه کنند به زبان پارسی، پس علمای ماوراء النهر را گرد کرد و از ایشان فتوا کرد که: روا باشد که ما این کتاب را به زبان فارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند از قول خدای عز و جلّ که گفت: [ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ... ]. (۲)، (۳)

از این گزارشات تاریخی روشن می شود که ذهنیت مردم در قرن دوم تا چهارم هجری، عدم جواز ترجمه و تفسیر قرآن به زبان غیر عربی بوده است و یا حداقل، شبهه قوی در برابر جواز آن وجود داشته است، بطوری که برای ترجمه تفسیر نیز از علما کسب فتوا می کردند و این در حالی است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوایل اسلام چنین ذهنیتی وجود نداشته است؛ چرا که بر اساس گزارشات تاریخی هنگامی که «اهل فارس» از سلمان فارسی صحابی بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواستند که سوره «فاتحه الکتاب» را برای آن ها به فارسی ترجمه کند، سلمان پاسخ مثبت داد و بعد سلمان همین ترجمه را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نشان داد. (۴)

ص: ۱۳۲

- 
- ۱- (۱). نک: روح المعانی، آلوسی، ج ۱۹، ص ۱۲۶ والبرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، ج ۱، ص ۷ - ۲۸۸ و الاتقان، السیوطی، ج ۱، ص ۳۵۳.
- ۲- (۲). ابراهیم، ۴.
- ۳- (۳). ترجمه تفسیر الطبری، به اهتمام حبیب یغمائی، ج ۱، ص ۵.
- ۴- (۴). السرخسی، المبسوط، شرح الکافی، ج ۱، ص ۱۳۷ و تاج الشریعه، حاشیه الهدایه، ج ۱، ص ۸۶.

اما آنچه مهم است، دلایل موافقان و مخالفان جواز شرعی ترجمه قرآن است که در بین فق های شیعه و اهل سنت موافقان و مخالفان متعددی را برانگیخته است، که در ضمن بحث به آن ها اشاره می کنیم.

## الف) دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه

### ۱. جهان شمولی پیام قرآن

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارای رسالتی جهانی است همانطور که در آیات متعدد (۱) قرآن این مطلب بیان شده؛ از جمله: [ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ ... ]؛ (۲) «ما تو را نفرستادیم، مگر برای همه مردم».

بنابراین باید پیام قرآن به همه مردم جهان برسد و فراگیری زبان عربی برای همه جهانیان دشوار و بعید است پس چاره ای جز ترجمه قرآن به زبان های دیگر نیست؛ (۳) به عبارت دیگر: ترجمه، مقدمه رساندن پیام قرآن و اسلام به جهانیان است؛ از این رو، ترجمه قرآن جایز است و گاهی برای رساندن پیام قرآن و به عنوان مقدمه هدایت مردم واجب می شود.

آیه الله کاشف الغطا رحمه الله در مورد ترجمه قرآن نوشته اند:

گر چه ترجمه قرآن هر چه هم کامل و رسا باشد نمی تواند در دیگر زبان ها همان چیزی را برساند که متن اصلی بیان می دارد؛ اما ترجمه ای که معانی را به زبان دیگر بر می گرداند یک ضرورت است و بر کسانی که توان ترجمه را داشته باشند

ص: ۱۳۳

---

۱- (۱) . نک: اعراف، ۱۵۸، فرقان، ۱ و...

۲- (۲) . سبأ، ۲۸

۳- (۳) . نک: قرآن ناطق، ج ۱، ص ۲ - ۴۱ و اصول و مبانی ترجمه، ص ۲۲.



واجب و لازم است؛ زیرا تبلیغ دین و دعوت اسلام به آن بستگی دارد. (۱) آیها لله خوئی قدس سره نیز در این مورد می نویسند:

خداوند، پیامبرش را برای هدایت مردم فرستاد و او را به وسیله قرآن، پیروز گردانید، قرآنی که... تعالیمش عام و هدایتش جهان شمول است و از این رو واجب است که هر کس قرآن را بفهمد تا به وسیله آن، هدایت یابد و شکی نیست که ترجمه به این مهم کمک می کند... (۲) و حتی دکتر ذهبی که از مخالفان ترجمه حرفی (تحت اللفظی) قرآن بود، ترجمه تفسیری قرآن را نوعی تفسیر می داند و آن را واجب می شمرد و می نویسد:

والتراجمه التفسیریة: تفسیر القرآن بغير لغته، فکانت ایضاً من الامور التي فرضت علی الامه؛ بل هی آکد لما یترتب علیها من المصالح المهمة لتبلیغ معانی القرآن و ایصال هدیته الی المسلمین و غیر المسلمین. (۳) با این همه برخی از معاصران در این دلیل خدشه کرده و برای نمونه، می نویسند:

«نکته قابل ذکر در نقد ادله قایلان به وجوب ترجمه، این است که ادله وجوب ترجمه، تنها لزوم عقلی ترجمه به عنوان مقدمه وظیفه شرعی، چون: تبلیغ، هدایت و فهم را اثبات می کند و در علم اصول، به ویژه در میان متأخران از اصولیان، ثابت شده که مقدمه واجب، واجب شرعی نیست و وجوب عقلی دارد؛ اگر نگوییم که ترجمه، تنها راه انحصاری نیست و راه ها و روش های دیگری برای تبلیغ و هدایت وجود دارد». (۴) البته، موافقان ترجمه قرآن در صدد اثبات اصل جواز ترجمه هستند، در برابر کسانی که ترجمه را غیر جایز می دانند؛ بنابراین حداقل جواز ترجمه، اثبات می شود و وجوب عقلی آن در شرایط خاص با قاعده «کَلِمًا حَکْمٌ بِهَ الْعَقْلِ، حَکْمٌ بِهَ الشَّرْعِ» می تواند به صورت وجوب شرعی درآید.

ص: ۱۳۴

---

۱- (۱). رساله القرآن و الترجمة، استاد عبدالرحیم، ص ۴، نجف، ۱۳۷۵ ق.

۲- (۲). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۰۵ - ۵۰۶

۳- (۳). التفسیر والمفسرون، الذهبی، ج ۱، ص ۲۹

۴- (۴). یادگار نامه فیض الاسلام، مقاله دیدگاه های فقهی در مورد ترجمه قرآن کریم، سید محمد علی ایازی، ص ۱۸۲.

سیره مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر ترجمه قرآن بوده است و از همین رهگذر، صدها ترجمه به زبان های مختلف پدید آمد؛ چونکه به صورت طبیعی، بسیاری از مسلمانان صدر اسلام در ایران و روم و حبشه و.. زبان عربی را نمی دانستند و لازم بود که آیات قرآن برای آنان ترجمه شود تا مطالب اسلام را متوجه شوند؛ برای مثال: وقتی عده ای از مسلمانان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به رهبری جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کردند، پادشاه حبشه از جعفر خواست که قسمتی از قرآن را برایش بخواند و او آغاز «سوره مریم» را تلاوت کرد. (۱) به صورت طبیعی «نجاشی» پادشاه حبشه، زبان عربی را نمی دانست و لازم بود یکی از مسلمانان یا مترجمان دربار یا خود جعفر، آیات را برای نجاشی ترجمه کند، از این رو برخی نوشته اند که جعفر زبان «أمهری» را که زبان مردم حبشه بود می دانست و «سوره مریم» را برای پادشاه ترجمه کرد و او را تحت تأثیر قرار داد. (۲) و نیز نامه هایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای «نجاشی» پادشاه حبشه، «مقوقس» پادشاه مصر، پادشاه ایران و امپراتور روم نوشت، حاوی آیات قرآن بود که به صورت طبیعی بوسیله مسلمانان حامل نامه یا مترجمان دربار آنان، ترجمه شد، در مورد نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نجاشی گفته شده که «عمر بن امیه» آن را به زبانی که نجاشی می فهمید ترجمه کرد (۳) و در مورد نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امپراتور، نوشته اند. او مترجمان خود را فرا خواند تا نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ترجمه کنند. (۴) و اصولاً ترجمه، یک شیوه عقلایی برای فهم مطالب زبان دیگر است و کاملاً

ص: ۱۳۵

- 
- ۱- (۱). ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۸۱ و ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۶۰.
  - ۲- (۲). صدر الافاضل پاکستانی، مناهج التفسیر فی شبه القاره، مجله التوحید، سال ۲، ش ۹، ص ۲۱۶، ۱۴۰۴ هـ.
  - ۳- (۳). ابن قیم الجوزیه، زادالمعاد، ج ۳، ص ۶۸۹ - ۶۹۰.
  - ۴- (۴). صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵ (کتاب اول باب ششم)

طبیعی است که مسلمانان نیز از همین شیوه استفاده کنند؛ (۱) و همانطور که گذشت: بر اساس نقل های مکرر تاریخی، «سلمان فارسی» سوره حمد را برای خواندن در نماز به فارسی ترجمه کرد و آن را به پیامبر نشان داد. (۲) هر چند که عمل سلمان در مورد ترجمه قرآن در نماز بود (و این مطلبی است که شرایط و بحث ویژه ای دارد) ولی همین عمل سلمان که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام گرفته و مورد انکار و منع ایشان قرار نگرفته است دلیل جواز شرعی ترجمه قرآن است.

البته زرقانی در «مناهل العرفان» در مورد صحت این حدیث تردید می کند و آن را مضطرب و مجهول الاصل می داند؛ (۳) ولی شاید بتوانیم بگوییم که سیره مسلمانان بر ترجمه قرآن، خبر «سلمان» را به ذهن نزدیک و تقویت می کند.

### ۳. ترجمه قرآن، نوعی از تفسیر است

تفسیر قرآن، کشف معانی و مقاصد آیات قرآن است و به عبارت دیگر: انتقال پیام آیات قرآن به مخاطب است، و ترجمه قرآن نیز، همین هدف را دنبال می کند، با این تفاوت که تفسیر می تواند به زبان عربی یا زبان دیگر باشد؛ اما ترجمه قرآن، معمولاً به زبان غیر عربی است (۴) و ترجمه، مختصرتر از تفسیر است.

از این رو می توان گفت: ترجمه، خلاصه تفسیر است، به ویژه اگر ترجمه آزاد (تفسیری) باشد و این همان دلیلی است که ذهبی نیز برای جواز (بلکه وجوب)

ص: ۱۳۶

- 
- ۱- (۱). آقای سهراب مروتی در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تحت عنوان «بررسی ترجمه های قرآن کریم»، ص ۹ - ۶۲، برای ضرورت ترجمه به سیره عقلا و علمای اسلامی استدلال کرده است.
  - ۲- (۲). المبسوط، السرخسی، ج ۱، ص ۱۳۷ و تاج الشریعه، حاشیه الهدایه، ج ۱، ص ۸۶ و...
  - ۳- (۳). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۵ - ۵۶
  - ۴- (۴). در مورد رابطه ترجمه و تفسیر، در مبانی تفسیری ترجمه، توضیح بیشتری خواهد آمد.

ترجمه تفسیری بدان استدلال کرد؛ (۱) بنابراین، همانطور که تفسیر قرآن جایز است و فی الجمله مورد انکار علمای اسلام قرار نگرفته، ترجمه نیز جایز می باشد، چون ترجمه، همان تفسیر است.

البته این دلیل، مورد انکار ذهبی و زرقانی قرار گرفته است و چند تفاوت بین ترجمه و تفسیر بیان کرده اند؛ (۲) ما مطالب آنان را در دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، نقل و نقد می کنیم.

### شواهد و مویدات جواز شرعی ترجمه قرآن

در مورد «جواز ترجمه قرآن» به دلایل دیگری نیز استدلال شده است که بیشتر، شواهد و موید به شمار می آیند، از جمله:

۱. از جمله مستندات طرفداران جواز ترجمه قرآن دو آیه کریمه بوده است:

[لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... ]؛ (۳) و [وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ... ]؛ (۴)، (۵)

۲. ترغیب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فرا گرفتن زبان سایر ملتها؛ به طوری که برای مثال زید بن ثابت (م ۴۵ ق.) زبان «عبری» و «سریانی» را فرا گرفت؛ (۶) البته ممکن است گفته شود که این دلیل ربط چندانی به ترجمه قرآن ندارد و می تواند مقدمه ترجمه و ارسال نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا مطالب دیگر باشد؛

۳. عدم وجوب فراگیری زبان عربی از سوی شارع مقدس، دلیل ضرورت ترجمه قرآن کریم است تا سخن خدا به کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند ابلاغ شود؛ (۷)

ص: ۱۳۷

۱- (۱). التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۲۹

۲- (۲). همان، ص ۲۸ - ۲۹ و مناهل العرفان فی علوم القرآن، الزرقانی، ج ۲، ص ۱۰ - ۱۳.

۳- (۳). بقره، ۲۸۶.

۴- (۴). ابراهیم، ۴

۵- (۵). قرآن کریم با ترجمه و توضیحات بهاءالدین خرمشاهی، قطع رحلی، گفتار مترجم، ص ۶۱۹.

۶- (۶). العسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ص ۵۶۱ و محمد احمد السنباطی، ترجمه المعانی القرآنیه، ص ۶ - ۸۷.

۷- (۷). بررسی ترجمه قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ص ۷۴.

البته شاید بتوانیم بگوییم که این دلیل در حقیقت به همان دلیل اول، یعنی: جهانی بودن پیام اسلام باز می‌گردد؛

۴. ترجمه کتاب مقدس در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ (۱) البته ممکن است گفته شود که جواز ترجمه کتاب مقدس، ملازمه ای با جواز ترجمه قرآن ندارد؛

۵. ترجمه قرآن به زبان «سنسکریت»، که راجا رائک مهروق امیر منطقه «رور» هندوستان در سال ۲۳۰ ق. از «عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز» نماینده خلیفه در منطقه درخواست کرد تا قرآن را به زبان سنسکریت تفسیر کند و عبدالله بن عمر به یکی از علمای عراقی که زبان مردم را خوب می‌دانست دستور داد تا قرآن را تفسیر کند و در سال ۲۷۰ ق. حداقل سوره «یس» ترجمه شد؛ (۲) البته ممکن است گفته شود که این مطلب در مورد تفسیر قرآن است و عمل نماینده خلیفه، دلیل بر جواز شرعی نمی‌شود، مگر آنکه آن را جزئی از سیره مسلمانان به شمار آوریم؛

۶. ترجمه قرآن، یکی از ضرورت‌های دعوت دینی است که بر عهده همه مسلمانان است تا ندای اسلام را به گوش جهانیان برسانند؛ (۳) البته به نظر می‌رسد این مطلب اخیر به همان دلیل اول، یعنی: جهان شمولی پیام اسلام و مقدمات آن باز می‌گردد؛

۷. برای مللی همچون: مردم ژاپن و اروپا که کلمه ای عربی نمی‌دانند، چاپ و نشر قرآن عربی بدون ترجمه، فایده ای ندارد؛

ص: ۱۳۸

---

۱- (۱). صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۶۰

۲- (۲). صدر الافاضل، مناهج التفسیر فی شبه القاره، مجله التوحید، سال ۲، ش ۹ و عجائب الہند، بزرگ بن شهریار، به نقل از قرآن ناطق، ج ۱، ص ۴۸.

۳- (۳). اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی بخار، ص ۲۲

۸. در برابر ترجمه های دارای غلط و مغرضانه که توسط یهود و نصاری از قرآن می شود، باید ترجمه ای صحیح و مورد اعتماد از سوی مراکز اسلامی ارائه گردد؛ (۱) ۹. فتاوی علمای اسلام بر جواز ترجمه قرآن: بسیاری از عالمان و مراجع تقلید و پیشوایان دینی شیعه و اهل سنت به جواز شرعی ترجمه فتوا داده اند از جمله: مرحوم آیه الله کاشف الغطاء، همانطور که گذشت؛ (۲) مرحوم آیه الله میلانی نیز، در تقریظ خود بر ترجمه تفسیری «میراحمد علی» به زبان انگلیسی بر لزوم ترجمه، تاکید می کند. (۳) مرحوم آیه الله خوئی، در نامه خود به «میر احمد علی»، از ترجمه تفسیری او به زبان انگلیسی تقدیر کردند (۴) و همانطور که گذشت در کتاب البیان، ترجمه قرآن را ضروری دانستند. (۵) برخی از مراجع تقلید و علمای اسلام نیز، خود، اقدام به ترجمه قرآن کرده اند از جمله: امام خمینی قدس سره در ضمن کتاب های فارسی خود برخی آیات را ترجمه کرده اند (۶) و آیه الله مکارم شیرازی و آیه الله مشکینی نیز ترجمه مستقلی نشر داده اند.

در میان اهل سنت، از ابوحنیفه جواز ترجمه قرآن حکایت شده (۷) (که گذشت) و نیز از مطالبی که ذیل آیه ۵ / ابراهیم، حکایت شده، استفاده می شود که خواجه عبدالله انصاری (۸)، زمخشری (۹)، بیضاوی (۱۰) و برسوی (۱۱) نیز، جواز ترجمه قرآن را پذیرفته اند؛ اگر چه مقصود برخی از آن ها، نوعی تفسیر یا ترجمه تفسیری بوده است. (۱۲) «شیخ الازهر» مصطفی مراغی نیز، در سال ۱۳۵۵ق. به صورت صریح، فتوا به

ص: ۱۳۹

- 
- ۱- (۱). الادله العلمیه فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنبیه، محمد فرید وجدی، ص ۱۳ - ۲۱
  - ۲- (۲). رساله القرآن و الترجمه، استاد عبدالرحیم، ص ۴، ۱۳۷۵ ق
  - ۳- (۳). بی آزار شیرازی، قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳ - ۶۲
  - ۴- (۴). همان، ص ۶۴
  - ۵- (۵). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۰۵ - ۵۰۶
  - ۶- (۶). نک: چهل حدیث، اسرار الصلوه، آداب الصلوه و ولایت فقیه
  - ۷- (۷). المبسوط، شمس الدین السرخسی، ج ۱، ص ۳۷
  - ۸- (۸). کشف الاسرار، المیبدی، ج ۵، ص ۲۲۶
  - ۹- (۹). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۵۳۹
  - ۱۰- (۱۰). انوار التنزیل، ج ۲، ص ۵۲۴
  - ۱۱- (۱۱). روح البیان، ج ۴، ص ۳۹۵
  - ۱۲- (۱۲). قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۶

جواز ترجمه قرآن داده است؛ اگر چه ترجمه قرآن، را نمی توان قرآن نامید. (۱) علمای زیادی از الازهر در این فتوا، با شیخ مصطفی مراغی، همراهی کرده اند. (۲)

## ب) دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه قرآن

### اشاره

همانطور که گذشت: ذهنیت مسلمانان در صدر اسلام، موافق ترجمه قرآن بود و عملاً اقدام به ترجمه آیات می شد که نمونه های آن در ترجمه «سلمان» و «نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» گذشت، (۳) و در ادامه این سیر، صدها ترجمه کامل و ناقص از قرآن شکل گرفت و منتشر شد؛ ولی بعد از مدتی فتوای «خواندن ترجمه قرآن در نماز» توسط «ابوحنیفه» موجب بروز اختلافات شد و موافقت ها و مخالفت هایی را برانگیخت؛ (۴) ولی این اختلافات، بیشتر در مورد قرائت «حمد» در نماز بروز کرد. تا اینکه در اوایل قرن بیستم میلادی، مسئله ای سیاسی و استعماری در روند ترجمه قرآن پدیدار گشت، که موجب مخالفت های جدی با ترجمه قرآن به زبان های غیر عربی گشت، به طوری که علمای الازهر را به واکنش واداشت.

برخی از نویسندگان، داستان را اینگونه گزارش کرده اند که در سال ۱۹۲۶م. یکی از علمای مسلمان شوروی سابق به نام شیخ احسن شاه افندی احمد، نامه ای به محمد رشید رضا نوشت که نسبت به تلاش ترکان شوروی برای ترجمه قرآن و جایگزینی آن به جای قرآن در کشورهای مسلمان نشین «شوروی سابق» اعلام خطر کرد و از علمای «الازهر» استمداد طلبید. (۵)

ص: ۱۴۰

- ۱- (۱). حدث الاحداث، شیخ محمد سلیمان، ص ۳۳ - ۳۵ و ترجمه القرآن و نصوص العلماء، الشیخ محمود الشلتوت، مجله الازهر، ش ۷، ص ۱۲۳ - ۱۲۴ و قرآن ناطق، همو، ج ۱، ص ۵۷.
- ۲- (۲). حدث الاحداث، شیخ محمد، سلیمان، ص ۴۰ و التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۱۴۳ - ۱۴۶.
- ۳- (۳). به مبحث دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه قرآن مراجعه کنید.
- ۴- (۴). المبسوط، السرخسی، ج ۱، ص ۳۷ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۰۸ به بعد.
- ۵- (۵). مجله المنار، ۲۹ ربیع الآخر، ۱۳۲۶ ق، ص ۲۶۸ - ۲۷۴ (پاسخ رشید رضا را چاپ کرد)، قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۰.

همچنین در «ترکیه»، که در عصر «سلاطین عثمانی»، ترجمه قرآن به زبان ترکی ممنوع بود، بعد از تشکیل جمهوری و اعلام قانون اساسی جدید (۱۹۰۸ م.) مترجمان ترک به ترجمه قرآن پرداختند و در زمان «مصطفی کمال پاشا» (آتاتورک) خط قرآن به لاتین تغییر یافت و حتی «اذان» را به ترکی اعلام می کردند. (۱) در ادامه همین حرکتها، توسط برخی از مترجمان هندی، قرآن به زبان انگلیسی ترجمه شد که دارای غلطهایی بود، نسخه هایی از آن به مصر ارسال شد؛ این حرکت های استعماری که برای بیگانه کردن مسلمانان با اسلام و قرآن صورت می گرفت واکنش هایی را در جهان اسلام به دنبال داشت؛ از این رو شیخ «الازهر» به منع ترجمه انگلیسی یاد شده فتوا داد و حکومت مصر از ورود این ترجمه به کشور جلوگیری کرد؛ (۲) همچنین به فتوای علمای لبنان از ورود ترجمه مزبور به این کشور نیز جلوگیری شد. (۳) شیخ محمد «رشید رضا» در پاسخ شیخ احسن شاه افندی احمد، مقاله ای مفصل در مجله «المنار» نوشت و فتوا به ممنوعیت ترجمه لفظی قرآن داد. (۴) و «شیخ محمد عبده» که از شیوخ محترم «الازهر» بود، فتوا به منع ترجمه قرآن داد و حکم به وجوب مصادره قرآن های مشتمل بر ترجمه حرفی داد، هر چند که با آن ترجمه تفسیری باشد. (۵) سپس دولت مصر در سال ۱۹۳۶ م. در مصوبه ای اعلام کرد که ترجمه رسمی قرآن، به وسیله علمای «الازهر» و حمایت وزارت فرهنگ صورت گیرد و این کار در

ص: ۱۴۱

- 
- ۱- (۱). دائرالمعارف قرآن کریم، مقاله محمد یوسف اریکسون، ترجمه دکتر محمد علی نجفی، ج ۱، ص ۲۸.
  - ۲- (۲). مجله المنار، سال ۱۳۴۳، ص ۷۹۵ (این ترجمه غلط دار، توسط فرقه احمدیه در هند منتشر شد).
  - ۳- (۳). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۱
  - ۴- (۴). مجله المنار، ۲۹ ربیع الآخر، ۱۳۲۶ ق، ص ۲۶۸ - ۲۷۴ و نیز نک: تفسیر المنار، ج ۹، ص ۳۲۰ - ۳۲۴.
  - ۵- (۵). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۰



دانشکده «الشریعه» الازهر صورت گرفت؛ ولی با مخالفت شدید «جمعیت المحامین الشرعیین» روبرو شد و مخالفان و موافقان، مقالات متعددی نوشتند و دلایل زیادی اقامه کردند. (۱) بنابراین در مقدمه، ترجمه صورت گرفته در «الازهر» اعلام شد که «قرآن غیر قابل ترجمه است»، از این رو، آن ترجمه مزبور را «معنا و مفاد قرآن» نامیدند که امروزه آن را با عنوان «ترجمه معنوی پیکتال، زیر نظر علمای الازهر» می شناسیم. (۲) مهمترین دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، عبارتند از:

۱. زبان عربی، شعار اسلام و مسلمانان است؛ (۳) ۲. در آیات متعدد قرآن، بر عربی بودن آن تاکید شده است (۴) و ذکر عربی بودن قرآن لغو نیست؛ بلکه به این خاطر است که به ما بفهماند که از عربی بودن قرآن محافظت شود (۵) و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده است که: «تعلّموا القرآن بعربیه: قرآن را به عربی بیاموزید»؛ (۶) و در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «تعلّموا العربیه، فانها کلام الله الذی کلم به خلقه و نطق به للماضین.» (۷) بنابراین، مسئله تعلیم عربی برای قرائت و فهم قرآن مورد تشویق و تاکید قرار گرفته است؛ بلکه خدا نخواست است که قرآن به عجمی نازل شود، همانطور که در آیات قرآن اشاره شده است؛ (۸) پس کس دیگری هم حق ندارد آن را به عجمی ترجمه کند؛

ص: ۱۴۲

- 
- ۱- (۱). نک: حدث الاحداث فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن، شیخ محمد سلیمان، ۱۳۵۵ ق و الادله العلمیه فی جواز ترجمه معانی القرآن الی اللغات الاجنبیه، محمد فرید الوجدی، مصر ۱۹۳۶ م.
- ۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۶
- ۳- (۳). حداث الاحداث، محمد سلیمان، ص ۳۰
- ۴- (۴). نک: یوسف، ۲، شعراء، ۱۹۵، زمر، ۲۸، زخرف، ۳ و...
- ۵- (۵). الفرقان، ابن الخطیب محمد عبداللطیف، ص ۱۷۵
- ۶- (۶). وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۰، باب ۳۰ از ابواب قرائه القرآن، ح ۱.
- ۷- (۷). همان، ح ۲
- ۸- (۸). فصلت، ۴۴

۳. قرآن کریم، اسمی است شامل نظم و معنا، و اگر ترجمه شود، نظم آن از بین می رود و این تعریف بر آن صادق نباشد؛ (۱)۴. ترجمه قرآن، برای دین، زبان و میهن اسلامی زیانبخش است؛ (۲)۵. ترجمه حرفی قرآن (تحت اللفظی) که مطابق اصل باشد، امکان پذیر نیست و حتی ترجمه معنوی که عبارت است از فهم مترجم از قرآن یا تفاسیر، قرآن نیست؛ (۳)۶. ترجمه قرآن، تفسیر قرآن نیست، از این رو نمی توان گفت که همانند تفسیر جایز است؛ ذهبی، ترجمه قرآن را به دو قسم «ترجمه حرفی» (تحت اللفظی) و «ترجمه معنوی» (تفسیری) تقسیم می کند و «ترجمه تفسیری» را نوعی از تفسیر می داند که جایز است؛ اما «ترجمه حرفی» را در مورد قرآن جایز نمی داند و در این مورد می نویسد:

ترجمه تحت اللفظی یا حرفی، بر فرض جواز آن، از قبیل تفسیر قرآن به غیر عربی نیست؛ زیرا ترجمه حرفی یا تحت اللفظی، عبارت است از هیکل ناقص و ناتمامی برای قرآن، و این نوع ترجمه، چیزی بر آن مترتب نیست، جز تبدیل لفظی به لفظ دیگر که برای ادای پاره ای از معانی به جای آن می نشیند در این ترجمه ها چیزی از کشف و بیان و یا شرح دلالات و یا بیان مجمل و تفسیر مطلق و استنباط احکام و توجیه معانی و سایر امور که تفسیر متعارف مشتمل بر آن هاست، وجود ندارد. (۴) زرقانی که صریحاً سخن از حرمت ترجمه قرآن می گوید، (۵) چهار فرق بین ترجمه و

ص: ۱۴۳

- 
- ۱- (۱). المنار، النسفی با شرح ابن مالک، ص ۹ به نقل از فلسفه قانون گذاری در اسلام، صبحی المحمصانی، ص ۳۰ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۲.
  - ۲- (۲). فلسفه قانون گذاری در اسلام، ص ۱۳۰ (که فتوای المحامین الشرعین را نقل می کند).
  - ۳- (۳). تفسیر المنار، ج ۹، ص ۳۳۱ - ۳۳۴
  - ۴- (۴). التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۸
  - ۵- (۵). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۷ - ۵۶

تفسیر بیان می کند که عبارتند از:

نخست: سبک ترجمه، سبکی است مستغنی از متن اصلی، بلکه جایگزین آن، برخلاف تفسیر؛

دوم: استطراد در ترجمه جایز نیست؛ اما در تفسیر، بسیار متداول است؛

سوم: ترجمه، عرفاً مدعی وفاداری به تمام معانی و مقاصد اصل است و تفسیر کارش توضیح پاره ای از مفاهیم است؛

چهارم: ترجمه از نظر عرف، متضمن ادعای اطمینان به خوانندگان است که تمام معانی و مقاصد برگردان شده، مدلول اصل و مراد صاحب کتاب است؛ اما تفسیر این چنین نیست؛ چون گاهی به خاطر ضعف دلیل، اظهار عدم اطمینان می کند. (۱) البته برخی دلایل دیگر نیز، برای ممنوعیت شرعی ترجمه در کتاب ها نوشته شده است (مثل اعجاز، محتوا، جامعیت نفوذ و جاذبه، نور و روح بودن قرآن)، (۲) که این دلایل، ناظر به عدم امکان ترجمه قرآن است و ما آن ها را در مبانی وجودی ترجمه مورد بررسی قرار دادیم.

برخی دیگر از دلایلی که برای عدم جواز شرعی ترجمه قرآن آورده شده است، ناظر به عدم جواز ترجمه سوره حمد در نماز و خواندن نماز به فارسی است (۳) که یک بحث فقهی صرف بوده و از حوصله این نوشتار خارج است.

#### نقد و بررسی

ص: ۱۴۴

۱- (۱). همان، ص ۵۵ - ۵۶

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۶۹ - ۸۶

۳- (۳). همان، ص ۹۷ - ۱۲۷

اگر در سیر تاریخی و دلایل مخالفان ترجمه قرآن دقت کنیم، بخوبی در می یابیم که بین سه موضوع خلط شده است:

نخست: جواز شرعی ترجمه قرآن، با امکان ترجمه قرآن؛

دوم: جواز شرعی ترجمه قرآن در غیر نماز با جواز شرعی خواندن ترجمه قرآن در نماز؛

سوم: اصل جواز ترجمه قرآن با عدم جواز نوع خاص ترجمه (مثل ترجمه تحت اللفظی).

البته ما تلاش کردیم که دو مورد از موارد فوق را در بخش مربوط به دلایل از همدیگر جدا سازیم؛ اما با دقت بیشتر در دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، می توان گفت که:

نخست: اینکه زبان عربی، زبان اسلام، قرآن و مسلمانان است مطلب صحیحی است که باید مورد توجه قرار گیرد و توطئه های استعمارگران در این مورد خنثی شود و همه مسلمانان در گسترش زبان عربی بکوشند؛ اما این موضوع مانع ترجمه قرآن نمی شود، چون سوء استفاده برخی افراد از یک شیوه صحیح، موجب ممنوعیت و محکومیت آن شیوه نمی شود؛ بلکه باید جلوی سوء استفاده را گرفت؛ آری اگر کسی بخواهد زبان عربی را بیاموزد، یکی از بهترین راه های آن، آموزش زبان عربی به وسیله کلمات قرآن است که لازمه آن، ترجمه این کتاب بزرگ است.

علاوه بر اینکه اگر موانعی برای آموزش زبان عربی بود، نباید ملت ها از هدایت قرآن محروم شوند و همانطور که بیان شد: برخی علمای اسلام، ترجمه قرآن را برای کسانی که توانایی ترجمه دارند واجب می دانند.

بنابراین، اگر نکات فوق را در نظر بگیریم، ترجمه قرآن برای دین، زبان عربی و میهن اسلامی زیانبخش نخواهد بود.

دوم: مترجمان قرآن بدنبال «ترجمه نسبی» آن هستند، نه «ترجمه مطلق» و نهایی، به عبارت دیگر: هیچ مترجمی مدعی نیست که ترجمه او، قرآن تازه ای به زبان

دیگری است و می توان نام «قرآن» بر آن نهاد.

سوم: ترجمه قرآن به معنای نفی عربی بودن قرآن نیست و با آیات و روایاتی که بر عربی بودن قرآن تاکید دارند منافات ندارد؛ چون این ها دلالت بر ممنوعیت ترجمه ندارند، آری، قرآن عربی است، اما ترویج آن به زبان های دیگر لازم است و آیه ای که به عجمی نبودن قرآن اشاره دارد در مقابل مخالفان لجوج است که اگر قرآن به زبانی غیر عربی هم نازل می شد لجاجت می کردند؛ بنابراین؛ این دلالتی بر ممنوعیت ترجمه قرآن ندارد.

چهارم: ترجمه قرآن به سه روش «کلمه به کلمه» (حرفی)، «جمله به جمله» (هسته به هسته) «آزاد» (تفسیری) صورت می گیرد و هر کدام موفقیت های نسبی در پیام رسانی دارند، همانطور که هر کدام کاربردهای خاص خود را دارد؛ (۱) البته هیچکدام از این روشها، قرآن جدیدی به زبان دوم پدید نمی آورند و هیچ مترجمی نیز، مدعی این مطلب نیست؛ در ضمن، هر مترجمی ممکن است یکی از این روش ها را با توجه به مخاطب و هدف خود انتخاب کند و یا به برخی از روش ها انتقاد داشته باشد و یا یک روش خاص را صحیح نداند؛ ولی این مطلب موجب ممنوعیت و محکومیت اصل ترجمه نمی شود.

پنجم: همانطور که گذشت، ترجمه قرآن با تفسیر قرآن تفاوت هایی دارد، از جمله اینکه ترجمه، مختصرتر و مشکل تر از تفسیر است و تفسیر می تواند به زبان عربی و غیر عربی باشد؛ اما ترجمه معمولاً به زبان های غیر عربی است؛ اما این تفاوت ها نمی تواند موجب اختلاف در حکم آن ها باشد، بلکه به هر حال، ترجمه، خلاصه تفسیر است و هر دو در صدد پیام رسانی هستند (البته با تفاوتی که در درجه پیام رسانی دارند) و همانطور که تفسیر جایز است ترجمه نیز جایز است.

ص: ۱۴۶

---

۱- (۱). این مطلب در مبحث روش ها و سبک های ترجمه قرآن توضیح داده می شود.

با توجه به آنچه گذشت کلام دکتر ذهبی، نیز قابل پاسخ است، چرا که حاصل سخن دکتر ذهبی، ردّ یک روش خاص در ترجمه (روش تحت اللفظی) است و این موجب ابطال و ردّ همه روش های ترجمه (مثل روش ترجمه تفسیری و روش جمله به جمله) نمی شود؛ هر چند که اشکال ایشان به روش «تحت اللفظی» نیز، به وسیله اضافه کردن مطالب در پرانترها قابل رفع است و اتفاقاً روش تحت اللفظی ترجمه از بهترین شیوه ها برای آموزش ترجمه قرآن به غیر عربهاست.

اما اصل کلام زرقانی در مورد تفاوت داشتن ترجمه و تفسیر صحیح است (همانطور که گذشت) ولی ما، در مبحث مبانی وجودی و امکان ترجمه، بیان کردیم که «ترجمه جایگزین» محال است؛ اما ترجمه های قرآن، هیچکدام ادعای جایگزینی و آوردن قرآن جدید و مستغنی کردن مردم از قرآن حاضر را ندارند و اینگونه توهّمات در اثر برخوردهای سیاسی استعمارگران در قرن بیستم با ترجمه قرآن به وجود آمد.

در مورد استطراد در ترجمه نیز، می توان با اضافه کردن پاره ای از مطالب در پرانتز موارد لازم را اضافه کرد یا نکات تفسیری را به صورت کوتاه در پاورقی بیان نمود؛ همانطور که بسیاری از مترجمان این کار را انجام می دهند؛ اما در مورد ادعای اطمینان ترجمه های قرآن، روشن است که هیچ ترجمه ای، نه ترجمه قرآن، نه غیر قرآن، نمی تواند مدعی شود که تمام مطالب متن اصلی را منعکس کرده و به خواننده اطمینان دهد، بلکه ترجمه، امری نسبی است که مثل تفسیر، می تواند بخشی از پیام را منعکس سازد.

### **جمع بندی و نتیجه گیری**

با توجه به مطالبی که گذشت، دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، کافی نبود و دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه نیز، در برخی از موارد، قابل مناقشه است؛ اما در

مجموع، اطمینان حاصل می شود که منع شرعی برای ترجمه قرآن وجود ندارد، بلکه با توجه به جهانشمول بودن قرآن و مقدمه بودن ترجمه برای هدایت غیر عرب ها و سیره مسلمانان، ترجمه قرآن جایز است؛ بلکه در بعضی موارد ضروری، برای برخی از افراد، واجب کفایی می شود.

## ۲. مبانی فقهی مذاهب اسلامی و تأثیر آن ها در ترجمه آیات الاحکام

### اشاره

در قرآن کریم، بیش از پانصد آیه وجود دارد که به وسیله آن ها احکام و قوانین فقهی بیان شده، و در طول تاریخ اسلام، علمای اسلام در مورد آن ها کتاب های فراوانی نگاشته (۱) و دیدگاه های مختلفی ارائه کرده اند که تفاوت این دیدگاه ها و مبانی آن ها «مذاهب فقهی اسلامی» را بوجود آورد؛ مشهورترین این مذاهب، عبارتند از:

الف) مذهب شیعه که به طور عمده، پیرو آرای فقهی اهل البیت علیهم السلام به ویژه امام صادق علیه السلام و فق های پیرو آنان هستند؛

ب) مذهب حنفی که پیرو آرای فقهی ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۵۰ - ۱۵۳ ق.) هستند؛

ج) مذهب حنبلی که پیرو آرای فقهی احمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ ق.) هستند؛

د) مذهب مالکی که پیرو آرای فقهی مالک بن انس (۹۰ - ۱۷۹ ق.) هستند؛

ه) مذهب شافعی که پیرو آرای فقهی محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ ق.) هستند.

گاهی مترجم قرآن می تواند به گونه ای کار ترجمه را جهت دهی و آیات الاحکام

ص: ۱۴۸

---

۱- (۱). مثلاً از شیعه: احکام القرآن (فقه القرآن) راوندی (م ۵۷۳ ق.) زبده البیان فی احکام القرآن، مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق.) از شافعیه: احکام القرآن، الکیاهراسی (م ۵۰۴). از مالکیه: احکام القرآن ابوبکر بن العربی (م ۵۴۳ ق.) و از حنفی ها: جصاص (م ۳۷۰ ق.) از حنبلیه: تفسیر آیات الاحکام، ابن قیم الجوزی (م ۷۵۱ ق.).

را ترجمه کند که با مبانی فقهی پنج گانه معارض نباشد؛ اما گاهی مترجم قرآن، هنگامی که به ترجمه آیات الاحکام می رسد، ناچار است بر اساس مبنای فقهی یکی از مذاهب، ترجمه خود را سامان دهد که در این گونه از موارد ناچار است تلاش نماید تا بر اساس اجتهاد فقهی و استنباط تفسیری خویش، نظر حق را پیدا کرده و براساس آن قرآن را ترجمه نماید.

مثال: [ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ... ]؛ [\(۱\)](#)

دهلوی: «ای مسلمانان! چون برخیزید به سوی نماز پس بشوید روی خود را و دست های خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوید پاهای خود را تا شتا لنگک...»؛

مکارم: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دست ها را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید...».

بررسی: وقتی این دو ترجمه را با یکدیگر مقایسه می کنیم، می بینیم که هر کدام از دو مترجم، بر اساس مذهب فقهی خویش، جمله [ ... وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ... ] را ترجمه کرده اند؛ چرا که در بین گروهی از اهل سنت، شستن پاها در وضو لازم است؛ از این رو «محدث دهلوی» آن را به «و بشوید پاهای خود را تا شتا لنگک» معنا کرد و عطف به جمله [ ... وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ ... ] گرفت تا با مذهب خود موافق باشد.

اما آیة الله «مکارم شیرازی» آن جمله را به «مسح کنید» معنا کرد و عطف بر [ ... وَامْسُوا بِرُءُوسِكُمْ ... ] گرفت که البته، ظاهر آیه شریفه نیز، همین معنای دوم است؛ چرا که جمله عاطف و معطوف در کنار هم هستند و [ ارجل ] عطف بر محل [ رؤس ] شده، از این رو منصوب گشته و اگر آن را عطف بر [ ایدیکم ] بگیریم، بین جمله عاطف

ص: ۱۴۹



و معطوف، یک جمله فاصله می افتد. (۱) مثال دیگر: [ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ ... ]؛ (۲)

ترجمه جمعی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تنها مشرکان پلیدند...»؛ (۳) مکارم: «ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند...»؛

فیض الاسلام: «ای کسانی که (به خدا و رسول) ایمان آورده و گرویده اید! جز این نیست که مشرکین (آنان که مسلمان نیستند، یعنی: کفار و ناگرویدگان به خدا و رسول) نجس (العین) و پلیدند، (مانند خوک و سگ یعنی: شخص ایشان نجس است؛ چنانکه ظاهر آیه و بسیاری از روایات بر آن دلالت دارد، بنابراین، اگر مسلمانی با دست تر با کافری مصافحه نموده و دست در دست یکدیگر نهند واجب است که دست خود را بشوید و پاک گرداند و یا مانند شخص جنب و کسی که منی از او خارج شده و ناپاک گشته، نجس الحکم و ناپاکند؛ چنانکه ظاهر دسته ای از روایات بر آن دلالت دارد).

بررسی: واژه «نَجَس» در لغت به دو معنا به کار می رود؛ اول: «نجاست حیّی» (مثل نجاست خون و سگ) و دوم: «نجاست معنوی» که همان پلیدی است که با بصیرت فهم می شود و در آیه شریفه، معنای دوم مراد است. (۴) به عبارت دیگر: «نَجَس» و «نَجَس» متفاوت است و در این آیه واژه نَجَس به کار رفته است که مصدر است و دلالت بر مبالغه می کند، مثل «زید عدل»، یعنی: «زید ذو عدل» و مقصود معنای لغوی نجاست است نه معنای نجاست شرعی. (۵)

ص: ۱۵۰

- 
- ۱- (۱). برای اطلاع بیشتر از مباحث تفسیری و فقهی آیه، به کتب تفسیر و نیز فقه القرآن، محمد فاکر میبدی مراجعه کنید.
  - ۲- (۲). توبه، ۲۸
  - ۳- (۳). نخستین ترجمه جمعی قرآن کریم، محمد علی رضایی اصفهانی با همکاری گروهی از قرآن پژوهان، دار الذکر، ۱۳۸۳ ش.
  - ۴- (۴). المفردات، الراغب الاصفهانی، ماده نجس
  - ۵- (۵). مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۱، ص ۷ - ۳۶۸

فقیهان، براساس دلایلی که از سنت به دست آنان رسیده است، (۱) در مورد «نجاست کافر» اختلاف نظر دارند؛ برخی، آن‌ها را «نجس العین» می‌دانند؛ ولی برخی، آنان را نجس العین نمی‌دانند؛ بلکه نجاست آنان را همان پلیدی اعتقادی و... می‌دانند. (۲) مرحوم فیض الاسلام، آیه فوق را بر اساس دیدگاه اول، ترجمه کرده و شرحی مفصل ارائه کرده است (چرا که ترجمه فیض الاسلام، ترجمه تفسیری است)؛ ولی برخی دیگر از مترجمان، این واژه را به معنای «پلیدی» ترجمه کرده‌اند؛ چرا که نجاست کافر را قبول نداشته یا دلالت آیه را بر مطلب نپذیرفته‌اند. (۳)

## احکام فقهی ترجمه قرآن

احکام فقهی ترجمه قرآن، دارای دو بُعد است:

الف) مسئله جواز و عدم جواز خواندن ترجمه قرآن در نماز، به جای قرائت سوره‌های قرآن: این مسئله از دیرباز مورد توجه و اختلاف فق‌های اهل سنت بوده است؛ از ابوحنیفه (۸۰ - ۱۵۰ ق.) نقل شده: اگر کسی در نماز، قرآن را به فارسی قرائت کند جایز است، ولی مکروه است؛ و در این رابطه به روایت ترجمه سوره حمد توسط «سلمان فارسی» استدلال کرده است؛ (۴) ولی دو شاگرد ابوحنیفه، یعنی: محمد شیبانی و ابویوسف، فتوا دادند که اگر کسی می‌تواند قرآن را به عربی صحیح بخواند، جایز نیست در نماز، قرآن را به فارسی بخواند؛ اما اگر نمی‌تواند به عربی صحیح بخواند، جایز است؛ (۵) البته مرغینانی (م ۵۹۳ ق.) حکایت کرده که ابوحنیفه از نظر خود برگشته

ص: ۱۵۱

- 
- ۱- (۱). نک: وسائل الشیعه، شیخ الحرّ العاملی، ابواب نجاسات، باب ۱۴ و ۷۳ و ۷۴ و ۵۴
  - ۲- (۲). نک: کتب فقهی از جمله مستمسک العروه الوثقی، سید محسن الحکیم، ج ۱، ص ۳۶۷، ص ۳۸۴.
  - ۳- (۳). برای اطلاعات بیشتر در زمینه تأثیر فقه در ترجمه‌ها نک: یادگار نامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس، مقاله تأثیر فقه در ترجمه متون مقدس، محمد علی سلطانی.
  - ۴- (۴). السرخسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۷
  - ۵- (۵). همان

و نظر اخیرش با نظر دو شاگردش موافق بوده است؛ (۱) البته «آلوسی» (۲)، «زرکشی» (۳) و «سیوطی» (۴) نیز رجوع ابوحنیفه از فتوای خود را تأیید کرده اند.

اما به بقیه فق های اهل سنت، نسبت داده اند که اگر کسی سوره فاتحه را در نماز نخواند، نمازش باطل است (۵) و در این مورد به روایت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استدلال کرده اند که حکایت شده: «در نمازی که در آن امّ الکتاب قرائت نشود، آن نماز ناقص و نارساست». (۶) در فق های شیعه ادعای اتفاق شده است که: «خواندن ترجمه قرآن در نماز جایز نیست» (۷) و در این رابطه به دلایل قرآنی و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اجماع و دلیل عقل استدلال نموده اند (۸) و این مطلب، مورد تأیید علمای بزرگ شیعه، همچون: شیخ طوسی (۹) (م ۴۱۳ ق.)، محقق حلّی (۱۰) (م ۶۷۶ ق.)، علامه حلّی (۱۱) (قرن هفتم)، محقق کرکی (۱۲) (م ۹۴۰ ق.) و محمدحسن نجفی «صاحب جواهر» (۱۳) (م ۱۲۶۶ ق.) و سیدمحمد کاظم یزدی (قرن سیزدهم) در «عروهاالوثقی» است؛ در کتاب اخیر که با حواشی علمای

ص: ۱۵۲

- 
- ۱- (۱). برهان الدین، ابی الحسن علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الرشد ابن مرغینانی، الهدایه، شرح بدایهالمبتدی، ج ۱، ص ۴۷.
  - ۲- (۲). روح المعانی، ج ۱۹، ص ۱۲۶
  - ۳- (۳). البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۸۷ - ۲۸۸
  - ۴- (۴). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵۳
  - ۵- (۵). المحلّی، ج ۴، ص ۳ و موسوعه فقه علی بن ابی طالب، دکتر محمد رواس قلعه جی، ص ۳۷۸
  - ۶- (۶). مسند زید، ج ۱، ص ۲۵؛ المجموع، ج ۳، ص ۳۱۹
  - ۷- (۷). معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، ص ۱۸۷؛ و محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۲۹۹ - ۳۱۵
  - ۸- (۸). نک: جواهر الکلام، همان، و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۰۲
  - ۹- (۹). الخلاف، ج ۱، ص ۱۰۸ - ۱۰۹
  - ۱۰- (۱۰). المختصر النافع فی الفقه الامامیه، ص ۳۰
  - ۱۱- (۱۱). المحقق الکرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۴۴ و تبصره المتعلمین، ص ۱۸
  - ۱۲- (۱۲). جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۲، ص ۲۴۶
  - ۱۳- (۱۳). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۲۹۹ - ۳۱۵

متأخر و معاصر شیعه از جمله امام خمینی رحمه الله نشر یافته، تأکید شده است که ترجمه قرائت حمد و سوره در نماز جایز نیست، بلکه واجب است که نمازگزار آن‌ها را فراگیرد و در صورت تنگی وقت نماز، به تعداد آیات سوره فاتحه، از سایر سوره‌های قرآن بخواند و اگر آن‌ها را نیز نمی‌داند به همان مقدار تسیح، تکبیر و ذکر بگوید. (۱) ب) جواز لمس ترجمه قرآن برای کسی که طهارت (وضو یا غسل) ندارد:

در این مورد فقها تصریح می‌کنند که «ترجمه قرآن، خود قرآن به شمار نمی‌آید، چون قرآن مشتمل بر الفاظ مخصوص است، از این رو اگر چه لمس خط قرآن برای کسی که وضو ندارد جایز نیست، اما لمس ترجمه آن برای او جایز است. (۲) و نیز برخی مفسران و فق‌های صاحب نظر شیعه می‌نویسند: «از نظر فقها - مخصوصاً فق‌های امامیه - هیچ یک از احکام شرعی قرآن بر ترجمه آن جاری نیست.

البته، ترجمه قرآن از جهت انتساب آن به قرآن، مانند سایر تفاسیر محترم خواهد بود؛ ولی نه به مثابه خود قرآن». (۳)

## سوم: مبانی قرائی ترجمه قرآن

### اشاره

مبحث قرائت قرآن گسترده است، ولی آنچه که یک مترجم قرآن لازم است بداند و در مورد آن مبنایی انتخاب کند، در چند پرسش و پاسخ خلاصه می‌شود:

۱. آیا قرائت‌های قرآن، غیر از قرآن است یا همان قرآن محسوب می‌شود؟

۲. آیا قرائت‌های قرآن، معتبر است؟

۳. ترجمه قرآن بر اساس کدامیک از قرائت‌های هفتگانه، دهگانه یا چهار دهگانه

ص: ۱۵۳

---

۱- (۱). العروه الوثقی مع تعلیقات الاظهر مراجع العصر و زعماء الشیعه الامامیه، ص ۲۲۲

۲- (۲). الیزدی، سیدمحمد کاظم، العروه الوثقی، فصل غایات، وضوء، مسئله ۱۷ و نیز الطباطبائی الحکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۸۵

۳- (۳). معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، ص ۱۸۶

باید انجام شود؟ (۱) پاسخ پرسش نخست: در مورد قرآن سه موضوع تصور می شود:

الف) مکتوب و نوشته قرآن که به صورت کتاب در اختیار ماست؛

ب) آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل دریافت کرده و به طور شفاهی برای یاران خود بازگو نموده و به صورت متواتر به ما رسیده است؛ یعنی: حافظان قرآن و مسلمانان در طول اعصار، آن نسل به نسل حکایت کرده اند؛

ج) قرائت های مختلف قرآن که در طول اعصار بر اساس اختلاف قاریان (به خاطر نقل یا اجتهادات شخصی یا اختلاف لهجه یا (۲)...) بوجود آمده است.

در حقیقت، آنچه که قرآن است، همان قسمت «ب» (قرآن شفاهی) است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بازگو کرده و به صورت متواتر به ما رسیده است؛ اما نوشته های قرآن، حاکی از خود آیات قرآن است و قرائت ها نیز غیر از قرآن است، که لازم است اعتبار آن ها به صورت تک تک مورد بررسی قرار گیرد.

## پاسخ پرسش دوم

قرائت های هفتگانه تا چهاردهگانه، همگی اخبار «آحاد» هستند و نمی توانند قرآن حقیقی را ثابت کنند؛ (۳) قرآن به وسیله «تواتر» اثبات می شود که یقین آور است؛ پس اگر قرائت «حفص از عاصم» مشهور شده و در مجالس و تفاسیر مبنا قرار گرفته است، نه

ص: ۱۵۴

۱- (۱). قاریان قرائت های هفتگانه مشهور عبارتند از: نافع بن ابی نعیم، عبدالله بن کثیر، عاصم، حمزه بن حبیب زبیری، کسائی، ابو عمرو بن علاء بصری، عبدالله بن عامر دمشقی و در مورد قراء عشره سه نفر اضافه می شوند: خلف، یعقوب بن اسحاق، ابوجعفر یزید بن قعقاع و در مورد قراء اربعه عشر چهار نفر اضافه می شوند: حسن بصری، ابن محیصن، یحیی بن مبارک، شنبوذی، (نک: پژوهشی در تاریخ قرآن، دکتر سیدمحمدباقر حجتی، ص ۲۲۷ به بعد و نیز کتاب هایی که در مورد قرائت نوشته شده است).

۲- (۲). نک: پژوهشی در تاریخ قرآن، دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۲۲۷ - ۳۰۷.

۳- (۳). نک: البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الخوئی، ص ۱۴۹

به خاطر اعتبار ذاتی این قرائت است، بلکه به خاطر آن است که این قرائت در غالب موارد با قرائت متواتر مسلمانان همخوان بوده است.

### پاسخ پرسش سوم

براساس آنچه بیان شد، روشن می شود که مبنای ترجمه قرآن، همان قرائت متواتر مسلمانان است (همانطور که در تفسیر اینگونه است) و قرائت های دیگر، معتبر نیستند و نمی توانند مبنا قرار گیرند؛ مگر قرائت «حفص از عاصم» که به خاطر تطابق آن با قرائت متواتر مسلمانان مبنا قرار گرفته است.

علمای «الازهر» مصر نیز، پس از سال ها مناقشه در مورد ترجمه قرآن، ترجمه تفسیری را پذیرفتند و دستورالعملی در این مورد تدوین کردند که در یکی از بندهای آن به مسئله قرائت قرآن اشاره شده و آمده است: «قرآن را به قرائت حفص تفسیر کنند و متعرض سایر قرائت ها نباشند، مگر به هنگام نیاز». (۱) البته در مورد قرائات قرآن، کتاب های زیادی نوشته شده، یا به بحث در مورد آن ها پرداخته اند که بررسی این موضوع، نیازمند مجال گسترده است که از حوصله این نوشتار خارج می باشد؛ (۲) ولی لازم است مترجم و مفسر قرآن بر اساس مطالعات خود در دانش قرائات قرآن، مبنایی را انتخاب و در ترجمه و تفسیر، براساس آن حرکت کند.

مثال: در آیه [ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ]، (۳) واژه «مالک» به صورت های مختلف: «مالک» و «ملک» و... قرائت شده است، از این رو، برخی مترجمان، آن را «خداوند» و «صاحب اختیار» ترجمه کرده اند (۴) که معنای «مالک» است؛ اما الاهی قمشه ای آن را اینگونه

ص: ۱۵۵

- 
- ۱- (۱). مجله الازهر، ش / ۷۰، ص ۹ - ۶۴۸ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۷ - ۶۵
  - ۲- (۲). نک: آیةالله الخوئی، همان؛ التمهید، محمد هادی معرفه و پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکترسید محمد باقر حجتی، تاریخ قرائات، دکتر هادی فضلی و... .
  - ۳- (۳). فاتحه، ۴.
  - ۴- (۴). نک: ترجمه قرآن محدث دهلوی (خداوند) و سراج (صاحب اختیار)

ترجمه کرده است: «پادشاه روز جزاست» که می تواند به قرائت «مَلِک» اشاره داشته باشد.

## چهارم: مبانی ادبی ترجمه قرآن

### اشاره

مبانی ادبی ترجمه، شامل دو بخش «مبانی ادبی در زبان مبدأ» و «مبانی ادبی در زبان مقصد» می شود:

### الف) مبانی ادبی در زبان مبدأ (ادبیات عرب)

### اشاره

مقصود از ادبیات در اینجا معنای اعم آن است که شامل «صرف»، «نحو»، «واژه شناسی»، «بلاغت»، «فصاحت» و... می شود؛ در این مورد توجه به چند نکته زیربنایی و اساسی لازم است:

### ۱. قرآن، اصل است و ادبیات تابع آن

قرآن کریم، کهن ترین و معتبرترین متن ادبی قانونمند عرب است، از این رو، مبانی ادبیات عرب به شمار می آید؛ یعنی: معیار خطا و صحت استعمالات مردم و قواعد ادبی است.

به عبارت دیگر: قرآن بر اساس قواعد ادبیات عرب، سنجش نمی شود؛ چرا که علوم ادبی عرب و قواعد آن، بعد از قرآن پایه گذاری شده اند. و قواعد ادبی، تابع استعمال هستند؛ بلکه هرگاه قاعده ای ادبی با قرآن ناسازگار بود آن قاعده استثنا می خورد؛ بنابراین، هیچگاه نمی توان به قرآن نسبت داد که دارای لغزش ادبی است.

### ۲. انتخاب دیدگاه مشهور ادیبان در ادبیات

در مواردی که ادیبان عرب در مورد ساختار جملات، اختلاف نظر دارند، بر اساس دیدگاه مشهور و سازگار با سیاق عمل می شود، و همین گونه در مورد معانی واژه ها عمل می شود؛ یعنی: براساس دیدگاه های نادر و غیر مشهور در معانی لغوی عمل

نمی شود و مبنای ترجمه و تفسیر قرآن قرار نمی گیرد؛ همانطور که شیخ طوسی قدس سره در مورد تفسیر قرآن بدین مطلب تصریح کرده است. (۱) مثال: [فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّ إِثْمًا فَآخِرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولَٰئِينَ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ]؛ (۲)

علامه طباطبائی رحمه الله در مورد این آیه می نویسند: مفسران در ترکیب این آیه وجوه زیادی ذکر کرده اند که اگر برخی در همدیگر ضرب شوند به دوست صورت می رسند؛ از زجاج نقل شده که این آیه، مشکل ترین آیه قرآن از جهت ترکیب است؛ ولی علامه با توجه به ظاهر سیاق آیه ترکیب آیه، را انتخاب می کند و به احتمالات مفسران و ادیبان توجه نمی کند، چرا که ذکر احتمالات زیاد جز ابهام و حیرت نمی افزاید. (۳)

### ۳. استفاده از کتب قدیمی و اصیل لغت

استفاده از کتب قدیمی لغت یکی از اصول و مبانی ادبی در ترجمه قرآن به شمار می رود؛ چرا که هر چه کتاب لغت، به صدر اسلام نزدیک تر باشد، به فضای نزول آیات و کاربرد لغات در عرف نزدیک تر است و در نتیجه، ریشه لغت، روشن تر می شود و واقع نمایی بیشتری داشته و بهتر می تواند معنای واژگان را در ذهن ما واضح سازد؛ از جمله این کتابها: «مفردات» اثر راغب اصفهانی، «مقایس اللغة»، نوشته ابن فارس، «العین» اثر خلیل بن احمد، «مجمع البیان» و... است.

دکتر بی آزار شیرازی نیز بر ریشه یابی واژه ها تاکید می ورزد و می نویسد:

توجه به علم اشتقاق و بیان ریشه کلمات و دریافت صحیح معانی مفردات قرآن برای ترجمه لازم و ضروری است؛ زیرا بسیاری از لغات به مرور زمان و در نقاط

ص: ۱۵۷

۱- (۱). التبیان، الشیخ الطوسی، ج ۱، ص ۴

۲- (۲). مائده، ۱۰۷

۳- (۳). المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین الطباطبائی، ج ۶، ص ۲۱۲ - ۲۱۳ و برای اطلاع از ترکیب های آیه نک: روح المعانی، آلوسی؛ مجمع البیان، الطبرسی و تفسیر کبیر الفخر الرازی ذیل آیه.



گوناگون، دچار فرسایش و دگرگونی یا محدودیت گشته، یا مفاهیم دیگری را در خود پذیرا شده و یا از مفهوم اصلی خود دور شده اند، مانند کلمه «صدقه» (به معنای انفاق و زکات). (۱) اما برخی از مترجمان، تصریح کرده اند که از کتاب های لغت جدید، معنای واژگان عربی را به دست آورده اند؛ مثلاً: واژه «رحمن» به معنای «بخشاینده» و «رحیم» به معنای «بخشنده» را از «فرهنگ تازی به فارسی»، اثر فروزانفر اخذ کرده اند. (۲) و این مطلب، گاهی، موجب لغزش در ترجمه می شود.

#### ۴. استفاده از وجوه و نظائر در معنای واژه ها

(۳)

برخی از واژگان قرآن، دارای معانی متعددی در آیات قرآن است مثل واژه «فتنه» که گاهی به معنای «آزمایش» (بقره / ۱۰۲)، گاه به معنای «آشوبگری» (بقره / ۳ - ۱۹۱)، گاهی به معنای «فتنه جویی» (آل عمران / ۷) و... می آید، و نیز واژه «أمت» به معنای «آیین» (بقره ۲۱۳/)، «سال» (هود / ۸)، «زمان» (یوسف / ۴۵)، «قوم» (اعراف / ۳۴)، به کار رفته است.

مترجم قرآن در این موارد لازم است که مبنایی را انتخاب کند؛ آیا همه موارد را

ص: ۱۵۸

- 
- ۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۰۰
- ۲- (۲). گفتگوهای قرآنی، گزیده نشست ها و سخنرانی های سرای قرآن و اندیشه، یازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، ص ۲۳۷، از مطالب آقای دکتر سید علی موسوی گرمارودی.
- ۳- (۳). علم وجوه و نظائر از علوم مهم در واژه شناسی تفسیر و علوم قرآن است، «وجوه» به معنای واژه ای است که به چند معنا در قرآن به کار رفته است مثل واژه «أمت یا فتنه»، ولی «نظائر» به معنای الفاظ مساوی است؛ یعنی: وجوه در معانی و نظائر در الفاظ است؛ (نک: الاتقان، السیوطی، ص ۱۸۵ نوع ۸۵ و وجوه قرآن تفلیسی، با مقدمه دکتر مهدی محقق و...); به عبارت دیگر: وجوه در برابر مشترک لفظی (همچون عین) است که در مشترک لفظی همه معانی براساس وضع است؛ اما در «وجوه»، معانی لفظ، براساس کار برد و استعمال است و «نظائر» در برابر «ترادف» است که در «نظائر» چند لفظ در یک معنا به کار رفته است؛ اما در «ترادف» چند لفظ برای یک معنا وضع شده است.

باید یکسان ترجمه نمود؟ یا براساس علم «وجوه» و «نظائر» و کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده اند. (۱) یک واژه را در کاربردهای متعدد، به معانی متفاوتی باید معنا کرد؟ برای مثال: در ترجمه جمعی قرآن، این مطلب مورد توجه قرار گرفته و موارد زیر پیشنهاد و عمل شده است:

۴-۱. واژه های «بوراً» و «بوار» اگر در مورد انسان ها باشد به معنای «هلاکت» ترجمه شده است، (مثل فرقان / ۱۸)؛ و اگر در مورد تجارت باشد به معنای «کساد» ترجمه شده است، (مانند فاطر / ۲۹)؛

۴-۲. واژه «تلاوت» از ریشه «تلی» به معنای «از پی در آمدن» است از این رو به «خواندن و پیروی کردن» ترجمه شده است، (مثل بقره / ۱۲۱)؛ البته، گاهی که «پیروی» مصداق نداشته، به معنای «خواندن» ترجمه شده است، (مانند بقره / ۲۵۲)؛

۴-۳. واژه «جهل» اگر در مقابل علم باشد به معنای «ناآگاه» ترجمه شده است، (مانند بقره / ۲۷۳، الجاهل: (افراد) ناآگاه)؛ و اگر در مقابل عقل باشد به معنای «نادان» ترجمه شده است که بار منفی دارد، (مثل فرقان / ۶۳، الجاهلون: نادانان)؛

۴-۴. واژه «حَرَمنا» اگر حکم شرعی «تحریم» باشد به معنای «حرام» ترجمه شده است، (مثل نساء / ۱۶۰، حَرَمنا: حرام کردیم)؛ و اگر در مورد ممنوعیت تکوینی و یا شخصی باشد، به «ممنوع کردن» ترجمه شده است؛ (مانند آل عمران / ۹۳: جز آنچه را پیش از فرستادن تورات، اسرائیل (یعقوب) بر خویش ممنوع کرده بود)؛

۴-۵. در تعبیر «الحيوه الدنيا»، چون «الدنيا» صفت «الحيوه» است باید به صورت صفت و موصوف معنا شود، از این رو «زندگی پست (دنیا)» ترجمه شده است و در صورتی که حالت مضاف و مضاف الیه داشته باشند (حيوه الدنيا) به معنای «زندگی دنیا»؛ ولی تمام موارد در قرآن، حالت صفت و موصوف دارند، (مانند طه / ۷۲ و...)؛

ص: ۱۵۹

۴-۶. واژه، «الذَّل» اگر دارای بار مثبت باشد به معنای «فروتنی» است، (مثل اسراء / ۲۴، جناح الذل: بال فروتنی)؛ و اگر دارای بار منفی باشد به معنای «خواری» است (مانند اسراء / ۱۱۱، الذل: خواری)؛

۴-۷. واژه «رؤیت» اگر به معنای دیدن با چشم باشد به معنای نظر کردن و دیدن است، مانند نحل / ۴۸ [ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ... ]؛ «آیا نظر نکرده اند»؛ و اگر به معنای دیدن با دل و عقل باشد، به معنای «اطلاع یافتن» است. مانند انعام / ۶: [ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَوْمٍ... ]؛ «آیا اطلاع نیافته اند»؛

۴-۸. واژه «شراء» و «اشترآء» اگر خرید و فروش کالا به کالا باشد به معنای «مبادله» است، (مثل: بقره / ۸۶)؛ ولی اگر کالا در برابر بهای آن باشد به معنای فروش است، مانند نحل / ۹۵: [ وَلَمَّا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا... ]؛ «و پیمان الاهی را به بهای اندکی نفروشید»؛

۴-۹. واژه «الصور» اگر صور اوّل باشد به معنای «شیپور» است، (مثل انعام / ۷۳)؛ و اگر صور دوم باشد به معنای «شیپور (رستاخیز)» است، (مانند ق / ۲۰)؛

۴-۱۰. واژه «الضراء» اگر به همراه «بأساء» باشد، به معنای «زیان (جسمی)» است، (مثل بقره / ۱۷۷)؛ و اگر همراه با «السیراء» باشد، به معنای «سختی (و ناراحتی)» است، (مانند آل عمران / ۱۳۴)؛ چرا که «بأساء» به معنای سختی است و قرینه مقابله در این دو معنا رعایت شده است؛

۴-۱۱. واژه «ظنّ» اگر همراه با «أَنْ يَأْنُ» باشد به معنای «علم» است، (مثل توبه / ۱۱۸: [ ... وَ ظَنُّوا أَن... ]؛ «دانستند» و بقره / ۴۶)؛ و اگر همراه «إِنْ» باشد به معنای «پندار» (مانند اسراء / ۵۲) و به معنای «گمان» می باشد (بقره / ۲۳۰)؛ (۱) ۱۲-۴. واژه «افتراء» به معنای «تهمت زدن» و «دروغ بستن» بر دیگری است؛ ولی

ص: ۱۶۰

در موارد مختلف، ترجمه خاصی لازم است از این رو اگر در مورد «شركاء» باشد، به معنای «نسبت دادن» ترجمه شده است، مثل انعام / ۲۴: [ ... كَانُوا يَفْتَرُونَ ]؛ «همواره (بر خدا شریک) می بستند»؛ و در مورد «معبود» به معنای «به دروغ ساختن» ترجمه شده است؛ مانند اعراف / ۵۳، [ ... مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ]؛ «آنچه را همواره (از معبودها) به دروغ می ساختند»؛ مثال دیگر آل عمران / ۹۴: [ فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ... ]؛ «و کسانی که بعد از این بر خدا دروغ بندند»؛

۴-۱۳. واژه «قتال» اگر همراه «فی سبيله» باشد به معنای «جنگ» است؛ مثل آل عمران / ۱۳: [ ... تَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... ]؛ «در راه خدا جنگ می کرد»؛ و اگر همراه «فی سبيله» نباشد به معنای «پیکار» است؛ مانند بقره / ۲۱۷: [ ... وَلَمَّا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ ... ]؛ «پیوسته با شما پیکار می کنند»؛

۴-۱۴. واژه «انتصار» اگر با «من» متعدی شود، به معنای «انتقم» است، و اگر با «علی» متعدی شود به معنای «استظهر» است و اگر بدون این دو باشد به معنای «غلب» و «فاز» و «امتنع من الظالمین»؛ است. از این رو به چند صورت ترجمه شده است:

مثال: [ ... وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ ... ]؛ [\(۱\)](#) «اگر (بر فرض) خدا می خواست حتماً از آنان انتقام می گرفت»؛

[ وَ لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ ... ]؛ [\(۲\)](#) «هر کس بعد از ستم (دیدگی) اش یاری جوید (تا آن را دفع کند)؛

۴-۱۵. واژه «هلاک» اگر برای مردم باشد به معنای «هلاکت» است، مثل: اعراف / ۱۶۴: [ مهلكهم ]؛ «هلاک کننده ایشان»؛ و اگر برای آبادی ها و شهرها باشد به معنای «نابودی» است؛ (مانند انعام / ۱۳۱: [ ... مَهْلِكَةَ الْقَرْيَةِ ... ]؛ «نابود کننده (مردم) آبادیها»؛

۴-۱۶. واژه «زکات» گاهی به معنای «بخشش های مستحبی» است، (که بیشتر در سوره های مکی اینگونه است) و گاهی به معنای «مالیات خاص اسلامی» است؛

ص: ۱۶۱

۱- (۱). محمد، ۴

۲- (۲). شوری، ۴۱

ازاین رو، به دو صورت ترجمه شد:

مثال: [ ... وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ... ]؛ (۱) «و [مالیات] زکات را بپردازید»؛

مثال: [ وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَعَلُونَ ]؛ (۲) «کسانی که آنان [بخشش] زکات را [پرداخت] کننده اند»؛

۴-۱۷. واژه «غنی» معمولاً به معنای «بی نیاز» ترجمه می شود، که یک معنای منفی است، در حالی که معنای آن مثبت است ازاین رو در این ترجمه به معنای «توانگر» آمد و «غنی عن» به معنای «دفع عن» است که در این ترجمه رعایت شد؛

مثال: [ ... لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَآ أَوْلَادُهُمْ ... ]؛ (۳) «اموالشان و فرزندانشان، هیچ چیزی از [مجازات] خدا را از آنان دفع نخواهد کرد»؛

البته گاهی نیز واژه های قرآن در معنا، شبیه هم هستند؛ ولی تفاوت های تفسیری و ریشه ای دارند که در این موارد نیز لازم است در معنای واژه، انتخاب مبنا صورت گیرد؛ پیرامون این موضوع، در مبحث «ترادف»، سخن خواهیم گفت.

## ۵. انتخاب مبنا در الفاظ مترادف قرآن

انتخاب مبنا در مورد وجود یا عدم الفاظ مترادف در قرآن، تأثیر زیادی در واژه گزینی و یکسان سازی واژگان ترجمه دارد، و پابندی به عدم ترادف، کار ترجمه را مشکل می سازد.

در مورد وجود و عدم الفاظ مترادف در قرآن، دو دیدگاه وجود دارد: برخی برآنند که قرآن کریم، مثل هر کتاب دیگر عربی از الفاظ مترادف استفاده کرده است؛ همانطور که در مورد آدم تعبیر «انسان» و «بشر» شده است؛ اما برخی دیگر معتقدند: در قرآن کریم، الفاظ مترادف وجود ندارد؛ چرا که قرآن حکیم است و حکمت حکیم اقتضا دارد که هر کلامی در جای خاصی به کار رود و در مورد خداوند دو تعبیر مشابه بدون افاده معنای تازه ای، سر نمی زند که همان زیاده گویی و لغوگویی را نتیجه می دهد و

ص: ۱۶۲

۱- (۱). بقره، ۴۳

۲- (۲). مومنون، ۴

۳- (۳). آل عمران، ۱۱۶.

الفاظی که در قرآن کریم مترادف به نظر می‌رسند هر یک حامل خصوصیات ویژه‌ای است که مترادف را از آن‌ها سلب می‌کند؛ با عنایت به این نکته که الفاظ قرآن با خصیصه اعجاز توأم هستند؛ به عبارت دیگر: به جای لغتی که در قرآن کریم، مترادف با لغت دیگر به نظر می‌رسد، محال است لغت دیگری به کار رفته باشد.

در قرآن کریم، واژه‌های «خالق، باری و فاطر» در جایگاه‌های مختلفی آمده که نمی‌توان خصوصیات مفاهیم آن‌ها را با تعبیر کلمه «آفریدگار» به کار برد. (۱) در این مورد، در ترجمه جمعی قرآن توجه شده و موارد زیر پیشنهاد و عمل شده است:

۱-۵. واژه «قد» و «لقد» هر دو برای تأکید است؛ از این رو آن‌ها را به معنای «بیقین» آورده ایم؛ ولی گاهی برای تأکید بر تحقق مطلب است، که در معنای «تحقق بخشید» و با تأکید خفیف «که» متبلور می‌شود:

مثال: [ ... قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ... ]؛ (۲) «که پروردگارم آن را تحقق بخشید»؛

۲-۵. دو واژه «اثم» و «ذنب» را معمولاً به معنای گناه ترجمه می‌کنند؛ ولی ما با توجه به ریشه لغوی آن‌ها به معنی‌های متفاوت ترجمه کرده ایم؛ یعنی «اثم»: گناه و «ذنب»: پیامد (گناه)؛

۳-۵. بین واژه «واحد و احد» تفاوت گذاشته شده، و در مواردی که هر دو صفت خداست واژه «واحد» به معنای «یگانه»، مثل بقره / ۱۶۳ و واژه «أحد» به معنای «یکتا» ترجمه شده است (مثل توحید / ۱)؛

۴-۵. [ اولو القربی ] به معنای «نزدیکان» ترجمه شده است، (مثل نساء / ۸)؛ [ اولو الارحام ] به معنای «خویشاوندان» ترجمه شده است، (مثل انفال / ۷۵) تا بین این دو واژه تفاوت در ترجمه باشد؛

ص: ۱۶۳

---

۱- (۱). اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۴ - ۴۳

۲- (۲). یوسف، ۱۰۰

۵-۵. چهار واژه قریب المعنی «خوف»، «خشی»، «حذر» و «رعب» هر یک به ترتیب به معنای «ترس»، «هراس»، «بیم» و «وحشت» ترجمه شده اند، مثل مائده / ۲۳:

[ یخافون ] ؛ «می ترسیدند» و رعد / ۲۱: [ یخشون ] ؛ «می هراسند» و بقره / ۱۹: [ حذر الموت ] ؛ «از بیم مرگ» و کهف / ۱۸: [ رعباً ] ؛ «وحشت»؛

۵-۶. واژه های «طائفه»، «قوم» و «فریق» هر یک به معنای خاصی می باشند؛

۵-۷. سه واژه «عالمون»، «ذی علم» و «علماء» به ترتیب به معنای: «دانیان»، «دانشمند» و «دانشوران» ترجمه شده اند تا بین ترجمه آن ها تفاوت گذاشته شود، (مثل عنکبوت / ۴۳، یوسف / ۶۸ و فاطر / ۲۸)؛

۵-۸. واژه «کوکب» به معنای «سیاره» است، (مثل انعام / ۷۶)؛

واژه «نجم» به معنای «ستاره» است، (مثل انعام / ۹۷)؛

۵-۹. واژگان «کائه» به معنای «چنانکه گویی» و «کآن» به معنای «گویا» و «کآن» به معنای: «گویی که» ترجمه شده اند، تا تفاوت ترجمه آن ها رعایت شود؛

۵-۱۰. واژه «مکر» در مورد خدا به معنای «ترفند» ترجمه شده است، مثل آل عمران / ۵۴، [ مکرالله ] ؛ «خدا ترفند کرد»؛ و در بقیه موارد به معنای «فریبکاری» است، مانند آل عمران / ۵۴، [ مکروا ] ؛ «فریبکاری کردند»؛

این تفاوت معنا، به خاطر رعایت حرمت الاهی و دوری از بار منفی کلمه «فریب» در فارسی است.

## ۶. توجه به فصاحت و بلاغت قرآن و تلاش برای انتقال آن به زبان مقصد

قرآن کریم در اوج فصاحت و بلاغت است و مطالبش واضح، روشن و رساست؛ نکات فصاحت و بلاغت قرآن در «علم معانی و بیان و بدیع» توضیح داده می شود؛ مترجم قرآن لازم است که به این نکات توجه داشته باشد و تا حد امکان آن ها را در ترجمه خود منعکس سازد؛ چرا که در فهم مخاطب و پیام رسانی ترجمه تأثیر داشته و

زیبایی های قرآن را به تصویر می کشد.

برای مثال: آیه [ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ] (۱) و نیز در آیه: [ ...أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَلُّنَ الْقُلُوبُ ] (۲) و مانند آن ها با قاعده بلاغی «تقدیم ما حقه التأخیر یفید الحصر» معنای جدیدی پیدا می کند؛ یعنی: هنگامی که «ایاک» که مفعول «نعبد» است و به طور طبیعی می باید بعد از فعل آید؛ ولی قبل از فعل آمده موجب انحصار در کلام می شود؛ از این رو، در ترجمه، واژه «فقط» می آوریم و می نویسیم: «فقط تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم».

## ۷. توجه به نقش تضمین در ترجمه قرآن

توجه به «تضمین» و پذیرش یا عدم پذیرش آن در ترجمه قرآن نقش مهمی دارد.

تضمین آن است که فعل یا حرفی، معنای فعل یا حرف دیگری را داشته باشد؛ تضمین در «نحو» و «بلاغت» مطرح است و برخی از مفسران قرآن نیز از آن استفاده کرده (۳) و برخی واژه شناسان در موارد متعددی آن را یادآور شده اند.

برای مثال در مورد آیه [ ...وَ إِذَا خَلَاوْا إِلَىٰ شَٰطِئِنِهِمْ... ]، (۴) در مورد فعل «خلو» که با «الی» آمده است، برخی تضمین در «فعل» کرده اند و آن را به معنای «ذهبو» یا «اصغو» دانسته اند و برخی تضمین در «حرف» کرده اند و «الی» را به معنای «باء» یا «مع» گرفته اند.

زرکشی تاکید می کند که «تضمین فعل در آیه مزبور بهتر است». (۵) و نیز مثال مشهور: «رغب عن»، به معنای «روی گرداندن از چیزی» و «رغب فی» به معنای «میل پیدا کردن به چیزی».

ص: ۱۶۵

۱- (۱). حمد، ۵

۲- (۲). رعد، ۲۸

۳- (۳). نک: الکشاف، الزمخشری، ج ۱، ص ۱۱۵ و بدائع الفوائد، ج ۲، ص ۲۱.

۴- (۴). بقره، ۱۴

۵- (۵). البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، ج ۳، ص ۳۹۰



یکی از مباحثی که در اصول فقه مطرح می شود و تأثیر زیادی در ترجمه و تفسیر آیات قرآن دارد، مبحث «استعمال اللفظ فی اکثر من معنی واحد» است که دانشمندان علم اصول فقه در مورد آن دو دیدگاه دارند:

برخی استعمال لفظ در چند معنا را در یک زمان محال می دانند؛ (۱) و برخی دیگر استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا را به صورت همزمان جایز می دانند؛ چرا که ذهن انسان چنین ظرفیتی دارد. (۲) آیةالله مشکینی نیز در موخره ترجمه خویش به نوعی به این مطلب اشاره کرده و می نویسد:

چون قرآن مجید حَمَلِ ذُو وَجُوهِ است؛ یعنی: بسیاری از کلمات یا جملات و آیاتش تاب تحمّل چند معنا را دارد و ظاهراً آنچه در اخبار آمده که «قرآن دارای چند بطن است» اشاره به همین تعدد و کثرت معانی است؛ از این جهت در ترجمه، گاهی در ترجمه یک کلمه یا یک آیه چند معنا دیده می شود و این همان معانی احتمالی است؛ لکن در صورت متضاد بودن معانی، معنای دوم یا سوم با کلمه «یا» و در صورت متضاد نبودن آن ها با کلمه «و» آمده است. (۳) تذکر: از آنجا که مبحث «استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا» در تفسیر قرآن تأثیر تام دارد می تواند به عنوان یکی از مبانی تفسیری نیز از مباحث زبانشناختی بشمار آید.

ولی از آنجا که ما در اینجا بیان کردیم در آن دو مبحث توضیح نخواهیم داد.

ص: ۱۶۶

---

۱- (۱). کفایه الاصول، آخوند الخراسانی، ص ۵۳

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۰ (پاورقی) چاپ چهل و سوم؛ انوار الاصول، همان، ج ۱، ص ۱۴۸ به بعد.

۳- (۳). ترجمه قرآن آیةالله مشکینی، موخره (سخن مترجم)، ص ۶۱۴؛ آیةالله مکارم شیرازی نیز مسئله بطون قرآن را از موارد استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا می داند، انوار الاصول، همان، ج ۱، ص ۱۴۸.

## اشاره

در این مورد توجه به نکات ادبی و انتخاب مبنا در موارد زیر لازم به نظر می‌رسد.

### ۱. انتخاب موضع در تعارض سلاست با دقت

گاهی بین «سلاست و دقت» در ترجمه تعارض ایجاد می‌شود، و مترجم قرآن بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، که اگر بخواهد در ترجمه دقت‌های ظریف را مبذول داشته و همه واژگان، حتی حروف را ترجمه کند، متن ترجمه از سلاست، روانی و خوش فهمی دور می‌شود و برای مخاطب دیریاب و مغلق جلوه می‌کند؛ و اگر بخواهد سلاست را رعایت کند، مجبور می‌شود که از برخی دقت‌های ظریف چشم‌پوشی نماید؛ از این رو، برخی از مترجمان، راه نخست و برخی راه دوم را برگزیده‌اند.

مثال: [الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ مَّ بَعْدِ مِيثَاقِهِ ي... ]؛ (۱)

مکارم: «فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکنند»؛

فولادوند: «همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند».

در این دو ترجمه، واژه «الذین» به معنای «فاسقان» و «همانان» آمده است در حالی که می‌توانستند تعبیر دقیق‌تری به کار ببرند؛ مثلاً: بگویند: [همان] کسانی یا [فاسقان] کسانی [هستند] که...».

پس به نظر می‌رسد که راه سومی نیز در اینجا وجود دارد که بین سلاست و دقت جمع می‌کند و آن راه این است که مترجم همه واژگان را ترجمه نموده ولی با اضافه کردن برخی واژگان موافق سیاق و معنای آیه در داخل گیومه، سلاست کلام را تامین کند.

### ۲. حذف و اضافه موارد جزئی در ترجمه

## اشاره

در این مورد سه دیدگاه، بین صاحب‌نظران ترجمه قرآن وجود دارد، بسیاری از مترجمان قرآن، راه نخست را برگزیده‌اند؛ آنان، موارد جزئی، به ویژه حروف را در



ترجمه قرآن حذف می کنند و معتقدند که اختلاف زبان عربی با فارسی (و مانند آن) مستلزم حذف و اضافه برخی واژگان است؛ (۱) اما برخی دیگر بر این باورند که لازم است همه جزئیات ترجمه شوند؛ (۲) چرا که این مطلب لازمه دقت در ترجمه است؛ و گروه سوم از صاحب نظران، حذف موارد جزئی را در ترجمه، به صورت مشروط می پذیرند؛ یعنی: اگر معادل کلام به نوعی در کلام گنجانده شود، حذف آن جایز است و اضافه کردن مطالبی که در انتقال پیام نقش دارد نیز جایز است؛ البته در صورتی که با استفاده از علائمی همچون پرانتز و... روشن شود. (۳) مثال: [ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ]؛ (۴)

مکارم شیرازی: «معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده نیست»؛ (۵) خرمشاهی: «خداوند است آنکه جز او خدایی نیست و زنده پاینده است». (۶) در هر دو ترجمه واژه «و» اضافه شده است و داخل پرانتز هم قرار نگرفته است.

مثال دیگر: [ أُؤَلِّلُكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُؤَلِّلُكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ]؛ (۷)

مکارم: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند»؛

خرمشاهی: «اینان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینانند که رستگارانند».

در ترجمه اول، واژه «مِن» در جمله نخست و نیز واژه «هم» در جمله دوم ترجمه نشد؛ و در ترجمه دوم، واژه «هم» ترجمه نشد، ولی معادلی برای تاکید «هم اینانند» آورده شد.

در اینجا توجه به دو مطلب لازم است:

ص: ۱۶۸

۱- (۱). بهاءالدین خرمشاهی، مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۴۰

۲- (۲). دکتر ابوالقاسم امامی، همان، ص ۴۶

۳- (۳). دکتر نجمه رجائی، همان، ص ۴۶ (با تلخیص)

۴- (۴). آل عمران، ۲

۵- (۵). قرآن مجید با ترجمه آیها لله مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۶ ش.

۶- (۶). قرآن کریم، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ رحلی، چاپ سوم ۱۳۷۶ ش.

۷- (۷). بقره، ۵

نخست اینکه: دیدگاه نخست برای روش ترجمه آزاد و تفسیری مناسب است و دیدگاه دوم برای روش های ترجمه تحت اللفظی و هسته به هسته (جمله به جمله) مناسب است و دیدگاه سوم، معتدل و قابل قبول به نظر می رسد.

دوم اینکه: گاهی به برخی از واژه ها، به ویژه حروف می رسیم که معادلی در زبان دوم برای آن ها یافت نشده یا بسختی یافت می شود و ترجمه با اقتضائات زبان دوم ناسازگار گردد که گاهی به این ها واژگان ترجمه ناشدنی می گویند؛ برای مثال، در پایان اولین ترجمه جمعی قرآن کریم از نگارنده و اساتید همکار، لیست واژگان ترجمه نشده، اینگونه آمده است:

### فهرست واژه های ترجمه نشده

ردیف نام سوره شماره آیه واژه معنا نشده متن آیه ۱ بقره ۸۵ هُوَ هُوَ مَحْرَمٌ عَلَيْكُمْ ۲ بقره ۱۰۰ عَهْدًا أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا ۳ بقره ۱۸۹ هَاوَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا ۴ بقره ۲۵۱ هُمْ وَلَوْلَا- دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ۵ آل عمران ۱۴ ضمير «ه» وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمُنَابِ ۶ انعام ۶۸ نون تأکید ثقیله وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ ۷ توبه ۶۳ ضمير «ه» أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ- هُ مِنْ يُحَادِدِ اللَّهُ ۸ هود ۲۷ ضمير «ك» مِمَّا تَرِيكَ اتَّبَعَكَ ۹ هود ۸۲ یکی از دو ضمير «هَاء» جَعَلْنَا عَلَيْهَا سِدَافٍ- لَهَا ۱۰ هود ۹۲ ظَهْرِيًّا وَأَتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَ كُمْ ظَهْرِيًّا ۱۱ يوسف ۱۳ ضمير «ي» قَالَ إِنَّ- ي لِيَحْزُنُنِي ۱۲ يوسف ۱۷ اووَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ۱۳ يوسف ۶۶ «مِنْ» حَتَّى تُوْتُونَ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ ۱۴ يوسف ۸۰ «مِنْ» قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ ۱۵ حجر ۱۹ ضمير «هَاء» وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا ۱۶ حجر ۷۴ ضمير «هَاء» فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا ۱۷ نحل ۵۳ فَاء وَمَا بِكُمْ مِّنْ نُّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۱۸ نحل ۷۳ شَيْئًا وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا

ردیف نام سوره شماره آیه واژه معنانشده متن آیه ۱۹ نحل ۱۲۵ ضمیر «هی» وَجَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ ۲۰ اسراء ۷۹ فاء وَ مِنْ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ ۲۱ طه ۸۷ ضمیر «نا» وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا... ۲۲ طه ۱۳۰ فاء وَمِنْ آنَايَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ... ۲۳ انبياء ۷۴ ضمیر «ه» وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ ۲۴ انبياء ۸۳ ضمیر «ی» أَنْ-ی مَسِينِي الضَّرَّاءُ ۲۵ انبياء ۹۷ هِيَ فَيَاذَا هِيَ شَاخِصَةٌ ۲۶ حج ۴۰ ضمیر «هم» وَلَوْلَا- دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ۲۷ نور ۳۱ ضمیر «هن» أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ ۲۸ نور ۳۵ ضمیر «هاء» كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ۲۹ نور ۴۱ له أَنْ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۳۰ نمل ۶ ضمیر «ك» وَأَنْتَ كَلَّمْتَنِي ۳۱ عنكبوت ۵۶ فاء فَايَايَ ف-اعْبُدُونِ ۳۲ يس ۱۲ ضمیر «ه» وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۳۳ زمر ۶۶ فاء بَلِ اللَّهُ ف-اعْبُدْ ۳۴ غافر ۸۱ وَاورِثْنَا وَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي... ۳۵ غافر ۲۱ ضمیر «هم» كَانُوا هُمْ أَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا ۳۶ فصلت ۵۳ ضمیر «ه» أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۳۷ محمد (صلى الله عليه و آله) ۳۵ ضمیر «كم» وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالُكُمْ ۳۸ ذاريات ۴۸ ضمير «ها» وَالْأَرْضُ فَرَشْنَاهَا ۳۹ قمر ۲۴ ضمير «ه» فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ ۴۰ قمر ۴۹ ضمير «ه» إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۴۱ الرحمن ۷ ضمير «ها» وَالسَّمَاءَ رَفَعْنَاهَا... ۴۲ الرحمن ۱۰ ضمير «ها» وَالْأَرْضَ وَضَعْنَاهَا ۴۳ مدثر ۳ فاء وَرَبِّكَ فَكَبِيرٌ ۴۴ مدثر ۴ فاء وَثِيَابَكَ فَطَهَّرْ ۴۵ مدثر ۵ فاء وَالرُّجْزَ ف-اهْجُزْ ۴۶ مدثر ۷ فاء وَلِرَبِّكَ ف-اصْبِرْ

ردیف نام سوره شماره آیه واژه معنانشده متن آیه ۴۷: ۲۹ ضمیر «ه» وَكَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ ۴۸ نازعات ۳۰ ضمیر «ها» وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۴۹ نازعات ۳۲ ضمیر «ها» وَالْجِبَالِ أَرْسَاهَا ۵۰ انشراح ۸ فاء وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ۵۱ توحید ۱ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

### ۳. لزوم تفاوت گذاری اصطلاحات و الفاظ مشابه زبان مبدأ و مقصد (جلوگیری از اختلاط اصطلاحات):

گاهی یک لفظ در زبان مبدأ و مقصد به یک صورت نوشته می شود، اما دارای دو معنا است که موجب اختلاط دو زبان و اشتباه مخاطب در فهم معنا می شود، عدم توجه به این مطلب باعث بروز خطا و موجب لغزش مترجم می شود.

برای مثال: لفظ «طوفان» در سرگذشت حضرت نوح علیه السلام [ ...فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ... ] (۱) و در سرگذشت موسی علیه السلام: [ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ... ]؛ (۲) به عنوان یک عذاب الاهی آمده است؛ این واژه به عربی، به معنای «سیلاب» است؛ (۳) ولی در فارسی به معنای «تندباد» است؛ اما برخی از مترجمان به این مطلب مبنایی توجه ننموده و به ریشه یابی و جداسازی لغت مشابه دو زبان توجه نکرده اند؛ از این رو، واژه «طوفان» عربی را در ترجمه فارسی آورده اند در حالی که مخاطب فارسی زبان از این واژه معنای «تندباد» می فهمد که مقصود آیه نیست. (۴) مکارم شیرازی: مثال: [ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ... ]؛ (۵) «سپس [بلاها را

ص: ۱۷۱

۱- (۱). عنكبوت، ۱۴

۲- (۲). اعراف، ۱۳۳

۳- (۳). نك: المفردات الراغب، ماده طوف

۴- (۴). در مبحث «نقش دانش های مترجم در ترجمه قرآن» مثال های متعددی در این مورد می آوریم.

۵- (۵). اعراف، ۱۳۳

پشت سر هم بر آن‌ها نازل کردیم [طوفان، ملخ و آفت گیاهی و...]

خرمشاهی: «آنگاه بر سر آنان [بلا] طوفان، ملخ و شپش و...».

#### ۴. توجه به ساختار زبان مقصد (دستور زبان فارسی):

هر زبان دستور خاص خود را دارد و جملات آن با قوانین نحوی و ساختار ویژه‌ای شکل می‌یابد، مترجم قرآن، لازم است که دستور زبان مقصد را بشناسد تا جملات را صحیح و استوار بیان کند و گرفتار لغزش ادبی از این ناحیه نشود.

برای مثال: در ساختار زبان فارسی، مسائل زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف) تطابق صفت و موصوف در زبان عربی و عدم تطابق آن‌ها در فارسی:

در زبان عربی، صفت و موصوف در جمع و افراد با همدیگر تطابق می‌کنند، بخلاف فارسی:

مثال: [ كِرَامٍ مَّ بَرَزِهِ ]، (۱) که «کرام» جمع «کریم» و «بره» جمع «بار» به معنای «گرامیان نیکوکاران» می‌شود؛ اما در فارسی، صفت با موصوف با هم مطابقت نمی‌کنند و صفت می‌تواند مفرد باشد، درحالی که موصوف جمع است؛ پس براساس دستور زبان فارسی باید گفت: «گرامیان نیکوکار»؛ همینطور است در مثال [ حور عین ]: (۲) «سیه چشمان درشت چشمان» و در مثال: [ ...مُسْلِمَتٍ مُؤْمِنَةٍ قَنَّتِ تَلَّ بَتِّ عِبْدَتِ سَلَّ حَتَّ ثَبَّتِ وَأُبْكَارًا ]؛ (۳)

ب) در زبان عربی، صفت و موصوف در مذکر بودن و مونث بودن مطابقت می‌کند بخلاف فارسی: مثال: [ ...عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ... ] (۴) که در فارسی ترجمه می‌شود: «دهه کامل»؛ همچنین [ ...وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ ... ] (۵) که در فارسی ترجمه می‌شود: «کنیز مومن».

تذکر: البته در برخی موارد می‌توان در ترجمه فارسی تطابق صفت و موصوف را

ص: ۱۷۲

۱- (۱). عبس، ۱۶

۲- (۲). واقعه، ۲۲

۳- (۳). تحریم، ۵

۴- (۴). بقره، ۱۹۶

۵- (۵). بقره، ۲۲۱



رعایت کرد؛ بدون آنکه به سلاست کلام ضربه ای وارد شود، در این موارد مانعی از آن نیست، بلکه رعایت تطابق ترجمه با متن اصلی لازم است؛

ج) عبارات وصفی که با «الذین» شروع می شود را می توان به دو صورت ترجمه کرد:

نخست آنکه طبق لفظ به صورت عبارت و جمله معنا کنیم و دوم آنکه به صورت کلمه ای معنا کنیم به عنوان مثال:

الذین آمنوا: کسانی که ایمان آوردند (مومنان)؛

الذین كفروا: کسانی که کفر ورزیدند (کافران)؛

الذین فی قلوبهم مرض: کسانی که در دلهایشان بیماری است (بیمار دلان)؛

الذین اوتوا الكتاب: کسانی که کتاب به آنان داده شده است (اهل کتاب).

د) در زبان عربی، ساختار جمله اینگونه است:

فعل + فاعل + مفعول: [ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ ... ]؛ (۱) اما در زبان فارسی ترکیب جمله اینگونه است:

فاعل + مفعول + فعل: خدا بر دل های آنان مهر نهاد.

معمولاً ساختار جمله در ترجمه تحت اللفظی از نوع عربی پیروی می کند و در ترجمه جمله به جمله یا ترجمه آزاد تفسیری از نوع فارسی پیروی می کند.

## پنجم: مبانی تفسیری ترجمه قرآن

### اشاره

ترجمه و تفسیر قرآن، ارتباطی ناگسستنی با هم دارند؛ چرا که ترجمه قرآن، نوعی تفسیر یا خلاصه تفسیر است؛ همانطور که برخی از صاحب نظران و محققان بدین مطلب تصریح کرده اند. (۲)

ص: ۱۷۳

۱- (۱). بقره، ۷

۲- (۲). از محقق کرکی حکایت شده که: «ترجمه قرآن، تفسیر قرآن محسوب می شود؛ نه قرآن» (جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۴۶) و نیز سید مرتضی حسینی صدر الافاضل، یکی از دلایل جواز ترجمه قرآن را همین مطلب شمرده که ترجمه، نوعی تفسیر است (مجله مشکوه، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ش ۱۰، ص ۷ به بعد، ۱۳۶۵ ش، مقاله تفاسیر علمای

امامیه در شبه قاره هند و پاکستان.) و دکتر بی آزار شیرازی نیز، این مطلب را جزء ادله جواز ترجمه قرآن آورده است (قرآن ناطق، ج ۱، ص ۵۱) و نیز دکتر ذهبی ترجمه را نوعی از تفسیر می داند (التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۹).

تفسیر قرآن، بیان معانی آیات و کشف مقاصد و مدلول های آن ها است (۱) و ترجمه هم، به دنبال همین اهداف است؛ یعنی: می خواهد پیام قرآن را به زبانی دیگر منتقل کند که این پیام در حقیقت، همان معانی آیات و مقاصد گوینده است؛ لیکن ترجمه و تفسیر، دو تفاوت با همدیگر دارند:

اول آنکه: ترجمه با روش تحت اللفظی و ترجمه جمله به جمله، و حتی در روش ترجمه آزاد تفسیری، (۲) مختصرتر از تفسیر قرآن است؛ ازاین رو، ترجمه قرآن مشکل تر از تفسیر است؛ چون می خواهد مطالب زیادی را در کلمات کمتری برای مخاطب بیان کند.

و دوم آنکه: تفسیر می تواند به زبان عربی یا زبان های دیگر باشد؛ اما ترجمه، غالباً به زبان غیر عربی است. (۳) با توجه به مطالب فوق، روشن می شود که ترجمه، نوعی تفسیر است، پس لازم است که همه شرایط در ترجمه نیز رعایت شود؛ مثلاً: مترجم قرآن، همان شرایط مفسر را دارا باشد؛ (۴) همانطور که لازم است مبانی و اصول تفسیر نیز، در ترجمه رعایت شود، از جمله:

ص: ۱۷۴

- 
- ۱- (۱). نک: المیزان، ج ۱، مقدمه، ص ۴
  - ۲- (۲). برای اطلاع از روش های ترجمه نک: روش ها و سبک های ترجمه، در همین نوشتار.
  - ۳- (۳). البته تفاوت های دیگری نیز بین تفسیر و ترجمه بیان شده که ما ذیل مبحث «مبانی فقهی ترجمه» آن ها را نقل و نقد کردیم؛ (نک: مناهل العرفان، الزرقانی، ج ۲، ص ۱۰ - ۱۳ والتفسیر والمفسرون، الذهبی، ج ۱، ص ۲۸ - ۲۹).
  - ۴- (۴). در این مورد مطالب مشروحی در گفتاری جداگانه خواهد آمد.

## ۱. ترجمه، همچون تفسیر با کمک منابع معتبر انجام شود

منابع تفسیر و ترجمه قرآن عبارتند از:

الف) «منابع نقلی»؛ یعنی: قرآن کریم، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام؛ البته سخنان صحابه و تابعین برای شناخت معانی لغوی و شأن نزول ها و در هنگام نقل احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معتبر است؛ همانطور که منابع تاریخی و معتبر لغت، در تفسیر و ترجمه مورد استفاده قرار می گیرند؛

ب) «منبع عقل»؛ برهان های قطعی عقل فطری سالم و نیز بناهای عقلایی در تفسیر و ترجمه قرآن حجت و مورد استفاده است؛

نقش عقل در ترجمه قرآن، در مبانی کلامی روشن تر خواهد شد؛

ج) «منبع علوم تجربی قطعی»؛ همانطور که علوم تجربی قطعی در فهم و تفسیر قرآن تأثیر دارد در ترجمه آن نیز مؤثر است و عدم توجه به آن ها گاهی موجب لغزش در ترجمه می گردد. در این مورد در مبحث نقش دانش های مترجم در ترجمه قرآن، به توضیحات بیشتری اشاره خواهد شد.

از جمله کسانی که به لزوم مبانی فوق در ترجمه توجه کرده اند مرحوم آیةالله خوئی قدس سره است؛ ایشان در این مورد می نویسند:

در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن، شرط است و فهم آن منحصر در امور سه گانه زیر است:

یکم: مفهوم لفظی که عرب فصیح از ظاهر آن می فهمد؛ دوم: حکم عقل و فطرت سالم؛ سوم: تفسیری که از معصوم علیه السلام رسیده است.

آری، ترجمه و تفسیر قرآن، احاطه مترجم و مفسر را به تمامی این امور می طلبد تا بتواند معانی قرآن را به زبان دیگر منتقل و تفسیر کند؛ اما نظریات شخصی که برخی از مفسرین در تفاسیرشان می آورند، از این موازین خارج است

و تفسیر به رأی به شمار می آید و از اعتبار ساقط است و سزاوار نیست که مترجم و مفسر به آن تکیه کنند». (۱) البته ایشان به لزوم استفاده از منابع «نقلی» (ظهور قرآن و روایات) و «عقلی» توجه داشته اند؛ ولی به منبع علوم تجربی قطعی اشاره نکرده اند. (۲) یادآوری: از همین مطلب روشن می شود که اگر تفسیر یا ترجمه قرآن مخالف قرآن، سنت قطعی یا برهان عقلی یا علوم تجربی قطعی باشد معتبر نخواهد بود؛ چرا که این ها قراین معتبر درون متنی و برون متنی برای تفسیر و ترجمه قرآن هستند و تفسیر و ترجمه ای که با آن ها مخالف باشد، مخالف قراین علمی و غیر معتبر می شود.

## ۲. ممنوعیت تفسیر و ترجمه به رأی

«تفسیر به رأی» به معنای تفسیر قرآن، بدون ترجمه به قراین عقلی، نقلی و علم قطعی و نیز تحمیل نظر بر قرآن کریم در تفسیر و همچنین تفسیر قرآن توسط افراد غیر متخصص است. (۳) در روایات متعددی از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از طریق شیعه و اهل سنت حکایت شده که «تفسیر به رأی ممنوع و حرام است». (۴) همانطور که گذشت: ترجمه قرآن، خلاصه ای از تفسیر قرآن است؛ بنابراین

ص: ۱۷۶

- 
- ۱- (۱). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶ - ۵۰۵
  - ۲- (۲). در مورد منابع تفسیر، دیدگاه های مختلفی وجود دارد (نک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده؛ روش شناسی تفسیر قرآن، رجیبی و دیگران) ولی عمده منابع تفسیری به همین سه مورد فوق باز می گردد.
  - ۳- (۳). نک: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نگارنده، ص ۳۵۱ به بعد و کتب دیگر در مورد روش های تفسیری.
  - ۴- (۴). عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «من قال فی القرآن برأیه فلیتواءم مقعده من النار» (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹) و عن الرضا علیه السلام عن آبائه، عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله جل جلاله: ما آمن بی، من فسر برأیه کلامی (عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶ و بحار، ج ۸۹، ص ۱۰۷).

همانطور که تفسیر به رأی ممنوع است ترجمه به رأی نیز ممنوع است و مشمول روایات حرمت تفسیر به رأی می شود؛ چرا که مترجم و مفسر هر دو مضمون آیه را بیان کرده و به خدا نسبت می دهند و اگر این نسبت براساس قراین نقلی، عقلی و علمی قطعی نباشد، نسبت دروغ و تهمت بر خداست از اینجا نیز ثابت می شود که مترجم قرآن باید شرایط مفسر را داشته باشد و در ترجمه تحمیل نظر بر قرآن نکند؛ بلکه با توجه به تفسیر آیه که از قراین معتبر عقلی و نقلی بدست می آورد به ترجمه بپردازد.

### ۳. توجه به پیش فرض های تفسیر قرآن

تفسیر قرآن کریم بر اساس مبانی و پیش فرض هایی انجام می گیرد که لازم است در ترجمه قرآن نیز مد نظر قرار گیرد؛ چرا که ترجمه، خلاصه تفسیر است.

برخی از «پیشفرض ها و مبانی تفسیر» عبارتند از:

الف) قرآن وحی الاهی و کلام خداست؛

ب) قرآن، کلام شخص حکیم است؛ بنابراین، سخنی حکیمانه، کاملاً استوار و خالی از تناقض و بیهوده گویی بوده و نیز، دارای انسجام ساختاری و محتوایی است؛

ج) قرآن کریم، موافق عقل، فطرت و علم قطعی است و با آن ها در تعارض نیست؛

د) قرآن کریم، با سنت قطعی معارضت ندارد؛ هر چند که گاهی به وسیله سنت، تخصیص یا تفسیر می یابد؛

ه) قرآن، معجزه است و اعجاز آن، ابعاد مختلفی دارد از جمله: فصاحت و بلاغت آن، بنابراین، سخنان غیر فصیح، غیر بلیغ، لغزش و کلامی باطل در قرآن نیست؛

و) قرآن، تحریف نشده است؛ بنابراین، کلمه ای از آن کم نگشته و چیزی به آن اضافه نشده است. (۱)

ص: ۱۷۷

---

۱- (۱). هر کدام از موارد مزبور، دلایل درون متنی از قرآن و برخی دلایل برون متنی دارد که بیان آن ها، خارج از حوصله این نوشتار است؛ برای اطلاع بیشتر، نک: فلسفه دین، علی اکبر رشاد، (مبحث نهادهای فهم قرآن) و صیانه القرآن، عن التحریف، محمد هادی معرفه و سلامه القرآن من التحریف، فتح الله نجارزادگان و... .

روشن است که اگر کسی این مبانی را نپذیرد تفسیر و ترجمه او رنگ دیگری به خود می‌گیرد و گرفتار لغزش‌های متعدد می‌شود که تفسیر و ترجمه او را غیر معتبر می‌سازد.

#### ۴. توجه به اهداف قرآن و سوره‌ها در ترجمه (همبستگی آیات)

هدف اساسی قرآن کریم هدایت انسان‌ها از تاریکی‌ها به سوی نور است (۱) و همه آیات قرآن و اشارات علمی آن در راستای این هدف معنا می‌شود؛ از این رو، در ترجمه و تفسیر قرآن لازم است که تا حد امکان به این مطلب توجه شود؛ به عبارت دیگر: قرآن همچون هر کتاب دیگر، یک کل به هم پیوسته است که برخی آیات آن مفسّر برخی دیگر است و عام و خاص و مطلق و مقید و... در درون آیات آن است پس برای ترجمه و تفسیر هر آیه، توجه به آیات دیگر لازم و ضروری است و گرنه قراین داخلی کتاب از دست مترجم و مفسر می‌رود و ترجمه و تفسیر کامل نخواهد داشت.

دکتر بی‌آزار شیرازی در مورد مبانی علمی وفادارترین ترجمه و تفسیر قرآن از نظر ایشان می‌نویسد: «باید کوشید تا آنجا که امکان دارد، معانی و مقاصد اصل قرآن، همراه با سبک در ترجمه گنجانده شود».

وی همچنین نیز می‌نویسد: «توجه به ارتباط آیات و موضوعات گوناگون ترکیب شده در هر سوره، کلید نطق قرآن است». (۲) او در جایی دیگر می‌گوید: «بی‌توجهی اغلب مترجمان و مفسران به نظم، ارتباط و تناسب آیات، باعث گشته است که ترجمه و تفسیرها - بخصوص ترجمه‌های تحت

ص: ۱۷۸

---

۱- (۱). ابراهیم، ۱ و حدید، ۹؛ البته اهداف دیگری نیز برای قرآن بیان شده، مثل رحمت و شفا بودن، (اسراء، ۸۲)

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۷۶

اللفظی قرآن - گسسته شوند؛<sup>(۱)</sup> سپس شواهد زیادی از علمای شیعه و سنی برای پیوستگی آیات می آورد و به تأثیر اندیشه اشاعره و اخباری ها در ترجمه و تفسیر گسسته قرآن اشاره می کند؛<sup>(۲)</sup> وی در ادامه فرمولی برای کشف ارتباط آیات ارائه می کند که عبارت است از: «توجه به ترتیب و یکپارچگی آیات هر سوره؛ توجه به مطلع و پایان هر سوره و کشف محور یا محورهای سوره؛ توجه به فضای تاریخی سوره و موارد و مصادر آیات؛ توجه به تأویل آیات و سبب آن». <sup>(۳)</sup> علاوه بر توجه به اهداف قرآن، لازم است به اهداف سوره ها نیز در تفسیر و ترجمه توجه شود؛ چرا که گاهی هدف یک سوره به معنای آیات آن جهت خاصی می دهد.

علامه طباطبائی قدس سره به این مطلب توجه کرده و معتقد است: اینکه خدا نام «سوره» را در قرآن آورده، نشانگر آن است که هر دسته از کلام الاهی که به نام سوره نامیده می شود دارای نوعی وحدت تالیف و همبستگی است که در پاره ای از یک سوره یا میان یک سوره و سوره دیگر یافت نمی شود و از اینجا در می یابیم که اهداف و مقاصد هر سوره با سوره دیگر متفاوت است.... که سوره به انجام نمی رسد، مگر به تمامی آن. <sup>(۴)</sup> در مورد اهداف سوره های قرآن، کتاب های متعددی نوشته شده است از جمله:

«اهداف و مقاصد سوره های قرآن»، اثر دکتر شحاته که دو جلد آن توسط «دکتر سید محمد باقر حجتی» به فارسی ترجمه شده است و نیز «گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم»، اثر محمد غزالی، ترجمه آن توسط علی اصغر محمدی صورت گرفته؛ همچنین کتاب «سیمای سوره های قرآن» از نگارنده.

پروفسور ایزوتسو نیز در مبحث «کلمات محوری قرآن» در حقیقت بر همین مطلب تاکید می کند: کلمات محوری، کلماتی هستند که آیات و موضوعات گوناگون

ص: ۱۷۹

---

۱- (۱). همان، ص ۳۷۷

۲- (۲). همان، ص ۳۸۰

۳- (۳). همان، ص ۴۳۳ - ۴۳۷

۴- (۴). المیزان، ج ۱، ص ۱۶



سوره را به یکدیگر مربوط می سازند؛ وی سپس از واژه «تقوی» به عنوان محور سوره بقره یاد می کند. (۱) بی آزار شیرازی نیز یاد آورد شده است:

«کشف و توجه به کلمات محوری به مترجم و مفسّر کمک خواهد کرد که به ارتباط آیات و ترجمه و تفسیر پیوسته دست یابد»؛ (۲)

## ۵. توجه به بطون قرآن

مشروح این مطلب، ذیل عنوان «مبانی زبانشناختی» بیان خواهد شد؛

## ۶. توجه به مبنای جواز یا عدم جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا و تأثیر آن

در تعدد تفاسیر و ترجمه های یک آیه

در این مورد نیز ذیل عنوان «مبانی ادبی ترجمه قرآن» (مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا) مطالبی بیان شده است.

## ششم: مبانی کلامی ترجمه قرآن

### اشاره

همانطور که در مبحث مبانی تفسیری قرآن گذشت: «قرآن»، کلامی است الهی و براساس حکمت که یکی از منابع تفسیر آن «عقل» است، «قرآن کریم» در عرض «عقل» هر دو، حجت های الهی بر بشر هستند، که حجیت قرآن، به وسیله اعجاز آن اثبات می شود و حجیت عقل ذاتی است؛ هر چند که آیات (۳) و احادیث (۴) نیز، بدین مطلب رهنمون شده اند؛ بنابراین، تفسیر قرآن نمی تواند مخالف برهان های عقلی

ص: ۱۸۰

---

۱- (۱). مطالب ایزوتسو، در مبحث «مبانی زبانشناختی ترجمه» خواهد آمد.

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۱۲

۳- (۳). نک: آیاتی که انسان را به تدبّر و تعقل فرا می خواند مثل: انبیاء، ۱۰، یوسف، ۲، ص، ۲۹ و...

۴- (۴). عن الكاظم عليه السلام: يا هشام: ان الله على الناس حجّتين: حجه ظاهره و حجه باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبياء و الائمة و اما الباطنه، فالعقول؛ (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۶).

باشد؛ بلکه برهان عقلی، قرینه تفسیر آیه است.

بنابراین، آنچه که در مبحث عقاید با دلایل عقلی قطعی ثابت شود، یا براساس محکّمات کتاب و سنت اثبات گردد، از مبانی کلامی تفسیر به شمار می آید و تفسیر قرآن، نمی تواند مخالف آن ها باشد، و گرنه، منتهی به انحراف عقیدتی می شود و از آنجا که ترجمه، خلاصه تفسیر است، رعایت آن مبانی در ترجمه نیز لازم است.

البته رعایت مبانی کلامی، در ترجمه و تفسیر آیات متشابه قرآن، نقش مهمی دارد که در ادامه بحث روشن می شود.

برخی صاحب نظران نیز با تاکید بر کاستن واسطه میان خواننده ترجمه و قرآن، بر طرف کردن مشکل آیات متشابه را ضروری می دانند؛ یعنی: مترجم نمی تواند و نباید از باورهای پذیرفته شده دینی دست برداشته و باید قرآن را مطابق اصول مسلم دین اسلام ترجمه کند و حتی مترجمان غیرمسلمان نیز، باید باورهای مسلم اسلامی را رعایت کنند (تا ترجمه صحیحی به دست آید و مقصود خدا روشن شود) در غیر این صورت، ترجمه، بدآموزی داشته و ممکن است خواننده آن، گرفتار باورهای نادرستی شود؛ (۱) ولی در مقابل، برخی نیز تاکید دارند که آیات متشابه و همچنین بخش هایی از قرآن کریم که فهم آن دشوار است باید همان گونه ترجمه شوند، تا آئینه وار، اصل قرآن با همه چگونگیهایش منعکس شود و ترجمه تا حد ممکن بیشترین شباهت را با اصل قرآن داشته باشد؛ مترجم نباید بنابر مشرب کلامی خویش از الفاظی، خاص در ترجمه استفاده کند تا آیه، موافق آن مذهب معنا بدهد؛ چون

ص: ۱۸۱

---

۱- (۱). نک: بهاءالدین خرمشاهی، ترجمه قرآن کریم، چ ۱، قطع رحلی، پیوست ۴ الف؛ دکتر نقی پور، «اصول ترجمه قرآن»، مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۲۰۳ و ۲۱۸؛ یعقوب جعفری، «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، ترجمان وحی، ش ۱، ص ۷۵؛ سید عبدالوهاب طالقمانی، «راه دست یابی به ترجمه مطلوب از قرآن کریم»، ترجمان وحی، ش ۳، ص ۳۹ - ۴۷؛ مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۸۳، ص ۲۵.

خواننده باید از طریق ترجمه، نخست با اصل قرآن کریم ارتباط برقرار کند، نه با تفسیر و برداشت مترجم. (۱) البته اینکه ترجمه نباید با تفسیر و مبانی کلامی خاص مترجم مخلوط شود، چون رهن می شود؛ ولی رعایت قطعی و اصول مسلم اعتقادی که از خود قرآن و عقل به دست می آید لازم است، به عبارت دیگر: ارجاع متشابهات به محکومات، برای فهم مقصود قرآن، ضروری است و برای جلوگیری از خلط ترجمه و تفسیر و مبانی کلامی، می توان از گیومه یا پرانتز استفاده کرد و تأثیرات را به حداقل کاهش داد.

از جمله «مبانی کلامی تفسیر» می توان به این موارد اشاره کرد:

مسئله تشبیه و تجسیم؛ صفات خبری؛ رؤیت خدا؛ عصمت پیامبران؛ تعریف ایمان؛ جبر و تفویض و خلق اعمال؛ احباط و تکفیر و خلود در جهنم (۲) که به برخی مثال ها پیرامون آن ها اشاره می کنیم:

### الف) صفات خبری و تجسیم و تشبیه

#### اشاره

مثال: خداوند جسم نیست؛ چرا که بر اساس برهان عقلی، اگر خدا جسم باشد، مستلزم محدودیت و مخلوق بودن او می شود و خدا از این صفات مبرا است؛ البته این مبنای کلامی از آیه [ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ] (۳) نیز قابل استفاده است.

بنابراین، آیات متشابه قرآن، که صفات و افعال خدا را بیان می کند با توجه به مبنا و پیش فرض فوق، تفسیر و ترجمه می شوند:

یکی از صاحب نظران در مورد آیه فوق می نویسد: «اگر تعبیر آیه به گونه ای است که

ص: ۱۸۲

---

۱- (۱). نک: مرتضی کریمی نیا، «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن» ترجمان وحی، ش ۱، ص ۸؛ عبدالکریم سروش، «گفتگو درباره ترجمه»، مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۳۶.

۲- (۲). نک: مجله ترجمان وحی، ش ۱، شهریور ۱۳۷۶، ص ۷۴، مقاله لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید، یعقوب جعفری

۳- (۳). شوری، ۱۱

معادل فارسی آن را می توان کنایه از یک معنای درست گرفت، ترجمه آن، به معنای ظاهری، اشکالی ندارد مانند [يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ... ]؛ (۱) که ترجمه «دست خدا بالای دست های آن هاست» عیبی ندارد؛ چون این تعبیر در فارسی هم کنایه از قدرت است؛ ولی اگر چنین معادلی در فارسی پیدا نشد، باید به گونه ای ترجمه شود که بدآموز و گمراه کننده نباشد. (۲) مثال دیگر: [وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ أُولَىٰ رِبِّهَا نَاطِرَةٌ]؛ (۳)

دهلوی: «یک باره روی ها آن روز تازه باشند، به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند»؛

معزی: «... به سوی پروردگار خویش نگران»؛

فولادوند: «... به پروردگارش می نگرد»؛

شعرانی: «... به سوی پروردگارش نگرنده»؛

مکارم: «[آری] در آن روز صورت هایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می نگرد»؛

مجتبوی: «آن روز چهره هایی تازه و خرم است، که [پاداش] پروردگار خویش را چشم می دارند»؛

الاهی قمشه ای: «... و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می کنند»؛

سراج: «... به سوی [پاداش] پروردگار خود نگران است».

## بررسی

در این عبارت ها دو گونه ترجمه به چشم می خورد:

نخست: بر اساس تأثیر مبانی کلامی در ترجمه که مترجم خدا را جسم نمی داند و

ص: ۱۸۳

۱- (۱). فتح، ۱۰

۲- (۲). مجله ترجمان وحی، همان، ص ۸۰

۳- (۳). قیامت، ۲۲ - ۲۳

دیدن او را با چشم سر محال می‌داند؛ بنابراین در ترجمه واژه «ناظره»، از معادل «به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند» و یا با اضافه «[پاداش] پروردگار خویش را چشم می‌دارند» استفاده شده است؛

دوم: براساس جواز رؤیت خدا در رستاخیز ترجمه شده است؛ یعنی: کسانی همچون محدث دهلوی «ناظره» را به معنای «نظر کننده» ترجمه کرده‌اند؛ البته برخی نیز با استفاده از واژه «نگران» که هم به معنای «نگریستن» و هم به معنای «ناراحت» و «منتظر می‌آید» (۱) دو پهلو سخن گفته‌اند و حال بودن «ناظره» را به صورت ادیبانه‌ای رسانده‌اند و یا به نوعی اشاره به معنای سومی برای آیه نموده‌اند.

مثال دیگر: [يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ]؛ (۲)

دهلوی: «روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را به سوی سجده، پس نه توانند».

این ترجمه، در عربستان سعودی توسط دکتر عبدالغفور عبدالحق بلوچ و شیخ محمدعلی داری بازبینی و اصلاح شده است و با مقدمه دکتر عبدالله بن المحسن التركي چاپ شده است، در این بازبینی ذیل آیه فوق، پاورقی زیر اضافه شده است:

در صحیحین است و لفظ حدیث از بخاری است که ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که شنید او را که می‌فرمودند: که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ما ساق خود را پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و... (۳) تذکر: جالب است که این پاورقی که در متن اصلی وجود ندارد، بدون امضای مصححان آمده و اضافه شده است و شگفت اینکه این روایت دلالت بر «تجسیم» دارد.

ص: ۱۸۴

---

۱- (۱). نک: فرهنگ زبان فارسی، مهشید شیرازی، ص ۱۱۱۱ و حافظ نامه، بهاءالدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۶۳۱ و...

۲- (۲). قلم، ۴۲

۳- (۳). القرآن الکریم و ترجمه معانیه الی اللغة الفارسیه، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، ص ۸۳۸ - ۸۳۹.

همین آیه را برخی مترجمان، به صورت دیگر ترجمه کرده اند و گاهی معنای کنایی آن را ظاهر ساخته اند:

مجتبوی: «در روزی که کار (بر کافران) سخت و دشوار شود...»؛

آیتی: «روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و...»؛

مکارم: «به خاطر بیاورید روزی را که ساق پاهای وحشت برهنه می گردد و...»؛

خرمشاهی: «روزی که هنگامه بالا گیرد، و...».

و مثال دیگر: [ ...يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ... ]؛ (۱) است که در ترجمه های مختلف، قابل بررسی است.

تذکر: بحث «مجاز» و کاربردهای آن در تفسیر نیز می تواند در موارد فوق کارساز باشد؛ یعنی: اگر مبحث مجاز را در قرآن روا بدانیم، برخی آیات مثل [ جاء ربك ] و مانند آن، قابل توجیه است؛ اما اگر مجاز را روا ندانیم و ظواهر آیات را اخذ کنیم با مشکل روبرو می شویم.

## ب) جبر و اختیار

### اشاره

مثال: یکی از مسائل کلامی، مسئله «اختیار» انسان است که متکلمان اشعری متمایل به «جبر» شده اند و آیاتی که اشاره به «اختیار» انسان دارد را تأویل و توجیه کرده اند؛ در مقابل، متکلمان معتزلی طرفدار اختیار انسان قرار دارند؛ اینان آیاتی که ظهور در جبر دارد را تأویل و توجیه کرده اند؛ اما بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام و اجتهاد در جمع بندی آیات جبر و اختیار روشن می شود که جبر کامل و آزادی مطلق برای انسان در افعال نیست؛ بلکه: لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین، صحیح است.

این مبنا در تفسیر و ترجمه آیات زیر موثر خواهد بود:

ص: ۱۸۵

[ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى... ]؛ (۱)

این آیه، کارها را به خدا نسبت می دهد و ممکن است کسی توهم کند که معنای آن جبر و عدم اختیار انسان است از این رو برخی مترجمان تلاش کرده اند با اضافه کردن مطالب تفسیری، این شبهه را بزدايند؛ اما برخی ديگر سکوت کرده اند:

مجتبوی: «پس شما آن ها را نکشتید - به نیروی خود - بلکه خدا آنان را کشت - به امدادهای غیبی - و تو (تیر یا خاک) نیفکندی آنگاه که افکندی، بلکه خدا افکند (تا کافران را مرعوب و مغلوب گرداند)»؛

فیض الاسلام: «پس از آن، برای اینکه مومنین بدانند که خدای تعالی غالب و چیره بر دشمنان است و او است که در جنگ بدر دشمنان را کشت و نباید فخر و سرافرازی کرده، کسی به دیگری بگوید: من فلان را کشتم یا من چنین کردم، چنانکه می گفتند؛ می فرماید: شما آنان را نکشتید؛ لیکن خدا کشتشان؛ چون افعال خدا، مانند سبب و علت است، از این رو کشتن را از کسی که حقیقتاً کشته، نفی نموده و دور ساخته و به خود نسبت داده است و...»؛

آیتی: «شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آن ها را می کشت و آنگاه که تیر می انداختی تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت.»

و در همین رابطه، ترجمه های آیات «هدایت» و «ضلالت»، مثل آیه زیر قابل بررسی است:

[ ...فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ... ]؛ (۲)

اما با توجه به آیاتی که بر اختیار انسان دلالت دارند مثل آیه زیر:

[ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ]؛ (۳)

ص: ۱۸۶

۱- (۱) . انفال، ۱۷

۲- (۲) . فاطر، ۸

۳- (۳) . انسان، ۳

روشن می شود که مقصود از آیات فوق (که ظاهر آن ها بر جبر دلالت داشت) مجبور بودن انسان نیست؛ پس لازم است که با اضافه کردن مطالب تفسیری، مقصود خدا در این موارد روشن شود.

### ج) عصمت پیامبران الهی

عقیده به عصمت پیامبران الهی، در تفسیر و ترجمه آیات زیر، مؤثر و قابل بررسی است.

مثال: [ ... وَ عَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ وَ فَعَوَىٰ ... ]؛ (۱)

مکارم شیرازی: «آری آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و از پاداش او محروم شد»؛

مجتبوی: «و آدم پروردگار خویش را نافرمانی نمود پس راه راست را گم کرد»؛

فیض الاسلام: «و آدم پروردگارش را نافرمانی امر و فرمان مستحب و نیکوی او را انجام نداده راه را گم کرد از مطلوب و خواسته خود که همیشه ماندن در بهشت بود بی بهره ماند»؛

آیتی: «آدم در پروردگار خویش عاصی شد و راه گم کرد»؛

الاهی قمشه ای: «و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد».

در این دو ترجمه اخیر، می بینیم که به عصمت آدم علیه السلام به عنوان پیامبر بی توجهی شده؛ اما در ترجمه های دیگر به نوعی ظاهر آیه، توجیه، تاویل و تفسیر شده است تا با عصمت ناسازگار نباشد.

و نیز مثال دیگر، قابل بررسی است: [ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَمِّكَ وَ مَا تَأَخَّرَ ... ]؛ (۲)

### د) امامت و عدل

#### اشاره

برخی از مبانی و اصول مخصوص مذاهب اسلامی هستند، که مترجم قرآن بدان ها اعتقاد دارد، مثل «امامت» و «عدل» که از اصول مذهب شیعه به شمار می آیند، و مورد

ص: ۱۸۷

۱- (۱). طه، ۱۲۱

۲- (۲). فتح، ۲.



قبول مفسران و مترجمان شیعه است، در این موارد لازم است که آیات مربوطه، به صورتی ترجمه شوند که منافی مبانی فوق نباشند. (البته در صورتی که حقایق مبنای اعتقادی مورد نظر با دلایل محکم قرآنی، حدیثی یا عقلی اثبات شده باشد).

یکی از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسد: «اگر از همان آغاز، اختلافات فکری و عقیدتی میان مسلمانان به وجود نیامده بود و این مکتب‌های کلامی تأسیس نشده بود و قرون بعدی اسلامی هم مانند عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خالی از هر گونه اختلافات مذهبی و عقیدتی بود، مناسب این بود که در ترجمه اینگونه آیات، همان حالت کلی حفظ شود و بدآموزی نداشت؛ ولی چه باید کرد که ما در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته ایم و امکان ندارد که خود را از آن دور کنیم و اگر اصول و مبانی پذیرفته شده و مسلم خود را در ترجمه رعایت نکنیم خواننده را آزاد گذاشته ایم که اعتقادات باطل و غیر قابل قبولی داشته باشد». (۱) برای مثال: اینگونه عقاید در آیه «اکمال» (مائده / ۳)، «بلاغ» (مائده / ۶۷) و آیه «ولایت» (مائده / ۵۵) می‌تواند تأثیر گذار باشد و در ترجمه‌های مختلف، قابل بررسی است.

مثال: [ ...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا... ]؛ (۲) الاهی قمشه ای: «امروز، کافران از اینکه به دین شما دستبرد زنند و اختلافی رسانند طمع بریدند پس شما از آنان بی‌مناک نباشید و از من بترسید؛ امروز (بعقیده امامیه و برخی اهل سنت، روز غدیر خم و خلافت علی علیه السلام مراد است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و...»؛

فیض الاسلام: «امروز، اکنون پس از بیان احکام و راه حق یافتن کفار و... امروز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حجه‌الوداع

ص: ۱۸۸

---

۱- (۱). ترجمان وحی، ش ۱، مقاله «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، یعقوب جعفری، ص ۷۵.

۲- (۲). مائده، ۳

آخرین حج باز می گشت در غدیر خم...»؛

محدث دهلوی: «امروز، ناامید شدند کافران از دین شما، پس مترسید از ایشان و بترسید از من، کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما پس...».

### تذکر مهم

هر چند که رعایت مبانی کلامی معتبر در ترجمه لازم است تا از انحرافات عقیدتی جلوگیری شود؛ اما لازم است که در این مورد به دو نکته توجه نمود:

نکته نخست: اینکه مبنا و اصل کلامی و مذهبی مورد نظر با دلایل محکم نقلی و عقلی اثبات شده باشد؛ به طوری که بتوانیم با تکیه بر آن، در ظاهر قرآن تصرف کنیم؛ یعنی: قرینه ای برای تفسیر و ترجمه آیه قرار گیرد؛

نکته دوم: اینکه تأثیرات مبانی کلامی و مذهبی در ترجمه به حداقل کاهش یافته و تنها در موارد ضروری مورد نظر قرار گیرند، که فقدان آن، موجب انحراف فکری گردد؛

نکته سوم: اینکه در مواردی که مبانی کلامی و مذهبی در ترجمه تأثیر داده می شود با علامتی همچون پرانتز مشخص شود تا با متن قرآن مخلوط نگردد؛

برای مثال:

[...يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ... ]؛ (۱)

«دستِ (قدرت) خدا، بالای دست های آنان است»؛

نکته چهارم: اینکه دیدگاه های کلامی، مذهبی و تفسیری شخصی مترجم در مورد آیات، تأثیر داده نشود، به ویژه در مواردی که آن نظریه، به عنوان ضرورت دین و مذهب حق مطرح نیست.

چرا که در آن صورت ترجمه، در حقیقت بیان کننده نظرات شخصی مترجم خواهد بود.

ص: ۱۸۹

شناخت زبان هر متن، کلید فهم آن است: بنابراین، برای فهم و تفسیر و ترجمه قرآن، لازم است که زبان قرآن را بشناسیم و ویژگی های آن را دریابیم تا بر مبنای این شناخت، تفسیر و ترجمه ای نیکو از آن ارائه کنیم.

هر چند که آشنایی با لغت و ادبیات عرب، شرط لازم هر مفسر و مترجم است که در مبحث شرایط مترجم بدان اشاره خواهیم کرد؛ ولی در اینجا مقصود از «زبان قرآن» چیست؟

واژه «زبان» چند معنا و کاربرد دارد و تعاریف مختلفی برای آن شده است از جمله:

الف) اندام ماهیچه ای و متحرک داخل دهان که مهمترین ابزار گویایی است (۱) (معنای لغوی)؛

ب) گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی و انگلیسی؛ (۲) ج) زبان یکی از توانایی های ذهن انسان، برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است که تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است؛ (۳) د) از «سوسور» زبان شناس مشهور نقل شده که است «زبان مجموعه» (ساختار، سیستم: erutcartS) به هم پیوسته ای از نشانه هاست که اجزای آن به یکدیگر وابستگی تام دارند و ارزش هر واحدی تابع وضع ترکیبی آن است. (۴) زبان، از کارکردهای مختلفی برخوردار است از جمله: توصیف حقایق، تبیین علی - معلولی پدیده ها، فعل گفتاری، ترسیم احساسات درونی انسان، نقل تجارت، اندوخته ها و فرهنگ گذشتگان، پیوند مستمر میان گذشته و آینده و... که نقش پایه ای

ص: ۱۹۰

---

۱- (۱). نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، مهشید مشیری، ص ۵۳۴.

۲- (۲). لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ص ۱۱۱۳۰

۳- (۳). زبان و تفکر، محمدرضا باطنی، ص ۱۱۲

۴- (۴). نقل از: مبانی زبان شناسی، ابوالحسن نجفی، ص ۸

زبان‌ها ارتباط شناختاری و انتقال پیام است. (۱) نکته دیگر اینکه: ممکن است زبان، یک متن چند لایه و چند ساحتی باشد، همانطور که این مطلب در مورد برخی اشعار حافظ و آیات قرآن نیز، به چشم می‌آید.

به هر حال، مقصود از «زبان» در اینجا شیوه بیان مطالب و ویژگی‌ها و عناصر زبانشناسی قرآن است که برخی از آن ویژگی‌ها و عناصر، در مبانی ادبی، مبانی کلامی و مبانی تفسیری بیان شد.

به هر حال، زبان قرآن، دارای ویژگی‌هایی است که انتخاب تئوری زبانشناختی و اتخاذ مبنا در مورد آن‌ها لازم است، چونکه نقشی زیر بنایی در تفسیر و ترجمه قرآن دارد؛ برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

## ۱. واقع‌نمایی زبان قرآن

گزاره‌های قرآن در مورد تاریخ، اقوام، قصه‌ها و... همگی حکایت واقعیت است و خیالی، اسطوره‌ای و افسانه‌ای نیست؛ چرا که در قرآن، باطل راه ندارد و قصه‌های آن حق است. (۲) اگر کسی زبان قرآن را سمبلیک و اسطوره‌ای و غیر واقعی و بی‌معنا بداند، (۳) تفسیر و ترجمه قصه‌های قرآن، رنگ دیگری خواهد گرفت.

## ۲. عناصر فنی زبان قرآن

اگر زبان قرآن را زبان عرفی بدانیم، می‌توانیم تغییرات مختصری در مورد کلمات

ص: ۱۹۱

---

۱- (۱). تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، دکتر محمدباقر سعیدی روشن، ص ۲۰ - ۲۲.

۲- (۲). [إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ...] [آل عمران، ۱۶۲]

۳- (۳). برای اطلاع از تئوری‌های زبان، نک: زبان دین، دکتر علی زمانی؛ تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، دکتر محمدباقر سعیدی روشن، مبانی و روش‌های تفسیری، دکتر محمدکاظم شاکر.

معادل داشته باشیم؛ ولی اگر زبان قرآن را فنی و علمی بدانیم، پذیرش تغییرات مشکل است؛ برای مثال در زبان عرف فارسی می توان کلمه «زودپز» را بجای کلمه «فشارپز» (۱) به کاربرد با آنکه تکیه یکی بر مکانیسم عمل و تکیه دیگری بر نتیجه عمل است. (۲) البته در مورد قرآن، می توان گفت: زبان عرف خاص است، اما وقتی قرآن در مورد احکام و قوانین شرعی مثل ارث، قصاص، ازدواج، طلاق، عبادات و مالیات: خمس و زکات و... سخن می گوید، با زبان فنی و علمی دقیق، مطالب را بیان می کند که تسامحات عرفی در آن ها راه ندارد، بلکه مضر است.

بنابراین، مترجم لازم است به این نکته زبانشناختی قرآن توجه کند که گرچه زبان قرآن زبان عرف خاص است، اما گاهی با زبان فنی و علمی دقیق سخن گفته و دقت در ترجمه را می طلبد.

مثال: [ ... فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ... ]؛ (۳)

مکارم: «و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن ها است و اگر یکی باشد نیمی (از میراث) از آن اوست».

ترجمه جمعی: «و اگر آن (وارث) آن دخترانی (دو یا) بیش از دو باشند، پس دو سوم میراث، فقط برای آنان است، و اگر (وارث) یک [دختر] باشد، پس نیمی (از میراث) فقط برای اوست».

توجه به این نکته لازم است که در این آیات، «تقدیم ماحقه التأخیر» موجب «حصر» شده که مورد غفلت برخی مترجمان واقع شده است.

ص: ۱۹۲

---

۱- (۱) . ۱. Pressure cooker

۲- (۲) . مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۴۳

۳- (۳) . نساء، ۱۱

### ۳. اصطلاحات خاص در زبان قرآن

زبان قرآن، هرچند که همان زبان قوم و براساس عرف شکل گرفته، اما دارای اصطلاحات خاص است که معمولاً با معنای لغوی آن متفاوت است؛ این واژگان با مطالعه در قرآن و مقایسه آیات آن معنا پیدا می کنند؛ اگر مترجم قرآن به «اصطلاح بودن» این واژه ها توجه نکند و همان معنای لغوی آن ها را اخذ نماید گرفتار لغزش می شود.

مثال: واژه «کافر» به معنای «پوشیده» است؛ (۱) اما در قرآن کریم به منکران اصول دین مثل نبوت و معاد گفته می شود و واژه «ایمان» در اصل به معنای «آرامش و اطمینان» است؛ (۲) اما در اصطلاح قرآن به معنای «اعتقاد به خدا و معاد» و... است.

واژه «زکات» به معنای «رشد و پاکی» است؛ (۳) ولی در قرآن، به معنای مالیات خاص است.

تذکر: همانطور که در زبان مبدأ (عربی) اصطلاحات خاص وجود دارد، در زبان مقصد نیز اصطلاحات خاص وجود دارد که باید توجه به آن ها داشته باشیم تا گرفتار لغزش در ترجمه نشویم.

مثال: [ ...وَإِنْ تَخَاطَبُوهُمْ... ]؛ (۴) که «مخالطه» در فارسی به معنای «آمیزش» است؛ اما در عصر ما، واژه آمیزش در عرف فارسی به معنای آمیزش جنسی است، ازاین رو نمی توان آن را برابر «مخالطه» به کاربرد.

### ۴. توجه به کلمات کلیدی، کانونی و محوری

#### اشاره

در گذشته دانشمندان لغت شناسی، همچون راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن» و ابی منصور ثعالبی نیشابوری در کتاب «فقه اللغه» و علمای اصول الفقه در مبحث وضع تعیینی و تعینی و حقیقت شرعی و...، (۵) تا حدودی به کلمات کلیدی قرآن

ص: ۱۹۳

۱- (۱). المفردات، الراغب الاصفهانی، ماده «کفر».

۲- (۲). همان، ماده «امن»

۳- (۳). همان، ماده «زکا»

۴- (۴). بقره، ۲۲۰

۵- (۵). نک: کفایه الاصول، الآخوند محمد کاظم الخراسانی، ج ۱، ص ۲۴ و ص ۳۷ موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.

توجه کرده اند و اخیراً این پدیده، مورد توجه زبان‌شناسان و نشانه‌شناسان بزرگ قرار گرفته است، از جمله پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو مترجم ژاپنی قرآن و استاد دانشگاه مک گیل کانادا، تحقیق مفصلی در این مورد انجام داد، که تحت عنوان «خدا و انسان در قرآن» با ترجمه احمد آرام چاپ شده است، و نیز دکتر بی آزار شیرازی در جلد اول «قرآن ناطق» این مسئله را مورد تاکید قرار داده و توجه به این کلمات را از شرایط مترجم قرآن شمرده است. (۱) پروفیسور «ایزوتسو» واژگان این بحث را اینگونه تعریف می‌کند:

کلمات کلیدی: کلماتی که نقشی واقعاً قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند، به نام کلمات یا اصطلاحات کلیدی قرآن می‌نامیم؛ از قبیل کلمات: الله، اسلام، ایمان، کافر، نبی و رسول. (۲) مثال:

۱. واژه «کفر» در اصل به معنای «پوشاندن» است؛

۲. این واژه به معنای «انسان‌های ناسپاس» به کار رفته است، چون چشم خود را در برابر نعمت‌ها می‌بندند، این معنای کفر در برابر «شکر» است؛

۳. واژه «کفر» تحت تأثیر واژه «ایمان» و در ارتباط با کلمه «الله» قرار می‌گیرد و معنای ناسپاسی به عنایت الاهی پیدا می‌کند (این مرحله نخست گسترش معنایی این کلمه در قرآن است)؛

۴. واژه «کفر»، کم‌کم در قرآن به معنای نفی ایمان و ناباوری نزدیک می‌شود و دیگر ضد شکر نیست، بلکه ضد «آمن» است و کافر در برابر مومن قرار می‌گیرد (مرحله دوم گسترش معنایی کفر در قرآن).

ص: ۱۹۴

---

۱- (۱). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۰۴ - ۳۱۲

۲- (۲). خدا و انسان در قرآن، ص ۲۲ - ۲۳

۵. واژه «کفر»، تحت تأثیر مرادفاتی همچون «شرک» و لوازم آن واقع شده و پیروی از گمان، ضلالت، ظلم، و پیروی هوی، کبر و طغیان و ریشخند وحی و رسالت و انکار اصول سه گانه اسلام و ترک دستورات الهی، جزو مفاهیم اخلاقی آن می شود.

پروفسور ایزوتسو بر آن است که: با توجه به حوزه وسیع معنایی این واژه، بخوبی می توان دریافت که ترجمه این نوع کلمات به هیچ زبانی امکان پذیر نیست و واژه هایی همچون ناسپاسی، ناباوری، حق پوشی، (۱) ناگرویدن (۲) در فارسی یا «[reveilebnU](#)» (۳) در انگلیسی هر کدام جزء کوچک و محدودی از مفاهیم وسیع و پهناور این کلمه در قرآن هستند.

این نوع کلمات و اصطلاحات کلیدی را مانند کلمات اصطلاحی هر علم و مکتبی، باید همچنان محفوظ نگاه داشت و در آغاز یا پایان، تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات (گلاسری) مفاهیم آن ها را به طور فشرده توضیح داد. (۴)

### کلمات کانونی

در میان کلمات کلیدی، برخی از کلمات، «جنبه کانونی» برای سایر کلمات دارند، مقصود از «کلمات کانونی»، به کلمات کلیدی خاصی اطلاق می شود که نماینده و محدود کننده یک حوزه و محور تصوری هستند؛ یعنی: به اصطلاح، یک «میدان معنا شناختی» نسبتاً مستقل و متمایز در درون یک کل بزرگتر از واژگان محسوب می شوند.

مثال: واژه «ایمان» با همه کلمات مشتق شده از ریشه آن را، اگر از جنبه کانونی

ص: ۱۹۵

۱- (۱). چنانکه در ترجمه معزّی به کار رفته است.

۲- (۲). چنانکه در «المستخلص فی ترجمان القرآن»، محمد بن نصر بخاری، ص ۱۵ معادل گذاری شده است.

۳- (۳). چنانکه در ترجمه پیکتال به کار رفته و به معنای «ناباور و نامعتقد» است.

۴- (۴). نک: خدا و انسان در قرآن، پروفسور ایزوتسو، ترجمه احمد آرام، ص ۲۷ - ۲۲.



مورد توجه قرار دهیم، عدّه ای از کلمات کلیدی را همچون دانه های خوشه، پیرامون آن مشاهده می کنیم. که روی هم رفته، یک حوزه و محوطه تصویری را در داخل کلّ واژگان قرآنی تشکیل داده اند که برخی از این کلمات مانند «شکر»، «اسلام»، «تصدیق» و «الله»، در «جهت مثبت» و برخی کلمات، همچون: «کفر»، «تکذیب»، «عصیان» و «نفاق»، در «جهت منفی» پیرامون کلمه محوری «ایمان» قرار می گیرند. (۱)

## کلمات محوری

در هر سوره قرآن، کلمه یا کلماتی محوری وجود دارند که آیات و موضوعات گوناگون آن سوره را به یکدیگر مربوط می سازند، منتهی برخی محور خاص و برخی محور عام هستند؛ کلماتی مانند «عهد»، «میثاق»، «تقوی»، «تاویل»، «ذکر» و ... .

مثال: واژه «تقوی» که محور تمامی کتاب های آسمانی به طور عموم (۲) و محور قرآن، به طور خاص است. (۳) و محور سوره «بقره» به طور اخص.

به دلیل آنکه آیات [ الم أذْ لِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ] (۴) در مطلع این سوره آمده و اگر به قسمت های مختلف آن بنگریم، می بینیم که در هر قسمت بر روی

ص: ۱۹۶

---

۱- (۱) . همان، ص ۲۸ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۰۹

۲- (۲) . به دلیل آیه ۱۳۱، نساء

۳- (۳) . به دلیل آیه اول سوره بقره

۴- (۴) . بقره، ۱ - ۲

آن تکیه شده و با تمام موضوعات مورد بحث سوره، کاملاً در ارتباط است.

کشف و توجه به کلمات محوری به مترجم و مفسّر کمک خواهد کرد که به ارتباط آیات و ترجمه و تفسیر پیوسته دست یابد. (۱)

## بررسی

توجه به کلمات کلیدی، کانونی و محوری، یک اصل در فهم معانی واژگان و امری لازم برای تفسیر و ترجمه است و همانطور که در مقدمه بحث توضیح داده شد: این مطلب مورد توجه در آثار لغت شناسان قرآن، مثل «مفردات راغب اصفهانی» بوده است؛ هر چند که به نام کلمات کلیدی، محوری و کانونی نامیده نشده اند ولی اصل مطلب را توجه کرده اند که معنای لغوی کلماتی مثل «کافر» با معنای اصطلاحی آن تفاوت دارد.

این مطلب نیز صحیح است که تا حد امکان، تلاش شود که برخی از واژگان کلیدی قرآن در ترجمه حفظ شود؛ واژگانی مثل «کافر»، «مؤمن» و «ایمان» که در ترجمه های فارسی، معمولاً به همان صورت باقی می ماند، چرا که ترجمه آن ها بسیار مشکل است و گاهی ترجمه یک کلمه مانند واژه «الله»، چند جمله می شود «ذاتِ دارای تمام صفات کمال و جمال که تمام موجودات سرگشته اویند و به او پناه می برند و...» (۲) اما همه این مطالب، بدان معنا نیست که این واژگان به هیچ زبانی قابل ترجمه نیستند؛ بلکه ترجمه آن ها مشکل و طولانی خواهد شد؛ بنابراین، در موارد ضرورت، لازم است از معادل های نسبتاً گویا استفاده شود مثل واژه «خدا» در برابر «الله» که جنبه

ص: ۱۹۷

---

۱- (۱). نک: خدا و انسان در قرآن و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۱۱ - ۳۱۲

۲- (۲). واژه «الله» را از ریشه اله (عبد) اله (تحیر)، لاه (احتجب)، و لاه (محبوب) و برخی نیز غیر مشتق دانسته اند؛ (نک: مجمع البیان، ذیل آیه اول سوره حمد، المفردات، الراغب الاصفهانی و قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، واژه الله.

معنایی «واجب الوجود» بودن (خودآی) را می‌رساند؛ اما ابعاد معنایی دیگر «الله» را نمی‌رساند. (۱) توجه به کلمات محوری نیز لازم است و این مطلب در راستای فهم درست هدف قرآن و اهداف سوره‌ها قرار می‌گیرد که در مبحث مبانی تفسیری ترجمه قرآن بیان خواهد شد.

## ۵. عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن

زبان قرآن، همچون زبان مردم، دارای عام و خاص، مطلق و مقید، کنایات، مجازات، تشبیهات، مثال‌ها و ضرب‌المثلهاست؛ از این رو، براساس اصول محاوره عقلایی تفسیر و ترجمه (۲) و براساس عرف اهل زبان، کنایات و ضرب‌المثل‌ها و... معنا می‌شود.

برای مثال، آیه [ يَاأَخْتَهُرُونَ... ]؛ (۳) اگر بدون توجه به ضرب‌المثل بودن آن معنا شود، اینگونه ترجمه خواهد شد «ای (مریم) خواهر هارون!»؛ و همین مطلبی است که برخی مستشرقان را در مورد قرآن به لغزش انداخته، تا آنجا که گفته‌اند: این مطلب خطای تاریخی در قرآن است، چون هارون (برادر موسی) ده‌ها سال قبل از مریم، مادر عیسی زنده‌گی می‌کرد از این رو، مریم نمی‌تواند خواهر هارون باشد. (۴)

ص: ۱۹۸

۱- (۱). شهید مطهری رحمه الله در مورد واژه «الله» می‌فرماید: می‌توان گفت در فارسی، لغتی مترادف کلمه الله که بشود جای آن گذارد، نداریم و هیچ کدام رساننده تمام معنی الله نیستند؛ زیرا اگر CXE به جای الله «خدا» بگذاریم رسا نخواهد بود، چون خدا مخفف «خودآی» است که رساننده تعبیری است که فیلسوفان می‌کنند، یعنی واجب الوجود و یا شاید کلمه «غنی» که در قرآن آمده است، نزدیک تر باشد تا به «الله». (آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۳).

۲- (۲). قوانین اصول محاوره عقلایی در دانش «اصول الفقه» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- (۳). مریم، ۲۸

۴- (۴). نک: دفاع عن القرآن، عبدالرحمن البدوی، ص ۱۶۱ و دائره‌المعارف قرآن لایدن، ج ۱، مدخل هارون.

.Excylopoedia of the Quran, Aorom - Andrew Rippin

در حالی که این جمله ضرب المثلی متداول بین بنی اسرائیل بود که هرگاه شخصی بسیار پاکی را مورد خطاب قرار می دادند، به او می گفتند: «یا اخت هارون»؛ یعنی: «ای پاکیزه همچون خواهر هارون!».

این نکته در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز حکایت شده و در برخی تفاسیر نیز بدان تصریح شده است؛ [\(۱\)](#) همچنین در مورد تعبیراتی همچون [ضرب فی الارض]؛ (بقره / ۱۷۳ و نساء / ۹۴) که به معنای «مسافرت» است و نیز تعبیر [ماملکت ایمانهم]؛ (مومنون / ۶ و...) که به معنای «کنیزان» است؛ چنانچه مترجم قرآن به این عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن توجه نکند، همچون مستشرقان مزبور دچار خطا خواهد شد.

## ۶. تطور زبان مبدأ (و مقصد)

معنای واژه ها در طول اعصار تغییر می کند، برای مثال واژه «مکروه» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آیه [كُلُّ ذَلِكُمْ لَكُمْ كَانٌ سَيِّئٌ و عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا] [\(۲\)](#) به معنای «ناپسند» است، به طوری که شامل گناهان کبیره، همچون: قتل و زنا و... می شود، که در آیات قبل از آیه ۳۸ سوره «اسراء»، مطرح شده و «ذلک» به آن ها باز می گردد.

اما همین واژه «مکروه» بعد از عصر امام صادق علیه السلام به معنای «کار جایزی است که ترک آن بهتر است» که در عصر ما نیز همین معنای دوم مصطلح است.

مترجم برای ترجمه دقیق آیات، لازم است که به این تطور معانی توجه داشته باشد و با توجه به فضا و زمان نزول آیه، معنای اصلی را به دست آورد، و گرنه گرفتار لغزش در ترجمه خواهد شد.

البته همین تطور در زبان مقصد نیز، وجود دارد؛ یعنی: در طول اعصار، معانی

ص: ۱۹۹

۱- (۱). مجمع البیان، الطبرسی، ذیل آیه ۲۸ مریم و نیز، نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۳ و تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱.

۲- (۲). اسراء، ۳۸

واژه های فارسی و... تغییر می کند؛ بنابراین؛ نخست اینکه: نمی توان از مترجمان قبلی تقلید کرد و همان واژه ها را بدون بررسی معانی جدید دوباره به کار برد دوم اینکه:

روشن می شود که ما در هر عصری، نیاز به ترجمه جدیدی از قرآن داریم، تا براساس واژه های جدید و مناسب فهم مخاطب و نسل جوان ترجمه صورت گیرد.

مثال: [ ...وَإِنْ كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِلِ طِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا ... ]؛  
(۱)

مکارم: «واگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با زنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید»؛

جمعی (۲): «و اگر بیمارید یا در مسافرتید [و] یا یکی از شما، از مکان پستی (دستشویی) آمده، یا با زنان تماس (جنسی) داشتید و آبی (برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمین پاک [نیکو] تیمم کنید».

واژه «الغائط» به معنای مکان پست و کنایه از دستشویی است که بر اثر اشمئزاز معنا و سرایت آن به لفظ در طول زمان این واژه در فارسی تغییر کرده است از جمله: بیت الخلاء، مستراح، مکان قضای حاجت، دستشویی، توالت، سرویس بهداشتی و... که لازم است هر مترجم با توجه به واژه متداول در عصر خویش ترجمه کند، تا مخاطب، مراد آیه را متوجه شود.

## ۷. انتخاب زبان مقصد

یکی از مسائلی که در ترجمه نقش اساسی دارد، انتخاب مخاطب و زبان ترجمه است؛ چرا که زبان ترجمه می تواند زبان ادبی، فنی (علمی)، زبان عرفی و حتی شعر باشد.

ص: ۲۰۰

۱- (۱). مائده، ۶

۲- (۲). نخستین ترجمه جمعی قرآن کریم، از نگارنده و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.

انتخاب مبنا در این زمینه، سبک های ترجمه را به وجود می آورد که در مبحث روش ها و سبک های ترجمه، این مطلب توضیح داده می شود.

## ۸. چند ساحتی بودن زبان قرآن

در احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیه السلام و صحابه حکایت شده است که قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است؛ (۱) یعنی: علاوه بر دلالت ظاهری، دارای معانی پنهان است که گاهی با الغای خصوصیت بدست می آید؛ (۲) و گاهی با راهنمایی اهل بیت علیه السلام و راسخان در علم و دانشمندان که به منبع الاهی متصل هستند روشن می شود.

هر چند که در ترجمه، امکان بیان بطون قرآن، همواره ممکن نیست؛ ولی توجه به این نکته در ترجمه لازم است؛ چرا که گاهی لازم می آید برای فهم آیه به قرآینی که ما را به بطن رهنمود می شوند مراجعه کنیم؛ اینگونه قرآین در احادیث تفسیری (در منابع تفسیر روایی همچون: نورالثقلین، البرهان و...) بیان شده است.

تذکر: در این مورد، ذیل مبانی تفسیری قرآن و مبانی ادبی ترجمه قرآن (مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا) مطالبی بیان گردید.

## هشتم: مبانی روش شناختی ترجمه قرآن

### اشاره

۱. هر مترجم، ممکن است براساس اهداف، انگیزه ها و مخاطب خود، روش خاصی را برای ترجمه انتخاب کند، که این یک انتخاب اساسی خواهد بود و به ترجمه جهت و ساختار مطلوب خواهد بخشید؛ اگر مترجم، روش «تحت اللفظی» یا روش «هسته به هسته» یا روش «ترجمه آزاد» (تفسیری) را انتخاب کرد، پیامدها و لوازمی دارد که

ص: ۲۰۱

---

۱- (۱). نک: بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۷۸ به بعد

۲- (۲). آیةالله محمدهادی معرفت، دسترسی به بطن را از راه الغای خصوصیت می داند؛ (نک: التفسیرالاثری الجامع، ج ۱، ص ۲۹ به بعد)

باید به آن‌ها پایبند باشد؛ در مبحث روش‌ها و سبک‌های ترجمه، این مطلب توضیح داده می‌شود؛

۲. انتخاب روش صحیح تفسیری: در تفسیر قرآن لازم است که بر اساس روش صحیح و معتبر، مثل روش «تفسیر قرآن به قرآن»، روش «تفسیر روایی»، روش «تفسیر عقلی»، روش «تفسیر علمی» (علوم تجربی قطعی) و روش «تفسیر اشاری صحیح» (باطنی معتبر)، تفسیر صورت گیرد؛ (۱) و از آنجا که ترجمه قرآن، خلاصه تفسیر است، لازم است که همین مبنای روش شناختی در آن، مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود؛

۳. پرهیز از پیشداوری: تفسیر و ترجمه قرآن، باید از پیشداوری‌های غیر ضروری و غیر صحیح به دور باشد؛ یعنی: مفسر و مترجم، به صورت داوری منصف به محضر قرآن بروند تا حقیقت را دریابند و تا حد امکان خود را از پیش فرض‌ها و تحمیل نظرات بر قرآن دور سازند؛ چونکه این مطلب، منتهی به تفسیر به رأی می‌شود. (۲) این موضوع، یکی از مبانی روش شناختی ترجمه قرآن است؛ همانطور که از مبانی تفسیری ترجمه محسوب می‌شود.

ص: ۲۰۲

---

۱- (۱). روش‌های صحیح تفسیر، براساس منابع صحیح تفسیر شکل می‌گیرد که در مبحث مبانی تفسیر، بیان شد؛ برای اطلاع بیشتر، نک: درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، از نگارنده.

۲- (۲). در مورد «تفسیر به رأی، ذیل مبحث مبانی تفسیری و در مورد «پیش فرض‌های ضروری»، ذیل مبحث مبانی کلامی، مطالبی بیان شد».

۱. دلایل فقهی جواز و عدم جواز قرائت ترجمه قرآن در نماز را بررسی کنید.

۲. تأثیر مبانی فقهی مترجمان قرآن را در ترجمه آیه «متعه» بررسی کنید.

۳. دیدگاه پروفیسور «ایزوتسو» در واژگان قرآن و تأثیر آن را در ترجمه آیات قرآن، بررسی کنید.

۴. دیدگاه «رشید رضا» را در المنار در مورد ترجمه قرآن، نقد و بررسی کنید.

۵. تأثیر مبانی کلامی مترجمان قرآن را در آیات زیر بررسی کنید:

(الف) [ ... يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ... ]؛ (۱)

(ب) [ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ ... ]؛ (۲)

(ج) آیات ولایت (مائده / ۵۵ و ۶۷ و...)

(د) [ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ ... ]؛ (بقره، ۲۹ - فصلت، ۱۱)

(ه) [ ... اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ... ]؛ (و مضامین مشابه: اعراف / ۵۴ - یونس / ۳ - رعد / ۲ - فرقان / ۵۹ - سجده / ۴ - حدید / ۴ - طه / ۵)

(و) [ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا ... ]؛ (انفال / ۶۶)

(ز) [ وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ]؛ (فجر / ۲۲)

(ح) [ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا ... ]؛ (قمر / ۱۴)

۶. در مورد نظریه های مختلف در باب «زبان قرآن» و تأثیر آن در ترجمه آیات تحقیق کنید.

۷. در مورد تأثیر کم اطلاعی مترجمان از ادبیات، در ترجمه قرآن پژوهش کنید و مثال های متنوعی را در این زمینه ارائه نمایید.



۱. خدا و انسان در قرآن، پروفیسور ایزوتسو، ترجمه احمد آرام؛
۲. تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، دکتر محمدباقر سعیدی روشن؛
۳. تفسیر المنار، ج ۹، رشید رضا؛
۴. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار؛
۵. البیان فی تفسیر القرآن، آیہاللہ الخوئی رحمہ اللہ؛
۶. یادگار نامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس (مقالات متعدد، از نویسندگان)؛
۷. التفسیر و المفسرون فی ثوبہ القشیب، محمد هادی معرفت؛
۸. مناہل العرفان، فی علوم القرآن، ج ۲، الزرقانی؛
۹. فقه القرآن، محمدفاکر میبدی؛
۱۰. مستمسک العروہ الوثقی، السید محسن الحکیم.

اهداف آموزشی: (۱) شناخت ضوابط موثر در اصل اعتبار ترجمه؛ (۲) شناخت ضوابط موثر در استواری و کمال ترجمه.

### مفهوم شناسی ضوابط و قواعد ترجمه قرآن

#### اشاره

مقصود از ضوابط و قواعد ترجمه، قوانین حاکم بر ترجمه است که رعایت آن‌ها در استواری و کمال ترجمه موثر است و گاهی عدم رعایت برخی از آن‌ها، باعث اعتباری ترجمه می‌شود.

آری فن ترجمه، همچون تفسیر، دارای ضوابط و قواعد خاص خویش است که این ضوابط دو گونه اند:

#### اول: ضوابط موثر در اصل اعتبار ترجمه

مهمترین این ضوابط عبارتند از:

۱. ترجمه قرآن توسط مترجم دارای شرایط انجام گیرد؛
۲. در ترجمه قرآن، از ترجمه و تفسیر به رأی پرهیز شود؛
۳. در ترجمه قرآن، مبانی و اصول ترجمه رعایت شود. (۱)

ص: ۲۰۵

---

۱- (۱). شرایط مترجم و ترجمه به رأی و مبانی و اصول ترجمه، در مباحث مستقلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

رعایت نکردن این ضوابط در ترجمه قرآن، آن را غیر معتبر می سازد؛ چرا که اگر مترجم دارای شرایط نباشد، مثلاً: شرایط مفسر قرآن را نداشته باشد، تفسیر و ترجمه را بدون علم و تخصص انجام خواهد داد و این یکی از مصادیق تفسیر به رأی بوده و حرام و ممنوع است و همین گونه اگر کسی میانی و اصول ترجمه را رعایت نکند، در اکثر موارد دچار ترجمه به رأی خواهد شد.

البته ممکن است بگوییم: هر چند که همه مترجمان نیکوست که ضوابط فوق را در ترجمه رعایت کنند؛ اما تأثیر خاص این ضوابط، مخصوص ترجمه قرآن است؛ یعنی: ممکن است کسی ترجمه به رأی را در مورد آثار افلاطون انجام دهد و موجب بی اعتبار شدن ترجمه خویش گردد و کاری غیر اخلاقی به شمار آید؛ اما این مطلب حرام شرعی به شمار نیاید، لکن در ترجمه قرآن، ترجمه به رأی، همچون تفسیر به رأی، حرام است، چون نسبت دادن چیزی به خدا و نوعی افترا محسوب می شود.

## دوم: ضوابط و قواعد موثر در استواری و کمال ترجمه

### اشاره

اکثر این ضوابط و قواعد، مخصوص ترجمه قرآن نیستند بلکه لازم است که در تمام ترجمه ها رعایت شوند، تا ترجمه، استوار، دقیق و با کمال تر شود؛ اما رعایت نکردن این ضوابط، موجب بی اعتباری ترجمه نمی شود، البته این ضوابط و قواعد، به صورت حداقلی و ناخودآگاه، توسط همه مترجمان رعایت می شوند، لیکن رعایت کامل آن ها لازم است.

برخی از مهمترین این قواعد و ضوابط عبارتند از:

### ۱. سلاست ترجمه (سادگی و روانی)

ترجمه قرآن بر اساس تعریفی که از مخاطب آن می شود شکل می گیرد و سطح علمی آن مشخص می شود و سبک های مختلفی پیدا می کند؛ (۱) اما در همه اقسام ترجمه،

ص: ۲۰۶

---

۱- (۱). روش ها و سبک های ترجمه قرآن در مقاله مستقلی مورد بررسی قرار گرفته است.

می توان به دو زبان سخن گفت:

نخست: زبان ثقیل، مشکل و پیچیده، همراه با اصطلاحات فنی و علمی؛

دوم: زبان ساده، روان و سلیس که برای مخاطب سهل الوصول و خوشایند بوده و بتواند در کوتاه ترین زمان، براحتی پیام کلام را درک کند.

روشن است که ترجمه باید علمی، استوار و صحیح باشد؛ ولی این مطالب با رعایت سادگی و روانی و سلاست منافات ندارد.

آیه الله مکارم شیرازی در پی نوشت ترجمه خود، بر روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم بودن ترجمه پافشاری نموده و یادآور می شود که در ترجمه قرآن از زبان روزمره توده مردم استفاده کرده است. (۱) دکتر بی آزار شیرازی نیز «روان بودن» را لازمه هر ترجمه می شمارد؛ (۲) برخی نویسندگان هم نوشته اند: «از به کارگیری اصطلاحات علمی و فنی در ترجمه قرآن باید پرهیز کرد؛ زیرا ترجمه برای عموم است»؛

تذکر ۱: در مورد تعارض «سلاست» با «دقت» در ترجمه، در «مبانی ادبی ترجمه»، مطالبی بیان شده است.

تذکر ۲: به کار بردن اصطلاحات علمی و فنی در ترجمه، برای مخاطبان عام، مناسب نیست؛ اما اگر سبک ترجمه، سبک فنی و علمی باشد، مثلاً: ترجمه برای متخصصین خاص (در آیات پزشکی، کیهان شناسی، فقهی) انجام گیرد، در این موارد، استفاده از اصطلاحات فنی، بدون اشکال، بلکه لازم است؛ (۳) البته مناسب است در

ص: ۲۰۷

---

۱- (۱). القرآن الکریم با ترجمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، پی نوشت، قطع جیبی، ۱۳۷۸ ش.

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۲۹۹

۳- (۳). در این مورد مثال هایی در مبحث سبک ها و روش های ترجمه بیان شد.

ابتدای ترجمه، این مطلب گوشزد شود.

و نیز هیئت علمای «الازهر» در مورد ترجمه قرآن تاکید کردند: «تا آنجا که ممکن است تفسیر (ترجمه تفسیری) خالی از اصطلاحات و مباحث علمی باشد، مگر آنچه را که فهم آیه می طلبد». (۱)

## ۲. امانت در ترجمه

ترجمه مطلوب، ترجمه پایبند است؛ یعنی: محتوا و ظرایف لفظی کلام باید به صورت کامل در ترجمه، منعکس شده و کم و زیاد نگردد.

به عبارت دیگر: مترجم بر اساس دیدگاه و تمایلات کلامی، سیاسی و... در ترجمه عمل نکند و ترجمه قرآن را آینه افکار و سلیقه های شخصی خویش ننماید و به بیان حسن هیکل نویسنده مصری: در هنگام ترجمه، تألیف جدید نکند.

البته گاهی برای فهماندن بهتر معنای کلام، مترجم ناچار می شود که برخی مطالب را به ترجمه بیفزاید که در این موارد آن ها را در داخل پرانتز یا گروه قرار می دهد تا با متن اصلی مخلوط نشود؛ و نیز برخی مترجمان ممکن است مطالب جزئی (مثل حروف عطف و...) را از زبان مقصد حذف کنند یا معادلی برای آن نیابند که در این موارد، لازم است این مبنا و مطلب را در مقدمه ترجمه اعلام کنند (۲) و موارد ترجمه ناشده را فهرست نمایند. (۳) یکی دیگر از نمادهای امانت در ترجمه، اعلام منابع و متون مورد استفاده در ترجمه است؛ استفاده از متن ترجمه های دیگر و تجربیات آن ها، امری طبیعی و ضروری است؛ ولی اعلام نکردن آن ها در مقدمه یا انکار آن ها، امری خلاف اخلاق و اصل امانت داری است و گاهی، نوعی سرقت علمی به شمار می آید.

ص: ۲۰۸

---

۱- (۱). مجله الازهر، ش ۷۰، ص ۸ - ۶۴۹ و مناهل العرفان، ج ۲، ص ۵ - ۶۷

۲- (۲). در مورد حذف و اضافه موارد جزئی در مبانی ترجمه قرآن، مطالبی بیان شد.

۳- (۳). در مبحث مبانی ترجمه قرآن، لیستی از حروف و کلمات ترجمه نشده، اولین ترجمه جمعی قرآن را ارائه کردیم.

### ۳. جداسازی متن ترجمه از توضیحات اضافی

یکی از قواعد ترجمه، جداسازی متن از توضیحات به وسیله پرانتز یا علائم مشابه است تا خواننده بتواند بین کلام الاهی و کلام مترجم، تفاوت بگذارد و اشتباه نشود.

در این مورد، ذیل مبحث امانت در ترجمه و نیز مبانی ادبی ترجمه، مطالبی بیان شد.

مثال: [ ... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ ... ]؛ (۱)

فیض الاسلام: «در حالی که (کسی) جز خدا و راسخون، یعنی: استواران و توانایان در علم و دانش (پیغمبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین) تاویل و معنای آیات متشابه را نمی دانند».

مثال دیگر: [ ... فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ ... ]؛ (۲)

فیض الاسلام: «پس کسی که به طاغوت، یعنی: بهر معبود و پرستیده شده ای جز خدا، کافر شود و به خدا ایمان آورد».

مثال دیگر: [ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ ... ]؛ (۳)

بهبودی: «او همان خدایی است که نعمت های زمین را برای مهمانی شما مردم آفرید، سپس به سوی آسمان پرکشید و گازهای آسمانی را در قالب هفت پیکر آسمانی پیراست...».

در این مثال ها لازم بود تا مواردی که مشتمل بر توضیح مترجم است در پرانتز آمده و از متن جدا ذکر می شد.

### ۴. رعایت علائم نگارشی و سجاوندی (ویرایش)

یکی از قواعد ترجمه در عصر حاضر، رعایت علائم نگارشی مثل ویرگول، نقطه، پرانتز، گروه و... براساس کاربردهای صحیح هر کدام و یا اعلام موارد کاربرد

ص: ۲۰۹

۱- (۱). آل عمران، ۷

۲- (۲). بقره، ۲۵۶

۳- (۳). بقره، ۲۹

توسط مترجم است.

درج نشدن این علایم موجب لغزش در فهم ترجمه یا ابهام آن می شود، ازاین رو ضرورت ویرایش ترجمه روشن تر می شود.

مثال: [ ...قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ... ]؛ (۱)

فولادوند: «بگو: کارزار در آن، گناهی بزرگ و [بازداشتن از] راه خدا».

در این ترجمه، واژه «گناهی» اضافه مترجم است که لازم است داخل پرانتز قرار گیرد؛ ولی قرار نگرفته است و واژه «بازداشتن»، معادل «صد» است که در متن آیه است و لازم است بیرون از گروه باشد.

مثال دیگر: [ ...الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ]؛ (۲)

فولادوند: «در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند - چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - برایشان یکسان است؛ [آن ها] نخواهند گروید».

در این ترجمه، جمله «چه بیمشان دهی و چه بیمشان ندهی» به عنوان جمله معترضه آمده است، در حالی که جزء اصلی جمله است.

مثال دیگر: [ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غَشَاةٌ... ]؛ (۳)

معزی: «مهر نهاد خدا بر دلهاشان و بر گوش ایشان و بر دیدگان ایشان پرده ای».

در این ترجمه، لازم بود که بعد از «بر گوش ایشان» ویرگول آید، سپس جمله «و بر دیدگان ایشان پرده ای» قرار گیرد تا معلوم شود که پرده، مربوط به چشم ها است.

از طرف دیگر، زیاده روی در استفاده از علایم نگارشی نیز، گاهی خسته کننده است و لزومی ندارد:

مثال: [ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ... ]؛ (۴)

ص: ۲۱۰

۱- (۱) . بقره، ۲۱۷

۲- (۲) . بقره، ۶

۳- (۳) . بقره، ۷

۴- (۴) . توبه، ۳۶

فولادوند: «در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است، از این [دوازده ماه]، چهارماه، [ماه] حرام است».

در این ترجمه که بخشی از آیه است، علامت «کاما و کاما نقطه» هفت بار تکرار شده است که لزومی ندارد.

## ۵. اختصار در ترجمه

یکی از تفاوت‌های ترجمه و تفسیر، مختصر بودن ترجمه و مفصل بودن تفسیر است؛ البته در ترجمه تفسیری (ترجمه آزاد) برخی توضیحات ضروری در پراگماتیک اضافه می‌شود؛ اما نباید این مطلب به حد افراط برسد به طوری که ترجمه به اندازه یک تفسیر مفصل شود؛ همانطور که گاهی در ترجمه، مرحوم فیض الاسلام دیده می‌شود رعایت این قاعده، مرز ترجمه و تفسیر را مشخص و روشن می‌سازد.

البته در اینجا لازم است به دو نکته توجه شود:

نخست اینکه: مترجم تلاش نماید (به ویژه در روش ترجمه تفسیری آزاد) که دخالت عناصر تفسیری را به حداقل برساند و از توضیحات اضافی بکاهد؛

دوم اینکه: هرگاه اختصار کلام با روان بودن ترجمه در تعارض بود، روان بودن و خوش فهم بودن ترجمه را بر اختصار مقدم دارد و ترجمه را همراه با توضیحات کوتاه داخل پراگماتیک و... بیاورد.

## ۶. نظم و همگونی در ترجمه

معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست و همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوارتر است، ولی به هر حال، ضروری است؛ چرا که این همسان‌سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌سازد و



یکی از نقدهایی که معمولاً در مورد ترجمه‌ها وجود دارد عدم رعایت این قاعده است.

بنابراین در ترکیب‌ها و جمله‌ها و کلمات مشابه، لازم است که از قبل، معادل یابی دقیق انجام شود و براساس آن سراسر ترجمه، یکدست انجام شده و یکسان سازی شود.

مثال: واژه «ان» در فارسی حدود دوازده معادل دارد: «همانا، بدرستی، براستی، در حقیقت، در واقع، بتحقیق، هرآینه، قطعاً، حتماً، بی شک، بی تردید و البته».

مترجم قرآن وظیفه دارد که از قبل، معادل «ان» را انتخاب کند یا اگر براساس کاربردهای مختلف آن چند معادل انتخاب می‌کند، اعلام نماید تا نظم همگونی کلمات و آیات در ترجمه منعکس و روشن شود.

برای مثال: انّ + لام تاکید: «قطعاً» (مثل هود / ۹ و ۱۰) و لام تاکید: «حتماً» (مثل هود / ۱۱۸).

برخی نویسندگان با طرح «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ابعاد آن را اینگونه بر شمرده اند:

الف) یکسانی در ترجمه اسم‌ها و فعل‌ها (مثل حکیم، حلیم، غفور...)

ب) یکسانی در ترجمه حروف (مثل من بعضیه، کم استفهامی، لام جحد و...)

ج) یکسانی در ترجمه تعبیرها و ترکیب‌های مشابه (مثل متاع الحیوه الدنیا...)

د) یکسانی در ترجمه جملات مشابه (مثل ثم استوی علی العرش و...)

ه) یکسانی در ترجمه آیات مشابه (مثل فبای آلاء ربکما تکذبان...)

و) یکسانی در ترجمه ساخت‌های نحوی قرآن (مثل مفعول له، جمله حالیه و...)

ز) یکسانی در ترجمه الگوهای بیانی (مثل هل عسیتم - ها انتم هؤلاء...)

ح) یکسانی در تقدیرهای مترجم و ویرایش و نثر ترجمه. (۱) مثال: [ ... وَ لَاتُخْطِئِنِی فِی الدِّینِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ] ؛

ص: ۲۱۲

این آیه، در ترجمه الاهی قمشه ای چند گونه ترجمه شده است؛

«و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر سخن مگوی»؛ (هود / ۳۷)

«و به شفاعت ستمکاران (حتی فرزندان ناهلت) با من سخن مگو (و تقاضایی مکن) که البته آن ها باید همه غرق شوند»؛ (مومنون / ۲۷).

مثال دیگر: [بالبینات و الزبر]؛ در ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی چند گونه ترجمه شده است:

«حجت ها و صحیفه ها» - (آل عمران / ۱۸۴)؛

«دلایل و کتابها» - (نحل / ۴۴)؛

«نشانه های واضح و نامه های الاهی» - (فاطر / ۲۵).

تذکر: البته در مورد معادل یابی لازم است به وجوه و نظایر و مترادف ها توجه ویژه شود که در مبحث مبانی ترجمه قرآن (بحث مبانی ادبی ترجمه) این مطلب توضیح داده شد.

## ۷. ترجمه، براساس نثر معیار و ادبیات پیشرفته

در ترجمه می توان از سه نوع نثر استفاده کرد: نثر عامیانه، نثر ادیبانه و نثر معیار:

الف) نثر عامیانه، که از سطح نازل ادبی برخوردار است و مناسب کتاب های علمی و معتبر نیست؛

ب) نثر ادیبانه، که زبانی فاخر، شیرین و زیبا دارد و همراه با واژگان و اصطلاحات جدید و گاه نامأنوس برای عموم مردم است.

مثال: [ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَالِ ضِیْنًا ]؛ (۱)

خرمشاهی: «و با ژاژ خایان، ژاژ خایی می کردیم».

واژه «ژاژ خایان» در بین مردم فارسی زبان عصر ما، چندان رایج نیست ازاین رو در

ص: ۲۱۳

ترجمه جمعی، از «فرورفتگان (در باطل)» و آیه الله مکارم شیرازی از «اهل باطل» و فولادوند از «هرزه درایان» استفاده کرده اند.

ج) نثر معیار، که واژگان آن رسا، استوار و قابل فهم برای عموم مردم است؛ یعنی:

نثری که در کتاب های معتبر و متون علمی (بدون لحاظ اصطلاحات فنی) به کار می رود.

در ترجمه قرآن، نثر قسم سوم مطلوب است تا مخاطب برای فهم آن دچار مشکل نشود و ترجمه گرفتار ابتذال و عوام زدگی نگردد؛ به عبارت دیگر: در ترجمه قرآن نباید از لغات غیر مشهور، مشکل و عامیانه بهره جست؛ البته رعایت این ضابطه و قاعده در سراسر متن ترجمه دشوار است؛ اما لازم است مترجم قرآن، حداکثر تلاش خود را بنماید.

آیه الله مکارم شیرازی در مورد نثر مورد استفاده خویش در ترجمه می نویسند:

(این ترجمه) از نوع ترجمه به زبان توده مردم است و به همین دلیل در بسیاری از موارد، الفاظ عربی که آمیخته به زبان فارسی شده و جزیی از آن گردیده و کاملاً مأنوس است به جای واژه های فارسی «سره»ی نامأنوس نشسته است؛ زیرا هدف «لسان قوم» بوده که قرآن بر آن تاکید دارد، نه «لسان ادبای قوم» و مقصود اصلی هم معانی است نه ارائه یک متن ادیبانه». (۱) البته، مقصود ایشان از زبان قوم و زبان توده مردم، نثر عامیانه نیست؛ بلکه مقصود ایشان همان «نثر معیار» است؛ از این رو در ترجمه نیز، همین راه را پیموده اند.

تذکر: در زبان معیار فارسی، برخی واژگان عربی وجود دارد که در طول اعصار به کار رفته و بومی شده اند و معنای آن نزد مردم واضح بوده و امروزه جزئی از زبان فارسی به شمار می آیند که گاهی معادل یابی برای آن ها دشوار و نامأنوس می شود؛ مثل واژه های «ایمان، زکات، خمس، مومن، کافر، منافق و...» که هر کدام بار معنایی خاص خود را دارند.

ص: ۲۱۴

---

۱- (۱). القرآن الکریم، با ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، پی نوشت، صفحه دوم، قطع جیبی، ۱۳۷۸ ش.

اما گاهی برخی واژه های عربی در زبان فارسی به کار می رود که معنای آن نزد مردم واضح نیست و نیاز به ترجمه دارد؛ مثل واژه «تقوا» که مفهوم اجمالی آن را مردم متوجه می شوند؛ اما مفسران و مترجمان نیز در مورد معنای آن اختلاف نظر دارند؛ ازاین رو، به معنای «پرهیز»، «ترس»، «خودنگهداری» و... آورده اند؛ پس لازم است که مترجم موضع خود و معنای کلمه را روشن سازد و معادل فارسی مانوس آن را به کار ببرد. (۱)مثال: [ ...هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ]؛ (۲)

دهلوی: «رهنماست پرهیزکاران را»؛

خواجوی: «راهنمای تقوی پیشگانست»؛

فارسی: «هدایت است برای پرهیزکاران»؛

مکارم: «مایه هدایت پرهیزکاران است»؛

جمعی: «راهنمای پارسایان (خودنگهدار) است».

## ۸. توجه دقیق به دلالت های آیه

یکی از نویسندگان در این مورد می نویسد: «باید با دقت تمام، محتوای هر آیه، با دلالت های لفظی آن، چه اصلی و چه تبعی، مورد عنایت قرار گیرد». (۳)مثال: در همان آیه: [ ...نَخُوضُ مَعَ الْخَالِ ضَعِيفِينَ ]؛ (۴) معنای اصلی آن «فرو رفتن با فروروندگان» است؛ اما با توجه به سیاق آیات و تفسیر آن ها که در مورد دوزخیان و عوامل دوزخی شدن است، روشن می شود که معنای «فرو رفتن در باطل» است؛ ازاین رو، بر مترجم لازم است که به این مطلب توجه کند و به نوعی در گوشه و یا پرانتز به «باطل» اشاره کند.

ص: ۲۱۵

---

۱- (۱). در مورد واژه «تقوی» در بند ۹ (انتخاب نزدیک ترین معادل در زبان مقصد) توضیح خواهیم داد.

۲- (۲). بقره، ۲

۳- (۳). اصول و مبانی ترجمه، علی نجار، ص ۳۲

۴- (۴). مدثر، ۴۵

مثال دیگر: [ ...حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ... ]؛ (۱)

بهبودی: «تا آن لحظه که نخ سفید در اثر روشنایی نور فجر از نخ سیاه ممتاز شود».

در این ترجمه، مترجم گمان کرده است که «خیط» به معنای حقیقی خود یعنی «نخ» است در حالی که معنای کنایه آن مقصود است؛ یعنی: رشته سفید بامداد از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد.

## ۹. انتخاب نزدیکترین معادل در زبان مقصد

برخی از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسند: «باید با انتخاب نزدیک‌ترین معانی و مناسب‌ترین قالب در زبان مقصد، معنا و مفهوم کامل آیه در متن ترجمه شده ظاهر شود». (۲) مثال: در مورد [ خائضین ]؛ (۳) ملاحظه شد که برخی آن را به «ژاژخایان»، «اهل باطل»، «هرزه‌دران» و «فرو روندگان (در باطل)» ترجمه کرده بودند.

و نیز «تقوا» را برخی به معنای «پرهیز»، «تقوا»، «پارسایی» و «خودنگهداری» ترجمه نمودند که لازم است با توجه به عرف زبان مقصد و فهم مخاطبان در هر زمان؛ نزدیکترین و دقیق‌ترین معادل، انتخاب شود که در مورد فوق به نظر می‌رسد معنای اخیر اینگونه است؛ چرا که واژه «تقوا» در اصل از ریشه «وقی» به معنای «حفظ خویش از زیان» است (۴) و این معنا با خودنگهداری و پارسایی سازگارتر است تا پرهیزکاری؛ چرا که تقوا به معنای گوشه‌نشینی و کناره‌گیری نیست، بلکه به معنای ماندن میان اجتماع و حفظ خویش است.

و نیز در مورد واژه «مالک» در آیه [ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ]؛ (۵) در ترجمه سراج معادل

ص: ۲۱۶

۱- (۱). بقره، ۱۸۷

۲- (۲). تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، ص ۱۹۹ چاپ چهارم ۱۳۸۱ ش

۳- (۳). مدثر، ۴۵

۴- (۴). نک: التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ماده «وقی»

۵- (۵). حمد، ۴

فارسی «صاحب اختیار» آمده و در ترجمه محدث دهلوی معادل «خداوند» آورده شده است. در حالی که خود واژه «مالک» در فارسی امروز رساترین معادل «مالک» در زبان عربی است و کاملاً در فارسی بومی شده است.

### ۱۰. انتقال بار عاطفی جملات و سبک بیان برای تأثیرگذاری

هر جمله یا گروهی از جملات، بار عاطفی خاص خویش را دارند، گاهی متن، یک واقعه جنگی و حماسی را حکایت می کند و گاهی یک مبحث اخلاقی را بیان می کند و گاهی یک صحنه دلخراش را به تصویر می کشد و... که هر کدام سبک و بار عاطفی و شیوه بیان خاصی در زبان مبدأ دارد که مترجم می تواند با هنرنمایی خاصی آن ها را به زبان دوم منتقل کند؛ این بار عاطفی جمله، نه تنها موجب تأثیرگذاری بیشتر متن در مخاطب می شود، بلکه گاهی موجب فهم بهتر متن نیز می شود، انتقال بار عاطفی جملات، گاهی در سبک بیان و گاهی در انتقال فضای عاطفی و احساسی و گاهی به وسیله علائم نگارشی تعجب و سؤال و مانند آن تحقق می یابد.

برخی نویسندگان در مورد ترجمه نوشته اند که: «مترجم باید متن مورد نظر را به گونه ای ترجمه کند که تأثیر متن ترجمه شده کم و بیش همانند تأثیری باشد که متن اصلی آن در خواننده خود ایجاد کرده است»؛ (۱) و از برخی دیگر حکایت شده که باید در متن ترجمه شده پنج خصوصیت وجود داشته باشد تا بتواند تأثیر مشابه ای بر جا گذارد:

الف) محتوای متن مبدأ، به صورت کامل به زبان مقصد انتقال یابد؛

ب) شیوه بیان، حتی الامکان در ترجمه حفظ شود؛

ج) نوع و سبک متن مبدأ و ویژگی های آن در ترجمه حفظ شود؛

ص: ۲۱۷

---

۱- (۱). بررسی ترجمه های قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ص ۱۸.

د) روانی کلام؛ یعنی: ترجمه، زبانی ساده، روشن و طبیعی داشته باشد و فاقد جملات و تعبیراتی باشد که با معیارهای زبان مقصد نامأنوس هستند؛

ه) انتقال روح متن مبدأ، متن در مثل، همچون جنگل است؛ درختان نباید مانع از آن شوند که مترجم جنگل را نبیند، مترجم باید روح اثر را درک نماید... و هم پیام و هم منظور نویسنده را انتقال دهد. (۱) آیه الله معرفت در مورد ترجمه معتقد است که ترجمه باید تمام ابعاد معنای کلام و دقایق آن را بیان کند و می نویسد:

يجب في الترجمة ان تكون وافية بتمام ابعاد المعنى المراد من الاصل، حتى في نكاته و دقائقه الكلاميه ذات الصله باصل المراد، كنايةً او تعريضاً او تحزناً او تحسيراً او تعجيزاً، و نحو ذلك من انحاء الكلام المختلف في الايفاء و البيان، و المختلف في الاسلوب و النظم و غير ذلك مما هو معروف. (۲) مثال: [ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ أَوْ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ أَوْ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ أَوْ إِذَا الْعُشَّارُ عُطِّلَتْ أَوْ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ أَوْ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ أَوْ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ]؛ (۳)

فولادوند: «آنگاه که خورشید به هم در پیچد، و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند، و آنگاه که کوه ها به رفتار آیند، وقتی شتران ماده وانهاده شوند، و آنگاه که وحوش را همی گرد آرند، دریاها آنگاه که جوشان گردند، و آنگاه که جان ها به هم در پیوندند».

تذکر: در این ترجمه، مترجم تلاش کرده تا وزن و قافیه همه آیات همسان باشد همانطور که متن آیات سوره تکویر اینگونه است.

مثال دیگر: [ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ]؛ (۴) است که بار عاطفی سرزنش دوزخیان را دارد؛ ولی در ظاهر (بدون لحاظ سیاق آیات قبل) مدح مخاطب است؛ مترجم لازم

ص: ۲۱۸

۱- (۱). فصلنامه مترجم، سال اول، ش ۱، ص ۱۷ - ۱۸ به نقل از آقای فان دونگ نیگ ( nohZ naF gniqy ).

۲- (۲). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج، ص ۱۱۶

۳- (۳). تکویر، ۱-۷

۴- (۴). دخان، ۴۹

است در این گونه موارد به نوعی بار عاطفی جمله را در ترجمه منعکس سازد و بیان کند که این جمله کنایه آمیز است. (۱) بررسی: انتقال سبک بیان و بار عاطفی جملات، نه تنها برای تأثیرگذاری، که برای فهم مطلب نیز موثر است؛ ولی توجه به دو نکته لازم است، نخست آنکه: در برخی موارد نمی توان تمام بار عاطفی و سبک بیان را به زبان مقصد منتقل کرد، پس این مطلب امری نسبی است.

دوم آنکه: این قاعده ترجمه در حقیقت به مبحث یکی از سبک های ترجمه باز می گردد که در جای خود بیان شد و نیز به شرایط مترجم (یعنی: هنرمندی و هنرنمایی مترجم) باز می گردد که به عنوان شرط کمال، بیان گردید.

## ۱۱. توجه به پیوستگی و ارتباط بخش های مختلف متن

### اشاره

بخش های مختلف هر متن، دارای قرینه هایی برای فهم آن متن است، گاهی یک قسمت موجب تخصیص و یا تقیید قسمت دیگر می شود و یا ارتباط یک بخش با بخش قبل، نکته ای لطیف را در بردارد.

در قرآن کریم نیز، همین گونه است، و از همین جاست که بحث روش تفسیر قرآن به قرآن و شیوه تفسیر موضوعی آیات قرآن مورد توجه مفسران متأخر قرار گرفته است. (۲) برخی صاحب نظران بر این مطلب تاکید کرده و توجه به سایر آیات الاهی را از مبانی و شرایط مفسر دانسته اند (۳) و در این راستا «لزوم انتقال از ترجمه و تفسیر

ص: ۲۱۹

---

۱- (۱). در شرایط مترجم، ذیل بند دهم (آگاهی از بار عاطفی واژها و جمله ها) ترجمه های این آیه را می آوریم و بررسی می کنیم.

۲- (۲). نک: مقدمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی؛ تفسیر موضوعی پیام قرآن، آیةالله مکارم شیرازی؛ و منشور جاوید، آیةالله سبحانی و تفسیر موضوعی قرآن مجید، آیه الله جوادی آملی و ... .

۳- (۳). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۲۹



گسسته به ترجمه و تفسیر پیوسته» را مطرح کرده اند و بر ترجمه تفسیر طبری، اشکال می کند که چرا ترجمه آیات را به صورت گسسته آورده است؛ مثل جمله هایی که ربطی به همدیگر ندارد (۱) و نیز ظهور اشاعره و اخباری ها را از عوامل گسسته شدن ترجمه و تفسیرهای قرآن برمی شمارد. (۲) دکتر محمد عبدالله دراز نیز، قرآن را به تابلوی نقاشی نفیسی تشبیه می کند که «اگر نظرم آن را به جزء کوچکی از آن محدود کنیم، جز رنگ های متنوع در کنار هم نمی یابیم، بلکه باید به عقب برگردیم تا میدان دیدمان وسیع شود و این تابلوی زیبا و بدیع را یکجا و یکپارچه ببینیم». (۳) و آیه الله خوئی رحمه الله پیوستگی آیات را به مرواریدهایی تشبیه می کند که به رشته نظم درآمده است. (۴) و از نظر امام خمینی رحمه الله حتی «بسم الله» هر سوره بر حسب مسلک اهل معرفت، متعلق به خود آن سوره است.... و به حسب هر سوره ای که متعلق بسم الله در لفظ و مظهر آن در معنا است، معنای بسم الله مختلف می شود». (۵) علامه طباطبائی رحمه الله نیز در مورد پیوستگی آیات بر آن است که: «باید تمامی آیات متناسب با آن (آیه) را مورد توجه قرار داد و در آن به تحقیق و اجتهاد پرداخت». (۶) و فخر رازی نیز، معتقد است که «اکثر لطایف قرآن در ترتیب و روابط آیات نهفته است». (۷) و شهید صدر نیز معتقد است که «باید تفسیر از بریده و گسسته به حالت پیوسته

ص: ۲۲۰

- 
- ۱- (۱). همان، ص ۳۷۷
  - ۲- (۲). همان، ص ۳۸۰
  - ۳- (۳). مدخل الی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیلی مقارن، ص ۱۲۰
  - ۴- (۴). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲ - ۹۳
  - ۵- (۵). چهل حدیث، ص ۵۴۷
  - ۶- (۶). المیزان، ج ۳، ص ۷۶
  - ۷- (۷). تفسیر کبیر فخر رازی، به نقل از البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، ج ۱، ص ۲ - ۵۳

تحوّل یابد» و روش تفسیر موضوعی را موجب شکوفا شدن تفسیر می داند و تفسیر بریده و تجزیه ای را موجب رکود اندیشه اسلامی در زمینه قرآنی می داند (برخلاف علم فقه که روش موضوعی موجب بالندگی آن شده است). (۱)

## بررسی

توجه به پیوستگی و ارتباط بخش های مختلف هر متن، برای فهم و تفسیر و ترجمه آن لازم است و عدم توجه به این مطلب، گاهی موجب لغزش می شود.

این مطلب در ترجمه و تفسیر قرآن نیز، لازم است؛ چرا که ترجمه، خلاصه تفسیر است و مترجم برای فهم آیات و تفسیر و ترجمه آن لازم است که به آیات مشابه و مخالف و قراین موجود در آیات و سوره های دیگر توجه کند؛ از این رو، در مبانی تفسیر به عنوان «استفاده از روش صحیح تفسیر» (در بخش تفسیر قرآن به قرآن) و نیز در مبانی روش شناختی ترجمه مورد توجه قرار می گیرد که ما در همان بخش ها مطالبی بیان کردیم.

## ۱۲. ترجمه نکردن آیات متشابه و حروف مقطعه

آیه الله معرفت یکی از شرایط ترجمه را ترجمه نکردن آیات متشابه و حروف مقطعه می داند و می نویسد:

«باید حروف مقطعه در اوایل سور، بدون ترجمه و کلمات متشابه، مانند «برهان» در آیه، ۲۸ یوسف «دائمه» در آیه / ۲۸ نمل و «اعراف» در آیه ۴۶، اعراف، به همان حالت ابهام ترجمه شوند و از شرح و تبیین آن ها خودداری شود». (۲) یکی از نویسندگان در این مورد می نویسد: «باید حروف مقطعه در اوایل سور، بدون

ص: ۲۲۱

---

۱- (۱). التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزئی فی القرآن الکریم، ص ۸ - ۲۴

۲- (۲). تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، ص ۲۰۰

ترجمه و توضیح به همان حالت ابهام ترجمه شود». (۱) از این رو می بینیم که در ترجمه: «خواجوی، فارسی، مجتبیوی، پورجوادی، مصباح زاده، سراج، دهلوی، یاسری، آیتی، فولادوند، شعرانی و خرماهی»، حروف «الم» در اول سوره «بقره» ترجمه نشده اند.

در مورد حروف مقطعه قرآن، بیش از ده دیدگاه وجود دارد که برخی آن را حروف اسرارآمیز و برخی از تشابهات می دانند و برخی نیز، حروف ساده معمولی می انگارند که در راستای هم‌آوردگی قرآن در اعجاز آورده شده است. (۲) به هر حال، این حروف، چه اسرارآمیز باشند یا حروفی معمولی به همان صورت حرفی در ترجمه منعکس می شود؛ اما دلیلی بر ترجمه نکردن کلمات متشابه قرآن نداریم؛ یعنی: اگر مترجم بتواند براساس تفسیر آیه به معنای نزدیک آن، یا معادل متشابهی در فارسی دست یابد و آن را با توضیح مختصری در پرانتز روشن تر سازد، مانعی از ترجمه نیست؛ چون وی معنای نسبی را ترجمه می کند؛ اما اگر نتواند چنین معادلی بیابد، حق با استاد معرفت خواهد بود.

### ۱۳. چاپ متن عربی قرآن، در کنار متن ترجمه

#### اشاره

آیه الله معرفت در این باره می نویسد:

لازم است متن ترجمه شده قرآن، کنار متن عربی قرار بگیرد تا مراجعه کننده در صورت مواجه شدن با اشکال، بدان مراجعه کند و این توهم پیش نیاید که ترجمه می تواند جای قرآن را بگیرد. (۳) برخی نویسندگان، یکی از شرایط و ضوابط ترجمه قرآن را اینگونه نوشته اند:

ص: ۲۲۲

---

۱- (۱). اصول و مبانی ترجمه، علی نجار، ص ۳۳

۲- (۲). نك: المیزان، نمونه، مجمع البیان و تفاسیر دیگر، ذیل آیه اول سوره بقره و آیه اول سوره آل عمران.

۳- (۳). تاریخ قرآن، ص ۲۰۰

«لازم است متن ترجمه شده قرآن، کنار متن عربی قرار گیرد تا مراجعه کننده در صورت مواجه شدن با اشکال، بدان مراجعه کنند و این توهم پیش نیاید که ترجمه می تواند جای قرآن را بگیرد».<sup>(۱)</sup>

## بررسی

روش مزبور شیوه ای است که اکثر مترجمان قرآن در طول تاریخ پیموده اند و همانطور که نویسنده مذکور بیان نمود: وجود متن قرآن در کنار ترجمه مفید است و موجب برکت و تقدس کتاب و نشر قرآن نیز می شود؛ اما شرط لازم در ترجمه قرآن نیست؛ چرا که ممکن است ترجمه قرآن، بدون متن اصلی، برای افرادی که عربی نمی دانند چاپ شود و این ترجمه، کم حجم تر و سبک تر خواهد بود؛ البته در این موارد می توان واژه «ترجمه قرآن» را بر روی جلد و در شناسنامه نوشت که توهم جایگزینی پیش نیاید.

لازم به یادآوری است که در ترجمه متون مقدس دینی در سطح دنیا امروزه از روش نشر ترجمه بدون متن زیاد استفاده می شود.

## ۱۴. توضیحات لازم در پاورقی ترجمه

### اشاره

برخی از نویسندگان، یکی از ضوابط ترجمه را این گونه برشمرده اند: «علاوه بر دقت و رسایی در ترجمه، باید مشکل وجود آیات متشابه، منسوخ و غیره در آن مرتفع گردد، بدین منظور باید در موارد فوق با اشاره ای در پاورقی، ضمن بیان خصوصیات آیات فوق، مخاطبین را به آیات توضیحگر هدایت نمود تا خطر کج فهمی در اینگونه از آیات، مرتفع گردد».<sup>(۲)</sup>

ص: ۲۲۳

۱- (۱). اصول و مبانی ترجمه، علی نجار، ص ۳۳

۲- (۲). تدبیر در قرآن، دکتر ولی الله نقی پور، ص ۳۲۴

«هیئت علمای الازهر» نیز، اعلام کرده اند که: مترجم باید «عرضه کننده نظریات علمی و تجربی، مانند تفسیر علمی رعد و برق و یا نظریه ستاره شناسان در تفسیر آیات مربوط نباشد؛ بلکه آیه را به آنچه لفظ عربی بر آن دلالت دارد تفسیر (ترجمه تفسیری) نماید و موضع عبرت و هدایت در آن آشکار گردد؛ اگر نیاز به توسعه در تحقیق پاره ای از مسائل بود، هیأت مذکور آن را در حاشیه تفسیر قرار دهد». (۱)

## بررسی

اصل این مطلب صحیح است که مترجم، همچون مفسر، وظیفه دارد که آیات متشابه را به محکمت قرآن ارجاع دهد تا معنای آن ها روشن شود و از انحرافات احتمالی عقیدتی جلوگیری شود؛ و برای مثال: [ ...يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ... ] (۲) را با توجه به آیه [ ...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ... ] (۳) ترجمه کند: «دست (قدرت) خدا بالای دست های آن هاست».

به عبارت دیگر: این ضابطه، نتیجه روش تفسیر «قرآن به قرآن» و همبستگی آیات است که در مبانی تفسیری ترجمه قرآن متذکر شدیم.

همچنین لازم است که مترجم به «برهان های عقلی» و «علوم تجربی قطعی» در ترجمه، توجه کند و در موارد لزوم، از این قراین برای تفسیر و ترجمه آیات استفاده نماید که این مطلب نیز، به مبانی تفسیر باز می گردد.

البته برای انجام این منظور، راه های مختلفی وجود دارد از جمله:

الف) بیان توضیحات در پاورقیها، همانطور که نویسنده فوق الذکر فرمود و همچنین استاد مجتبی در ترجمه خویش از همین شیوه، بسیار استفاده نموده است؛

ب) بیان توضیحات در پرانتز و گروه های داخل متن، همانطور که در مثال بالا

ص: ۲۲۴

۱- (۱). مجله الازهر، ش ۷۰، ص ۶۴۸ - ۶۴۹ و مناهل العرفان، ج ۲، ص ۶۷ - ۶۵

۲- (۲). فتح، ۱۰

۳- (۳). شوری، ۱۱

ذکر گردید.

تذکر: همانطور که در مبانی ترجمه و مبحث سوم (جداسازی توضیحات از متن ترجمه) یادآوری شد، مترجم لازم است تلاش کند تا تأثیر مباحث کلامی و تفسیری و غیره را در ترجمه به حداقل برساند و نیز از خلط ترجمه با تفسیر و توضیحات جلوگیری کند.

ص: ۲۲۵

۱. یکی از ترجمه‌های قرآن را انتخاب نموده و بررسی نمایید که تا چه اندازه ضوابط و قواعد ترجمه را رعایت کرده است.
۲. نظم و همگونی آیات مشابه و مکرر قرآن را در ترجمه‌های مشهور بررسی و مقایسه کنید.
۳. نزدیک‌ترین معادل‌های واژگان «مومن»، «کافر»، «شیطان»، را یافته سپس در ترجمه‌های مشهور بررسی کنید.
۴. در مورد بار عاطفی واژگان قرآن یک تحقیق میدانی انجام داده و تأثیر آن‌ها را در ترجمه‌ها بررسی کنید.

**منابع جهت مطالعه بیشتر**

۱. تاریخ قرآن، آیه‌الله معرفت؛
۲. بررسی ترجمه‌های قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛
۳. فصلنامه مترجم، شماره نخست؛
۴. قرآن ناطق، جلد اول، دکتر بی‌آزار شیرازی؛
۵. مناهل العرفان، المجلد الثانی، الزرقانی.

### اشاره

اهداف آموزشی: ۱) شناخت شرایط عام مترجم (شرایط لازم و کمال)؛ ۲) شناخت شرایط خاص مترجم قرآن؛ ۳) آشنایی با تأثیرات دانش‌های مترجم در ترجمه قرآن.

### پیشینه

موضوع «شرایط مترجم قرآن» از موضوعاتی است که مورد بررسی دقیق قرار نگرفته و در کتاب‌ها و مقالات، به صورت جزئی و پراکنده بدان اشاره شده است.

از میان کسانی که به شرایط مترجم اشاره کرده‌اند می‌توان آثار پژوهشگران زیر را برشمرد:

آیه‌الله معرفت در کتاب «تاریخ قرآن»؛ «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب» و در «البيان فی تفسیر القرآن»؛ آقای علی نجار در «اصول و مبانی ترجمه قرآن»؛ دکتر جواد سلماسی زاده در «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»؛ آیه‌الله مشکینی در «موخره (سخن مترجم) ترجمه قرآن»؛ «مجله مترجم»، ش ۱۰، در مقالات متعدد؛ یوجین نایدا در مقاله «درباره ترجمه»؛ آقای امیر مسعود صفری در «آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم»، آقای محمد عبدالغنی حسن در «فن ترجمه در ادبیات عرب»؛ زرقانی در «مناهل العرفان»، ج ۲؛ بهاء‌الدین خرمشاهی در «پیوست‌های ترجمه قرآن (رحلی)» و دکتر بی‌آزار شیرازی در «قرآن ناطق».



قاعده عقلایی آن است که هر کس می خواهد کاری انجام دهد، ضروری است آمادگی ها و شرایط لازم برای انجام آن کار را داشته باشد؛ مترجم قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ اما مترجم قرآن، دارای دوجنبه است جنبه مترجم بودن و جنبه ترجمه کردن قرآن، که هر کدام، دارای مقدمات، لوازم و شرایط ویژه است؛ یعنی:

مترجم قرآن، لازم است «شرایط عام مترجم» را دارا باشد، همانطور که ضروری است «شرایط ویژه خاص ترجمه قرآن» را نیز دارا باشد:

## نخست: شرایط عام مترجم

### اشاره

این شرایط به دو قسم تقسیم می شوند:

### الف) شرایط لازم برای هر مترجم:

### اشاره

این شرایط در تحقق اصل ترجمه دخالت دارند و نبود آن ها به اصل ترجمه ضربه می زند.

### ۱. آگاهی از زبان مبدأ و مقصد

صاحب نظران و مولفان ترجمه، بر این شرط پافشاری کرده اند (۱) از جمله آیه الله خوئی؛ در مورد شرایط مترجم می نویسند: باید در ترجمه، تسلط و احاطه کامل به لغتی باشد که قرآن از آن به زبان دیگر منتقل می شود؛ بنابر این، در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن شرط است. (۲) البته مقصود از آگاهی و تسلط در اینجا، تسلط بر زبان و قواعد آن به صورت مطلوب و نسبی است، نه تخصص ادیبانه؛ به تعبیر «یوجین ناید» کارشناس کتاب مقدس:

«مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه دقایق معانی را نیز باید درک کند». (۳)

ص: ۲۲۸

---

۱- (۱). تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر جواد سلماسی زاده، ص ۱۲ و اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۳۱.

۲- (۲). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶ - ۵۰۵

۳- (۳). نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، برگزیده مقالات نشر دانش، ص ۳۰

از این رو برخی صاحب نظران از این شرط این گونه تعبیر کرده اند: «تسلط به زبان و ادبیات سرزمین مادری و ظرایف و ریزه کاری های آن» (۱) و در مورد ترجمه قرآن، آگاهی از ادبیات عرب: صرف، نحو، معانی و بیان لازم است، همانطور که تسلط نسبی بر ادبیات زبان مقصد، مثلاً: زبان فارسی، برای مترجم فارسی زبان - لازم است.

## ۲. آگاهی از موضوع ترجمه

برای ترجمه هر متن، شناخت موضوع و ابعاد آن و اطلاع از مسائل آن ضروری است و گرنه، مترجم در ترجمه اصطلاحات و مسائل آن با مشکل جدی روبرو می شود؛ این شرط مورد تاکید برخی از صاحب نظران و مترجمان بنام و مؤلفان است؛ (۲) در ترجمه قرآن نیز، شناخت قرآن و محتوای آن و هدف هدایتگرانه آن به طور نسبی لازم است.

## ۳. نداشتن پیش داوری در ترجمه

هر مترجم، دارای بینش های خاص مذهبی، کلامی، فقهی و تفسیری است از این رو در قید پیش فرض های ذهنی خود است و از منظر خاص خویش به متن مورد ترجمه، می نگرد، البته این پیش فرض ها دو دسته هستند:

نخست) پیشفرض های ضروری هر متن، که لازم است در ترجمه آن مورد توجه قرار گیرد. از این پیش فرض ها با عنوان «مبانی ترجمه» یاد می شود که ما آن ها را در

ص: ۲۲۹

---

۱- (۱). دکتر بهرام طوسی، مقاله «آیا می توان فن ترجمه را آموزش داد؟»، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، ص ۱۷۰.

۲- (۲). اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۳۲ و کیهان فرهنگی، مرداد ۶۳، ص ۱۶، احمد آرام.

مبحث مبانی ترجمه قرآن بیان کردیم؛

دوم: پیشفرض های غیر ضروری، مثل پیشفرض های فلسفی، سیاسی، اجتماعی و دیدگاه های شخصی که هر مترجم دارد؛ اما دخالت آن ها در متن نه تنها مفید نیست، بلکه گاهی زیان آور و رهن است.

برای مثال: کسی که طرفدار مکتب جبر انسان است، اگر این دیدگاه خود را در ترجمه قرآن اعمال کند و یا کسی که طرفدار اختیار و آزادی مطلق انسان است؛ اگر دیدگاه خود را در ترجمه اعمال کند، موجب می شود که برخی آیات از ترجمه واقعی خود دور شوند و ترجمه برای خواننده رهن شود.

البته جلوگیری از رسوخ پیشفرض ها و دیدگاه های مترجم در ترجمه بسیار مشکل است، بلکه جلوگیری کامل از آن ها محال عادی می نماید؛ ولی مترجم می تواند با دقت بیشتر، تأثیر این عناصر را در ترجمه به حداقل برساند.

آیه الله معرفت - مفسر گرانقدر قرآن - در این مورد می نویسند:

مترجم باید خود را از هر گونه خواسته های درونی که ساخته محیط یا باورهای تقلیدی اوست، آزاد ساخته، صرفاً درصدد فهم مفاد آیات بدون هر گونه آرایه باشد. (۱)

## **(ب) شرایط کمال مترجم**

### **اشاره**

شرایط مزبور، اموری هستند که واحد بودن آن ها برای مترجم لازم است؛ ولی به صورت طبیعی، حداقل آن، در هر مترجم وجود دارد؛ اما وجود حداکثری آن ها، موجب کمال ترجمه می شود و بر ارزش ترجمه می افزاید.

### **۱. روشمندی در ترجمه**

در این مورد، یوجین نایدا کارشناس کتاب مقدس، تأکید می کند و می گوید: «مترجم نه

ص: ۲۳۰

تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه... ظرایفی را که از حیث سبک (رنگ و بوی) پیام را تعیین کرده است تشخیص دهد». (۱) ترجمه با روش ها و سبک های مختلف انجام می گیرد، برای مثال: ترجمه قرآن با روش تحت اللفظی، هسته به هسته، آزاد تفسیری می تواند انجام شود و نیز سبک های مختلفی در ترجمه وجود دارد؛ مترجم لازم است قبل از شروع ترجمه، روش ها و سبک ها را بشناسد و روش و سبک خود را مشخص سازد و در آن مسیر حرکت کند و گرنه، ترجمه او، ناهمگون و مضطرب می شود و گرفتار لغزش های روش شناختی می گردد.

## ۲. توانایی نویسندگی

هر مترجم، لازم است از هنر نویسندگی برخوردار باشد؛ یعنی: مترجم باید مطالب متن را به زبان مبدأ درک کرده سپس آن ها را به لباس زبان مقصد درآورده و با قلمی مناسب نگارش کند و به خواننده عرضه دارد؛ از این رو، لازم است مترجم، نویسنده بوده و قلمی شیوا و روان داشته باشد و گرنه نمی تواند مقصود و پیام متن را به زبان دوم، بخوبی منتقل کند.

## ۳. تمرین و ممارست

ترجمه، علاوه بر موارد مزبور که ذکر آن گذشت، یک فن نیز به شمار می رود، از این رو نیاز به تمرین عملی دارد؛ یعنی: آموختن روش ها و قواعد نظری ترجمه کافی نیست؛ بلکه لازم است که مترجم، در عمل آزموده شود؛ بارها بنویسد و لغزش های خود را ببیند و اصلاح کند و دوباره بنویسد تا متنی درخور، خلق کند و مترجمی توانا شود.

ترجمه، همچون رانندگی است که علاوه بر دانستن مقررات و اطلاعات فنی اتومبیل، نیازمند تمرین زیادی است.

ص: ۲۳۱

---

۱- (۱). نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، برگزیده مقالات نشر دانش، ص ۳۰.

آیهالله مشکینی نیز، در پایان ترجمه خویش در شرایط مترجم، به نوعی همین مطلب را یاد آور شده اند که: «از لوازم موفقیت مترجم، تأمل در ترجمه های انجام شده توسط دیگر مترجمان محترم است... و باید از تجربه های آنان استفاده کرد». (۱)

#### ۴. اعمال ذوق و سلیقه (هنرمندی در ترجمه)

(۲)

ترجمه، علاوه بر آنکه دانش و فن است، یک هنر نیز محسوب می شود از این رو، نیازمند اعمال ذوق و سلیقه است؛ مترجم، هنرمندی است که با نوآوری و زیبا سازی ترجمه، اثری هنری می آفریند؛ به عبارت دیگر: ترجمه، علاوه بر دقت و صحت، لازم است زیبا و خوش خوان باشد تا درخور توجه قرار گیرد.

البته برخی در مورد این شرط مبالغه کرده و نوشته اند: «مترجم چیره دست باید به اندازه نویسنده ای که اثرش را برای ترجمه برگزیده است ذوق داشته باشد، و یا دست کم ذوقش از نوع ذوق نویسنده اصلی باشد». (۳)

#### ۵. آگاهی از بار عاطفی واژه ها و جمله ها

یوجین نایدا، در مورد شرایط مترجم می گوید:

مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه دقایق معانی را نیز باید درک کند، بار عاطفی واژه ها را دریابد. (۴) مثال: اگر جمله «او را بکشید» در حالت جنگ و درگیری گفته شود بار عاطفی خاص خود را دارد و دلالت بر قتل می کند و اگر همان جمله، در فضای اخلاقی گفته شود، بار عاطفی دیگری دارد و دلالت بر تزکیه نفس می کند؛ البته این مطلب، معمولاً از سیاق

ص: ۲۳۲

۱- (۱). ترجمه آیهالله مشکینی، موخره (سخن مترجم)، ص ۶۱۳

۲- (۲). در تکمیل این بخش از مجله مترجم، ش ۱۰، صفحه های ۴۵، ۵۶، ۲۰۲ و ۱۹۷ استفاده شد.

۳- (۳). درباره ترجمه، مقاله یوجین نایدا، ص ۲۴ (ایشان از آقای نابوک *vokobaN* حکایت می کند).

۴- (۴). نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، برگزیده مقالات نشر دانش، ص ۳۰

جملات بدست می آید.

مثال دیگر: [ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ]؛ (۱)

فولادوند: «بچش که تو همان ارجمند بزرگواری!»؛

مکارم: «(به او گفته می شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی!»؛

جمعی: «(به کنایه به او گویند:) بچش که تنها تو شکست ناپذیر [و] ارجمندی!»

از آنجا که آیه فوق بعد از آیات مربوط به عذاب دوزخیان است، از سیاق آن استفاده می شود که بار عاطفی جمله، معطوف به سرزنش دوزخیان است که ترجمه جمعی و آیه الله مکارم شیرازی به این نکته توجه کرده و آن را منعکس نموده اند.

مثال دیگر: [ ...وَمَا يَشْعُرُونَ ]؛ (۲) [ ...وَلَكِنْ لَّا تَشْعُرُونَ ]؛ (۳)

مکارم: «(اما) نمی فهمند؛ ولی شما نمی فهمید؛

فولادوند: «و نمی فهمند؛ ولی شما نمی دانید».

واژه «یشعرون» از ماده «شعر» به معنای «مو» است و هنگامی که چیزی دقیق و از مو باریک تر باشد از این تعبیر استفاده می شود؛ (۴) پس معنای آن «شما نمی دانید» (لاتعلمون) نیست. همانطور که معنای آن «نمی فهمند» نیز نیست؛ چرا که واژه اخیر بار منفی عاطفی در فارسی دارد؛ یعنی: نوعی توهین به مخاطب به شمار می آید از این رو بهتر است ترجمه شود: «ولی (با دقت حسّی) متوجه نمی شوید».

## ۶. مراجعه پیوسته به منابع

مترجم باید در ترجمه قرآن از تکیه بر ذهنیات خودداری کرده و به علم اجمالی نسبت به معانی واژه ها و تفسیر آیات بسنده ننموده، بلکه پیوسته به منابع و مآخذ رجوع کند.

ص: ۲۳۳

۱- (۱) . دخان، ۴۹

۲- (۲) . بقره، ۹

۳- (۳) . بقره، ۱۵۴

۴- (۴) . نك: التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ماده «شعر»

البته این مطلب در ترجمه قرآن و مراجعه به کتاب های لغت، از اهمیت بیشتری برخوردار است، به طوری که برخی مترجمان، فریب ظاهر برخی واژه های به ظاهر آسان و روشن را می خورند و به منابع لغوی برای درک معانی واژه ها و ریشه یابی آن ها مراجعه نمی کنند و در نتیجه گرفتار لغزش می شوند. (۱) مثال: [ وَ كَذَّ لِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا... ]؛ (۲)

فولادوند: «و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم»؛

مکارم: «و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم».

واژه «عربی» در زبان عرب به معنای «فصیح و روشن و گویا» (۳) است؛ اما در عرف فارسی به معنای زبان و لغت عربی است؛ مترجم دوم به این مطلب توجه کرده؛ اما مترجم نخست براساس ذهنیت خویش ترجمه کرده و یا اصلاً ترجمه نکرده است.

همچنین، واژه «رشید» توسط آقای فولادوند به معنای «بردارِ فرزانه» (هود/ ۸۷) و به معنای «عقل رس» (هود/ ۷۸) ترجمه شده است، در حالی که این ذهنیت فارسی زبانان از واژه «رشید» است و در زبان عربی، واژه «رشید» به معنای «هدایت به سوی خیر و صلاح» در برابر گمراهی است. (۴) ۷. آشنایی با ضرب المثلهای هرگاه مترجم، دست اندرکار ترجمه متون ادبی باشد.

تذکر: این شرط می تواند به آگاهی از موضوع ترجمه باز گردد.

۸. دانستن اصطلاحات و لغات مربوط در مورد ترجمه های علمی

تذکر: این شرط به مبحث آگاهی از موضوع ترجمه باز می گردد.

۹. آشنایی با فرهنگ، آداب، تاریخ، جغرافیای مربوط به مردمی که به آن زبان

ص: ۲۳۴

---

۱- (۱). آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم در واژه و ساختار، امیر مسعود صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۸۹.

۲- (۲). طه، ۱۱۳.

۳- (۳). نک: مفردات راغب و تفاسیر قرآن، ذیل آیه فوق

۴- (۴). نک: المفردات، الراغب الاصفهانی و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «رشد».

۱۰. آشنایی با سبک شناسی و نقد اصول کلام و جز آن

تذکر: این شرط نیز با مبحث روشمندی مترجم در ارتباط است.

۱۱. آشنایی با علوم جنبی، نظیر جامعه شناسی، روانشناسی (۱) تذکر: شاید این شرط برای مخاطب شناسی لازم باشد؛ ولی حداقل آن کافی است.

۱۲. استاد محمد عبدالغنی حسن در کتاب «فن ترجمه در ادبیات عربی» شرایط دیگری نیز برای مترجم از دیدگاه های مختلف به صورت مفصل آورده است، از جمله «قدرت بیان، تخصص در ترجمه، شناخت موضوع، آشنایی و تسلط، انعکاس روح و احساس مؤلف در ترجمه، رام کردن زبان، رعایت اسلوب و تسلط بر زبانی که به آن ترجمه می شود. (۲)

## دوم: شرایط خاص مترجم قرآن

### اشاره

مترجم قرآن، لازم است که شرایط عام ترجمه را دارا باشد؛ ولی علاوه بر آن، لازم است که شرایط ویژه ای نیز داشته باشد؛ چرا که ترجمه قرآن، ترجمه ای ساده نیست، بلکه از طرفی ترجمه کلام خداست و دقت ها و شرایط خاص خود را می طلبد و از طرف دیگر، ترجمه قرآن با تفسیر، پیوند خورده و دارای شرایط ویژه ای است:

### ۱. دارا بودن شرایط مفسر قرآن

از آنجا که ترجمه قرآن، نوعی تفسیر بوده و درصدد بیان معانی آیات و مقاصد آن هاست، (۳) از این رو لازم است که مترجم قرآن، تمام شرایط مفسر قرآن را دارا باشد از جمله:

ص: ۲۳۵

---

۱- (۱). پنج مورد اخیر، برگرفته از مقاله «آیا می توان فن ترجمه را آموزش داد»، دکتر بهرام طوسی، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، ص ۱۷۰.

۲- (۲). فن ترجمه در ادبیات عربی، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه دکتر عباس عرب، ص ۴۷ - ۵۸.

۳- (۳). در این مورد، در مبحث مبانی ترجمه قرآن (مبانی فقهی و مبانی تفسیری) مطالبی بیان می شود.



الف) آگاهی از «ادبیات عرب»، برای فهم ظاهر کلام الهی در قرآن؛

ب) آگاهی از «سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام» و علوم مرتبط آن، مثل «رجال»، «درایه» و «فقه الحدیث»، برای به دست آوردن قراین نقلی در ترجمه و تفسیر آیات؛

ج) آگاهی از «برهان ها و حکم ها و قراین عقلی» برای تفسیر و ترجمه آیات متناسب با آن ها؛

د) آگاهی از «علوم قرآن»، برای تشخیص آیات «مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و...»؛

ه) آگاهی از «شأن نزول آیات»، برای فهم قراین تاریخی و جغرافیایی که در تفسیر و ترجمه آیه تأثیر دارد؛

و) آگاهی از «علوم تجربی» برای فهم آیاتی که در بردارنده اشارات علمی هستند؛ البته با رعایت شرایط خاص تفسیر علمی و به دور از تحمیل نظریه های علمی بر قرآن؛

ز) آگاهی از علم «اصول الفقه»، برای به دست آوردن قواعد عرفی و عقلایی محاوره در فهم آیات؛

ح) آگاهی از علم «فقه»، برای فهم و ترجمه و تفسیر آیات الاحکام؛

ط) آگاهی از «تاریخ قبل از اسلام» (تاریخ جاهلیت) و «تاریخ اسلام»، برای به دست آوردن قراین تاریخی که در فهم آیات تأثیر دارد؛

ی) مراجعه به «تفاسیر گذشتگان» برای بدست آوردن قراین و دیدگاه های مفسران در تفسیر آیه؛

ک) آگاهی از «تاریخ ادیان و کتاب مقدس» (تورات، انجیل و ملحقات آن ها) برای فهم انحرافات آن ها و به دست آوردن قراین لازم در اشارات آیات قرآن به یهود و مسیحیت و ادیان دیگر، (بدون اینکه در وادی اسرائیلیان بلغزد؛ بلکه این شرط، برای

شناخت احادیث اسرائیلی لازم است). (۱) تذکر ۱: شاید بتوان برخی از موارد فوق را به آگاهی مترجم از زبان مبدأ و موضوع ترجمه بازگرداند؛ ولی از آنجا که این موارد، جزئی از شرایط مفسر و مترجم نیز هستند در اینجا به یکباره آنان را از نظر گذرانیم.

تذکر ۲: روشن است که وجود هر یک از موارد فوق در مترجم، در ترجمه او تأثیر مثبت دارد و فقدان هر یک از شرایط مزبور تأثیر منفی در ترجمه بر جا خواهد گذاشت؛ (۲) بلکه ترجمه قرآن، بدون داشتن این موارد، منتهی به ترجمه به رأی می شود که نوعی تفسیر به رأی است؛ چون این، همان اقدام به ترجمه و تفسیر قرآن، بدون علم و بدون توجه به قراین عقلی و نقلی خواهد بود که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است. (۳) برخی از صاحب نظران به صورت پراکنده به شرط فوق و موارد آن اشاره کرده اند که در ذیل می آید:

آیهالله خوئی در مورد شرایط ترجمه قرآن می نویسند:

«در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن، شرط است و فهم آن، منحصر در امور سه گانه زیر است:

۱. مفهوم لفظی که عرب فصیح از ظاهر آن می فهمد؛ ۲. حکم عقل و فطرت سالم؛ ۳. تفسیری که از معصوم رسیده است».

(۴)

ص: ۲۳۷

---

۱- (۱). در مورد شرایط مفسر، نک: الاتقان فی علوم القرآن، السیوطی، ج ۲، ص ۲۱۳ - ۲۱۵ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۶۱ به بعد و تفسیر صحیح آیات مشکل قرآن، جعفر سبحانی، ص ۲۹۲ به بعد.

۲- (۲). ما تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن را در مقاله مستقلی بررسی کردیم.

۳- (۳). در مورد تفسیر به رأی و دلایل حرمت و قلمرو آن، نک: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، نگارنده، ص ۳۵۱.

۴- (۴). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵ - ۵۰۶.

همچنین آیها لله معرفت، در مورد شرایط مترجم می نویسد:

باید دانش دینی مترجم در حدی باشد که بتواند قبل از ترجمه هر آیه ای به تفاسیر معتبر مراجعه کند و به آنچه خود در آغاز از آیه استنباط می کند اکتفا نکند. (۱) ایشان در جای دیگر بر احاطه مترجم بر زبان مبدأ و مقصد و نکات بلاغی آن ها و معرفت بر سطح علمی کلام اصلی و قدرت بر انتقال پیام تأکید می کند و می نویسند:

و من ثمّ يجب ان تتوفّر في المترجم صلاحية هذا الشأن بالاحاطه الكامله على مزاي اللغتين الكلاميه، واقفاً على اسرار البلاغه و البيان في كلتا اللغتين، عالماً بمواضع نظرات صاحب المقال الاصل، عارفاً بالمستوى العلمى الذى حواه الكلام الاصل، قادراً على افراغ تمام المعنى و كماله - بمميزاته و دقائقه - فى قالب آخر يحاكيه و يماثله جهد الامكان. (۲) در همین رابطه هیأتی از علمای «الازهر» به ریاست مفتی بزرگ مصر که با محوریت ترجمه قرآن تشکیل شد، با مورد تأیید قراردادن روش ترجمه تفسیری، دستورالعملی را صادر نمود که در بخشی از آن آمده است:

۱. اسباب النزول را بعد از بحث از صحت آن ذکر کنند و برای فهم آیه از آن کمک بگیرند؛

۲. اول هر سوره نوشته شود که آن سوره مکی است یا مدنی، یا چه آیه ای در آن سوره مکی و چه آیه ای مدنی است؛

۳. تا آنجا که ممکن است تفسیر (ترجمه تفسیری) خالی از اصطلاحات و مباحث علمی باشد، مگر آنچه را که فهم آیه می طلبد. (۳) همچنین یکی از نویسندگان معاصر، پیرامون شرایط مترجم می نویسد: «با توجه

ص: ۲۳۸

---

۱- (۱). تاریخ قرآن، ص ۲۰۰

۲- (۲). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۱۱۶

۳- (۳). مجله الازهر، ش ۷۰، ص ۸ - ۶۴۹ و مناهل العرفان، الزرقانی، ج ۲، ص ۵ - ۶۷. (ما بخشی از این دستورالعمل را در مبحث مبانی ترجمه آوردیم).

به اینکه ترجمه از تفسیر مشکل تر است، مترجم قرآن کریم باید صاحب بینش تفسیری، مخصوصاً تفسیر المیزان و سایر تفاسیر باشد که بتواند قبل از ترجمه هر آیه ای، به تفاسیر معتبر مراجعه کند و به آنچه خود در آغاز از آیه استنباط می کند اکتفا [ن] کند». (۱) و در جای دیگر، علم اشتقاق، صرف، نحو، علوم بلاغی، علم قرائات، علم کلام، علم اصول الفقه، علم اسباب النزول و قصص، علم ناسخ و منسوخ، علم تفسیر، علم الدرایه و فقه الحدیث، تاریخ و آگاهی از علم فقه و سایر علوم جنبی را از پیش نیازهای ترجمه برمی شمارد. (۲) آیهاالله مشکینی نیز، در موخره ترجمه قرآن خویش، به شرایط مترجم پرداخته و آن ها را اینگونه برمی شمارد:

۱. اطلاع وسیع و لازم از ادبیات زبان عربی که زبان مبدأ است؛ یعنی: لغت، صرف و نحو، معانی و بیان و بدیع و سایر علوم ادبی آن زبان؛

۲. اطلاع وسیع و لازم از زبان مقصد و تسلط لازم بر ادبیات آن زبان؛

۳. آگاهی از معانی و مفاهیم آیات و سوره ها به گونه ای که معنا و مراد آیه را در حدود برخی تفاسیر بدانند؛ زیرا صرف برگرداندن لغتی به لغت دیگر با عدم توجه به مقصود، کافی نیست، بلکه سبب خطا و اشتباه می گردد؛

۴. بهره مندی قابل توجه از علم فقه و احکام شرعی؛ زیرا قریب پانصد آیه از آیات درباره احکام شرعی فرعی است؛

۵. آشنایی تا حد وسیعی به اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام که در شرح و تفسیر اطلاق و تقیید و تعمیم و تخصیص آیات الهی وارد شده...؛

۶. از لوازم موفقیت مترجم، تامل در ترجمه های انجام شده توسط دیگر مترجمان محترم است. (۳)

ص: ۲۳۹

---

۱- (۱). اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۳۱

۲- (۲). همان، ص ۳۵ - ۳۸

۳- (۳). ترجمه قرآن، آیهاالله علی مشکینی، موخره (سخن مترجم)، ص ۶۱۲ - ۶۱۳.

همانطور که گذشت: ترجمه قرآن، نوعی از تفسیر تلقی می شود و تفسیر به رأی جایز نیست، بلکه از گناهان کبیره است؛ (۱) یعنی: مترجم قرآن نمی تواند بدون توجه به قراین عقلی و نقلی (قرآن و روایتی و...) به ترجمه قرآن پردازد.

این مطلب، یکی از مبانی تفسیر و ترجمه قرآن نیز هست و رعایت آن، شرط مترجم قرآن است و گرنه ترجمه او معتبر نخواهد بود. (۲) آیه الله خوئی رحمه الله در این مورد می نویسد:

نظریات شخصی که بعضی از مفسرین در تفاسیرشان می آورند، از این موازین (ظاهر لفظ، حکم عقل، روایات) خارج است و آن از تفسیر به رأی است و از اعتبار ساقط می باشد و سزاوار نیست که مترجم و مفسر به آن اتکال پیدا کند. (۳) آیه الله مشکینی نیز مورد لزوم توجه به تفسیر آیه واحادیث می گوید:

صرف برگرداندن لغتی به لغت دیگر در ترجمه، کفایت نمی کند، بلکه سبب خطا و اشتباه می گردد. (۴) همچنین دکتر ذهبی در مورد «شرایط مترجم» در «ترجمه تفسیری» می نویسد:

نخست مترجم دارای شرایط تفسیر باشد؛ اما هنگامی که استقلال به رأی در فهم معانی قرآن داشته باشد و یا بر تفسیری تکیه کند که از اصول معتبر اخذ نشده باشد ترجمه او جایز و معتبر نیست؛ دوم: مترجم از میل به عقاید منحرف مخالف قرآن دور باشد. (۵)

ص: ۲۴۰

---

۱- (۱). عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : من قال القرآن برأيه فليتبوء مقعده من النار (السنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹) عن الرضا عليه السلام عن آبائه... قال الله - جل جلاله - : ما آمن بي من فسر برأيه كلامي (عيون الاخبار الرضا عليه السلام ، صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶).

۲- (۲). نک: مبحث مبانی ترجمه قرآن (بخش مبانی تفسیری ترجمه).

۳- (۳). البيان في تفسير القرآن، ص ۵ - ۵۰۶.

۴- (۴). ترجمه قرآن آیه الله مشکینی، موخره (سخن مترجم)، ص ۶۱۲ - ۶۱۳.

۵- (۵). التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۳۰.

دکتر بی آزار شیرازی نیز در این مورد به آیه [ إِنَّهُ وَلَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ أ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ أَلَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ] (۱) استناد می کند و می نویسد: «در ترجمه قرآن نیز طهارت و تقوا و لطف و توفیق الاهی شرط اساسی درک حقایق متن قرآن و انتقال آن به زبان مقصد است؛ چنانکه در قرآن صریحاً تأکید شده است». (۲) همچنین یوجین نایدا، زبان شناس و سرپرست موسسه ترجمه کتاب مقدس به زبان های دنیا، در این باره می نویسد:

در ترجمه کتاب مقدس، بسیاری از مترجمان برجسته، ضرورت اتکال بر لطف و عنایت الاهی را به عنوان شرط اساسی ترجمه برای مترجم مورد تأکید قرار داده اند؛ مترجمانی چون جروم، واپکلیف، لوتر، تیندال و فردریک سی، گرانت بارها به این اتکال اشاره کرده اند. (۳) برخی از مولفان دیگر نیز در مورد ترجمه قرآن نوشته اند:

مترجم قرآن باید مزین به فضایل اخلاقی و طهارت روحی باشد و نهایت احتیاط علمی و حفظ امانت را در ترجمه قرآن کریم به کار بندد که این اصل، اساسی ترین شرایط مترجم قرآن کریم است. (۴) و در جای دیگر اخلاص و خلوص نیت، رعایت طهارت و امانت را از پیش نیازهای ترجمه می شمارد. (۵) همچنین در این باره اظهار نظر می شود که:

ص: ۲۴۱

---

۱- (۱). واقعه، ۷۷ - ۷۹

۲- (۲). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۲ - ۳۶۱

۳- (۳). درباره ترجمه، مقاله «noitalsnarT fo ecneicsa drawoT» اثر یوجین نایدا، ص ۲۵

۴- (۴). اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ص ۳۲

۵- (۵). همان، ص ۳۸

مترجم باید به اخلاق، آداب و احکام الاهی پایبند بوده و به لطف و عنایت الاهی امیدوار باشد. (۱) تذکر: البته رعایت این شروط، برای مترجم قرآن، سزاوار است؛ ولی شرط تحقق ترجمه قرآن نیست؛ بلکه شرط کمال ترجمه است.

#### ۴. کار گروهی در ترجمه قرآن

ترجمه قرآن دارای ابعاد مختلفی است که تخصص در تمام ابعاد آن، معمولاً برای یک نفر ممکن نیست و یا توجه به تمام ابعاد ادبی، علوم قرآنی، تفسیری، زبانشناختی زبان قرآن و زبان مقصد و... از عهده یک نفر ساخته نیست؛ از این رو لازم است که ترجمه قرآن، توسط گروهی متخصص صورت گیرد و از حالت فردی خارج شود.

نخستین کار گروهی در ترجمه و تفسیر قرآن، از علمای ماوراء النهر (بین سال های ۳۵۰-۳۶۵) گزارش شده است، که به دستور منصور بن نوح سامانی، «تفسیر طبری» به فارسی ترجمه شد؛ (۲) ولی در حقیقت، ترجمه تفسیر بود، نه ترجمه خالص قرآن.

سپس از ترجمه قرآن زین العابدین رهنما یاد شده که ترجمه خود را برای صد و پنجاه نفر از شخصیت های اسلامی فرستاد و نظر سنجی کرد؛ ولی همانطور که نویسنده اعتراف کرده، جمعی بودن این ترجمه، چندان روشن نیست. (۳) بنابراین در حقیقت، اولین ترجمه جمعی قرآن به صورت رسمی توسط نگارنده و جمعی از قرآن پژوهان انجام گرفت که در سال ۱۳۸۳ ش. منتشر گردید.

برخی از صاحب نظران در عصر ما به این مهم توجه کرده و این کار گروهی را پیشنهاد کردند.

از جمله آیها لله معرفت در مورد شرایط ترجمه و مترجم بر این مطلب تاکید می کند که باید ترجمه، زیر نظر هیئت تخصصی باشد که به علوم مختلف اشراف کافی داشته باشند تا متن مترجم از خطا و انحراف مصون باشد. (۴)

ص: ۲۴۲

۱- (۱). مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۱۹۸، مقاله آقای معتمدی.

۲- (۲). ترجمه تفسیر الطبری، به اهتمام حبیب یغمائی، ج ۱، ص ۵.

۳- (۳). پیوست های ترجمه قرآن، بهاء الدین خرمشاهی، چاپ دوم، ص ۶۲۹، رحلی.

۴- (۴). تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.

اینان برآیند که: «ترجمه بی غلط یک رؤیاست» (۱)؛ هیچ کس به تنهایی از عهده ترجمه قرآن بر نمی آید و ترجمه آکادمیک از قرآن یک ضرورت است؛ (۲) چرا که ترجمه قرآن نیاز به آشنایی با بیست نوع دانش و فن دارد که هر کدام از آن ها از عهده یک فرد بر نمی آید و نیاز به کار گروه های سه تا پنج نفره، با تخصص هایی به شرح زیر دارد:

(۱) گروه سرپرست؛ (۲) گروه مشاوران؛ (۳) گروه علوم و فنون قرآنی؛ (۴) گروه تاریخ صدر اسلام؛ (۵) گروه صرف و نحو و اشتقاق؛ (۶) گروه لغت و مفردات قرآن؛ (۷) گروه کتابشناسی قرآن؛ (۸) گروه متخصص حدیث؛ (۹) گروه متخصص در زبان و ادبیات عرب؛ (۱۰) گروه متخصص در زبان و ادبیات فارسی؛ (۱۱) گروه متخصص در ترجمه و زبانشناسی؛ (۱۲) گروه متخصص در فقه مذاهب اسلامی؛ (۱۳) گروه متخصص در علم کلام؛ (۱۴) گروه متخصص در تفسیر؛ (۱۵) گروه متخصص در کتاب مقدس؛ (۱۶) گروه ویراستاران ترجمه های قرآن؛ (۱۷) گروه مقابله گران با چند ترجمه منتخب؛ (۱۸) گروه تهیه و تدوین؛ (۱۹) گروه آماده سازی ترجمه نهایی برای تولید؛ (۲۰) گروه های متخصص در علوم طبیعی، طب القرآن، طب روحانی قرآن، باستانشناسی قرآن، جامعه شناسی قرآن، سنن تاریخی قرآن، جغرافیای تاریخی قرآن و سبکشناسی قرآن؛ (۲۱) گروه متخصص در اصول فقه مذاهب مختلف اسلامی؛ (۲۲) گروه متخصص در زبان های دیگر (از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی) برای مقابله ترجمه نهایی؛ (۲۳) گروه پنجاه نفری از خوانندگان پیشتاز. (۳)

ص: ۲۴۳

- 
- ۱- (۱). مجله بینات، مقاله رؤیای ترجمه بی غلط قرآن، بهاءالدین خرمشاهی، سال اول، ش ۳، ص ۶۴.
  - ۲- (۲). همان، ش ۱، ص ۷۷ مقاله ضرورت ترجمه آکادمیک از قرآن، دکتر احمد احمدی.
  - ۳- (۳). قرآن ناطق، ج ۱، ص ۵ - ۹۴ و فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوم، ش ۵، ص ۶۶ و پیوست های ترجمه قرآن، بهاءالدین خرمشاهی، ص ۶۲۹ - ۶۳۰ رحلی، چاپ دوم و اصول و مبانی ترجمه.



دکتر «ذهبی» در مورد شرایط مترجم قرآن بر همراهی ترجمه با متن قرآن و ترجمه تفسیری تأکید می‌کند و می‌نویسد:

«رابعاً: ان یکتب القرآن اولاً، ثم یوتی بعده بتفسیره، ثم یتبع هذا بترجمته التفسیریة حتی لا یتوهم متوهم، ان هذه الترجمة ترجمه، حرفیه للقرآن. (۱) البته آوردن متن قرآن در کنار ترجمه، مطلوب است؛ اما هیچ دلیلی بر لزوم آوردن آن نداریم؛ همانطور که دلیلی بر آوردن تفسیر در کنار ترجمه نداریم؛ علاوه بر آنکه قبلاً بیان شد: ترجمه حرفی (تحت اللفظی) نیز جایز است و فرقی با ترجمه تفسیری نمی‌کند، تا اینکه توهم دیگران موجب وارد آمدن خدشه به ترجمه شود.

### تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن

#### درآمد

ترجمه قرآن کریم، کاری پر زحمت و دقیق است و حتی از تفسیر قرآن نیز دشوارتر است؛ از این رو، مترجم قرآن لازم است که شرایط یک مفسر (همچون دانستن ادبیات عرب، لغت، فقه، اصول، تاریخ، آگاهی از علوم تجربی و...) را دارا باشد و علاوه بر آن، دقت های زیادی در زمینه زبان مقصد و علائم نگارشی و یکسان سازی ترجمه و مقابله آن بنماید؛ از این روست لازم است ترجمه قرآن به صورت جمعی صورت گیرد تا هر کدام از افراد گروه بتوانند در یک علم و یا یک بُعد ترجمه دقت و کنترل لازم را مبذول دارند.

ترجمه هایی که به صورت فردی انجام گرفته اند، معمولاً از برخی دانش های لازم و یا توجه به همه ابعاد ترجمه و دقت های لازم محروم شده اند.

ص: ۲۴۴

---

۱- (۱). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۱، ص ۳۰.

اینک ما در این مبحث به بررسی نقش علوم مختلف مترجم در ترجمه قرآن می پردازیم و با بیان مثال های متعدد، تأثیر آن علوم را در ترجمه های موجود نمایان می سازیم.

البته ما زحمات همه مترجمان قرآن را ارج می نهیم و به آنان درود می فرستیم و در این نوشتار بر آن نیستیم که به شخص یا ترجمه ای خاص خرده بگیریم؛ بلکه هدف ما بررسی کلی این مسئله است و اگر از ترجمه یا مترجم خاصی نام برده می شود، فقط از باب مثال است.

### ۱. تأثیر دانش فقه در ترجمه قرآن

در قرآن کریم، بیش از پانصد آیه در مورد قوانین و احکام اسلامی وجود دارد و بسیاری از آیات دیگر نیز به نوعی با احکام اسلامی ارتباط دارند؛ از آنجا که مجموعه قوانین و احکام اسلامی در دانش فقه بررسی می شود؛ مترجم قرآن باید با دانش «فقه» نیز آشنا باشد تا در مواقع لزوم از آن بهره گیرد و در ترجمه «آیات الاحکام» راه خطا نیسپماید.

هنگامی که به مقایسه ترجمه های قرآن می پردازیم، می بینیم که معمولاً کسانی که فقیه بوده اند در ترجمه آیات الاحکام خطا نکرده اند؛ اما کسانی که از دانش فقه بهره ای نداشته اند یا به مسائل فقهی توجهی نکرده اند، در این مورد دچار خطاهای متعدد شده اند.

اینک برای روشن شدن اهمیت و تأثیر دانش فقه در ترجمه قرآن به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. در ترجمه استاد فولادوند در ترجمه آیه ۴ سوره نور آمده است:

[ وَ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ]؛ «و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهر دار می دهند،

سپس چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچگاه شهادتی از آن ها نپذیرید، و اینانند که خود فاسقند».

واژه «المحصنات» در اصل از ماده «الحصن» به معنای «حفظ» است و در مورد زنان عقیف یا شوهردار به کار می رود، به خاطر آنکه به وسیله عفت یا شوهر حفظ می شوند و اختصاصی به زنان شوهر دار ندارد؛ بلی اکثراً به زنان آزاد عقیف گفته می شود. (۱) نکته ای که در این ترجمه وجود دارد آن است که مترجم محترم به نکته فقهی آیه توجه نکرده است که مسئله «شوهردار بودن» و «شوهر نداشتن» در مسئله «قذف» و حد آن تأثیری ندارد.

یعنی: اگر کسی به زن (یا حتی مرد) پاکدامنی نسبت زنا بدهد، چه همسر داشته باشد یا نداشته باشد، تهمت زننده باید چهار شاهد بیاورد و گرنه هشتاد تازیانه به او زده خواهد شد.

برای روشن شدن مطلب به این بخش از تحریر الوسیله امام خمینی قدس سره توجه کنید:

يشترط في المقذوف، الاحصان، و هو في المقام، عبارة عن البلوغ و العقل و الحريه و الاسلام و العفه؛ فمن استكملها، وجب الحد بقذفه و من فقدها او فقد بعضها فلاحد على قاذفه؛ (۲) در کسی که نسبت زنا به او داده شده، شرط است که «مُحصن» باشد، و مقصود در اینجا آن است که آن شخص بالغ، عاقل، آزاد، مسلمان و با عفت باشد؛ پس اگر همه این موارد در او جمع بود، به تهمت زننده (و نسبت زنا دهنده) حد (هشتاد ضربه تازیانه) جاری می شود و اگر کسی این شرایط یا یکی از آن ها را نداشت،

ص: ۲۴۶

۱- (۱). نک: المفردات، الراغب و التحقيق، ج ۲، ص ۲۳۵

۲- (۲). تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۲ (کتاب الحدود، الفصل الثالث فی حد القذف، القول فی القاذف و المقذوف، «مسأله ۳»).

پس حدی بر تهمت زننده جاری نمی شود.

برخی از مفسران گفته اند که اجماع بر آن است که مرد بودن شخصی که به او تهمت زده اند، شرط نیست؛ (۱) یعنی: اگر کسی به مرد یا زن (همسر دار یا بدون همسر) تهمت زنا بزند بر او حد جاری می شود.

۲. استاد فولادوند در ترجمه آیه ۲۳۶ سوره «بقره» می نویسند:

[لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ وَ مَتَّعَا م بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ]؛

«اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده یا بر ایشان مهری معین نکرده اید، طلاق گویید، بر شما گناهی نیست و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید - توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود؛ [این کاری است] شایسته نیکوکاران».

ایشان همچنین در ترجمه آیه ۲۴۱ بقره می نویسند:

[وَالْمُطَلَّقاتِ مَتَّع م بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ]؛

«و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی، چیزی دهند».

موضوع آیه اول زنی است که به عقد دیگری درآمده است، ولی هنوز عمل زناشویی انجام نگرفته مهریه ای نیز برای او مشخص نشده، با طلاق از شوهرش جدا می شود.

در این صورت آیه مزبور دستور می دهد که شوهر، متاعی (هدیه ای) به آن زن بدهد؛ این هدیه، الزامی بوده و جانشین مهریه او می شود؛ چرا که مقدار مهریه او مشخص نبوده است.

ص: ۲۴۷

---

۱- (۱). نک: تفسیر شبیر، ذیل آیه ۴: نور

تعبیر «حقاً علی المحسنین» اشاره به آن دارد که این هدیه دادن باید با روح نیکوکاری و مسالمت همراه باشد؛ ولی بدان معنا نیست که حکم مزبور جنبه الزامی ندارد؛ بلکه جمله مزبور برای تحریک احساسات خیرخواهانه افراد در انجام وظیفه است؛

برخی مفسران قرآن و مراجع تقلید شیعه نیز به این مطلب تصریح کرده اند. (۱) اما در آیه ۲۴۱ سوره «بقره»، دستور می دهد: به زنان طلاق داده شده، هدیه ای و متاعی بدهید و این حقی بر مردان پارسا و باتقواست و این حکم، مستحب است؛ یعنی: مردانی که زنان خود را (بعد از تعیین مهر و انجام عمل زناشویی) طلاق داده اند، علاوه بر حقوق واجب آنان، هدیه ای نیز به آنان بدهند تا از انتقامجویی و ابراز کینه جلوگیری شود.

برخی مفسران قرآن که فقیه نیز هستند به این مطلب تصریح کرده اند؛ (۲) این در حالی است که مترجم محترم (استاد فولادوند) در مورد آیه ۲۴۱ سوره بقره که بر اساس آن، حکم «هدیه دادن» مستحب است، از تعبیر «فرض است» استفاده کرده که دلالت بر وجوب می کند؛ اما در آیه ۲۳۶ سوره بقره که حکم هدیه دادن واجب است از تعبیر «فرض است» استفاده نکرده اند!

۳. استاد فولادوند در ترجمه آیه ۲۳۳ سوره بقره می نویسد:

[وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ... ]؛

«و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند».

در قرآن کریم بر شیردادن مادران به کودکانشان تاکید شده و گفته شده است که آنان

ص: ۲۴۸

---

۱- (۱). نک: نمونه، ج ۲، ص ۳ - ۱۴۱ دارالکتب الاسلامیه و تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۸ (مسئله ۵ مهر) قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۲- (۲). نمونه، همان، ص ۱۵۳

می توانند تا دو سال به کودکان خود شیر دهند، البته مدت دو سال شیر دادن، واجب نیست؛ بلکه دو سال، برای کسانی است که بخواهند دوران شیرخوارگی کودک خود را کامل کنند.

این نکته، هم از خود آیه مزبور استفاده می شود که می فرماید: [ ...لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ... ]؛ «برای کسانی که بخواهند دوران شیرخوارگی را تکمیل کنند». و هم از روایات اهل بیت علیهم السلام که حداقل مدت شیرخوارگی را بیست و یک ماه تعیین کرده اند (۱) و مفسران قرآن نیز به این نکته تصریح کرده اند؛ (۲) حتی در احادیث ذکر شده است که این شیردادن حق مادران است؛ اما زنان آزاد بر این کار مجبور نمی شوند؛ (۳) اما عجیب این است که مترجم محترم (استاد فولادوند) در ترجمه آیه فوق از واژه [باید] استفاده کرده است که در مورد احکام به معنای واجب بودن است.

## ۲. تأثیر علوم تجربی در ترجمه قرآن

### اشاره

مقصود از علوم تجربی، دانش هایی هستند که از راه حس و تجربه بدست می آیند و به دو شاخه «علوم طبیعی» (همچون: فیزیک، شیمی، پزشکی) و «علوم انسانی» (همچون: جامعه شناسی و...) تقسیم می شود.

آگاهی مترجم قرآن از این علوم، تا آنجا که مربوط به فهم و تفسیر آیات علمی قرآن می شود؛ نقش به سزایی در ترجمه قرآن دارد؛ یعنی: همانطور که در عصر کنونی، تفسیر علمی قرآن مورد توجه قرار گرفته است و مفسران بزرگ از آن بی نیاز نیستند؛ این مطلب در ترجمه قرآن نیز مؤثر است.

البته در تفسیر علمی قرآن، افراط و تفریطهایی صورت گرفته است و گاهی برخی

ص: ۲۴۹

۱- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۷ (باب اقل مده الرضاع و اکثره) حدیث ۲ و ۵

۲- (۲). نمونه، ج ۲، ص ۱۸۷، چاپ سی ام، ۱۳۷۷ ش

۳- (۳). نک: صافی، ج ۱، ص ۲۶۰، فیض کاشانی، مؤسسه الاعلمی، بیروت.

از افراد به استخراج علوم از قرآن یا تحمیل نظریه های علمی بر قرآن کریم پرداخته اند که کار صحیحی نیست؛ ولی استخدام علوم در فهم آیات قرآن و تفسیر آن (به صورت معتدل و با استفاده از علوم قطعی) کاری صحیح و لازم است. (۱) اکنون ما با بیان برخی از مثال ها روشن می کنیم که عدم آگاهی یا عدم توجه برخی از مترجمین به علوم تجربی، چگونه سبب شده است تا لغزش هایی در ترجمه قرآن صورت گیرد.

۱. در ترجمه استاد فولادوند (۲) مربوط به آیه ۳۷ سوره «قیامت» آمده است:

[ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَى ]؛ «مگر او [قبلاً] نطفه ای نبود که [در رحم] ریخته می شود؟!».

در تفسیر نمونه نیز، مشابه همین مطلب آمده است: «آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید، آگاهید». (۳) در این ترجمه و تفسیر بیان شده که نطفه مرد در رحم زن ریخته می شود؛ در حالی که این مطلب از نظر علوم پزشکی خطاست.

اکنون به توضیح این مطلب توجه فرمایید:

### «منی» از نظر علم پزشکی

#### اشاره

از نظر اصطلاحی به مایعی که از مردان در هنگام نزدیکی (یا انزال) خارج می شود «منی» می گویند که معمولاً حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون «اسپرماتوزوئید» است. (۴)

ص: ۲۵۰

۱- (۱). برای اطلاعات بیشتر از معیارهای تفسیر علمی و اقسام و مثال ها به کتاب، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، از نگارنده مراجعه کنید.

۲- (۲). دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، قطع جیبی، ۱۳۷۷ ش.

۳- (۳). نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱

۴- (۴). پروفیسور توماس وی سادلر، رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و شکور، ص ۳۰؛ البته برخی از پزشکان تعداد اسپرم های مرد را بین ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد در هر انزال متغیر می دانند؛ (ر.ک: دکتر پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱).

گاهی به نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) «کرمک» نیز گفته می شود؛ این اسپرم ها در طول مجاری منی ساز بیضه که چندین متر طول دارد ساخته و پرداخته شده و به تدریج برای خروج تکامل می یابند.

طول «اسپرمها» ۱۰ - ۱۰۰ مو (هر مو یک میلیونم متر) بوده و دارای سر و گردن و یک دم بسیار متحرک هستند که با آن در هر ثانیه می توانند ۱۴ - ۲۳ میکرون حرکت کنند.

کرمک ها (اسپرمها) در مهبل زن ریخته می شوند؛ به عبارت دیگر: آن ها به وسیله جهش های مخصوص آلت به طرف دهانه رحم پرتاب می شوند؛ کرمک ها با مقداری از ترشحات (مدی - وذی، ترشحات غده های پرستات و غدد داخلی) در مهبل می مانند و بخش زیادی از آن ها از طریق مخاط مهبل جذب شده وارد دستگاه گردش خون گردیده و طراوت و تازگی خاصی به زن می دهند؛ بسیاری از کرمک ها نیز به طرف سوراخ بسیار تنگ دهانه رحم هجوم می آورند؛ این سوراخ که به اندازه چشم سوزنی است همیشه مملو از ترشحاتی است که اجازه ورود بسیاری از جنیندگان و موجودات ذره بینی را به رحم نمی دهد؛ ولی نسبت به کرمک ها خاصیت «شیموتاکسی» مثبت، از طرف مهبل و منفی، از داخل رحم دارد؛ یعنی وقتی کرمک ها در مهبل هستند آن ها را به داخل رحم می کشاند و هنگامی که در رحم هستند آن ها را از خود دور می سازد.

«رحم» که پشت مثانه راست روده قرار گرفته، جسمی است گوشتی و توخالی تقریباً به اندازه یک گردو، یک سوراخ از جلو دارد که به «مهبل» باز می شود و دو سوراخ در دو زاویه فوقانی، طرفی که به لوله های رحم باز می گردد؛ لوله های رحم ۱۰



۱۴- سانتی متر طول دارند و سر تقریباً آزادشان مجاور تخمدانهاست؛ اسپرم ها از رحم به طرف لوله حرکت کرده و با سرعت ۱۱ میلی متر در ساعت، در مدت ۴ ساعت به تخمک (که در لوله رحم قرار گرفته است) می رسند. (۱) تنها سیصد تا پانصد عدد از اسپرم هایی که همراه با مایع لزج از مجرای تناسلی مرد خارج شده و در مجرای تناسلی (مهبل) زن ریخته می شوند به ناحیه باروری می رسند. و از این میان فقط یکی از آن ها برای باروری مورد نیاز است؛ اسپرماتوزوئیدها به سرعت از مهبل وارد زهدان و متعاقباً وارد لوله های زهدانی می گردند. (۲) دکتر دیاب و قرقوز این جریان را اینگونه تشریح می کنند:

«کاروان داماد (اسپرمها) مسابقه هیجان انگیزی است که بین حدود پانصد میلیون «اسپرماتوزوئید» برگزار می گردد؛ این مسابقه از مهبل زن شروع و با رسیدن اسپرم ها به تخمک (اوول زن) ختم نمی شود؛ بلکه با شکافتن جداره شفاف تخمک به وسیله یکی از اسپرم ها به پایان می رسد؛ زیرا ممکن است ده ها اسپرم به تخمک برسند، ولی تنها یکی از آن ها موفق به عبور از دیواره تخمک گردد». (۳) مسئله قابل توجهی که به هنگام رها شدن تخمک به چشم می خورد مایع شفاف و چسبنده ای است با خاصیت قلیایی که در دهانه رحم ظاهر می شود و فقط به مدت دو روز باقی می یابد؛ این ماده، نطفه ها را جذب کرده و آن ها را قادر می سازد براحتی از لوله رحم گذشته و در مسابقه هیجان انگیز رسیدن به تخمک شرکت کنند. (۴) در «تفسیر نمونه» نیز، زیر آیه ۵۸ سوره «واقع» مشابه همین مطالب علمی درج

ص: ۲۵۲

---

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱ تا ۲۴۷ با تلخیص

۲- (۲). ر.ک: رویان شناسی لانگمن، ص ۲۹ - ۳۰

۳- (۳). طب در قرآن، ص ۸۱

۴- (۴). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۰

شده است. (۱) «عبدالرزاق نوفل» نیز با ذکر آیات ۵ و ۶ سوره «طارق» مشابه همین مطالب علمی را در مورد منی و اسپرم ذکر می کند. (۲)

## بررسی

در اینجا تذکر چند مطلب لازم است:

۱. در «تفسیر نمونه» ذیل آیه ۵۸ سوره «واقع» [ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ] می خوانیم:

«آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید آگاهید». (۳) در تفسیر آیه ۴۶ سوره «نجم» [ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ] نیز می خوانیم:

«و از نطفه ای که خارج می شود و در قرارگاه رحم می ریزد». (۴) و در ترجمه قرآن استاد فولادوند ذیل آیه ۳۷ سوره «قیامت»: [ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى ] می خوانیم:

«مگر او [قبلاً] نطفه ای نبود که [در رحم] ریخته می شود؟!». (۵) نکته قابل توجه در این تفسیر و ترجمه این است که در هر سه مورد، بر این نکته تأکید شده که منی یا نطفه مرد در «رحم» زن ریخته می شود؛ در حالی که:

اولاً: منی مرد در «مهبل» یا مجرای تناسلی زن ریخته می شود. (همانطور که در مبحث علمی گذشت).

ثانیاً: در آیات فوق، محل ریختن منی، مشخص نگردیده و تنها به صورت مطلق بیان شده است.

شاید آنچه که موجب این ترجمه و تفسیر شده است این باشد که منی مرد غالباً در

ص: ۲۵۳

۱- (۱). نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱ - ۲۴۲

۲- (۲). القرآن و العلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل، ص ۱۱۴

۳- (۳). تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱

۴- (۴). همان، ص ۵۵۹

۵- (۵). استاد محمد مهدی فولادوند، ترجمه قرآن، نشر دارالقرآن الکریم، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ ش.

حال آمیزش با زنان خارج می شود و پس از ریختن منی در مهبل (مجرای تناسلی) اسپرم ها با تلاش فراوان و با کمک مایعی که از دهانه رحم ترشح می شود از لوله رحم عبور می کنند تا به تخمک برسند و پس از لقاح برای لانه گزینی به دیواره رحم بروند.

در حالی که این مطالب به معنای ریخته شدن منی مرد داخل رحم زن نیست و در ضمن همیشه هم منی مرد داخل مجرای زنان ریخته نمی شود؛ بنابراین با توجه به آنچه ذکر گردید ترجمه و تفسیر فوق صحیح بنظر نمی رسد.

تذکر: در ضمن ترجمه استاد فولادوند کلمه «منی» ترجمه نشده است (مگر او نطفه ای از منی نبود که ریخته می شود؟).

۲. در ترجمه استاد فولادوند از آیه ۵ تا ۷ سوره «طارق» آمده است:

[ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ أَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ أ يَخْرُجُ مِنْ مِ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِلِ ]؛

«پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ از آب جهنده ای خلق شده است [که] از صُلب مرد و میان استخوان های سینه زن بیرون می آید».

این ترجمه و امثال آن، موجب ابهام در معنای آیه و ناسازگاری معنای آن با یافته های علوم پزشکی شده است؛ از این رو، برخی افراد مثل دکتر «بوکای» با اشاره به ترجمه آیات فوق به «پشت مرد و سینه زن»، صریحاً می نویسند: «این ترجمه ها نوعی تعبیر هستند و بعلاوه به ندرت قابل فهم می باشند». (۱) در حالی که اگر معنای آیه را دقیقاً بررسی کرده و با علوم تجربی مقایسه کنیم، متوجه می شویم که قرآن نه تنها سخنی مخالف علم پزشکی نگفته است؛ بلکه اشاراتی علمی همراه با رعایت ادب در گفتار، بیان کرده است.

اکنون به بررسی سه واژه کلیدی این آیه، یعنی: «ماء دافق»، «صلب» و «ترائب» می پردازیم تا مطلب روشن شود:

ص: ۲۵۴

---

۱- (۱). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ص ۲۷۹ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مفسران درباره این واژه دو دیدگاه دارند؛ هر چند که در این مورد، سه احتمال وجود دارد:

الف) اینکه مراد از «ماء دافق» همان «منی» مرد است که به صورت جهنده از او خارج می شود. (و دافق به معنای «مدفوق» یا «ذو دفق» آمده است). (۱ب) مراد از «ماء دافق» همان آب مشترک زن و مرد است که در رحم مخلوط می شود و یک آب می شود؛ این مطلب از کلام برخی مفسرین بدست می آید. (۲ج) مراد از «ماء دافق» مایعی است که از زنان خارج می شود (اوول) تا از ترکیب آن با اسپرم ها نطفه اولیه کودک شکل گیرد.

### بررسی

انسان در قالب تخمک بوجود می آید که هر تخمک از دو قسمت تشکیل می شود، یکی: «اسپرماتوزوئید» و دیگری: «اوول» زن؛ هر مرد در هنگام آمیزش، همراه با جهش قطراتی از منی صدها میلیون «اسپرماتوزوئید» است از او خارج می شود (۳) که معمولاً یکی از آن ها خود را به «اوول» زن رساند، با آن ترکیب شده، تشکیل تخمک می دهد و سپس به کندی حرکت می کند تا در رحم زن مستقر شود و نطفه منعقد شده در رحم، کم کم رشد کرده و کودکی به دنیا می آید.

ص: ۲۵۵

- 
- ۱- (۱). المیزان، علامه طباطبائی رحمه الله، ج ۲۰، ص ۳۷۹، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹ ق، چاپ سوم.
- ۲- (۲). الکشاف، زمخشری، ذیل آیات فوق می گوید: ولم یقل ماءین لامتراجهما فی الرحم... (ج ۴، ص ۷۳۵، نشر دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق).
- ۳- (۳). تعداد اسپرم ها را در هر عمل زناشویی بین دویست تا سیصد میلیون دانسته اند؛ ر.ک: پروفیسور توماس وی سادلر، رویان شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، ص ۳۰ و: بهداشت ازدواج از نظر اسلام، ص ۴۲ و مصطفی زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۱۱۸، انتشارات پیام اسلام.

با توجه به مسائل علمی فوق، می توان احتمال نخست را پذیرفت که مراد از «ماء دافق» همان منی مرد است که با جهش بیرون می آید؛ رویکرد مزبور با ظهور آیه نیز سازگار است و این بدان جهت است که مایعی که از زنان خارج می شود (اوول) فاقد جهش بوده و هنگام حرکت به سوی رحم نیز، به کندی حرکت می کند.

بنابراین دیدگاه دوّم در مورد «ماء دافق» (آب مشترک زن و مرد) صحیح به نظر نمی رسد: احتمال سوّم نیز مدافعی ندارد؛ پس اساساً منتفی است.

## ۲. صلب

### اشاره

درباره این واژه چند احتمال وجود دارد:

الف) در مورد این واژه «راغب» می گوید: «صلب»، «چیز شدید و سخت» را گویند و به همین مناسبت به مرد اطلاق می شود؛  
ب) برخی احتمال داده اند که مراد «استخوان پشت مرد» (۲) (ستون فقرات) باشد و در راستای همین معنا دکتر قرقوز و دکتر دیاب در مورد معنای کلمه «صلب» می نویسند:

صلب شامل ستون فقرات کمر و استخوان خاجی و از نظر عصبی در برگیرنده مرکز تنظیم رفتارهای جنسی است؛ رشته های عصبی که از صلب (ستون فقرات) نشأت گرفته اند، جریان عصبی را به دستگاه تناسلی منتقل می کنند؛ از این رشته ها می توان شبکه خورشیدی، شبکه عصبی خاجی و رشته های عصبی دستگاه تناسلی را نام برد.

این رشته های عصبی با رشته های عصبی مسئول انقباض و انبساط شریان های خونی، نُعوظ و رخوت آلت تناسلی و کلیه امور مربوط به فعالیت های

ص: ۲۵۶

---

۱- (۱). المفردات، الراغب الاصفهانی، ماده صلب.

۲- (۲). فخر رازی، تفسیر کبیر، زیر آیه ۵ - ۷ سوره طارق و نیز مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۲.

جنسی تلاقی می کنند و اگر بخواهیم منطقه صلب را که مسئول این عصب دهی می باشد مشخص کنیم، می گوئیم که این منطقه در محدوده ای بین مهره دوازدهم پشتی و مهره اول و دوم کمری و دوم، سوم و چهارم خاجی قرار دارد. (۱)ج) برخی نیز، مراد از «صلب» احتمال داده اند که کل تنه بدن انسان که بین استخوان سینه و پشت واقع می شود باشد؛ (۲)د) برخی نیز، احتمال داده اند که مراد، «محل خروج منی» مرد باشد (۳) و در راستای همین معنا دکتر پاک نژاد «صلب» را به معنای «دستگاه نطفه ساز» مردانه می داند؛ (۴)ه) برخی از لغت شناسان نیز احتمال داده اند که مقصود از صلب استخوان مرد باشد؛ (۵)و) همچنین گروهی از لغویین احتمال داده اند که مقصود، مطلق «قوت و شدت» است. (۶)ز) برخی از لغویین نیز احتمال داده اند که مقصود، مبدأ پیدایش منی، یعنی:

«دستگاه گوارش» است. (۷)

### بررسی

با توجه به اینکه همه اقوال در مورد مرد و یا محل خاصی از بدن او (مثل پشت یا ستون فقرات) است، اجمالاً معلوم می شود که مراد از «صلب»، زن یا قسمتی از بدن او نیست؛ اما با توجه به معنای «ترائب» که بعداً می آید، «صلب» به معنای «پشت مرد» صحیح تر به نظر می رسد و اما معنای لغوی «شدت» (الف - و) نمی تواند مقصود

ص: ۲۵۷

۱- (۱). طب در قرآن، ص ۳۱

۲- (۲). تفسیر المیزان، علامه طباطبایی رحمه الله، زیر آیه ۵ - ۷ سوره طارق

۳- (۳). تفسیر البصائر، رستگاری جویباری، زیر آیه ۵ - ۷ سوره طارق

۴- (۴). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۰

۵- (۵). مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۳

۶- (۶). همان

۷- (۷). همان

باشد؛ چرا که منی صرفاً با شدت بیرون نمی آید؛ بلکه یکی از مصادیق آن اشیای محکم هستند و در بدن مرد، پشت او را «صلب» می گویند؛ چون بسیار شدید، محکم و قوی است.

وَأَمَّا معنای سوم (ج) که کل بدن مرد مراد باشد، اگر بگوییم از مجموع تعبیر «صلب» و «ترائب» این نکته برداشت می شود چیزی است که در پایان بحث به آن اشاره می کنیم و آن را با معنای دوم جمع می بندیم؛ ولی اگر از کلمه «صلب» کل بدن مرد مراد باشد، قابل قبول نیست؛ چون لازم است که «ترائب» نیز «زن» معنا شود و منی از بدن این دو خارج نمی شود؛ بلکه تنها از بدن مرد خارج می شود.

وَأَمَّا معنای چهارم (د) که مقصود «محل دستگاه نطفه ساز» مرد باشد نیز قابل قبول نیست؛ چرا که منی از بین آن و همچنین از «ترائب» خارج نمی شود؛ بلکه از داخل دستگاه نطفه ساز خارج می شود؛ مگر آنکه بگوییم: کلمه «بین» به معنای «داخل» است که در این صورت، خلاف ظاهر معنای لفظ را گرفته ایم.

در مورد معنای پنجم (ه) یعنی: «استخوان مرد»، اگر منظور استخوان پشت مرد باشد اشکالی ندارد و الا کلمه «صلب» به معنای مطلق استخوان نمی آید.

وَأَمَّا در مورد معنای هفتم (ز) یعنی: «دستگاه گوارش»، اگر مقصود، استفاده از کل عبارت [ ... مِنْ مَّ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ] باشد، ممکن است به صورت کنایی در بعضی موارد احتمال داده شود؛ اما اگر بخواهیم از خود لفظ «صلب» چنین معنایی را برداشت کنیم، صحیح نیست؛ چون چنین معنا و استعمالی در مورد واژه «صلب» مشاهده شده است.

### ۳. ترائب

#### اشاره

پیرامون واژه «ترائب» معانی متعددی ذکر شده است که به صورت مختصر به آن ها اشاره می کنیم:

الف) استخوان ترقوه زن (۱) (ترائب از ریشه تراب است و از آنجا که استخوان سینه زن نرم است و آسان حرکت می کند؛ از این رو، ترائب گفته شده است)؛

ب) بین دو سینه زن؛ (۲) ج) بین دو کتف و سر؛ (۳) د) استخوان سینه و گلوگاه؛ (۴) ه) عصاره قلب؛ (۵) و) دست، چشم، پا و... (۶) (سرتا سر بدن)؛

ز) محل خروج اوول زن. (۷) د کتر پاک نژاد نیز، در همین راستا می نویسد:

چاره ای جز این نداریم که «صلب» را دستگاه نطفه ساز مردانه و ترائب را دستگاه نطفه ساز زنانه بدانیم.

وی سپس این مطلب را در انطباق با ظاهر آیه، این گونه توجیه می کند که:

وقتی به کتب لغت مراجعه نموده و محل آن ها را قسمت پشتی و قدامی ستون فقرات، یعنی: جای اولیه ای که بیضه و رحم قرار می گیرند بدانیم (قبل از شش ماهگی جنین تخم و تخمدان، هر دو در پشت قرار دارند و پس از شش ماهگی در جنس نر هر دو به پایین کشیده شده و در پوسته بیضه قرار می گیرند و به وضع عادی در می آیند و در جنس ماده نیز، مختصر جابجا شده و در دو طرف پهلو محاذی لوله های رحم جایگزین می شوند)، می توان آیه قرآن را به ترتیب زیر،

ص: ۲۵۹

---

۱- (۱) . مجمع البیان، ذیل آیه و نیز، لسان العرب و تفسیر نمونه با این تفاوت که «ترائب» را جمع «تریبه» گرفته اند.

۲- (۲) . تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، ج ۴، ص ۵۳۲ و مجمع البیان، ذیل آیه.

۳- (۳) . همان منابع

۴- (۴) . همان منابع.

۵- (۵) . تفسیر البصائر، ذیل آیه و نیز، تفسیر ابن کثیر

۶- (۶) . مجمع البیان، ذیل آیه

۷- (۷) . البصائر، ذیل آیه



از آب دافق کنار و اطراف نخاع خلقت شد؛ در «صلب» و «ترائب» دو قسمت وابسته به بیضه و رحم جای داشت؛ سپس از مجرا و گذرگاه، که بیضه و تخمدان باشد گذشت...؛ ناگفته نماند: چون متاستازهای سرطان بیضه، در وهله اول، اطراف ستون فقرات تظاهر می کنند، ممکن است به زودی اعلام دارند که بین مایع اطراف نخاع و مایع موجود در مجاری منی ساز بیضه، ارتباط مسلم و قطعی برقرار است. (۱ ح) بین نخاع و سینه هر شخص. (۲ ط) «ترائب» به چیزهای جفت و مساوی در بدن انسان گفته می شود و از این رو به انگشتان دست و دو استخوان ران پای انسان نیز ترائب می گویند (یعنی:

منطقه ای که آلت تناسلی مرد در آن قسمت واقع شده است)؛ (۳ در همین راستا، دکتر «دیاب» و دکتر «قرقوز» نیز پس از نقل معانی مفسرین می نویسند:

اکنون که عرصه معنا تا این حد گسترده است، ما معنایی را بر می گیریم که با حقایق علمی نیز موافقت دارد؛ یعنی: «ترائب» را عبارت از استخوان های میان هر دو پا فرض می کنیم. (۴) استاد آیهاالله معرفت نیز همین معنا را پذیرفته اند. (۵)

ص: ۲۶۰

---

۱- (۱). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۱

۲- (۲). البصائر: ذیل آیه

۳- (۳). ر.ک: تفسیر ابن کثیر، زیر آیه، از ضحاک (که از تابعین تابعین در تفسیر است) این معنا را نقل می کند (قال ضحاک: الترائب بین الشدیین و الرجلین و العینین...); مقایس اللغه نیز می گوید: ترب: اصیلان، احدهما: التراب و ما یشق منه والآخر؛ تساوی الشیئین؛ همچنین صاحب التحقیق بعد از آنکه اصل معنای لغوی را مسکنه و خضوع کامل می داند، می گوید: امّا خروج من بین الصلب و الترائب، فلعلّ المراد، خروج من بین العمود الفقری و هو الصلب المنتهی الی العجز و بین الفخذین المعتبر عنهما بالترائب، لکونهما من اسافل الاعضاء... (المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۸۳ - ۳۸۴).

۴- (۴). طب در قرآن، ص ۳۲

۵- (۵). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۶۲ - ۶۴

واژه «ترائب» به دو معنای «خضوع و تسلیم» و «هر دو چیز مساوی در بدن» است و به نظر می‌رسد که اکثر معانی و احتمالاتی که در آیه مطرح شد، استعمالاتی در مصادیق همین دو معناست؛ اما با توجه به معنای «ترائب» و احتمالاتی که داده‌اند، چند معنا برای آیه [يَخْرُجُ مِنْ مَّيِّنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ]، ممکن است بیان شود:

نخست: آبی که از پشت مرد و سینه زن خارج می‌شود؛ این معنا موافق اکثر معانی ترائب است که به سینه و استخوان سینه زن تعبیر می‌شود. و در همین راستا، یکی از مترجمان قرآن، آیه ۶ و ۷ سوره «طارق» را اینگونه ترجمه می‌کند: «از آب جهنده ای خلق شده [که] از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید». (۱) برخی از مفسران، همین معنا را پذیرفته و در صدد توجیه علمی آن برآمده‌اند؛ (۲) اما با توجه به اینکه این عبارت: [يَخْرُجُ مِنْ مَّيِّنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ]، صفت «ماء دافق» است و «اوول» زن حالت جهندگی ندارد، نمی‌تواند احتمال قوی به حساب آید؛ صاحب «التحقیق» نیز با طرح همین احتمال، آن را غیر صحیح می‌داند؛ چون منی از بین پشت مرد و سینه زن، یعنی: وسط آن‌ها، خارج نمی‌شود؛ بلکه از درون مرد خارج می‌شود؛ (۳) دوم: آبی که از پشت و سینه مرد خارج می‌شود؛ فخر رازی این مطلب را به صورت یک احتمال ذکر می‌کند؛ ولی این مطلب توجیه علمی و معقول ندارد؛ مگر آنکه گفته شود: مراد کل وجود مرد است که بین استخوان سینه و پشت واقع شده است؛

ص: ۲۶۱

۱- (۱). استاد فولادوند، ترجمه قرآن

۲- (۲). سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۸۷۷، دارالشروق، ۱۴۰۲ ق، الطبعة العاشرة.

۳- (۳). مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۸۴. و اما تفسیر الآیه الکریمه بالخروج من بین ظهر الرجل و صدر المرأه، فغیر صحیح، فان حقیقه اللفظین غیر مافسّروهما و لاینَّ الماء لا یخرج من بین ظهر الرجل و صدر المرأه؛ ای: من وسطهما.

سوم: جنین از رحم زن خارج می شود که میان پشت و قسمت جلوی بدن او قرار می گیرد؛ (۱) این احتمال هم ضعیف است؛ چون در معنای کلمه «صلب»، پشت زن گفته نشده بود؛

چهارم: «صلب» مظهر محکمی و سختی و خشن بودن مرد است و «ترائب» مظهر لطافت زن است؛ پس مراد «اسپریم مرد» و «اوول زن» است؛ (۲) این احتمال هم ضعیف است، چرا که معنای آیه، مجازی می شود؛ علاوه بر آن، قبلاً بیان شد که «اوول» زن حرکتی کند دارد؛

پنجم: آبی که از بین دستگاه نطفه ساز مرد و دستگاه زن خارج می شود؛ یعنی:

همان معنایی که دکتر «پاک نژاد» در مورد صلب و ترائب پذیرفتند؛ اما این احتمال نیز قابل قبول نیست؛ چون منی از داخل دستگاه نطفه ساز مرد خارج می شود؛ نه از بین دو دستگاه نطفه ساز مرد و زن و بر همین اساس است که خود ایشان هم مجبور شده است این معنا را توجیهی بعید کند؛

ششم: منی مرد از بین پشت و پیش روی او خارج می شود؛ این معنا مورد پذیرش برخی مفسران واقع شده (۳) و شواهدی برای آن اقامه گردیده است؛ از جمله آنکه:

عمده ترین عامل پیدایش منی «نخاع شوکی» است که در پشت مرد واقع است و سپس قلب و کبد است که یکی زیر استخوان های سینه و دیگری در میان این دو قرار دارد و همین سبب شده که تعبیر [ ... مِنْ مَّ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ] برای آن انتخاب شود. (۴) پس می توان گفت که نطفه مرد از میان پشت و روی او خارج می شود و از طرف دیگر در هنگام خروج منی، هیجان تمام بدن را فرا می گیرد و بعد از آن تمام بدن سست می شود و از این رو برخی گفته اند در حقیقت منی از تمام بدن خارج می شود؛ (۵)

ص: ۲۶۲

- 
- ۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۶۵ به صورت احتمال ذکر می کند.
  - ۲- (۲). همان و نیز صاحب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز، این مطلب را به صورت توضیح یک احتمال ذکر کرده است، ج ۶، ص ۲۶۳.
  - ۳- (۳). ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۶۷.
  - ۴- (۴). همان.
  - ۵- (۵). همان، ص ۳۶۶.

هفتم: آب منی از بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی) خارج می شود؛ این معنا موافق معنای اخیر در کلمه ترائب است که شواهد متعددی از لغت و تفسیر به همراه داشت و مورد پذیرش برخی پزشکان نیز بود؛ چرا که با رویکرد علمی پزشکی سازگار است.

آیه الله معرفت نیز معنای مزبور را می پذیرند و از قول دکتر «کنعان الجائی» نیز همین را ذکر می کنند. (۱) «دیاب» و «قرقوز» در این زمینه می نویسند: «ماء دافق همان آب مرد، یعنی: منی است که از میان صلب و ترائب (استخوان پاها) او خارج می شود... تمام نقاط و مجاری عبور منی از نظر کالبدشکافی در محدوده «صلب» و «ترائب» قرار دارند غدد کیسه ای پشت «پروستات» (که ترشحات آن ها قسمتی از منی را تشکیل می دهد) نیز در محدوده «صلب» و «ترائب» قرار گرفته اند».

سپس با اشاره به غدد کیسه ای ترشح کننده منی و وظایف آن ها می نویسند:

این دو، غده های ترشح کننده هستند که ترشحات آن ها بخشی از مایع منی را تشکیل می دهد؛ ترشحات این غدد به رنگ زرد بوده و از نظر «فرکتوز» بسیار غنی است؛ همچنین این غدد در عمل جهشی منی به خارج و به صورت دفعات بر اثر انقباض عضلات آن ها نقش بسیار مهمی ایفا می کنند.

پس می توان گفت: منی از میان «صلب» مرد، به عنوان یک مرکز عصبی - تناسلی امر کننده و «ترائب» او به عنوان رشته های عصبی مأمور به اجرا، خارج می شود و در واقع خروج منی با همراهی و هماهنگی کامل بین آمر و مأمور انجام می پذیرد و این مسئله از نظر علمی نیز به اثبات رسیده است.

با توجه به توضیحات فوق، هیچ اشکالی در این مسئله باقی نمی ماند که قرآن، این موضوع را به گونه ای اعجاز آمیز و به صورت موعظه بیان فرموده است. (۲)

ص: ۲۶۳

---

۱- (۱). ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۶۴

۲- (۲). طب در قرآن، ص ۳۲ - ۳۳، با تلخیص

به نظر می رسد که می توان معنای ششم و هفتم را با هم جمع کرد و این معنا با کلام علامه طباطبائی رحمه الله که معتقدند: (مراد کل بدن انسان است) نیز قابل جمع است؛ همچنین نه تنها با مبانی علمی نیز، ناسازگار نیست؛ بلکه علم مؤید آن است؛ چرا که قرآن می فرماید: «منی مرد از بدن او که بین پشت و جلوی او (که منظور محل آلت تناسلی اوست) خارج می شود» و این مطلب با ظهور آیه شریفه که صفت برای «ماء دافق» است سازگارتر است.

پس آیه، ربطی به زنان ندارد تا با مبانی علمی خروج منی و جهنده نبودن «اوول» ناسازگار باشد.

نکته: قرآن کریم، سخن پروردگاری حکیم و عالم است که در اوج فصاحت، بلاغت و ادب بیان شده است؛ ادب قرآن و رعایت جنبه های اخلاقی نیز در بیان مطالب جنسی، کاملاً روشن است.

به نظر می رسد که در اینجا نیز برای اینکه نام آلت تناسلی انسان به صراحت برده نشود، از تعبیر [ ...مِن مَّ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِلِ ]؛ «آب جهنده ای که از ما بین پشت (مرد) و دو استخوان پا...»، استفاده شده است.

### ۳. تأثیر دانش ادبیات عرب در ترجمه قرآن

#### درآمد

قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است، ازاین رو هر مترجم قرآن باید به زبان و ادبیات عرب تسلط کافی داشته و قواعد صرف، نحو، فصاحت و بلاغت و... را مد نظر قرار دهد تا بتواند ترجمه ای دقیق از قرآن ارائه کند.

گاه برخی از مترجمان به این امر مهم کم توجهی می کنند، ازاین رو گرفتار

لغزش هایی در ترجمه می گردند؛ اکنون به چند نمونه از این لغزش ها اشاره می کنیم:

۱. استاد فولادوند در ترجمه آیه ۱۱۹ سوره «هود» می نویسد:

[إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ]؛

مگر کسانی که پروردگار توبه آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است؛ وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که:] «البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد».

### بررسی

واژه «أجمعین» را در این آیه، قید «جهنم» گرفته اند در حالی که واژه «جهنم» مفرد مونث است و قید آن «جمعاء» می شود؛ پس این «أجمعین» تاکید معنوی برای «الجنه والناس» است.

۲. استاد فولادوند در ترجمه آیه ۱۲۰ سوره «هود» می نویسند:

[وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَمْ نَبَأِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ يَفُؤَادَكَ...]

«و هر یک از سرگذشت های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می گردانیم».

در این ترجمه «کلاماً» مبتدا و «ما نُنَبِّئُ» خبر فرض شده است: «هر یک از سرگذشتها... چیزی است»؛ در حالی که جمله «كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَمْ نَبَأِ الرُّسُلِ» مستقل است و «ما» بدل از آن شده است؛ (۱) یعنی: آیه باید اینگونه ترجمه شود:

«و هر یک از اخبار فرستادگان (الاهی) را برای توحکایت می کنیم، (همان) چیزی که بوسیله آن، دلت را استوار می گردانیم».

۳. استاد خرمشاهی در ترجمه آیه ۱۲۳ سوره «نحل» می نویسند:

[ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ]؛

ص: ۲۶۵

---

۱- (۱). نک: اعراب القرآن و بیانه، ج ۳، ص ۴۹۷، محی الدین درویش.

«سپس به تو وحی کردیم که پاکدلانه از آیین ابراهیم پیروی کن، که از مشرکین نبود».

در این ترجمه «حینفاً» حال از ضمیر «اتبع» گرفته شده است در حالی که حال از ابراهیم است؛ (۱) یعنی: آیه باید اینگونه ترجمه می شد:

«سپس به سوی تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن، در حالی که حق گرا (پاکدل) بود و از مشرکان نبود».

۴. استاد فولادوند در ترجمه آیه ۷۴ سوره «انبیاء» می نویسد:

[...إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَسَقِينَ ]؛

«به راستی آن ها گروه بد و منحرفی بودند».

استاد خرمشاهی نیز می نویسد: «که آنان مردمی پلید و نافرمان بودند».

در این ترجمه که بیان شد، واژه «فاسقین» را با واو، به «سوء» عطف کرده اند در حالی که «واو» داخل پرانتز قرار نگرفته است؛ یعنی: «فاسقین» را مضاف الیه بعد از مضاف الیه گرفته اند.

در حالی که واژه «قوم» در این آیه، به واژه سوء اضافه شده است: «قوم بد» و واژه «فاسقین» صفت «قوم» است؛ یعنی: این آیه باید لااقل اینگونه ترجمه می شد:

«چرا که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند».

یا اینچنین معنا شود که دقیق تر خواهد بود: «چرا که آن ها گروه بدی هستند که نافرمانبردارند».

۵. ضمیر فصل در اکثر ترجمه های قرآن معنا نمی شود:

مثال: در ترجمه آیه ۱۲ سوره «بقره» می خوانیم:

[ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ]؛

فولادوند: «بهوش باشید که آنان فساد گراند، لیکن نمی فهمند»؛

ص: ۲۶۶

خرمشاهی: «بدانید که ایشان اهل فسادند».

و گاهی نیز به عنوان «حصر» معنا می شود:

مثال: در آیه ۱۰۴ سوره «آل عمران» در «تفسیر نمونه» می خوانیم:

[... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ]؛

«تنها آنان رستگارانند»؛

ولی همین مفسر محترم در ترجمه آیه به عنوان «تاکید» آورده و می فرماید:

«آن ها همان رستگارانند»؛

و گاهی به عنوان «تاکید» معنا می شود:

همانطور که استاد «فولادوند» به عنوان «تاکید» در آیه ۱۰۴ سوره «آل عمران» می نویسند: «آنان همان رستگارانند».

## بررسی

«ضمیر فصل» در ادبیات عرب دو معنا دارد:

الف) معنای «حصر»؛

ب) معنای «تاکید».

نکته ۱: معنای نخست، معنای اصلی ضمیر فصل است و معنای دوم به عنوان قول گروهی از ادیبان در ادبیات عرب مطرح است.

همانطور که «ابن هشام» در «مغنی» پیرامون فایده های «ضمیر فصل» می نویسد:

«الثانی: معنوی: وهو التأكيد؛ ذكره جماعة... والثالث: معنوی ایضاً:

وهو الاختصاص، و كثير من البيانين يقتصر عليه». (۱) نکته ۲: «حصر، در مورد ضمیر فصل غالباً به صورت «حصر اضافی و نسبی» است.



۱- (۱) . مغنی ابن هشام، باب رابع، شرح حال الضمیر المسمی فصلاً و عماداً، ص ۵ - ۶۴۴، چاپ تبریز، سوق المسجد الجامع (برگرفته از طبع الخامس بیروت ۱۹۷۹ م).

یعنی: در آیه ۱۱ سوره «بقره» که منافقان ادعا می کنند: «تنها آنان اصلاح کردند و دیگران را فسادگر می خوانند»؛ خداوند به آنان پاسخ می دهد و اعلام می کند که: «تنها آنان فسادگرند»؛ یعنی: در میان این دو گروه (مومنان و منافقان) فساد منحصر به گروه دوم است؛ یعنی: «حصر نسبی» است نه «حصر مطلق» که بگوییم در میان جهانیان فقط این منافقان فاسقند؛ (چون بسیاری از کافران نیز فاسق هستند).

#### ۶. فعل معلوم و مجهول

در ترجمه استاد فولادوند در ذیل آیه ۸۳ سوره «مومنون» می خوانیم:

[لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ]؛

«درست همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند؛ این جز افسانه های پیشینیان [چیزی] نیست».

در این آیه، فعل «وعدنا» که مجهول است اینگونه ترجمه شد: «وعده دادند»؛ یعنی:

به صورت سوم شخص معلوم غایب معنا شده است؛ در حالی که باید اینگونه ترجمه می شد: «ما و پدرانمان وعده داده شدیم». (۱) در ترجمه دیگری در مورد آیه ۲۵ سوره «اعراف» می خوانیم:

[قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ]؛

«فرمود: در آن [زمین] زنده می شوید؛ و در آن می میرید و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد». (۲) ملاحظه می کنید که «تُخْرَجُونَ» فعل مجهول است در حالی که معلوم معنا شده

ص: ۲۶۸

۱- (۱). البته برخی از صاحب نظران و ادیبان بر آنند که یکی از راه های مجهول کردن فعل در زبان فارسی، آن است که فعل به صورت جمع آید؛ ولی این مبنا قابل مناقشه است؛ چرا که در هر صورت (مفرد و جمع) اگر فعل به فاعلی استناد داده شود معلوم است و اگر اسناد داده نشود مجهول خواهد بود.

۲- (۲). ترجمه تفسیر نمونه که به نام آیه الله مکارم شیرازی منتشر شده است.

است؛ یعنی: گفته اند: «از آن خارج خواهید شد»؛ ولی معنای صحیح آن است که ترجمه کنند: «از آن بیرون آورده می شوید».

#### ۴. تأثیر دانش تفسیر در ترجمه قرآن

ترجمه قرآن، خلاصه ای از تفسیر آن است؛ بنابراین از طرفی عدم توجه به تفسیر، سبب می شود که مترجم راه خطا برود و برخی مطالب و اهداف قرآن بخوبی به زبان مقصد منتقل نسازد.

از طرف دیگر، مترجم باید مواظب باشد که در مواردی که یک جمله چند تفسیر مختلف دارد و هیچکدام از آن ها قطعی نیست، آیه را طوری تفسیر کند که با همه دیدگاه های تفسیری سازگار باشد، یا برخی از دیدگاه ها را نفی نکند.

از سوی دیگر نیز باید مواظب باشد که تهافتی بین تفسیر مورد قبول او با ترجمه پیش نیاید.

هنگامی که به برخی از ترجمه ها نظر می کنیم، این اشکالات را فراوان می بینیم؛ این موضوع نشان دهنده اهمیت و نقش «تفسیر» در ترجمه است و اینکه: مترجم قرآن حتماً باید مفسر نیز باشد؛ اینک به برخی مثال ها توجه کنید:

۱. در ترجمه استاد فولادوند در مورد آیه ۱۲ سوره «طلاق» می خوانیم:

[ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ ... ]؛

«خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن ها هفت زمین آفرید».

مفسران در مورد تعبیر «مثلهن» چند احتمال داده اند:

الف) همانند بودن آسمان ها و زمین در تعداد (هفت)؛ (۱) این همان احتمالی است که استاد فولادوند براساس آن آیه را ترجمه کرده است؛

ص: ۲۶۹

ب) همانند بودن آسمان ها (کرات آسمانی) و زمین در معلق و شناور بودن در فضا؛ (۱.ج) همانند بودن آسمان ها و زمین، در ملکوتی بودن؛

یعنی: خدا آسمان (مقام قرب، حضور و ملکوت) را آفرید و از زمین چیزی شبیه آسمان آفرید؛ یعنی انسانی را خلق کرد که مرکب از ماده زمینی و روح ملکوتی آسمانی است. (۲.ج) جالب توجه آنکه در قرآن، واژه هفت آسمان تکرار شده است؛ اما واژه هفت زمین نداریم و تنها آیه ای که ممکن است اشاره به هفت زمین داشته باشد (بنابراین احتمال اول) همین آیه است و در اینجا هم احتمال هست که هفت اقلیم یا هفت قطعه زمین مقصود باشد؛ همانطور که از واژه «الارضین» در «نهج البلاغه» اراده شده است. (۳.ج) بنابراین می بینیم که مترجم طوری آیه را ترجمه کرده که با یکی از احتمالات تفسیری سازگار و بقیه را نفی می کند، در حالی که اگر اینگونه ترجمه می کرد:

«خدا همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین، همانند آن ها را»، هم با ظاهر آیه سازگارتر بود و هم با تفسیرهای مختلف آیه انطباق داشت.

۲. در ترجمه «تفسیر نمونه» با اینکه این ترجمه بر یک تفسیر مبتنی است؛ اما گاهی تعارض بین ترجمه و تفسیر به چشم می خورد؛ یعنی: مفسران گرامی در تفسیر یک معنا را برگزیده و گفته اند؛ ولی در ترجمه، معنای دیگری را ابراز کرده اند:

در آیه ۱۲۷ سوره «نساء» می خوانیم:

[... وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ ... ]

ترجمه: «و می خواهید با آن ها ازدواج کنید»؛

تفسیر نمونه: «و نمی خواهید با آن ها ازدواج کنید». (۴)

ص: ۲۷۰

---

۱- (۱). تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۳۰، ذیل آیه ۱۲ سوره طلاق

۲- (۲). المیزان، ج ۱۹، ص ۷-۱۶۵ و ذیل آیه ۱۲ سوره طلاق

۳- (۳). نهج البلاغه (سه جلدی استاد مکارم) ج ۱، ص ۱۷۴ و ج ۲، ص ۱۷۷ و ص ۱۷۹ و خطبه ۱۹۹.

۴- (۴). نمونه، ج ۴، ص ۱۴۸

در آیه ۴۱ سوره «آل عمران»:

[...وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ؛]

ترجمه: «و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو»؛

تفسیر نمونه: «عشی به معنای عصر آمده است». (۱) و نیز در آیه ۳۶ سوره «نور» واژه «عُدُوا» در ترجمه، به معنای «شام» و در تفسیر به معنای «عصر» آمده است. (۲) در آیه ۲۲ سوره «حجر»: [ وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَّاحٍ ... ]؛

ترجمه: «و ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم»

تفسیر نمونه: «آیه، اشاره به لقاح ابرها دارد و نمی توان آن را اشاره به لقاح گیاهان دانست». (۳) واژه «قرض» در آیه ۲۴۵ سوره «بقره»، توسط استاد «فولادوند» اینگونه ترجمه شده است:

[ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ... ]؛

«کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد».

ملاحظه می کنیم که واژه «قرض» در این آیه به معنای «وام» به مردم معنا شده است؛ در حالی که واژه «قرض» در آیه مزبور به معنای «انفاق در راه خدا» است (۴) و اگر به عنوان «قرض» آمده، نوعی کنایه یا مجاز گویی است و گرنه وام به خدایی که مالک همه چیز است، معنا ندارد؛ وام به بندگان هم منظور نیست.

این مطلب هم ناشی از این است که مترجم محترم از شباهت لفظ «قرض» در

ص: ۲۷۱

۱- (۱). همان، ج ۲، ص ۸-۴۰۷

۲- (۲). همان، ج ۱۱، ص ۶۱

۳- (۳). همان، ج ۱۴، ص ۴۸۱

۴- (۴). نک: نمونه، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۰ والمیزان، ج ۲، ص ۲۸۴

فارسی و عربی، پنداشته اند که در این آیه نیز «قرض» به معنای «وام» است؛ این همان خطای ذهنی مشهوری است که در بین بسیاری از مردم متداول است به گونه ای که آیه مزبور را به عنوان نماد «قرض الحسنه» قرار می دهند؛ حال آنکه طبق مفاد تفسیر این آیه به معنای «انفاق و بخشش در راه خدا» است و واژه «وام» به عنوان «دین» در قرآن آمده است. (۱) از این رو آیةالله مکارم شیرازی آیه مزبور را اینگونه ترجمه کرده اند:

«کیست که به خدا "قرض الحسنه ای" دهد (از اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند)...».

مثال دیگر:

[ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ ... ]؛ (۲)

حلبی: «و برای آن ها (مجاهدان مسلمان) آنچه می توانید نیرو و اسبان بسته آماده کنید»؛

در این ترجمه، ضمیر «لهم» به مجاهدان مسلمان برگشته، در حالی که مقصود در این آیه کافران هستند.

از این رو آیه الله مکارم شیرازی که به تفسیر آیه توجه داشته اینگونه ترجمه کرده است:

«هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان] آماده سازید و...».

## ۵. تأثیر واژه شناسی در ترجمه قرآن

### اشاره

«لغت» یکی از منابع و ابزارهای ترجمه و تفسیر قرآن است و بدون مراجعه به کتاب های اصیل و معتبر لغت نمی توان به ترجمه قرآن اقدام نمود و در همین راستا، مترجم قرآن نباید بر ذهن خود تکیه کند یا از دیگران تقلید نماید؛ بلکه باید مکرراً به لغت مراجعه کند تا مطمئن شود که معنای لغت چیست.

گاهی برخی از مترجمان، دقت لازم را در این کار نمی کنند و واژه قرآنی را به خطا ترجمه می کنند؛ گاهی نیز مشابهت یک واژه در فارسی و عربی، مترجم را فریب داده و ترجمه را با خطا مواجه می سازد.

ص: ۲۷۲

۱- (۱). بقره، ۲۸۲

۲- (۲). انفال، ۶۰

اینک به چند مثال در این مورد توجه کنید:

۱. در ترجمه استاد فولادوند پیرامون آیه ۱۳۳ سوره «آل عمران» می خوانیم:

[ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ ... ]

«و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان ها و زمین است...».

در این ترجمه، واژه «عرض» به معنای «پهنا» آمده است؛ حال آنکه واژه مزبور در این آیه به معنای «وسعت» است؛ ولی در فارسی واژه «عرض» به همان معنای «پهنا» می آید که در برابر «درازا» (طول) است.

این خطا به خاطر اشتراک لفظی بروز کرده است؛ مترجم محترم پنداشته اند که واژه «عرض» در فارسی و در این آیه به یک معناست، در حالی که معنای آن ها متفاوت است.

این مطلبی است که برخی لغویین بر آن اصرار کرده اند؛ چون اصلاً بهشت آخرت، حدّ و اندازه مادی ندارد که عرض در برابر طول مراد باشد. (۱)۲. در ترجمه های متعدد قرآن، ذیل آیه ۱۳۳ سوره «اعراف» و ۱۴ سوره «عنکبوت» واژه «طوفان» به معنای «طوفان» ترجمه شده است. (۲) در حالی که این واژه در عربی به معنای حادثه ای است که انسان را احاطه می کند و غالباً در «سیل» به کار می رود که در این دو مورد نیز به معنای «سیلاب» آمده است. (۳) اما واژه «طوفان» در فارسی به معنای «تندباد» است؛ یعنی: مخاطب ترجمه قرآن، به جای فهم معنای «سیلاب»، معنای «تندباد» را می فهمد.

این خطای مترجمان محترم به خاطر اشتباهات واژه طوفان در فارسی و عربی و

ص: ۲۷۳

---

۱- (۱). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۸، ص ۹۶ (ماده عرض، ذیل آیه ۱۳۳/۳).

۲- (۲). نک: ترجمه استاد خرمشاهی، استاد فولادوند، آیةالله مکارم شیرازی و... (البته آیةالله مکارم شیرازی در ترجمه آیه ۱۴ سوره «عنکبوت» از دو واژه «طوفان و سیلاب» استفاده کرده است).

۳- (۳). نک: المفردات، الراغب الاصفهانی، ماده طوف.

همچنین خطای مشهور و متداول است که معمولاً تحت عنوان «طوفان نوح» به کار می رود؛

در حالی که عذاب قوم نوح، سیلابی بود که خدا فرستاد و آنان را غرق نمود.

اگر مترجمان محترم به تفسیر یا لغت مراجعه می کردند دچار این خطا نمی شدند.

۳. استاد فولادوند آیه ۶۰ سوره توبه را اینگونه ترجمه می کنند:

[ إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ... ]؛

«صدقات، تنها به تهیدستان و...».

مقصود از واژه «صدقات» در این آیه، «زکات» است (۱) و آیه، موارد مصرف آن را بیان می کند؛

در حالی که واژه «صدقات» در فارسی متداول به معنای «انفاق های مستحبی» است که مردم به فقرا می دهند.

استفاده این واژه، سبب می شود که خواننده ترجمه، معنای فارسی «صدقه» را بفهمد در حالی که معنای «زکات» مقصود بوده است.

از این رو، مفسر گرانقدر آیه الله مکارم شیرازی این واژه را در آیه مزبور به معنای «زکاتها» معنا کرده است.

۴. واژه «رشید» در ترجمه های قرآن، اینگونه معنا شده است:

[ ...أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ]؛ (۲)

فولادوند: «آیا در میان شما آدمی عقل رس پیدا نمی شود؟»؛

آیه الله مکارم: «آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!»؛

[ ...إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ]؛ (۳)

فولادوند: «راستی که تو بردبار فرزانه ای»؛

ص: ۲۷۴

---

۱- (۱). نک: تفسیر نمونه و تفاسیر دیگر، ذیل آیه

۲- (۲). هود، ۷۸

۳- (۳). هود، ۸۷



آیه‌الله مکارم: «تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!»؛

[... وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ]؛ (۱)

فولادوند: «و فرمان فرعون صواب نبود»؛

آیه‌الله مکارم: «در حالی که فرمان فرعون مایه رشد و نجات نبود»؛

واژه «رشید» در اصل به معنای هدایت به سوی خیر و صلاح است و در برابر «گمراهی» قرار می‌گیرد؛ این واژه شامل هدایت در امور دنیوی و اخروی می‌شود. (۲) یعنی: ترجمه فارسی آن نزدیک به معنای «هدایتگر» می‌شود؛ در حالی که این واژه در فارسی در مورد افراد عاقل، فهمیده، آگاه و فرزانه به کار می‌رود.

شباهت این دو لفظ، سبب شده است تا مترجمان، در ترجمه قرآن، لفظ «رشید» را اینگونه معنا کنند؛ یعنی: به نوعی، معنای متبادر فارسی لفظ «رشید» جانشین معنای عربی آن شده است.

البته نمونه‌های دیگری نیز در این مورد وجود دارد که در آن‌ها شباهت معنای فارسی و عربی، مترجمان را دچار خطا کرده است که می‌توان با جستجو در ترجمه‌ها و لغت‌نامه‌ها بدان‌ها پی برد.

ص: ۲۷۵

---

۱- (۱). هود، ۹۷

۲- (۲). المفردات، الراغب الاصفهانی و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، المصطفوی ماده رشد.

۱. شرایط مترجم قرآن را از نظر اساتید: «معرفت»، «خوئی»، «مشکینی» و «زرقانی»، مقایسه و بررسی کنید.
۲. تأثیر پیشداوری‌ها را در ترجمه قرآن «محدث دهلوی» بررسی کنید.
۳. تأثیر هنرنمایی (ذوق و سلیقه) مترجمان را در چند ترجمه مشهور فارسی، پیرامون ترجمه سوره «تکویر» بررسی و مقایسه کنید.
۴. تأثیر آگاهی مترجم از «علوم قرآن» را در ترجمه‌های قرآن بررسی کنید.
۵. تأثیر آگاهی از «اصول فقه» را در ترجمه‌های قرآن بررسی کنید.
۶. تأثیر آگاهی از «تاریخ اسلام» را در ترجمه‌های قرآن بررسی کنید.
۷. تأثیر آگاهی از «سنت» و علوم مرتبط با آن را در ترجمه‌های تفسیری قرآن بررسی کنید.
۸. واژه «دعا» که در عربی به معنای «خواندن» و در فارسی به معنای «نیایش» است را در ترجمه‌های آیه ۱۴ سوره «رعد» بررسی کنید.
۹. لفظ «آخِر» و «آخَر» که اولی به معنای «پایان» و دومی به معنای «دیگر» است را در ترجمه‌های آیه ۷ سوره «اسراء» بررسی کنید.
۱۰. کلمه «وفور» که در عربی به معنای «تام و کامل» است و در فارسی به معنای «فراوان» است را در ترجمه‌های ۶۳ سوره «اسراء» بررسی کنید.
۱۱. لفظ «مداد» که در عربی به معنای «مرکب» و در فارسی به معنای «وسیله نوشتن» است را در ترجمه‌های آیه ۱۰۹ سوره «کَهِف» بررسی کنید.
۱۲. واژه «عربی» که در لغت عرب به معنای «فصیح و روشن» است و در فارسی به معنای «لغت عربی» می‌آید را در آیات مربوطه بررسی کنید.
۱۳. لفظ «ملت» که در عربی به معنای «آیین» و در فارسی به معنای «مردم» است را در ترجمه‌های آیه ۱۳ سوره «ابراهیم» بررسی کنید.

۱. ترجمه قرآن (سخن مترجم) آیها لله مشکینی.
۲. آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم، امیر مسعود صفری.
۳. فن ترجمه در ادبیات عرب، محمد عبدالغنی حسن.
۴. مجله مترجم، شماره ۱۰.
۵. تاریخ قرآن، آیها لله معرفت.
۶. البیان فی تفسیر القرآن، آیها لله الخوئی.

صفحه سفید، ۲۷۸

ص: ۲۷۸

### اشاره

اهداف آموزشی: (۱) شناخت روش های ترجمه (تحت اللفظی، تفسیری، جمله به جمله)؛ (۲) شناخت سبک های ترجمه (تقسیمات هفتگانه ترجمه و سبک های زیر مجموعه آن ها).

### درآمد

ترجمه متون مقدس، ضرورت تبلیغی هر دین به شمار می آید و با توجه به رسالت قرآن برای همه زمان ها و مکانها، این ضرورت صد چندان می شود، از این رو دانشوران زیادی در طول تاریخ اسلام اقدام به ترجمه قرآن کرده اند و برای این کار از روش های مختلف استفاده نموده اند، بررسی این شیوه ها و بیان نقاط قوت و ضعف آن ها می تواند برای مترجمان بعدی راهگشا باشد و دانش ترجمه قرآن را بالنده و پویا تر کند.

### مفهوم شناسی

مبحث روش های ترجمه قرآن، از چند واژه اساسی تشکیل شده است:

الف) ترجمه: همانطور که گذشت: «ترجمه فرایند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد است» و به عبارت دیگر: «برگرداندن الفاظ متن از زبانی به زبان دیگر برای

رساندن معانی است» (۱) که برخی آن را «علم» و برخی دیگر «هنر» و برخی «فن» دانسته اند؛ (۲) ب) روش: مقصود از روش، مولفه های تأثیرگذار در فرایند ترجمه هستند؛ مثل نوع گزینش و چینش واژه ها و جمله ها که نتیجه آن، گونه خاصی از ترجمه را بوجود می آورد؛ (۳) ج) سبک: منظور از سبک ترجمه، عوامل تأثیرگذار در ترجمه، همچون: هدف مترجم، گرایش کلامی، نوع مخاطب، زبان ترجمه و آهنگ آن است که به ترجمه، رنگ ویژه ای می دهد و البته هر سبک ترجمه می تواند در قالب یکی از روش های ترجمه تبلور یابد؛

د) قرآن: مقصود کتاب الاهی مسلمانان است که در این نوشتار، محور اصلی است؛ اما مباحث روش شناختی ترجمه، فراگیرتر از چارچوب قرآن خواهند بود.

## پیشینه و کتابشناسی

ترجمه قرآن، سابقه ای دیرینه دارد و آغاز آن، به زمان صدر اسلام می رسد که «سلمان فارسی» اقدام به ترجمه بخشی از قرآن کرد؛ (۴) اما مبحث روش شناسی ترجمه های

ص: ۲۸۰

---

۱- (۱). برای ترجمه، معانی لغوی و اصطلاحی متعددی ارائه شده است که ذکر آن ها درخور این مقاله نیست؛ (ر.ک: لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، ص ۶۶ و نیز: نجار، علی، اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص ۱۹ و... .  
۲- (۲). ر.ک: بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق / ۱، ص ۳۳ و نیز مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ ش.

۳- (۳). مولفه های تأثیرگذار در روش ترجمه، در مباحث بعدی که روش های ترجمه بیان می شود، روشن تر می شود.  
۴- (۴). السرخسی، المبسوط، شرح الکافی، ج ۱، ص ۱۳۷ و نیز: شواخ اسحاق، علی، معجم مصنفات القرآن، جزء دوم، ص ۱۳.

قرآن، از سابقه ای طولانی برخوردار نیست؛ هر چند که اشاراتی به این مبحث در برخی کتاب‌ها و ترجمه‌ها شده است؛ اما به طور مستقل کمتر به مبحث روش‌شناسی ترجمه قرآن پرداخته‌اند، (۱) که از این میان به برخی از مهمترین منابع و پژوهشگران اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ محمد بهاء‌الدین عاملی (م ۱۰۳۱ ق.) از «صفوی» نقل می‌کند که ترجمه دو روش دارد:

نخست: روش یوحنا بن بطریق و ابن الناعمه الحمصی که لفظ به لفظ ترجمه شود؛

دوم: روش حنین بن اسحاق و الجوهری، که تمام جمله را در ذهن تصور کند، سپس آن را به جمله ای مطابق آن از زبان دیگر ترجمه کند.

سپس ایشان به روش اول چند اشکال کرده و روش دوم را می‌پسندد. (۲) آیه‌الله مکارم شیرازی، در پی نوشت ترجمه قرآن خویش، روش‌های ترجمه قرآن را به سه شیوه تقسیم کرده است: ترجمه تحت اللفظی، ترجمه آزاد، ترجمه هسته به هسته (ترجمه جمله به جمله) و در نهایت، روش سوم را می‌پسندد و در ترجمه خویش از همین شیوه استفاده کرده است. (۳) آیه‌الله معرفت، در کتاب «التفسیر والمفسرون» (چاپ ۱۴۱۸ ق.) روش‌های ترجمه را به سه اسلوب تقسیم می‌کند: «ترجمه حرفی» (تحت اللفظی) - «ترجمه معنوی» (آزاد) - «ترجمه تفسیری» (همراه با شرح)؛ سپس ایشان ترجمه نوع نخست را غیر مؤفق می‌داند و ترجمه نوع سوم را نزدیک تر به تفسیر می‌انگارد و ترجمه نوع دوم را معقول می‌شمارد. (۴)

ص: ۲۸۱

---

۱- (۱). البته در مورد تاریخ ترجمه و ترجمه‌های قرآن کتاب‌های متعددی نوشته شده است؛ اما کمتر به مبحث روش‌شناسی این ترجمه‌ها پرداخته‌اند؛ برای نمونه، ر.ک: آذرنوش، آذرتاش، تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی، ترجمه‌های چاپی قرآن، آستان قدس.

۲- (۲). عاملی، محمد بهاء‌الدین، کشکول، ج ۱، ص ۳۸۸

۳- (۳). مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، پی‌نوشت نویسنده، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۴- (۴). معرفه، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۱، ص ۱۲۰ - ۱۱۷.

۴. آقای محمد عبدالغنی حسن، در «کتاب فن ترجمه در ادبیات عرب» از آقای «زینات» نقل می کند که: وی علاوه بر دو روش «یوحنا بن بطریق» و «حنین بن اسحاق» در ترجمه، روش سومی را پیشنهاد می کند که در ترجمه های خود نیز از همان روش پیروی کرده است که تلفیقی است از این دو روش و از محاسن هر دو برخوردار است؛ بلکه دارای مزیت انتقال همان احساس و درک عاطفی ای است که نویسنده و شاعر اصلی از آن برخوردار بوده (و در ترجمه منعکس می شود).

ایشان روش خود را اینگونه تشریح می کند:

در مرحله نخست، متن را دقیقاً با همان ترتیبی که در زبان اصلی آمده است به عربی برمی گردانم؛

در مرحله دوم، بر اساس قوانین صرف و نحو ادبیات عربی، جمله سازی می کنم؛

در مرحله سوم، روح و احساس مولف را در متن عربی منعکس می سازم. (۱)۵. دکتر ذهبی، در کتاب «التفسیر والمفسرون»، ترجمه را به دو روش تقسیم می کند:

الف) ترجمه حرفی که همان ترجمه تحت اللفظی است؛

ب) ترجمه تفسیری. (۲)۶. دکتر عقیقی بخشایشی، در کتاب «طبقات مفسران شیعه» (چاپ ۱۳۷۱ ش.)، بحث مبسوطی در مورد ترجمه قرآن دارد و در آن، روش های ترجمه قرآن را به دو نوع تقسیم می کند: ترجمه «کلمه به کلمه» (یا تحت اللفظی) و «ترجمه آزاد»، و نوع نخست را بازگو کننده معانی پرمحتوای قرآن نمی دانند و احتیاط می کنند که از نوع دوم ترجمه در قرآن استفاده شود. (۳)۷. آقای بی آزار شیرازی در کتاب «قرآن ناطق» (چاپ ۱۳۷۶ ش.)، روش های

ص: ۲۸۲

---

۱- (۱). فن ترجمه در ادبیات عربی، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه دکتر عباس عرب، ص ۲ - ۴۱.

۲- (۲). التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۹

۳- (۳). عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۱۴۸



ترجمه قرآن را به نه شیوه، تقسیم می کند: «ترجمه لغوی» یا ترجمان القرآن، «ترجمه تحت اللفظی»، «ترجمه حرفی و معنوی» یا ترجمه امین، «ترجمه ادبی»، «ترجمه منظوم قرآن»، «ترجمه آوایی»، «ترجمه و حواشی»، «ترجمه آزاد» یا خلاصه التفاسیر - «ترجمه پیوسته، تفسیری و آوایی»، که در نهایت روش اخیر را می پسندد. (۱) البته با تأمل در روش های یاد شده ممکن است بتوان برخی روش ها را در یکدیگر ادغام یا تقسیم بندی دیگری ارائه کرد که در ادامه به بررسی روش های یاد شده خواهیم پرداخت.

۸. آقای علی نجار در کتاب «اصول و مبانی ترجمه قرآن» (چاپ ۱۳۸۱ ش.)، روش های ترجمه قرآن را به سه نوع تقسیم می کند: ترجمه تحت اللفظی، ترجمه آزاد - ترجمه تفسیری، سپس نوع اخیر را می پسندد.

البته، مقصود ایشان از ترجمه تفسیری همان ترجمه جمله به جمله است که در ادامه خواهد آمد. (۲)

## بررسی

تقسیم روش های ترجمه به سه روش «کلمه به کلمه» (تحت اللفظی)، روش «جمله به جمله» (هسته به هسته) و روش «آزاد» (ترجمه تفسیری) منطقی بوده و مطابق با واقعیت خارجی در ترجمه های موجود است؛ هر چند که در نامگذاری این تقسیم بندی اختلاف نظر هست، اما اصل سه روش فوق مورد پذیرش همه اندیشوران نامبرده است.

ص: ۲۸۳

---

۱- (۱). بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق / ۱، ص ۲۶۹ - ۲۲۷

۲- (۲). مجله مترجم، شماره دهم، مباحثی را ویژه ترجمه قرآن درج کرده و در آن به طرح و نقد روش های ترجمه قرآن پرداخته است. همچنین برخی مترجمان نیز، در مقدمه ترجمه، یا پی نوشت آن، مطالبی پیرامون ترجمه و تقسیم روش های آن داشته اند؛ ر.ک: مقالات بهاء الدین خرمشاهی، سید جلال الدین مجتبوی؛ مقدمه ترجمه دهلوی، پی نوشت های ترجمه خرمشاهی و... .

الف: روش نخست، یعنی: «کلمه به کلمه» یا تحت اللفظی، همان روش یوحنا بن بطریق و ابن الناعمه الحمصی است که شیخ محمد بهاءالدین عاملی نقل می کرد و همان «روش حرفی» است که «آیهالله معرفت» نوشته اند و همان روش «تحت اللفظی» است که آیهالله مکارم شیرازی، دکتر بی آزار شیرازی و دکتر عقیقی بخشایشی و نجار از آن یاد کرده اند.

ب: روش دوم، یعنی: روش «جمله به جمله» همان روش حنین بن اسحاق و الجوهری است که مرحوم «عاملی» نقل کرده و آیهالله مکارم شیرازی از آن، تحت عنوان «روش هسته به هسته» یاد نمودند؛ ولی آیه الله معرفت و دکتر عقیقی بخشایشی از آن، تحت عنوان «ترجمه معنوی» یا آزاد یاد کردند؛ همچنین دکتر عبد الکریم شیرازی از آن، تحت عنوان «ترجمه حرفی و معنوی» یا «ترجمه امین» یاد کرد و آقای علی نجار از آن تحت عنوان «ترجمه تفسیری» یاد نمود.

ج: روش سوم، یعنی: روش «ترجمه تفسیری» (ترجمه، همراه با نکات تفسیری روشنگر معنا) شیوه ای است که آیهالله مکارم شیرازی و آقای نجار از آن تحت عنوان ترجمه آزاد یاد می کند و آیهالله معرفت از آن، تحت عنوان ترجمه تفسیری، (همراه با شرح) یاد کرده و دکتر بی آزار شیرازی از آن تحت عنوان «ترجمه آزاد یا خلاصه التفاسیر» یاد می کند و گاهی از آن با عنوان «نقل به معنا» یاد می شود؛ (۱) با این همه شیخ عاملی و دکتر عقیقی بخشایشی از آن ذکری به میان نمی آورند.

البته می توان در مورد این نامگذاری ها و دلایل آن انتقاد کرد؛ ولی از آنجا که دانش ترجمه در این دوره هنوز دانشی جوان بوده، سخنان این دانشوران، گام های نخستین این راه تلقی می شود، چرا که هنوز فضای روش مطلوب ترجمه روشن نشده بود؛ از این رو، شاید انتقاد جدی سزاوار و وارد نباشد؛ (چرا که هر کس بر اساس تشخیص

ص: ۲۸۴

و توجیه خود نامگذاری کرده است)؛ ولی در مجموع، مقصود این دانشوران (مخصوصاً با مثال هایی که زده اند و انتقادهایی که به برخی روش ها کرده اند) روشن است و همگی آنان اصل سه روش مزبور را پذیرفته اند؛ هر چند در نامگذاری آن اختلاف دارند؛ همانطور که در صحت و اعتبار این روشها، دیدگاه های خاصی وجود دارد که در پی بدآن ها اشاره خواهیم نمود.

سه روش از میان روش های نه گانه دکتر بی آزار شیرازی، که ذکر آن گذشت، همین روش های مورد توافق بود که بدان اشاره شد؛ روش «ترجمه لغوی» یا ترجمان القرآن نیز با روش «ترجمه تحت اللفظی» قابل ادغام است؛ چرا که با هم تفاوت ماهوی و اساسی ندارند؛ همانطور که روش های دیگر (آوایی، ادبی، منظوم، ترجمه و حواشی، ترجمه پیوسته) با دو روش «ترجمه جمله به جمله» و «تفسیری» (آزاد یا خلاصه التفاسیر در بیان ایشان) قابل ادغام است.

به عبارت دیگر: آهنگ پذیر بودن ترجمه یا شعر و نثر بودن آن، یا حاشیه داشتن و نداشتن آن، از مولفه های پیدایش روش های جدید نیست؛ بلکه ترجمه قرآن می تواند جمله به جمله، آهنگین (آوایی) یا بدون آهنگ، همراه حاشیه یا بدون حاشیه باشد.

پس تقسیم اخیر دکتر بی آزار شیرازی، بیشتر به «سبک های مختلف ترجمه» شبیه است تا «روش ترجمه».

و به عبارت سوم: روش های ترجمه قرآن بر اساس مبنای تقسیم، می توانند گونه های متعددی داشته باشند که همه آن ها در یک ردیف جای نمی گیرند و گاهی، تقسیم از زاویه ای خاص و براساس سبک ترجمه است که می تواند در چارچوب هر روش ترجمه ای جای گیرد.

در ادامه این گفتار، روش ها و سبک های ترجمه قرآن را به گونه ای مبسوط از نظر خواهیم گذراند:

### اشاره

شیوه های ترجمه قرآن دارای تقسیمات متعددی است؛ در اینجا ابتدا ترجمه ها را براساس روش ها و سبک ها تقسیم بندی نموده؛ در ادامه به شرح آن ها خواهیم پرداخت و همچنین برخی از آن ها را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم:

### نخست: روش های ترجمه قرآن

روش های ترجمه قرآن براساس گونه های انتقال مطلب از زبان مبدأ به زبان مقصد به سه روش تقسیم می شوند:

۱. ترجمه کلمه به کلمه (تحت اللفظی، حرفی، همگون)؛

۲. ترجمه آزاد (تفسیری، خلاصه التفاسیر)؛

۳. ترجمه جمله به جمله (هسته به هسته، معنوی، امین، پایبند، محتوا به محتوا).

### دوم: سبک های ترجمه قرآن

### اشاره

همانطور که ترجمه قرآن دارای روش های اساسی است، دارای سبک های متعددی نیز هست که به ترجمه رنگ و جهت می دهد البته هر کدام از سبک های ترجمه می تواند در قالب روش خاصی ظاهر شود و نیز هر کدام بر مبنای خاص و از جهت و دیدگاه ویژه ای تقسیم پذیر است که در اینجا به مهمترین سبک های ترجمه اشاره می کنیم:

### الف) تقسیم ترجمه ها بر اساس «هدف مترجم»

۱. ترجمه جایگزین: ترجمه ای که بتواند جایگزین قرآن در زبان مقصد شود؛

۲. ترجمه بیانی: ترجمه ای که فهم نسبتاً خوبی از متن قرآن ارائه کند؛ هر چند که نتواند جایگزین متن شود.

## ب) تقسیم ترجمه ها بر اساس «مخاطبین»

۱. ترجمه برای عموم مردم؛
۲. ترجمه تخصصی.

## ج) تقسیم ترجمه ها بر اساس «زبان ترجمه»

۱. ترجمه به زبان عام (زبان عرفی)؛
۲. ترجمه به زبان خاص (زبان فنی یا ادبی یا...).

## د) تقسیم ترجمه ها بر اساس «وجود اضافات و عدم آن ها»

۱. ترجمه خالص (بدون توضیحات و دخالت عناصر تفسیری)؛
۲. ترجمه تفسیری (خلاصه التفاسیر).

## ه) تقسیم ترجمه ها بر اساس «گرایشات و عدم آن ها»

۱. ترجمه بی طرف (بدون لحاظ گرایشات کلامی، فلسفی و مذهبی و...)
۲. ترجمه گرایشی (براساس گرایش خاص مذهبی، کلامی، فلسفی و...).

## و) تقسیم ترجمه ها بر اساس «اعتبار ترجمه و مترجم»

۱. ترجمه معتبر؛
۲. ترجمه غیر معتبر.

## ز) ترجمه های هنری

۱. ترجمه های نثر غیر آهنگین؛
۲. ترجمه های هنری (آهنگین، آوایی و منظوم).

روش های ترجمه براساس گونه انتقال مطلب از زبان مبدأ به زبان مقصد، همان گونه که گذشت حداقل به سه روش تقسیم می شوند.

### الف) کلمه به کلمه: (ترجمه تحت اللفظی، حرفی، همگون)

در این شیوه، دغدغه اصلی مترجم، حفظ امانت است؛ یعنی: مترجم حداکثر تلاش خود را می نماید تا در ترجمه، چیزی اضافه یا کم نشود و همه کلمات و حروف، دقیقاً همان گونه که در زبان مبدأ است به زبان دوم برگردانده شوند؛ این گونه از ترجمه، قرن ها در زبان پارسی ادامه داشته است و علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه دو نکته بوده است:

نخست: ترس مترجمان مؤمن از اینکه با دور شدن از نص و الفاظ قرآن، از آنچه خداوند اراده کرده دور شوند و دوم اینکه: صناعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است. (۱) برای این روش ترجمه، می توان دو شیوه و گونه فرعی تصور کرد:

نخست: ترجمه لغوی یا ترجمان القرآن:

در این شیوه، لغات عربی قرآن که در فارسی غیرمأنوس است در حاشیه آیات، همراه با ترجمه نگاشته می شود؛ برای نمونه، روش کتاب «لسان التنزیل»، (از نویسنده ای ناشناس، متعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری که مختصری در تفسیر و تأویل است) در ترجمه سوره اخلاص اینگونه است: (۲) «هو»: وی؛

«احد»: یکی؛

ص: ۲۸۸

۱- (۱). خرمشاهی، بهاء الدین، مترجم، ش ۱۰، ص ۳۳

۲- (۲). لسان التنزیل (مؤلف مجهول) به اهتمام و تصحیح دکتر مهدی محقق.

«الصمد»: پناه نیازمندان؛

«لم یلد»: نژاد کسی را؛

و ...

همچنین کتاب «الدر فی الترجمان» اثر شیخ الاسلام محمد بن منصور المتحد المروزی (احتمالاً از آثار قرن پنجم هجری) که کتابش را برای آشنایی و آموزش نوجوانان نوشته است سوره «والعصر» را اینگونه ترجمه کرده است: [\(۱\)](#) «العصر»: گیتی و نماز دیگر؛

«الخسر»: زیانکاری؛

«الآ»: مگر؛

«آمنوا»: بگرویدند؛

«الایمان»: گرویدن.

و نیز از همین نمونه «تراجم الاعاجم»، (اثر نویسنده ای گمنام در قرن ششم یا هفتم) و نیز «ترجمان القرآن» اثر میر سید شریف جرجانی (۷۴۰ - ۸۱۶ ه. و «المستخلص فی ترجمان القرآن»، اثر محمد بن نصر البخاری (م ۷۵۷ ه. ) است.

## دوم: ترجمه تحت اللفظی

### اشاره

در این شیوه، معمولاً ترجمه هر کلمه، زیر همان کلمه از قرآن نگاشته می شود؛ ترجمه تفسیری «طبری» توسط علمای ماوراء النهر و ترجمه «تفسیر ابوالفتوح رازی» از این نمونه اند.

برای مثال: [ ... وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ... ]؛ [\(۲\)](#)

تفسیر طبری: «و بخوراندند اندر دل های ایشان گوساله به کافری ایشان»؛ [\(۳\)](#)

ص: ۲۸۹

---

۱- (۱). المتحد المروزی، محمد بن منصور، الدر فی الترجمان ذیل سوره والعصر.

۲- (۲). بقره، ۹۳

۳- (۳). ترجمه تفسیر الطبری، به اهتمام حبیب یغمایی، ج ۱، ص ۸۷.

ابوالفتوح: «بخوردادند در دل های ایشان گوساله به کفرشان»؛ (۱) مثال دیگر: در یکی از ترجمه های قرآن معاصر آیه ۱۲ سوره «ممتحنه» را اینگونه ترجمه کرده اند: [ ... وَ لَأَيُّتِينَ بُيُوتِنَ يَفْتَرِينَهُ وَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ ... ]؛  
«و نیارند دروغی را که ببندند آن را میان دستهایشان و پاهایشان».

آیات نخست سوره «آل عمران» نیز اینگونه ترجمه شده است:

[ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَمْ اَللّٰهُ لَمَّا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ اَنْزَلَ عَلَیْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ يَدَیْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرَةَ  
وَ الْاِنْجِیْلَ ]؛

«به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ خدا نیست خدایی مگر او که زنده و پاینده است؛ فرو فرستاد بر تو کتاب را برآستی باور  
دارنده هر آنچه را که پیش از آن بوده و فرو فرستاد تورات و انجیل را». (۲)

## بررسی

نقاط قوت این روش ترجمه عبارتند از:

۱. در این شیوه امانت در نقل مطالب، رعایت می شود و مطالب، بدون کم و زیاد بیان می شوند، و مخاطب و مترجم از  
محتوای نص کتاب دور نمی شوند؛ برخلاف روش ترجمه آزاد و تفسیری که مطالب اضافی، ترجمه را از متن اصلی دور می  
سازد؛

۲. این شیوه برای آموزش مفاهیم به نوآموزان قرآن بسیار مناسب است؛ یعنی:

کسانی که زبان عربی را نمی دانند، می توانند با استفاده از ترجمه های تحت اللفظی براحتی و بزودی معانی واژه های قرآنی  
را بیاموزند.

ایرادات و اشکالاتی نیز به این شیوه ترجمه وارد شده است:

ص: ۲۹۰

---

۱- (۱). تفسیر ابوالفتوح رازی، با تصحیح شعرانی، ج ۱، ص ۲۵۰

۲- (۲). قرآن کریم با ترجمه فارسی، به خط مصباح زاده، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم، سازمان انتشارات  
جاویدان، ۱۳۳۷ش.



۱. افراط در حفظ امانت، موجب می شود تا گاهی مضمون و پیام اصلی کلام به مخاطب القا نشود؛ بلکه او مطلب را به صورت ناقص و یا مبهم در یابد و اینجاست که در حقیقت، مترجم از مراد خدا دور خواهد شد؛ برای مثال در آیه ۱۲ سوره «ممتحنه»، عبارت [ بَيِّنٌ أَدِّدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ ] اشاره به «پیش رو و پیش پا» است و ترجمه تحت اللفظی: «میان دستهایشان و پاهایشان» نارسا و ناقص می نماید؛

۲. گاهی یک کلمه معادل (خصوصاً در ترجمه قرآن) گویای مطلب نیست؛ از این رو لازم است تا توضیح مختصری در پرانتز اضافه شود و یا مفهوم جمله با عبارت دیگر بیان شود؛ ولی در این نوع ترجمه این نکته رعایت نمی شود؛

۳. این نوع ترجمه، معمولاً دور از فهم خواننده است؛ چرا که غالباً قواعد صحیح جمله بندی فارسی در آن رعایت نمی شود و گاهی بدون حرف ربط و نسبت حکمیه است؛ (۱) همانطور که در ترجمه فوق مشاهده شد در جمله آخر آن، فعل «فرو فرستاد» قبل از مفعول آمده است؛

۴. این روش ترجمه، موجب تشویش در فهم مراد و گاهی خیانت در امانت است، چون موجب تغییر کامل معنا می شود؛ (۲) ۵. به کلمات کلیدی، محوری و اصطلاحی قرآن و جایگاه آن معانی توجه کافی نمی شود و خواننده، در معنای لغوی محصور می ماند؛ (۳) ۶. در این شیوه ترجمه، به نگارش نوشتن یک نوع زبان نامفهوم مبادرت می شود که به تغییر معنای پیام و تغییر ساختار زبان مقصد منجر خواهد شد؛ این امر ناشی از عدم آشنایی مترجم به دو زبان و کاربرد نادرست واژگان، اصطلاحات و عبارات اصطلاحی است؛ (۴)

ص: ۲۹۱

---

۱- (۱). مجتبی، سیدجلال الدین، مترجم، ش ۱۰ ص ۳۶

۲- (۲). معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۱۸

۳- (۳). بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق / ۱، ص ۲۳۹

۴- (۴). ر.ک: صفارزاده، طاهره، اصول و مبانی ترجمه، ص ۴۱ - ۲۴

۷. بسیاری از حروف، ظرفها، موصولات، روابط، مؤکدات و آنچه که دقایق و حالات معانی، بدان بسته است، در زبان فارسی یا نیست و یا اگر هست بدان پایه از تنوع و دقتی که در زبان عربی وجود دارد، نمی باشد؛ (۱) (بنابراین، ترجمه تحت اللفظی کامل به فارسی عملاً ممکن نیست)؛

۸. این گونه ترجمه، از سویی مفاهیم قرآن را محدود و نامفهوم ساخته و از سوی دیگر، برخلاف محتوای دلنشین و جذّاب قرآن، آن را به صورتی ناهماهنگ و نامطلوب درآورده است؛ چنین ترجمه ای در واقع به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است؛ (۲) ۹. در این شیوه از ترجمه، اصطلاحات و استعارات به گونه ای مبهم یا استهزاآمیز ارائه می شوند. (۳) (که نمونه آن را در آیه ۹۳ سوره «بقره» دیدیم)؛

۱۰. در این شیوه ترجمه، تشبیهات و کنایات به خوبی معنا نمی شود؛ (۴) ۱۱. در این نوع از ترجمه، برخی از کلمات عربی مثل «ال» (با معانی متعدد آن) و «لقد» و مانند آن یا معادل ندارد و یا معادل فاقد مناسب است؛ (۵) ۱۲. برخی گفته اند: هدف قرآن دو چیز است، نخست: بیان اعجاز و دوم: هدایت مردم؛ این شیوه ترجمه در بیان هر دو هدف نارساست؛ چرا که قادر نیست تا تمام خصوصیات لفظی قرآن را بازسازی کرده و اعجاز قرآن را باز نمایاند؛ همچنین بسیاری از معانی، از معنای ثانوی واژه ها و عبارت ها استنباط می شوند که در این شیوه ترجمه مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه هدایت مطلوب مردم تحقق

ص: ۲۹۲

---

۱- (۱). پاینده، ابوالقاسم، مقدمه ترجمه قرآن

۲- (۲). بی آزار شیرازی، همان، ص ۲۴۳

۳- (۳). بی آزار شیرازی، همان، ص ۲۴۳

۴- (۴). همان، ص ۲۴۴

۵- (۵). همان، ص ۲۳۹

## (ب) ترجمه آزاد (تفسیری، خلاصه التفاسیر)

در این شیوه، مترجم، همت خویش را صرف واضح نمودن پیام کلام می کند؛ وی سعی می کند تا به صورت کامل، مضمون و معنای کلام را درک کرده، و در ذهن خود مجسم کند؛ سپس لباس الفاظ زبان مبدأ را از آن برکنده و لباس الفاظ زبان مقصد را بر آن پوشاند و با توضیحات کامل ارائه کند؛ در این روش، می توان از هر جمله و کلمه ای که مناسب است استفاده کرد تا مطلب به مخاطب القا شود؛ اگر چه حجم کلمات و جملات ترجمه، با متن اصلی، متناسب نباشد و کم و زیاد گردد.

نمونه این شیوه ترجمه را می توان در ترجمه قرآن مرحوم فیض الاسلام، ترجمه با خلاصه التفاسیر مرحوم یاسری، ترجمه با خلاصه التفاسیر مرحوم الاهی قمشه ای، معانی القرآن، محمد باقر بهبودی و ترجمه قرآن کریم با خلاصه التفاسیر، شیخ محمود تهرانی و... مشاهده نمود.

مثال: [الم]؛ (۲)

ترجمه مرحوم فیض الاسلام: «رازی است میان خدای تعالی و پیغمبر اکرم که بنا بر مصلحتی آشکار نگشته»؛

[ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْيَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ]؛ (۳)

ترجمه مرحوم فیض الاسلام: «چون حق تعالی در سوره «فاتحه» دستور داد که بندگانش از او هدایت بصراط مستقیم را درخواست نمایند، در اینجا مژده به روا شدن آن درخواست را داده، به اینکه آن کتاب (قرآن کریم) به پیغمبران پیش خبر داده شده، که بر تو می فرستم و آنان به امت ها و پیروان خود خبر دادند؛ شک و شبهه ای در آن

ص: ۲۹۳

۱- (۱). سیدی، سید حسین، مترجم، ش ۱۰، ص ۱۸۲

۲- (۲). بقره، ۱

۳- (۳). بقره، ۲

نیست، چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و برای پرهیزکاران راهنمای راه راست و پرهیز از گمراهی است».

## بررسی

این شیوه ترجمه، نقاط قوتی دارد که عبارتند از:

۱. رساندن پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد، به صورت کامل و بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات؛

۲. استفاده از اضافات تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای کلام برای مخاطب؛

۳. برای مخاطبانی که خواستار فهم خلاصه تفسیر، همراه با ترجمه قرآن هستند مطلوب است.

به این شیوه ترجمه اشکالاتی نیز وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. افراط مترجم در توجه به پیام، گاهی موجب می‌شود تا تمام خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی نشده و نکات و مسائل ظریف و هنری نادیده گرفته شوند؛

۲. مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، از اشکالات عمده این شیوه ترجمه است؛ به طوری که مخاطب متوجه نمی‌شود که کدام قسمت، سخن اصلی متن است که ترجمه شده و کدام قسمت توضیح اضافی مترجم است؛ همانطور که این اشکال به وضوح در ترجمه فیض الاسلام نیز آشکار است؛ البته می‌توان این اشکال را با اضافه کردن پرانتز و گروه‌های متعدد برطرف نمود؛

۳. در این گونه از ترجمه، در حقیقت، مترجم فهم خود را از مطلب به مخاطب ارائه می‌کند؛ یعنی: ترجمه آینه‌ای است که فهم مترجم را از پیام اصلی متن منعکس می‌کند؛ از این رو نمی‌توان به این ترجمه اطمینان کرد؛ چرا که ممکن است فهم مترجم (خصوصاً اگر متخصص در آن موضوع نباشد) دچار خطا شده باشد؛

۴. در این شیوه ترجمه، بسیاری از حروف و تاکیدها، فدای پیام رسانی و سلاست

عبارت شده و ترجمه نمی گردند و یا ضمیر غایب به حاضر و جمع به مفرد و یا بالعکس تبدیل می شود؛

۵. این روش ترجمه، معمولاً براساس یک تفسیر استوار است و در مواردی که مفسران در مورد یک آیه اختلاف نظر دارند، مترجم هر مبنا یا دیدگاه تفسیری را که ترجیح می دهد، در ترجمه منعکس می سازد؛ (۱) ۶. حاصل این شیوه ترجمه در حقیقت، تفسیر است نه ترجمه؛ بنابراین، ترجمه اصطلاحی به شمار نمی آید؛ (۲) ۷. برخی صاحب نظران گفته اند: این ترجمه، اگر در مورد قرآن اعمال شود، موجب می شود که مترجم، انشای خود را در جنب قرآن ارائه کند. (۳)

### ج) ترجمه جمله به جمله (هسته به هسته، معنوی، امین، پایبند، محتوا به محتوا)

#### اشاره

در این شیوه ترجمه، کوشش مترجم بر آن است تا راهی میانه بین افراط و تفریط بیسپاسی؛ یعنی: نه روش ترجمه تحت اللفظی و نه شیوه آزاد را بیسپاسی، و سعی می کند تا پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند، در ضمن آنکه تلاش می کند تا خصوصیات لفظی متن اصلی را در قالب جمله ای بازسازی کند و به زبان مقصد انتقال دهد.

به عبارت دیگر: نخست، معانی به طور دقیق از زبان اول برهنه شده و در مغز جای می گیرند و سپس به طور دقیق به لباس زبان دوم آراسته شده و هر جمله زبان مبدأ در قالب یک جمله زبان مقصد بیان می شود.

مترجم در این شیوه، نه چنان آزاد است که بتواند به بهانه رساندن پیام، هر چه

ص: ۲۹۵

---

۱- (۱). بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق / ۱، ص ۲۶۵

۲- (۲). معرفه، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۲۰

۳- (۳). خرمشاهی، بهاء الدین، مترجم، ش ۱۰، ص ۵۷

می خواهد به متن بیفزاید و نه چنان محدود است که به خاطر ترس از دور شدن از مقصود الاهی، انعطافی در قبال الفاظ نداشته باشد.

در این شیوه، ابتدا هر جمله یا چند جمله (یک هسته کلامی) که گاهی یک آیه یا کمتر و یا بیشتر را در برگیرد، در نظر گرفته شده و سعی می شود، که پیام آن در جمله ای به زبان مقصد، بیان و در ضمن کلمات، حروف ربط، قیود و تاکیدهای کلامی، تا حد امکان معادل سازی شود؛ به طوری که تا حد امکان؛ خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی گردیده و در اختیار مخاطب قرار گیرد؛ چنانچه احتیاج به توضیحات اضافی و یا تفسیری بود در داخل پرانتز، کروش یا پاورقی ذکر می شود.

بسیاری از ترجمه های فارسی قرآن از این روش پیروی کرده و یا مدعی هستند که پیروی می کنند، از جمله ترجمه «تفسیر نمونه» که به نام آیه الله مکارم شیرازی منتشر شده است و نیز ترجمه قرآن کریم، آیتی، ترجمه قرآن مجید، ابوالقاسم پاینده و نیز ترجمه محمد خواجهی، جلال الدین فارسی، جلال الدین مجتبی، مهدی فولادوند، بهاءالدین خرمشاهی، مشکینی و... .

مثال: [ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ]؛ (۱)

مجتبوی: «ایشان بر رهنمونی (به راه راست) از پروردگار خویشند و آنانند رستگاران»؛

فارسی: «آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و آنان هستند که رستگارند»؛

معزی: «آنانند بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران»؛

مکارم شیرازی: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشاند و آنان رستگارانند»؛

فولادوند: «آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند و آنان همان رستگارانند»؛

ص: ۲۹۶

خرمشاهی: «اینان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینان رستگارانند».

## بررسی

این شیوه ترجمه، دارای امتیازاتی است از جمله:

۱. حفظ خصوصیات لفظی زبان مبدأ در جمله سازی زبان مقصد (تا حد امکان)؛

۲. اضافات تفسیری و توضیحات با متن اصلی مخلوط نمی شود؛ بلکه داخل گروه یا پرائتر قرار گرفته یا به حاشیه، پاورقی یا پی نوشت می رود؛

همانطور که در ترجمه ابوالقاسم پاینده به پاورقی رفته و در ترجمه سید جلال الدین مجتبوی به پی نوشت رفته است؛

۳. رساندن پیام کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون افراط و تفریط؛

۴. دوری از اشکالات ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد تفسیری؛

البته در این شیوه ترجمه نیز، گاهی لغزش هایی صورت می گیرد، برای مثال: در ترجمه آیه مذکور از سوره «بقره» که گذشت، همه مترجمان محترم، معنای اصلی «ضمیر فصل» را که همان «حصر» است معنا نکرده اند؛ (۱) در حالی که می بایست می فرمودند: «تنها آنان رستگارانند».

با توجه به اشکالات شیوه های گذشته و با عنایت به امتیازات این روش، به نظر می رسد که مطلوب ترین شیوه ترجمه برای قرآن کریم، همین روش سوم است.

## سبک های ترجمه

همانطور که گذشت: هر ترجمه، علاوه بر روش، از سبک و سیاق خاصی برخوردار است که به مهمترین آن ها اشاره می کنیم.

ص: ۲۹۷

---

۱- (۱). ضمیر فصل به معنای تاکید و حصر می آید که معنای حصر حتمی است؛ (نک: مغنی، ابن هشام، ص ۵ - ۶۴۴).

## اشاره

الف) ترجمه جایگزینی: بدین معنا که ترجمه ای از قرآن صورت پذیرد که بتواند جایگزین قرآن در زبان دوم شود و به عبارت دیگر: قرآنی به زبان فارسی بوجود آید؛ از این گونه ترجمه، گاه با عنوان «ترجمه استاندارد» یا «ترجمه نهایی» یاد می شود.

ب) ترجمه بیانی (نسبی): ترجمه ای است که بیان کننده معانی قرآن بوده و برای فهم متن، نسبتاً کافی باشد؛ هر چند نتواند نمایانگر تمام دقایق، لطایف و مقاصد کلام الاهی باشد.

## بررسی

ترجمه های موجود قرآن از نوع «بیانی» هستند؛ اما ترجمه «نهایی» و «جایگزین» در مورد قرآن تاکنون پدید نیامده است؛ بلکه اینگونه ترجمه از قرآن کریم، اصولاً امکان پذیر هم نیست؛ صاحب نظران، دلایل متعددی بر محال بودن آن آورده اند:

۱. اگر اینگونه ترجمه از قرآن ممکن باشد، در حقیقت، قرآن دیگری و معجزه ای همچون قرآن پدیدار می شود که این امر، طبق «آیات تحدی» قرآن، ممکن نیست؛ چون متن قرآن معجزه است و قابل تقلید و همانند آوری نیست؛ البته ممکن است گفته شود که: لفظ قرآن معجزه است؛ اما ابعاد دیگر اعجاز آن، مثل معانی بلند و مطالب عالی آن قابل ترجمه است؛ ولی می توان پاسخ داد که: اعجاز قرآن در لفظ آن، با توجه به معانی است و اگر جزیی از آن ترجمه شود، ترجمه کل قرآن نیست؛

۲. هیچ ترجمه ای نمی تواند بیان کننده تمام معانی قرآن باشد؛ چون در ذات زبان، ابهامی است که زدوده شدنی نیست و هر ترجمه، تنها گوشه هایی از این ابهام را باز می نماید؛ (۱)۳. برخی از علمای مصر می گویند: هر کلام، دارای دو مدلول است:

ص: ۲۹۸



مدلول اولی که با توجه به «قواعد ادبی و لغوی» به دست می آید؛

مدلول ثانوی که با توجه به «فصاحت و بلاغت» کلام به دست می آید؛

از جانب خداوند است مدلول اولی قابل ترجمه است، برخلاف مدلول ثانوی، خصوصاً در مورد قرآن که بلاغت آن از جانب خداوند. (۱)

## دوم: تقسیم ترجمه ها بر اساس مخاطبین

### الف) ترجمه برای عموم مردم

گاهی مخاطبین مترجم قرآن تمام مردم هستند و همگان با توجه به اختلاف سطح علمی و نوع سلیقه می توانند از ترجمه بهرمنند شوند؛ در این صورت، ترجمه با «زبان معیار»، یعنی: زبانی که همه مردم به راحتی متوجه شوند و از اصطلاحات علمی و فنی به دور باشد، ارائه می شود؛ البته در این شیوه از ترجمه، باید سطح متوسط مردم، از نظر تحصیلات و فهم، در نظر گرفته شود؛ در حقیقت، اکثر ترجمه های موجود قرآن به زبان فارسی از همین شیوه پیروی کرده اند؛ مثل ترجمه قرآن، اثر استاد مکارم، فولادوند، خرمشاهی، مجتوی و... .

### ب) ترجمه تخصصی

گاه مترجم، یک متن را برای طبقه یا سن خاص و یا دانشمندان و فرهیختگان جامعه ترجمه می کند و گاه متخصصین رشته علمی خاصی را مد نظر دارد؛ و نیز ممکن است هدف او ارائه یک ترجمه هنرمندانه و ادیبانه باشد که در این صورت، در ترجمه از اصطلاحات خاص علمی یا ادبی استفاده می کند، هر چند نوشته برای عموم مردم قابل استفاده نباشد؛ همانطور که در ترجمه متون علمی - تخصصی دانشگاهها، که برای مخاطبین خاص خود تهیه و تنظیم می شوند، از این روش بهره می جویند.

ص: ۲۹۹

مثال نخست: ترجمه استاد رحماندوست که برای کودکان نوشته شده است یکی از نمونه های ترجمه تخصصی از قرآن کریم است، ایشان جزء سی ام قرآن را ترجمه و منتشر کرده است.

مثال دوم: گروهی از صاحب نظران علوم جدید، برخی از آیات قرآن را اینگونه ترجمه علمی کرده اند: [ ...يُزِيلُ الرِّيحَ ... ]؛ (۱)

ترجمه لفظی: «ارسال بادها»؛ ترجمه علمی: «وزیدن مستمر و رسیدن دو جناح باد»؛

[ یولف بینه ]؛ (۲) ترجمه لفظی: «پیوسته شدن قطعات به یکدیگر»؛ ترجمه علمی:

«تبدیل سیروس ها به سیروستراتوس (پشمکی سفره ای) و پوشیده شدن تمام سطح آسمان از ابرهای سفره ای (استراتوس) و سفره ای انباشته (استراکومولوس)». (۳) مثال سوم: ترجمه های منظوم قرآن که مترجم با زبان شعر قرآن را ترجمه می کند نیز، گونه ای از ترجمه های تخصصی به شمار می آیند (که در شرح سبک هفتم، بدان می پردازیم).

### بررسی

قرآن برای همه نازل شده است؛ از این رو، ترجمه نوع نخست برای عموم مردم مفیدتر است؛ اما امروزه نمی توان به همین شیوه رایج ترجمه قرآن اکتفا کرد؛ بلکه لازم است ترجمه های درخور برای طبقات مختلف، اعم از کودکان (دبستانی) نوجوانان و جوانان در سطوح متوسطه و دانشگاه و نیز برای افراد فرهیخته، دانشمندان و پژوهشگران رشته های مختلف علمی جامعه پدید آوریم و هر ترجمه را با اصطلاحات خاص آن ها و با توضیحاتی مناسب بیاراییم.

هر چند که در مصادیق این ترجمه (همانند ترجمه مثال دوم در مورد ابرها)

ص: ۳۰۰

۱- (۱). روم، ۴۸

۲- (۲). نور، ۴۳

۳- (۳). بازرگان، مهدی، باد و باران در قرآن، ص ۶ - ۱۵۴

می توان اشکالاتی را مطرح کرد و در مورد استفاده های تفسیری آن و نیز تطبیق قطعی بر نوع خاص ابرها (که گاهی منتهی به تحمیل نظریه های علمی و تفسیر به رأی می شود) خدشه نمود؛ اما اشکال در مثال ها و موارد نمی تواند مانع آن شود که تأثیر مقتضیات هر عصر را در ترجمه نادیده انگاریم.

به عبارت دیگر: در عصر حاضر، ناچاریم که براساس تخصص مخاطبین، ترجمه هایی برای ادیبان، شاعران، متخصصان کیهان شناسی، علوم پزشکی و... پدید آوریم که در آن از اصطلاحات خاص آن ها استفاده شده و منطبق با آن مطالب آیات را توضیح دهیم.

برای مثال: در مورد آیات اوایل سوره «حج» و «مومنون» که در مورد مراحل خلقت انسان است، می توان از علوم پزشکی استفاده نموده و «مضغه»، «علقه» و... را توضیح داد؛ و یا در مورد آیات مربوط به خلقت جهان (اوایل سوره فصلت و...) و خورشید، ماه، ستارگان و سیارات ناچاریم که از یافته های قطعی علوم کیهان شناسی بهره ببریم.

البته در این موارد باید مراقب باشیم که نظریه های اثبات نشده علمی را به صورت قطعی به قرآن نسبت ندهیم یا بر خلاف ظاهر آیات بر آن ها تحمیل نکنیم؛ بلکه علوم جدید را در خدمت فهم بهتر قرآن درآوریم.

### **سوم: تقسیم ترجمه ها بر اساس زبان ترجمه**

#### **اشاره**

هر ترجمه، زبان خاص خویش را دارد، البته مقصود از زبان ترجمه، ویژگی های زبان شناسانه و نشانه شناسانه آن است (نه زبان به معنای لغت فارسی، ترکی و...) از این نظر، ترجمه های قرآن به دو گروه قابل تقسیم هستند.

#### **الف) ترجمه به زبان عرف (زبان معیار)**

مقصود از زبان عرفی، همان زبانی است که مردم با آن سخن می گویند؛ به عبارت دیگر: زبان صحیح که معیار است (نه لهجه ها و زبان های محلی خاص که در بین

فارسی زبانان مناطق مختلف رایج است).

هرگاه مخاطبین ترجمه قرآن عموم مردم باشند از «زبان معیار»، یعنی: زبان عرفی استفاده می شود.

### **(ب) ترجمه به زبان فنی**

هرگاه مخاطب یک ترجمه، طبقه یا گروه خاصی باشد، ترجمه نیز رنگ فنی به خود می گیرد و با استفاده از اصطلاحات خاص آن گروه انجام می پذیرد.

برای مثال ترجمه ای که برای هنرمندان، شعرا و ادیبان جامعه صورت می گیرد، در بردارنده اصطلاحات ادیبانه است.

مثال: یکی از متخصصین، آیات ۴۸ سوره «روم» و ۴۳ سوره «نور» را اینگونه ترجمه می کند:

[فتیئر سحاباً]؛ ترجمه لفظی: «برانگیختگی و برآشفته شدن ابر»؛ ترجمه علمی:

«برخورد دو جناح سرد و گرم در خط جبهه و ایجاد دخالت ناپایدار و حفره طولانی، شرط اصلی تشکیل ابرهای انباشته». (۱)  
یزجی سحاباً]؛ ترجمه لفظی: «رانده شدن به دنبال هم و ملایم و منظم ابرها»؛ ترجمه علمی: «رژه قطار ابرها از بالا سر منطقه مشروب شونده، راه افتادن ابرهای انباشته (کومولوس) و پشمکی (سیروس) به همراه جبهه و پراکنده شدن در آسمان». (۲)

### **بررسی**

صرف نظر از اشکالاتی که در هر ترجمه (همانند مثال فوق) وجود دارد، ترجمه قرآن می تواند به هر زبانی انجام پذیرد و این مطلب بستگی به هدف مترجم و مخاطبین او دارد.

اگر مخاطبین ترجمه عموم مردم هستند، لازم است ترجمه با «زبان عرفی»

ص: ۳۰۲

---

۱- (۱). همان، ص ۶- ۱۵۴

۲- (۲). همان

صورت گیرد تا آنان، مفهوم و پیام آیات را بهتر درک کنند؛ چرا که اکثر مردم، اصطلاحات علوم و فنون را کمتر متوجه می شوند، از این رو لازم است ترجمه قرآن به زبان عرف و معیار هر ملت صورت گیرد؛ اما اگر مخاطبین او، گروهی خاص با تخصص علمی، ادبی و... هستند، لازم است ترجمه با «زبان فنی، آمیخته شود و همانطور که گذشت: این موضوع بر اساس نیاز مخاطب در هر عصر تغییر می کند و در هر صورت باید به این نکته در مقدمه ترجمه اشاره نمود؛

برای مثال: در مقدمه ترجمه «تفسیر نمونه» (ترجمه آیه الله مکارم شیرازی) گفته شده است که از روش «زبان عرفی»، زبان توده مردم یا زبان قوم - نه زبان ادبای قوم - استفاده می کند و از این رو از برخی لغات عربی که در زبان فارسی بکار می رود به جای لغت فارسی نامأنوس «سره» استفاده می کند.

#### چهارم: تقسیم ترجمه ها، براساس وجود اضافات در ترجمه و عدم آن

##### اشاره

الف) ترجمه خالص (بدون توضیحات در متن یا حاشیه وبدون اضافات تفسیر):

گاهی اهتمام مترجم آن است که فقط مطالب متن را ترجمه کند و از اضافه کردن هر گونه توضیح و تفسیری پرهیز کند.

برخی از ترجمه هایی که از روش کلمه به کلمه و جمله به جمله قرآن استفاده نموده اند، تلاش کرده اند اینگونه باشند.

برای مثال به ترجمه های زیر توجه کنید:

[ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ]؛ (۱)

دهلوی: «مُهر نهاد خدا دل های ایشان، و بر شنوایی ایشان و چشم های ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ»؛

ص: ۳۰۳

معزی: «مهر نهاد خدا بر دلهاشان و گوش ایشان، و بردیدگان ایشان است پرده ای و برای ایشان است شکنجه بزرگ»؛

آیتی: «خدا بر دلهایشان و برگوششان مهر نهاده و بر روی چشمانشان پرده ای است، و برایشان عذابی است بزرگ».

ب) ترجمه تفسیری (خلاصه التفسیر یا ترجمه همراه اضافات):

گاهی مترجم برای آنکه ترجمه برای مخاطبین فهم پذیر گردد و آنان در فضای مطالب قرار گیرند، ناچار است که مطالبی را به متن اصلی اضافه کند؛ مترجمانی که از روش ترجمه آزاد استفاده کرده اند معمولاً از این شیوه استفاده کرده و توضیحات تفسیری را به ترجمه خود اضافه نموده اند؛ برای مثال به ترجمه های زیر از آیه ۷ سوره «بقره» توجه کنید:

فیض الاسلام: «و اثر دشمنی، کینه، رشک و گردن کشی کارشان به جایی رسیده که خداوند بر دل ها و گوششان مهر نهاده، راه بر آن ها بسته شده که سخن حق را نمی فهمند و نمی شنوند و بر چشمهاشان پرده و پوشش غفلت است که حق را نمی بینند و برای ایشان در دنیا و آخرت عذاب و کیفر بزرگ است؛ در دنیا گرفتار و در آخرت در دوزخ خواهند بود»

الاهی قمشه ای: «قهر خدا مهر بر دل ها و پرده بر گوش ها و چشم های ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الاهی را نمی کنند و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود».

اگر به ترجمه های فوق نظر کنید، بسیاری از واژه ها (موارد مشخص شده) توضیح است نه ترجمه.

### بررسی

از آنجا که ترجمه قرآن کریم از مواردی است که بدون اضافات و توضیحات تفسیری ممکن نیست، هر ترجمه را باید خلاصه ای از یک تفسیر تلقی نمود بلکه باید گفت که

هر ترجمه، خود تفسیر کوتاهی از قرآن است؛ بنابراین ترجمه خالص قرآن کریم صحیح نیست و اگر کسی اقدام به این عمل کند، نمی تواند پیام واقعی آیات را بازگو نماید و در نتیجه مطالبی پرابهام و نارسا ارائه خواهد کرد؛ از این روست که می بینیم مترجمان فوق (دهلوی - معزی، آیتی و...) نیز عملاً نتوانسته اند به این روش پایبند باشند و در موارد متعددی از ترجمه خویش ناچار شده اند تا از توضیحات استفاده کنند؛ با توجه به آنچه گفته شد ترجمه قرآن به ناچار خلاصه تفسیر است؛ اما شیوه مزبور با این آسیب همراه است که امکان دارد که اضافات و توضیحات مترجم، به جای کلام خدا جلوه گر شود و ترجمه ای تألیف گونه ارائه شود.

راه جلوگیری از چنین خطری آن است که توضیحات تفسیری در داخل پرانتز یا به صورت پاورقی آورده شود تا بدین ترتیب با متن اصلی قرآن ادغام نگردد؛ برای مثال: ترجمه فاضل محترم آقای بهاءالدین خرمشاهی (در چاپ نخست) از این خصوصیت برخوردار است و توضیحات تفسیری را در پاورقی ها و پرانتز و قلاب آورده اند.

### **پنجم: تقسیم ترجمه ها، براساس گرایش ها و عدم آن ها**

#### **الف) ترجمه بی طرف (بدون لحاظ گرایشات کلامی و فلسفی خاص):**

از آنجا که هر مترجم دیدگاهی خاص در مسائل مذهبی، کلامی و احیاناً فلسفی دارد و یا تحت تأثیر یکی از این مکاتب و مذاهب است؛ پس در هنگام ترجمه، تحت تأثیر پیش فرض های ذهنی خود قرار خواهد گرفت و در این میان، برخی مترجمان سعی می کنند تا این گونه تأثیرات را به حداقل برسانند یا کمرنگ کنند و ترجمه ای خالص ارائه نمایند؛

#### **ب) ترجمه براساس گرایش خاص فلسفی، کلامی و مذهبی:**

برخی مترجمان از روی عمد یا غفلت، ترجمه خود را با دیدگاه خاص کلامی خویش هماوا نموده و در سر دو راهی ها، سخن خویش را به عنوان سخن خدا ارائه می کنند.

برای مثال در مورد آیه شریفه: [ ...يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ... ]، (۱) اگر مترجم طرفدار جسم نظریه بودن خدا باشد یا بخواهد از سبک ترجمه بی طرف استفاده کند، می نویسد:

دست خدا بالای دست های آنان است.

و اگر متمایل به دیدگاهی باشد که جسم داشتن برای خدا محال است، می گوید:

«دست (قدرت) خدا بر فراز دست های شماست».

و نیز در آیات مربوط به هدایت و گمراهی، جبر و اختیار، اگر مترجم طرفدار دیدگاه جبرانگاری مسلک اشاعره باشد، آیات را براساس ظاهر آن ترجمه می کند و اگر طرفدار دیدگاه اختیار و آزادی انسان (تفکر معتزله و عدلیه) باشد، آیات را با توجه به این دیدگاه ترجمه می کند.

برای مثال: «آیهالله مکارم شیرازی» که براساس آموزه های مذهب اهل بیت علیهم السلام طرفدار آزادی و اختیار انسان است می نویسند:

[ ...فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ... ]؛ (۲)

«سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند»؛

یعنی: ایشان آیات ضلالت و هدایت را با اضافه کردن توضیحات داخل پرانتز، به صورتی ترجمه می کنند که «شبهه جبر» بروز نکند.

اما استاد فولادوند در ترجمه خویش، روش بی طرفی را در پیش می گیرد و در ذیل همان آیه می نویسد:

«پس خدا هر که را بخواهد، بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند».

## بررسی

تأثیر گرایشات و پیش فرض های ذهنی، کلامی، فلسفی و مذهبی افراد در ترجمه قرآن به طور کامل قابل پیشگیری نیست؛ ازاین رو ترجمه خالص قرآن دشوار است،

ص: ۳۰۶

۱- (۱). فتح، ۱۰

۲- (۲). ابراهیم، ۴



بلکه غیر ممکن می نماید؛ اما لازم است مترجم بکوشد تا این تأثیرات را به حداقل رسانده و مخاطبین را با زلال کلام الهی آشنا کند تا براساس فطرت سالم خویش آن را بفهمند و هدایت شوند و اگر مترجم قصد داشت که به دیدگاه خاص کلامی یا فلسفی اشاره کند می تواند توضیحات مربوطه را از متن جدا کرده به پاورقی منتقل کند، یا داخل پرانتز قرار دهد و از متن اصلی جدا سازد و در مقدمه ترجمه هم یادآوری کند که این ترجمه بر اساس چه مذهب یا گرایش خاصی ترجمه شده است.

البته در اینجا می توان بین دو دسته از گرایشات تفاوت قائل شد:

نخست: «نکات عقیدتی» که در تفسیر آیه وجود دارند و اگر در متن ترجمه دخالت داده نشده و در پرانتز ذکر نشوند، معنای ظاهر آیه، بر خلاف مقصود حقیقی خدا خواهد شد و بنابراین ممکن است مخاطب دچار گمراهی شود؛ از این رو لازم است تا آن نکته تفسیری یا عقیدتی مزبور در پرانتز یا پاورقی توضیح داده شود.

و دوم: «نکات فلسفی، کلامی و مذهبی» که حاوی دیدگاه شخص مفسر است و اگر بر متن ترجمه اضافه نشود؛ زیانی به معنا نمی زند؛ که در چنین صورتی نباید آن ها را در ترجمه منعکس سازند.

### **ششم: تقسیم ترجمه ها، براساس اعتبار مترجم و ترجمه**

#### **الف) ترجمه غیر معتبر**

برای ترجمه متون کهن یا تخصصی، لازم است که مترجم، شرایط و ویژگی هایی را احراز کرده باشد تا بتواند ترجمه ای معتبر از آن ارائه نماید.

برای مثال: متون قدیمی پارسی، تسلط بر زبان باستانی پهلوی را می طلبد و نیز ترجمه متون کتاب مقدس، تسلط کافی بر متون اصلی، مثلاً: عبری، لاتین و انگلیسی و... را ایجاب می کند، بنابراین بدون دارا بودن آن شرایط، ترجمه، غیر معتبر خواهد بود؛ علاوه بر آنچه گفته شد مترجم قرآن باید بر زبان مبدأ (عربی) و زبان مقصد (به

عنوان مثال: فارسی) مسلط بوده و از چگونگی تفسیر قرآن آگاهی داشته باشد و گرنه ترجمه او از اعتبار لازم برخوردار نخواهد شد.

### **(ب) ترجمه معتبر**

«ترجمه معتبر» عبارت از ترجمه ای است که توسط مترجم واجد شرایط، صورت گرفته باشد؛ اگر مترجم هر متن، دارای صفات و شرایط لازم و درخور آن ترجمه باشد، ترجمه مزبور می تواند ترجمه ای معتبر به شمار آید؛ البته این بدان معنا نیست که هر کس که دارای شرایط لازم است ترجمه ای صحیح ارائه خواهد کرد؛ بلکه هر مترجم متبحر و متخصص، ممکن است گرفتار لغزش شود؛ به عبارت دیگر: ترجمه، ملازم ترجمه صحیح نیست؛ یعنی: اگر مترجمی دارای تخصص و شرایط باشد و با رعایت ضوابط، قرآن را ترجمه کند ترجمه او معتبر و درخور بررسی، است که پس از بررسی ممکن است ترجمه ای صحیح یا غیر صحیح باشد.

### **بررسی**

از آنجا که ترجمه قرآن به مثابه نوعی تفسیر کوتاه است از این رو مترجم قرآن باید در اصل یک مفسر باشد؛ یعنی: شرایط مفسر قرآن را کسب کرده باشد (۱) و گرنه ترجمه او ترجمه ای غیر معتبر، بلکه تفسیر به رأی محسوب می شود و نه تنها اقدامی سودمند نیست، بلکه از نظر شرعی، عملی حرام است که در روایات متعدد وعده آتش بر آن داده شده است. (۲)

ص: ۳۰۸

۱- (۱). شرایط مفسر قرآن عبارتند از: آگاهی از ادبیات عرب (صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی و بیان) آگاهی از علوم قرآن، آگاهی از بینش های عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و علوم تجربی، آگاهی از علم فقه و اصول الفقه، آگاهی های تاریخی و جغرافیایی (شأن نزولها) و... آگاهی از اصول دین، آگاهی و مراجعه به احادیث؛ ر.ک: رضائی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۶۱ و ص ۱۰۸.

۲- (۲). عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : من قال في القرآن برأيه فليتبوء مقعده من النار؛ (الترمذی، السنن، ج ۵، ص ۱۹۹)؛ عن الرضا عليه السلام عن آبائه، قال الله تعالى: ما آمن بي، من فسّر برأيه كلامي؛ (صدوق، الامالی، ص ۶).

## الف) ترجمه نثر و بدون آهنگ

اغلب ترجمه های فارسی به صورت نثر و بدون آهنگی خاص هستند؛ یعنی:

مترجمان درصدد انعکاس سبک و آهنگ خاص قرآن نبوده اند.

## ب) ترجمه های هنری

### اشاره

برخی ترجمه های فارسی قرآن، علاوه بر آنکه معنای آیات را به فارسی برگردانده اند، سبک هنرمندانه ای نیز در آن به کار برده و گاه تلاش کرده اند که آهنگ خاص آیات قرآن (به ویژه در سوره های مکی) را در ترجمه فارسی منعکس کنند.

این سبک از ترجمه خود دارای گونه های متعددی است:

### ۱. ترجمه منظوم

در این شیوه ادیبان و شاعران پارسی گو، تلاش کرده اند تا همه یا بخشی از آیات را به زبان شعر بنویسند.

از این رو برخی از نویسندگان بر آنند که باید «سنائی»، «عطار»، «مولانا»، «سعدی» و «حافظ» را از مترجمان قرآن بنامیم. (۱) تا آنجا که گفته اند:

مثنوی معنوی مولوی هست قرآنی به لفظ پهلوی

و نیز در عصر ما آقای امید مجد تمام قرآن را به شعر ترجمه کرده است؛ او در ترجمه سوره «حمد» اینگونه می سراید: سرآغاز گفتار نام خداست

ص: ۳۰۹

که بخشنده و مهربان است نیز

و در ترجمه سوره «ناس» می نویسد: بگو می برم سوی ربّی پناه

## ۲. ترجمه آوایی

در این سبک، مترجمان تلاش کرده اند که آهنگ قرآن را در ترجمه فارسی آن منعکس سازند تا بر شیرینی آن بیفزایند.

برای مثال: در ترجمه ای که در عصر ما در کنار مرقد امام رضا علیه السلام کشف شد و متعلق به اواخر قرن سوم هجری و از مترجمی ناشناس است آمده است: أَلَا الَّذِيْنَ صَبَرُوا

و نیز ترجمه قرآن اثر ابوحفص، نجم الدین عمر نسفی (۴۶۲ - ۵۳۸ ه.ق) از ترجمه های آوایی قرآن به شمار می آید.

همچنین دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی مدعی سبک نوینی از ترجمه، تحت عنوان «ترجمه پیوسته، تفسیری و آوایی» است که خود، نوعی از ترجمه آوایی به

ص: ۳۱۰

شمار می آید.

وی در ترجمه سوره «حمد» می نویسد:

به نام خداوند گسترده احسان و پیوسته مهربان؛

هر حمد و سپاسی از آن خدای ربّ العالمین است [که مولی، مدبّر و مربی جهانیان است]؛

خداوندی که رحمتش گسترده و مهرش پیوسته است؛

مالک روز [بروز حقایق] دین [یعنی: قیامت] است؛

[که در آن حساب و جزا و حکم و سیاست است].

### بررسی

ترجمه هنری (منظوم و آوایی) در جای خود نیکوست و می تواند مخاطبان با ذوق را به سوی قرآن جذب کند؛ البته طبیعی است که در تنگنای قافیه های شعر، گاهی مطالب و معانی آیات اضافه یا کم می شوند؛ البته این اشکال در ترجمه آوایی کمتر است، ولی منتفی نیست و گاه مترجم مجبور می شود یک کلمه را به چند صورت ترجمه کند تا آهنگ شعر گونه کلام، حفظ شود؛ علاوه بر آنکه در برخی از سوره های قرآن نیز سبک و آوای خاصی وجود دارد (مثل سوره فرقان یا سوره های کوتاه مکی) و در این موارد، رعایت آهنگ کلام تا حد امکان مناسب است؛ ولی در برخی از سوره های دیگر، به ویژه در سوره های بلند مدنی (مثل بقره، آل عمران و...) معمولاً آهنگ و آوا کمتر وجود دارد؛ و ایجاد آهنگ و آوای شعر گونه در همه آیات قرآن موجب تکلف می گردد.

### یادآوری

در ترجمه هنری، لازم است توجه داشت که باید بین انعکاس عواطف گوینده یا نویسنده با انعکاس عواطف مترجم تفاوت قایل شد؛ به عبارت دیگر: مترجم

ص: ۳۱۱

می تواند در ترجمه، لحن و فضای آیات (مثل لحن و فضای جنگ، قصه، دعا و...) را در آهنگ عبارت ترجمه منعکس کند، ولی حق ندارد که احساسات خود را در ترجمه دخالت دهد؛ برای مثال، هنگامی که از سخنان نویسنده خوشنود شود با کلمات شیرین و محترمانه ترجمه کند (برای مثال: قال: فرمود) و در مواردی که از سخنان نویسنده ناخشنود است از کلمات غیر محترمانه یا زننده استفاده کند.

ص: ۳۱۲

۱. پنج ترجمه مشهور قرآن را انتخاب نموده، روش ها و سبک های آن ها را مشخص ساخته و بررسی و مقایسه کنید.
۲. ترجمه «الاهی قمشه ای» و «فیض الاسلام» را بررسی و در ده آیه با یکدیگر مقایسه کنید.
۳. دو ترجمه آهنگین قرآن را بررسی و مقایسه کنید.
۴. دو ترجمه منظوم قرآن را معرفی، بررسی و مقایسه کنید.
۵. ترجمه آقای رحماندوست، ویژه کودکان را بررسی و نقد کنید.
۶. روش های ترجمه قرآن را از نظر «آیهالله مکارم»، «آیهالله معرفت» و «دکتر ذهبی» بررسی و مقایسه کنید.

**منابع جهت مطالعه بیشتر**

۱. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، آیهالله معرفه.
۲. پی نوشت ترجمه آیهالله مکارم شیرازی.
۳. فن ترجمه در ادبیات عرب، محمد عبدالغنی حسن.
۴. التفسیر و المفسرون، الذهبی.
۵. طبقات مفسران شیعه، دکتر عقیقی بخشایشی.
۶. مجله مترجم، شماره دهم.
۷. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار.

صفحة سفید، ۳۱۴

ص: ۳۱۴



### اشاره

اهداف آموزشی: ۱) آشنایی با روش نقد ترجمه های قرآن؛ ۲) آشنایی با منابع نقد ترجمه های قرآن (کتاب و مقالات)؛ ۳) شناخت اقسام آسیب های ترجمه های قرآن؛ ۴) کارورزی در مورد نقد ترجمه های قرآن.

### درآمد

مترجمان قرآن در همه ادوار، خدمات بزرگی به اسلام نموده و در راه گسترش فرهنگ قرآنی، گام های بلندی برداشته اند؛ اما ترجمه قرآن در طول تاریخ اسلام، سیری تکاملی را پیموده است و به اعتراف مترجمان قرآن، ترجمه نهایی و مطلوب حاصل نشده است. بنابراین، پس از این نیز لازم است تا ترجمه قرآن، به سیر تکاملی خویش ادامه دهد؛ اما این حرکت تکاملی، بدون نقد و بررسی و آسیب شناسی ترجمه های پیشین امکان پذیر نخواهد بود؛ آسیب شناسی ترجمه های قرآن، به معنای نادیده گرفتن زحمات و نقاط قوت ترجمه ها نیست؛ و اگر نامی از مترجمی به میان می آید تنها با هدف احترام به اوست و این نقدها همچون اصل ترجمه ها، چراغ راه آیندگان خواهند شد، تا ترجمه های استوارتر، دقیق تر و کامل تری از قرآن شکل بگیرد.

### روش شناسی نقد ترجمه های قرآن

### اشاره

آسیب شناسی ها و نقدهای ترجمه قرآن، تاکنون به چند شیوه انجام شده است:

### اشاره

در این شیوه، نقد کننده یک ترجمه خاص، مثل ترجمه «مجتبوی» را انتخاب کرده و به بررسی و نقد آن پرداخته؛ این شیوه خود به دو صورت فرعی انجام گرفته است:

#### ۱. نقد و بررسی ترتیبی یک ترجمه

یعنی: ناقد با بررسی سوره به سوره یا آیه به آیه، به صورت ترتیبی، به نقد ترجمه ها پرداخته است. (۱)

#### ۲. نقد و بررسی موضوعی یک ترجمه

یعنی: ناقد، موضوعات مختلف، همچون: لغزش های ادبی، لغزش های کلامی، لغزش های ویرایشی و... را در یک ترجمه خاص پی گیری کرده است. (۲)

### ب) نقد و بررسی عام

در این شیوه، ناقد، به دنبال نقد ترجمه شخص خاصی نیست، بلکه موضوعات مختلف (مثل لغزش های ادبی، تفسیری و...) را در ترجمه های متعدد پی جویی می کند و از آن ها مثال می آورد. (۳) تذکر: در آسیب شناسی ترجمه قرآن، لازم است که به روش و سبک مترجم قرآن توجه شود، (که در برخی موارد در مقدمه یا پی نوشت ترجمه بیان شده است)؛ چرا که براساس یک روش یا سبک خاص ترجمه نمی توان ترجمه ای را که به روش و سبک دیگر نوشته شده نقد کرد.

برای مثال: اگر کسی براساس روش ترجمه «تحت اللفظی» قرآن را ترجمه کرده است نمی توان به او اشکال کرد که چرا فعل فارسی را در آخر جمله نیاورده است و

ص: ۳۱۶

---

۱- (۱). مثال ها و موارد در ادامه بحث می آید.

۲- (۲). مثال ها و موارد در ادامه بحث می آید.

۳- (۳). مثال ها و موارد در ادامه بحث می آید.

نیز، کسی که ترجمه ای منظوم از قرآن ارائه کرده است، لازم است درباره ترجمه او به مشکلات و تضییق های شعری توجه کنیم سپس او را نقد کنیم.

### تاریخچه نقد ترجمه های قرآن

آغازگر نقد ترجمه قرآن، در نیم قرن اخیر، در عرصه مطبوعات، استاد شهید مطهری قدس سره است که در سال ۱۳۲۴ ش. در مجله «یغما» نقدی بر ترجمه مرحوم «ابوالقاسم پاینده» از قرآن کریم را منتشر ساخت؛ بعد از ایشان نیز مرحوم «سید محمد فرزانه» به طور مبسوط نقد و بررسی ترجمه «پاینده» را به پایان رسانید.

البته نقد ترجمه های فارسی، بین سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۶۸ ش. رکودی هجده ساله را شاهد بود، و تنها یک مقاله در سال ۱۳۵۹ ش. از آقای سید محمد محیط طباطبایی در مجله «آینده» در نقد ترجمه آقای شهرام هدایت با عنوان «نظری جدید بر ترجمه ای جدید از قرآن مجید» منتشر گردید و سال های ۱۳۶۹ - ۱۳۷۱ ش. نیز، بدون نقد سپری شد؛ اما از سال ۱۳۷۲ ش. شاهد نقدهای متعددی در این زمینه هستیم که تعداد آن و در سال ۱۳۷۵ ش. به بیست و سه مقاله در سال رسید. (۱)

### کتابشناسی نقد ترجمه های قرآن

در دهه اخیر، نقدهای متعددی به ترجمه های قرآن زده شده و به شیوه های مختلفی، ترجمه ها آسیب شناسی شده اند از جمله:

۱. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمد علی کوشا، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۲ ش. که به نقد ترجمه های آقایان امامی، آیتی، خرمشاهی، فولادوند، خرم دل، ترجمه احمد آرام از آیات قرآن کریم در «الحیاه»، ترجمه خانم فاطمه مشایخ از «تلخیص المیزان»، پرداخته است؛ در این کتاب از روش خاص و تربیتی در نقد

ص: ۳۱۷

۲. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، ۱۳۷۵ش؛ ایشان به بررسی ترجمه های کهن فارسی، همچون «ترجمه طبری (رسمی)» «کشف الاسرار میبدی» و ترجمه «تفسیر ابوالفتوح رازی» و... پرداخته است.

شیوه ایشان در نقد، در بخش اول کتاب به صورت خاص و ترتیبی است؛ اما در بخش دوم کتاب، از شیوه عام و موضوعی استفاده کرده است و بیشتر به نقد ترجمه ها از دیدگاه دستور زبان فارسی پرداخته است؛

۳. آسیب شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار، پایان نامه آقای امیر مسعود صفری، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۰ش؛ در این نوشتار به نقد ترجمه های متعددی، همچون: ترجمه آیهاالله مکارم شیرازی، فولادوند، خرمشاهی و... به صورت عام و موضوعی پرداخته شده؛ آسیب های ترجمه ها، به دو بخش «واژگانی» و «ساختار» تقسیم و برای هر کدام مثال های متعددی ذکر گردیده است و سپس نویسنده ترجمه مطلوب خود را از آیه مورد بحث ارائه کرده است؛

۴. قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی) اثر بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر فرهنگی مشرق، تهران ۱۳۷۲ش؛ در این کتاب از ص ۳۲۳ تا ص ۵۳۸ در مورد نقد ترجمه های متعدد از جمله: ترجمه قرآن مجید به قلم فولادوند، آیتی، بهبودی، فارسی، خواجهی، خرمشاهی، الاهی قمشه ای و ترجمه جدید قرآن به انگلیسی، سخن گفته شده است.

### مقاله شناسی نقد ترجمه های قرآن

در دهه های اخیر، مقالات متعددی در مورد ترجمه های قرآن در «مجله مترجم»، «مجله بینات» و «مجله ترجمان وحی» و... منتشر گردید، که در این مقالات نیز، گاهی از «روش خاص» و گاه از «روش عام» استفاده شده است، برخی از مهمترین این

الف) نقد ترجمه های فارسی:

در این رابطه، ابتدا جدولی از ۱۰۴ نقد را که توسط آقای هادی حجت از مقالات نقد، پیرامون ترجمه به زبان فارسی، تا سال ۱۳۷۷ ش جمع آوری شده است را ذکر کرده (۱) سپس فهرست نقدهای ارائه شده را تکمیل می کنیم:

لازم به تذکر است که در جدول مزبور از نشانه های اختصاری زیر برای مفاهیم ذکر شده استفاده شده است:

ت: «ترجمه»؛ ج: «جواب»؛ ق: «قسمت»؛ م: «معرفی»؛ ن: «نقد».

ص: ۳۱۹

---

۱- (۱). این جدول از مجله ترجمان وحی، ش ۶ ص ۵۶ - ۶۱، از مقاله «تاریخچه نقد ترجمه های فارسی قرآن کریم»، هادی حجت، اقتباس و ۱۷ مورد از نقدهای جدید، منتشر شده در سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ بدان افزوده شده است.

ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس ۱۳۳۷/۲ مرتضی مطهری ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به اهتمام آقای ابوالقاسم پاینده ن یغما، س ۱۱، ش ۲۲ ۱۳۳۷/۱۰ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۱ ن یغما، س ۱۱، ش ۳۱۰ ۱۳۳۷/۱۱ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۲ ن یغما، س ۱۱، ش ۴۱۱ ۱۳۳۷/۱۲ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۳ ن یغما، س ۱۱، ش ۵۱۲ ۱۳۳۸/۱ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۴ ن یغما، س ۱۲، ش ۶۱ ۱۳۳۸/۳ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۵ ن یغما، س ۱۲، ش ۷۳ ۱۳۳۸/۶ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۶ ن یغما، س ۱۲، ش ۸۶ ۱۳۳۸/۷ سید محمد فرزانه ت: پاینده ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۷ ن یغما، س ۱۲، ش ۹۷ و ۱۳۴۰/۶ غلامرضا طاهرت: پاینده ترجمه قرآن از پاینده ن راهنمای کتاب، س ۴، ش ۵ و ۱۰۶ و ۱۳۴۰/۶ سید محمد فرزانه ت: پاینده جواب استاد فرزانه به نقدهای طاهر ج راهنمای کتاب، س ۴، ش ۵ و ۱۱۶ ۱۳۴۰/۹ غلامرضا طاهرت: پاینده سقطات از ترجمه قرآن مجید ن یغما، س ۱۴، ش ۱۲۹ و ۱۱ و ۱۳۴۰/۱۲ سید محمد فرزانه ت: پاینده جواب استاد فرزانه به نامه طاهر ج راهنمای کتاب، س ۴، ش ۱۱ و ۱۳۱۲ و ۱۱ ۱۳۴۰/۱۲ غلامرضا طاهرت: پاینده ترجمه قرآن از پاینده ن راهنمای کتاب، س ۴، ش ۱۱ و ۱۴۱۲ ۱۳۵۹/۱۲ سید محمد، محیط طباطبایی ت: هدایت نظری به ترجمه ای جدید از قرآن مجید آینه، س ۶، ش ۹ - ۱۵۱۲ ۱۳۶۸/۶ علیرضا ذکاوتی قراگزلوت: آیتی نگاهی به ترجمه تازه قرآن کریم ن نشر دانش، س ۹، ش ۱۶۵ و ۱۱ ۱۳۶۸/۱۲ سید عبدالوهاب طالقانی ت: قمشه ای و آیتی نقد ترجمه های معروف قرآن به زبان فارسی ن کیهان اندیشه، ش ۱۷۲۸ و ۱۳۷۰/۷ کاظم کریمی ت: آیتی ترجمه یا تحریف ن نور علم، س ۴، ش ۱۸۴۱ و ۱۳۷۰/۷ گروه مترجمان دارالقرآن چند ترجمه ترجمه ای جدید از قرآن مجید ن کیهان اندیشه، ش ۱۹۳۸ و ۱۳۷۰/۱۰ جلال الدین فارسی نظر گروه مترجمان پاسخ به انتقاد کیهان اندیشه، ش ۲۰۳۹ و ۱۱ ۱۳۷۰/۱۲ محمد رضا زائری نظر گروه محققان دقت در ترجمه قرآن ن کیهان اندیشه، ش ۴۲۱۴-۱۳۷۲/۶ سید محمد فرزانه ت: پاینده نقدی بر ترجمه ابوالقاسم پاینده از قرآن ن مترجم، س ۳، ش ۱۰

ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس ۲۲-۴-۱۳۷۲/۶ سید حسین سیدی ت: آیتی تأملاتی درباره ترجمه قرآن با نگاهی به ترجمه استاد آیتی ن مترجم، س ۳، ش ۲۳۱۰-۴-۱۳۷۲/۶ حسین استاد ولی ت: بهبودی ترجمه ای اسف انگیز از قرآن کریم، نقدی بر معانی القرآن ن مترجم، س ۳، ش ۲۴۱۰-۷-۱۳۷۲/۹ بهاءالدین خرمشاهی ت: قمشه ای درباره ترجمه شادروان الاهی قمشه ای از قرآن ن وقف، میراث جاویدان، س ۱، ش ۲۵۳-۷-۱۳۷۲/۱۲ محمد باقر بهبودی ت: بهبودی زبان معانی القرآن ج مترجم، س ۳، ش ۱۱-۲۶۱۲-۱۱ و ۱۳۷۲/۱۲ و ۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: بهبودی نیز: درباره معانی القرآن محمد باقر بهبودی ن کیان، س ۳، ش ۲۷۱۷-۱۰-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: فارسی درباره ترجمه جلال الدین فارسی از قرآن مجید ن وقف، میراث جاویدان، س ۱، ش ۲۸۴-۱۲-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: بهبودی ترجمه قرآن مجید به قلم محمد باقر بهبودی ن قرآن پژوهی ۲۹-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: آیتی ترجمه قرآن مجید به قلم عبدالمحمد آیتی ن قرآن پژوهی ۳۰-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: قمشه ای ترجمه قرآن مجید به قلم شادروان الاهی قمشه ای ن قرآن پژوهی ۳۱-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: فارسی ترجمه قرآن مجید به قلم جلال الدین فارسی ن قرآن پژوهی ۳۲-۱۳۷۲/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: خواجوی ترجمه قرآن مجید به قلم محمد خواجوی ن قرآن پژوهی ۳۳-۱۳۷۳/۳ محمد باقر بهبودی ت: بهبودی دفاع از معانی القرآن ج کیان، س ۴، ش ۳۴۱۹-۱-۱۳۷۳/۳ احمد احمدی ت: قمشه ای و معزی ضرورت ترجمه ای آکادمیک از قرآن کریم ن بینات، س ۱، ش ۳۵۱-۱-۱۳۷۳/۳ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۱ ن بینات، س ۱، ش ۳۶۱-۱-۱۳۷۳/۳ احمد بهشتی ت: قمشه ای درباره «نقد ترجمه شادروان الاهی قمشه ای از قرآن» ج وقف میراث جاویدان، س ۲، ش ۳۷۵-۴-۱۳۷۳/۶ مرتضی کرباسی [کریمی نیا] چند ترجمه مترجمان و لغزش در فهم معنای «ان» ن بینات، س ۱، ش ۳۸۲-۴-۱۳۷۳/۶ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۲ ن بینات، س ۱، ش ۳۹۳-۴-۱۳۷۳/۶ محمد علی کوشات: امامی نقدی بر ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن ن وقف، میراث جاویدان، س ۲، ش ۴۰۶-۷-۱۳۷۳/۷ بهاءالدین خرمشاهی ت: قمشه ای نقدی بر ترجمه الاهی قمشه ای از قرآن مجید، ق ۱ ن بصائر، س ۱، ش ۴۱۲-۸-۱۳۷۳/۸ بهاءالدین خرمشاهی ت: قمشه ای نقدی بر ترجمه الاهی قمشه ای از قرآن مجید، ق ۲ ن بصائر، س ۱، ش ۷۴۲۳-۹-۱۳۷۳/۹ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۳ ن بینات، س ۱، ش ۳

ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس ۴۳-۱۰-۱۳۷۳/۱۲ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۴ بینات، س ۱، ش ۴۴۴-۱۳۷۴/۳ مسعود مهدوی ت: بهبودی مروری بر معانی القرآن ن فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۴۵۱-۱۳۷۴/۳ سید حیدر علوی نژادت: آیتی نگرشی به ترجمه قرآن استاد آیتی ن فصلنامه پژوهش های قرآنی، س ۴۶۱-۱۳۷۴/۳ رضا رضایی ت: فارسی نگاهی به ترجمه قرآن استاد جلال الدین فارسی ن فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۴۷۱-۱۳۷۴/۳ موسی حسینی ت: مجتوبی با ترجمه قرآن استاد مجتوبی ن فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۴۸۱-۱۳۷۴/۳ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۵ بینات، س ۲، ش ۴۹۵-۱۳۷۴/۳ محمد علی سلطانی ت: فولادوند نگاهی به ترجمه سوره حمد و بقره در ترجمه استاد فولادوند ن بینات، س ۲، ش ۵۰۵-۴۱۳۷۴/۶ مرتضی کرباسی [کریمی نیا] ت: فولادوند نگاهی به ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند ن فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۱، ش ۵۱۳-۴۱۳۷۴/۶ مرتضی کرباسی [کریمی نیا] چند ترجمه بای تعدیه در قرآن کریم، ق ۱ بینات، س ۲، ش ۵۲۵-۴۱۳۷۴/۶ مرتضی کرباسی [کریمی نیا] چند ترجمه بای تعدیه در قرآن کریم، ق ۲ بینات، س ۲، ش ۵۳۶-۴۱۳۷۴/۶ حسین استاد ولی چند ترجمه لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۶ بینات، س ۲، ش ۵۴۶-۴۱۳۷۴/۶ محمد دانشگرت: آیتی، مکارم و مجتوبی بررسی نشانه گذاری درسه ترجمه جدید از قرآن ن فصلنامه مصباح، س ۴، ش ۷۵۵۱۴-۱۳۷۴/۹ مجتوبی، سعیدی و استاد ولی چند ترجمه نقد و پاسخ درباره لغزشگاه های ترجمه قرآن کریم ج بینات، س ۲، ش ۵۶۷-۷۵۷۷-۱۳۷۴/۹ سید جلال الدین مجتوبی ت: طاهری سخنی چند درباره ترجمه قرآن کریم ج بینات، س ۲، ش ۷۵۷۷-۱۳۷۴/۹ محمد هادی شفیق آملی چند ترجمه سخنی درباره مقاله «بای تعدیه در قرآن کریم» ج بینات، س ۲، ش ۱۰۵۸۷-۱۳۷۴/۱۱ علی اکبر طاهری نظر مجتوبی بررسی یک نقد درباره ترجمه قرآن کریم ج بینات، س ۲، ش ۱۰۵۹۸-۱۳۷۴/۱۲ مصطفی حسینی طباطبایی ت: پورجوادی دقت در ترجمه قرآن کریم ن بینات، س ۲، ش ۱۰۶۰۸-۱۳۷۴/۱۲ حسین استاد ولی ت: قمشه ای گزارشی از ویرایش جدید و کامل ترجمه قرآن شادروان مهدی الاهی قمشه ای ن بینات، س ۲، ش ۱۳۷۵/۳/۳۶۱۸ هوشنگ گلشیری ت: خرمشاهی در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید ن سلام، س ۵، ش ۱۰۶۲۱۴۳۵-۱۳۷۵/۳ بهاءالدین خرمشاهی ت: خرمشاهی بوریاباف و کارگاه حریر ج سلام، س ۵، ش ۱۳۷۵/۳/۱۷۶۳۱۴۳۹ هوشنگ گلشیری ت: خرمشاهی باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید، ق ۱ ج ج سلام، س ۵، ش ۱۴۴۳



ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس / ۲۴۶۴/۳/۱۳۷۵ هوشنگ گلشیری [ت: خرمشاهی] باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید، ق آخر ج سلام، س ۶، ش ۱۴۴۹ ۱۳۷۵/۳/۳۱۶۵ بهاءالدین خرمشاهی [ت: خرمشاهی] باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید: زبان پریش یا نثر خلاق؟ ج سلام، س ۵، ش ۱۶۶۱۴۵۵-۱۳۷۵/۳ مرتضی کریمی نیات: مکارم نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله مکارم شیرازی ن بینات، س ۳، ش ۱۶۷۹-۱۳۷۵/۳ محمد علی کوشات: آیتی نقدی بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم ن وقف، میراث جاویدان، س ۴، ش ۱۶۸۱۳-۱۳۷۵/۳ عباس یزدانی [نظر خرمشاهی] نکته ای بر نکات ن بینات، س ۳، ش ۱۴۶۹۹/۴/۱۳۷۵ ایرج امیرضیائی [نظر خرمشاهی] در باب ترجمه قرآن ن سلام، س ۶، ش ۱۴۶۷ ۱۳۷۵/۴/۲۸۷۰ کامران فانی [نظر خرمشاهی] زبان حقیقت و حقیقت زبان؛ آداب نقد و ترجمه قرآن ن سلام، س ۶، ش ۱۴۷۷ ۱۳۷۵/۵/۴۷۱ و مصطفی موسوی ت: خواجهی نقدی کوتاه بر ترجمه قرآن خواجهی ن کیان، س ۶، ش ۱۳۷۵/۶/۱۵ ۷۲۳۱ منوچهر کدیورت: خرمشاهی در باب مناظره پیرامون ترجمه قرآن ن سلام، س ۶، ش ۴ ۷۳۱۵۱۸-۱۳۷۵/۶ محمد ربانی [ت: مکارم] جوابیه ای از نقد ترجمه قرآن کریم، آیت الله مکارم ج بینات، س ۳، ش ۱۷۴۱۰-۱۳۷۵/۶ محمد علی رضایی کرمانی ت: خرمشاهی نقدی بر ترجمه جدید قرآن «ترجمه خرمشاهی» ن فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۵ - ۱۳۷۵/۷/۱۲۷۵۶ بهاءالدین خرمشاهی [ت: خرمشاهی] مربوط به «مناظره در باب ترجمه قرآن» ج سلام، س ۶، ش ۷۶۱۵۴۲ ۱۳۷۵/۹/۸ محمد خواجهی [ت: خواجهی] پاسخ محمد خواجهی به نقد ترجمه قرآن ج کیان، س ۶، ش ۷۷۳۳-۱۳۷۵/۹ مسعود انصاری ت: فولادوند نگاهی به ترجمه قرآن کریم از استاد محمد مهدی فولادوند ن بینات، س ۳، ش ۷۷۸۱۱-۱۳۷۵/۹ مرتضی کریمی نیا [ت: مکارم] توضیحی درباره یک جوابیه ج بینات، س ۳، ش ۷۷۹۱۱-۱۳۷۵/۹ مرتضی کریمی نیات: مکارم نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله مکارم، ق ۲ ن بینات، س ۳، ش ۸۰۱۱ ۱۳۷۵/۱۲/۴ امین میرزایی ت: خرمشاهی کاستی هایی چند در ترجمه آیات ن اطلاعات، ش ۱۳۷۵/۱۲/۲۵۸۱۲۰۹۹۶ بهاءالدین خرمشاهی [ت: خرمشاهی] کاستی هایی چند در نقد ترجمه قرآن مجید ج اطلاعات، ش ۱۳۷۵/۱۲-۱۰ ۸۲۲۱۰۱۳ مرتضی مطهری ت: پاینده نقد ترجمه قرآن آقای ابوالقاسم پاینده ن بینات، س ۳، ش ۱۰۸۳۱۲-۱۳۷۵/۱۲ عباس یزدانی ت: خرمشاهی پیرامون ترجمه استاد بهاءالدین خرمشاهی ن بینات، س ۳، ش ۱۸ ۴۱۲-۱۳۷۶/۳ احمد احمدی ت: آیتی، خرمشاهی و فولادوند بلای تقلید در ترجمه قرآن کریم ن بینات، س ۴، ش ۱۳

ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس ۱۸ ۵-۱۳۷۶/۳ مسعود انصاری ت: آیتی نگاهی به ترجمه سوره توبه از عبدالمحمد آیتی ن بینات، س ۴، ش ۱۸۶۱۳-۱۳۷۶/۳ بهاءالدین خرمشاهی ت: خرمشاهی نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟ ج بینات، س ۴، ش ۱۸۷۱۳-۱۳۷۶/۳ مرتضی کریمی نیا چند ترجمه از مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم ن فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۳، ش ۱۸۸۱۰-۱۳۷۶/۳ محمد علی کوشات: خرمشاهی نقدی بر ترجمه بهاءالدین خرمشاهی از قرآن کریم از آغاز تا سوره قصص ن وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۱۸۹۱۷-۱۳۷۶/۶ محمد حسن خزاعی ت: خرمشاهی نگاهی دیگر به توضیحات و ترجمه قرآن کریم از خرمشاهی ن مشکوه، ش ۵۴ و ۴۹۰۵۵-۱۳۷۶/۶ محمد علی کوشات: خرمشاهی نقدی بر ترجمه آقای بهاءالدین خرمشاهی از قرآن کریم (از قصص تا ناس) ق ۲ ن وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۴۹۱۱۸-۱۳۷۶/۶ محمد هادی مؤذن جامی ت: خرمشاهی کاربرد حروف در قرآن کریم با نگاهی به ترجمه خرمشاهی ن وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۱۹۲۱۸-۱۳۷۶/۶ عباس یزدانی ت: خرمشاهی نکاتی دیگر از یک ترجمه ن صحیفه مبین، ش ۹ و ۱۳۷۶/۶۹۳۱۰ مرتضی کریمی نیا چند ترجمه یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن ن ترجمان وحی، س ۱، ش ۱۳۷۶/۱۲۹۴۱ مرتضی کریمی نیا چند ترجمه چه را ترجمه نکنیم؟ و چرا؟ ن ترجمان وحی، س ۱، ش ۱۳۷۶/۱۲۹۵۲ مجید صالحی چند ترجمه فهم یا تفهیم؟ فارسی نویسی، ضرورتی بایسته در ترجمه کلام وحی ن ترجمان وحی، س ۱، ش ۱۳۷۶/۱۲۹۶۲ یعقوب جعفری چند ترجمه دشواری ترجمه کلمات مترادف در قرآن ن ترجمان وحی، س ۱، ش ۱۳۷۶۹۷۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: آیتی درباره ترجمه استاد آیتی از قرآن کریم ن سیر بی سلوک ۱۹۸-۱۳۷۷/۳ نادعلی عاشوری تلوکی ت: بی آزار شیرازی «قرآن ناطق» و برگردان آیات ن بینات، س ۵، ش ۱۳۷۷/۶۹۹۱۷ محمد رضا انصاری ت: دهلوی نقد و بررسی ترجمه شاه ولی الله دهلوی ن ترجمان وحی، س ۲، ش ۱۳۷۷/۶۱۰۰۳ سید عبدالوهاب طالقانی چند ترجمه راه دستیابی به ترجمه ای مطلوب از قرآن کریم ن ترجمان وحی، س ۲، ش ۴۱۰۱۳-۱۳۷۷/۶ سید محمد صمصامی ت: خرمشاهی سخنی درباره ترجمه آقای خرمشاهی بر قرآن کریم ن بینات، س ۵، ش ۱۰۱۰۲۱۹-۱۳۷۷/۱۲ بهاءالدین خرمشاهی ت: خرمشاهی از محقق تا مقلد فرقه‌هاست! ن بینات، س ۵، ش ۱۳۷۷/۱۲۱۰۳۲۰ یعقوب جعفری چند ترجمه ضرورت شناخت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن کریم ن ترجمان وحی، س ۲، ش ۱۳۷۷/۱۲/۲۹۱۰۴۴ سید علی محمد رفیعی ت: رحماندوست دشواری های گام نخست ن، م کتاب ماه، س ۲، ش ۱۳۷۹۱۰۵۵ بهاءالدین خرمشاهی ترجمه الهی قمشه ای ترجمه شادروان مهدی الهی قمشه ای ن ترجمان وحی، ش ۷

ردیف تاریخ چاپ نویسنده موضوع نام مقاله نوع اثر آدرس ۱۳۷۹۱۰۶ محمد حسن زمانی ترجمه های آهنگین نگاه و نقدی بر ترجمه های آهنگین و منظوم قرآن ن ترجمان وحی، ش ۱۳۷۹۱۰۷۸ هادی حجت نقدهای ترجمه طبقه بندی نقدهای نوشته شده بر ترجمه های فارسی قرآن کریم م ترجمان وحی، ش ۱۳۸۰۱۰۸۸ مرتضی کریمی نیا تکراری های قرآن پدیده تکرار در قرآن و مساله ترجمه آن م ترجمان وحی، ش ۱۳۸۰۱۰۹۹ بهاءالدین خرمشاهی ترجمه دهلوی ترجمه شاه ولی الله دهلوی م - ن ترجمان وحی، ش ۱۳۸۰۱۱۰۹ دکتر محمد غزالی ترجمه تهانوی ترجمه تفسیر گونه اشرف علی تهانوی و ارزیابی علمی آن م - ن ترجمان وحی، ش ۱۳۸۰۱۱۱۹ محمد علی کوشا ترجمه خرم دل معرفی و نقد ترجمه تفسیری قرآن از دکتر مصطفی خرم دل ن ترجمان وحی، ش ۱۳۸۲۱۱۲۱۰ حسین استادولی نقد ترجمه حلبی و ارفع دو ترجمه جدید از قرآن کریم ن ترجمان وحی، ش ۱۳ و ۱۳۸۲۱۱۳۱۴ محمد علی کوشا نقد فیض الاسلام معرفی و نقد ترجمه تفسیری فیض الاسلام از قرآن کریم ن ترجمان وحی، ش ۱۳۸۳۱۱۴۱۴ اعلی اکبر طاهری ترجمه دکتر صادقی نگاهی به تازه ترین ترجمه فارسی قرآن کریم از دکتر صادقی تهرانی م ترجمان وحی، ش ۱۳۸۳۱۱۵۱۵ سید محمد عمادی حایری ترجمه منظوم ترجمه ناصر خسرو از آیات قرآن کریم م ترجمان وحی، ش ۱۳۸۰۱۱۶۱۵ ارضا فرشچیان جواز ترجمه قرآن جواز یا حرمت؟ م - ن بینات، ش ۱۳۷۹۱۱۷۳۱ حیدرقلی زاده ساختار زبانی ترجمه مفعول مطلق و معادل ساختاری آن م - ن بینات، ش ۱۳۷۹۱۱۸۲۶ اعظم پرچم بررسی ترجمه ها بررسی واژه تاویل در برخی ترجمه هام - ن بینات، ش ۱۳۷۸۱۱۹۲۶ پروین بهارزاده جواز ترجمه ترجمه پذیری قرآن کریم م - ن بینات، ش ۱۳۷۸۱۲۰۲۴ نادعلی عاشوری تلوکی ترجمه المیزان ترجمه قرآن در برگردان تفسیر المیزان م - ن بینات، ش ۱۳۷۸۱ ۲۱۲۴ مصطفی رضایی نقد ترجمه فولادوند و معرفی بررسی دو ترجمه از قرآن کریم ن بینات، ش ۱۳۸۳ ۱۲۲۲۱ محمد ابو شعیب ترجمه: عباس امام نقد حرمت ترجمه بررسی فتوای رشید رضا در مورد ترجمه قرآن مجید ن ترجمان وحی، ش ۱۳۸۳۱۲ ۳۱۴ مصطفی کریمی مبانی کلامی ترجمه ضرورت به کارگیری باورهای صحیح در ترجمه قرآن ن معرفت، ش ۸۳



ب) نقد ترجمه های قرآن به زبان های غیرفارسی:

۱. نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه، «دکتر جواد حدیدی»، ترجمان وحی، ش ۱.
۲. ترکیب های اضافی در ترجمه روسی قرآن، «دکتر احمد پاکتچی»، ترجمان وحی، ش ۱.
۳. نگاهی به ترجمه های آذربایجانی قرآن، «رسول اسماعیل زاده»، ترجمان وحی، ش ۱.
۴. ترجمه ای یهودوار از قرآن به زبان فرانسه، «دکتر جواد حدیدی»، ترجمان وحی، ش ۶.
۵. نقد و بررسی ترجمه های آذری قرآن کریم، ترجمه ی ضیاء بینادف و واسیم محمد علی یثو، «رسول اسماعیل زاده»، ترجمان وحی، ش ۳.
۶. گزارشی کوتاه درباره ترجمه های قرآن کریم به زبان روسی، دکتر احمد پاکتچی، ترجمان وحی، ش ۳.
۷. مصاحبه ای کوتاه با دکتر میرزا ملا احمد، مترجم قرآن به زبان تاجیکی، ترجمان وحی، ش ۳.
۸. ترجمه های قرآن کریم به زبان آلبانیایی، «پروفسور دکتر گازمند اشپوزا»، ترجمان وحی، ش ۴.
۹. قرآن در چین، «جین یی جیو»، برگردان محسن جعفری مذهب، ترجمان وحی، ش ۴.
۱۰. بررسی ترجمه های قرآن به زبان ترکی استانبولی، گروه ترجمه ترکی استانبولی مرکز ترجمه، ترجمان وحی، ش ۴.
۱۱. ترجمه قرآن کریم به زبان روسی از سابلوکوف تا پور و خووا، «دکتر عمادالدین حاتم»، ترجمان وحی، ش ۴.
۱۲. مارمادوک پیکتال، مترجم قرآن کریم به زبان انگلیسی، «مرتضی کریمی نیا»، ترجمان وحی، ش ۵.

۱۳. دومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه، «دکتر جواد حدیدی»، ترجمان وحی، ش ۷.
۱۴. نظری اجمالی بر ترجمه های لاتینی قرآن مجید، «هارتموت بابزین»، ترجمه دکتر علیرضا انوشیروانی، ترجمان وحی، ش ۷.
۱۵. ترجمه شاعر آلمانی فریدریش روکرت، «دکتر محمود العلی حسینات»، ترجمان وحی، ش ۷.
۱۶. معرفی چند ترجمه قرآن به زبان ازبکی، «ابراهیم خدایار»، ترجمان وحی، ش ۷.
۱۷. پروفیسور «بیلاوسکی» اسلام شناسی و مترجم لهستانی قرآن کریم، ترجمان وحی، ش ۷.
۱۸. تأملی در برخی از نقاط قوت و ضعف ترجمه رودی پارت، «مسعود انصاری»، ترجمان وحی، ش ۸.
۱۹. گزارشی از ترجمه های ژاپنی قرآن، «محمد القائم صفا ساوادا»، ترجمان وحی، ش ۸.
۲۰. ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه، «جواد حدیدی»، ترجمان وحی، ش ۹.
۲۱. آیا ترجمه جرج سیل قابل اعتماد است، «دیلو. جی. شلابیر»، ترجمه عباس امام - علی وجیهی، ترجمان وحی، ش ۱۰.
۲۲. ترجمه آهنگین قرآن کریم به زبان انگلیسی، «گفتگو با دکتر فضل الله نیک آیین»، مرتضی کریمی نیا، ترجمان وحی، ش ۱۰.
۲۳. نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از خانم زیگرت یمینی (شولتس)، «مرتضی کریمی نیا»، ترجمان وحی، ش ۱۴.
۲۴. ترجمه ای متین و ماندگار از قرآن مجید به قلم استاد قرایی، «بهاءالدین خرمشاهی»، ترجمان وحی، ش ۱۴.

۲۵. نگرشی بر تاریخ ترجمه قرآن کریم به زبان ترکمنی، «بی بی مریم شرعی - ملا عاشور قاضی»، ترجمان وحی، ش ۱۵.

۲۶. بررسی ترجمه انگلیسی یوسف علی، «آرتور جفری - عباس امام»، ترجمان وحی، ش ۱۵.

۲۷. ترجمه قرآن کریم به زبان بوسنیایی و ارزش های ساختاری آن، دکتر «اسعد دور اکوویچ»، ترجمه یعقوب جعفری - ترجمان وحی، ش ۱۵.

۲۸. ترجمه بسیار قدیمی از قرآن کریم، «سید علی موسوی گرمارودی»، بینات، ش ۳۱؛ این مقاله به معرفی و بررسی ترجمه فارسی قدیمی در تاجیکستان پرداخته است.

## تقسیم بندی آسیب های ترجمه های قرآن

### اشاره

آسیب های ترجمه های قرآن را از جهات متعدد می توان تقسیم کرد؛ ولی ما در این نوشتار از تقسیم بندی زیر استفاده می کنیم:

نخست: آسیب های علمی ترجمه؛

دوم: آسیب های فنی ترجمه؛

سوم: آسیب های روش شناختی و سبکشناختی ترجمه؛

چهارم: آسیب های مبنایی؛

پنجم: آسیب های اخلاقی؛

ششم: آسیب های ترجمه های مستشرقان.

### نخست: آسیب های علمی ترجمه

### اشاره

همان گونه که در مبحث شرایط مترجمان بیان گردید: مترجم قرآن لازم است از شرایط، آمادگی ها و همچنین آگاهی از علوم خاصی برخوردار باشد؛ حال اگر مترجم، واجد شرایط یا آشنا با علوم لازم برای ترجمه نباشد، ترجمه او گرفتار آسیب های زیر خواهد شد:

۱. آسیب های تفسیری؛ که ناشی از عدم آگاهی کامل مترجم از تفسیر آیات است؛

۲. آسیب های فقهی؛ در اثر عدم اطلاع کافی مترجم از علم فقه و عدم توانایی در استنباط از آیات الاحکام؛

۳. عدم اطلاع مترجم از علوم تجربی؛ و نقش آن در تفسیر و ترجمه، که گاهی منتهی به لغزش هایی در ترجمه آیات می شود و آسیب هایی را در پی می آورد؛

۴. عدم تسلط مترجم بر زبان مبدأ؛ که بدنبال آن آسیب های زیر پدید می آید:

الف) آسیب های ادبی در اثر ضعف ادبیات عرب؛

ب) آسیب های واژه شناسی در اثر عدم اطلاع از ریشه و معانی لغات یا عدم مراجعه به کتب لغت؛

۵. عدم تسلط مترجم بر زبان مقصد؛ عدم آگاهی مترجم از ساختار دستوری زبان مقصد و معانی واژگان و کاربردهای آن ها موجب لغزش های متعدد می شود.

## یادآوری

توضیحات لازم در موارد فوق و مثال های متنوع آن در مبحث شرایط مفسر و مبحث ضوابط و قواعد ترجمه بیان شد؛ بدین جهت از تکرار آن ها خودداری می کنیم.

## دوم: آسیب های فنی ترجمه

ترجمه هر کتاب، ضوابط و قواعد خاصی دارد که در ترجمه قرآن نیز، لازم است رعایت شود از این رو در ترجمه قرآن، ضوابط و قواعد خاصی است که در مبحث مستقلی بیان گردید.

عدم توجه ضوابط و قواعد مزبور و رعایت نکردن آن ها، موجب می شود که مترجم قرآن، گرفتار آسیب ها و لغزش های زیر شود:

۱. آسیب های ویرایشی؛ لغزش های ویرایشی، گاهی موجب دشواری درک متن ترجمه می گردد و گاهی معنای آن را غلط می سازد.



مثال: [ ...نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ ي... ]؛ (۱)

فولادوند: «از آنچه در [لابلای] شکم آن هاست».

[ ...يَخْرُجُ مِنْ مِ بَطُونِهَا شَرَابٌ... ]؛ (۲)

فولادوند: «[آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که...».

که در این ترجمه در مورد واژه «بطون» از گروه به دو صورت مختلف استفاده شده است و یکجا «شکم» داخل گروه و یکجا خارج گروه قرار گرفته است که دو معنا را برای یک واژه نشان می دهد.

مثال دیگر: [ ...ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ... ]؛ (۳)

حلبی: «این [بدان سبب] است که ایشان گفتند: بر ما گناهی نیست [در ادا نکردن مال] غیر اهل کتاب و یا [اعراب بی کتاب]...».

در این ترجمه، معادل «باء» که به معنای سببیت است و نیز معادل «فی» بدون دلیل داخل گروه قرار گرفته و واژه های «ویا» به متن اضافه شده در حالی که در آیه موجود نیست.

مثال دیگر: [ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا... ]؛ (۴)

فولادوند: «در دل‌هایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود»؛

در این آیه «فزادهم» با «فاء» آمده که ارتباط کامل جمله بعد و قبل را نشان می دهد؛ ولی این ارتباط با «کاما ویر گول» قطع شده است؛ ولی «دل‌هایشان» که سه کلمه است به همدیگر وصل شده است.

۲. عدم هماهنگی درونی متن ترجمه؛ یکسان سازی معانی جمله ها و آیات مشابه، در ترجمه، کاری دشوار است از این رو برخی مترجمان از آن صرف نظر می کنند و

ص: ۳۳۱

۱- (۱) . نحل، ۶۶

۲- (۲) . نحل، ۶۹

۳- (۳) . آل عمران، ۷۵

۴- (۴) . بقره، ۱۰

ترجمه آن‌ها گرفتار عدم هماهنگی درونی می‌شود.

مثال: [ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ ]، در ترجمه ابوالقاسم پاینده (چاپ پنجم ۱۳۵۷ ش.) دو گونه ترجمه شده است:

«و کسانی که [وقت] نمازهای خویش را نگهداری کنند»؛ (مومنون / ۹)

«و کسانی که مواظب نمازشان باشند»؛ (معارج / ۳۴)

مثال دیگر: [ ...بِمَا قَدَّمْتُمْ أُبَدِّیْهِمْ... ]، در ترجمه مجتبی‌وی (چاپ اول ۱۳۷۱ ش.) دو گونه ترجمه شده است:

«به سبب آنچه کرده اند»؛ (بقره / ۹۵)

«به سبب آنچه دست‌هایشان پیش فرستاده است»؛ (جمعه / ۷)

مثال دیگر: [ ...فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ... ] در ترجمه فولادوند (چاپ اول، ۱۳۷۳ ش) سه گونه ترجمه شده است:

«پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت»؛ (آل عمران / ۱۱)

«پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد»؛ (انفال / ۵۲)

«خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفت»؛ (غافر / ۲۱)

مثال دیگر: [ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ ]، در ترجمه: آقای خرمشاهی (چاپ اول ۱۳۷۴ ش.) دو گونه ترجمه شده است:

«و کسانی که پاکدامنی می‌ورزند»؛ (مومنون / ۵)

«و کسانی که ناموسشان را حفظ می‌کنند»؛ (معارج / ۲۹)

۳. حذف و اضافه نابجا در ترجمه آیات؛ در مبحث ضوابط و قواعد ترجمه، دیدگاه‌های مختلف را در مورد حذف و اضافه حروف و کلمات در ترجمه بررسی کرده، و مثال‌هایی بیان نمودیم؛ ولی گاه حذف و اضافه‌ها هیچ توجیه قابل قبولی ندارند.

مثال: [لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ وَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ]؛ (۱)

فولادوند: «شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می سازند، می داند، و او گردنکشان را دوست نمی دارد».

در این ترجمه، عبارت «ان» معنا شده است و به جای آن، واژه «و» اضافه شده است؛ بدون آنکه داخل پرانتز یا گروه قرار گیرد؛ در حالی که بهتر بود از واژه «در حقیقت» و مانند آن به عنوان معادل «ان» استفاده می شد.

مثال دیگر: [...أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَ سَعَهُ فَتُهَاجِرُوا فِيهَا... ]؛ (۲)

مکارم: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!».

در این ترجمه، تعبیر «فیها» ترجمه شده است.

مثال دیگر: [وَأَضَلَّتْهُمْ وَ لَأَمَّنَّيْنَهُمْ وَ لَأَمْرَنَّهُمْ فَلَيَلْبَسُنَّ إِذْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ لَأَمْرَنَّهُمْ فَلَيَلْبَسُنَّ إِذْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ لَأَمْرَنَّهُمْ فَلَيَلْبَسُنَّ إِذْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ... ]؛ (۳)

مکارم: «و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند». (۴) در این ترجمه نیز، جمله «لامرئهم» دوم، ترجمه نشده است؛ البته گاهی اینگونه حذف ها توجیه می شود که با توجه به قرینه ما قبل و برای جلوگیری از تکرار حذف شده است؛ (۵) ولی به نظر می رسد که این توجیه برای حذف یک جمله قرآن در ترجمه کافی نیست.

۴. اشکالات ساختاری (صرفی، نحوی و دستوری)؛ عدم شناخت یا عدم توجه به

ص: ۳۳۳

۱- (۱). نحل، ۲۳

۲- (۲). نساء، ۹۷

۳- (۳). نساء، ۱۱۹

۴- (۴). القرآن الکریم با ترجمه حضرت آیةالله مکارم شیرازی، با تحقیق و بررسی هیئت علمی دارالقرآن الکریم، چاپ اول جیبی، ۱۳۷۸ ش.

۵- (۵). بینات، ش ۱۰، ص ۱۶۰، مقاله جوابیه ای از نقد ترجمه قرآن کریم حضرت آیةالله مکارم شیرازی، محمد ربانی.

نظام ساختاری و دستور زبان زبان مبدأ و مقصد، مثلاً نحو و صرف یا دستور زبان فارسی، موجب خواهد شد که ترجمه گرفتار لغزش‌های متعددی گردد که در مبحث آسیب‌های علمی به عنوان یک نقطه ضعف علمی برای مترجم بیان شد و در مبحث ضوابط و قواعد ترجمه گذشت و اینک چند مثال دیگر اضافه می‌کنیم:

مثال: [ ...وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ... ]؛ (۱)

آیتی: «هر چند که این امر جز بر هدایت یافتگان دشوار می‌نمود»؛

امامی، الاهی قمشه ای: «هر چند که این کار جز...».

در این آیه، واژه «ان» مخففه از مثقله «ان» است به دلیل آنکه «لام» در «لکبیره» مفتوح است؛ برای معنای آن «حتماً و مسلماً» و مانند آن‌ها مناسب است پس «ان» وصلیه یا شرطیه نیست تا معنای آن «هر چند» باشد.

مثال دیگر: [ ...وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ]؛ (۲)

خرمشاهی: «و با تو درباره دوزخیان چون و چرا نکنند».

فعل «تسئل» مجهول است، اما در ترجمه اول، معلوم معنا شده است (۳) و بهتر بود اینگونه ترجمه می‌شد: «و درباره اهل دوزخ، از تو پرسشی نخواهد شد».

مثالی دیگر: [ ...وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا ... ]؛ (۴)

الاهی قمشه ای: «و از آب هر چیز را زنده گردانیدیم».

فعل «جعل» گاهی دو مفعولی به معنای «گردانیدن» است و گاهی یک مفعولی به معنای «آفریدن و پدید آوردن» است و در جمله فوق، یک مفعولی است چون «حیاً»

ص: ۳۳۴

۱- (۱). بقره، ۱۴۳

۲- (۲). بقره، ۱۱۹

۳- (۳). البته برخی ادیبان برآنند که یکی از راه‌های مجهول کردن فعل در فارسی، آن است که به صورت جمع آید؛ ولی این مبنا قابل تأمل است؛ چرا که اگر اسناد فعل به کسی داده شود، چه جمع و به صورت ضمیر یا آشکار، در هر صورت فعل مجهول نشده است.

۴- (۴). انبیاء، ۳۰

نیامده است؛ در حالی که مترجم، گمان کرده که دو مفعولی است؛ بنابراین، ترجمه صحیح آیه، اینگونه می شود:

«و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم»؛ (آیتی، خواجوی، مجتبی)

مثال دیگر: [يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ]؛ (۱)

خرمشاهی: «وهان ای نفس مطمئنه»؛

[...امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ...]; (احزاب / ۵۰)

الاهی قمشه ای: «زن مومنه ای».

در این ترجمه ها، «صفت»، مونث آورده شده است، در حالی که در فارسی، مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تأنیث لازم نیست.

مثال دیگر: [فَأْتَتْ بِهِيَ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ وَ قَالُوا يَمْرِيْمٌ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا]؛ (۲)

الاهی قمشه ای: «آنگاه قوم مریم که به جانب او آمدند که از این مکان همراه ببرند، گفتند...»؛

مترجم گمان برده است که «قوم» فاعل «ات» است در حالی که «مفعول» است و فاعل آن ضمیر «مریم» است که در فعل مستقر است؛ یعنی: ترجمه صحیح جمله اینگونه می شود: و «مریم» در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! به یقین چیز شگفت (و زشت) آورده ای! (ترجمه جمعی).

مثال دیگر: [...وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ...]; (۳)

الاهی قمشه ای: «تو خود بر آن مردم گواه و ناظر اعمال آنان بودی، مادامی که من در میان آنان بودم».

مترجم گمان کرده است که ضمیر «كنت» خطاب است، در حالی که ضمیر متکلم است.

ص: ۳۳۵

۱- (۱). فجر، ۲۷

۲- (۲). مریم، ۲۷

۳- (۳). مائده، ۱۱۷

## سوم: آسیب‌های روش شناختی و سبک شناختی ترجمه

در مبحث روش‌ها و سبک‌های ترجمه بیان شد که ترجمه قرآن، دارای سه روش «تحت اللفظی»، «هسته به هسته» و «آزاد» (تفسیری) است و نیز دارای سبک‌های مختلفی بر اساس هدف مترجم، مخاطبین، زبان ترجمه، گرایش و هنر مترجم است که هر کدام امتیازات و آسیب‌های خاص خود را دارد.

از آنجا که این روش‌ها و سبک‌ها و همچنین آسیب‌های آن‌ها همراه با مثال‌های متعددی در همان مبحث بیان شد، از ذکر مجدد آن اجتناب می‌کنیم.

## چهارم: آسیب‌های مبانی ترجمه

در مبحث مبانی ترجمه قرآن بیان شد که ترجمه قرآن دارای مبانی زیر است:

۱. مبانی وجودی (امکان ترجمه)؛

۲. مبانی فقهی؛

۳. مبانی تفسیری؛

۴. مبانی کلامی؛

۵. مبانی ادبی؛

۶. مبانی قرآنی؛

۷. مبانی زبانشناختی؛

۸. مبانی روش شناختی.

عدم توجه به مبانی صحیح ترجمه قرآن، موجب لغزش در ترجمه می‌شود و آسیب‌های جدی ترجمه را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

در مبحث مبانی ترجمه، ذیل هر بحث به آسیب‌های خاص آن مبنا و مثال‌های آن اشاره شد.

## اشاره

همانطور که در مباحث شرایط مترجم بیان شد: رعایت آداب و اخلاق و طهارت روحی از شرایط کمال ترجمه است، ولی گاهی فقدان این شرایط، مترجم را گرفتار لغزش هایی می کند که به رویکرد علمی و اعتبار ترجمه ضربه وارد نموده و به ترجمه قرآن آسیب می زند؛ در این بخش برخی از این آسیب ها را مورد بررسی قرار می دهیم:

### ۱. تعصب های قومی و مذهبی و کلامی

بهترین راه دفاع از حق، بیان حقیقت است؛ اما گاهی افراد بر عقیده خویش (که گمان می کنند حق است) پافشاری زیادی نموده و کم کم گرفتار تعصب می شوند و به دنبال آن حقایق موجود را انکار کرده یا مطالب غیر ثابت را به عنوان دلایل قطعی مطرح می کنند و ممکن است پا را از این فراتر گذارده، و به مغالطه دست یابند.

اینگونه شیوه ها پیرامون طرح مباحث در تفسیر و ترجمه، نه تنها مفید نیست، بلکه آسیبی جدی به شمار می آید که موجب لغزش در ترجمه و بی اعتبار شدن آن خواهد شد.

در این مورد، ذیل مباحث شرایط مترجم و نیز مبانی ترجمه (مبانی کلامی و مذهبی) مطالب و مثال هایی بیان شد؛ نمونه دیگر آن را در ترجمه آندره شورقی یهودی می توان دید که آن بخش از آیات قرآن را که در آن یهودیان مورد سرزنش قرار می گیرند را از ترجمه فرانسوی خود از قرآن، حذف کرده است که نوعی اقدام تعصب آمیز مذهبی و خیانت در امانت بشمار می آید. (۱)

### ۲. تقلید

برخی از مترجمان به جای دقت و بررسی در تفسیر و ترجمه، به تقلید روی می آورند و همان مطالب گذشتگان را بدون کم و زیاد (در محتوا) نقل می کنند و تنها گاهی به

ص: ۳۳۷

---

۱- (۱). به مبحث آسیب های ترجمه های مستشرقان مراجعه فرمایید.

ویرایش لفظی یا تغییر اندک در الفاظ اکتفا می کنند.

در حالی که همانطور که گذشت، ترجمه نوعی تفسیر است و همانگونه که در تفسیر تقلید جایز نیست (۱) در ترجمه نیز جایز نیست؛ چون تقلید در تفسیر و ترجمه، سخن گفتن و نسبت دادن مطالب، بدون علم به خداست و این نوعی افترا و کذب است که مسلماً حرام است.

مثال: در ترجمه لاتینی ماراچی اشتباهاتی صورت گرفته است که «سیل» و «رادول» از او تقلید کرده اند و همان لغزش ها را تکرار کرده اند و نیز آقای «رادول» به تقلید از «تفسیر طبری»، ماجرای «غرانیق» را وارد ترجمه قرآن کرده است. (۲)

### ششم: آسیب های ترجمه های مستشرقان

#### اشاره

خاورشناسان، ترجمه های متعددی از قرآن به زبان های اروپایی و آفریقایی و حتی هندی ارائه داده اند که نام و معرفی آن ها در مبحث تاریخچه ترجمه گذشت؛ اما خاورشناسان همگی با یک هدف و انگیزه به ترجمه قرآن پرداخته اند، بلکه:

الف) برخی خاورشناسان مغرض به دنبال ابطال قرآن کریم بوده و از این رو ترجمه هایی غیر معتبر و افترا آمیز نوشته اند که در اینجا به چند نمونه اشاره می کنیم.

ترجمه انگلیسی سیل (۳) که در سال ۱۷۳۴م. از قرآن منتشر شد، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است و برخی از مترجمان (۴) مسلمان که خود، قرآن را به زبان انگلیسی

ص: ۳۳۸

---

۱- (۱). التفسیر، هو ایضاح مراد الله - تعالی - من کتابه العزیز، فلا يجوز الاعتماد فيه على الظنون والاستحسان ولا على شيء لم يثبت أنه حجة من طريق العقل او من طريق الشرع؛ للنهی عن اتباع الظن و حرمة اسناد شیئ الی الله، بغیر اذنه (البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الموسوی الخویی، ص ۳۹۷).

۲- (۲). به مبحث آسیب های ترجمه های مستشرقان مراجعه فرمایید.

۳- (۳) ۱. Sale.

۴- (۴). اچ. جی. سرور (rawraS.G.H) مسلمان هندی که قرآن را در سال ۱۹۳۰م. به انگلیسی ترجمه کرد و در مقدمه ترجمه خویش به «سیل» به شدت انتقاد کرده است.



ترجمه کرده اند، وی را شیاد و دروغگو خوانده اند؛ چرا که وی کلمات معینی را با قصد تحریف معنا به ترجمه افزوده است؛ آنان سیل را متهم می کنند که به عمد مرتکب اشتباه شده و معنای غلط آیه را انتخاب کرده تا باعث خلط معنا شود و با اینکه عربی می دانسته است، بدترین معادل ها را ارائه کرده است. (۱) مثال: [ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ]؛

« In the name of the most merciful God ( . . . ) لیس ( . ) .

در این ترجمه، بخشی از آیه، یعنی: «رحمان» یا «رحیم»، ترجمه نکرده است و این اشکال، صدو چهارده بار تکرار شده است. همین آیه را «سرور» اینگونه ترجمه کرده است:.

« We Commence ) With the name of God, the most merciful (to beginwith) the most) (merciful (to the end .. )

مثال دیگر: ماراچی (۲) در سال ۱۶۹۸م. ترجمه ای کامل از قرآن تحت عنوان:

« inarocla oitatuferR » به زبان لاتین منتشر ساخت که پانوشت ذیل آیه ۵۲ سوره «حج» با توجه به آیه ۲۰ سوره «نجم» داستان جعلی «غرائق» را از تفسیر «جلالین» و «طبری» نقل کرده است که شیطان این سخنان را بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جاری ساخت؛ اما اندکی [یا چندی] بعد منکر آن سخنان گردید و کلمات و عبارات دیگری را جایگزین آن ها ساخت، این عبارت چنین بود:

«افرأیتم الات و العزّی و مناه الثالثه الاخری، تلک الغرائق العلی و انّ شفاعتّهن لترتجی»

سپس «سیل» تحت تأثیر ترجمه «ماراچی» قرار گرفت و بعد رادول (۳) تا حدودی از

ص: ۳۳۹

---

۱- (۱) . ترجمان وحی، ش ۱۰، ص ۶۵، مقاله «آیا ترجمه قرآن جرج سیل قابل اعتماد است؟ نوشته دیبلو. جی. شلایر، ترجمه: عباس امام، علی وجبھی».

۲- (۲) . ۱. Marracci.

۳- (۳) . ۲. Rodwell: م ۱۶۸۱، سیلگن ان ایزه بن آرق م جرتم .

ترجمه سیل تأثیر پذیرفت و آقای سرور هر دو را به شدت مورد انتقاد قرار داد و حتی مطلب را جعلی خواند.

آیه [ وَ مِآ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ وَ لَمَّا نَبِيٌّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ ... ]؛ (۱) را سیل اینگونه ترجمه کرده است:..

We have sent no apostle or prophet, before thee, but, when he read, satan « ..» suggested some error in his reading

در این ترجمه، واژه های « daer » و « gnidaer » به معنای خواندن و قرائت به کار رفته اند در حالی که در آیه فوق، واژه «تمنی» و «أمنیه» وجود دارد.

سیل در این ترجمه از ماراچی تبعیت کرده است؛ ولی سرور از واژه « sih sgnignol » (تمنای وی) استفاده کرده است.

و جالب آن است که «رادول» بخشی از داستان جعلی «غرانیق» را همراه با آیات سوره «نجم» ترجمه کرده است که چنین است:..

Do you see Al – Lat an Al – ozza, and Manat the thired idol besides? These are exalted « (۲) females, and verily their intercessiom is to be hoped for

وی ادعا می کند که بعداً جمله اخیر بعد از علامت سؤال ( sediseb : الاخری) حذف شد و به جای آن این عبارت افزوده شد: [ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنثَىٰ أ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ]؛ (۳).

What? shall ye have mal progeny and God female? This were indeed anunfair « (۴) Partition

ص: ۳۴۰

۱- (۱) . حج، ۵۲

۲- (۲) . این بخش، ترجمه آیات ۱۹ و ۲۰ / نجم، همراه با آیات شیطانی غرانیق است که در بالا از تفسیر الطبری نقل شد.

۳- (۳) . نجم، ۲۱ - ۲۲

۴- (۴) . ترجمان وحی، همان، ص ۸۱ - ۸۲

داستان «غرانیق» افسانه ای جعلی است که طبری در تفسیر خود آورده است (۱) و دیگران از او نقل کرده اند، سند این روایت از نظر علم «رجال» ضعیف است و مخالف عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و مفسران و علمای اسلام در طول تاریخ آن را تکذیب کرده اند؛ (۲) بنابراین نقل داستانی جعلی در یک تفسیر روایی نمی تواند مبنای یک ترجمه قرار گیرد و مترجمی به خود جرأت دهد که آن را در متن ترجمه درج کند.

مثال دیگر: آندره شورقی (شورکی) یهودی بلند آوازه و متخصص در ترجمه کتاب های مذهبی در سال ۱۹۹۱م. ترجمه ای از قرآن به زبان فرانسه منتشر کرد.

ایشان در ترجمه خویش، برخی از جملات که حاوی سرزنش قوم یهود است را حذف کرده است از جمله:

[ وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي بِرَبٍّ لَّكُم مَّا تَدْعُونَ بِلِلِّمَاتِكُنَّ لَكُم مَّا كَانَتْ لِلرِّجَالِ وَلَٰكِنَّمَا كُنَّ تِلْكَ أَعْيُنُكُمْ حَاكِمَاتِكُمْ وَالرِّجَالُ وَهُمْ كَالْعِجَلِ مُتَّخِذِي الْعُرْشِ مُتَّبِعِينَ أَفَتَأْتُونَ إِلَٰهًا بِآيَاتٍ لَّكُم مَّا كَانَتْ لِلرِّجَالِ وَلَٰكِنَّمَا كُنَّ تِلْكَ أَعْيُنُكُمْ حَاكِمَاتِكُمْ وَالرِّجَالُ وَهُمْ كَالْعِجَلِ مُتَّخِذِي الْعُرْشِ مُتَّبِعِينَ أَفَتَأْتُونَ إِلَٰهًا بِآيَاتٍ لَّكُم مَّا كَانَتْ لِلرِّجَالِ وَلَٰكِنَّمَا كُنَّ تِلْكَ أَعْيُنُكُمْ حَاكِمَاتِكُمْ وَالرِّجَالُ وَهُمْ كَالْعِجَلِ مُتَّخِذِي الْعُرْشِ مُتَّبِعِينَ أَفَتَأْتُونَ إِلَٰهًا بِآيَاتٍ لَّكُم مَّا كَانَتْ لِلرِّجَالِ وَلَٰكِنَّمَا كُنَّ تِلْكَ أَعْيُنُكُمْ حَاكِمَاتِكُمْ وَالرِّجَالُ وَهُمْ كَالْعِجَلِ مُتَّخِذِي الْعُرْشِ مُتَّبِعِينَ ] (۳).

Quand Mussa dit a son Peuple: O mon Peuple Vous Vous Lisez enprenant Le Veau: « .. "retournez a Votre Createur

در این ترجمه، تقریباً دو سوم از متن آیه، از کلمه «توبوا» به بعد ترجمه نشده است (۴) که این نوع ترجمه از متخصصی همچون آندره شورقی، نوعی خیانت آگاهانه

ص: ۳۴۱

۱- (۱). جامع البيان، ج ۱، ص ۱۱۹۵.

۲- (۲). نک: فتح الباری، ج ۸، ص ۳۳۳، تفسیر کبیر فخررازی، ج ۲۳، ص ۵۰، تاریخ قرآن، محمدهادی معرفت، ص ۲۳-۲۴.

۳- (۳). بقره، ۵۴

۴- (۴). ترجمان وحی، ش ۶، ص ۱۲ - ۱۵، مقاله ترجمه ای یهودی وار از قرآن مجید به زبان فرانسه، دکتر جواد حدیدی.

و براساس تعصبات مذهبی به شمار می آید.

ب) برخی از خاورشناسان آگاه و حق طلب، در مطالعه قرآن به دنبال حقایق بوده اند و حتی بعضی از آنان مسلمان شده اند.

این دسته ممکن است لغزش هایی داشته باشند؛ اما لغزش های آنان، همچون مترجمان مسلمان غیرخاورشناس طبیعی است.

به عنوان مثال: آندره دوری یر (۱) در سال ۱۶۷۴م. قرآن را به طور مستقیم از زبان عربی به فرانسه ترجمه کرد؛ وی در مقدمه کتاب، بدون تعصب، به شرح عقاید مسلمانان پرداخته و می نویسد:

«ترکان (۲) [مسلمانان] به خدای یگانه که خالق زمین و آسمان است، روز رستاخیز به نیکوکاران پاداش می دهد و تبهکاران را به کیفر می رساند، معتقد هستند؛ محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ و عیسی، موسی و ابراهیم علیه السلام را پیامبرانی بزرگ می دانند؛ در روز پنج نوبت نماز می گزارند...».

ایشان در این ترجمه خویش از قرآن، دچار لغزش هایی نیز شده است از جمله:

در نامگذاری سوره ها، سوره «ماعون» را به پیروی از آیه [ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِنِّ ] سوره «دین» (۳) و سوره «همزه» را تویهاً سوره «شکنجه» (۴) نامیده است. (۵) مثال دیگر: ترجمه قرآن کلوداتی ین سارواری در سال ۱۷۸۳م. است که به زبان فرانسوی منتشر شد.

او در مواردی متعدد به لغزش های ترجمه «ماراچی» اشاره می کند و اشکالات او

ص: ۳۴۲

۱- (۱) Andre du Ryer.

۲- (۲) . فرانسویان قرون وسطی، همه مسلمانان را «عرب» می نامیدند، سپس از سال ۱۴۵۳ م. که ترکان عثمانی قسطنطنیه را فتح و امپراطوری بزرگی تأسیس کردند، اعراب جای خود را به «ترکان» دادند؛ تنها از اواخر قرن هیجدهم به بعد بود که فرانسویان، رفته رفته، اقوام و ملیت های مختلف اسلامی را از هم باز شناختند. (ترجمان وحی، ش ۱، ص ۴۱، مقاله نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسوی، دکتر جواد حدیدی)

۳- (۳) Lalog: دین، قانون شرع در متون کهن.

۴- (۴) .Persecution.

۵- (۵) . ترجمان وحی، همان، ص ۴۵

را در ترجمه بر ملا- می سازد؛ (۱) ولی در عین حال، گاهی خود گرفتار لغزش می شود، از جمله در مورد سوره «المسد» می نویسد:

[ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ أَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ ]؛ (۲).

۱. « La Puissance d' Abu – lahab s'est evanouie. Il a Peri lui – meme »

۲. « A quoi lui ont servi ses immenses richesses ? » ..

۱. قدرت «ابولهب» به سستی گرایید و او نابود شد؛

۲. ثروت بی پایانش او را به چه کار آمد؟

در این ترجمه، فعل ماضی «تبت» که در مقام نفرین است به صورت ماضی ساده اخباری ترجمه شده است و «ما»ی نافی را در آیه دوم «ما»ی استفهامیه ترجمه کرده است. (۳)

ص: ۳۴۳

---

۱- (۱). ترجمه ساراوی، ص ۲۴۶ زیرنویس ۱ و ص ۲۷۹ زیرنویس ۱ و ص ۴۹۰ زیرنویس ۲.

۲- (۲). مسد، ۱ - ۲

۳- (۳). ترجمان وحی، ش ۷، ص ۳۰، مقاله: دومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه، دکتر جواد حدیدی.

صفحة سفيد، ٣٤٤

ص: ٣٤٤

الف) آسیب های موجود در ترجمه های زیر، مربوط به آیات سوره حمد را بررسی کنید:

۱. [ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ]؛ (۱)

مجتبوی: «به نام خدای بخشاینده مهربان»؛

مکارم: «به نام خداوند بخشنده بخشایگر»؛

فولادوند: «به نام خداوند رحمتگر مهربان»؛

خرمشاهی: «به نام خداوند بخشنده مهربان»؛

معزی: «بنام خداوند بخشنده مهربان»؛

آیتی: «به نام خدای بخشاینده مهربان»؛

فیض الاسلام: «(ابتداء و آغاز می کنم) بنام خدایی که بی اندازه بخشاینده بسیار مهربان است»؛

الاهی قمشه ای: «بنام خداوند بخشنده مهربان»؛

محدث دهلوی: «بنام خدایی بخشاینده مهربان»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «به نام خدای گسترده مهر مهرورز»؛

۲. [ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ]؛ (۲)

ص: ۳۴۵

---

۱- (۱). فاتحه، ۱

۲- (۲). فاتحه، ۲

مجتبوی: «سپاس و ستایش خدایی راست، پروردگار جهانیان»؛

مکارم: «ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است»؛

فولادوند: «ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان»؛

خرمشاهی: «سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است»؛

معزی: «سپاس خدایی را پروردگار جهانیان»؛

آیتی: «ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است»؛

فیض الاسلام: «(پس از آغاز به نام حقتعالی و بیان فضل و رحمت او، طریق حمد و سپاس را به بندگان چنین دستور داده که بگویند: هر حمد و سپاس نیکو، مختص خدایی است که (دارای جمیع صفات کمالیه بوده و منزّه و مبری از همه عیوب و نقایص است، و برای اشاره به علت اختصاص حمد به خود، خویشتن را وصف فرموده باینکه او) پروردگار هر صنفی از آفریده شدگان است»؛

الاهی قمشه ای: «ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است (آفریننده جهان ها است)»؛

محدث دهلوی: «ستایش خدایی است، پروردگار عالمها»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است»؛

۳. [ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ]؛ (۱)

مجتبوی: «آن بخشاینده مهربان»؛

مکارم: «خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته)»؛

فولادوند: «رحمت گر مهربان»؛

ص: ۳۴۶



خرمشاهی: «آن بخشنده مهربان»؛

معزی: «بخشاینده مهربان»؛

آیتی: «آن بخشاینده مهربان»؛

فیض الاسلام: «(و برای اینکه دانسته شود که تربیت و پرورش او «جل شانه» از روی اراده و اختیار و حکمت است یادآوری نموده باینکه او) بی اندازه بخشاینده و بسیار مهربان می باشد»؛

الاهی قمشه ای: «خدایی که بخشنده و مهربانست»؛

محدث دهلوی: «بخشاینده مهربان»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «(همان خدایی) که گسترده مهر مهرورز است»؛

۴. [ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ]؛ (۱)

مجتبوی: «خداوند و فرمانروای روز پاداش»؛

مکارم: «(خداوندی که) مالک روز جزاست»؛

فولادوند: «(و) خداوند روز جزاست»؛

خرمشاهی: «خداوند روز جزا»؛

معزی: «که فرمانروای روز رستاخیز است»؛

آیتی: «آن فرمانروای روز جزا»؛

فیض الاسلام: «(و برای ترک کفران و ناسپاسی بندگان را از سطوت و توانایی خود آگاه ساخته به اینکه او) مالک و دارای روز جزا (ی گفتار و کردار نیک و زشت) است»؛

الاهی قمشه ای: «پادشاه روز جزا است، روز کیفر نیک و بد خلق»؛

محدث دهلوی: «خداوند روز جزا»؛



رضایی اصفهانی و همکاران: «خداوند روز جزاست»؛

۵. [ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ]؛ (۱)

مجتبوی: «تو را می پرستیم و بس و از تو یاری می خواهیم و بس»؛

مکارم: «(پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوئیم»؛

فولادوند: «(بار الها!) تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوئیم»؛

خرمشاهی: «(خداوندا!) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم»؛

معزی: «خدایا! تو را پرستش کنیم و از تو یاری خواهیم»؛

آیتی: «تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم»؛

فیض الاسلام: «(پس چگونگی اعتراف به عبادت و بندگی را ببندگان آموخته که روی دل به سوی او آورند و بگویند: ای دارای صفات نامبرده) بس ترا می پرستیم (چون غیر تو شایسته پرستش نیست، و کسی را شریک تو قرار نداده) و (در عبادت، بندگی و خواسته های خود) بس از تو یاری می خواهیم»؛

الاهی قمشه ای: «پروردگارا! تنها ترا می پرستیم و از تو یاری می جوئیم و بس»؛

محدث دهلوی: «تو را می پرستیم و از تو مدد می طلبیم»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «(خدایا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم»؛

۶. [ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ]؛ (۲)

مجتبوی: «ما را به راه راست راه بنمای»؛

مکارم: «ما را به راه راست هدایت کن»؛

فولادوند: «ما را به راه راست هدایت فرما»؛

خرمشاهی: «ما را به راه راست استوار بدار»؛

١- (١) . فاتحه، ٥

٢- (٢) . فاتحه، ٦

معزی: «ما را به راه راست هدایت فرما»؛

آیتی: «ما را به راه راست هدایت کن»؛

فیض الاسلام: «(و چون بهترین یاری ها راهنمایی به عبادت و بندگی است، دستور داد که بگویند: ما را به راه راست راهنمایی فرما (که به رضا و خوشنودی تو کشد و از هوا و خواهش نفس دور گرداند)»؛

الاهی قمشه ای: «تو ما را به راه راست هدایت فرما»؛

محدث دهلوی: «بنما ما را راه راست»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «ما را به راه راست راهنمایی فرما»؛

۷. [ صِرَ طَ الَّذِیْنَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَالضَّالِّیْنَ ]؛ (۱)

مجتبوی: «راه کسانی که به آنان نعمت دادی - نیکویی کردی - نه راه خشم گرفتگان بر آن ها و نه راه گمراهان»؛

مکارم: «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای، و نه گمراهان»؛

فولادوند: «راه آنان که گرامی شان داشته ای، نه (راه) مغضوبان، و نه (راه) گمراهان»؛

خرمشاهی: «راه کسانی که آنان نواخته ای، نه آنان که از نظر انداخته ای، و نه گمراهان»؛

معزی: «راه آنانکه برایشان روزی فرستادی نه راه غضب شدگان و نه راه گمراهان»؛

آیتی: «راه کسانی که ایشان را نعمت داده ای، نه خشم گرفتگان بر آن ها و نه گمراهان»؛

فیض الاسلام: «(و آن راه راست) راه کسانی (انبیا، اوصیا، شهدا، مؤمنین و نیکوکاران است) که نعمت (معرفت به خدا و یقین بمعاد و توفیق عبادت و دوری از معصیت را) بانها دادی، آن ها کسانی (مانند یهود) نیستند که مورد غضب و خشم (دوری از رحمت تو) واقع شدند و نه کسانی (مانند نصاری) که گمراهانند»؛

ص: ۳۴۹

الاهی قمشه ای: «راه آنان که بآنها انعام فرمودی (مانند انبیا و اولیا) نه راه کسانی که بر آن ها خشم فرمودی (مانند جهود) و نه گمراهان عالم (چون اغلب نصاری)»؛

محدث دهلوی: «راه آنانکه اکرام کرده بر ایشان به جز آنانکه خشم گرفته شد بر آن ها و به جز گمراهان»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «راه کسانی که به آنان نعمت دادی، (همان کسانی که) بر آنان خشم نشده است و [از] گمراهان نیستند»؛

ب) آسیب های موجود در ترجمه های زیر، مربوط به آیات سوره بقره را بررسی کنید:

۱. [الم]؛

مجتبوی: «الف، لام، میم»؛

مکارم: «الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده)»؛

فولادوند: «الف، لام، میم»؛

خرمشاهی: «الم (الف، لام، میم)»؛

آیتی: «الف. لام. میم»؛

فیض الاسلام: «رازی است میان خدای تعالی و پیغمبر اکرم (که بنا بر مصلحتی آشکار نگشته)»؛

الاهی قمشه ای: «الم (از رموز قرآنست)»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «الف، لام، میم»؛

۲. [ذَلِكَ الْكِتَابُ لَازِيْبٍ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ]؛ (۱)

مجتبوی: «این کتاب، هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است»؛

مکارم: «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزگاران است»؛

ص: ۳۵۰

فولادوند: «این است کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست، (و) مایه هدایت تقوا پیشگان است»؛

خرمشاهی: «این کتابی است که شک در آن روا نیست (که) راهنمای پرهیزگاران است»؛

معزی: «این نامه که تردیدی در آن نیست راهنمای پرهیزگاران است»؛

آیتی: «این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست؛ پرهیزگاران را راهنماست»؛

فیض الاسلام: «(چون حق تعالی در سوره فاتحه دستور داد که بندگانش از او هدایت به صراط مستقیم را درخواست نمایند، در اینجا مژده به روا شدن آن درخواست را داده به اینکه) آن کتاب (قرآن کریم که به پیغمبران پیش خبر داده شده که بر تو می فرستم و آنان به امت ها و پیروان خود خبر دادند) شک و شبهه ای در آن نیست (چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و) برای پرهیزکاران راهنما (ی راه راست و پرهیز از گمراهی) است»؛

الاهی قمشه ای: «این کتاب، بی هیچ شک، راهنمای پرهیزگارانست»؛

محدث دهلوی: «این کتاب، هیچ شبهه نیست در آن، رهنماست پرهیزگاران را»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است»؛

۳. [ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُوْنَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنٰ

هُم يُنْفِقُوْنَ ]؛ (۱)

مجتبوی: «آنان که به غیب - نهان و ناپیدا ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند»؛

ص: ۳۵۱

مکارم: «پرهیزگاران) کسانی هستند که به رغبت (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند، و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند»؛

فولادوند: «آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند»؛

خرمشاهی: «همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم، انفاق می کنند»؛

معزی: «که به نادیده ایمان آورده اند و بر پای دارند نماز را و از آنچه بدانان داده ایم ببخشند»؛

آیتی: «آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز می گذارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند»؛

فیض الاسلام: «پرهیزکاران آنانند که به نادیده (: خدای تعالی، پیغمبران، امام زمان (عج)، فرشتگان، روز قیامت، بهشت، دوزخ و مانند آن ها که به دلایل شناخته می شود نه به مشاهده) می گروند و نماز بر پا می دارند (با آداب و شرایط به جا می آورند) و از آنچه به آن ها روزی داده ایم (دارایی، توانایی، جاه، دانایی و مانند آن ها) می بخشند (مثلا: از مال، درویشان را بی نیاز ساخته، از قوه، ناتوانان را یاری کرده، از جاه، گرفتاران را رهایی داده و از علم، نادانان را دانا می گردانند)»؛

الاهی قمشه ای: «آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز بپا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند»؛

محدث دهلوی: «آنانکه ایمان می آرند به نادیده و بر پا می دارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «(همان) کسانی که به (آنچه از حس) پوشیده، ایمان



می آورند و نماز را به پا می دارند، و از آنچه که روزی آنان کرده ایم (در راه خدا) مصرف می کنند»؛

۴. [ وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ]؛ (۱)

مجتبوی: «و آنان که به آنچه به تو و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده ایمان می آورند و به جهان واپسین بی گمان، باور دارند»؛

مکارم: «و آنان که به آنچه بر تو نازل، آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند، و به رستاخیز یقین دارند»؛

فولادوند: «و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می آورند، و آنانند که به آخرت یقین دارند»؛

خرمشاهی: «و کسانی که به آنچه بر تو نازل شده است و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان دارند و هم آنان به آخرت ایقان دارند»؛

معزی: «و آن کسانی که ایمان آورده اند بدانچه بر تو و پیش از تو نازل شده است و به آخرت یقین دارند»؛

آیتی: «و آنان که به آنچه بر تو و بر پیامبران پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند»؛

فیض الاسلام: «و آنانند که به آنچه (قرآن و شریعت و احکامی که) به تو رسیده و به آنچه (صحف ابراهیم، تورات، زبور و انجیل که) پیش از تو (پیغمبران علیهم السلام) فرستاده شده، ایمان داشته و آن ها، به روز رستاخیز یقین و باور دارند»؛

الاهی قمشه ای: «و آنان که ایمان آرند به آنچه خدای به تو و بر پیغمبران پیش از تو فرستاد و آن ها خود به عالم آخرت یقین کامل دارند»؛

محدث دهلوی: «و آنانکه ایمان می آرند به آنچه فرود آورده شده، به سوی تو و

ص: ۳۵۳

آنچه فرود آورده شده پیش از تو و به آخرت، ایشان یقین دارند»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده و آنچه پیش از تو [بر پیامبران] فرو فرستاده شده، ایمان می آورند و آنان به آخرت یقین دارند»؛

۵. [ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ]؛ (۱)

مجتبوی: «ایشان بر رهنمونی (به راه راست) از پروردگار خویشند، و آنانند رستگاران»؛

مکارم: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند»؛

فولادوند: «آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند، و آنان همان رستگارانند»؛

خرمشاهی: «ایشان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینانند که رستگارانند»؛

معزی: «آنان بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران»؛

آیتی: «ایشان از سوی پروردگارشان قرین هدایتند، و خود رستگارانند»؛

فیض الاسلام: «آنان (که به این صفات آراسته اند) از جانب پروردگارشان (که نعمت عقل را بآنها بخشیده و برای راهنماییشان پیغمبران و کتاب ها فرستاده) هدایت یافته و آنان رستگارانند (از عذاب رهایی یافته و به پاداش کردار خود می رسند)»؛

الاهی قمشه ای: «آنان از لطف پروردگار خویش به راه راستند و آن ها به حقیقت رستگاران عالمند»؛

محدث دهلوی: «ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و ایشانند رستگان»؛

ص: ۳۵۴

رضائی اصفهانی و همکاران: «آنان از راهنمایی پروردگار خویش برخوردارند و تنها آنان رستگارند»؛

۶. [إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ]؛ (۱)

مجتبوی: «کسانی که کافر شدند، بر ایشان یکسان است که بیم دهیشان یا بیم ندهی، ایمان نمی آورند»؛

مکارم: «کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الاهی) بترسانی یا نترسانی، ایمان نخواهند آورد»؛

فولادوند: «در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند - چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - بر ایشان یکسان است، (آن ها) نخواهند گروید»؛

خرمشاهی: «برای کافران یکسان است، چه هشدارشان بدهی، چه هشدارشان ندهی ایمان نمی آورند»؛

معزی: «همانا گروه کفار، یکسان است بر ایشان بترسانیشان یا نترسانیشان، ایمان نیاورند»؛

آیتی: «کافران را خواه بترسانی یا نترسانی تفاوتشان نکند، ایمان نمی آورند»؛

فیض الاسلام: «(پس از بیان اوصاف پرهیزکاران به شرح حال کفار و آنانکه نگرویدند پرداخته، می فرماید) کسانی که کافر شدند یکسان است برایشان که آنان را (از کیفر الاهی) بترسانی یا نترسانی (در هر حال) ایمان نمی آورند (زیرا از راه راست بیرون رفته، از حق چشم پوشیده اند، و روشنایی و تاریکی و سود و زیان را از هم تمییز نمی دهند)»؛

الاهی قمشه ای: «(ای رسول ما) کافران را یکسانست بترسانی از عذاب خدا یا نترسانی، ایمان نخواهند آورد»؛

ص: ۳۵۵

محدث دهلوی: «هر آینه آنانکه کافر شدند، برابر است بر ایشان که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را، ایمان نیارند»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان یکسان است که هشدارشان بدهی یا هشدارشان ندهی، ایمان نمی آورند»؛

۷. [ خَتِمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ]؛ (۱) مجتبیوی: «خداوند دل‌هایت و گوش‌هایت مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده ای است و آن‌ها را عذابی است بزرگ»؛

مکارم: «خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده ای افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آن‌هاست»؛

فولادوند: «خداوند بر دل‌های آنان، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده، و بر دیدگان‌شان پرده است، و آنان را عذابی دردناک است»؛

خرم‌شاهی: «خداوند بر دل‌ها و گوش‌هایشان مهر نهاده است و بر دیدگان‌شان پرده ای است و آنان عذابی بزرگ (در پیش) دارند»؛

معزی: «مهر نهاد خدا بر دل‌هایشان و بر گوش ایشان و بر دیدگان ایشان است پرده ای و برای ایشان است شکنجه بزرگ»؛

آیتی: «خدا بر دل‌هایشان و بر گوش‌هایشان مهر نهاده و بر روی چشمان‌شان پرده ای است و برایشان عذابی است بزرگ»؛

فیض الاسلام: «(و بر اثر دشمنی، کینه، رشک و گردنکشی کارشان به جایی رسیده که) خداوند بر دل‌ها و گوش‌هایشان مهر نهاده (راه بر آن‌ها بسته شده که سخن حق را نمی فهمند و نمی شنوند) و بر چشم‌هایشان پرده و پوشش (غفلت) است (که حق را نمی بینند) و برای ایشان (در دنیا و آخرت) عذاب و کیفر بزرگ است (در دنیا گرفتار و در آخرت در دوزخ خواهند بود)»؛

ص: ۳۵۶

الاهی قمشه ای: «قهر خدا، مهر بر دل ها و پرده بر گوش ها و چشم های ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الاهی را نمی کنند و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود»؛

محدث دهلوی: «مهر نهاد خدا بر دل های ایشان و بر شنوایی ایشان - و بر چشم هایی ایشان پرده ایست و ایشان را ست عذاب بزرگ»؛

رضایی اصفهانی و همکاران: «خدا بر دل های آنان و بر گوششان مهر نهاده و بر چشمانشان پرده ایست و عذاب بزرگی برای ایشان است»؛

ص: ۳۵۷

## پژوهش های جدید

۱. نقدهای ترجمه الاهی قمشه ای را جمع آوری، بررسی و نقد کنید.
۲. نقدهای جدید قرآن را شناسایی و فهرست کتب و مقالات نقد را تکمیل نمایید.
۳. ترجمه های جدید قرآن به زبان فارسی و غیرفارسی را شناسایی و آسیب شناسی کنید.
۴. یک ترجمه مشهور قرآن را انتخاب و اقسام آسیب های آن را بررسی و گزارش کنید.
۵. ترجمه های سوره «حمد» و «بقره / ۱ - ۷» را با ده ترجمه مشهور، مورد نقد و بررسی قرار دهید.

## منابع، جهت مطالعه بیشتر

۱. ترجمان وحی، همه شماره ها به ویژه شماره ششم.
۲. مجله بینات، موسسه امام رضا علیه السلام، شماره هایی که مقالات نقد دارند.
۳. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمدعلی کوشا.
۴. آسیب شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار، امیر مسعود صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۵. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش.
۶. قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی.

اشاره

(۱)

اشاره

دستورالعمل های ذیل در باب اصول و شیوه های ترجمه کتاب های مقدس در کلیسای کاتولیک رم، در ماه مارس سال ۲۰۰۱ میلادی از سوی مجمع عبادت الاهی و گروه آیین های مذهبی (نمایندگان مسئول آیین نیایش کلیسایی) در سندی به نام «آیین موثق نیایش» (۲) چاپ و منتشر شده است؛ ما در اینجا، مفاهیم بنیادین بخش دوم این سند را به دست می دهیم که در آن آموزه هایی برای مواجهه با رهیافت های نو در ترجمه کتب مقدس عرضه شده است.

«واتیکان» این سند را «دستور العمل» خوانده است و همین نشان می دهد که این اصول، صرفاً معیارها و موازینی پیشنهادی نیستند، بلکه از نظر گاه واتیکان اجباری می باشند؛ این سند با جمله ای پایان می پذیرد که نقش «پاپ ژان پل دوم» را در تنظیم آن آشکار می کند.

علی رغم این توثیق و دستور مستقیم پاپ به اعلام رسمی این سند، «انجمن

ص: ۳۵۹

---

۱- (۱) . برگرفته از یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی، پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس، مقاله آقای شهدادی، ص ۴۰۹ - ۴۲۸.

۲- (۲) ۱. Liturgiam Authenticam.

انجیلی کاتولیک آمریکا» در آگوست سال ۲۰۰۱ میلادی، در نامه ای به اسقف های آمریکایی، بشدت از این دستورالعمل انتقاد کرده است؛ با این حال، وثاقت این راهنما چنان است که آن را به آخرین دیدگاه های نهاد کلیسای کاتولیک رم در باب ترجمه کتب مقدس مسیحی مبدل ساخته است.

ترجمه کتب مقدس در همه ادیان، امری مهم و ناگزیر است که جدا از همه تفاوت ها و تمایزهای صوری و مفهومی، بنیادها، دشواری ها و معیارهایی یکسان و مشترک دارد؛ امید است مطالعه این سند، مترجمان متون قدسی اسلامی را نیز به کار آید و مقدمه ای باشد برای تدوین شیوه نامه ترجمه متون دینی قرآن و حدیث؛ بدین منظور، دستورالعمل های یاد شده در باب ترجمه متون نیایشی به زبان های بومی را در سه بخش اصول کلی کاربردی در همه ترجمه ها؛ هنجارهای مربوط به ترجمه کتاب مقدس و هنجارهای مربوط به دیگر ترجمه نیایشی را که مشتمل بر بندهای ۱۹ تا ۶۱ دستورالعمل های مزبور می باشد، از نظر می گذرانیم:

## **در باب ترجمه متون نیایشی به زبان های بومی**

### **۱. اصول کلی کاربردی در همه ترجمه ها**

۱۹. واژگان متون مقدس، همانند دیگر واژگان مراسم عبادی، به ویژه آیین «عشای ربانی»، چنان نیستند که چون آینه ای گرایش ها و تمایلات درونی مؤمنان را باز بتابند، بلکه حقیقتی را می نمایند که از مرزهای زمان و مکان در می گذرد؛ در واقع، خداوند با همین واژگان با نسل فرزند محبوب خویش سخن می گوید، روح القدس مؤمنان مسیحی را به همه حقایق و اسبابی که کلمه مسیح با زیستن در میان آنان پدید آورده راه می نماید و کلیسا با همین واژگان همه آنچه را که هست و بدان معتقد است جاودانی می کند و تعالی می دهد و حتی نیایش نامه مؤمنان با خداوند را از طریق مسیح و به یاری روح القدس عرضه می کند.

ص: ۳۶۰



۲۰. متون نیایشی لاتین در مناسک و شعایر رومی (۱) بر قرن‌ها تجربه روحانی و مذهبی در انتقال و تعالی ایمان کلیسا که از آبا دریافت شده است تکیه کرده اند؛ با این حال، خود، ثمره تجدید نظر و بازنگری نیایشی اند و همواره باز پیرایی می شوند، به این سبب که تنها همین میراث است که ماندن را می سزد و از سده‌ها عبور می کند، باید به یاد سپرد که ترجمه متون عبادی آیین رومی، چندان که بازگردان مؤمنانه و صادقانه متون اصلی به زبان‌های بومی و محلی است، کار ابداع و ابتکار خلاقانه نیست.

هر چند مجاز است که واژگان، نحو و سبک به شیوه‌ای سامان یابند که متن بومی روانی را فراهم آورند که برای آهنگ نیایش همگانی مناسب و درخور باشد، متن اصلی چندان که ممکن است باید یکسره و به دقیق‌ترین شیوه، بدون روی دادن حذف یا اضافه در محتوا و یا بازنویسی و تفسیر و توضیح آن، ترجمه شود؛ هرگونه مطابقت یا تطبیق دادن متن اصلی، براساس خصلت‌ها یا طبیعت زبان‌های بومی گوناگون، باید محتاطانه، ملایم و اعتدال‌آمیز باشد.

۲۱. به ویژه در ترجمه‌هایی که برای مردمانی انجام می‌شود که تازه به آیین مسیحی گرویده‌اند، دقت و پایبندی به متن نخستین، گاه ممکن است اقتضا کند که واژه‌های رایج پیشین به شیوه‌ای نو به کار گرفته شوند، یا اصطلاحات و واژگان جدیدی وضع گردند، یا مفاهیم و اصطلاحات متن اصلی ترانویسی شوند، یا با تلفظ زبان‌های بومی سازگار گردند، یا صفت‌های ادبی به گونه‌ای به کار روند که حتی آنگاه که از نظر لغوی و نحوی با متن اصلی متفاوتند، به شیوه‌ای کامل مفهوم و محتوای عبارت لاتین را برسانند؛ چنین ضوابط و معیارهایی، به ویژه در موارد بسیار مهم، باید پیش از آن که در نسخه‌نهایی درآیند، به بحث و شور همه اسقف‌های ویژه‌ای که کار نهاده شوند؛ به ویژه باید به کاربرد واژگان برآمده از ادیان و مذاهب غیرمسیحی، توجه لازم معطوف شود.

ص: ۳۶۱

۲۲. براساس مواد ۳۷ - ۴۰ قانون مجمع مقدس، (۱) انطباق متن اصلی با زبان بومی، باید بر بنیاد ضرورت فرهنگی و روحانی (۲) انجام شود و نمی‌سزد که به سبب تمایل صرف برای بداعت و تنوع یا تکمیل و تغییر مفهوم کلامی الگوی نگارشی (۳) باشد؛ افزون بر این، متون ترجمه‌ها باید به هنجارها و شیوه‌های گنجانده شده در راهنمای مذکور گردن نهند؛ بر این اساس، ترجمه‌هایی که به زبان‌های بومی انجام می‌پذیرند و برای سنجش و بازپیرایی (۴) به کنگره عبادت الاهی و گروه آیین‌های نیایشی ارسال می‌شوند، افزون بر هر انطباق که به روشنی در الگوی نگارشی (۵) پیش‌بینی شده است، فقط باید سازگار سازی‌ها و جرح و تعدیل‌هایی را در برداشته باشند که برای آن‌ها اجازه‌نامه مکتوب از هیئت ویژه اخذ شده باشد.

۲۳. در ترجمه متون و نگاه‌شده‌های کهن مسیحی، سودمند است که به ابزارهای تاریخی و علمی دیگر یا مرجعی که ممکن است برای آن متن کشف شده باشد مراجعه شود؛ با این حال، اغلب، این خودِ متن لاتین است که باید ترجمه شود؛ هرگاه متن کتاب مقدس یا متن نیایشی، واژگانی از دیگر زبان‌های باستانی را در برداشته باشد - مثلاً واژه‌هایی چون *aiuella* و *nema* که آرامی‌اند (۶) و در عهد جدید به کار رفته‌اند، یا واژگان یونانی یا واژگانی که در مراسم عشای ربانی مطرح می‌شوند و یا بسیاری نام‌های خاص - حفظ و نگاهداشت این واژگان در ترجمه بومی جدید، دست کم به گونه انتخابی در میان دیگر گزینه‌ها، باید مورد توجه قرار گیرد.

۲۴. هرگز نمی‌سزد که ترجمه‌ها، از روی دیگر ترجمه‌هایی که پیش‌تر به دیگر زبان‌ها انجام شده‌اند پدید آیند؛ ترجمه‌های جدید باید یکسره و سرراست از متون اصلی، به ویژه متون لاتین - و در اینجا که سخن معطوف به متون و نگاه‌شده‌های کهن

ص: ۳۶۲

---

۱- (۱) .Sactosanctum Concilium

۲- (۲) .Ecclesiastica

۳- (۳) .Editiones Typicae

۴- (۴) .Recognitio

۵- (۵) .Editiones Typicae

۶- (۶) .Aramaic

مسیحی است، از زبان های عبری، آرامی یا یونانی که ممکن است مورد خاص ترجمه از میان کتاب مقدس به این زبان ها باشد - انجام شوند. افزون بر این، در آماده سازی این ترجمه ها برای کاربردهای نیایشی، طبیعتاً باید به گونه ابزاری ثانوی، به شیوه ای که همه جا در این دستورالعمل توضیح داده شده است و به منظور این که سنت تفسیری مناسب با آیین نیایشی پاس داشته شود، به ویرایش شناخته شده جدی (۱) مراجعه شود که مقام پاپ اعظم (۲) آن را رسماً اعلام کرده است.

۲۵. از آنجا که ممکن است محتوای متون اصلی، حتی برای مؤمنانی که فاقد دانش و اطلاعات عقلانی ویژه اند، آشکار و دریافتنی باشد، ترجمه ها باید به زبانی انجام شوند که به آسانی فهمیدنی و درک شدنی باشند و در همان حال، شکوه، زیبایی و دقت و ظرافت نظری و تعلیمی این متون را پاس بدارند و حفظ کنند.

به مدد واژگان ستایش و نیایش (حمد و عبادت) که در مواجهه با حضرت خداوند، قدرت، رحمت و ذات متعال او، تقدیس و تعظیم و سپاسگزاری را نشان می دهند و ترویج می کنند، ترجمه ها می توانند در حالی که به شکوه و زیبایی خود مراسم نیایشی یاری می رسانند، به آن نیاز و عطش به خداوند حی که مردمان روزگار ما بدان گرفتارند، پاسخ دهند.

۲۶. خصلت متون نیایشی به گونه ابزاری توانمند برای القا و رسوخ دادن عناصر ایمان و اخلاق مسیحی در زندگی مؤمنان پیرو مسیح، باید با بیشترین نگرانی و دلواپسی در ترجمه ها پاس داشته شود؛ وانگهی ترجمه، اغلب باید با آموزه های معتبر و موثق، سازگار و منطبق باشد.

۲۷. حتی اصطلاحات و تعابیری که به سبب طبیعت بیش از اندازه نامعمول یا ناساز خود، مانع درک و فهم می شوند، باید کنار نهاده شوند.

ص: ۳۶۳

---

۱- (۱) .The Nova Vulgata Editio

۲- (۲) .Apostolic See

متون نیایشی باید چیزی بیشتر از صدای مجامع یا افراد خاص تلقی شوند و در نماز و نیایش همچون صدا و سخن کلیسا در نظر آیند. هم از این رو، ترجمه ها باید از وفاداری و پابندی بیش از حد و برده وارانه به اسلوب های رایج بیانی پرهیزند.

در واقع، اگر در متون نیایشی، واژگان یا تعابیر، گاه چنان به خدمت گرفته می شوند که تا اندازه ای از سخن و گفتار روز مره و معمولی فاصله می گیرند، غالباً به سبب همین واقعیت است که این متون حقیقتاً به یاد ماندنی، می سزند که واقعیت های لاهوتی را بیان کنند. خواهیم دید که رعایت و پیروی از اصولی که در این دستورالعمل عرضه شده اند، در هر زبان بومی به پیشرفت و تعالی سبک مقدسی خواهد انجامید که می توان چون زبانی متناسب با زبان نیایش شناخته شود؛ از این رو، گاه، اتفاق می افتد که شیوه و اسلوب ویژه ای از سخن که تا حدی در کاربرد روزانه مهجور و منسوخ شمرده می شود، در بافت متن نیایشی نگاه داشته شود و بر جای بماند.

در ترجمه قطعه هایی از کتاب مقدس که واژگان یا عبارت های آن ها به ظاهر زمخت و نازیبا به کار رفته اند، باید از هر تمایل شتاب آمیز به پیراستن و ویراستن این ویژگی اجتناب شود؛ در واقع، همین اصول است که وقتی اسلوب ها و شیوه های بیانی از حوزه کاربرد عام بیرون می روند، متون نیایشی را از ضرورت بازنگری های پیوسته و مدام رها می سازند.

۲۸. نیایش مقدس نه تنها خرد انسان، بلکه همه هستی کسی را که «موضوع» مشارکت کامل و آگاهانه در مراسم نیایشی است درگیر می کند؛ از این رو، ترجمه ها باید درست به اندازه کنش های آیینی، به نهادها و تصاویر متون اجازه دهند که خود سخن بگویند؛ این بازگردان ها نباید بکوشند آنچه را در متن اصلی، سربسته و در پرده است، به روشنی و آشکاری بسیار ترجمه و تفسیر کنند؛ به همین دلیل، باید محتاطانه و سنجشگرانه از افزودن و الحاق متون توضیحی که در الگوی نگارشی یاد شده نیامده است، پرهیز شود.

همچنین باید در نظر آورد و توجه داشت که نسخه های بومی، دست کم برخی از متون زبان لاتین، به ویژه متونی برگزیده از گنجینه نفیس و ارزشمند مناجات های گریگوری (۱) را که کلیسا با نیایش رمی متناسب می داند و همه چیزهایی را که یکسان، مقامی شامخ در مراسم نیایشی دارند، در برداشته باشد؛ در واقع، این سرودها و مناجاتها، توان فراوانی در فرا بردن و تعالی دادن روح انسانی به سوی واقعیت های لاهوتی دارند.

۲۹. این وظیفه موعظه ها و آموزش های شفاهی اصول دین مسیح است که معنای متون نیایشی را عرضه کند و با ظرافت و دقت، فهم و درک کلیسا را از آن ها آشکار گرداند و به اعضای کلیساهای خاص یا جوامع مسیحی و مذهبی جدا افتاده از امت یکپارچه مسیحیت و کلیسای کاتولیک و نیز به جوامع یهودی، درست به اندازه وفاداران و پیروان دیگر ادیان توجه کند و فهم خود را از شأن و برابری همه آدمیان نشان دهد؛ بر همین روال، این رسالت آموزش شفاهی اصول مسیحی یا موعظه گران است که تفسیر صحیح و درست متون را به دست دهند؛ این تفسیر، از هر تعصب یا گزینش ناروا و ناعادلانه بر بنیاد تمایل به اشخاص، جنسیت، شرایط اجتماعی، نژاد یا معیارهای دیگر - که در متون نیایشی مقدس جایگاهی ندارند - جلوگیری می کند؛ چنین معیارها و ملاحظاتی ممکن است گاه به آدمی در گزینش یک اصطلاح و عبارت خاص از میان ترجمه های متعدد یاری رسانند؛ اما نمی توانند دلایلی برای تغییر دادن کتاب مقدس یا متنی نیایشی که بر طبق مقررات، رسماً اعلام شده است، به شمار آیند.

۳۰. در بسیاری از زبان ها اسم ها و ضمیرهایی وجود دارند که بر هر دو جنس مذکر و مؤنث، با هم و در یک مفهوم مفرد دلالت می کنند؛ تأکید بر اینکه چنین کاربردی باید تغییر کند، ضرورتاً نباید علت یا ظهور پیشرفت موثق چنین زبانی به

ص: ۳۶۵

شمار آید؛ حتی اگر ممکن یا ضروری باشد که به مدد آموزش شفاهی اصول دین مسیح، اطمینان حاصل شود که این واژگان همواره در حوزه عامی که توصیف شده اند دریافته می شوند، شاید ممکن نباشد که بدون آسیب رساندن به معنای دقیق و مقصود متن، ترابط و همبستگی واژگانی یا اصطلاحی و بیانی و کیفیت های زیباشناختی آن، واژگان متفاوتی در خود متن به کار گرفته شود؛ مثلاً وقتی متن اصلی، مفهوم مفردی (مانند واژه عبری **mada**، واژه یونانی **soporhtna** یا واژه لاتین **omoh**) را برای بیان بر هم کنش افراد و کلیت یا وحدت خانواده و اجتماع انسانی به کار می گیرد، این ویژگی زبان متن اصلی، باید در ترجمه حفظ شود؛ چنانکه در دیگر زبان ها در تاریخ اتفاق افتاده است، خود کلیسا باید آزادانه آن دستگاہ زبانی را که به مؤثرترین شیوه به آموزه ها و تبلیغات مذهبی آن خدمت می کند، برگزیند و موضوعی برای هنجارهای زیباشناختی تحمیلی و بیرونی که برای آن تعلیمات و آموزه ها زیانبخشند، نشود.

۳۱. پرهیز و اجتناب، راه کاری روشمند شیوه های غیر محتاطانه، مانند جایگزینی مکانیکی و از سر عادت واژگان، گذر از مفرد به جمع، تقسیم اصطلاحی جمعی و واحد به بخش های مذکر و مونث، و به کار گرفتن واژگان انتزاعی یا غیرانسانی است.

همه این موارد، ممکن است از درک درست و کامل یک واژه یا عبارت، در متن اولیه، جلوگیری کنند؛ این معیارها، البته دشواری هایی کلامی و انسان شناختی را به ترجمه می افزایند. در این رابطه، برخی از هنجارهای خاص عبارتند از:

الف. در اشاره به خداوند متعال یا به اشخاص تثلیث مقدس، حقیقت سنت باید همانند کاربرد ثابت و رسمی جنسیت در هر زبان، پاس داشته شود؛

ب. دقت ویژه باید تضمین کند که عبارت ثابت و مشخص «فرزند انسان»، صادقانه، باورمندانه و دقیق ترجمه و بازگردان شود؛ اهمیت فراوان مسیح شناختی و گونه شناختی این عبارت، اقتضا می کند که همواره در ترجمه آن، قوانینی از زبان به

کار گرفته شود که تضمین می کنند، این عبارت خاص، در سرتاسر بافت و سیاق ترجمه، فهمیدنی باقی خواهد ماند؛

ج. اصطلاح آبا (۱) که در بسیاری از قطعات کتاب مقدس و متون نیایشی نگاشته های کهن مسیحی یافت می شود، باید با واژه مذکر مربوط در زبان بومی ترجمه شود تا معلوم گردد که به رهبران روحانی و مظهر آنها (۲) یا پادشاهان و ملوک امت های برگزیده در عهد عتیق یا به آبا کلیسا اشاره می کند؛

د. باید چندان که ممکن است در زبان بومی مفروض، در اشاره و ارجاع به کلیسا، کاربرد ضمیر مؤنث به جای ضمیر خنثی (۳) حفظ شود؛

ه. واژگانی چون «برادر» و «خواهر» که همخونی و قرابت با دیگر انواع مهم ارتباط و خویشاوندی را بیان می کنند و به سبب قراین و بافت متن، آشکارا مذکر یا مؤنث هستند، باید در ترجمه همچنانکه هستند، نگاشته شوند؛

و. جنسیت دستوری فرشتگان، شیاطین و خدایان و الهه های غیرمسیحی، باید چندانکه ممکن است، در زبان بومی نیز، همانند متن اصلی باشد؛

ز. در تمامی این موضوعات، ضروری است که به اصول مذکور در بندهای ۲۷ و ۲۹ توجه کنیم.

۳۲. ترجمه نباید درک کامل متن اصلی را با وضع قید و بندهای باریک و کم عرض کننده، محدود و مخدوش سازد؛ در این عرصه، آنچه باید از آن پرهیز شود، خصلت عبارات و اصطلاحات تبلیغات تجاری، برنامه های سیاسی یا ایدئولوژیک، راه و رسم های گذرا و مواردی است که موضوع دگرگونی های اقلیمی یا ابهام های معنایی واقع می شوند از آنجا که در سنامه های آکادمیک، سبک یا کارهای مشابه، گاه راه را بر چنین گرایش ها و تمایلاتی می گشایند، نباید معیارهایی برای ترجمه متون نیایشی

ص: ۳۶۷

۱- (۱) Fathers.

۲- (۲) Patriarchs.

۳- (۳) Neuter.

شمرده شوند؛ از سوی دیگر: آثاری که در یک زبان بومی مفروض عموماً «کلاسیک» به شمار می آیند، ممکن است در به دست دادن واژگان و کاربرد آن ها در خود زبان مفید باشند.

۳۳. کاربرد حروف بزرگ (۱) در متون نیایشی نسخه لاتین، درست همانند ترجمه نیایشی کتب مقدس، باید برای تجلیل یا دلایل کلامی مشابه، در زبان بومی دست کم تا بدانجا که ساختار زبان مفروض اجازه می دهد، محفوظ و معمول باشد.

## ۲. دیگر هنجارهای مربوط به ترجمه کتاب مقدس و آماده سازی بخش هایی از

انجیل که طی هر سال قرائت می شود.

۳۴. سزاوارتر است که ویرایشی از کتاب مقدس، سازگار با اصول تفسیر روشن آن و کیفیت ادبی عالی، آماده شود؛ این نسخه باید همان گونه که سبکی خاص، انتخاب واژگان و گزینه ای از میان تفاسیر متفاوت ممکن را می طلبد، منطبق بر الزامات ویژه کاربرد نیایشی باشد.

۳۵. هر جا که چنین ویرایشی از کتاب مقدس در زبان مفروض وجود نداشته باشد، ضروری است که ویرایش و نسخه از پیش آماده شده به کار رود؛ اما هر جا لازم است ترجمه آن تغییر کند، تا چندان که ممکن است براساس اصول عرضه شده در این دستورالعمل، برای استفاده، به گونه متن نیایشی مناسب ارائه شود.

۳۶. به منظور اینکه مؤمنان بتوانند دست کم مهمترین متون کتاب مقدس را به خاطر بسپارند و نیایش ها و نمازهای خود را با آن ها برگزار کنند، بی نهایت مهم است که ترجمه متون مقدس مقصود برای کاربرد نیایشی، از یکپارچگی، استواری و استحکامی که در قلمرو تنها یک ترجمه ثابت و معین وجود دارد، برخوردار باشد و در همه بخش های کتب نیایشی به کار آید.

ص: ۳۶۸



این استواری و استحکام، به ویژه باید در ترجمه کتاب های مقدسی که کاربرد بیشتر و پیوسته تری دارند، مانند «کتاب مزامیر» که کتاب اساسی نیایش مسیحیان است، مورد توجه باشد؛ مجامع روحانی، بشدت تشویق می شوند که ترجمه ای استوار و یکپارچه از کتاب مقدس را برای چاپ و انتشار در قلمرو خود و به قصد مطالعه شخصی و قرائت مومنان، به دست دهند که هر بخش آن، مطابق با متون نیایشی مقدس باشد.

۳۷. اگر ترجمه کتاب مقدس برای بخش هایی از آنکه در طی سال قرائت می شود، متونی را عرضه کند که با متن نیایشی لاتین متفاوت است، باید به خاطر داشت که ویرایش شناخته شده جدید (۱) هدف و مقصد هر گونه ارجاع است و توضیح متن رسمی و بخش های اصیل انجیل را بر عهده دارد؛ از این رو، در ترجمه کتاب های ثانوی انجیل (کتبی که مورد قبول کلیسای کاتولیک است؛ اما پروتستان ها آن ها را اصیل و به رسمیت نمی شناسند) و هر جای دیگر که ممکن است سنت های متعدد نسخه های خطی وجود داشته باشند، ترجمه متون نیایشی باید منطبق با همان سنت نسخه عمومی (۲) فراهم شود.

اگر یک ترجمه پیش تر آماده شده، گزینه هایی را عرضه می کند که با آنچه در نسخه عمومی یافت می شود و سنت ویژه متنی، نظم آیات یا عوامل مشابه را در نظر می گیرد متفاوت است، باید در آماده سازی متونی از انجیل که طی سال خوانده می شوند، این ناهمخوانی و تغایر اصلاح گردد؛ به گونه ای که همسازی و همسانی ترجمه با متن نیایشی لاتین حفظ شود؛ در فراهم سازی ترجمه های جدید مفید است - اما اجباری نیست - که شماره گذاری آیات نیز تا آنجا که ممکن است از همان شماره گذاری متن تبعیت کند.

ص: ۳۶۹

---

۱- (۱) .Nova Vulgata Editio .۱

۲- (۲) .Nova Vulgata .۲

۳۸. اغلب مجاز است که براساس چاپ های انتقادی و توصیه متخصصان، قرائتی متفاوت از یک آیه به کار رود؛ با این حال، این امر در مورد یک متن نیایشی که چنین قرائت گزینشی بر عناصر آن بخش از متن اثر می نهد، یا هرگاه اصولی که در این دستورالعمل یافت می شوند، از جهات دیگر، فراموش و مغفول شوند، مجاز نیست؛ در مورد بخش هایی که وفاق انتقادی درباره آن ها وجود ندارد، باید توجه ویژه به انتخاب های متن لاتین معطوف شود.

۳۹. تفسیر و توضیح کتاب مقدس (۱) باید همانند و سازگار با نظم و ساختار متون (۲) با دیگر متون نیایشی تأیید شده و مربوط به موضوع باشد.

۴۰. با عطف توجه کامل به نیازهای تفسیر ثابت و قطعی کتب مقدس، باید توجه کامل داشت و اطمینان حاصل کرد که واژگان قطعه های انجیلی که در مواعظ و نمازهای مذهبی به کار می روند، یکسره حفظ شده باشند؛ به عبارت دیگر: با توجه اکید، باید از چینش واژگانی خاص یا سبکی که مؤمنان کاتولیک آن را از شیوه سخن جوامع روحانی غیر کاتولیکی یا دیگر ادیان تمیز ندهند و از این رو به حیرت یا رنج در افتند، پرهیز شود.

۴۱. باید اطمینان حاصل شود که ترجمه ها - به ویژه آنگاه که به متون بسیار مهم مانند «مزامیر» و متون به کار رفته برای مراسم اصلی سال عبادی مربوط می شوند - با آنگونه فهم از قطعه های کتاب مقدس که کاربرد نیایشی و سنت آبای کلیسا اعلام و داوری می کند، سازگار افتند و همانند و همساز باشند؛ در این موارد، بیشترین توجه باید به این نکته معطوف شود که ترجمه، درک و دریافت سنتی مسیح شناسی، گونه شناسی و مفهومی را بیان کند و وحدت و درهم تنیدگی عهدین را آشکار سازد؛ به این دلایل:

ص: ۳۷۰

۱- (۱) ۱. biblical Pericopai.

۲- (۲) ۲. Ordo Lectionum Missae.

الف. سزاوار و سودمند است که هر جا از میان گزینه های متعدد ترجمه، نیازی به انتخاب هست، از ویرایش جدید (1) راهنمایی خواسته شود که کدام گزینه برای بیان شیوه ای که متن با آن به گونه سنتی قرائت می شود و از طریق سنت نیایشی لاتین درک می گردد، مناسب ترین انتخاب است؛

ب. برای دستیابی به همین هدف، باید به دیگر نسخه ها و ویرایش های کهن کتاب مقدس، همانند نسخه یونانی که عموماً به نام سبعینی (2) شناخته می شود و مؤمنان مسیحی از نخستین روزهای کلیسا از آن استفاده می کرده اند، مراجعه کرد؛

ج. در سازگاری و هماهنگی با سنت بسیار کهن و دیرین که به طور مثال در نسخه «سبعینی» مذکور آشکار است، نام خداوند متعال که با چهار حرف بی واکه عبری (يهوه، HWHY) بیان و در لاتین با واژه (دومینوس، sunimoD) ترجمه شده است، باید با واژگان و معادل های معنایی برابر در هر زبان بومی مفروض ترجمه شود.

در نهایت، مترجمان به شدت ترغیب می شوند که به تاریخ تفسیر توجه فراوان کنند؛ این تاریخ، می تواند از روایت های کتاب مقدس در نوشته های آباء کلیسا و نیز از تصاویر انجیلی به دست آید که همواره و بسیار در هنر و چامه ها و چکامه ها (ydonmyh) ی مسیحی یافت می شود.

۴۲. در حالی که می توان اندرز داد که: نکنند متون و بافت های تاریخی قطعه های انجیلی و کتاب مقدس گنگ و مبهم بماند، مترجم نیز باید به یاد بسپارد که واژگان و زبان خداوند که در آیین نیایش بیان می شود، گونه ای سند تاریخی ساده نیست؛ زیرا متون کتاب مقدس نه تنها به افراد و وقایع برجسته و عظیم عهدین جدید و قدیم می پردازد، بلکه به اسرار رستگاری مربوط است و از این رو به مؤمنان عصر حاضر و حیات آنان باز می گردد؛ اغلب لازم است که توجه فراوان و اکید به هنجار وفاداری و

ص: ۳۷۱

۱- (۱) .۱ Nova Valgata.

۲- (۲) .۲ Septuagint.

پایبندی به متن اولیه معطوف شود؛ اما هر جا که باید گزینشی میان دو شیوه متفاوت ترجمه یک مفهوم انجام شود، آدمی نیز باید سخت بکوشد و انتخابی را انجام دهد که شنونده و خواننده را قادر می سازد خود و ابعاد زندگی شخصی خود را چندان که ممکن است پویا و پر نشاط در اشخاص و وقایع متن باز شناسد.

۴۳. شیوه ها و اسلوب های سخن که واقعیت ها و کنش های لاهوتی با آن ها در نمود انسانی، نشان داده می شوند یا با اصطلاح شناسی (۱) ملموس و مشخص می گردند، چنان که همواره در زبان کتاب مقدس رخ می دهد (یعنی انسان انگاری ها smsihpo romoportna)، اغلب آنگاه توان کامل خود را حفظ می کنند که به گونه ای ادبی ترجمه شوند؛ از این رو، بهترین کار این است که این مفاهیم با عبارات انتزاعی تر و کلی تر زبان بومی توضیح و تفسیر شوند؛ در مورد مفاهیم خاص نیز باید اصول مذکور در بندهای ۴۰ - ۴۱ ملاحظه گردد؛ بنابراین، مترجم باید از جایگزین ساختن این مفاهیم با ضمیری شخصی یا مفهوم و اصطلاحی مجردتر، جز در مواردی واقعاً ضروری پرهیزد؛ باید به خاطر داشت که ترجمه ای ادبی از مفاهیمی که شاید در آغاز، در زبان بومی عجیب و غریب به نظر آیند، ممکن است درست به همین دلیل، کنجکاوایی را در شنونده برانگیزند و فرصتی استثنایی را برای موعظه گران پدید آرند.

۴۴. برای اینکه ترجمه ای آسان تر انجام شود، باید از هر عبارت و اصطلاحی که وقتی شنیده و خوانده می شود، حیرت و ابهام می آفریند و شنونده و خواننده از فهم معنای آن عاجز می ماند، اجتناب شود.

۴۵. هنجارهای ذیل نیز، باید در آماده سازی مطالب کتاب مقدس و در قرائت های انجیلی در یک زبان بومی ملاحظه شوند:

الف. ترجمه قطعه هایی از انجیل که در قرائت سالیانه می آیند، باید با قطعات کتاب مقدس همسان و همانند باشند؛

ص: ۳۷۲

ب. همانند عنوان‌ها که موضوع مطالب متن را بیان می‌کنند و در پیشانی آن‌ها جای می‌گیرند، چینش واژگانی ترجمه نیز باید همانند متن اصلی باشد؛

ج. واژگانی که برای آغاز متن، توصیه شده‌اند و آغازگرها (۱) نام دارند، باید تا حد ممکن از چینش واژگانی نسخه‌ای از کتاب مقدس پیروی کنند که متن‌ها از آن اخذ شده‌اند؛ مترجمان باید از متابعت ترجمه‌های دیگر، مثلاً: در مورد آن آغازگرهایی که بخشی از خود متن کتاب مقدس نیستند، بپرهیزند؛ وقتی متون نیایش سالیانه از کتاب مقدس آماده می‌شود، این موارد نیز باید به دقت از متن لاتین ترجمه شوند، مگر آنکه اجازه‌نامه گردهمایی عبادت‌الاهی و هیئت مذهبی، شیوه و اسلوب متفاوتی را برای معرفی و آغاز متون توثیق کند.

### ۳. هنجارهای مربوط به ترجمه دیگر متون نیایشی

#### اشاره

۴۶. هنجارهای عرضه شده در بندهای فوق و نیز، هنجارهای مربوط به کتاب مقدس، باید در شیوه و اسلوبی شبیه به متون نگاشته مذهبی به کار روند.

۴۷. ترجمه باید گنجینه خطابه‌های سالیانه را با استفاده از زبان قابل فهم در زمینه و بافت فرهنگی‌ای که مقصود است انتقال دهد و به این یقین برسد و برساند که نماز و نیایش نه تنها با اصل و گوهر فرهنگ شکل می‌گیرد، بلکه خود نیز در پیشرفت آن فرهنگ مشارکت می‌کند؛ در نتیجه، نباید سبب شکفتی شود که این زبان تا حدودی با زبان گویش عادی متفاوت باشد. ترجمه متون نیایشی که از وثاقت و محتوای ثابت و استوار متون اصلی بهره و مایه می‌گیرد، پیشرفت زبان بومی مذهبی را تسهیل می‌کند؛ چنین زبانی با واژگان، نحو و دستوری که با نیایش‌الاهی مناسب است تشخیص می‌یابد؛ چنین امری نیز در زبان مردمانی که سال‌ها پیش تبلیغ و تبشیر می‌کرده‌اند رخ داده است.

ص: ۳۷۳

۴۸. ترجمه متون نیایشی ویژه مراسم سالانه، باید چنان باشد که به آسانی به خاطر سپرده شود و در نمازها و نیایش های خصوصی نیز به کار رود.

## الف) واژگان

(۱)

خطابه ها و گفتارهای سنت نیایشی رم، همانند دیگر مناسک کاتولیک، دستگاهی به هم پیوسته از واژگان و الگوهای سخن است که بخش های کتاب مقدس و سنت مذهبی و به ویژه نگاشته های آبا کلیسا بر آن تأکید و تمرکز کرده اند؛ به این دلیل، سبک و اسلوب ترجمه کتاب های نیایشی، باید گونه ای همخوانی و سازگاری میان خود کتاب مقدس و متون نگاشته نیایشی کهن مسیحی که واژگان یا اشارات کتاب مقدس را دربردارند، به وجود آورد، در ترجمه چنین متونی، مترجم باید به بهترین شکل از سبک و اسلوب بیانی خاص کتاب مقدس که برای استفاده نیایشی در محدوده هایی که ترجمه برای آن فراهم آمده مشخص شده است، راهنمایی بگیرد؛ در عین حال، باید از فرو کاستن و نازل کردن وزانت متن و یا پیچیده تر کردن نابهنجارانه اشارات و تلمیحات ظریف کتاب مقدس اجتناب شود.

۴۹. کتاب های نیایشی آیین مذهبی و مناسک رم، بسیاری از واژگان بنیادین سنت کلامی و معنوی کلیسای رم را در بر دارند و از این رو باید هر کوششی به کار رود که به جای جایگزینی دیگر واژگانی که با کارکرد نیایشی و روحانی مردمان خداوند در زمینه فرهنگی و مذهبی مفروض بیگانه اند، از این دستگاه واژگانی محافظت شود؛ به این دلیل، به ویژه اصول زیر باید ملاحظه گردند:

۱- در ترجمه واژگانی با اهمیت کلامی افزون تر، باید درجه مناسبی از سازگاری میان متن نیایشی و ترجمه بومی موثق از کتاب های آموزشی دینی کلیسای کاتولیک لحاظ شود؛

ص: ۳۷۴

۲- هر جا که مناسب نباشد، واژگان یا عبارت متن نیایشی، همانند کتب آموزش دینی به کار رود، مترجم باید نگران و علاقه مند باشد که معنای کلامی و نظری مفاهیم و خود متن را کاملاً بازگردان کند؛

۳- مترجم باید در ترجمه خود، واژگانی را حفظ کند که به تدریج در زبان بومی مفروض پیشرفت کرده اند و بر ویژگی های کشیشان، پوشش ها یا افراد و اشیای خاص در زندگی روزانه دلالت می کنند؛ واژگانی که فاقد چنین ویژگی هایی هستند؛ نباید به جای واژگان مذکور استفاده شوند؛

۴- در ترجمه واژگان مهم، وفاداری و پابندی لازم این است که سرتاسر بخش های گوناگون آیین نیایش، با توجه مناسب به بند ۵۳ ملاحظه شود.

۵۰. از سوی دیگر، تنوع و طیفی گسترده از واژگان در متن اولیه، می باید تا جایی که ممکن است تنوع و طیفی گسترده از واژگان را در ترجمه نیز موجب شود؛ سطح ترجمه می تواند بر اثر استفاده از یک مفهوم مفرد بومی، برای ترجمه مفهوم لاتین متفاوتی مانند *icsaP* و یا *sativaC* و یا واژگانی مانند *amina* و *sumina* نازل و مبتدل شود؛ مثلاً در اشکال متعدد و متنوع نام بردن از خداوند در زبان لاتین، مانند *enimoD* (رب)، *sueD* (خداوند)، *sueD euretea snetopinmO* (خداوند قادر متعال)، *retaP* (پدر) و جز آن، همواره کمبود و نقصی در ترجمه رخ می دهد؛ همچنین کاربرد واژگان متعددی که استغاثه و تمنا را بیان می کنند نیز، ممکن است ترجمه را یکنواخت و ملالت بار کند و سبک پر بار و زیبای متن لاتین را که در آن، رابطه میان مؤمن و خداوند بیان می شود، تیره و پنهان گرداند.

۵۱. مترجم باید به جان بکوشد که دلالت ها و نشانه ها یا درک آغازین از واژگان و عبارات موجود در متن اولیه و همچنین معانی ضمنی، دلالت های مفهومی و بار معنایی را که بهترین جلوه های معنا یا احساس هستند که با آن واژگان ایجاد می شوند،

حفظ کند و نگاه دارد؛ وی باید تضمین دهد که متن به روی دیگر نظم‌ها و سیاق‌های معنایی که ممکن است در متن اولیه مراد باشند، گشوده است.

۵۲. هر گاه یک مفهوم لاتین ویژه، معنایی غنی و گسترده داشته باشد که بازگردان آن به زبان نو دشوار نماید (مثلاً واژه‌هایی چون: *sunum*: خدمت، کار، رسالت، هدیه؛ *sulumaF*: عبد، خدمتگزار، برده، بنده؛ *sutiporP*: مطلوب، محبوب، مقصود، مشکور؛ *sitaitnat sbusnoC*: طبیعت، ماهیت، کیفیت، و ذات همانند)، روش‌ها و راه‌های متعددی می‌تواند در ترجمه آن به کار گرفته شود؛ ترجمه مفهوم با یک یا چند واژه مفرد بومی، ساختن یک واژه جدید، سازگار کردن و یا آوا نگاری مفهوم در زبان یا الفبایی که با متن اولیه متفاوت است (بند ۲۱ را بنگرید)؛ یا کاربرد واژه‌ای از پیش موجود، که شاید معانی گوناگونی را پذیرا باشد، برخی از آن شیوه‌ها و راه‌حلهاست.

۵۳. در ترجمه باید از گرایش به هر گونه تجزیه و تحلیل روانشناختی، به ویژه تمایل به جایگزین ساختن واژگان مربوط به ارزش‌های کلامی و الهی به جای دیگر واژه‌ها که صرفاً احساسات انسانی را بیان می‌کنند، اجتناب شود؛ مثلاً مترجم باید در بیان واژگان یا عباراتی که کاملاً اندیشه الهی‌علیت را می‌رسانند، از کاربرد واژگان یا عباراتی که صرفاً گونه‌ای امداد صوری خارجی و ناسوتی و غیرمذهبی را انتقال می‌دهند پرهیزد.

۵۴. واژگان خاص در متن نیایشی لاتین که ممکن است چنان به نظر آیند که به دلیل وزن یا دیگر دلایل فنی و ادبی برگزیده شده‌اند، در واقع، مفهوم کلامی و الهی کاملی را می‌رسانند و از این رو تا آنجا که ممکن است، باید در ترجمه لحاظ شوند و بر جای بمانند؛ ضروری است واژگانی که جنبه‌های رازآلود ایمان و منش مشرب کامل مسیحی را می‌نمایند، همراه با بیشترین و عالی‌ترین دقت و ظرافت ترجمه شوند.

۵۵. عبارات خاصی که به میراث تمام یا بخش عظیمی از کلیسای کهن تعلق دارند،



همانند عبارات دیگری که بخشی از فرهنگ عمومی انسانی شده اند، باید با ترجمه ای مورد احترام و توجه قرار گیرند که تا حد ممکن ادیبانه باشد.

## (ب) نحو، سبک و گونه ادبی

### (۱)

۵۶. موارد مهم آیین مذهبی رم، به ویژه سبک بیان روشن، دقیق و موجز آن، باید چندان که ممکن است در ترجمه رعایت و حفظ شود؛ افزون بر این، وحدت سبک و یکدستی ترجمه یک عبارت مفروض، باید در سرتاسر آن مراعات شود؛ همچنین اصول ذیل باید مورد ملاحظه قرار گیرند:

۱. باید تا جایی که ممکن است ارتباط میان عبارات گوناگون که بندهای فرعی و ربطی پدید می آورند، چینش و نظم واژگان و شکل های متعدد آن، و نیز ساخت همگون و توازی (۲) به گونه ای کامل در سبک و شیوه ای مناسب با زبان بومی حفظ شود؛

۲. در ترجمه مفاهیم و معانی متن اولیه، باید چندان که امکان دارد، شخص، عدد و جنسیت محفوظ بماند؛

۳. اهمیت بُعد الاهی و کلامی واژگانی که علت، هدف یا نتیجه را بیان می کنند، باید رعایت شود؛ هر چند زبان های مختلف، واژگان گوناگونی را برای بیان آن ها به کار می گیرند؛

۴. اصول عرضه شده در بالا- و در بحث تنوع واژگانی، در تنوع نحوی و سبکی نیز، صدق می کنند؛ حالت ندا و خطاب به خداوند در سرتاسر ادعیه کوتاه، مثال مناسبی برای این مورد است؛

۵۷. گونه های ادبی و بیانی متون متعدد آیین نیایش روم، باید محفوظ بمانند.

۵۸. مقصود اولیه از متون نیایشی با همه طبایع متنوع خود، این است که در مراسم نیایش به گونه ای شفاهی گفته و شنیده شوند؛ از این رو، این متون، سبک بیانی ویژه ای

ص: ۳۷۷

---

۱- (۱) . ۱. Syntax, Style, literal genre.

۲- (۲) . ۲. Parallelism.

دارند و با سخن روزمره و یا متونی که باید به آهستگی و آرامی خوانده شوند متفاوتند. الگوهای تکرار شونده و شناختنی نحو و سبک، آهنگینی پر جلال و شکوه و ستایش کننده، تجانس آوایی، (۱) توازن و هماوایی، (۲) تصویرهای شاداب و زنده و ملموس، تکرار، توازی و ساخت همگون، تضاد و ضربه‌ها نثرهای شاعرانه، مثال‌های این تفاوت به شمار می‌آیند.

البته، گاه ممکن نیست که در ترجمه، همان عناصر سبک شناختی متن اولیه به کار رود؛ مثلاً: اغلب در مورد تجانس آوایی، یا هماوایی، همین امر رخ می‌دهد؛ اما حتی در این حالت نیز، مترجم باید بکوشد و در پی این باشد که اثر مقصود، همان عناصر را به ذهن خواننده و شنونده منتقل کند؛ درست به همان اندازه که به محتوای موضوعی و بیان تضاد میان عناصر توجه می‌کند، در این زمینه، مترجم باید همه امکانات زبان را با مهارت هر چه تمام تر برای انجام دادن این کار و توجه به جنبه‌های دیگر متن به خدمت بگیرد؛ ترجمه متون شاعرانه به انعطاف افزونتری نیازمند است تا بتواند زمینه را برای نقشی فراهم سازد که خود شکل ادبی در بیان محتوای متن ایفا می‌کند؛ از این رو، عبارات و اصطلاحاتی که اهمیت ویژه نظری یا معنوی دارند و یا شناخته شده ترند، باید تا حد ممکن به گونه‌ای ادبی ترجمه شوند.

۵۹. بخش بزرگی از متون نیایشی، به این قصد فراهم آمده‌اند که کشیش برگزار کننده مراسم یا شماس (۳) یا سردسته خوانندگان (۴) یا مردم یا همسرایان، آن‌ها را به آواز بخوانند؛ به همین دلیل، این متون باید به گونه‌ای ترجمه شوند که برای همنواشدن با موسیقی مناسب باشند؛ از این رو، در فراهم سازی همنوایی موسیقایی، باید به وثاقت خود متن توجه دقیق و کامل معطوف شود.

ص: ۳۷۸

۱- (۱) .alliteration

۲- (۲) .assonance

۳- (۳) .Deacon

۴- (۴) .Cantor

۶۰. متونی که به آواز خوانده می شوند، اهمیت ویژه ای دارند؛ زیرا در کی از جلال و شکوه مراسم را به مؤمنان انتقال می دهند و وحدت در ایمان و مهرورزی و احسان را با وحدت و هماهنگی صداها آشکار می کنند؛ سرودها و چامه ها و مزامیر مذهبی (۱) بخش اندکی از گنجینه تاریخی کلیسای لاتین را تشکیل می دهند؛ اما با این حال، سودمند است که در نسخه های بومی نیز حفظ شوند؛ حتی این مزامیر، می توانند به چامه ها (snmyH) یی که اصالتاً در زبان بومی پدید آمده اند افزوده شوند؛ البته بهتر این است که همین چامه های بومی نیز از کتاب مقدس یا میراث نیایشی گرفته شوند.

۶۱. متون اصلی نیایش در نگاشته های مذهبی با حرکات و آداب آیینی همراهند که وضع و حالت، ایما و اشاره خاص یا کاربرد نهادها و نشانه ها، آن ها را بیان می کند؛ از این رو، سزاوار است که در فراهم سازی ترجمه هایی مناسب، این عوامل را در نظر آوریم و مثلاً: به زمان مقتضی نقل واژگان و تناسب آن ها برای به آواز خوانده شدن یا تکرار شدن، توجه کنیم.

ص: ۳۷۹

## آمار اجمالی قرآنهاى مترجم به زبانهاى خارجى موجود در مركز ترجمه قرآن مجيد

ردیف زبان تعداد مجلدات تعداد مترجمان ۱ آسامى ۲۴۷ آسانتى ۳۱۱ آلبانیایی ۴۶۱۶ آلمانی ۵۳۰۱۶۷ آوارى ۶۱۱ اردو ۷۲۰۶۱۲۲۱ ارمنى ۸۲۸ اریا ۹۲۶ ازبکی ۱۰۵۲۷ اسپانیایی ۱۱۱۹۴۷ اسپرانتو ۱۲۱۶ افریکنز ۱۳۱۴ امهاری ۱۴۱۲ اندونزی ۱۵۱۳۱۲۵ انکو ۱۶۱۴ انگلیسى ۱۷۱۴۸۷۵۶ اوه ۱۸۱۲ اویغورى ۱۹۲۶ ایتالیایی ۲۰۱۴۴۰ ایرانونى ۲۱۲۸ ایگبو ۲۲۱۱ براهویی ۲۳۳۱۸ برمه ای ۲۴۳۶ بسایا ۲۵۱۴ بلتى ۲۶۱۴ بلغاری ۲۷۵۱۰ بلوچى ۲۸۱۴ بنگالی ۲۹۸۳۳۰۳ بوسنیایی ۳۰۸۲۲ پنول ۳۱۱۱ پرتغالی ۳۲۴۶ پشتو ۳۳۱۲۱۰۳ پنجابی ۳۴۵۱۱ تائوسوگ ۳۵۲۴ تاتاری ۳۶۱۱ تاگالوگ ۳۷۴۵ تامل ۳۸۱۳۳۱ تایی ۵۳۵ ردیف زبان تعداد مجلدات تعداد مترجمان ۳۹ ترکمن ۴۰۴۱۰ ترکی آذرى ۴۱۹۳۷ ترکی استانبولى ۴۲۱۰۱۵۴۵ تلگو ۴۳۵۲۲ جاوه ای ۴۴۱۲ جولایا ۴۵۱۱۱ چک ۴۶۴۶ چى چوا ۴۷۲۶ چیلوبا ۴۸۱۱۱ چینی ۴۹۴۷۱ دانمارکی ۵۰۴۱۲ داگبانی ۵۱۱۲ درگا ۵۲۱۲۲ دونگن ۵۳۱۲ روسی ۵۴۱۲۵۸ رومانی ۵۵۴۶ زلو ۵۶۲۵ ژاپنی ۵۷۱۳۶۰ سرانیکى ۵۸۱۲ سندی ۵۹۱۰۲۴ سانسکریت ۶۰۱۲ سوئدی ۶۱۷۱۵ سواحلی ۶۲۱۲۶۴ سومالی ۶۳۱۴ سینهایى ۶۴۲۶ شونا ۶۵۱۵ عبری ۶۶۴۹ فارسی ۶۷۱۶۲۵۶۷ فرانسه ۶۸۵۱۱۸۹ فنلاندی ۶۹۲۴ فولانی ۷۰۱۱ قرقیزی ۷۱۳۸ قزاقی ۷۲۵۲۴ (بهیدینی) کردی ۷۳۶۳۱ (سورقی) کردی ۷۴۶۲۹ کره ای ۷۵۳۴ کریول ۷۶۱۲ کشمیری ۵۱۰ ردیف زبان تعداد مجلدات تعداد مترجمان ۷۷ کنری ۷۸۴۱۵ کیکونگو ۷۹۱۲ کیکویو ۸۰۱۳ گا ۸۱۱۲۲ گجراتی ۸۲۱۱۲۹ گرجی ۸۳۱۱ لاتین ۸۴۱۱ لاک ۸۵۱۱ لوگاندا ۸۶۱۴ لهستانی ۸۷۳۶ لینگالا ۸۸۱۳۳ ماشی ۸۹۱۲ مالایایی ۹۰۵۹ مجاری ۹۱۲۱۰ مراتی ۹۲۴۲۱ مرانانو ۹۳۲۱۱ مقدونیه ۹۴۱۲ ملیالم ۹۵۶۹ منده ۹۶۱۱ نیالی ۹۷۱۱ نوژی ۹۸۴۶ نزیما ۹۹۱۲ واله ۱۰۰۱۲ ولوف ۱۰۱۱۲ ویتنامی ۱۰۲۱۳ هلندی ۱۰۳۶۱۴ هندی ۱۰۴۱۱۳۲ هوسا ۱۰۵۵۳۰ یوروبابا ۱۰۶۴۶ یونانی ۴۵

تعداد کل زبانها ۱۰۶ تعداد کل مترجمان ۱۱۶۶ تعداد کل عناوین ۳۱۳۲ تعداد کل مجلدات ۵۰۸۷

۱. آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم در واژه و ساختار، امیرمسعود صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، تهران - قم، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم (مشهور به شاه ولی الله محدث دهلوی)، فتح الرحمان بترجمان القرآن (ترجمه محدث دهلوی).
۴. الاتقان فی علوم القرآن، عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، بیروت، قم، دارالجلیل - دارالکتب - ذوی القربی، ۱۴۱۹ ق.
۵. ادبیات فارسی بر مبنای تالیف استوری، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران.
۶. الادله العلمیه فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنیه، محمد فرید الوجدی.
۷. اسلام در ایران، پتروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۸. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی العسقلانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۹. اصول ترجمه، لطفی پور ساعدی.
۱۰. اصول و مبانی ترجمه، طاهره صفارزاده، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۰ ش.
۱۱. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. اعراب القرآن و بیانہ، محی الدین درویش.
۱۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، سیدرضا پاک نژاد.
۱۴. باد و باران در قرآن، مهدی بازرگان، به اهتمام سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ش.
۱۵. البلیو جرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم.
۱۶. بحار الانوار، محمدباقر المجلسی، طهران، المكتبه الاسلامیه، الطبعة الثانیه، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. بخشی از تفسیر کهن، مقدمه و تصحیح محمد روشن با یادداشتی از مجتبی مینوی، ۱۳۵۱ ش.

۱۸. بررسی ترجمه قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. البرهان فی علوم القرآن، محمد بن بهادر الزرکشی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۲۰. بهداشت ازدواج از نظر اسلام، سیدرضا پاک نژاد.
۲۱. البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الخویی، قم - نجف، انوار الهدی العلمیه، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. البیان و التبین، عمرو بن بحر جاحظ، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۲۱ ق.
۲۳. پژوهشی در تاریخ قرآن، سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرن اول هجری، ترجمه آهنگین از دو جزء قرآن مجید، به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجائی، ۱۳۵۳ ش.
۲۵. پیشگوئی های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.
۲۶. تاج التراجم، نسخه بادلیان.
۲۷. تاج الشریعه حاشیه الهدایه، ج ۱.
۲۸. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، (از آغاز تا عصر صفوی، ترجمه های قرآنی) تهران، سروش، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. تاریخ ترجمه قرآن در جهان، جواد سلماسی زاده،
۳۰. تاریخ قرآن، ابو عبدالله المجتهد الزنجانی، ترجمه ابوالقاسم سحاب، بی تا.
۳۱. تاریخ قرآن، محمدهادی معرفه، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
۳۲. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. تاریخ قرائت، هادی فضلی.
۳۴. التبیان فی تفسیر القرآن، محمدبن حسن الطوسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۵. تحریرالوسیله، السید روح الله الخمینی، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۶. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، المصطفوی.

۳۷. تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، محمدباقر سعیدی روشن، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.

۳۸. تدبّر در قرآن، ولی الله نقی پور.

۳۹. ترجمه القرآن الکریم، سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ ش.

۴۰. ترجمه تفسیر طبری، علمای ماوراء النهر، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶ ش، ۷ جلدی.

۴۱. ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی و منابع فهم قرآن برای آفریقاییان، حسن معایرجی، ترجمه یعقوب جعفری.

۴۲. ترجمه قرآن، سید ابوالقاسم پاینده.

ص: ۳۸۲

۴۳. ترجمه قرآن موزه پارس، علی رواقی، ۱۳۵۰ ش.
۴۴. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمدعلی کوشا.
۴۵. ترجمه المعانی القرآنیه، محمد احمد السنباطی.
۴۶. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم).
۴۷. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفه، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۵ ق.
۴۸. تفسیر الیضاوی المسمی انوار التنزیل، عبدالله بن عمر الیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۴۹. التفسیر الصافی، ملامحسن فیض الکاظمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۵۰. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، محمد رشیدرضا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۵۲. تفسیر القرآن کریم، السید عبدالله شبر، ایران، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۸ ق.
۵۳. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، فخر الدین الرازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزئی فی القرآن الکریم، محمدباقر الصدر.
۵۵. تفسیر بصائر یمینی، معین الدین محمد بن محمود النیشابوری، به کوشش علی رواقی، تهران، ۱۳۵۹ ش.
۵۶. تفسیر روح البیان، اسماعیل بن مصطفی الحقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۵۷. تفسیر روح المعانی، محمود بن عبدالله آلوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۸. تفسیر شنقشی (گزاره ای از بخشی از قرآن کریم)، محمدجعفر یاحقی، تهران، ۱۳۵۵ ش.
۵۹. تفسیر صحیح آیات مشکل قرآن، جعفر سبحانی،
۶۰. تفسیر قرآن پاک، نویسنده نامشخص، برگردان به خط فارسی نوین علی رواقی، ۱۳۴۸ ش.
۶۱. تفسیر قرآن مجید (نسخه مخطوط در کتابخانه کمبریج)، مترجم نامشخص، به کوشش دکتر جلال متینی، ۱۳۴۹ ش.
۶۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.



۶۳. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفه، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.

۶۴. التفسیر و المفسرون، محمد حسین الذهبي، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ ق.

۶۵. تفسیر و ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری، مهدی بیانی، و یحیی مهدوی، مشهور به سورآبادی (ترجمه قصه های قرآن تربت جام) تهران ۱۳۳۸ ش.

۶۶. تفسیر و ترجمه کشف الاسرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ابوالفضل رشید

ص: ۳۸۳

الدین میدی، ۱۳۳۱ ش و ۱۳۵۱ ش.

۶۷. تفسیری بر عشری از قرآن مجید، جلال متینی، ۱۳۵۲ ش.

۶۸. التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۶ ق.

۶۹. جامع البیان (تفسیر طبری)، محمد بن جریر الطبری.

۷۰. جامع البیان عن تاویل آی القرآن، محمد بن جریر الطبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

۷۱. الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.

۷۲. جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق کرکی علی بن الحسین، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

۷۳. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، حسین بن حسن الجرجانی، ابوالمحاسن، به کوشش میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران ۱۳۳۷ ش.

۷۴. چهل حدیث، السید روح الله الخمینی.

۷۵. حافظ نامه، بهاءالدین خرمشاهی.

۷۶. حدث الاحداث فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن، الشیخ محمد سلیمان.

۷۷. خدا و انسان در قرآن، توشبهتو ایزوتسو، ترجمه احمد آرام.

۷۸. دائره المعارف الاسلامیه، محمد ثابت الفندی، تهران، شرکت انتشارات جهانی، ۱۳۵۲ ش.

۷۹. دائرهالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.

۸۰. دائرهالمعارف نوین اسلام، ج.د پیرسن، مقاله ترجمه.

۸۱. دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرهالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

۸۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ ش.

۸۳. در آستانه قرآن، رژی بلاشر، ترجمه دکتر محمود رامیار، تهران، دفتر نشر، ۱۳۵۹ ش.

۸۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش.

۸۵. در سایه قرآن، سید قطب، ترجمه احمد آرام، ج ۱.

۸۶. درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۸۷. الدر فی الترجمان، محمد بن منصور المتحد المروزی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.

۸۸. الدفاع عن القرآن ضد منتقديه، عبدالرحمن البدوی، مدبولی الصغیر.

۸۹. الذریعه الی تصانیف الشیعه، محمد محسن آغا بزرگ الطهرانی، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۲ ش.

ص: ۳۸۴

۹۰. رساله القرآن و ترجمه، استاد عبدالرحیم، نجف، ۱۳۷۵ ق.

۹۱. روش شناسی تفسیر، رجبی و دیگران، انتشارات سمت.

۹۲. روش ها و سبک های ترجمه، محمدعلی رضائی اصفهانی، فصلنامه ترجمان وحی، ش ۱۵.

۹۳. روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتوح الرازی، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۴۴ ش، بی نا.

۹۴. رویان شناسی لانگمن، توماس وی سادلر، ترجمه دکتر بهادری و شکور.

۹۵. زاد المعاد فی هدی خیر العباد، محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۹۶. زبان دین، علی زمانی.

۹۷. سلامه القرآن من التحریف، فتح الله نجارزادگان، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ ش.

۹۸. سیر ترجمه قرآن در آلمان، پروفیسور حمید الله، جایگاه دانش.

۹۹. السیره النبویه، ابن هشام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ ق.

۱۰۰. صحیح البخاری (الجامع الصحیح)، محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق.

۱۰۱. صیانه القرآن عن التحریف، محمدهادی معرفه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۱۰۲. ضرورت به کارگیری باورهای صحیح در ترجمه قرآن، مصطفی کریمی، مجله معرفت، شماره ۷۳.

۱۰۳. طب در قرآن، دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی.

۱۰۴. طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.

۱۰۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه صدوق، قم، مشهدی، ۱۳۶۳ ش.

۱۰۶. فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی، محمدجواد مشکور.

۱۰۷. فرهنگ زبان فارسی، مهشید شیرازی.

۱۰۸. فرهنگنامه قرآنی، گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش های اسلامی با نظارت دکتر محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.

۱۰۹. فصلنامه بینات، موسسه امام رضا علیه السلام، شماره ۱ - ۴۳ (مقالات متعدد).
۱۱۰. فصلنامه ترجمان وحی، مرکز ترجمه قرآن به زبان های غیرفارسی، شماره ۱ - ۱۵.
۱۱۱. فصلنامه ترجمه، دانشگاه علامه طباطبایی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران ۱۳۶۵، ش ۲.
۱۱۲. فقه القرآن، آیات الاحکام تطبیقی، محمد فاکر میبدی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۱۳. فلسفه دین، علی اکبر رشاد، تهران سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۱۴. فن ترجمه در ادبیات عربی، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه دکتر عباس عرب.

۱۱۵. فی ظلال القرآن، سید قطب، دار الشروق، ۱۴۰۲ ق، الطبعة العاشرة.

۱۱۶. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۱۱۷. القرآن الکریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، نشر دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۷ ش.

۱۱۸. القرآن الکریم و ترجمه معانیه الی اللغه الفارسیه، (بازبینی ترجمه محدث دهلوی، توسط دکتر عبدالغفور، عبدالحق بلوچ و شیخ محمدعلی داری، با مقدمه دکتر عبدالله بن المحسن التركي) مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف.

۱۱۹. قرآن با ترجمه آیها لله مشکینی.

۱۲۰. قرآن عظیم، ترجمه فیض الاسلام، بی تا، بی جا، سه جلدی، ۱۶۶۹ ص.

۱۲۱. قرآن کریم با ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، قطع رحلی، چ ۲، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر، ۱۳۷۵ ش.

۱۲۲. قرآن کریم با ترجمه فارسی، به خط مصباح زاده، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۳۷ ش.

۱۲۳. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضائی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم، دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.

۱۲۴. قرآن کریم، ترجمه مهدی الاهی قمشه ای، تهران، بنیاد نشر قرآن و امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.

۱۲۵. قرآن مترجم آستان قدس رضوی (قرآن قدس)، علی رواقی، دو مجلد، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۱۲۶. قرآن مجید با ترجمه منظوم (قرآن نامه)، امید مجد، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۲۷. قرآن مجید، ترجمه آیها لله مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۶ ش.

۱۲۸. قرآن مجید، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴ ش.

۱۲۹. قرآن مجید، ترجمه محمد کاظم معزی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ش.

۱۳۰. قرآن مجید هندی تراجم، سیاره دیجست لاهور، (مترجمات القرآن باللغه الهندیه).

۱۳۱. قرآن ناطق، عبدالکریم بی آزار شیرازی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۱۳۲. القرآن و العلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل.

۱۳۳. الکاشف عن حقائق غوامض التنزیل، الزمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶ ق.

۱۳۴. الکافی، محمد بن یعقوب الكليني، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۸۸ ق.

۱۳۵. الکامل فی التاريخ، علی بن محمد ابن اثیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

۱۳۶. کتابشناسی انجمن شرقی اردو، پاکستان، کراچی، ۱۹۶۱ م.

۱۳۷. کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، عصمت و خالداران بینارق، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.

ص: ۳۸۶

۱۳۸. کتابشناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به شصت و پنج زبان، عصمت و خالداران بینارق، ترجمه محمد آصف فکرت، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.
۱۳۹. الککشول، محمد بهاء‌الدین العاملی، مصر، بی‌نا، ۱۳۷۰ ق.
۱۴۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم الخراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۴۱. کوفی (سوره مائده از قرآن کوفی با ترجمه استوار فارسی)، مقدمه دکتر رجائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۵۰ ش.
۱۴۲. گذشته و آینده جهان، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی.
۱۴۳. گفتگوهای قرآنی (گزیده نشست‌ها و سخنرانی‌های سرای قرآن و اندیشه)، یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۸۲ ش.
۱۴۴. گنجینه قرآن.
۱۴۵. لسان التنزیل، (مؤلف مجهول)، به اهتمام و تصحیح مهدی محقق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴ ش.
۱۴۶. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن المنظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۱۴۷. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، (و محمد معین و جعفر شهیدی)، تهران، نشر دانشگاه تهران و موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۳۷ - ۱۳۵۲ ش.
۱۴۸. المبسوط شرح کافی، السرخسی، چاپ سعادت، مصر ۱۳۳۱ ق.
۱۴۹. مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، شماره اول، (مقالات).
۱۵۰. مجله زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره اول و دوم (مقالات).
۱۵۱. مجله نشر دانش، سال ششم و سال یازدهم (۱۳۶۵ - ۱۳۷۰) (شماره‌ها و مقالات متعدد).
۱۵۲. مجله الازهر، الشیخ محمد الشلتوت، الرقم ۷، ترجمه القرآن و نصوص العلماء.
۱۵۳. مجله التوحید، صدر الافاضل پاکستانی، س ۲، ش ۹، مناهج التفسیر فی شبه القاره.
۱۵۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن الطبرسی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۱۵۵. مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ ش.



١٥٦. محيط المحيط، بطرس البستاني.

١٥٧. مدخل الى القرآن الكريم، محمد عبدالله دراز، عرض تاريخي و تحليلي مقارنة.

١٥٨. مستمسك العروه الوثقى، سيد محسن الحكيم، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٤١١ ق.

١٥٩. المصباح المنير، احمد بن محمد الفيومي، بيروت، مكتبه البنان، ١٩٨٧ م.

١٦٠. معجم مصنفات القرآن، على شواخ اسحاق، منشورات دارالرفاعي للنشر، ١٤٠٤ ق.

ص: ٣٨٧

۱۶۱. معجم مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، تحقیق: ندیم مرعشلی، بی تا، بی جا.
۱۶۲. المغنی، ابن هشام، چاپ تبریز، سوق المسجد الجامع، بی تا.
۱۶۳. مقاله نقش دانش های مترجم در ترجمه فارسی، محمدعلی رضائی اصفهانی، ش ۱۲.
۱۶۴. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، موریس بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶۵. مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبدالعظیم الزرقانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۶۶. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، فتح الله الکاشانی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۶۷. الموافقات فی اصول الاحکام، ابواسحاق شاطبی، تحقیق: محی الدین عبدالحمید.
۱۶۸. مواهب علیه (تفسیر حسینی)، کمال الدین حسین الکاشفی، با تصحیح و تحقیق سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، ۱۳۱۷ ش.
۱۶۹. المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمد حسین الطباطبائی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۱۷۰. ناصر مکارم شیرازی، قطع جیبی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۷۱. نخستین مفسران پارسی نویس، موسی درودی.
۱۷۲. نورالثقلین، جمعه العروسی الحویزی، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۳ ش.
۱۷۳. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، (سه جلدی).
۱۷۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ ق.
۱۷۵. یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس..

E. Nida: The Theory and practic of Translation. Chapters ۳. ۱۹۶۹.۱۷۷. The . ۱۷۶  
 Eyclopedia of Islam, New Edition.۱۷۸. Encyclopoedia of the Quran, Aorom – Andrew  
 .Rippin

شماره نام کتاب پدیدآورنده / مترجم زبان نوبت و سال

۱ آزادی اراده انسان در کلام اسلامی طاهره روحانی، حلیمه حسینی فارسی اول، ۱۳۸۱

۲ آشنایی با ادیان بزرگ حسین توفیقی فارسی نهم، ۱۳۸۵

۳ آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران حسین علوی مهر فارسی اول، ۱۳۸۴

۴ آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی دکتر علی نصیری فارسی اول، ۱۳۸۵

۵ آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت دکتر علی نصیری فارسی اول، ۱۳۸۵

۶ آشنایی با صحیفه سجاده محمد علی مجد فقیهی فارسی اول، ۱۳۸۵

۷ آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه مهدی مهریزی فارسی سوم، ۱۳۸۵

۸ آفتاب فقاہت (زندگی مقام معظم رهبری) محمد یعقوب بشوی اردو اول، ۱۳۸۲

۹ آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری) محمد حسین فلاح زاده فارسی سوم، ۱۳۸۶

۱۰ آموزش صرف سید قاسم حسینی، غلامعلی صفائی و محمود ملکی فارسی دوم، ۱۳۷۹

۱۱ آموزش فارسی به فارسی (کتاب دوم و سوم) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی چهارم، ۱۳۸۶

۱۲ آموزش فارسی به فارسی (کتاب چهارم و پنجم) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی سوم، ۱۳۸۶

۱۳ آموزش فارسی به فارسی (کتاب ششم) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی دوم، ۱۳۸۶

۱۴ آموزش فارسی به فارسی (تمرین کتاب ششم) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی دوم، ۱۳۸۶

۱۵ آموزش کلام اسلامی ۲ (راهنماشناسی، معادشناسی) محمد سعیدی مهر فارسی اول، ۱۳۷۸

۱۶ آموزش نماز محمد زین العابدین ایوبی بنگلا اول، ۱۳۸۲

۱۷ آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱، ۲ محمد فتحعلی خانی فارسی اول، ۱۳۷۹

۱۸ آیات الاحکام تطبیقی محمد فاکر میبدی فارسی اول، ۱۳۸۳

- ۱۹ احكام و مقررات شكار و صيد على اكبر صادقى فارسى اول، ۱۳۸۵
- ۲۰ اخلاق تبليغ در سيرة رسول الله صلى الله عليه و آله سيد مرتضى حسيني فارسى دوم، ۱۳۸۵
- ۲۱ اسباب النزول القرآنى؛ تاريخ و حقائق حسن محسن حيدر عربى اول، ۱۳۸۵
- ۲۲ اسرار نماز رجبعلى حيدرى اردو اول، ۱۳۸۵
- ۲۳ اسلام و مسيحيت؛ الاهيات تطبيقى توفيق اسداف و افضل الدين رحيم اف آذرى اول، ۱۳۸۵
- ۲۴ اصول تدوين ضوابط و مقررات گروه قوانين و مقررات فارسى اول، ۱۳۸۵
- ۲۵ اعتقاد ما آيت الله مكارم شيرازى، مترجم: افضل الدين رحيم او آذرى اول، ۱۳۸۳
- ۲۶ اعتقاد ما آيت الله مكارم شيرازى، مترجم: سيد قمر غازى هندی اول، ۱۳۸۳
- ۲۷ اعتقاد ما آيت الله مكارم شيرازى، مترجم: محمد نظام الدين تامبلى اول، ۱۳۸۴
- ۲۸ الأحوال الشخصية (الطلاق) الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوى عربى اول، ۱۳۸۴
- ۲۹ الأحوال الشخصية (النكاح) السيد محمد النجفى فارسى اول، ۱۳۸۵
- ۳۰ الاخلاق السياسيه فى المنهج الاسلامى السيد شهاب الدين الحسينى عربى اول، ۱۳۸۳
- ۳۱ الاخلاق والحضاره على حسن الياصرى عربى اول، ۱۳۸۳
- ۳۲ الامام على وتنميه ثقافه اهل الكوفه محمد العبادى عربى اول، ۱۳۸۱
- ۳۳ التبليغ مناهجه واساليه جعفر البجارى عربى اول، ۱۳۸۲
- ۳۴ الخلود فى جهنم محمد عبد الخالق كاظم عربى اول، ۱۳۸۳
- ۳۵ الدعاء عند اهل البيت عليهم السلام محمد مهدي العاصفى عربى دوم، ۱۳۸۳
- ۳۶ الدوله الاسلاميه من التوحيد الى المدنيه نزار عيدانى عربى اول، ۱۳۸۱
- ۳۷ العداله الاجتماعيه فى الاسلام سيد فاضل موسى جابرى عربى اول، ۱۳۸۲
- ۳۸ القصاص القرآنى آيه الله السيد محمد باقر الحكيم عربى دوم، ۱۳۸۳

٣٩ القواعد الفقهية ٢ (قاعده لاضرر، حجيها لبينه و...) الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوي عربي اول، ١٣٨٤

٤٠ المعاد الجسماني شاکر عطيه الساعدي عربي اول، ١٣٨٣

ص: ٣٨٩

شماره نام کتاب پدیدآورنده / مترجم زبان نوبت و سال

۱۴۱ الهدایه فی النحو تصحیح و تعلیق: حسین شیرافکن عربی هشتم، ۱۳۸۵

۱۴۲ انسان و سرنوشت شهید مطهری، مترجم: محمد اشرف شجاع انگلیسی اول، ۱۳۸۳

۱۴۳ اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت سید ابوالحسن باقری فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۴۴ این است دین اسلام سید یونس استروشنی تاجیکی اول، ۱۳۸۶

۱۴۵ بازگشت به عصر دین احمد رضا میرحاجتی، مترجم: قدری چلیک استانبولی اول، ۱۳۸۲

۱۴۶ بر درگاه دوست آیت الله مصباح یزدی، مترجم: محمد اریش والدمن آلمانی اول، ۱۳۸۳

۱۴۷ بطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت حیدر طباطبایی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۴۸ پله پله تا آسمان علم محمد عابدی فارسی اول، ۱۳۸۱

۱۴۹ تاریخ حدیث دکتر سید رضا مؤدب فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۵۰ تاریخ فدک وزیر عباس حیدری مظفرنگری اردو اول، ۱۳۸۳

۱۵۱ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی محمد رضا کاشفی فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۵۲ تاریخ فلسفه اسلامی حسن معلمی و همکاران فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۵۳ تاریخ قرآن محمد حسین محمدی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۵۴ تحریر الأسفار للمولی صدرالدین شیرازی ج ۱-۳ الدكتور علی الشیروانی عربی اول، ۱۳۸۴

۱۵۵ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران محمد مهدی باباپور فارسی اول، ۱۳۸۲

۱۵۶ تعلیمات نهج البلاغه سعی و اهتمام: مؤسسه فکر اسلامی انگلستان اردو اول، ۱۳۸۵

۱۵۷ تفسیر آیات ولایت آیت الله مکارم شیرازی، مترجم: محمد سمیع الحق بنگلا اول، ۱۳۸۴

۱۵۸ تفسیر تطبیقی دکتر فتح الله نجار زادگان فارسی اول، ۱۳۸۳

۱۵۹ تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه اهل بیت و اهل سنت... ایلقار اسماعیل زاده فارسی اول، ۱۳۸۲

- ۶۰ تفسیر تطبیقی آیه مودت فدا حسین عابدی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۶۱ تفسیر سوره فرقان آیت الله مکارم شیرازی، مترجم: جمعی از مترجمان تاجیکی اول، ۱۳۸۵
- ۶۲ تفسیر سوره نور آیت الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی تاجیکی اول، ۱۳۸۶
- ۶۳ تفسیر مقدماتی قرآن کریم دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۶۴ جای پای آفتاب سیدعلی نقی میرحسینی فارسی اول، ۱۳۸۲
- ۶۵ جلوه نور آیت الله علی سعادت پرور، مترجم: محمد امین استانبولی اول، ۱۳۸۳
- ۶۶ جوابات سخنان سپاه صحابه آیه الله علی کورانی عاملی، مترجم: سید ابو محمد نقوی اردو اول، ۱۳۸۵
- ۶۷ چکیده پایان نامه های کارشناسی ارشد (۱) اداره کل تحصیلات تکمیلی مرکز جهانی فارسی اول، ۱۳۸۶
- ۶۸ حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق) سید علی میرداماد نجف آبادی و دیگران فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۶۹ حقوق اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر اهل سنت محمد یعقوب بشوی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۷۰ حکومت دینی در اندیشه امام خمینی و مودودی ضامن علی حبیبی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۷۱ حوار الحقیقه فی ضوء رؤیه التوحید الدینی الثقافی تحسین البدری عربی اول، ۱۳۸۲
- ۷۲ خدا و صفات خدا در مکتب امامیه و ماتریدیه حیات الله ناطقی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۷۳ خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری، مترجم: مینابوکار و ادیس تیجانی انگلیسی اول، ۱۳۸۳
- ۷۴ داستان پیامبران محمد محمدی اشتهاردی، مترجم: محمد حسین اف روسی اول، ۱۳۸۶
- ۷۵ داستانهای بحار الانوار محمد ناصری، مترجم: محمدعلی مرتضی بنگلا اول، ۱۳۸۴
- ۷۶ درآمدی بر ساختار اداری حکومت اسلامی عبدالعلی محمدی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۷۷ درآمدی بر نظام تربیتی اسلام محمد علی حاجی ده آبادی فارسی اول، ۱۳۷۷
- ۷۸ درآمدی به تاریخ علم اصول مهدی علی پور فارسی اول، ۱۳۸۲
- ۷۹ درآمدی به شیعه شناسی علی ربّانی گلپایگانی فارسی دوم، ۱۳۸۵

۸۰ دراسات موجزه فی الخيارات والشروط آیه الله جعفر السبحانی عربی اول، ۱۳۸۱

۸۱ در انتظار خورشید (مقالات همایش در انتظار خورشید) جمعی از مؤلفان فارسی اول، ۱۳۸۵

۸۲ در جست و جوی حق (...چهار زمامدار پس از رسول خدا) حیدر مظفری ورسی فارسی اول، ۱۳۸۴

۸۳ در جست و جوی فرقه ناجیه ناظم زینال اوروسی اول، ۱۳۸۳

ص: ۳۹۰



شماره نام کتاب پدید آورنده / مترجم زبان نوبت و سال

۸۴ درسنامه تاریخ عصر غیبت پور سید آقایی، جباری، عاشوری و حکیم فارسی دهم، ۱۳۸۶

۸۵ درسنامه درایه الحدیث دکتر سیدرضا مؤدب فارسی اول، ۱۳۸۳

۸۶ درسنامه عقاید دکتر علی شیروانی فارسی چهارم، ۱۳۸۶

۸۷ درسنامه وضع حدیث دکتر ناصر رفیعی محمدی فارسی اول، ۱۳۸۴

۸۸ دروس تمهیدیه فی اصول العقائد صادق الساعدی عربی دوم، ۱۳۸۳

۸۹ دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی ج ۱-۴ الشیخ باقر الایروانی عربی پنجم، ۱۳۸۶

۹۰ دروس فی البلاغه الشیخ معین دقیق العاملی عربی دوم، ۱۳۸۳

۹۱ دروس فی الشیعه والتشیع علی الربانی الکلایگانی، تعریب: انور الرصافی عربی اول، ۱۳۸۳

۹۲ دروس فی الفقه الاستدلالی ج ۱، ۲ الشیخ باقر الایروانی عربی اول، ۱۳۸۲

۹۳ دروس فی الفقه المعاملات (البیع) السید محمد کاظم المصطفوی عربی اول، ۱۳۸۲

۹۴ دروس فی المناهج والاتجاهات التفسیریة للقرآن محمد علی الرضائی الاصفهانی، تعریب: قاسم البیضانی عربی اول، ۱۳۸۳

۹۵ دروس فی تاریخ الادیان حسین توفیقی، تعریب: انور الرصافی عربی دوم، ۱۳۸۳

۹۶ دروس فی تاریخ الفقه وادواره آیها لله جعفر السبحانی عربی اول، ۱۳۸۳

۹۷ دروس فی علم الدرایه دکتر سید رضا مؤدب، تعریب: قاسم البیضانی عربی اول، ۱۳۸۴

۹۸ دروس فی مبادئ الفقه ومعرفه ابوابه حسن الرضائی عربی اول، ۱۳۸۴

۹۹ دروس فی نصوص الحدیث ونهج البلاغه مهدی المهریزی، تعریب: انور الرصافی عربی دوم، ۱۳۸۳

۱۰۰ دروس موجزه فی علمی الرجال والدرایه آیه الله جعفر السبحانی عربی سوم، ۱۳۸۵

۱۰۱ دوستی در کتاب و سنت محمد ری شهری، مترجم: حکیم جان کمال اف تاجیک اول، ۱۳۸۵

۱۰۲ رابطه قرآن و عترت از دیدگاه شیعه و اهل سنت فداحسین عابدی فارسی اول، ۱۳۸۵

- ۱۰۳ ار از آفرینش اهل بیت علیهم السلام سید محمد علی موسوی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۱۰۴ رساله ای کوتاه در باب ضیافت الاهی محمد م. خلفان انگلیسی اول، ۱۳۸۳
- ۱۰۵ اریارویی تمدن اسلامی و مدرنیته سید محمد عارف حسینی فارسی اول، ۱۳۸۱
- ۱۰۶ اریافتی بر علم سیاست و جنبشهای اسلامی معاصر عبدالوهاب فراتی فارسی اول، ۱۳۷۸
- ۱۰۷ ازبان تصویر ۱ (بلمی به سوی ساحل) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۱۰۸ ازبان تصویر ۲ (زنگها) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۱۰۹ ازبان تصویر ۴ (یاسهای وحشی) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۱۱۰ ازبان تصویر ۵ (سفیر) مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی فارسی اول، ۱۳۸۴
- ۱۱۱ ازبان دین گستر در تاریخ اسلام طاهره روحانی فارسی اول، ۱۳۸۲
- ۱۱۲ ازهرها علیها السلام برترین بانوی جهان آیت الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی تاجیکی اول، ۱۳۸۶
- ۱۱۳ سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان اکرم خان زیاد الله تاجیکی اول، ۱۳۸۴
- ۱۱۴ سید رضی؛ زندگی و کارنامه زاهد علی هندی اردو اول، ۱۳۸۶
- ۱۱۵ سیره پیشوایان مهدی پیشوایی، مترجم: مائیس حق وردی اف آذری اول، ۱۳۸۵
- ۱۱۶ سیره تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سارا رضایی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۱۱۷ سیری در صحیحین آیت الله نجمی، مترجم: محمدمنیرخان اردو اول، ۱۳۸۵
- ۱۱۸ سیمای جهاد و مجاهدان در قرآن (تفسیر سوره انفال) دکتر علی شیروانی فارسی دوم، ۱۳۸۵
- ۱۱۹ شخصیت و حقوق زن در اسلام جمعی از مؤلفان فارسی اول، ۱۳۸۲
- ۱۲۰ شیعه شناسی در تاریخ اسلام حیدرعلی بنگالی بنگالا اول، ۱۳۸۵
- ۱۲۱ صف و ستاد در سازمان گروه امور سازمانی فارسی اول، ۱۳۸۵
- ۱۲۲ عدل الاهی شهید مطهری، مترجم: شجاع علی میرزا و ... انگلیسی اول، ۱۳۸۳

۱۲۳ علم الدرايه المقارن دكتر سيد رضا مؤدب، تعريف: قاسم البيضانى عربى اول، ۱۳۸۴

۱۲۴ علم الدرايه تطبيقى دكتر سيد رضا مؤدب فارسى اول، ۱۳۸۲

۱۲۵ علم الكلام المعاصر حيدر حبّ الله عربى اول، ۱۳۸۱

۱۲۶ علم و عقل از ديدگاه مكتب تفكيك سيد عباس مرتضوى فارسى اول، ۱۳۸۱

ص: ۳۹۱

شماره نام کتاب پدیدآورنده / مترجم زبان نوبت و سال

۱۲۷ فرق و مذاهب کلامی علی ربّانی گلپایگانی فارسی چهارم، ۱۳۸۵

۱۲۸ فلسفه اخلاق محمد فتحعلی خانی فارسی اول، ۱۳۷۷

۱۲۹ فلسفه اخلاق حسن معلمی فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۳۰ فلسفه التریبه فی الاسلام السید نذیر الحسنی عربی اول، ۱۳۸۱

۱۳۱ فی الأخلاق النظریه السید عبدالهادی الشریفی عربی اول، ۱۳۸۳

۱۳۲ فی رحاب العقیده ج ۱-۳ سید محمد سعید حکیم، مترجم: مظاهر شاه صاحب اردو اول، ۱۳۸۶

۱۳۳ اقصاوت زن از دیدگاه فقه شیعه سید محمد یعقوب موسوی سنگلاخی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۳۴ کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الاهی) علی ربّانی گلپایگانی فارسی اول، ۱۳۸۳

۱۳۵ کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد) علی ربّانی گلپایگانی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۳۶ گزیده تحف العقول ابن شعبه حرّانی، مترجم: عبدالحکیم کمالی تاجیکی اول، ۱۳۸۶

۱۳۷ گزیده شهاب الاخبار قاضی قضایی، مترجم: عبدالحکیم کمالی تاجیکی اول، ۱۳۸۶

۱۳۸ گزیده غررالحکم و دررالکلم عبدالواحد تمیمی آمدی، مترجم: عبدالحکیم کمالی تاجیکی اول، ۱۳۸۶

۱۳۹ مادران چهارده معصوم علیهم السلام حیدر مظفری ورسی فارسی اول، ۱۳۸۲

۱۴۰ مبانی جامعه شناسی مجید کافی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۴۱ مبانی نقد متن الحدیث قاسم البیضانی عربی اول، ۱۳۸۵

۱۴۲ مبانی و روشهای تفسیری دکتر محمد کاظم شاکر فارسی اول، ۱۳۸۲

۱۴۳ مجموعه مقالات سمینار افغانستان ج ۱، ۲ جمعی از پژوهشگران فارسی اول، ۱۳۸۲

۱۴۴ مصحف امام علی علیه السلام سید عبدالرحیم موسوی، مترجم: عبدالله أحمد زانگوانگلیسی اول، ۱۳۸۳

۱۴۵ معجم الافعال المتداوله و مواطن استعمالها السید محمد الحیدری عربی اول، ۱۳۸۱

۱۴۶ معرفت شناسی حسن معلمی فارسی اول، ۱۳۸۳

۱۴۷ معرفه ابواب الفقه (تلخیص تحریر الوسيله) محسن الفقیهی عربی چهارم، ۱۳۸۵

۱۴۸ معصومان امت اسلامی (تفسیر تطبیقی آیه تطهیر) مؤلف و مترجم: ایلقار اسماعیل زاده آذری اول، ۱۳۸۴

۱۴۹ مکه در بستر تاریخ نعت الله صفری فروشانی فارسی اول، ۱۳۸۶

۱۵۰ منجی (امام مهدی عج از دیدگاه قرآن و حدیث) ایلقار اسماعیل زاده آذری اول، ۱۳۸۳

۱۵۱ منطق تفسیر قرآن ۲ (روشها و گرایشهای تفسیری قرآن) دکتر محمد علی رضایی اصفهانی فارسی دوم، ۱۳۸۵

۱۵۲ موجز الادب العربی محمد علی آذر شب عربی اول، ۱۳۷۷

۱۵۳ مودت القربی و اهل العبا میر سیدعلی همدانی، مترجم: الیاس قاسم اف تاجیکی اول، ۱۳۸۵

۱۵۴ میراث تفسیری اهل بیت علیهم السلام سید حسین هاشمی فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۵۵ نافذه علی الفلسفه صادق الساعدی عربی دوم، ۱۳۸۴

۱۵۶ نحو القرآن حسن الرضائی عربی اول، ۱۳۸۳

۱۵۷ نظام حقوقی اسلام جلیل قنواتی فارسی اول، ۱۳۷۷

۱۵۸ نظریه العرف بین الشریعه و القانون السید نذیر الحسنی فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۵۹ نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت محمد یعقوب بشوی فارسی اول، ۱۳۸۴

۱۶۰ نقش حسابداری در توسعه اقتصادی احمد صادقی گل‌مکانی - محسن برزوزاده فارسی اول، ۱۳۸۵

۱۶۱ نقوش فقیه در عصر غیبت امام (عج) سید شمشاد حسین رضوی اردو اول، ۱۳۸۵

۱۶۲ نگره های عمده در پیوند دین و فلسفه سید محمد مهدی افضل فارسی اول، ۱۳۸۳

۱۶۳ واژه شناسی قرآن مجید غلامعلی همایی فارسی اول، ۱۳۸۳

۱۶۴ وایه الحکمه فی شرح نهایه الحکمه حسین عشاقی الاصفهانی عربی اول، ۱۳۸۲

۱۶۵ وعرفت من هم اهل البیت علیهم السلام حسینه حسن الدریب عربی اول، ۱۳۸۵

۱۶۶ ولایت در پرتو آیات علی جان محمدی (قره باغی) فارسی اول، ۱۳۸۳

ص: ۳۹۲

۱۶۷ اوهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی آیت الله جعفر سبحانی، مترجم: یونس محمدثانی هوسا اول، ۱۳۸۴

۱۶۸ یوسف قرآن (تفسیر سوره یوسف) محسن قرائتی، مترجم: امان الله بابایی تاجیکی اول، ۱۳۸۴

ص: ۳۹۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

